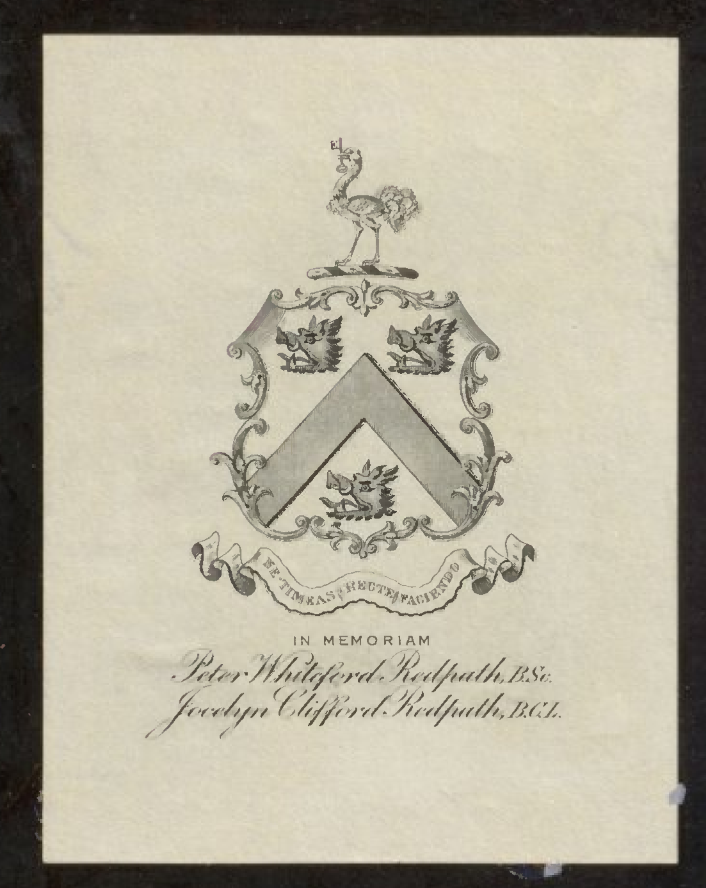
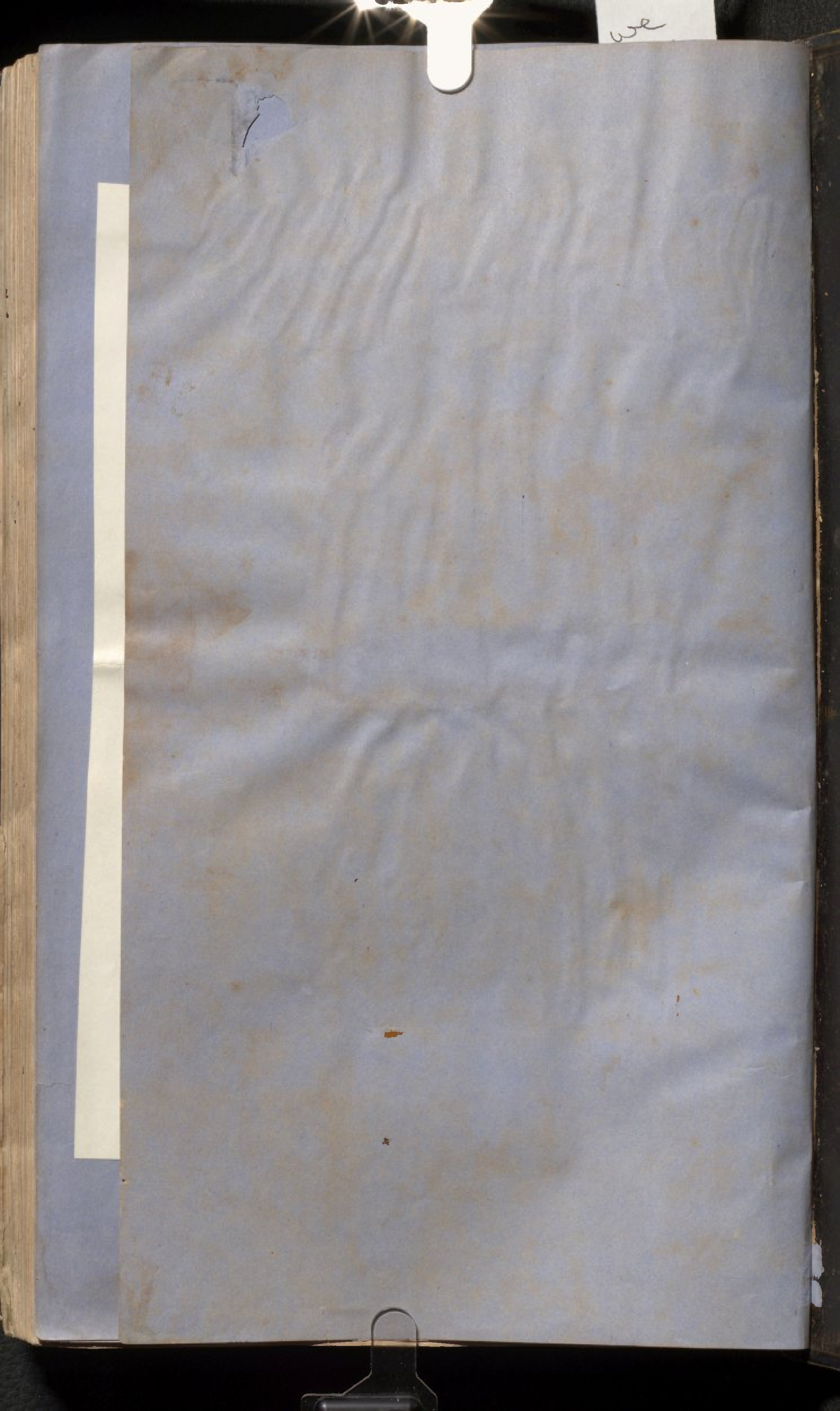



NE TIMEAS RECTE FACIENDO



A20

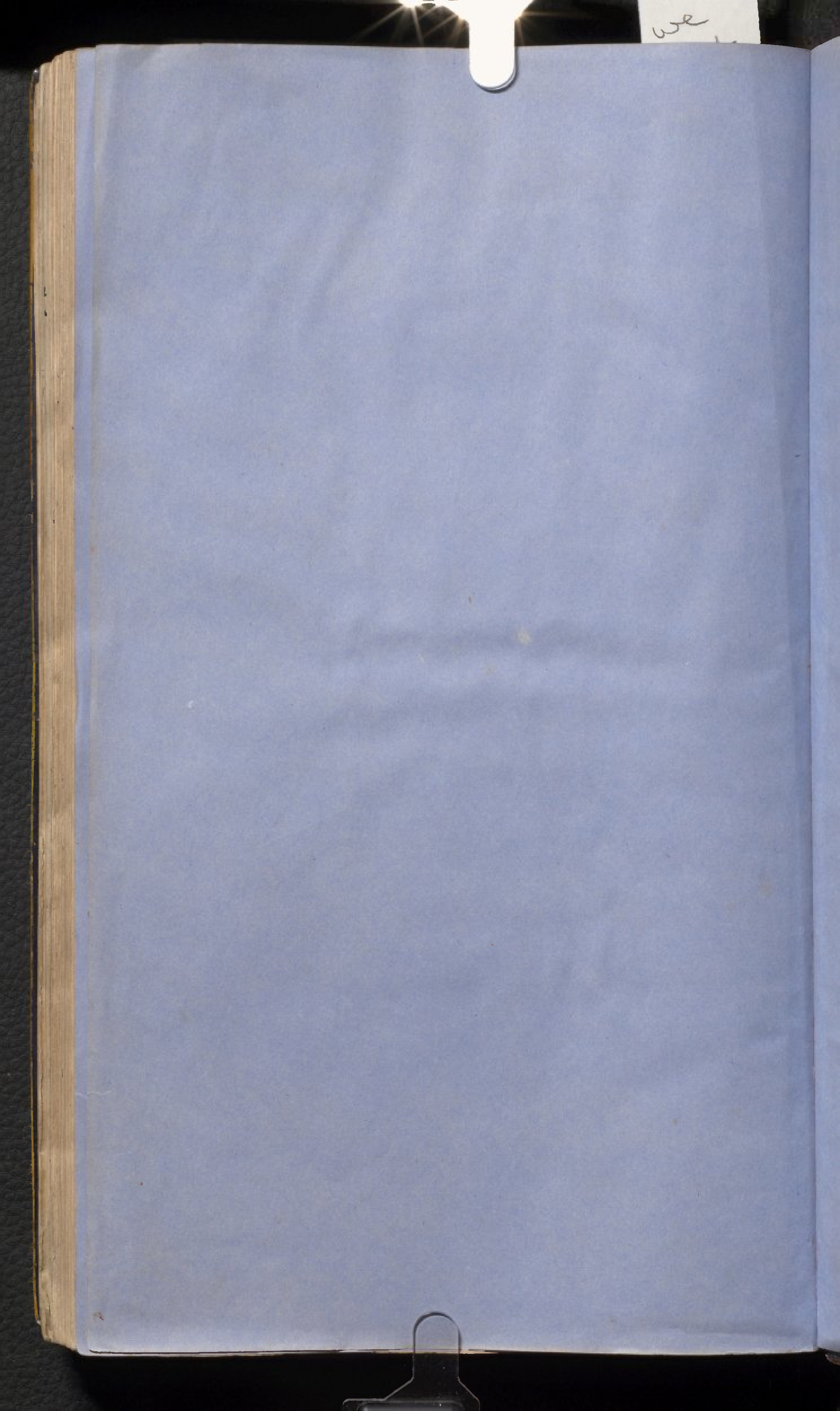
312 **PERSIAN ILLUMINATED MANUSCRIPT.**—KORAN IN ARABIC, WITH AN INTERLINEAR TRANSLATION IN PERSIAN, sm. folio, 11¼ by 6½ inches, A FINELY WRITTEN XIXTH CENTURY MANUSCRIPT, *the Arabic in black, the Persian in red, on* 408 *leaves of vellum-like native paper, every page within line borders of gold and blue,* DECORATED WITH 6 FULL-PAGE ORNAMENTAL 'UNWANS, REMARKABLE FOR THEIR BEAUTY OF DESIGN AND COLOUR WORK, 109 *ornamental chapter headings, etc., the whole delicately painted in gold and colours by a skilful Persian artist,* IN A BEAUTIFUL LAQUER WORK NATIVE BINDING, *containing a large centre panel covered with an exquisite floral design, with foliage, in colours, heightened with gold,* EXECUTED BY A FIRST-RATE PERSIAN BINDER, AND IN A FINE STATE OF PRESERVATION, *in cloth box*
£25

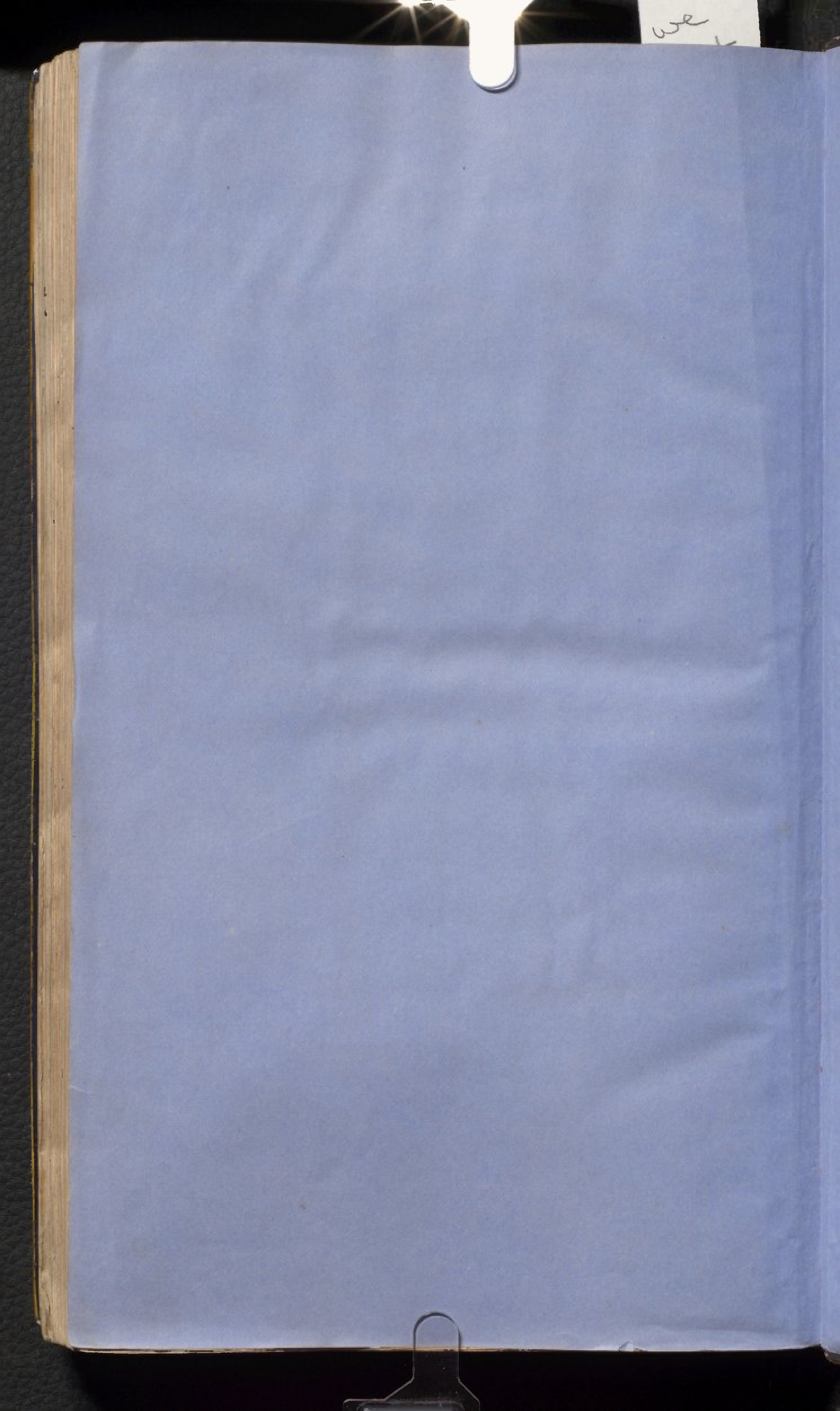
A very beautiful example of modern Persian art, both writing, decorative work and binding being of the best quality.

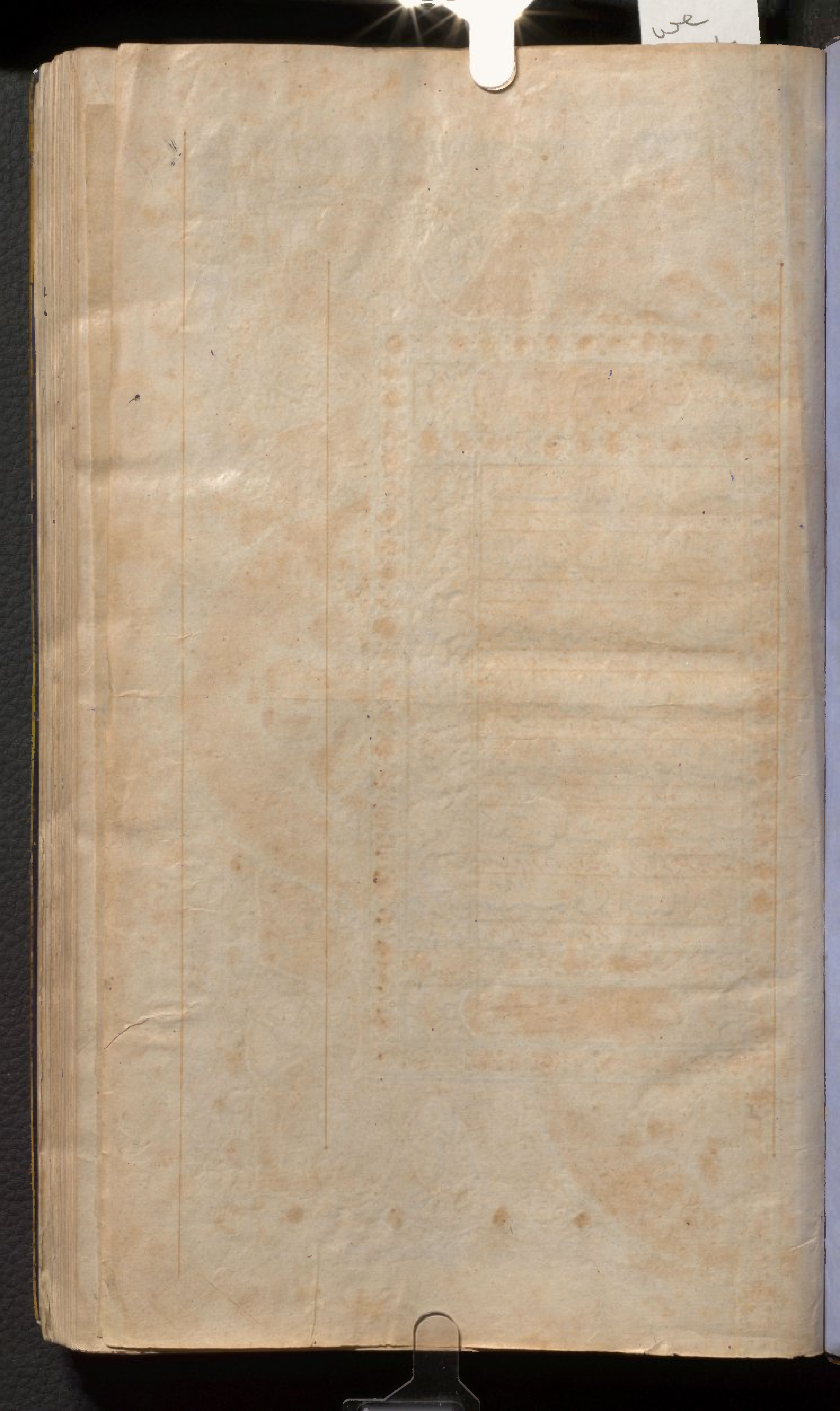
(all)



No. 303. Persian MS.









سورة فاتحة الكتاب مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا بخشاینده مهربان

الحمد لله رب العلمين الرحمن

ستایش خدا راست پروردگار عالمها بخشاینده

الرحيم ملك يوم الدين اياك

مهربان خداوند روز جزا ترا

نعبد واياك نستعين اهدنا

می پرستیم و از تو می طلبیم بنما ما را

الصراط المستقيم صراط الذين

راه راست راه آنکه

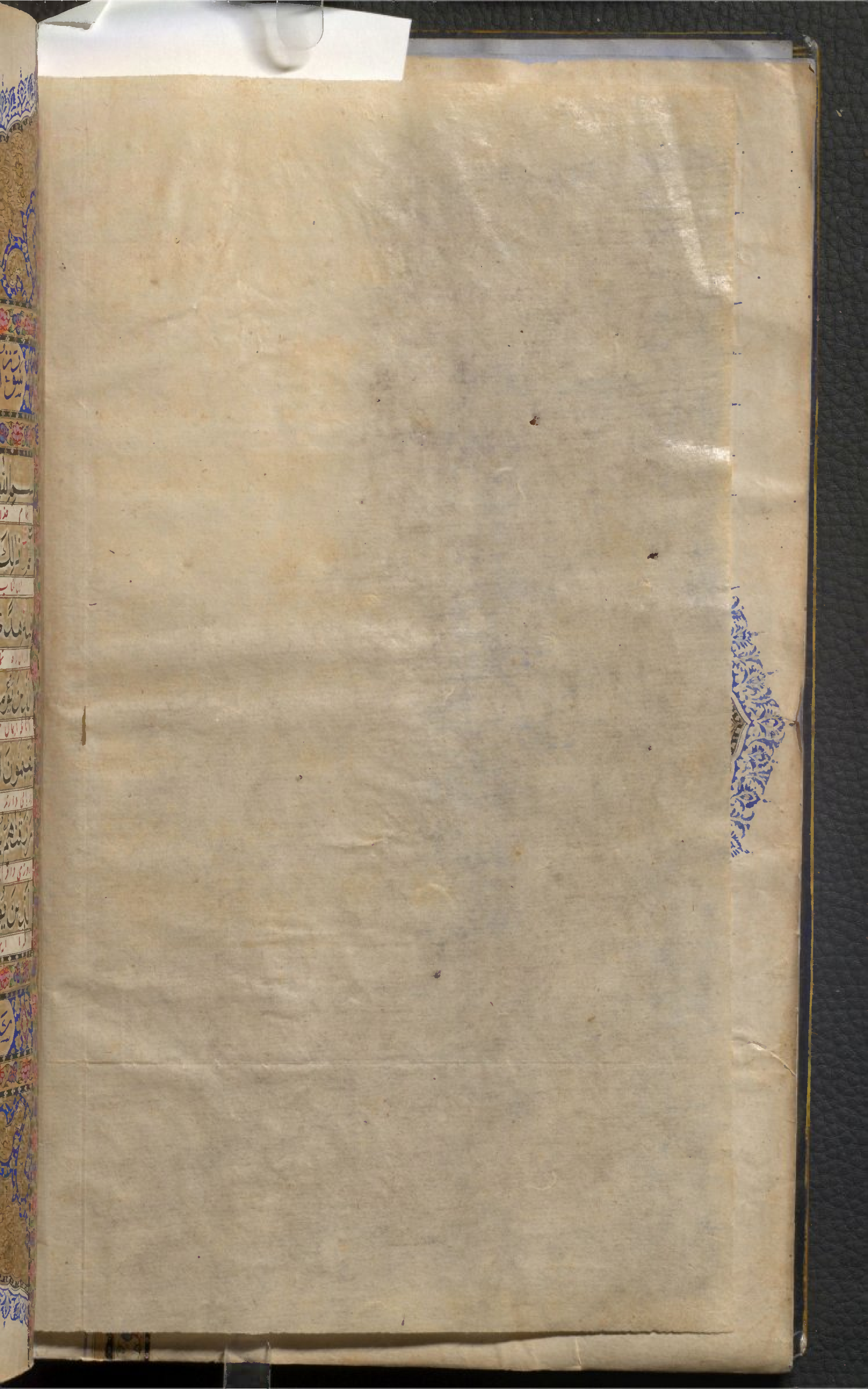
انعمت عليهم غير المغضوب

انعام کرده بر ایشان بجز آنکه خشم کرفته شد

عليهم ولا الضالين

بر آنها و بجز کمراهان

وهي سبع ايات





سورة البقرة مدنية وهي مائتان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا بخشاینده مهربان

الم ۝ ذلك الكتب لا ريب

این کتاب ما هیچ شبهه نیست

فيه هدى للمتقين ۝

دران راه نماست برهیزکاران

الذين يؤمنون بالغيب و

آنانکه ایمان می آرند بنادیده

يقيمون الصلوة ومما

برپا می دارند نماز و از آنچه ایشان را

رزقنهم ينفقون ۝ و

روزی دادیم خرج میکنند و

الذين يؤمنون بما انزل

آنانکه ایمان می آرند و آنچه فرود آورده

سبع وثمانون آية

إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ
بسوی تو وآنچه فرو آورده شد از پیش تو وبآخره ایشان

يُوقِنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ
یقین دارند ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
وایشانند رستگاران هر آینه آنانکه کافر شدند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا
برابر است برایشان که ترسانی ایشانرا یا نترسانی

يُؤْمِنُونَ ۝ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ
ایمان نیارند مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوای ایشان

وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝
وبر چشمهای ایشان پرده ایست وایشانراست عذاب بزرگ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ
واز مردمان کسی هست که میگوید ایمان آوردیم بخدا وبروز بازپسین

الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ۝ يُخَادِعُونَ اللَّهَ
آخره ونیستند ایشان گرویدگان فریب میدهند خدارا

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا
ومومنان را بحقیقت نمی فریبند مگر خود را و

يَشْعُرُونَ ۝ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ
آگاه نمی شوند در دل ایشان بیماریست افزون داد خدای

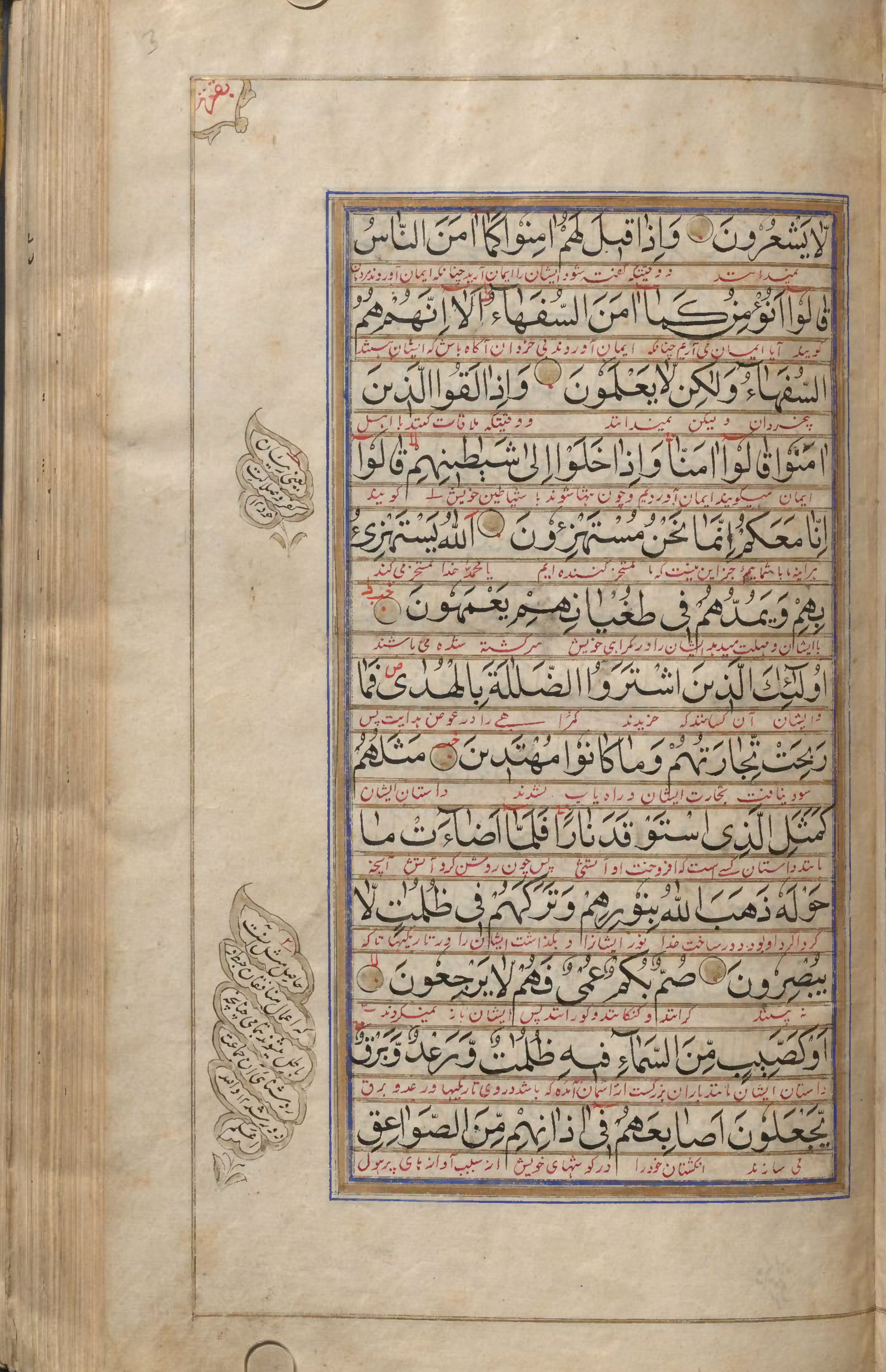
مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ
بیماری او ایشانراست عذاب دردهنده بسبب آنکه دروغ می گفتند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا
وچون گفته شود ایشانرا تباهکاری مکنید در زمین گویند

نَحْنُ مُصْلِحُونَ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ
بجز این نیست که اصلاح کاریم آگاه شو بتحقیق ایشانند تباه کار ولیکن

ع

لا



بقرة

لا يشعرون ۝ وإذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس

نمیدانستند ۝ و چون گفته شود ایشان را ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان

قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء ألا إنهم هم

گویند آیا ایمان می آریم چنانکه ایمان آوردند بی خردان آگاه باش که ایشان ایشانند

السفهاء ولكن لا يعلمون ۝ وإذا لقوا الذين

بیخردان و لیکن نمیدانند و چنانکه ملاقات کنند با اهل

آمنوا قالوا آمنا وإذا خلوا إلى شياطينهم قالوا

ایمان میگویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند با شیاطین خویش گویند

إنا معكم إنما نحن مستهزءون ۝ الله يستهزئ

بدرستی ما با شمائیم جز این نیست که ما مسخره کننده ایم با محمد خدا مسخره می کند

بهم ويمدهم في طغيانهم يعمهون ۝

با ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده می باشند

أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما

ایشان آن کسانند که خریدند گمراهی را در عوض هدایت پس

ربحت تجارتهم وما كانوا مهتدين ۝ مثلهم

سود ننمود تجارت ایشان و راه یاب نشدند داستان ایشان

كمثل الذي استوقد نارا فلما أضاءت ما

مانند داستان کسیست که افروخت او آتش پس چون روشن کرد آتش آنچه

حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في ظلمات لا

گردا گرد او بود در ساخت خدا نور ایشان را و بگذاشت ایشان را در تاریکیها تا که

يبصرون ۝ صم بكم عمي فهم لا يرجعون ۝

نه بینند کرانند و گنگانند و کورانند پس ایشان باز نمیگردند

أو كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق

داستان ایشان مانند باران بزرگ است از آسمان آمده که باشد در وی تاریکیها و رعد و برق

يجعلون أصابعهم في آذانهم من الصواعق

می سازند انگشتان خود را در گوشهای خویش از سبب آوازهای پرهول

حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللّٰهُ مُحِيطٌ بِالْكٰفِرِينَ يَكَادُ الْبَرْقُ
برتس مرگ و خدا احاطه کننده است کافران نزدیکست برق
يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا اَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَ
برباید چشمهای ایشان را هرگاه روشنی دهد برق ایشان را روند
اِذَا اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
و چون تاریکی دهد بر ایشان بایستند واگر خواستی خدا هر اینه ببردی شنوای ایشان
وَاَبْصَارِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا اَيُّهَا
و دیده های ایشان را هر اینه خدا بر همه چیز توانا است ای
النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ
مردمان بپرستید پروردگار خویش را انکه آفرید شما را و کسانیکه
مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
پیش از شما بودند تا در پناه شوید انکه ساخت برای شما
الْاَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان
مَاءً فَاَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا
آب پس بیرون آورد بسبب وی انواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر
لِلّٰهِ اَنْدَادًا وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَاِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ
مکنید همتایان برای خدا و دانسته واگر هستید در شبهه
مِمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ
از انچه فرود آوردیم بر بنده خود یعنی از قرآن پس بیارید یک سوره مانند
وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ
و بخوانید مددکاران خود را بجز خدا اگر هستید راست گو
فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي
پس اگر نکردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از ان آتش که
وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِينَ
آتش انگیز مردمان و سنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران



وبشر

وبشر الذين امنوا وعملوا الصلحت ان لهم جنت
وبشارت ان کسان را که ایمان اوردند و کارهای شایسته کردند انکه ایشان راست
تجری من تحتها الانهر کلما رزقوا منها من
بوستانها میرود زیر ان جویها هرگاه داده شود ازانجا روزی از قسم
ثمرة رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل
میوه گویند این همان است که داده شده بودیم پیش ازین
واتوا به متشابها ولهم فیها ازواج مطهرة
اورده شود ایشان را روزی مانند یکدیگر وایشان راست در انجا زنان پاک کرده
وهم فیها خلدون ۝ ان الله لا یستحی ان یضرب
وایشان در انجا جاویدند هر اینه خدا شرم ندارد ازانکه برند
مثلا ما بعوضة فما فوقها فاما الذین امنوا
داستانی پشه و بالاتر ازان اما انانکه ایمان اوردند
فیعلمون انه الحق من ربهم واما الذین کفروا
میدانند که این داستان راست است از پروردگار ایشان و اما انانکه کافرند
فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا یضل به
میگویند هر چیز خواسته است خدا باین داستان خدا گمراه میکند بسبب
کثیرا ویهدی به کثیرا وما یضل به الا
وی بسیاری را و در راه می نماید بسبب وی بسیاری را و گمراه نمیکند مگر
الفسقین ۝ الذین ینقضون عهد الله
بدکاران را انانکه می شکنند پیمان خدا
من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان
بعد بستن ان و می برند انچه خدا فرموده است بپیوستن
یوصل ویفسدون فی الارض اولئک هم الخسرون
پیوستن ان و تباهی میکنند بزمین ایشان اند زیانکاران
کیف تکفرون بالله وکنتم امواتا فاحیاکم
چگونه کافر شوید بخدا حال انکه بودند بی جان پس زنده گردانید شما

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ هُوَ الَّذِي
بعد از آن میراند شما را از آن زنده کند شما را باز بسوی او گردانیده شوید وی است آنکه
خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ
بیافرید شما را هر چه در زمین است همه یکجا باز متوجه شد بسوی آسمان
فَسَوَّىٰهُنَّ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذْ
پس راست کرد آن هفت آسمان را و او بهمه چیز داناست و یاد کن چون



قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
گفت پروردگار تو فرشتگان را که من آفریننده ام در زمین جانشینی
قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ
گفتند آیا می آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در وی و خون
الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ
ریزی کند و ما تسبیح می کنیم با حمد تو و بپاکی اقرار میکنیم برای تو فرمود
إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا
هر آینه من میدانم آنچه شما میدانید و بیاموخت خدا آدم را نامهای مخلوقات تمام
ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ
باز پیش آورد آنها را بر فرشتگان پس خبر دهید مرا بنامهای این چیزها
هٰٓؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۝ قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا
اگر راست گوهستید گفتند بپاکی یاد میکنیم ترا
عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ
هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه آموختی بما هر آینه توی دانا با حکمت
قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ
بگو ای آدم خبر ده فرشتگان را بنامهای اینها پس چون خبر داد ایشان را بنامها
قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
فرمود آیا نگفته بودم شما را که هر آینه من میدانم پنهان آسمانها و زمین
وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۝ وَإِذْ
و میدانم آنچه آشکارا کنید و آنچه پوشیده می داشتید و چون گفتیم



قلنا

قلنا للملٰئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس
گفتیم بفرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند الا ابلیس
ابى واستكبر وكان من الكٰفرين ۝ وقلنا يادم
قبول نکرد سرکشی نمود و گشت از کافران و گفتیم ای آدم
اسكن انت وزوجك الجنة وكلا منها رغدا حيث
بمان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت خوردن بی
شئتما ولا تقربا هٰذه الشجرة فتكونا من الظٰلمين
هر جا که خواهید و نزدیک نشوید این درخت که خواهید شد از گناه کاران
فازلهما الشيطٰن عنها فاخرجهما مما كانا فيه
پس بلغزانید هر دو را شیطان ازانجا برآورد ایشان ازان نعمت که
وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم فى
و فرمودیم فرود روید بعض شما دشمن باشند بعضی را و شما راست
الارض مستقر ومتاع الى حين ۝ فتلقى ادم
در زمین آرامگاه و بهره مندی تا مرگ پس فرا گرفت آدم
من ربه كلمٰت فتاب عليه انه هو التواب
از پروردگار خود سخنی چند بازگشت خدا بمهربانی بروی هر آینه اوست باز گردنده
الرحيم ۝ قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم
مهربان فرمودیم فرود روید ازانجا همه شما اگر بیاید بشما
منى هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم
از من هدایتی پس هرکه پیروی کرد هدایت مرا هیچ ترسی نیست برایشان
ولا هم يحزنون ۝ والذين كفروا وكذبوا
و ایشان اندوه خورند و کسانیکه کافر شدند و دروغ داشتند
بايٰتنا اولٰئك اصحٰب النار هم فيها خٰلدون ۝
آیتهای ما ایشانند باشندگان دوزخ ایشان درانجا جاویدند
يٰبنى اسرائيل اذكروا نعمتى التى انعمت عليكم
ای فرزندان یعقوب یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتیم برشما

ع

حزب

وَاَوْفُوا بِعَهْدِیٓ اُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَاِیَّایَ فَارْهَبُونِ
و وفا کنید بپیمان مرا تا وفا کنم بپیمان شما مرا ازمن بترسید
وَاٰمِنُوا بِمَآ اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوٓا
و ایمان آرید بانچه فرود آورده ام باورکنید انچه با شماست و مباشید
اَوَّلَ كَافِرٍۭ بِهٖ وَلَا تَشْتَرُوا بِاٰیٰتِی ثَمَنًا قَلِیلًا وَاِیَّایَ
نخستین منکر او و مستانید عوض آیتهای من بهای اندک را و ازمن
فَاتَّقُونِ ۝ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا
حذر کنید و غلط مکنید راست را با ناراست و پنهان مکنید راست
الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاَقِیمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ
راست را دانسته و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را
وَارْكَعُوا مَعَ الرّٰكِعِینَ ۝ اَتَاْمُرُونَ النَّاسَ
و نماز گذارید با نماز گذارندگان آیا می فرمایید مردمان را
بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتٰبَ اَفَلَا
به نیکو کاری فراموش میکنید خویشتن را و شما میخوانید کتاب یعنی توریت
تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا
آیا نمی فهمید و مدد طلبید بشکیبایی نماز و هر آینه
لَكَبِیرَةٌ اِلَّا عَلَی الْخٰشِعِینَ ۝ اَلَّذِینَ یَظُنُّونَ اَنَّهُمْ
نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان
مُلٰقُوا رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَیْهِ رٰجِعُونَ ۝ یٰبَنِیٓ اِسْرٰٓءِیلَ
ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و ایشان بسوی وی بازخواهند گشت ای فرزندان
اذْكُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِیٓ اَنْعَمْتُ عَلَیْكُمْ وَاَنِّی فَضَّلْتُكُمْ
یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام بر شما و آنکه فضل دادم شما را
عَلَی الْعٰلَمِینَ ۝ وَاتَّقُوا یَوْمًا لَا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ
بر همه عالمها و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند هیچ کس از
نَفْسٍ شَیْـًٔا وَلَا یُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا یُؤْخَذُ
کس چیزی را و پذیرفته نشود از هیچکس شفاعت و گرفته نشود

ربع

ع

منها

مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝ وَاِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِّنْ
از هیچکس ش   و یاد کنید نعمت من آنوقت
اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُوْنَ
که رهانیدیم شمارا از کسان فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب آنکه   میکردند
اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ط وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ
پسران شمارا و زنده گذاشتند دختران شمارا و درین کار آزمایشی بزرگ بود
مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ۝ وَاِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنٰكُمْ
از پروردگار شما   وآنوقت که شگافتیم برای شما دریارا پس خلاص   کردم شمارا
وَاَغْرَقْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ۝ وَاِذْ وٰعَدْنَا
و غرق ساختیم کسان فرعون و شما میدیدید   وآنوقت که میعاد مقرر   کردیم
مُوْسٰٓى اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْۢ بَعْدِهٖ
با موسی با چهل شب   پس گرفتید گوساله را پس از رفتن موسی
وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ
و شما ستمکار بودید پس گذرانیدیم از شما بعد ازین تا بود که سپاس داری
تَشْكُرُوْنَ ۝ وَاِذْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَالْفُرْقَانَ
کنید و شکر گذاری   دران وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ۝ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ
تا بود که راه یابید   درانوقت که گفت که موسی قوم خود را که ای   قوم من
اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوْبُوْٓا اِلٰى
هر آینه شما ستم کردید بر خویشتن بفرا گرفتن گوساله پس باز آیید بسوی
بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ط ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ
آفریدگار خود پس بکشید خویشتن را   این بهتر است شمارا نزدیک
بَارِئِكُمْ ط فَتَابَ عَلَيْكُمْ ط اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ۝
آفریدگار پس خدا بازگشت مهربانی بر شما هر آینه اوست بازگردنده مهربان
وَاِذْ قُلْتُمْ يٰمُوْسٰى لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ
درانوقت که گفتید ای موسی هرگز باور نداریم ترا تا آنکه نه بینیم خدارا

جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَكُمْ
آشکار پس گرفت شما را صاعقه و شما میدیدید باز زنده گردانیدیم

مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ
شمارا پس از مردن شما تا شکر گذاری کنید و سایه بان ساختیم بر شما

الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ
ابر را و فرود آوردیم بر شما من و سلوی را گفتیم بخورید از

طَيِّبَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
پاکیزه های آنچه دادیم شمارا و ایشان ستم نکردند بر ما ولیکن بر خویش

يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا
ستم میکردند در آن وقت که گفتیم درآئید درین دیه پس بخورید

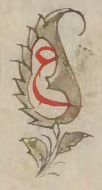
مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ
هر جا که خواهید گوارنده و درآئید بدروازه سجده کنان

قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَيَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ
و بگوئید سوال با آمرزش است تا بیامرزیم شمارا گناهان شما و زیاده خواهیم داد

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ
پس بدل گردانیدند آنکه ستمکار بودند سخنی بجز آنچه فرموده شد ایشان را

فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا
پس فرود آوردیم بر آن ستمکاران عذابی از آسمان بسبب

كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ
بدکار بودن ایشان و آن وقت که آب خواست موسی برای قوم خود



فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا
پس گفتیم بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد از سنگ

عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا
دوازده چشمه بدانست هر قوم آب خورد خود را بخورید

وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
و بنوشید از رزق خدا و فساد مکنید در زمین تباهی کنان

فاذ

بقره

وَإِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ
در آن وقت که گفتید ای موسی هرگز شکیبایی نکنیم بر یک طعام پس بطلب
لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ
برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد برای ما از آن چیز که رویاند زمین از ترها
قِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ
و خیار و رنگ دی و گندم و عدس و پیاز و گفت آیا بدل میکنید
الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا
آنچه وی فروتر است با آنچه بهتر است فرود روید شهری
فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَ
پس هر آینه باشد شما را آنچه خواستید و زده شد بر ایشان خواری و
الْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
بینوایی و بازگشتند بغضبی از خدا این بسبب آن است
كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ بِآيٰتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ
که باور نمی داشتند آیتهای خدا را و میکشتند پیغامبران را
بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۝
بنا حق این بسبب گناه کردن ایشان است و از اندازه میگذشتند
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصٰرَىٰ وَ
هر آینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و ترسایان و
الصّٰبِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا
بی دینان هر که از ایشان ایمان آرد بخدا و بروز بازپسین و کرد کار شایسته
فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
پس ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگار و نه ترس بود بر ایشان و نه ایشان
يَحْزَنُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ
اندوهگین شوند و آن وقت که گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما
الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
طور را گفتیم بگیرید آنچه داده ایم شما را باستواری و یاد دارید آنچه

ع

لعلكم تتقون ثم توليتم من بعد ذلك فلولا
تا بود که در پناه شوید باز ردگر دانید بعد ازین پس اگر نبودی
فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخسرين
فضل خدا بر شما و مهربانی او هر آینه می شدید از زیان کاران
ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت
و هر آینه دانسته اید آن کسان را که از حد در گذشتند از شما در شنبه
فقلنا لهم كونوا قردة خسئين فجعلنها نكالا
پس گفتیم ایشان را بوزنه شوید خوار شده پس ساختیم این قصه را
لما بين يديها وما خلفها وموعظة للمتقين
عبرتی برای القوم که پیش ازین دیه بودند و پند برای پرهیزگاران
وإذ قال موسى لقومه إن الله يأمركم أن تذبحوا
و آن وقت که گفت موسی بقوم خود هر آینه خدا میفرماید شما را بکشتن
بقرة قالوا أتتخذنا هزوا قال أعوذ بالله أن
گاوی گفتند آیا ما را مسخره میگیری گفت پناه میگیرم بخدا از آنکه
أكون من الجهلين قالوا ادع لنا ربك يبين
باشم از نادانان گفت سوال کن برای ما از پروردگار
لنا ما هي قال إنه يقول إنها بقرة لا فارض
تا بیان کند برای ما که چیست این گاو گفت هر آینه وی گاوی است که
ولا بكر عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون
نه پیر و نه نازا میانه است درمیان این آن پس بکنید آنچه فرموده شده اید
قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال إنه
گفتند سوال کن برای ما از پروردگار تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو
يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر النظرين
گفت هر آینه خدا میفرماید که وی گاوی است زرد تنگ زرد است رنگ آن خوش میکند بینندگان را
قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي إن البقر
گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چه کار است آن گاو

تشبه

تشابه علينا وإنا إن شاء الله لمهتدون ۝ قال
کاوان مشتبه شدند بر ما و هرآینه اگر خواسته است خدا راه یافتگانیم گفت
إنه يقول إنها بقرة لا ذلول تثير الأرض ولا
هرآینه خدا میفرماید گاو بست نه محنت کشنده شورانند زمین را و نه
تسقي الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا الآن جئت
آب میدهد زراعت را سلامت است هیچ خال نیست در وی گفتند الحال آوردی
بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون ۝ وإذ قتلتم
درست پس ذبح کردند و نزدیک نبودند از آنکه کنند و آن وقت کشتید
نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون
شخصی را پس نزاع کردید در وی و خدا بیرون آرنده است چیزی را که نهان کردید
فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى
پس فرمودیم بزنید آن شخص را بعضوی از گاو این طور زنده میکند خدا مردگان را
ويريكم آياته لعلكم تعقلون ۝ ثم قست
و مینماید شما را آن نشانهای خود تا بود که دریابید بار سخت شد
قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة أو أشد
دلهای شما بعد از این پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تر در سختی
قسوة وإن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهار وإن
و هرآینه از سنگها آن است که روان میشود از وی جویها و هرآینه
منها لما يشقق فيخرج منه الماء وإن منها لما
از سنگها آن است که می شکافد پس بیرون میآرد از وی آب و هرآینه از سنگها
يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون
آن است که فرو می افتد از ترس خدا و نیست خدا بیخبر از آنکه میکنید
أفتطمعون أن يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم
ای مومنان آیا امید میدارید که یهود منقاد شوند شما را و هرآینه گروهی از ایشان
يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه
می شنیدند کلام خدا را یعنی تورت را پس بدل کردندش دانسته

ربع

نصف

وهم يعلمون ۝ واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا
انا كه فهميده بودند اورا و چون ملاقات ميكنند با مومنان گويند ايمان اورديم
واذا خلا بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم بما
و چون تنها شوند بعضي از ايشان با بعضي گويند آيا خبر ميدهيد ايشانرا بانچه
فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم افلا
كه ظاهر ساخت خدا بر شما تا مناظره كنند با شما بان دليل نزد پروردگار شما آيا
تعقلون ۝ اولا يعلمون ان الله يعلم ما يسرون
در نمي يابيد اين جهودان آيا نمي دانند كه خدا ميداند آنچه پنهان ميكنند
وما يعلنون ۝ ومنهم اميون لا يعلمون الكتب
وانچه اشكارا مي نمايند وبعضي از ايشان ناخوندگانند نمي دانند كتاب را
الا امانى وان هم الا يظنون ۝ فويل للذين
ليكن ميدانند ارزوهاي باطل ونيستند مگر گمان كننده پس
يكتبون الكتب بايديهم ثم يقولون هذا من
كه مي نويسند نوشته بدستهاي خود بازميگويند اين از
عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا فويل لهم مما
نزديك خداست تا بستانند بعوض آن بهاي اندك پس واي ايشانرا بسبب
كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون ۝ و
نوشتن دستهاي ايشان و واي ايشانرا بسبب بدست گرفتن ايشان و
قالوا لن تمسنا النار الا اياما معدودة قل
گفتند نرسد بما آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده بگو
اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده
ايا گرفته‌ايد از پيش خدا پيماني پس هرگز خلاف نكند خدا را پيمان خود
ام تقولون على الله ما لا تعلمون ۝ بلى من
يا ميگوييد بر خدا آنچه نميدانيد آري هركه
كسب سيئة واحاطت به خطيئته فاولئك
كرد كار بد و درگرد آمد اورا گناه او پس ايشانند باشندگان

أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ○ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا

باشند کان دوزخ ایشان درانجا جاویدند وکسانیکه ایمان اوردند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ أُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا

وکردند کارهای شایسته ایشانند باشندکان بهشت ایشان درانجا

خٰلِدُونَ ○ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثٰقَ بَنِيٓ إِسْرٰٓءِيلَ لَا

جاویدند وانگاه که گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را که

تَعْبُدُونَ إِلَّا اللّٰهَ وَبِالْوٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي

نپرستند مگر خدا را وبوالدین نیکویی کردند وباهل

الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

قرابت ویتیمان بی نوایان وگویید بمردم سخن نیک

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا

وبرپا دارید نماز را وبدهید زکوة را پس برگشتید وگردان مگر اندکی

مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ○ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثٰقَكُمْ

از شما وشما هستید روگردان وانگاه که گرفتیم پیمان شما را

لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ

که مریزید خون یکدیگر وبیرون مکنید قوم خویش را از

دِيٰرِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ○ ثُمَّ أَنْتُمْ

خانه های خویش پس قبول کردید حاضر آمده باز شما

هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ

ای گروه می کشید قوم خویش را وبیرون میکنید گروهی را از قوم

مِنْ دِيٰرِهِمْ تَظٰهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوٰنِ

خود از خانه های ایشان یکی مددکار و دیگر میشوید بر ستم کردن ایشان بر گناه تعدی

وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسٰرٰى تُفٰدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ

واگر اسیر شده بشما می آیند خدا میدهید عوض ایشان حال آنکه حرام است بر شما

عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَ

بر شما بیرون کردن ایشان آیا ایمان می آرید بپاره از کتاب و

ع

تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك
انکار میکنند به بعض آن پس چیست جزای آنکه میکند این چنین
منكم الا خزى فى الحيوة الدنيا ويوم القيمة
از شما مگر رسوای در زندگانی دنیا و روز قیامت
يردون الى اشد العذاب وما الله بغافل
گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب و نیست خدا بیخبر
عما تعملون ۝ اولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا
از آنچه میکنید آنکسانیکه خریدند زندگانی دنیا
بالاخرة فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم
بآخرت پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان
ينصرون ۝ ولقد اتينا موسى الكتب وقفينا
یاری داده شوند و هر آینه دادیم موسی را کتاب و از پی در آوردیم



من بعده بالرسل واتينا عيسى ابن مريم البينت
بعد از وی پیغامبران را و دادیم عیسی پسر مریم نشانها
وايدنه بروح القدس افكلما جاءكم رسول
و قوت دادیم او را بجبرئیل آیا هرگاه آورد پیغامبر
بما لا تهوى انفسكم استكبرتم ففريقا كذبتم
باانچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی را دروغ
وفريقا تقتلون ۝ وقالوا قلوبنا غلف بل
و گروهی را کشتید و گفتند دلهای ما بالای پرده است بلکه
لعنهم الله بكفرهم فقليلا ما يؤمنون ۝ ولما
لعنت کرده است ایشانرا خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند و چون
جاءهم كتب من عند الله مصدق لما معهم
آمد بدیشان کتاب از نزدیک خدا باور کننده بآنچه با ایشان است
وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا
و بودند پیش ازین طلب فتح میکردند بر آنانکه منکر شدند

فلما جاءهم

بر کافران

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنة الله على الكافرين
پس هرگاه آمد بایشان آنچه میدانستند منکر شدند وی را پس لعنت خداست
بئسما اشتروا به انفسهم ان يكفروا بما انزل الله
بد چیزیست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را که کافر شوند بآنچه فرود آورد خدا
بغيا ان ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده
بسبب حسد که فرود آورد خدا از رحمت خود بر هر که خواهد از بندگان خود
فباءو بغضب على غضب وللكافرين عذاب
پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی و کافرانراست عذاب
مهين ۝ واذا قيل لهم آمنوا بما انزل الله قالوا
خوار کننده ۝ و چون گفته شود ایشانرا بگروید بآنچه فرو فرستاد خدا گفتند
نؤمن بما انزل علينا ويكفرون بما وراءه و
بگرویدیم بآنچه فرستاد بر ما و کافر شوند بآنچه بجز وی است و
هو الحق مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون انبياء
او راست است باور کننده آنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتید پیغامبران
الله من قبل ان كنتم مؤمنين ۝ ولقد جاءكم
خدا پیش ازین اگر هستید گرویدگان ۝ و هر آینه آمد بشما
موسى بالبينات ثم اتخذتم العجل من بعده
موسی بدلایل روشن پس گرفتید گوساله را پس از وی
وانتم ظالمون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا
و شما ستمکار بودید ۝ و آنگاه که گرفتیم پیمان شما و برداشتیم
فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم بقوة واسمعوا
بالای شما طور را گفتیم بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و بشنوید
قالوا سمعنا وعصينا واشربوا في قلوبهم العجل
گفتند شنودیم و نافرمانی کردیم و درخورده شد در دلهای گوساله
بكفرهم قل بئسما يأمركم به ايمانكم ان كنتم
بسبب کافر بودن ایشان بگو بد چیزیست آنچه فرماید شما را ایمان شما اگر هستید



مُّؤْمِنِينَ ۝ قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ
از اہل ایمان بگو اگر ہست مر شمارا سرای بازپسین نزدیک خدا
خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ
خاص کرده شده بغیر از مردمان دیگر پس آرزو کنید مرگرا اگر ہستید
صَادِقِينَ ۝ وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
راست گوی و ہرگز آرزو نکنند او را ہیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ
ایشان و خدای داناست بستمکاران و ہر آینه بیابی ایشان را حریص ترین مردمان
عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ
بر زندگانی و حریص تر از آنانکه شرک آوردند دوست میدارد یکی از ایشان کاش عمر داده
أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن
شود هزار سال و نیست آن عمر دراز رہاننده او از عذاب برای آنکه
يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا
عمر داده شود و خدای بیناست بآنچه می کنند بگو ہر که دشمن میدارد
لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا
جبرئیل را چه زیان می کند پس بتحقیق جبرئیل فرود آورده است بر دل تو بفرمان خدا باور دارنده مر
لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ مَن
آنچه پیش از وی است و راہنما و مژده دهنده اہل ایمان را ہر کسکه
كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ
باشد دشمن مر خدایرا و فرشتگان او را و پیغمبران او را و جبرئیل و میکائیل را
فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ۝ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ
پس ہر آینه خدا دشمنست کافران را و ہر آینه فرود آوردیم بسوی تو نشانهای
بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝ أَوَكُلَّمَا
روشن و کافر نمیشوند بآن مگر بدکاران آیا ہرگاه که
عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
عهد کردند عهدی شکستند آنرا گروهی از ایشان بلکه بسیاری از ایشان نگروند

ع

فلما

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ
وهرگاه آمد به ایشان پیغمبران ویرا از نزد پروردگار باور دارنده وآنکه باایشان است
نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ
انگند گروهی از آن قوم که داده شده اند کتاب آن کتاب خدا را پس پشت
ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا
خویش گویا نمیدانند وپیروی کردند آنچه میخواندند
الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ
شیطانان در سلطنت سلیمان وکافر نشد سلیمان و
لَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا
لیکن شیطانان کافر شدند می آموختند مردمان را جادو وپیروی کردند
أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ
وآنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت
وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
ونمی آموزند هیچکس را تا آنکه گویند جز این نیست که ما بلاایم پس تو
تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ
کافر مشو پس یاد میگیرند از ایشان افسونی که جدایی می افکند بسبب وی در
زَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ
میان مرد و زن او ونیستند ایشان رسانندگان زیان بسبب وی هیچکس را مگر باراده خدا
يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ
وایشان یاد میگیرند آنچه زیان میرساند ایشان را وسود ندهد وهرآینه دانسته اند که هر
مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
جادو نیست در آخرة هیچ بهره وهرآینه بد چیزیست آنچه فروختند عوض
أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا
وی خویشتن را کاش میدانستند واگر ایشان ایمان می آوردند وتقوی
لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا
هرآینه ثواب از نزدیک خدا بهتر بودی کاش میدانستند ای

که بستاند

ع

الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا
مومنان بگوئید راعنا و گوئید انظرنا و نیک بشنوید
وَلِلْكٰفِرِينَ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ
و کافران راست عذاب دردهنده دوست نمیدارند آنانکه کافر شدند از
الْكِتٰبِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ اَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ
اهل کتاب و مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از
رَبِّكُمْ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاۤءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ
پروردگار شما و خدا مخصوص میکند به بخشایش خود هرکرا خواهد و خدا خداوند فضل
الْعَظِيمِ ۝ مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَاْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا
بزرگ است هرچه نسخ میکنیم از آیتی یا فراموش میگردانیم از آن میآریم بهتر از
اَوْ مِثْلِهَا اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ
یا مانند وی و یا ندانست که خدا بر همه چیز توانا است و ندانسته
اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ
که خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست شما را
دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ اَمْ تُرِيدُونَ اَنْ
بجز خدا هیچ دوست و یاری دهنده آیا میخواهید که
تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسٰى مِنْ قَبْلُ وَ
سوال کنید پیغمبر خود را چنانکه سوال کرده شد موسی و پیش ازین و
مَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْاِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاۤءَ
هرکه بستاند کفر را عوض ایمان پس هرآینه گم کرد میانه راه را
السَّبِيلِ ۝ وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ
راه را دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند
بَعْدِ اِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ مِنْ
بعد از ایمان شما بسبب حسد از نزدیک نفوس خود
بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَاْتِيَ
پس ازانکه واضح شد برایشان حق پس درگذرانید و روی بگردانید تا آنکه

ثلثه

الله و

الله بامره ان الله على كل شيء قدير ۝ واقيموا
خدا فرمان خود را هر آینه خدا بر همه چیز تواناست وبرپا دارید
الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم
نماز را و بدهید زکوة را و آنکه پیش میفرستید برای خویشتن
من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير ۝
از نیکو کاری خواهید یافت از نزد خدا هر آینه خدا آنچه میکنید بیناست
وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان هودا او نصرى
و گفتند هرگز به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود باشد یا نصاری
تلك امانيهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم
این آرزوها بر باطل ایشان است بگو آرید دلیل خود را اگر هستید
صدقين ۝ بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله
راست گو بلی هر که منقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نیکو کار باشد
اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝
پس او راست مزد بزرگ نزد پروردگار خویش و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین
ع
وقالت اليهود ليست النصرى على شيء و
و گفتند یهود نیستند نصاری بر هیچ چیز و
قالت النصرى ليست اليهود على شيء وهم يتلون
گفتند نصاری نیستند یهود بر هیچ چیز و ایشان همه میخوانند
الكتب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم
کتاب را همچنین گفتند آنانکه نمیدانند مانند قول ایشان
فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه
پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف میکنند
يختلفون ۝ ومن اظلم ممن منع مسجد الله ان
اختلاف میکنند در آن و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدها را از آنکه
يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان
یاد کرده شود نام خدا در وی و کوشش کرد در ویرانی آنها این گروه نمی سزد

لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا
که در آیند بمسجد مگر ترسان ایشان راست در دنیا
خزی ولهم في الاخرة عذاب عظيم ولله المشرق
خواری وایشان راست در آخرة عذاب بزرگ و خدای راست مشرق
والمغرب فاينما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع
مغرب هر سو که روی آرید همانجاست روی خدا هر آینه خدا فراخ نعمت
عليم وقالوا اتخذ الله ولدا سبحنه بل له ما في
داناست وگفتند برگرفت خدا فرزند پاکی او راست بلکه او راست آنچه
السموات والارض كل له قنتون بديع السموات
در آسمان و در زمین است هر کسی برای وی فرمانبردار آفریننده آسمان ها
والارض واذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون
زمین است و چون میکند کاری پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود
وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله او
وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند یعنی مشرکان چرا با ما سخن گو نمیگوید خدا یا می آید
تاتينا اية كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم
بما نشانه همچنین گفتند آنانکه پیش از ایشان بودند مانند قول ایشان
تشابهت قلوبهم قد بينا الايت لقوم يوقنون
بیکدیگر مشابهت دارند دلهای ایشان هر آینه بیان کردیم نشانها برای گروهی یقین
انا ارسلنك بالحق بشيرا ونذيرا ولا تسئل
هر آینه ما فرستادیم براستی مژده دهنده و بیم کننده و پرسیده نخواهند
عن اصحب الجحيم ولن ترضى عنك اليهود و
ترا از اهل دوزخ و هرگز خشنود نشوند از تو جهودان و نه
لا النصرى حتى تتبع ملتهم قل ان هدى الله
ترسایان تا آنکه پیروی کنی کیش ایشان بگو هر آینه هدایت خدا
هو الهدى ولئن اتبعت اهواءهم بعد الذي
همان است هدایت و اگر پیروی کنی آرزوهای باطل ایشان پس آنچه

جاءك

بقره

جاءك من العلم ما لك من الله من ولي ولا

آنکه آمده است بتو از دانش نباشد ترا برای خلاص از عذاب خدا هیچ دوستی

نصير ۝ الذين اتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته

ونه یاری دهنده آنانکه دادیم ایشانرا الکتاب یعنی توریت آنانکه میخوانند آنرا حق خواندن آن

اولئك يؤمنون به ومن يكفر به فاولئك هم

ایشان باور میدارند هدایت خدا و هر که منکر باشد پس ایشان اند



الخسرون ۝ يبني اسراءيل اذكروا نعمتي التي

زیانکاران ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کرده ام

انعمت عليكم واني فضلتكم على العلمين

که انعام کرده ام بر شما و آنکه فضل دادم شما را بر همه عالمها

واتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا و

و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و

لا يقبل منها عدل ولا تنفعها شفاعة ولا هم

پذیرفته نشود از کسی بدل و سود ندهد او را شفاعت و ایشان

ينصرون ۝ واذ ابتلى ابرهم ربه بكلمت

یاری داده شوند و یاد کن چون بیازمود ابراهیم پروردگار او بسخنی

فاتمهن قال اني جاعلك للناس اماما قال

پس باتمام رسانید گفت ابراهیم من میگردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم

ومن ذريتي قال لا ينال عهدي الظلمين ۝ و

و از اولاد من نیز پیشوایان هدا کن فرمود نرسد وحی بظالمان و آنگاه

اذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا واتخذوا

که ساخته ایم کعبه را مرجع مردمان و محل امن بگیرید

من مقام ابرهم مصلى وعهدنا الى ابرهم

نمازگاه از جای پای قدم ابراهیم و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و

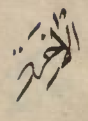
واسمعيل ان طهرا بيتي للطائفين والعكفين

و اسمعیل پاک سازید خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان



والركع السجود ۝ واذ قال ابرهم رب اجعل هذا
ورکوع وسجده کنندگان ۝ وانگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بساز این
بلدا امنا وارزق اهله من الثمرت من امن
مکان را شهرهای امن وروزی ده ساکنان از میوه ها روزی ده که ایمان آورند
منهم بالله واليوم الاخر قال ومن كفر فامتعه
ایشان بخدا وروز بازپسین گفت خدا کسی که کافر شود بهره مند گردانم
قليلا ثم اضطره الى عذاب النار وبئس المصير
اندکی پس بیچاره گردانم بسوی عذاب آتش ووی بد جاییست
واذ يرفع ابرهم القواعد من البيت واسمعيل
وانگاه که بلند میکردند ابراهیم واسمعیل بنیاد خانه گفتند ای
ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم ۝
پروردگار قبول کن از ما هر آینه توی شنوا ودانا
ربنا واجعلنا مسلمين لك ومن ذريتنا امة
ای پروردگار ما وبکن مارا فرمانبردار خودت واز اولاد ما بکن گروهی
مسلمة لك وارنا مناسكنا وتب علينا انك
منقاد خودت وبنما مارا طریق عبادتها وبمهربانی بازآی برما هر آینه
انت التواب الرحيم ۝ ربنا وابعث فيهم
بازآینده مهربان وبخشنده ای پروردگار ما بفرست در ایشان
رسولا منهم يتلوا عليهم ايتك ويعلمهم الكتب
پیغامبری از ایشان آیتهای تو بیاموزد ایشان را کتاب
والحكمة ويزكيهم انك انت العزيز الحكيم ۝
وعلم وپاک کند ایشان را هر آینه توی توانا ودانا
ومن يرغب عن ملة ابرهم الا من سفه
وکیست که رو بگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشناخت
نفسه ولقد اصطفينه في الدنيا وانه في
نفس خود را وهر آینه برگزیدیم اورا درین سرای وهر آینه در





الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ۝ اِذْ قَالَ لَهٗ رَبُّهٗ اَسْلِمْ قَالَ
دیگر از شایستگان است آنگاه که گفت او را پروردگار او منقاد شو — گفت

اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَوَصّٰى بِهَا اِبْرٰهٖمُ
منقاد شدم پروردگار عالمیان و وصیت کرد باین کلمه ابراهیم

بَنِيْهِ وَيَعْقُوْبُ يٰبَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمُ الدِّيْنَ
پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را ای فرزندان من هر آینه خدا برگزیده است — برای شما این دین را

فَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ۝ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ
پس ازین جهان نروید مگر مسلمان شده آیا حاضر بودید آنگاه

اِذْ حَضَرَ يَعْقُوْبَ الْمَوْتُ اِذْ قَالَ لِبَنِيْهِ مَا تَعْبُدُوْنَ
که پیش آمد یعقوب را موت آنگاه که گفت فرزندان را چه چیز را عبادت — خواهید کرد

مِنْۢ بَعْدِيْ قَالُوْا نَعْبُدُ اِلٰهَكَ وَاِلٰهَ اٰبَآئِكَ
بعد از من گفتند عبادت کنیم معبود ترا و پدران ترا

اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ اِلٰهًا وَّاحِدًا وَّنَحْنُ لَهٗ
که ابراهیم و اسمعیل و اسحاق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را و

مُسْلِمُوْنَ ۝ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
ما او را منقادیم این گروهی است که درگذشته وی راست آنچه کردند

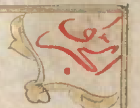
وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُوْنَ عَمَّا كَانُوْا
و شما راست آنچه کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان

يَعْمَلُوْنَ ۝ وَقَالُوْا كُوْنُوْا هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى تَهْتَدُوْا
میکردند وگفتند شوید یهود یا ترسا تا راه بیابید

قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرٰهٖمَ حَنِيْفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۝
بگو بلکه پیروی میکنیم ملة ابراهیم که حنیف بود و نبود از اهل شرک

قُوْلُوْا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ اِلٰى
بگوئید ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرود آورده شد بسوی

اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ
ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اولاد یعقوب



وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ

وآنچه داده شد موسی وعیسی را وآنچه داده شد پیغمبران

مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

از پروردگار خولش تفریق نمیکنیم در میان هیچکس از ایشان وما حق عزوجل را

مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا

منقادیم پس اگر باور دارند اهل کتاب آنچه باور داشتید شما پس راه یافتند

وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ

واگر برگشتید پس جز این نیست که ایشان که در مخالفت اند پس زود باشد که خدا

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ

بانتقام ایشان راست شنوا و دانا قبول کردیم رنگ خدا را وکیست بهتر

مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ۝ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا

از خدا باعتبار رنگ ما او را پرستنده کانیم بگو آیا مکابره میکنید با ما

فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

در باب خدا واو پروردگار ما و شماست وما راست کردارهای ما وشماراست

أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ

کردارهای شما وما او را باخلاص پرستنده کانیم آیا میگویند که هر آینه

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ

ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب ونبیرگان او

كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ

جهود بودند یا ترسا بودند بگو شما داناترید یا خدا وکیست

أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ

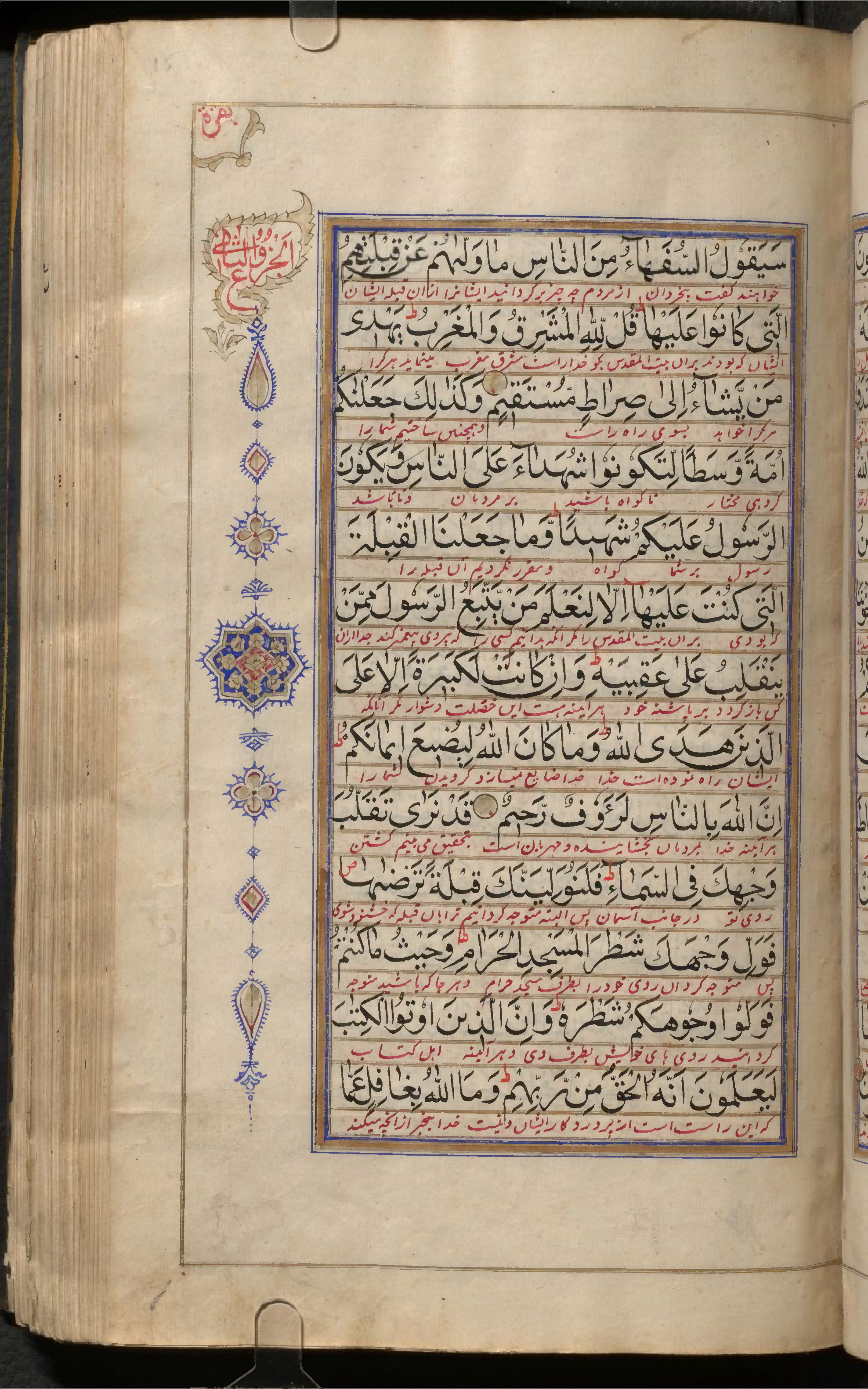
ستمکارتر از آنکه بپوشید آن گواهی نزدیک اوست از جانب خدا ونیست خدا

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا

بی خبر از آنچه میکنید این گروهی است درگذشت ویراست

كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنچه کردند وشماراست آنچه شما کردید وپرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان میکردند



سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ
خواهند گفت بیخردان از مردم چه چیز برگردانید ایشان را از آن قبله ایشان
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي
ایشان که بودند بر آن بیت المقدس بگو خدا راست مشرق مغرب مینماید هر کرا
مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ
هر کرا خواهد بسوی راه راست و همچنین ساختیم شما را
أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ
گروهی مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد
الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ
رسول بر شما گواه و مقرر نکردیم آن قبله را
الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن
که بودی بر آن بیت المقدس را مگر آنکه بدانیم کسی را که پیروی پیغمبر کند جدا از آن
يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى
کی بازگردد بر پاشنه خود هر آینه هست این خصلت دشوار مگر آنکه
الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ
ایشان راه نموده است خدا خدا ضایع نمیسازد گردیدن شما را
إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ
هر آینه خدا بر مردمان بخشاینده و مهربان است بتحقیق می بینیم گشتن
وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا
روی تو در جانب آسمان پس البته متوجه گردانیم ترا بآن قبله که خشنود شوی
فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ
پس متوجه گردان روی خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که باشید متوجه
فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
گردانید رویهای خویش بطرف وی و هر آینه اهل کتاب
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا
که این راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بیخبر از آنکه میکنند

يَعْمَلُونَ ۝ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَٰبَ بِكُلِّ
میکنید وهر اگر بیاری پیش اهل کتاب هر
آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ
نشانه هرگز پیروی نکنند قبله ترا ونیستی تو پیروی کننده قبله ایشان را
وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ
ونیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعض دیگر واگر تو پیروی کنی خواهشهای
أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا
نفسانی ایشانرا بعد از آنکه آمده است بتو از دانش هر آینه تو باشی از
لَّمِنَ الظَّٰلِمِينَ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَٰهُمُ الْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا
ستمکاران کسانیکه داده ایم ایشانرا الکتاب میشناسند ویرا چنانکه
يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ
میشناسند فرزندان خویش را وهر آینه گروهی از ایشان می پوشند
الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ
حق را دانسته این درست هست از پروردگار تو پس مباش
مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا
از شک آرندگان وهر کسی را جانبی هست که وی متوجه آن است
فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَٰتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ
پس شتاب کنید بسوی نیکیها هر جاکه باشید بیارد شما را
اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَمِنْ حَيْثُ
خدا جمع ساخته هر آینه خدا بر همه چیز تواناست وجاکه روی
خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ
روی پس متوجه کن روی خود را جانب مسجد حرام وهر آینه
لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝
وی راست است از پروردگار تو نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید
وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
وهر جاکه روی پس متوجه کن روی خود را جانب مسجد حرام



الحرام



الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

حرام و هر جا که باشید پس متوجه کنید روی خویش را جانب وی

لئلا يكون للناس عليكم حجة الا الذين ظلموا

تا نباشد مردمان را الزام بر شما مگر آنانکه ستم کردند

منهم فلا تخشوهم واخشوني ولاتم نعمتي عليكم

ازین جماعة پس مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما

ولعلكم تهتدون كما ارسلنا فيكم رسولا

و تا بود که راه یابید چنانکه فرستادیم پیغامبری درمیان

منكم يتلوا عليكم ايتنا ويزكيكم و

شما از قوم شما میخواند بر شما آیت های ما و پاک میسازد شما را

يعلمكم الكتب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا

و می آموزد شما را کتاب و علم و می آموزد شما را آنچه نمی

تعلمون فاذكروني اذكركم واشكروا لي

دانستید پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما و سپاس گوئید مرا



ولا تكفرون يايها الذين امنوا استعينوا

ناسپاسی من مکنید ای مسلمانان مدد جوئید

بالصبر والصلوة ان الله مع الصبرين و

در صبر و نماز هر آینه خدا با صابران است و

لا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل

مگوئید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه

احياء ولكن لا تشعرون ولنبلونكم بشيء

ایشان زنده اند ولیکن شما آگاه نمیشوید و هر آینه بیازمائیم شما را بچیزی

من الخوف والجوع ونقص من الاموال و

از ترس و گرسنگی و نقصان مالها از اموال خود و

الانفس والثمرت وبشر الصبرين الذين اذا

جانها و میوه ها و بشارت ده صابران را آنانکه چون

أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝

چون برسد بایشان سختی گویند هرآینه ما ازان خدائیم و بسوی وی بازخواهیم گردید

أُولٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوٰتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولٰئِكَ

این گروه برایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش واینانند

هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ

راه یافتگان هرآینه صفا و مروه از نشانهای خداست

فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ

پس هرکه حج خانه کند یا عمره بجا آرد پس بزه نیست بروی ازانکه طواف کند

بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللّٰهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ

درمیان این هر دو که نیکی بجا آرد پس خدا قبول کننده و داناست هرآینه

الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدٰى

آنانکه می پوشند آنچه فرود آوردیم از سخنان روشن و هدایت

مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ

بعد ازانکه بیان کردیم آنرا برای مردمان در کتاب آن گروه لعنت کند

اللّٰهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا

خدا و لعنت میکنند ایشان لعنت کنندگان مگر کسانیکه توبه کردند و نیکوکاری

وَبَيَّنُوا فَأُولٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝

و بیان کردند پس این گروه بازمیگردم برایشان و منم بازگردنده مهربان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولٰئِكَ عَلَيْهِمْ

هرآینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند آن گروه برایشان است

لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ خَالِدِينَ

نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همه یکجا همیشه باشند

فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝

دران لعنت و سبک کرده نشود ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند

وَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ۝

و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود مگر وی بخشاینده مهربان

إِنَّ





إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ

هر آینه در آفرینش آسمانها و زمینها و آمد شد شب و

وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ

روز آن کشتی که میرود در دریا با آنچه سود میدهد

النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا

مردم را و در آنکه فرود آورد خدا از آسمان از آب پس زنده ساخت

بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ

بسبب وی زمین بعد مردن و پراکنده ساخت در زمین هر نوع جنبیده

وَتَصْرِيفِ الرِّيٰحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ

و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده میان آسمان

وَالْأَرْضِ لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ

و زمین هر آینه نشانهاست آن گروه را که در می یابند و از مردمان

مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ

کسی هست که میگیرد بجز خدا همتایان را دوست مانند دوست

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ

و کسانیکه ایمان آوردند قوی تراند در دوستی خدا و عجب کنند بیننده اگر ببیند

ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا

کسانیکه ستم کردند در آنحالت که معاینه کردند عذاب را بسبب آنکه توانائی خداراست تمام

وَأَنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا

و بسبب آنکه خدا سخت عقوبت کننده است در آنحالت که بیزار شوند پیشوایان

مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ

کفر از تابعان و ببینند عذاب را و بریده شود

بِهِمُ الْأَسْبَابُ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا

ایشان همه اسباب و گویند پیروی کنندگان کاش ما را باز

كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ

گشتنی تا بیزاری کنیم از آن پیشوایان چنانکه بیزار شدند از ما همچنین بنماید





اللّٰه اعمالهم حسرٰت عليهم وما هم بخرجين من

خدا کردارهای ایشان را پشیمانی ها بر ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان

النار ۝ يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلٰلا

از دوزخ ای مردمان خورید حلال و پاکیزه آنچه در زمین است

طيبا ولا تتبعوا خطوٰت الشيطٰن انه لكم عدو

پاک و پیروی مکنید گامهای شیطان هر آینه شما را دشمن آشکاراست

مبين ۝ انما يامركم بالسوء والفحشاء و

آشکاراست جز این نیست که میفرماید شما را به بدکاری بیحیایی و

ان تقولوا على اللّٰه ما لا تعلمون ۝ واذا قيل لهم

بآنکه اقرار کنید بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفته شود ایشان را

اتبعوا ما انزل اللّٰه قالوا بل نتبع ما الفينا عليه

پیروی کنید آنرا که فرود آورده است خدا گویند بلکه پیروی کنیم چیزی که یافته ایم

اباءنا اولو كان اباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون

پدران خویش آیا تقلید کنند اگر چه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را و راه نمی یافتند

ومثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع

و داستان پند دادن کافران مانند حال کسی است بانگ میزند چیزی را

الا دعاء ونداء صم بكم عمي فهم لا يعقلون ۝

مگر الحمله خواندن و آواز بلند کردن کرانند گنگ کورانند پس هیچ نمی فهمند

يا ايها الذين امنوا كلوا من طيبٰت ما رزقنٰكم

ای مومنان بخورید از پاکیزه ها آنچه روزی دادیم شمارا

واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ۝ انما حرم

و سپاس گوئید خدا را اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام کرده

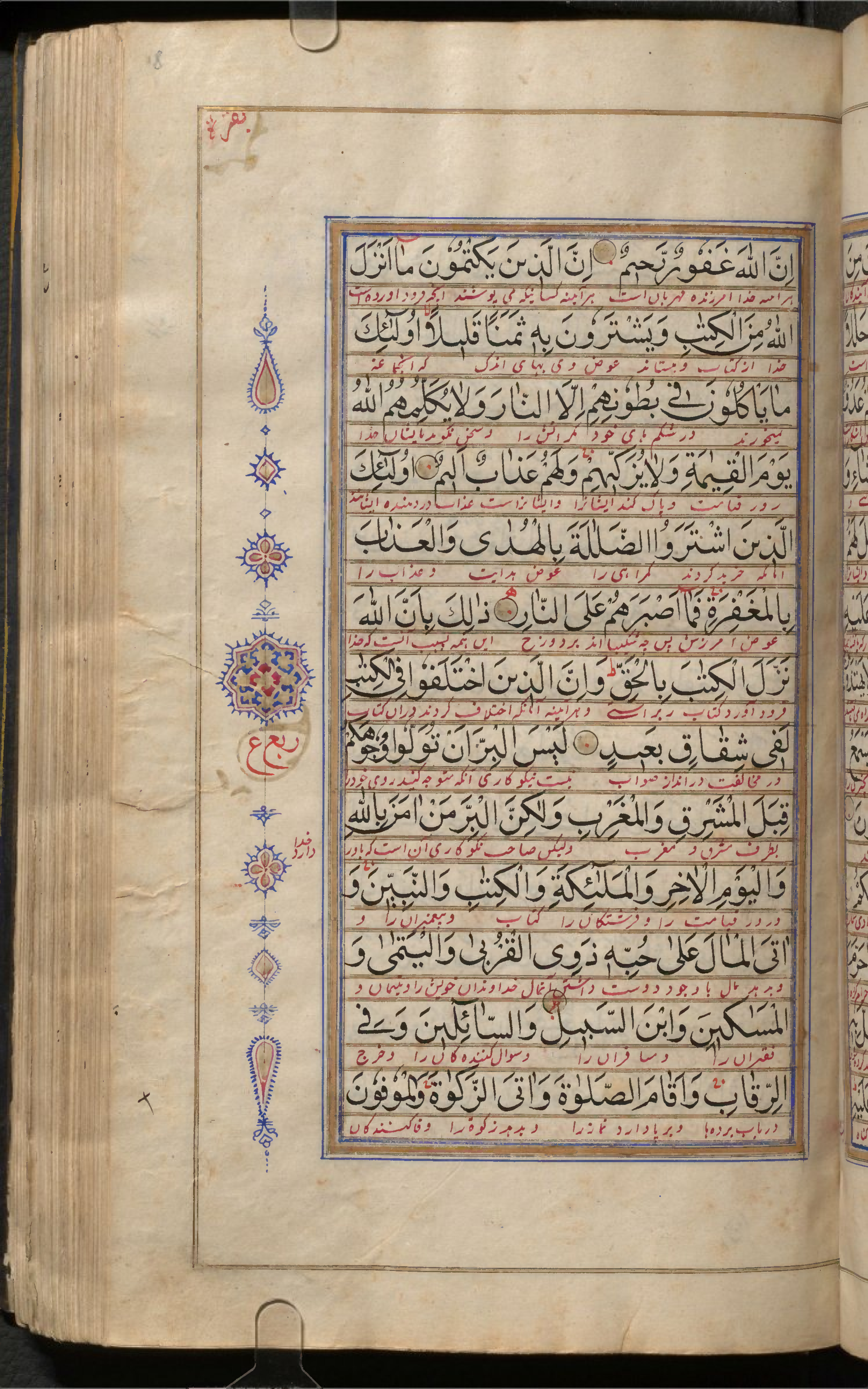
عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به

بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنکه آواز بلند کرده شود

لغير اللّٰه فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه

بغیر خدا پس هر که بیچاره شود نه تعدی کننده و نه از حد در گذرنده پس گناه

انّ



بقره

إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ
هرآینه خدا آمرزنده مهربان است هرآینه کسانیکه می پوشند آنچه فرود آورده است
اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولٰٓئِكَ
خدا از کتاب وبستانند عوض وی بهای اندک که آن جماعه
مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ
نمیخورند در شکم های خود مگر آتش را وسخن نگوید بایشان خدا
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أُولٰٓئِكَ
روز قیامت و پاک کند ایشانرا وایشانراست عذاب دردمنده ایشانند
الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ
آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت وعذاب را
بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ
عوض آمرزش پس چه شکیبا اند بر دوزخ این همه بسبب آنست که خدا
نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتٰبِ
فرود آورد کتاب را براستی وهرآینه آنانکه اختلاف کردند دران کتاب
لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ
در مخالفت در انداز صواب نیست نیکوکاری آنکه متوجه کنید روی خود را
قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ
بطرف مشرق و مغرب ولیکن صاحب نکوکاری آن است که باور دارد خدا
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيِّينَ وَ
و روز قیامت را و فرشتگان را کتاب وپیغمبران را و
آتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَ
وبدهد مال با وجود دوست داشتن آن مال خداوندان خویش را ویتیمان و
الْمَسٰكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي
فقیران را ومسافران را وسوال کننده گان را ودر خرج
الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوفُونَ
در باب برده ها وبرپا دارد نماز را وبدهد زکوة را ووفاکننده گان

بعهدهم اذا عاهدوا والصبرين في البأساء والضر
بر عهد خویش چون عهد کنند مدح میکنم و صبر کنندگان را در تنگدستی
والضراء وحين البأس اولئك الذين صدقوا واولئك هم المتقون
و سختی و بوقت کارزار اینانند راست گوی و ایشانند پرهیزکار
يا ايها الذين امنوا كتب عليكم القصاص في القتلى الحر بالحر
ای مومنان لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان آزاد در مقابل آزاد
والعبد بالعبد والانثى بالانثى فمن عفي له
و بنده در مقابل بنده و زن در مقابل زن پس کسیکه درگذشته شد
من اخيه شيء فاتباع بالمعروف واداء اليه باحسان
چیزی از خون برادرش پس حکم او پیروی کردن است به نیکوی و رسانیدن خون بها بوی
ذلك تخفيف من ربكم ورحمة فمن اعتدى بعد
این حکم سبک کردن است از پروردگار شما و مهربانی است پس هر که از حد گذرد
ذلك فله عذاب اليم ولكم في القصاص حيوة
بعد ازین وی راست عذاب درد دهنده و شما را بسبب قصاص زندگانی
يا اولي الالباب لعلكم تتقون كتب عليكم
ای خداوند خرد تا باشند که پرهیزگاری کنید لازم کرده شد بر شما
اذا حضر احدكم الموت ان ترك خيرا الوصية
وقتیکه پیش آید کسی از شما موت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای
للوالدين والاقربين بالمعروف حقا على المتقين
پدر و مادر و نزدیکان به نیکوی لازم شد این کار بر متقیان
فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين
پس هر که بدل کند وصیت را بعد از شنیدنش پس جز این نیست که گناه بر آنهاست
يبدلونه ان الله سميع عليم فمن خاف من
که بدل میکنند آن وصیت را هر آینه خدا شنوا و داناست پس هر که دریابد از
موص جنفا او اثما فاصلح بينهم فلا اثم عليه
وصیت کننده غلطی یا گناهی پس صلاح درمیان ایشان پس هیچ گناه

ان الله





إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
هر اینه خدا آمرزنده و مهربانست ای گروه مومنان لازم کرده شد بر شما

الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
روزه داشتن و لازم کرده شد بر کسانیکه پیش از شما بود تا باشد که

تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا
پرهیزکاری کنید روزه داشتن در روز چند شمرده شد پس هر که باشد از شما بیمار

أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ
یا مسافر پس لازم است شمار آن روزه های دیگر و لازم است بر آنانکه طاقت

فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ
فدیه از خوراک یک درویش است پس هر که بجا آرد نیکی این بهتر است ورا

لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
اورا و اگر روزه دارید بهتر است شمارا اگر هستید دانید

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى
ماه رمضان آنست که فرود آورده شد درو قران راه نمای

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ
برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل پس

شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ
هر که در یابد از شما آن ماه را پس البته روزه آنرا و هر که بیمار باشد یا

عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ
مسافر روزی لازم است شمارا آنچه فوت شد از روزه های دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا
و نمیخواهد بشما سختی و میخواهد که تمام کنید شمار او بزرگی یاد کنید

اللّٰهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا
خدارا بر آنکه راه نمود شمارا و تا باشد که شما شاکر شوید و چون

سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۝ أُجِيبُ دَعْوَةَ
استفسار کنند ترا بندگان من از حال من پس هر اینه من نزدیکم قبول میکنم دعا



الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي

دعا كننده وقتيكه دعا كند پس بايد كردكه فرمانبردارى كنند براى من و بايد كه گروند بمن

لعلهم يرشدون ۝ احل لكم ليلة الصيام

تا باشند كه راه يابند حلال كرده شد بر شما در شب روزه

الرفث الى نسائكم هن لباس لكم وانتم لباس

مخالطت كردن با زنان خود بمنزله پوشش اند شما را و شما جاى پوشش ايد

لهن علم الله انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب

ايشانرا دانست خداى كه شما خيانت كرديد در حق خويش پس مهربانى

عليكم وعفا عنكم فالئن باشروهن وابتغوا

بازگشت بر شما و درگذشت از شما الحال مخالطت كنيد با زنان و طلب كنيد

ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتى يتبين

مقدر كرده است خدا براى شما و بخوريد و بنوشيد تا آنكه روشن شود براى

لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من

شما رشته سفيد از رشته سياه مراد از رشته سفيد

الفجر ثم اتموا الصيام الى اليل ولا تباشروهن

فجر است پس از آن تمام كنيد روزه را تا شب و مساس مكنيد زنانرا

وانتم عكفون في المسجد تلك حدود الله

و در حالتيكه معتكف باشيد در مسجد اينها منهيات خداست

فلا تقربوها كذلك يبين الله ءايته للناس لعلهم

پس نزديك مشويد بآنها همچنين بيان كنند خدا آيتهاى خود براى مردمان

يتقون ۝ ولا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل

تا پرهيزكارى كنند و مخوريد اموال خويش در ميان خويش بناحق

وتدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال

و مرسانيد اموال خود را بحاكمان يعنى برشوت تا بخوريد پاره از مال

الناس بالاثم وانتم تعلمون ۝ يسئلونك عن

مردمان بستم دانسته ميپرسند ترا از ماه ها يعنى

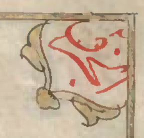


الاهلة

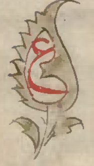
الاهلة قل هي مواقيت للناس والحج ط وليس البر
از شهر حج بگو اینها میعادند برای مردمان و برای حج و نیست نیکو کاری
بان تاتوا البيوت من ظهورها ولكن البر من
آنکه درآیند در خانهای در حالت احرام از پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری
اتقى واتوا البيوت من ابوابها واتقوا الله لعلكم
که پرهیزکاری کند و درآیند در خانها از راه دروازه ها و حذر کنید از خدا تا باشند
تفلحون ۝ وقاتلوا في سبيل الله الذين يقاتلونكم
که رستگار شوید و جنگ کنید در راه خدا با آنکه جنگ میکنند با شما
ولا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين ۝ و
و از حد مگذرید و خدا دوست ندارد از حد گذرندگان
اقتلوهم حيث ثقفتموهم واخرجوهم من حيث اخرجوكم
بکشید مشرکان را هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند
والفتنة اشد من القتل ولا تقاتلوهم عند
و غلبه شرک سخت تر است از قتل و کارزار مکنید با ایشان نزدیک
المسجد الحرام حتى يقاتلوكم فيه فان قاتلوكم
مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند با شما در آنجا پس اگر جنگ کنند با شما
فاقتلوهم كذلك جزاء الكافرين ۝ فان انتهوا
پس بکشید ایشان را همچنین است سزای کافران پس اگر باز مانند
فان الله غفور رحيم ۝ وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة
پس هرآینه خدا آمرزنده مهربانست و جنگ کنید با ایشان تا آنکه نابود شود شرک
ويكون الدين لله ط فان انتهوا فلا عدوان الا
و شود دین محض برای خدا پس باز مانند پس نیست دست درازی مگر
على الظالمين ۝ الشهر الحرام بالشهر الحرام و
بر ستمکاران ماه حرام عوض ماه حرام است و
الحرمات قصاص ط فمن اعتدى عليكم فاعتدوا
بزرگیها با یکدیگر عوض میشود پس هر که تعدی کند بر شما پس دست درازی کنید

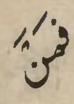
شما

٦٢



عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله و
بروی باشند دست درازی وی برشما و حذر کنید از خدا و
اعلموا ان الله مع المتقين ○ وانفقوا في سبيل الله
بدانید که خدا با پرهیزگاران است و خرج کنید از راه خدا
ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة واحسنوا ان
و میفکنید خویشتن را بسوی هلاک و نیکو کاری کنید هرآینه
الله يحب المحسنين ○ واتموا الحج والعمرة لله
خدا دوست دارد نیکوکاران را و تمام کنید حج و عمره را برای خدا
فان احصرتم فما استيسر من الهدي ولا
پس اگر باز داشته شوید پس لازم است آنچه سهل باشد قربانی و
تحلقوا رءوسكم حتى يبلغ الهدي محله فمن كان
متراشید سرهای خود را تا آنکه رسد قربانی بجایش پس هرکه باشد
منكم مريضا او به اذى من راسه ففدية
از شما بیمار یا او را رنجی باشد در سر او پس لازم است عوض آن
من صيام او صدقة او نسك فاذا امنتم فمن
از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس هرکه
تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدي
بهره ور شد بسبب ادای عمره تا وقت حج پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی
فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام في الحج وسبعة
پس هرکه نیابد پس لازم است روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز
اذا رجعتم تلك عشرة كاملة ذلك لمن لم يكن
وقتی که باز گردید از سفر این یک ده تمام است این حکم از آنست که نباشد
اهله حاضري المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا
قبیله وی باشنده مسجد حرام و حذر کنید از خدا و بدانید
ان الله شديد العقاب ○ الحج اشهر معلومت
هرآینه خدا سخت عقوبت است حج وقت است بماه های دانسته





فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ
پس هر که لازم گرد درین ماه حج یعنی احرام بست د بدکاری و نه باهم شکافتن
فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوا
در حج و هر چه میکنید از نیکی میداند او را خدا و توشه همراه گیرید
فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُونِ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ ۝
هر اینه بهترین توشه پرهیزکاری است بترسید ای خداوندان خرد
لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَاِذَا
و نیست شما را گناهی در آنکه طلب کنید در موسم حج روزی را از پروردگار خویش پس چون
اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
که بازگردید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزدیک مشعر حرام
وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدٰىكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ
و یاد کنید خدا را چنانکه راه نموده است شما را و هر آینه بودید پیش ازین
الضَّالِّينَ ۝ ثُمَّ اَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ
از گمراهان پس بازگردید از آنجا که بازمیگردند جماعه مردمان
وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ فَاِذَا
و آمرزش طلبید از خدا هر اینه خدا آمرزنده مهربان است پس چون
قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اٰبَاءَكُمْ
ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را مانند یاد کردن شما پدران خویش
اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي
بلکه زیاده تر یاد کردن پس از مردمان کسی هست که میگوید ای پروردگار ما بده
الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ
در دنیا و نیست در آخره هیچ نصیب و از مردمان کسی هست
يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ
که میگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نعمت و در آخرة نعمت
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ اُولٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ
نعمت و محفوظ دار ما را از عذاب دوزخ این گروه ایشان راست از ثواب

مما كسبوا والله سريع الحساب ۝ واذكروا الله
آنچه بعمل آوردند از ثواب و خدا زود حساب است و یاد کنید خدا را
في ايام معدودات فمن تعجل في يومين فلا اثم
در چند روز شمرده شده پس کسیکه شتاب کند در دو روز پس گناه نیست
عليه ومن تاخر فلا اثم عليه لمن اتقى واتقوا الله واعلموا انكم
بر وی و آنکه دیر ماند پس گناه نیست بر وی مر آنرا که پرهیزکاری ورزید و بترسید از خدا و بدانید شما
اليه تحشرون ۝ ومن الناس من يعجبك قوله في
بر انگیخته خواهید شد و از مردمان کسی هست که بشگفت می آرد ترا سخن او در
الحيوة الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه وهو
زندگانی دنیا و گواهی می آرد خدا را بر آنچه در دل وی است و او
الد الخصام ۝ واذا تولى سعى في الارض ليفسد
سخت ترین ستیزندگانست و چون ریاست پیدا کند بشتابد در زمین تا تباهی کند
فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد
در آنجا و نابود سازد زراعت و مواشی را و خدا دوست نمیدارد تباهکاری
واذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه
و چون گفته شود او را حذر کن از خدا حمل کنندش تکبر بر گناه پس کفایت کننده
جهنم ولبئس المهاد ۝ ومن الناس من يشري
وی دوزخ است و هر آینه وی بد جائیست و از مردمان کسی هست که میفروشد
نفسه ابتغاء مرضات الله والله رءوف بالعباد
خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربانست بر بندگان
يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا
ای کسانیکه ایمان آورده اید در آیید باسلام همه یکجا و پیروی مکنید
خطوات الشيطن انه لكم عدو مبين ۝ فان زللتم
گامهای شیطان هر آینه شما دشمن آشکاراست پس اگر بلغزید
من بعد ما جاءتكم البينت فاعلموا ان الله
بعد ازانکه آمد بشما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب

نصف

عزیز

عزیز حکیم ۝ هل ینظرون الا ان یاتیهم الله فی ظلل

غالب دانا آیا انتظار میکنند مگر آنکه بیاید بایشان عذاب خدا در

سایه‌بانها

من الغمام والملئکة وقضی الامر والی الله ترجع

از ابر و فرشتگان و انجام رسانیده شود کار و بسوی خدا گردانیده

شود

ع

روشن

الامور ۝ سل بنی اسرائیل کم اتینهم من ایة بینة

کارها . بپرس از بنی اسرائیل چقدر دادیم ایشان را از نشانهای

ومن یبدل نعمة الله من بعد ما جاءته فان الله

و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آنکه بیاید بوی یعنی کفر پیش گیرد پس هر آئینه خدا

شدید العقاب ۝ زین للذین کفروا الحیوة

سخت عقوبت است آراسته کرده شده است کافران را زندگانی

الدنیا ویسخرون من الذین امنوا والذین اتقوا

دنیا و سخریه میکنند با اهل ایمان و آنکه پرهیزگاری دارند

فوقهم یوم القیمة والله یرزق من یشاء بغیر

بالاتر از ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بیشمار

حساب ۝ کان الناس امة واحدة فبعث الله

یعنی بسیار بودند مردمان یک گروه پس فرستاد خدا تعالی

النبین مبشرین ومنذرین وانزل معهم الکتب

پیغامبران را بشارت دهنده و بیم کننده و فرود آورد با ایشان کتاب را

بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه وما

براستی تا حکم کند میان مردمان در آنچه اختلاف کردند در آن و

اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم

اختلاف نکردند در آن مگر کسانیکه داده شد بایشان کتاب بعد از آنکه امد بایشان

البینت بغیا بینهم فهدی الله الذین امنوا لما

نشانها از جهة حسد در میان خویش پس راه نمود خدای مومنان را آن حق که

اختلفوا فیه من الحق باذنه والله یهدی من

اختلاف کردند در وی باراده و خدا راه نماید کسی را



يشاء الى صراط مستقيم ۝ ام حسبتم ان تدخلوا
که خواهد بسوی راه راست ایا پنداشتید ای مردمان که درآیید
الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم
در بهشت حالانکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنکه گذشت اند از پیش شما
مستهم البأساء والضراء وزلزلوا حتى يقول
رسید بایشان سختی و محنت بجنبانیده شد تا آنکه بگوید
الرسول والذين امنوا معه متى نصر الله الا ان
پیغامبر و کسانیکه ایمان آوردند با وی کی باشد یاری دادن خدا
نصر الله قريب ۝ يسئلونك ماذا ينفقون قل ما
هر اینه یاری دادن خدا نزدیکست سوال میکنند ترا که کدام نوع خرج کنند بگو آنچه
انفقتم من خير فللوالدين والاقربين واليتمى
خرج کردید از مال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و
والمسكين وابن السبيل وما تفعلوا من خير
درویشان و مسافران را و وانچه کنید از نیکی
فان الله به عليم ۝ كتب عليكم القتال وهو كره
هر اینه خدا بوی داناست لازم کرده شد بر شما جنگ و آن برای شما
لكم وعسى ان تكرهوا شيئا وهو خير لكم وعسى ان تحبوا
ناخوش است و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را حالانکه وی بهتر باشد و شاید دوست دارید
شيئا وهو شر لكم والله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ يسئلونك عن
چیزی را و حالانکه وی بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمیدانید سوال میکنند ترا
الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و
از ماه حرام از جنگ کردن دران بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است
صد عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام
و باز داشتن از راه خدا و ناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام
واخراج اهله منه اكبر عند الله والفتنة
و بیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت تراست نزد خدا و فتنه انگیختن





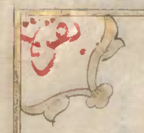
أكبر من القتل ولا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم
سخت تر است از کشتن همیشه باشند که جنگ میکنند با شما تا آنکه باز گردانند
عن دينكم إن استطاعوا ومن يرتدد منكم عن دينه
از دین شما یعنی از اسلام اگر توانند وهرکه برگردد از شما از دین خود
فيمت وهو كافر فأولئك حبطت أعمالهم في الدنيا
پس کافر بمیرد آن گروه نابود شد کارهای ایشان در دنیا
والآخرة وأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون
وآخرة وایشان باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند
إن الذين آمنوا والذين هاجروا وجاهدوا في
هر آینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند وجهاد نمودند در
سبيل الله أولئك يرجون رحمت الله والله
راه خدا آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را وخدا
غفور رحيم يسئلونك عن الخمر والميسر قل
آمرزنده مهربانست سوال میکنند ترا از شراب وقمار بگو
فيهما إثم كبير ومنافع للناس وإثمهما أكبر
دریں هر دو گناه سخت است ونفع هاست مردمان وگناه این سخت است
من نفعهما ويسئلونك ماذا ينفقون قل
از نفع آنها وسوال میکنند که چه چیز خرج کنند بگو
العفو كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم
خرج کنید زیاده را همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتها تا باشد
تتفكرون في الدنيا والآخرة ويسئلونك
که تامل کنید در مصلحت دنیا و آخرت وسوال میکنند ترا
عن اليتمى قل إصلاح لهم خير وإن تخالطوهم
از یتیمان بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است واگر مشارکت کنید
فإخوانكم والله يعلم المفسد من المصلح ولو شاء
پس ایشان برادران شما اند وخدا میداند تباهکار را از صلاح کار واگر خدا خواستی



الله لاعنتكم ان الله عزيز حكيم ۝ ولا تنكحوا المشركت
خدا سخت گرفتی شمارا هر آینه خدا غالب و استوار است و بزنی مدهید زنان شرک آرنده
حتى يؤمن ولامة مؤمنة خير من مشركة ولو
تا آنکه ایمان آورند و هر اینه مسلمان بهتر است از زن شرک آرنده اگر چه
اعجبتكم ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا ولعبد
بشگفت آورده باشند شمارا و بزنی مدهید مشرکان تا آنکه ایمان ارند و هر اینه بنده
مؤمن خير من مشرك ولو اعجبكم اولئك
مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه بشگفت آورده باشند شمارا آن گروه مشرکان
يدعون الى النار والله يدعوا الى الجنة والمغفرة
میخوانند بسوی دوزخ خدا میخواند بسوی بهشت و آمرزش
باذنه ويبين ايته للناس لعلهم يتذكرون
بقدرت خود و بیان میکند آیتهای خود را برای مردمان تا باشند که پند پذیرشوند
ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا
و سوال میکنند ترا از حیض بگو کردی نجاست است یکسو شوید
النساء في المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن
از زنان در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آنکه پاک شوند
فاذا تطهرن فاتوهن من حيث امركم الله ان
چون نیک پاک شوند پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است خدا شمارا
الله يحب التوبين ويحب المتطهرين نساؤكم
هر اینه خدا دوست دارد توبه کنندگان و دوست میدارد پاک شوندگان زنان شما
حرث لكم فاتوا حرثكم انى شئتم وقدموا لانفسكم
کشت زار شما اند پس بیائید بکشت زار خوش هر روش که خواهید و پیش فرستید برای خویش
واتقوا الله واعلموا انكم ملقوه وبشر المؤمنين
و بترسید از خدا و بدانید که شما با وی ملاقات خواهید کرد و بشارت ده مسلمانان را
ولا تجعلوا الله عرضة لايمانكم ان تبروا وتتقوا
و مکنید نام خدا دستمال برای سوگندان خویش برای اجتناب از آنکه نیکوکاری



وتصلحوا



وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ لَا يُؤَاخِذُكُمُ
و صلاح آرید در میان مردمان و خدا شنوا و داناست و مواخذه میکند شما را

اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ
خدا به بیهودگی در سوگندهای شما و لیکن مواخذه میکند باآنچه قصد کرده است

قُلُوبُكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ
دلهای شما و خدا آمرزنده و بردبار است مرآنکسانرا که ایلا میکنند از

نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللّٰهَ
زنان خویش انتظار کردن چهار ماه است اگر باز گشتند ازین سوگند پس هر آینه خدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ
آمرزنده و مهربانست و اگر قصد کردند جدائی را پس هر آینه خدا شنوا و داناست

عَلِيمٌ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ
داناست و آن زنان که طلاق داده شدند ایشان از انتظار سه حیض یا سه طهر کشند

قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي
خویشتن را و جایز نیست ایشانرا از پوشیدن آنچه خدا آفریده است در

أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ
رحمهای ایشان ولد و حیض اگر ایمان می آرند بخدا و روز بازپسین و شوهران ایشان

أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ
سزاوارترند بازآوردن ایشان در حالت خود درین مدت اگر خواهند صلح و

وزنانرا هست

مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ
مانند آنچه بر زنان آنچه بوجه پسندیده و مردان راست بر ایشان بلندی



دَرَجَةٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ
یعنی فرمانروائی و خدا غالب استوارکارست طلاق رجعی دو بارست پس ازان نگاه داشتن

است

بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا
بخوشوئی یا رها کردن است به نیکوئی و حلال نیست که بگیرید چیزی را

مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ
ازانچه داده اید بزنان مگر آنگاه که بترسند مرد و زن که برپا توانند داشت

الله فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما
احکام خدا پس اگر بترسید ای مسلمانان از آنکه بر پا ندارند این احکام خدا را پس گناه نیست
فيما افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها
در آنچه عوض خود داد زن این حدها مقرر کرده است خدا پس بیرون مروید از اینها
ومن يتعد حدود الله فاولئك هم الظلمون
و هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران
فان طلقها فلا تحل له من بعد حتى تنكح زوجا
پس اگر طلاق داد جفتی سوم بار پس هرگز حلال نمیشود این زن این مرد را بعد از آن تا آنکه نکاح کند زن با
غيره فان طلقها فلا جناح عليهما ان يتراجعا
شوهر دیگر پس اگر طلاق داد این شوهر دیگر پس گناه نیست بر ایشان هر دو در آنکه بازگردند
ان ظنا ان يقيما حدود الله وتلك حدود الله
به نکاح با هم اگر بدانند که بر پا میتوانند داشت احکام خدا را و این حدود خداست
يبينها لقوم يعلمون وإذا طلقتم النساء فبلغن
بیان میکند آن حدود را برای قومی که میدانند و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند
اجلهن فامسكوهن بمعروف او سرحوهن
میعاد خود پس نگاه دارید ایشان را به نیکوئی یا رها کنید ایشان را
بمعروف ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا
به نیکوئی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید و هر که
ومن يفعل ذلك فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا
این کند پس هر آینه ستم کرد بر خود و مگیرید
ايت الله هزوا واذكروا نعمت الله عليكم وما
آیتهای خدا را تمسخر و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و آنچه فرود آورد
انزل عليكم من الكتب والحكمة يعظكم به واتقوا
فرود آورد بر شما از کتاب و علم که پند میدهد شما را بدان و بترسید
الله واعلموا ان الله بكل شيء عليم وإذا طلقتم
از خدا و بدانید که خدا بهر چیز داناست و چون طلاق دادید

ثلثه

ع

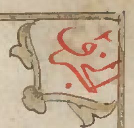
النساء فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ينكحن
زنان را پس رسيدند بميعاد پس منع مكنيد ايشانرا از كه نكاح كنند
ازواجهن اذا تراضوا بينهم بالمعروف ذلك
با شوهران خويش و چنانكه بايكديگر راضى شدند درميان خويش بروش پسنديده اين حكم
يوعظ به من كان منكم يؤمن بالله واليوم الاخر
پند داده ميشود بان هر كسى را كه مومن باشد از شما بخدا و روز قيامت
ذلكم ازكى لكم واطهر والله يعلم وانتم لا
واين كار خوشتر است شما را و پاكيزه تر و خدا ميداند و شما نميدانيد
تعلمون ۝ والولدت يرضعن اولادهن حولين
نميدانيد ومادران بايد كه شير دهند فرزندان خويش را دو سال
كاملين لمن اراد ان يتم الرضاعة وعلى المولود
تمام اين حكم از است كه خواهد تمام كردن مدت شير و بر پدر
له رزقهن وكسوتهن بالمعروف لا تكلف نفس
نفقه و پوشاك اين زنان دشيرده است بوجه پسنديده واجب كرده نميشود بر
الا وسعها لا تضار والدة بولدها ولا مولود له
الا قدر توانائى او رنج نبايد داد مادر را بسبب فرزند وى و نه پدر را بسبب

هيچكس

بولده وعلى الوارث مثل ذلك فان ارادا فصالا
فرزند وى ولازم است بر وصى مانند اين پس اگر خواهند مادر و پدر را از شير باز

كردن شير از دو سال

عن تراض منهما وتشاور فلا جناح عليهما وان
بعد رضامندى يكديگر و مشورت كردن با يكديگر پس هيچ گناه نيست بر ايشان
اردتم ان تسترضعوا اولادكم فلا جناح
و اگر خواهيد كه دايه گيريد براى فرزندان خويش پس هيچ گناه نيست
عليكم اذا سلمتم ما اتيتم بالمعروف واتقوا
بر شما چون تمام تسليم نموديد آنچه دادن مقرر كرديد بخوشخوئى و بترسيد
الله واعلموا ان الله بما تعملون بصير ۝ والذين
از خدا و بدانيد بانچه خدا كند بيناست دكسانيكه



يتوفون منكم ويذرون ازواجا يتربصن

بمیرند از شما و بگذارند زنان را باید که انتظار کنند

بانفسهن اربعة اشهر وعشرا فاذا بلغن اجلهن

این زنان خویشتن را چهار ماه و ده روز پس چون رسند بمیعاد

فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهن

پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشتن

بالمعروف والله بما تعملون خبير ۝ ولا جناح

بوجه پسندیده و خدا بآنچه میکنید آگاه هست و نیست گناه

عليكم فيما عرضتم به من خطبة النساء او

بر شما در سخنی که کنایت گردید بروی از خواستگاری زنان یا

اكننتم في انفسكم علم الله انكم ستذكرونهن

پنهان داشتید در دلهای خود دانست خدا که شما یاد خواهید کرد

ولكن لا تواعدوهن سرا الا ان تقولوا قولا

ولیکن وعده مکنید بایشان نکاح را مگر آنکه گوید سخن پسندیده یعنی بکنایت

معروفا ۝ ولا تعزموا عقدة النكاح حتى

پسندیده و قصد مکنید عقد نکاح را تا آنکه

يبلغ الكتب اجله واعلموا ان الله يعلم ما في

برسد مقرر بنهایت خود و بدانید که خدا میداند آنچه

انفسكم فاحذروه واعلموا ان الله غفور

در دلهای شماست پس بترسید و بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است

حليم ۝ لا جناح عليكم ان طلقتم النساء ما لم

بردبار است هیچ گناه نیست بر شما اگر طلاق دادید زنان را در آن وقت

تمسوهن او تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن

که هنوز دست نرسانید ایشان را یا معین نکرده اید با ایشان مقداری بهره و بهره دهید

على الموسع قدره وعلى المقتر قدره متاعا

لازم است بر توانگر مقدار حال او و بر تنگدست مقدار حال او و بهره دادن

بالمعروف

نصف

نزد دیگر است

بالمعروف حقا على المحسنين ۝ وان طلقتموهن
بجو شیئی لازم شده بر نیکو کاران واگر طلاق داده اید
من قبل ان تمسوهن وقد فرضتم لهن فريضة
از پیش آنکه دست رسانید باشان و معین کرده باشید برای ایشان معدا
فنصف ما فرضتم الا ان يعفون او يعفوا
پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشند زنان را یا درگذارد کسیکه
الذى بيده عقدة النكاح وان تعفوا اقرب
کسیکه بدست اوست عقد نکاح زوج خود گذشته تمام دهد و آنکه درگذارید
للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم ان الله بما
به پرهیزکاری و فراموش مکنید احسان کردن در میان خویش هر آئینه خدا با آنچه
تعملون بصير ۝ حافظوا على الصلوات و
میکنید بیناست نگاه دارید بر همه نمازها و
الصلوة الوسطى وقوموا لله قنتين ۝ فان خفتم
نماز میانه یعنی نماز عصر و بایستید برای خدا فرمانبردار پس اگر ترسید
فرجالا او ركبانا فاذا امنتم فاذكروا الله
از عدو و مانند آن بر پای خود نماز گذارید پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا
كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون ۝ والذين
چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید و آنانکه
يتوفون منكم ويذرون ازواجا وصية
قبض ارواح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را لازم شد برایشان وصیت
لازواجهم متاعا الى الحول غير اخراج فان خرجن
برای زنان خویش باینکه بهره دهند ایشان را تا یکسال غیر برآوردن پس اگر بیرون روند
فلا جناح عليكم فى ما فعلن فى انفسهن
پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشتن
من معروف والله عزيز حكيم ۝ وللمطلقت
از کار پسندیده و خدا غالب استوار کار است و طلاق داده شدگان را



مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ كَذَٰلِكَ
بهره مند ساختن نفقه سلفی لازم کرده شد بر پرهیزکاران همچنین بیان میکند
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى
بیان میکند خدا برای شما احکام خود را تا باشد که شما بفهمید آیا ندیدی ای بنده
الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
بسوی کسانیکه بیرون آمدند از خانهای خویش و ایشان هزاران بودند از بیم مرگ
فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ
پس گفت ایشانرا خدا بمیرید باز زنده گردانید هرآینه خدا صاحب احسانست
عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ
بر مردمان ولیکن اکثر از مردمان سپاس نمیکنند
وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوا و داناست
مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ
کیست آنکه وام دهد خدا را وام دادن نیک دو چند سازد خدا آنرا
لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ
برای او مراتب بسیار و خدا تنگ میسازد و گشاده کند روزی و بسوی او
تُرْجَعُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ
باز گردانیده شوید آیا ندیدی بسوی جماعه از بنی اسرائیل را
بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا
از بعد موسی چون گفتند مر پیغامبر خویش را که برپا کن برای ما پادشاهی
نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ
تا جنگ کنیم در راه خدا گفت پیغمبر آیا نزدیک هستید اگر واجب کرده شود
الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي
جنگ کردن از آنکه جنگ نکنید گفتند و چه شده است ما را که جنگ نکنیم در
سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا
راه خدا و بتحقیق بیرون کرده شدیم از خانهای خویش و جدا کرده شدیم

کتب

بقره

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ
پس آنگاه که واجب شد بر ایشان جنگ روی گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا

عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ
داناست بستمکاران و گفت بر ایشان را پیغمبر ایشان هر آینه خدا پادشاه

سفر کرد

لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا
برای شما طالوت را گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما

وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ
و ما سزاوارتریم بپادشاهی از وی و داده نشده است وی را فراخی از مال

قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً
گفت هر آینه خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی

فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ
در دانش و افزونی در بدن و خدا می‌بخشد پادشاهی خود را بهر که خواهد و خدا

وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن
جواد داناست و گفت ایشان را پیغمبر ایشان هر آینه نشان پادشاهی او

آنت

يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ
که بیاید بشما صندوقی که در آن آرام دل است از پروردگار شما و بقیه از

مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ
ترکه‌ای که گذاشتند آل موسی و آل هارون برمی‌دارند او را فرشتگان

ع

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ فَلَمَّا
هر آینه در این صورت نشانه است شما را اگر باور دارنده اید پس چون

فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
جدا شد از وطن طالوت با لشکرها گفت هر آینه خدا

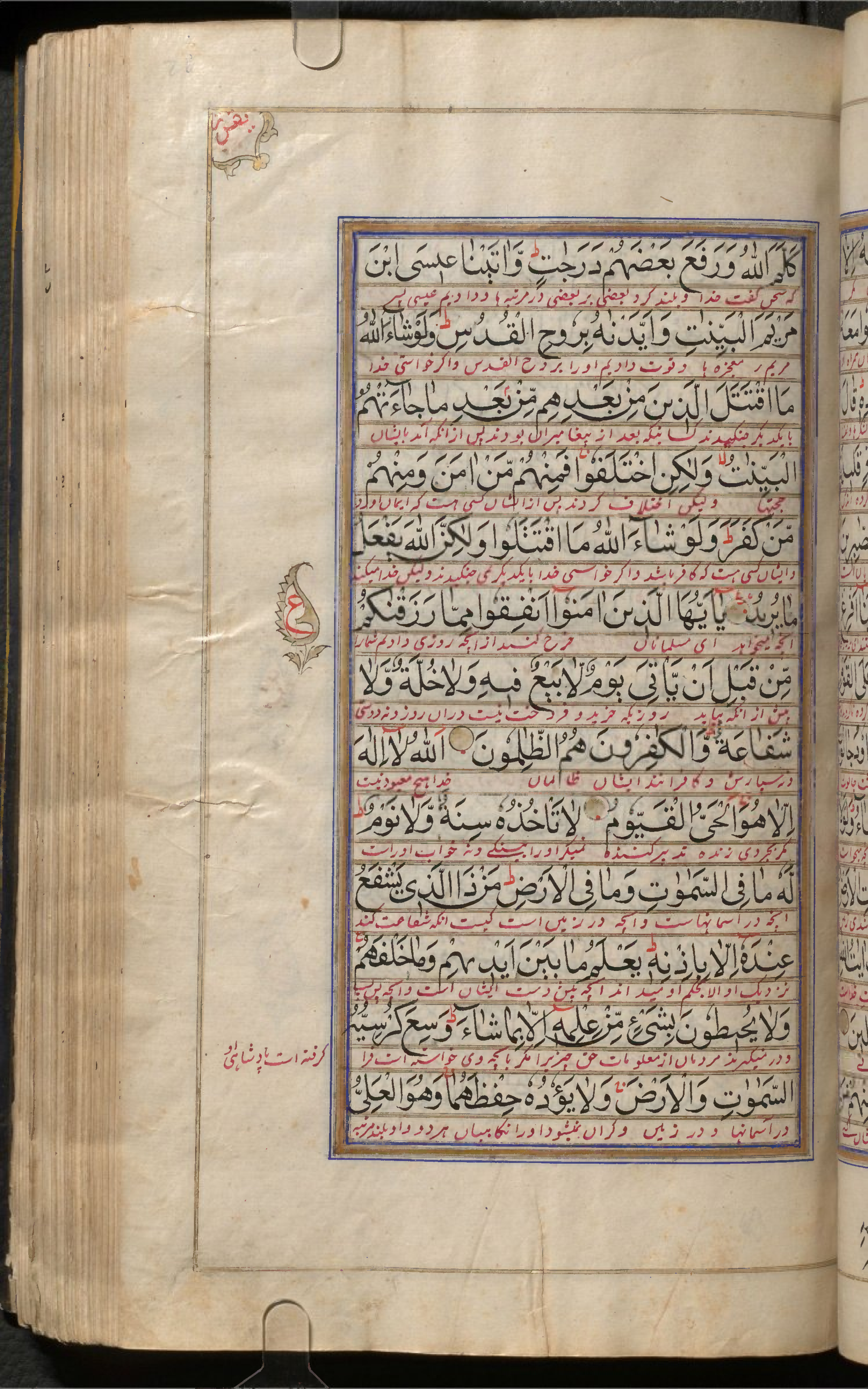
مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ
آزماینده است شما را بجوی پس نوشیدند از آن جوی پس نیست

مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ
از من و هر که نچشد از آن پس او از من است الا آنکه

اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهٖ فَشَرِبُوا مِنْهُ اِلَّا
بر دارد یک کف آب بدست خود پس آشامیدند از آن جوی مگر
قَلِیلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهٗ هُوَ وَالَّذِینَ اٰمَنُوا مَعَهٗ
اندکی از ایشان پس آنگاه که گذشتند از جوی طالوت و مومنان همراه او
قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهٖ قَالَ
گفتند و شنیده کان نیست توانایی ما را امروز بمقابله جالوت و لشکرها و گفتند
الَّذِینَ یَظُنُّونَ اَنَّهُمْ مُلٰقُوا اللّٰهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ
آنانکه میدانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا بسا گروه اندک
غَلَبَتْ فِئَةً كَثِیرَةً بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِینَ
که غالب شد بر گروه بسیار باراده خدا و خدا با شکیبایان است
وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهٖ قَالُوا رَبَّنَا اَفْرِغْ
و آنگاه که بمیدان آمدند برای جنگ جالوت و لشکرهای وی گفتند ای پروردگار
عَلَیْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ
بر ما شکیبایی و محکم کن قدمهای ما را و غلبه ده ما را بر گروه ناگرویدگان
الْكٰفِرِینَ فَهَزَمُوهُمْ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَقَتَلَ دَاوٗدُ جَالُوتَ
ناگرویدگان پس شکست دادند آن کفار را بتوفیق خدا و کشت جالوت را
وَاٰتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهٗ مِمَّا یَشَاۤءُ وَلَوْلَا
و داد خدا تعالی داود را پادشاهی و علم و بیاموخت او را آنچه میخواست
دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْاَرْضُ
دفع کردن خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی هر آینه تباه شدی زمین
وَلٰكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعٰلَمِینَ تِلْكَ اٰیٰتُ اللّٰهِ
و لیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالمها اینها آیات خداست
نَتْلُوهَا عَلَیْكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ
میخوانیم بر تو خوانیم ای محمد براستی و هر آینه از پیغامبران
تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰی بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ
این پیغمبران فضل دادیم بعضی را از ایشان بر بعضی از ایشان کسی

الجزء الثالث

كلم



كلم الله ورفع بعضهم درجت واتينا عيسى ابن
که سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی بر بعضی در مرتبه ها و دادیم عیسی پسر
مريم البينت وايدنه بروح القدس ولو شاء الله
مریم را معجزه ها و قوت دادیم او را بروح القدس و اگر خواستی خدا
ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم
با یکدیگر جنگیدندی آنکه بعد از پیغامبران بودند پس از آنکه آمد بایشان
البينت ولكن اختلفوا فمنهم من امن ومنهم
حجتها و لیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد
من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل
و ایشان کسی هست که کافر باشد و اگر خواستی خدا با یکدیگر نمی جنگیدند و لیکن خدا میکند
ما يريد ۝ يايها الذين امنوا انفقوا مما رزقنكم
آنچه میخواهد ای مسلمانان خرج کنید از آنچه روزی دادیم شما را
من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا
پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست دران روز و نه دوستی
شفاعة والكفرون هم الظلمون ۝ الله لا اله
و نه سپارش و کافرانند ایشان ظالمان خدا هیچ معبود نیست
الا هو الحي القيوم ۝ لا تاخذه سنة ولا نوم
مگر بجز وی زنده تدبیر کننده نمیگیرد او را پینکی و نه خواب او راست
له ما في السموت وما في الارض من ذا الذي يشفع
آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند
عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
نزدیک او الا بحکم او میداند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس
ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
و در نمیگیرند مردمان از معلومات حق چیزی را مگر بآنچه وی خواسته است فرا
السموت والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي
در آسمانها و در زمین و گران نمیشود او را نگاهبان هر دو و او بلند مرتبه

ع

گرفته است پادشاهی او



العظيم ۝ لا اكراه في الدين قد تبين الرشد من
و بزرگ است نیست جبر کردن برای دین هر آینه ظاهر شده است راه یاب
الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد
از گمراهی پس هر که منکر بت شود و ایمان آرد بخدا پس هر آینه
استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها و
چنگ زده است بدست آویزی محکم که نیست گسستن آن را و
الله سميع عليم ۝ الله ولي الذين امنوا يخرجهم من
خدا شنوا و داناست خدا کارساز مومنان است بیرون می آرد ایشان را
الظلمت الى النور ۝ والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت
از تاریکیها بسوی روشنی و آنانکه کافرند کارسازان ایشان بتانند
يخرجونهم من النور الى الظلمت اولئك اصحب النار
بیرون می آرند ایشان را از روشنی بسوی تاریکی ها این جماعه باشندگان دوزخ
هم فيها خلدون ۝ الم تر الى الذي حاج ابرهم
ایشان در آنجا جاویدند آیا ندیدی بسوی کسیکه مکابره کرد با ابراهیم
في ربه ان اتىه الله الملك اذ قال ابرهم ربي
در باب پروردگار در مقابله آنکه اورا خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم پروردگار
الذي يحي ويميت قال انا احي واميت قال ابرهم
من آنست که زنده میکند و می میراند گفت آن کافر من زنده کنم و میرانم گفت
فان الله ياتي بالشمس من المشرق فات بها من
پس هر آینه خدا می آرد آفتاب را از مشرق پس تو بیار آنرا از
المغرب فبهت الذي كفر والله لا يهدي القوم
طرف مغرب پس مغلوب شد کافر و خدا راه نمی نماید گروه
الظلمين ۝ او كالذي مر على قرية وهي خاوية على
ستمکاران را یا ندیدی این شخص را که گذشت بر دیه و دیه افتاده بود
عروشها قال انى يحي هذه الله بعد موتها فاماته
بر سقفهای خود گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد مردن پس مرده کرد



اللهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهٗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ
او را خدا تعالی صد سال بعد از ان برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ
يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ
کم روز یا زیاده از روز گفت بلکه درنگ کرده صد سال
فَانْظُرْ اِلٰى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ
پس ببین بسوی طعام خوردن و آشامیدنی خود که متغیر نشده و ببین
اِلٰى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ اِلَى
بسوی دراز گوش میخواهیم که کردهیم ترا نشانه برای مردمان و ببین بسوی
الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا فَلَمَّا
استخوانها چگونه جنبش میدهیم اجزا. بعد ازان می پوشانیم بران گوشت پس
تَبَيَّنَ لَهٗ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
واضح شد پیش او این حال گفت بیقین میدانم که خدا بر همه چیز تواناست
وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اَرِنِيْ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى
و آنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده میکنی مردگان را
قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِيْ
گفت خدا باور نداری گفت آری باور داشته ام ولیکن میخواهم که آرام گیرد دل من
قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ
گفت خدا پس بگیر چهار تن از پرندگان پس بهم آور همه را نزدیک خود بعد ازان
اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَاْتِيْنَكَ
بگذار بر سر کوهی پاره از ایشان بعد ازان ندا کن ایشان را البته بیایند
سَعْيًا وَاعْلَمْ اَنَّ اللهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ مَثَلُ الَّذِيْنَ
پس دوان و بدانکه خدا غالب استوارکار است صفت آنانکه
يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ
خرج کنند اموال خود را در راه خدا مانند صفت یکدانه است که
سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللهُ
هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است و خدا

گردم

چون

ع

بر دیا

ربع

يضعف لمن يشاء والله واسع عليم الذين ينفقون
دو چند میدهد هرکه را خواهد و خدا جواد و داناست آنانکه خرج میکنند
اموالهم في سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا
مال خود را در راه خدا باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن
منا ولا اذى لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف
و نه ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان
عليهم ولا هم يحزنون قول معروف ومغفرة
بر ایشان و نه ایشان غمگین شوند سخن ملایم گفتن و در گذشتن بهتر است
خير من صدقة يتبعها اذى والله غني حليم
بهتر است از آن خیرات خود را از پی آن آزرده کردن و خدای بی نیاز و بردبار است
يا ايها الذين امنوا لا تبطلوا صدقتكم بالمن و
ای گروه مومنان تباه مکنید خیرات خود را بمنت نهادن و
الاذى كالذي ينفق ماله رئاء الناس ولا يؤمن
آزرده کردن همچون کسیکه خرج میکند مال خود را برای نمودن مردمان و
بالله واليوم الاخر فمثله كمثل صفوان عليه
بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است بر وی
تراب فاصابه وابل فتركه صلدا لا يقدرون
باشد اندکی خاکی پس رسید بوی بارانی عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانند قادر
على شيء مما كسبوا والله لا يهدي القوم الكفرين
بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید گروه کافران را
ومثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات
و صفت آنانکه خرج میکنند مالهای خویش را از جهت طلب رضامندی
الله وتثبيتا من انفسهم كمثل جنة بربوة
خدا و بسبب اعتقاد ناشی از دل خویش مانند صفت باغی است بمکانی بلند
اصابها وابل فاتت اكلها ضعفين فان لم
که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوه های خود را دو چندان و اگر نرسید

يصبها

يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ أَيَوَدُّ
اورا باران عظیم پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه میکنید بیناست آیا دوست
أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
میدارد یکی از شما که باشد اورا باغی از درختان خرما و انگور
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ
برود زیر آن جویها مر اورا هست دران باغ هر جنس از میوه‌ها
وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا
و رسیده باشد اورا کلان سالی و باشد اورا اولاد ناتوان پس در رسید
إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ
آن باغ را گردبادی که دران آتش است پس پاک بسوخت همچنین واضح میسازد خدا
لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ
برای شما آیتها تا باشد که تامل کنید ای گروه
اٰمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
مومنان خرج کنید از پاکیزه‌ها آنچه شما پیدا کردید و از آنچه بیرون آوردیم
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
برای شما از زمین و قصد مکنید ردی را از آن خرج میکنید از
وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ
و نیستند گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که
اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ الشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ
خدای بی‌نیاز ستوده است شیطان وعده میدهد بشما تنگدستی را و
يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا
میفرماید به بیحیایی و خدا وعده میکند بر شما آمرزش از جانب خود
وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ
و خدا جواد و داناست میدهد دانش هرکرا خواهد و هرکرا
يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ
داده شد اورا دانش پس هرآینه داده شد نیکوی بسیار و پند پذیر نمیشود

إلا أولوا الألباب ۝ وما أنفقتم من نفقة أو
مگر خداوندان خرد — وانچه خرج میکنید از خیرات یالازم گردید
نذرتم من نذر فإن الله يعلمه وما للظلمين
بر خود از نذری — پس هر آینه خدا میداند او را و نیست ستمکاران را
من أنصار ۝ إن تبدوا الصدقت فنعما هي وإن
هیچ یاری دهنده — اگر اشکارا کنید خیرات
تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم ويكفر
پنهان کنید او را و بدهید او را بفقیران پس این بهتر است شما را و این دور
عنكم من سياتكم والله بما تعملون خبير ۝ ليس
سازد از شما بعض گناهان شما را و خدا بانچه میکنید آگاه است — لازم نیست
عليك هدىهم ولكن الله يهدي من يشاء
بر تو ای محمد هدایت ایشان ولیکن خدا هدایت میکند هر که را بخواهد
وما تنفقوا من خير فلأنفسكم وما تنفقون
وانچه خرج کردید از مال پس نفع برای ذات شماست ولائق نیست که خرج کنید
إلا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خير يوف
مگر برای طلب روی خدا وانچه خرج کردید از مال تمام رسانید
إليكم وأنتم لا تظلمون ۝ للفقراء الذين أحصروا
بسوی شما و شما ستم کرده نخواهید شد — خیرات برای آن فقیران است که بند کرده شده
في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الأرض
در راه خدا — نمیتوانند — سفر کردن در زمین
يحسبهم الجاهل أغنياء من التعفف تعرفهم
تو گمان می بندد ایشانرا بسبب طمع نکردن تو می شناسی ایشانرا بقیافه
بسيمهم لا يسئلون الناس إلحافا وما تنفقوا
ایشان — سوال میکنند از مردمان بالحاح آنچه خرج نکنید
من خير فإن الله به عليم ۝ الذين ينفقون أموالهم
از مال — پس هر آینه خدا بان داناست کسانیکه خرج میکنند اموال خویش

ربع

ع

بالليل

بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ
شب و روز و پنهان و آشکارا پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک
رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝ اَلَّذِيْنَ
پروردگار و نیست ترس بر ایشان و نه اندوهگین شوند کسانیکه
يَاْكُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا يَقُوْمُوْنَ اِلَّا كَمَا يَقُوْمُ الَّذِيْ
میخورند سود را بر نخیزند یعنی از گور مگر چنانکه بر خیزد کسی
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ط ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا
که دیوانه ساخت او را شیطان بسبب سایدن این بسبب گفتند
اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبٰوا م وَاَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ
جز این نیست که سوداگری مانند سود است و حلال کرده است خدا سوداگری
و حرام ساخته است
الرِّبٰوا فَمَنْ جَآءَهٗ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ فَانْتَهٰى فَلَهٗ مَا
سود را پس کسیکه آمد بوی پند از جانب پروردگار وی پس باز ماند از نیکه
سَلَفَ ط وَاَمْرُهٗ اِلَى اللّٰهِ ط وَمَنْ عَادَ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ
پس او راست آنچه درگذشت و کار او مفوض است بخدا و هرکه بازگشت سودخواری
النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝ يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي
پس آن گروه باشند اهل دوزخ اند در آنجا جاویدند نابود میسازد خدا برکت سود را و افزون
الصَّدَقٰتِ ط وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اَثِيْمٍ ۝ اِنَّ
سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد ناسپاس گناهکار را هر آینه
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ
کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را
وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ج وَلَا خَوْفٌ
و دادند زکوة را مر ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگار و نیست ترس
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا
بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند ای کسانیکه مومنان باشید
اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ
حذر کنند از خدا و ترک کنند آنچه مانده است از سود اگر هستید اهل ایمان

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَاْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهٖ وَ

پس اگر نکردید پس خبردار باشید جنگی از طرف خدا و رسول او

اِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ اَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا

و اگر توبه کردید پس شما راست اصل مالهای شما نه شما ستم کنید و نه

تُظْلَمُونَ ○ وَاِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ

ستم کرده شود و اگر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تا توانگری

وَاَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ○ وَ

و اگر خیرات کنید بهتر است شما را اگر هستید داننده و

اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ

و حذر کنید از آن روز که باز گردانیده شوید بسوی خدا پس تمام داده شود هر

مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ○ يَاۤ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوۤا



آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند ای مومنان

اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ

اگر معامله کنید با یکدیگر بوام دادن تا میعاد مقرر پس بنویسید آنرا و باید که بنویسد

بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِالْعَدْلِ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَّكْتُبَ

میان شما نویسنده بانصاف و سر باز نزند نویسنده از آنکه بنویسد

كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

چنانکه آموخته است او را خدا پس باید که وی بنویسد و انشا کند آنکه وام بر ذمه ویست

وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَاِنْ كَانَ

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند از آن وام چیزی را پس اگر باشد

الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا اَوْ ضَعِيفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيعُ

کسیکه وام بر ذمه ویست بی خرد یا ناتوان یا نمیتواند انشا کردن

اَنْ يُّمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهٗ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا

پس باید که انشا کند کارگزار او بانصاف و گواه گیرید

شَهِيدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ فَاِنْ لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ

دو شاهد از مردان پس اگر نباشند دو مرد پس یک مرد و

فرجل

32

بقرة

فَرَجُلٌ وَامْرَاَتٰنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ اَنْ

پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانیکه رضامند باشید از گواهان اگر

تَضِلَّ اِحْدٰىهُمَا فَتُذَكِّرَ اِحْدٰىهُمَا الْاُخْرٰى ط وَلَا

فراموش کند یک زن یاد دهد یکی دیگری را و باید که سر باز نزنند گواهان

يَاْبَ الشُّهَدَآءُ اِذَا مَا دُعُوْا ط وَلَا تَسْئَمُوْٓا اَنْ تَكْتُبُوْهُ

سر باز نزنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند مانده مشوید از آنکه نویسید حق را

صَغِيْرًا اَوْ كَبِيْرًا اِلٰٓى اَجَلِهٖ ط ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ

اندک باشد و یا بسیار تا میعاد وی این بانصاف تر است نزدیک خدا

وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰٓى اَلَّا تَرْتَابُوْٓا اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ

و قریب تر از آنکه در شک شوید [illegible] که باشد [illegible] آنکه معامله

تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيْرُوْنَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

سوداگری دست بدست که دست گردان میکنید آنرا میان خویش پس نیست بر شما

جُنَاحٌ اَلَّا تَكْتُبُوْهَا ط وَاَشْهِدُوْٓا اِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا

گناه در آنکه ننویسید آنرا و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت کنید و باید

يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَّلَا شَهِيْدٌ ط وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهٗ

که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید این کار پس هر آینه

فُسُوْقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ط وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ ط وَاللّٰهُ بِكُلِّ

این گناه است شما را و بترسید از خدا و می آموزد شما را خدا و خدا بهر

شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝ وَاِنْ كُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا

چیز داناست و اگر مسافر باشید و نیابید

كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ ط فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا

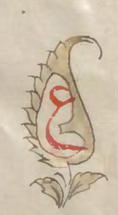
ازشما نویسنده را پس لازم است گرو بدست آورده شده پس اگر امین داند گروهی

فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ ط وَ

پروردگار خود پس باید که ادا کند آنکس که امین دانسته شد امانت خود را و بترسد از خدا و

لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ط وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهٗٓ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ ط

پنهان مکنید گواهی را و هر که پنهان کند آنرا هر آینه گنهگار است



وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا
و خدا با آنچه میکنید آگاه است ۝ خدا یراست آنچه در آسمانهاست و آنچه
فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ
در زمین است و اگر آشکار کنید آنچه در دل شماست یا پنهان دارید
يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللّٰهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
از او البته حساب آن بگیرد از شما خدا پس بیامرزد کسی را که خواهد و عذاب کند
مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ آمَنَ الرَّسُولُ
هر که را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست باور داشت پیغامبر
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ
آنچه فرود آورده شد بسوی او از پروردگار و مومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا
وَمَلٰٓئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
و فرشتگان او و کتابهای او و پیغامبران او گفتند فرق نمیکنیم میان هیچکس
مِنْ رُسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ غُفْرَانَكَ
از پیغامبران و گفتند شنودیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش
رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا إِلَّا
ای پروردگار ما بسوی تست بازگشت خدا واجب نمیکند بر هیچکس الا
وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ
مقدار طاقت و مراوراست آنچه عمل کرده و بروی باشد آنچه گناه کرد
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا
ای پروردگار ما عقوبت مکن ما را اگر فراموش کنیم یا جفا کنیم ای پروردگار ما
تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ
و منه بر سر ما بار گران چنانکه نهادی آنرا بر کسانیکه پیش از ما بودی
رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا
پروردگار و منه بر سر ما آنچه بر داشت آن نیست ما را و درگذار از ما
وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ۝
و بیامرز ما را و بخشای بر ما توی خداوند ما پس غلبه ده ما را بر گروه کافران

سورة آل عمران

33

آل عمران

سورة آل عمران مدنية وهي مائتان آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند آمرزنده مهربان

الم ○ الله لا اله الا هو الحي القيوم ○ نزل عليك

خدا نیست هیچ معبود مگر او زنده و تدبیر عالم کننده فرود آورد بر تو

الكتب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية

کتاب را براستی باور دارنده آنچه پیش دست ویست و فرود آورد

توریت

والانجيل ○ من قبل هدى للناس وانزل

و انجیل را پیش ازین برای راه نمودن مردمان و فرود آورد

الفرقان ○ ان الذين كفروا بايت الله لهم عذاب

معجزه را هرآینه کسانیکه کافر شدند بآیات خدا ایشانراست عذاب

شديد والله عزيز ذو انتقام ○ ان الله لا يخفى

سخت و خدا غالب و صاحب انتقام است هرآینه خدا پوشیده نمیشود

عليه شيء في الارض ولا في السماء ○ هو الذي

بروی چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست که

يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو

صورت بربندد و شما را در رحم چنانچه خواهد نیست هیچ معبود بجز او

العزيز الحكيم ○ هو الذي انزل عليك الكتب

غالب و دانا و اوست که فرود آورد بر تو کتاب

منه ايت محكمت هن ام الكتب واخر متشبهت

بعضی از آن آیتها واضح است آنجمله اصل کتاب است و بعضی دیگر مشتبه معانی

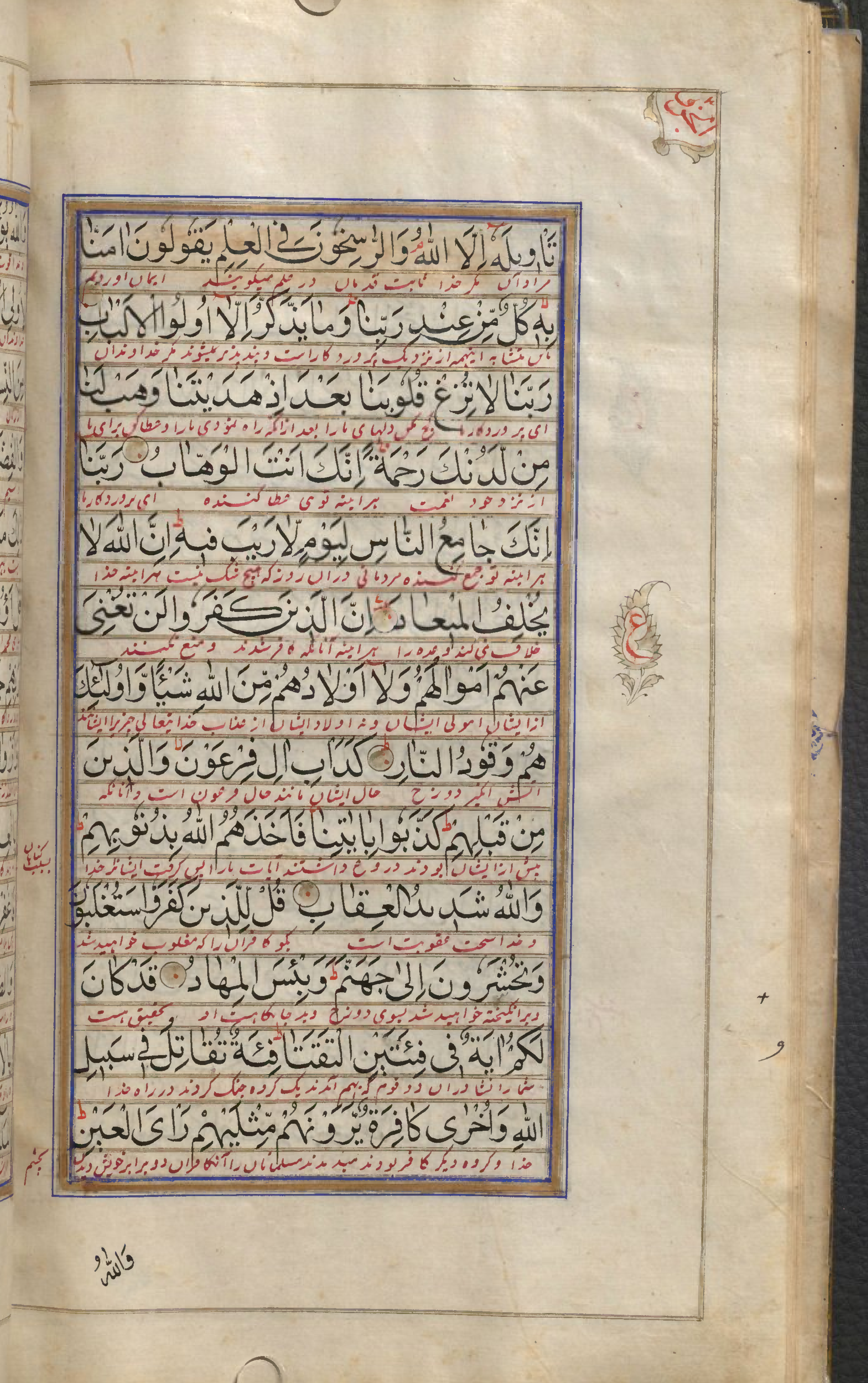
باهم مشتبه

فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه

پس اما کسانیکه در دل ایشان کجی است پیروی میکنند آنرا که مانند یکدیگر شده

منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاويله وما يعلم

از آن کتاب برای طلب فتنه و برای طلب مراد آن و نمیدانند



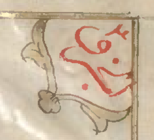
تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا
مراد آن مگر خدا ثابت قدمان در علم میگویند ایمان آوردیم
بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ
بآن متشابه همه از نزد پروردگار ماست و پند نپذیرند مگر خداوندان
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
ای پروردگار ما کج مکن دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و عطا کن برای ما
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا
از نزد خود نعمت هرآینه توی عطا کننده ای پروردگار ما
إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا
هرآینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست هرآینه خدا
يُخْلِفُ الْمِيعَادَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ
خلاف نمیکند وعده را هرآینه آنانکه کافر شدند و منع نکنند
عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ
از ایشان اموال ایشان و نه اولاد ایشان را از عذاب خدا تعالی چیزی ایشانند
هُمْ وَقُودُ النَّارِ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ
آتش انگیز دوزخ حال ایشان مانند حال فرعون است و آنانکه
مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ
پیش از ایشان بودند دروغ داشتند آیات ما را پس گرفت ایشان را خدا
وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ
و خدا سخت عقوبت است بگو کافران را که مغلوب خواهید شد
وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ قَدْ كَانَ
و برانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ و بد جایگاهست او تحقیق هست
لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ
شما را نشان در آن دو قوم که بهم آمدند یک گروه جنگ کردند در راه خدا
اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ
خدا و گروه دیگر کافر بودند میدیدند مسلمانان را آنکه و ایشان دو برابر خویش دیدند

والله

وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً
و خدا قوت میدهد به نصرت خود هرکه را خواهد هرآینه درین واقعه پندی هست
لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
خداوندان چشمها را آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوها
مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
از زنان و فرزندان و خزانها جمع ساخته از زر
وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ
و سیم و اسپان نشانمند ساخته و چهارپایان و زراعت
ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ۝
اینست بهره زندگانی دنیا و خدا نزدیک اوست بازگشت نیک
قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ
بگوای محمد آیا خبر دهم شمارا بانچه بهتر است ازین مر متقیان را نزدیک
رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
پروردگار ایشان بوستانها میرود از زیر آن جوها جاوید باشندگان
وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
و باشند زنان پاکیزه و خوشنودی از خدا و خدا بیناست
بِالْعِبَادِ ۝ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا
به بندگان آنانکه میگویند ای پروردگار هرآینه ما ایمان آوردیم
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ الصَّابِرِينَ
پس بیامرز مارا گناه ما و نگاهدار مارا از عذاب آتش شکیب کنندگان
وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ
و راست گویان و فرمانبرداران و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان
بِالْأَسْحَارِ ۝ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَ
در اوقات سحر گواهی داد خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر او گواهی دادند
الْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال که خداوند تدبیر کننده عالم

نصف

است نیست هیچ معبود مگر



الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ
مر او غالب و استوار کار راست هر آینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است

وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
و اختلاف نکردند در قبول اسلام اهل کتاب مگر بعد از آنکه آمد ایشان

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ
از دانش از روی حسد در میان خویش و هر که کافر باشد بآیتهای خدا

فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ
پس هر آینه خدا زود کننده حساب است پس هر آینه اگر محاجه کنند با تو یا محمد

وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
روی خود را برای خدا و هر که پیروی من کند نیز منقاد ساخت و بگو با اهل کتاب

وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ
و بنا خوانده گان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند بتحقیق راه یافتند

تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝
و اگر روی بر گردانیدند پس جز آن نیست که لازم بر تو پیغام رسانیدن است و خدا

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
هر آینه کسانیکه کافر شدند بآیتهای خدا و می کشتند

النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ
پیغمبران را بنا حق و می کشتند آنانرا که بعدل

بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ أُولَئِكَ
میفرمایند از مردمان پس خبر ده ایشانرا بعذاب درد دهنده این گروه

الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
آنند که نابود شد عملهای ایشان در دنیا و در آخره و نیست

مِنْ نَاصِرِينَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ
ایشانرا یاری دهنده آیا ندیدی بسوی آنانکه داده شدند بهره از

الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى
از علم کتاب خوانده میشوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان پس روی گردانید



فريق

فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن

گروهی از ایشان اعراض کنان این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز

تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم

نرسد بما آتش دوزخ مگر روزی چند شمرده شده و فریفت ایشانرا در دین ایشان

مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ

آنچه افترا میکردند پس چگونه بود حال ایشان چون جمع کنیم ایشانرا در روزی

که هیچ شک نیست

فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

در ان و تمام داده شود هر شخصی را جزای عمل آنچه کرد و ایشان را ستم زده نشوند

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَ

بگو بار خدایا خداوند پادشاهی هر کرا خواهی و باز میگیری پادشاهی از هر که خواهی

تَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن

و ارجمند میسازی هر که را خواهی و عزت دهی هر کرا خواهی و خوار کنی

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

هر کرا خواهی بدست تست نیکی هر آینه تو بر همه چیز توانا ئی

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ

در می آری شب را در روز و روز ار در شب و بیرون آری

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

زنده از مرده و بیرون آری مرده را از زنده و روزی میدهی

مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ

هر کرا خواهی بی شمار باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را

أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ

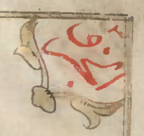
بجز اهل ایمان و هر که این کند پس نیست

فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ

در چیزی از ان خدا مگر آنکه دفع کند شر ایشان بنوعی از حذر کردن

يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ قُلْ إِن

و می ترساند خدا از خود بسوی خدا باز گشت بگو اگر



تخفوا ما في صدوركم او تبدوه يعلمه الله
اگر نهان کنید آنچه در سینهای شماست یا آشکارا کنیدش میداند او را خدا
ويعلم ما في السموت وما في الارض والله على
و میداند آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است و خدا بر همه
كل شيء قدير ۝ يوم تجد كل نفس ما عملت من
همه چیز تواناست از روزی که حاضر یابد هر کس آنچه عمل کرده است
خير محضرا وما عملت من سوء تود لو ان بينها
از نیکی وآنچه عمل کرده است از بدی دوست دارد که
وبينه امدا بعيدا ويحذركم الله نفسه و
کاش بودی در میان بدی مسافتی دور و می ترساند شما را خدا از خود و
الله رءوف بالعباد ۝ قل ان كنتم تحبون الله
خدا بسیار مهربانست بر بندگان بگو ای محمد اگر دوست میدارید خدا را
فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله
پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا و بیامرزد شما را گناه و خدا
غفور رحيم ۝ قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا
آمرزنده و مهربانست بگو فرمان برید خدا و پیغمبر را پس اگر روگردانیدند
فان الله لا يحب الكفرين ۝ ان الله اصطفى ادم
پس خدا دوست ندارد کافران را هرآینه خدا برگزید آدم
ونوحا وال ابرهيم وال عمران على العلمين
و نوح وکسان ابراهیم وکسان عمران بر عالمها
ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم ۝
این جماعه نسلی بودند بعض ان بعض پیدا شده از بعضی و خدا شنوا و داناست
اذ قالت امرات عمران رب اني نذرت لك ما
آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار من هرآینه من نیاز تو کردم آنچه
في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم
در شکم من است آزاد کرده پس قبول کن از من هرآینه توی شنوا و دانا

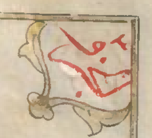




فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثٰى ط وَاللّٰهُ
پس چون بزاد دختر را گفت ای پروردگار من هرآیینه زادم این دختر و خدا
اَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ ط وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰى ج وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا
داناست بانچه بزاد گفت آن زن و نیست فرزند نر مانند دختر هرآیینه نام کردم
مَرْيَمَ وَاِنِّي اُعِيْذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطٰنِ
مریم و هرآیینه من در پناه تو میکنم او را و نسل او را از شیطان
الرَّجِيْمِ ۝ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُوْلٍ حَسَنٍ وَّاَنْبَتَهَا نَبَاتًا
رانده شده پس قبول کرد مریم پس قبول کرد مریم را پروردگار او بقبول نیک
حَسَنًا وَّكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا
بالیدن نیک و خبرگیردی ساخت زکریا هرگاه داخل شدی زکریا بر مریم
الْمِحْرَابَ لا وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ج قَالَ يٰمَرْيَمُ اَنّٰى لَكِ
بر مسجدی یافت نزدیک وی روزی را گفت ای مریم از کجاست این
هٰذَا ط قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ط اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ
روزی گفت او از نزدیک خداست هرآیینه خدا میدهد روزی هر کرا
يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهٗ ج قَالَ
میخواهد بشمار ان وقت طلب کرد زکریا از پروردگار خود گفت
رَبِّ هَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ج اِنَّكَ سَمِيْعُ
ای پروردگار من عطا کن مرا از نزدیک خود نسل پاک هرآیینه تو شنوایی
الدُّعَآءِ ۝ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُّصَلِّيْ فِي
دعای پس ندا کردند او را فرشتگان و وی ایستاده بود نماز میگذارد
الْمِحْرَابِ لا اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا م بِكَلِمَةٍ مِّنَ
در مسجد که خدا بشارت میدهد ترا به یحیی باشد باور دارنده فیض خدا را
اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَّحَصُوْرًا وَّنَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ۝
خدا او سردار و بی رغبت بزنان پیغمبری از نیکو کاران
قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ
گفت ای پروردگار چگونه پیدا شود برای من فرزند و رسیده است مرا کلان

دبالیده ساخت او را

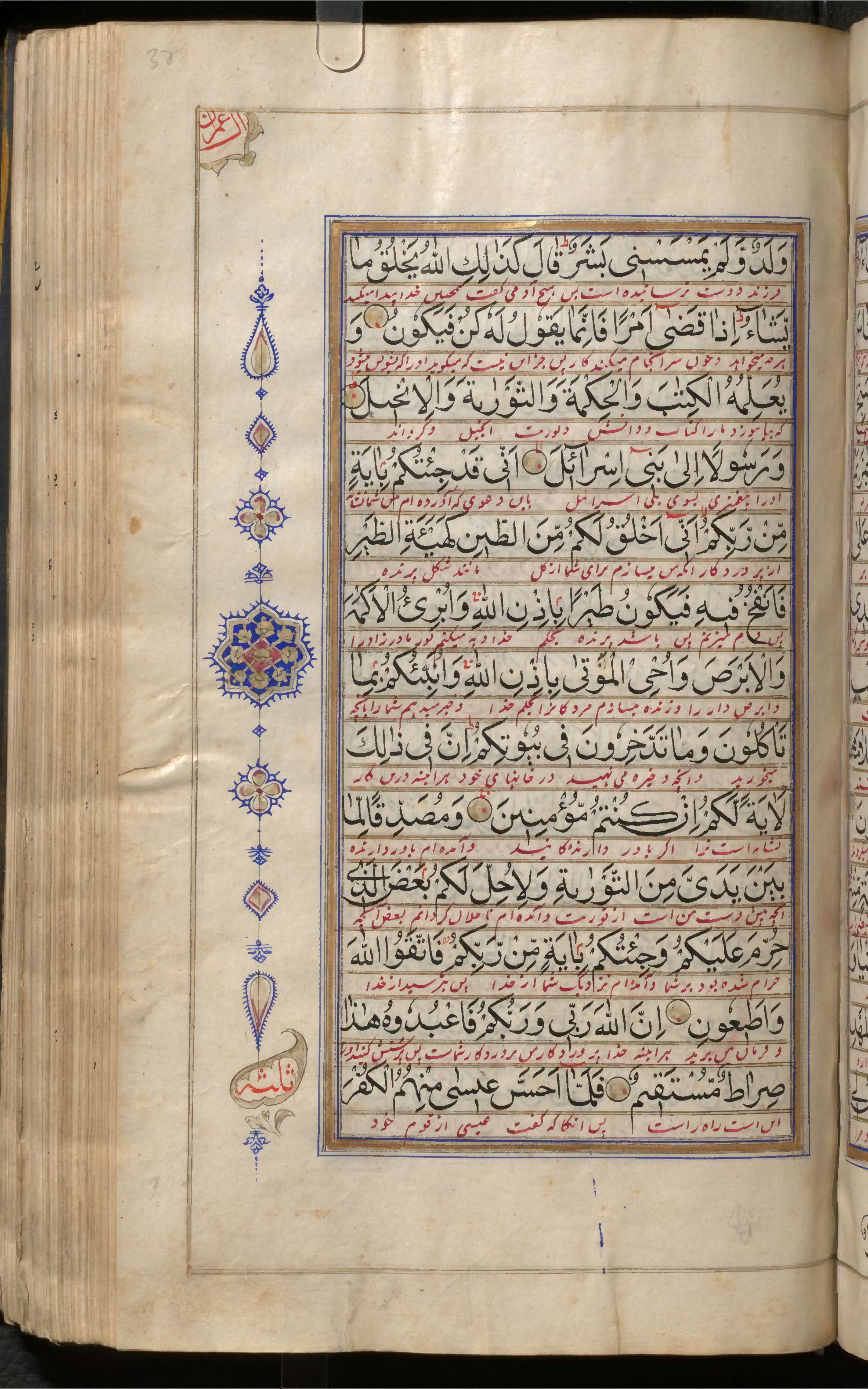
سالی



وَامْرَاَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ
وزن من نازاست گفت اینچنین خدا میکند آنچه میخواهد گفت
قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْ اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ
گفت ای پروردگار من معین کن برای من نشانی گفت نشان تو آن است که سخن مگوئی
ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَّبَّكَ كَثِيْرًا وَّسَبِّحْ
سه روز مگر باشارت و یاد کن پروردگار خود را بسیار و تسبیح کن
بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ
بشام و صباح وانگاه که گفت فرشتگان ای مریم
اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى
بر آینه خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و برگزید ترا بر
نِسَاءِ الْعٰلَمِيْنَ يٰمَرْيَمُ اقْنُتِيْ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِيْ
زنان عالمها ای مریم فرمانبرداری کن پروردگار خود را و سجده کن
وَارْكَعِيْ مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَاءِ الْغَيْبِ
و نماز کن با نماز کننده گان ای محمد این از خبرهای غیب است
نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يُلْقُوْنَ اَقْلَامَهُمْ
وحی کردیم آنرا بسوی تو و نبودی نزدیک القوم چون می انداختند
اَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ
تا کدام کس از ایشان خبرگیر مریم باشد و نبودی نزدیک ایشان انگاه که گفتگو میکردند
اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ
انگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هر آینه خدا بشارت میدهد ترا بفرزندی از
اسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَ
که نام او مسیح و عیسی پسر مریم با آبرو در دنیا و
الْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
در آخره و نزدیک کرده گان حضرت عزت و سخن گوید با مردمان در گهواره
وَكَهْلًا وَّمِنَ الصّٰلِحِيْنَ قَالَتْ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ
و وقت بهنگام پیری باشد از شایستگان گفت ای پروردگار من چگونه شود مرا



وَلَدٌ



وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا
فرزند و دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی گفت همچنین خدا پیدا میکند
يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَ
هرچه میخواهد چون سرانجام میکند کاری جز این نیست که میگوید او را که بشو پس میشود
يُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ ۝
که بیاموزد مر او را کتاب و دانش و توریت انجیل و گرداند
وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ
او را پیغمبری بسوی بنی اسرائیل بان دعوی که آورده ام من شما نشانه
مِّنْ رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ
از پروردگار که من میسازم برای شما از گل مانند شکل پرنده
فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ
پس دم میزنم پس باشد پرنده بحکم خدا و به میکنم کور مادرزاد را
وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا
و ابرص دار را و زنده میسازم مرده را بحکم خدا و خبر میدهم شما را بانچه
تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذٰلِكَ
میخورید و انچه ذخیره می نهید در خانهای خود هر اینه در این کار
لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝ وَمُصَدِّقًا لِّمَا
نشانه است شما را اگر باور دارندگانید و آمده ام باور دارنده
بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي
انچه پیش دست من است از توریت و آمده ام تا حلال گردانم بعض انچه
حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ
حرام شده بود بر شما و آمده ام نزد شما نشانه از خدا پس بترسید از خدا
وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا
و فرمان من برید هر اینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس پرستش کنید
صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ
این است راه راست پس انگاه که یافت عیسی از قوم خود

ثلثة



قَالَ مَنْ اَنْصَارِىٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ

گفت کیستید یاری دهندگان من بسوی خدا گفت حواریان ما یاری دهندگان

اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ۝ رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ

خدائیم ایمان آوردیم بخدا و گواه باش که فرمان برداریم ای پروردگار ما ایمان

اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ

بانچه فرود آوردی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را با شاهدان

وَمَكَرُوْا وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمٰكِرِيْنَ ۝ اِذْ قَالَ اللّٰهُ

و بد سگالیدند کافران بد سگالید خدا و خدا قوی تر است از همه بد سگالان آنگاه که گفت خدا



يٰعِيْسٰٓى اِنِّىْ مُتَوَفِّيْكَ وَرَافِعُكَ اِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ

ای عیسی هر آینه من برگزیده توام و بر دارنده توام بسوی خود و پاک کننده توام

مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَجَاعِلُ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْكَ فَوْقَ الَّذِيْنَ

از آنکه کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای

كَفَرُوْٓا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ اِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيْمَا

کافران تا روز قیامت باز بسوی من است بازگشت شما پس داوری کنم میان شما

كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ۝ فَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَاُعَذِّبُهُمْ

در آنچه اختلاف میکردید در آن پس اما کافران پس عذاب کنم ایشان را

عَذَابًا شَدِيْدًا فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ

بعذاب سخت در دنیا و آخره و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده

وَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ

و اما آنکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس تمام دهد ایشان را مزد ایشان

وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ۝ ذٰلِكَ نَتْلُوْهُ عَلَيْكَ مِنَ

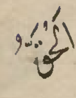
و خدا دوست نمی دارد ستمکاران این را میخوانیم ای محمد بر تو که

الْاٰيٰتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيْمِ ۝ اِنَّ مَثَلَ عِيْسٰى عِنْدَ اللّٰهِ

آیات و کتاب محکم است هر آینه حال عیسی نزدیک خدا

كَمَثَلِ اٰدَمَ خَلَقَهٗ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ

مانند حال آدم است آفرید او را از خاک بار گفت او را بشو پس شد



الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ فَمَنْ حَاجَّكَ
این سخن راست است از پروردگار تو پس مباش از شک آرندگان پس آنکه که
فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ
مکابره کنند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد بتو از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم
أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا
فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذاتهای خود را
وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ
و ذاتهای شما را پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا کنیم بر دروغ گویان
إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ
هر اینه این است خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا
وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ
و هر اینه خدا غالب استوار کار است پس اگر رو گردانند پس خدا
عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا
داناست بر تباهکاران بگو ای اهل کتاب بیایید
إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ
بسوی سخنی مسلم میان ما و شما نپرستیم بجز خدا
وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا
و شریک نسازیم با وی چیزی را و پروردگار نگیرد بعض از ما بعض دیگر را
مِّن دُونِ اللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا
بجز خدا پس اگر روی گردانیدند پس بگویید که گواه باشید که ما
مُسْلِمُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
مسلمانیم ای اهل کتاب چرا مکابره میکنید در باب ابراهیم
وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا
و فرود آورده نشده است تورات و انجیل الا بعد ابراهیم آیا
تَعْقِلُونَ ۝ هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ
نمی فهمید آگاه شوید شما ای قوم مکابره کردید در آنچه شما را بوی دانش است



فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ
پس چرا مکابره میکنید در آنچه شما را بوی دانش نیست و خدا میداند و
لَا تَعْلَمُونَ ۝ مَا كَانَ إِبْرٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
شما نمیداینید نبود ابراهیم جهود و نه ترسا
وَلٰكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ إِنَّ أَوْلَى
ولیکن بود حنیف مسلمان و نبود از شرک آرندگان هر آینه نزدیکتر
النَّاسِ بِإِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَ
مردمان بابراهیم آنکسان بودند که پیروی کردند یعنی در زمان پیغمبر
الَّذِينَ آمَنُوا وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَدَّتْ طَائِفَةٌ
و مومنان و خدا کارساز مومنان است آرزو کردند طایفه
مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا
از اهل کتاب که گمراه سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر
أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ
خویشتن را و آگاه نیستند ای اهل کتاب چرا کافر میشوید
بِآيٰتِ اللّٰهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ
بآیتهای خدا دانسته ای اهل کتاب چرا
تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
غلط میکنید حق را بباطل و چرا میپوشید حق را دانسته
وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ آمِنُوا بِالَّذِي
و گفت گروهی از اهل کتاب ایمان آرید بآنچه
أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ
فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و انکار کنید آخر آن
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ
تا شاید که مسلمانان برگردند و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین
قُلْ إِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ أَنْ يُؤْتٰى أَحَدٌ مِثْلَ
بگو یا محمد هر آینه هدایت همانست که هدایت خدا گفتند باور مکنید اگر داده



ما اوتيتم

ما اوتيتم او يحاجوكم عند ربكم قل ان الفضل بيد

اگر داده شده اید شما یا گروهی الزام دهنده نزد خدا. بگو نعمت بدست

الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم يختص برحمته

خداست میدهد آنرا که بخواهد و خدا فراخ نعمت داناست مخصوص میکند

ببخشش خود

من يشاء والله ذو الفضل العظيم ومن اهل الكتب

هر که را خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است و از اهل کتاب

من ان تامنه بقنطار يؤده اليك ومنهم من ان

کیست اگر امین داری بخزانه ها بازدهد او را بتو و از ایشان کیست

تامنه بدينار لا يؤده اليك الا ما دمت عليه

که امین داری او را بیک دینار ندهد آنرا بتو مگر تا وقتی که باشی بر آن

قائما ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الاميين

ایستاده این بسبب آنکه گفتند نیست بر ما در باب ناخوانندگان

سبيل ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون

هیچ راه و میگویند بر خدا دروغ را و ایشان میدانند

بلى من اوفى بعهده واتقى فان الله يحب المتقين

آری مواخذه خواهد بود هر که وفا کند بعهد خود و پرهیزد هر آینه خدا دوست میدارد متقیان را

ان الذين يشترون بعهد الله وايمانهم ثمنا

کسانیکه میستانند عوض بهای که بخدا بستند و سوگندان خود بهای

قليلا اولئك لا خلاق لهم في الاخرة ولا يكلمهم

اندک آن گروه هیچ نصیب نیست ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان

الله ولا ينظر اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم

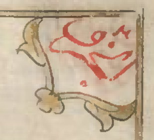
خدا و نگاه نکند بسوی ایشان روز قیامت و پاک نسازد ایشان را و ایشان را

عذاب اليم وان منهم لفريقا يلوون السنتهم

عذاب دردناک و هر آینه از ایشان گروهی هستند که می پیچند زبان خود

بالكتب لتحسبوه من الكتب وما هو من الكتب

بنوشته تا گمان کنید از کتاب و نیست آن از کتاب



وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ

ومیگویند آن از نزد خداست و نیست آن از نزد

اللّٰهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

خدا و میگویند بر خدا دروغ و ایشان میدانند

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَ

سزاوار نیست هیچ آدمی را که دهد او را خدا کتاب و علم و

النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ

نبوت باز گوید مردمان را شده گان شوید مرا بدون خدا

اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُونُوا رَبّٰنِيّٖنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتٰبَ

و لیکن گوید باشید ربانی با آنکه هستید میدانید کتاب

وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا

و خواندن آن سزاوار نیست که فرماید شمارا بگیرید

الْمَلٰئِكَةَ وَالنَّبِيّٖنَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ

فرشتگان و پیغمبران ارباب آیا بکفر فرماید شمارا بعد

إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ النَّبِيّٖنَ

از آنکه مسلمان باشید و آنگاه که گرفت خدای تعالی پیمان پیغمبران



لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتٰبٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ

آنچه دادم شمارا از کتاب و علم باز و نزد باید بشما پیغامبری باور کننده

لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ

آنکه با شماست البته ایمان آرید با او و البته یاری دهید گفت اقرار کردید

أَخَذْتُمْ عَلَى ذٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ

و گرفتید بر آن کار عهد مرا گفتند اقرار کردیم فرمود

فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشّٰهِدِينَ فَمَنْ تَوَلّٰى

پس گواه باشید و من با شما گواهانم پس هر که برگردد

بَعْدَ ذٰلِكَ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ أَفَغَيْرَ دِينِ

بعد ازین پس آن گروه ایشانند بدکاران آیا این کافران

اللّٰهِ

اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا
دین خدای می طلبند و خدارا منقاد شد آنانکه در آسمانها و آنانکه در زمین اند بخوشی
وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ قُلْ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ
و ناخوشی و بسوی او گردانیده شوند بگو ایمان آوردیم بخدا و با انچه فرود آورده شد
عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلٰى إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَ
بر ما و بانچه فرود آورده شد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و
يَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَ
یعقوب و نبیرگان وی و انچه داده شد بموسی و عیسی و
النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ
پیغمبران را از پروردگار فرق نمیکنیم میان هیچ یک از ایشان و ما خدارا
مُسْلِمُونَ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ
منقادیم و هر که طلب کند ورای اسلام دین دیگر را پس هرگز
يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ كَيْفَ
قبول کرده نخواهد و او در آخره از زیان کاران است چگونه
يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند بعد اسلام خود بعدا زانکه گواهی دادند که
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي
پیغمبر درست است و آمد بایشان حجت ها و خدا راه نمی نماید
الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ أُولٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ
گروه ستمکاران این گروه سزای ایشان آنست که باشد لعنت خدا
اللّٰهِ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خٰلِدِينَ فِيهَا
خدا و فرشتگان و مردمان همه ایشان جاویدان دران
لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ إِلَّا
لعنت سبک کرده از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند مگر
الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ
آنانکه توبه کردند بعد ازین و نیکو کاری نمودند پس هر اینه خدا آمرزنده

الجزء الرابع

رحيم ۝ إن الذين كفروا بعد إيمانهم ثم ازدادوا
مهربان است و هرآينه كسانيكه كافر شدند بعد اسلام خويش باز زيادتي كردند
كفرا لن تقبل توبتهم وأولئك هم الضالون ۝
در كفر هرگز قبول كرده نشود توبه ايشان آن گروه ايشانند گمراهان
إن الذين كفروا وماتوا وهم كفار فلن يقبل
هرآينه كسانيكه كافر شدند و كافر مردند هرگز قبول كرده نخواهد شد
من أحدهم ملء الأرض ذهبا ولو افتدى به
از هيچ يك ايشان مقداري پري زمين از زر اگر عوض خود دهد
أولئك لهم عذاب أليم وما لهم من ناصرين ۝ لن تنالوا
آن گروه ايشانراست عذاب دردهنده و نيست ايشانرا هيچ ياري دهنده هرگز نيابيد
البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء
نيكوكاري را تا آنكه خرج كنيد از آنچه كه دوست ميداريد و هرگاه خرج كنيد چيزي
فإن الله به عليم ۝ كل الطعام كان حلا لبني
پس خدا بوي داناست همه طعام حلال بود براي بني
إسرائيل إلا ما حرم إسرائيل على نفسه من قبل أن
اسرائيل الا آنچه حرام كرده بود يعقوب بر خويشتن از پيش آنكه
تنزل التوراة قل فأتوا بالتوراة فاتلوها إن
توريت نازل كرده شود ... توريت پس بخوانيد آنرا
كنتم صادقين ۝ فمن افترى على الله الكذب
اگر هستيد راستگو پس هركه دروغ بندد بر خدا بر دروغ
من بعد ذلك فأولئك هم الظالمون ۝ قل صدق
بعد از آن پس آن گروه از ستمكارانست بگو راست
الله فاتبعوا ملة إبراهيم حنيفا وما كان من المشركين
گفت خدا پس پيروي كنيد ملة ابراهيم را حنفي كيش شده و نبود از مشركان
إن أول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا
هرآينه اول خانه كه مقرر كرده شد براي مردمان آن است كه در مكه است

وهدى



وهدى للعلمين ۝ فيه ايت بينت مقام

وهدایت مر مردمان دران نشانها روشن است جای ایتان

ابرهيم ومن دخله كان امنا ولله على الناس

ابراهیم وهرکه دراید انجا ایمن بود وحق خداست بر مردمان

حج البيت من استطاع اليه سبيلا ۝ ومن كفر

حج خانه کعبه هرکه توانای دارد بسوی ان ازجهت اسباب راه وهرکه کافر شود

فان الله غنى عن العلمين ۝ قل يااهل الكتب

پس هراینه خدای بی نیاز است از عالمها بگو ای اهل کتاب

لم تكفرون بايت الله والله شهيد على ما تعملون ۝

چرا کافر میشوید بایات خدا وخدا حاضر است براچه میکنید

قل يااهل الكتب لم تصدون عن سبيل الله

بگو ای اهل کتاب چرا باز میدارید از راه خدا

من امن تبغونها عوجا وانتم شهداء وما الله

کسی راکه ایمان اورده می طلبید برای ان راه کجی وشما باخبرید ونیست خدا

بغافل عما تعملون ۝ يايها الذين امنوا ان تطيعوا

بیخبر ازانچه میکنید بگو ای مسلمانان اگر فرمان برید

فريقا من الذين اوتوا الكتب يردوكم بعد

گروهی را ازاهل کتاب کافر گردانند شمارا بعد

ايمنكم كفرين ۝ وكيف تكفرون وانتم تتلى

ازاسلام شما وچگونه کافر شوید وخوانده میشود

عليكم ايت الله وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله

بر شما ایات خدا ودرمیان شما هست پیغامبر خدا وچنگ استوار کرد بخدا



فقد هدى الى صرط مستقيم ۝ يايها الذين

پس هراینه راه نموده شد بسوی راه راست ای گروه

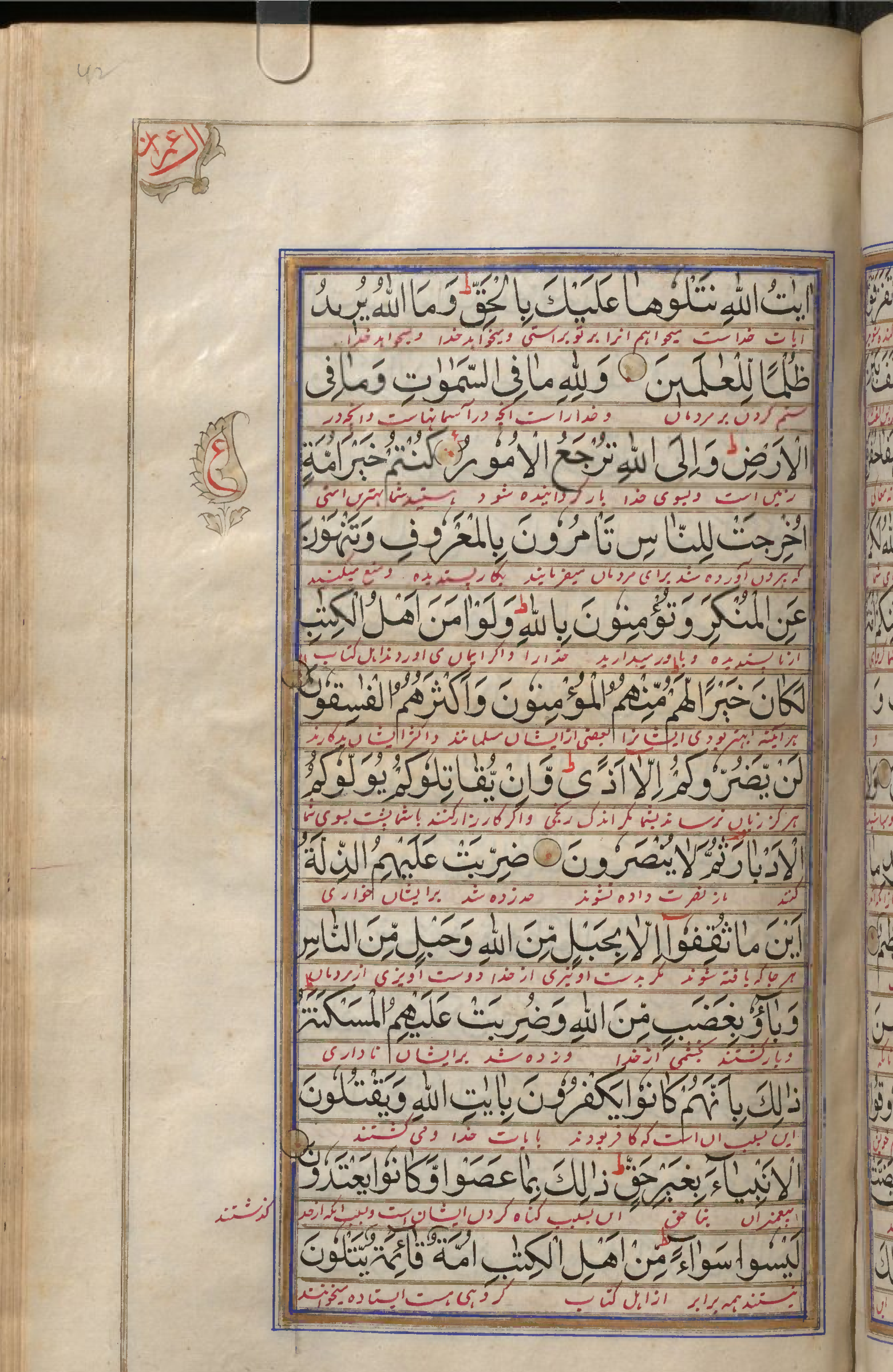
امنوا اتقوا الله حق تقته ولا تموتن الا وانتم

مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن ازوی ومیرید مگر



مسلمون ۝ واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا
مسلمان شده و چنگ زنید برسن خدا جمع آمده و پراگنده مشوید
واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين
و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست چون بودید دشمن یکدیگر پس الفت داد
قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا وكنتم على شفا حفرة
میان دلهای شما پس شدید بنعمت خدا برادر با یکدیگر و بودید بر کرانه مغاکی
من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم
از آتش پس رهانید شما را از آن همچنین بیان کند خدا برای شما
ءايته لعلكم تهتدون ۝ ولتكن منكم امة
نشانهای خود را تا باشد که راه یابید و باید که باشد از شما گروهی
يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف و
بخوانند بسوی نیکوکاری و امر نمایند بکار پسندیده و
ينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون ۝ ولا
منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران و مباشید
تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما
مانند آنکه پراگنده شدند و اختلاف با یکدیگر کردند بعد از آنکه آمد
جاءهم البينت واولئك لهم عذاب عظيم ۝
بایشان حجت ها و آن گروه ایشان است عذاب بزرگ
يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين
آن روز که سفید شود یکباره رویها و سیاه گردد یکباره رویها اما آنانکه
اسودت وجوههم اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا
سیاه گشت روی ایشان بایشان گفته شود آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش
العذاب بما كنتم تكفرون ۝ واما الذين ابيضت
پس بچشید عذاب بسبب کافر شدن و اما آنانکه سفید شد
وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خلدون تلك
رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این

ایت



ع

ايت الله نتلوها عليك بالحق وما الله يريد

آیات خداست میخوانیم انرا بر تو براستی و نمیخواهد خدا

ظلما للعلمين ۝ ولله ما في السموت وما في

ستم کردن بر مردمان و خدار است انچه در آسمانهاست و انچه در

الارض والى الله ترجع الامور ۝ كنتم خير امة

زمین است و بسوی خدا بازگردانیده شود هستید شما بهترین امتی

اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون

که بیرون آورده شد برای مردمان میفرمایند بکار پسندیده و منع میکنند

عن المنكر وتؤمنون بالله ولو امن اهل الكتب

از ناپسندیده و باور میدارید خدا را و اگر ایمان می اوردند اهل کتاب

لكان خيرا لهم منهم المؤمنون واكثرهم الفسقون

هر اینه بهتر بودی ایشان را بعضی از ایشان مسلمانند و اکثر ایشان بدکارند

لن يضروكم الا اذى وان يقاتلوكم يولوكم

هرگز زیان نرسانند بشما مگر اندک رنجی و اگر کارزار کنند باشما بگردانند بسوی شما

الادبار ثم لا ينصرون ۝ ضربت عليهم الذلة

پشتها باز نصرت داده نشوند زده شد برایشان خواری

اين ما ثقفوا الا بحبل من الله وحبل من الناس

هر جا که یافته شوند مگر بدست اویزی از خدا و دست اویزی از مردمان

وباءو بغضب من الله وضربت عليهم المسكنة

و بازگشتند بخشمی از خدا و زده شد برایشان ناداری

ذلك بانهم كانوا يكفرون بايت الله ويقتلون

این بسبب ان است که کافر بودند بآیات خدا و می کشتند

الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون

پیغمبران بناحق این بسبب گناه کردن ایشان است و بسبب انکه از حد کذشتند

ليسوا سواء من اهل الكتب امة قائمة يتلون

نیستند همه برابر از اهل کتاب گروهی هست ایستاده میخوانند



ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ۝ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ
آیات خدا را در اوقات شب و ایشان سجده میکنند باور میدارند خدا را
وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
و روز قیامت و میفرمایند بکار پسندیده و منع میکنند
عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
از ناپسندیده و شتابی میکنند در خیرات و ایشان
مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ۝ وَمَا يَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ
از شایستگانند و آنچه کنند از نیکی پس ناقدر کرده نشود
وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَن تُغْنِىَ
و خدا داناست به پرهیزکاران هرآینه کسانیکه کافر شدند دفع نکند
عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
از ایشان مال ایشان اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را و ایشانند
أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝ مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ
باشندگان دوزخ ایشان آنجا جاوید اند صفت آنچه خرج میکنند
فِى هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ
در زندگانی دنیا مانند صفت بادیست که دران سرما
أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۚ وَمَا
سخت است زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشتن پس نابود ساخت
ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
و ستم نکرد برایشان خدا ولیکن بر خویشتن ستم میکردند ای گروه
ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ
مومنان دوست پنهانی مگیرید از غیر خویش تقصیری کنند به نسبت شما
خَبَالًا وَدُّوا۟ مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ ٱلْبَغْضَآءُ مِنْ
در فتنه انگیزی دوست داشتند رنج شمارا هرآینه ظاهر شد دشمنی از دهان
أَفْوَٰهِهِمْ وَمَا تُخْفِى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه ایشان سخت تراست هرآینه بیان کردیم

ٱلْءَايَٰتِ

الآيت ان كنتم تعقلون ۝ ها انتم اولاء تحبونهم

نشانها اگر دانا هستید آگاه شوید شما ای قوم که دوست میدارید

ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتب كله واذا لقوكم

ایشانرا و ایشان دوست نمیدارند شمارا کتاب الهی و ایشان چون ملاقات کنند

قالوا امنا واذا خلوا عضوا عليكم الانامل من الغيظ

گویند ایمان آوردیم و تنها شوند بگزند بر شما انگشتان خود را از خشم

قل موتوا بغيظكم ان الله عليم بذات الصدور ۝

بگو بمیرید بسبب خشم خویش بدرستیکه خدا داناست بانچه در سینهاست

ان تمسسكم حسنة تسؤهم وان تصبكم سيئة

اگر برسد بشما نعمت ناخوش کند ایشانرا و اگر رسد بشما سختی خوش

يفرحوا بها وان تصبروا وتتقوا لا يضركم كيدهم

خوش دل شوند و اگر شکیب کنید و پرهیزگاری نمایید هیچ زیان نرسد

شيئا ان الله بما يعملون محيط ۝ واذ غدوت من

مکر ایشان بدرستیکه خدا بانچه میکنند درگیرنده و یاد کن آنگاه که پگاه بیرون

اهلك تبوئ المؤمنين مقاعد للقتال والله

از میان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان را در جایها برای جنگ و خدا

سميع عليم ۝ اذ همت طائفتان منكم ان تفشلا و

شنوا و داناست آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بزدلی کنند

الله وليهما وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ ولقد

و خدا کارساز ایشان بود و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان و هر آینه

نصركم الله ببدر وانتم اذلة فاتقوا الله لعلكم

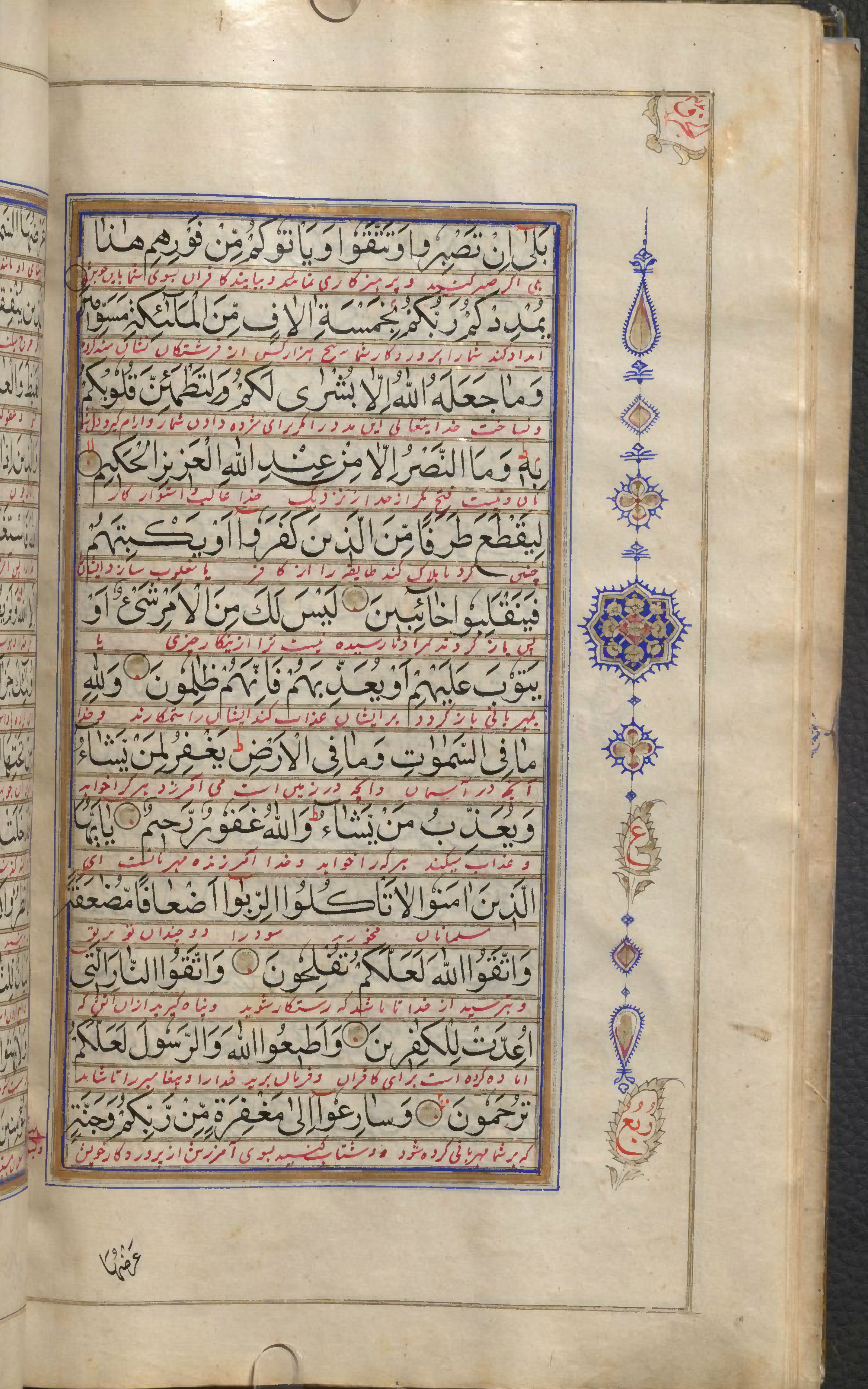
خدا فتح داد شمارا روز بدر و شما خوار بودید پس بترسید از خدا تا بود

تشكرون ۝ اذ تقول للمؤمنين الن يكفيكم

که شکر کنید چون میگفتی بمسلمانان آیا کفایت نخواهد کرد شمارا

ان يمدكم ربكم بثلثة الاف من الملئكة منزلين

که امداد کند شمارا پروردگار شما به سه هزار کس از فرشتگان فرود آورده شد



بَلٰى إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هٰذَا
بلی اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمائید و بیایند کافران بسوی شما این جوش
يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ
امداد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشان کنندگان
وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ إِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم
و نساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما و آرام گیرد دلها
بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝
بآن و نیست فتح مگر از جهت از نزدیک خدای غالب استوار کار
لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ
چنین کرد تا هلاک کند طایفه را از کافران یا مغلوب سازد ایشان
فَيَنقَلِبُوا خَائِبِينَ ۝ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ
پس باز گردند نا امید نارسیده نیست ترا از این کار چیزی یا
يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظٰلِمُونَ ۝ وَلِلّٰهِ
بمهربانی باز گردد بر ایشان یا عذاب کند ایشان را ستمکارند و خدا
مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ
آنچه در آسمان و آنچه در زمین است می آمرزد هر کرا خواهد
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا
و عذاب میکند هر کرا خواهد و خدا آمرزنده مهربانست ای
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبٰوا أَضْعَافًا مُّضٰعَفَةً
مسلمانان مخورید سود را دو چندان تو بر تو
وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي
و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید و پناه گیرید از آن آتش که
أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِينَ ۝ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
آماده کرده است برای کافران و فرمان برید خدا را و پیغامبر را تا شاید
تُرْحَمُونَ ۝ وَسَارِعُوا إِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ
که بر شما مهربانی کرده شود و شتاب کنید بسوی آمرزش از پروردگار خویش

ربع

عرضها

عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِیْنَ
کہ پہنای او مانند آسمانها است و زمین است آماده کرده شده است برای پرهیزگاران

الَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ فِی السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْکٰظِمِیْنَ
آنانکه خرج میکنند در آسایش و بسختی و فرو خورندگان

الْغَیْظَ وَالْعَافِیْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ
خشم و عفو کنندگان تقصیر از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران

وَالَّذِیْنَ اِذَا فَعَلُوْا فَاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا
و آنانکه چون کار زشت کنند یا ستم کنند بر خود یاد کنند خدا

اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوْا لِذُنُوْبِهِمْ وَمَنْ یَّغْفِرُ الذُّنُوْبَ
خدا را پس آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست بیامرزد گناهان

اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ یُصِرُّوْا عَلٰی مَا فَعَلُوْا وَهُمْ یَعْلَمُوْنَ
مگر خدا و پیوسته نباشند بر آنچه کردند دانسته

اُولٰٓئِکَ جَزَآؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَجَنّٰتٌ تَجْرِیْ
این گروه پاداش ایشان آمرزش است از پروردگار و بوستانها میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا وَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِیْنَ
زیر آن جویها جاویدان در آنجا و نیک است اجر طاعت کنندگان

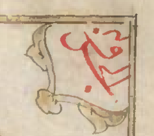
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِکُمْ سُنَنٌ فَسِیْرُوْا فِی الْاَرْضِ
بر آیینه گذشته است پیش از شما واقعه ها پس سیر کنید در زمین

فَانْظُرُوْا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُکَذِّبِیْنَ هٰذَا
و ببینید چگونه بود آخر کار دروغ دارندگان این

بَیَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًی وَّمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِیْنَ
واضح کردن است برای مردمان و راه نمودن و پند دادن برای پرهیزگاران

وَلَا تَهِنُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ اِنْ کُنْتُمْ
و سست شوید و اندوهناک مباشید و شما اید غالب اگر

مُّؤْمِنِیْنَ اِنْ یَّمْسَسْکُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ
مسلمان باشید اگر برسد شما را زخمی پس رسیده است جماعه



قرح مثله وتلك الايام نداولها بين الناس

کافران را زخمی مانند آن واین حادثه ها میگردانیم آنرا در میان مردمان

وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم شهداء و

و تا تمیز سازد خدا مومنان را و شهید گرداند بعضی از شما

الله لا يحب الظلمين ۝ وليمحص الله الذين امنوا

خدا دوست نمیدارد ستمکاران و کامل عیار کند خدا مسلمانان را

ويمحق الكفرين ۝ ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

و نابود سازد کافران را آیا گمان کردید که درآیید در بهشت

ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم

و هنوز تمیز ناساخته است خدا مجاهدان را از شما و هنوز از آنکه

الصبرين ۝ ولقد كنتم تمنون الموت من قبل

جدا کند صابران را و هر آینه شما آرزو میکردید مرگ را از پیش از آنکه



ان تلقوه فقد رايتموه وانتم تنظرون ۝ وما

ملاقات آن کنید پس معاینه کردید آنرا و شما می نگریستید و نیست

محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاين

محمد مگر پیغمبر هر آینه گذشته اند پیش از وی پیغامبران آیا اگر

مات او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب

بمیرد یا کشته شود برگردید بر پاشنهای خود و هر که برگردد

على عقبيه فلن يضر الله شيئا وسيجزي الله

بر پاشنهای خود پس هیچ زیان نرساند خدا را و خدا ثواب خواهد

الشكرين ۝ وما كان لنفس ان تموت الا باذن

داد شکر گذاران و نیست هیچ شخص را که بمیرد الا باراده

الله كتبا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها

خدا نوشته است وقت و هر که خواهد جزای دنیا بدهیمش

ومن يرد ثواب الاخرة نؤته منها وسنجزي الشكرين

و هر که خواهد جزای آخرة بدهیمش ازدیگ جزای نیک دهیم شکرگذاران

وكاين من نبي

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا
وبسا پیغمبر که قتال کردند با کفار همراه او خدا پرستان بسیار پس سستی نکردند
لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
بسبب مصیبتی که ایشان را رسیده در راه خدا و ناتوانی نکردند و بیچارگی ننمودند
وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۝ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا
و خدا دوست دارد صابران را و نبود سخن این خدا پرستان مگر آنکه گفتند
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ
ای پروردگار ما بیامرز مارا گناهان ما و از حد گذشتن ما در کار خود و استوار کن پای
أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ فَآتَاهُمُ اللَّهُ
های مارا و نصرت ده مارا بر قوم کافران پس عطا کرد خدا
ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
ایشانرا جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخره و خدا دوست میدارد نیکوکاران
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ
ای مسلمانان اگر فرمان برداری کافران کنید باز گردانند شما را
عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ
بر پاشنهای شما پس باز گردیده زیان کار شوید بلکه خدا یاری دهنده شماست
وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ۝ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا
و او بهترین یاری دهندگان است خواهیم انداخت در دل کافران
الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا
بزدلی بسبب آنچه شریک مقرر ساخته اند بخدا چیزی را که حجت فرود نه آورده است
وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَقَدْ
برای او و جای ایشان دوزخ است و او بد اقامت گاه ستمکاران است و هر آینه
صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا
راست کرد وعده در حق شما وعده خود را چون میکشتید کافران را بحکم خدا تا وقتیکه
فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا
بزدلی گردید و نزاع کردید در کار خویش و نافرمانی کردید بعد از آنکه

أَرَٰكُم مَّا تُحِبُّونَ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم
نمود شما آنچه میخواستید از شما کسی بود که میخواست دنیا کسی بود
مَّن يُرِيدُ الْاٰخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ
که میخواست آخرة آنگاه بازگردانید شما را از ایشان تا امتحان کند
لَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
و هر آینه درگذرانید از شما و خدا صاحب رحمت است بر مومنان
إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ
آنگاه که دور میرفتند و نگاه نمیکردند و متوجه نمی شدید بر هیچکس و پیغامبر
يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا
میخواند شما را در جماعت پس پشت بود پس جزا داد شما را اندوهی بالا اندوه
عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا
هر آنچه از دست شما رفت و نه هر آنچه رسید شما و خدا با خبر است با آنچه
تَعْمَلُونَ ۝ ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً
میکنید باز فرود آورد بر شما پس از اندوه ایمنی
نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ
که پینکی بود می پوشید گروهی را از شما و گروهی دیگر بود در اندوه بال
أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ
ایشان را فکر حال نفس گمان میکردند بخدا ناحق گمان کفر را میگفتند
هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ
آیا هست ما را ازین کار چیزی بگو کار تمام خدا را است
لِلّٰهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ
پنهان میدارند در دل خویش آنچه آشکارا نمیکنند برای تو میگفتند
لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ
آیا هست ما را ازین کار چیزی کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر بودید
فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ
در خانهای خویش هر آینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است کشته شدن

ولیبتلی

وليبتلي الله ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم
و تا بیازماید خدا آنچه در سینهای شماست و تا کامل عیار سازد آنچه در

دل شماست

والله عليم بذات الصدور ۝ إن الذين تولوا
و خدا داناست بآنچه در سینهاست هر آینه کسانیکه روی گردانیدند

منكم يوم التقى الجمعان إنما استزلهم الشيطان
از شما روزی که بهم آمدند هر دو جماعه جز این نیست که بلغزانید ایشانرا شیطان

ببعض ما كسبوا ولقد عفا الله عنهم إن الله
بسوی بعض آنچه کردند و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا

غفور حليم ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تكونوا كالذين
آمرزنده و بردبار است ای مومنان مباشید مانند آنانکه

ع

كفروا وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض
کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش وقتیکه سفر کنند در زمین

أو كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا وما
یا باشند بجهاد بیرون آمده اگر می بودند ایشان نزدیک ما نمی مردند و

قتلوا ليجعل الله ذلك حسرة في قلوبهم والله
می کشتند اگر داند خدا این سخن را دریغ در دل ایشان و خدا

يحيي ويميت والله بما تعملون بصير ۝ ولئن
زنده میکند و می میراند و خدا بآنچه میکنید بیناست واگر

قتلتم في سبيل الله أو متم لمغفرة من الله ورحمة
کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و بخشایش

خير مما يجمعون ۝ ولئن متم أو قتلتم لإلى
بهتر است از آنچه جمع میکنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی

الله تحشرون ۝ فبما رحمة من الله لنت لهم
خدا برانگیخته خواهید شد پس بسبب مهربانی از خدا نرم شدی برای

ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك
ایشان و اگر می شدی درشت خوی سخت دل پراگنده می شدند از حوالی

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
پس درگذر از ایشان و آمرزش برای ایشان و مشورت کن با ایشان
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ
در این کار پس که قصد محکم کردی پس اعتماد کن بر خدا هر آینه خدا دوست
توکل کنندگان
إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ
اگر نصرت دهد شما را خدا هیچکس غالب نیست بر شما و اگر بی‌یاری بگذارد
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ
شما را پس کیست که نصرت دهد شما را بعد از وی و بر خدا
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ
توکل کنند مسلمانان و از خیانت از نبی نمی آید
وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى
قیامت
و هر که خیانت کند خواهد آورد آن چیز را که خیانت او کرده است روز
كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَمَنِ اتَّبَعَ
پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشود آیا کسیکه
رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ
در پی خوشنودی خدا رفت میباشد مانند کسیکه بازگشت بخشم خدا و جای او دوزخ
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
و بد جاییست ایشان را بر مراتب اند نزدیک خدا و خدا بینا
بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ
بانچه میکنند هر آینه نعمت فرا داد خدا بر مومنان آنگاه که فرستاد
فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
در میان ایشان پیغامبری از قوم ایشان آیات خدا و پاک میسازد
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
و می آموزد ایشان را کتاب و علم هر آینه بودند پیش از این
لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ
در گمراهی آشکارا آیا چون رسید بشما مصیبتی که



اصبتم

اصبتم مثليها قلتم انى هذا قل هو من عند

که بدست آورده بودید دوچند ازان گفتید از کی امد این مصیبت بگو که نزدیک

انفسكم ان الله على كل شيء قدير وما اصابكم

نفوس شماست هر آینه خدا بر همه چیز تواناست وآنچه رسید شما را

يوم التقى الجمعان فباذن الله وليعلم المؤمنين

روزی که بهم آمدند دو گروه پس باراده خدا بود و تا معلوم سازد مومنان

وليعلم الذين نافقوا وقيل لهم تعالوا قاتلوا

و تمیز سازد آنان را که منافق شدند و گفته شد ایشان را بیایید جنگ کنید

في سبيل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا

در راه خدا یا دفع کنید کافران را گفتند اگر میدانستیم جنگ کردن

لاتبعناكم هم للكفر يومئذ اقرب منهم

هر آینه پیروی شما میکردیم این گروه بسبب کفر آن روز نزدیکتر بودند از ایشان

ایشان

للايمان يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم

بجانب ایمان میگویند بدهان خویش آنچه نیست در دل ایشان

والله اعلم بما يكتمون الذين قالوا لاخوانهم

دران جوش

و خدا داناتر است آنچه می پوشند آنانکه خود از جنگ باز نشستند گفتند در حق برادران

وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن

که اگر فرمان ما میبردند کشته نمی شدند بگو دفع کنید از

انفسكم الموت ان كنتم صادقين ولا

خویش مرگ را اگر هستید راست گو و مرده

تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

گمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا مرده

بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما

بلکه زنده اند نزدیک پروردگار خویش روزی داده میشوند شادمان بآنچه

اتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين

عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوشوقت میشوند بسبب آنکه

لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هنوز بايشان نه پيوسته اند از پس ايشان بسبب آنكه هيچ ترس نيست برايشان
هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ
ونه ايشان اندوهناك شوند خوشوقت ميشوند بنعمت خدا وفضل او
وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ اَلَّذِينَ اسْتَجَابُوا
وبآنكه خدا ضايع نمى كند مزد مومنان را كسانيكه قبول كردند
لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ
حكم خدا و پيغامبر را بعد از انكه رسيده بود بايشان براى آنانكه
اَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا اَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ اَلَّذِينَ قَالَ
ازين جماعه نيكوكارى وتقوى كرده اند مزد بزرگ است آنانكه گفتند بايشان
لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
مردمان كه كافران لشكر جمع كرده اند براى شما پس بترسيد
فَزَادَهُمْ اِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
ازان لشكر پس زياده گردانيد اين سخن ايمان وگفتند بس است مارا خدا ونيك كارساز
فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ
پس بازگشتند اين مسلمانان بنعمتى از خدا و فضل او نرسيد ايشان هيچ سختى
وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝ اِنَّمَا
و پيروى خوشنودى خدا كردند خدا صاحب فضل بزرگ است جز
ذٰلِكُمُ الشَّيْطٰنُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ
نيست كه خبردهنده شيطان است ميترساند دوستان خود را مترسيد
خَافُونِ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا يَحْزُنْكَ
از كافران وبترسيد از من اگر مومن باشيد واندوهگين نكنند ترا يا محمد
الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ اِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ
آنانكه مى شتابند در نصرت كفر هر آينه ايشان هيچ زيان نرسانند خدا
شَيْئًا يُرِيدُ اللّٰهُ اَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْاٰخِرَةِ وَلَهُمْ
چيزى ميخواهد خدا كه ندهد ايشان هيچ بهره در آخرت راست

نصف

ع

عذاب

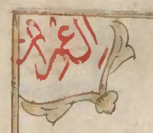
عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ
عذاب بزرگ هر آینه آنانکه خریدند کفر را عوض ایمان
لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ
هیچ زیان نرسانند خدا را و ایشان راست عذاب دردهنده و گمان نکنند
الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي
کافران که مهلت داده شود ما ایشان را بهتر است در حق ایشان جز این نیست
لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ
که مهلت دهیم ایشان را تا زیاده شود در گناهان و ایشان راست عذاب خوار کننده هرگز
الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ
مسلمانان را بر آنکه الحال شما هستید بر آن تا آنکه جدا کنند ناپاک را از
الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ
پاک و هرگز مطلع نکند خدا شما را بر غیب و لیکن
اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ
خدا برگزیند از پیغمبران خود هر کرا خواهد پس ایمان آرید بخدا و پیغمبران
وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ
و اگر ایمان آرید و تقوی کنید شما را باشد مزد بزرگ و باید که گمان نکنند
الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا
آنانکه بخل میکنند بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود این بخل به است
لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
برای خویش بلکه او بد است برای ایشان نزدیک است که بر شکل طوق پوشانیده
وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
و خدا راست پس گذاشته اهل آسمانها و زمین و خدا بآنچه میکنید
خَبِيرٌ ۝ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ
داناست هر آینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است
وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ
و ما توانگریم خواهیم نوشت آنچه گفتند و نوشتیم کشتن ایشان پیغمبران

نگذارد خدا

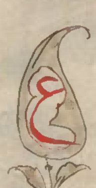
شوند روز قیامت

بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما
بناحق و بگوییم بچشید عذاب سوزنده این عذاب
قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد
بسبب عملی است که پیش فرستاد دستهای شما و بسبب آن است که خدا ستم کننده نیست بربندگان
الذين قالوا ان الله عهد الينا الا نؤمن لرسول
آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بسوی ما که ایمان نه آریم هیچ پیغامبر
حتى ياتينا بقربان تاكله النار قل قد جاءكم
تا آنکه بیارد بقربانی که بخورد او را آتش بگو آورده نزدیک شما
رسل من قبلي بالبينت وبالذي قلتم فلم
پیغامبران پیش از من معجزه [illegible] پس چرا کشتید ایشان را
قتلتموهم ان كنتم صدقين فان كذبوك فقد
کشتید ایشان را اگر هستید راست گو پس اگر بدروغ نسبت کردند
كذب رسل من قبلك جاءو بالبينت والزبر و
ترا بدروغ کرده شده بودند پیغامبران پیش از تو آوردند معجزها و صحف
الكتب المنير كل نفس ذائقة الموت وانما
و کتاب روشن هر نفسی چشنده موت است و جز این
توفون اجوركم يوم القيمة فمن زحزح عن النار
نیست تمام داده خواهید شد مزد خود را روز قیامت پس هرکه دور داشته شد از دوزخ
وادخل الجنة فقد فاز وما الحيوة الدنيا الا
و در آورده شد به بهشت هر آیینه بمراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر
متاع الغرور لتبلون في اموالكم وانفسكم
بهره فریبنده البته آزمایش کرده خواهید شد شما را در اموال شما و جان شما
ولتسمعن من الذين اوتوا الكتب من قبلكم و
و خواهید شنید از آنانکه [illegible] از شما کتاب داده شده اند از پیش و
من الذين اشركوا اذى كثيرا وان تصبروا وتتقوا
از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید پرهیز کار...

فان



فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ۝ وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ
هرآینه این کارها خصلت های مقصود است و یاد کن چون گرفت خدا عهد
الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهٗ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُوْنَهٗ
اهل کتاب که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان و مپوشید ازا
فَنَبَذُوْهُ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا
پس انداختند آن عهد را پس پشت خویش و گرفتند عوض وی بهای اندک
فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُوْنَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ
پس بد چیزیست که می ستانند. مپندار کسانی را که شادمان میشوند
بِمَآ اَتَوْا وَيُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا
بانچه میکردند و دوست میدارند ستوده میشوند بانچه نکرده اند
تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ
مپندار ایشان را در خلاص از عذاب و ایشان راست عذاب دردمند
وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
و خدا راست پادشاهی آسمان و زمین و خدا بر همه چیز تواناست
قَدِيْرٌ ۝ اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ
تواناست هرآینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد شد
الَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ ۝ الَّذِيْنَ
شب و روز نشانهاست خداوندان خرد را آنانکه
يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِهِمْ وَ
یاد میکنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش خفته
يَتَفَكَّرُوْنَ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا
و تامل میکنند در آفرینش آسمانها و زمین ای پروردگار
مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ
نیافریدی این را ما باطل پاکیست ترا پس نگهدار از عذاب
النَّارِ ۝ رَبَّنَآ اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ
آتش ای پروردگار ما هرآینه تو هر که را درآری بدوزخ بتحقیق رسوا کردی



وما للظلمين من انصار ۝ ربنا اننا سمعنا مناديا
و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای پروردگار ما هر اینه ما شنیدیم خواننده
ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا
که آواز بلند میخواند بسوی ایمان که ایمان آرید به پروردگار خویش پس ما ایمان آوردیم ای
ذنوبنا وكفر عنا سياتنا وتوفنا مع الابرار ۝
گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران
ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
ای پروردگار ما را بده ما را آنچه وعده کرده بر زبان رسولان و رسوا مکن ما را
يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد ۝ فاستجاب
روز قیامت هر اینه تو خلاف وعده نمی کنی پس قبول کرد دعای
لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر
ایشان را پروردگار ایشان که من ضایع نمی سازم عمل هیچ عمل کننده از شما
او انثى بعضكم من بعض فالذين هاجروا و
از مرد یا زن بعضی از شما جنس بعض است پس آنانکه هجرت کردند و
اخرجوا من ديارهم واوذوا في سبيلي وقتلوا
بیرون کرده شدند از خانهای خویش و رنجانیده شدند در راه من و جنگ کردند
وقتلوا لاكفرن عنهم سياتهم ولادخلنهم
و کشته شدند البته دور کنم از ایشان گناهان ایشان البته در آرم ایشان
جنت تجري من تحتها الانهر ثوابا من عند الله
در باغها که میرود زیر آن جویها پاداش از نزدیک خدا
والله عنده حسن الثواب ۝ لا يغرنك تقلب
و خدا نزدیک اوست پاداش نیک فریب ندهد ترا آمد و شد
الذين كفروا في البلاد ۝ متاع قليل ثم
کافران در شهرها این بهره مندی اندکست باز
ماويهم جهنم وبئس المهاد ۝ لكن الذين اتقوا
آرامگاه ایشان دوزخ باشد و بد جاییست لیکن آنانکه ترسیدند



رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

از پروردگار ایشان راست بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان

نُزُلًا مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ وَإِنَّ

در آنجا نزدیک خدا و آنچه نزدیک خداست بهتر است نیکوکاران را و هر آینه

مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَمَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ

از اهل کتاب کسانند که ایمان آرند بخدا و آنچه فرود آورده شد بسوی

وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ

و آنچه فرود آورده شد بسوی ایشان و ترسان گشته گان برای خدای نستانند

ثَمَنًا قَلِيلًا أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ ٱللَّهَ

بهای اندک آن گروه ایشانراست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان

سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱصْبِرُوا۟ وَصَابِرُوا۟

براستی خدا زود حساب کننده ای مومنان صبر کنید و صبر کنید

وَرَابِطُوا۟ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و برای جهاد آماده باشید و بترسید از خدا که رستگار شوید

سورة النساء مدنية وهي مائة وست وسبعون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده و مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن

ای مردمان بترسید از پروردگار خویش که بیافرید شما را از

نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا

یک کس و ازان آفرید ازان یک کس زن او را و منتشر ساخت

رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِى تَسَآءَلُونَ

ازین دو کس مردمان بسیار و زنان بسیار و بترسید از آن خدا که از یکدیگر

بِهِۦ وَٱلْأَرْحَامَ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا وَءَاتُوا۟

او بنام او سوال کنند و بترسید از قطع قبیله داری هر آینه خدا هست نگاهبان

الْيَتٰمٰىٓ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيْثَ بِالطَّيِّبِ وَ
به يتيمان اموال ايشان و بدل مكنيد ناپاكيزه را به پاكيزه

لَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَهُمْ اِلٰىٓ اَمْوَالِكُمْ اِنَّهٗ كَانَ حُوْبًا
مخوريد اموال ايشان بهم آورده با اموال خويش هرآينه اين گناه

كَبِيْرًا ۝ وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا
بزرگ است واگر دانيد كه عدل نتوانيد كرد در حق يتيمان پس نكاح كنيد

مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ
آنچه خوش آيد شما را از ساير زنان دو دو و سه سه و چهار چهار

فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ
پس اگر دانيد در اين صورت نيز عدل نتوانيد كرد پس نكاح كنيد يك زن را يا سريه گيريد

اَيْمَانُكُمْ ذٰلِكَ اَدْنٰىٓ اَلَّا تَعُوْلُوْا ۝ وَاٰتُوا النِّسَآءَ
اين نزديكتر است بآنكه جور مكنيد و بدهيد زنان را مهر

صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ
بخوشدلى و اگر زنان دركذرند بخوشدلى براى شما از بعض مهر

نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيْٓــًٔا مَّرِيْٓــًٔا ۝ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ
پس بخوريد از ان سازكار و خوشگوار و مدهيد بيخردان را

اَمْوَالَكُمُ الَّتِيْ جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِيٰمًا وَّارْزُقُوْهُمْ
اموال خود كه گردانيده است آن را سبب استقامت معيشت براى شما و كوراينيد

فِيْهَا وَاكْسُوْهُمْ وَقُوْلُوْا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ۝ وَابْتَلُوا
و بپوشانيد ايشان را از ان اموال و بگوييد ايشان سخن نيكو و امتحان كنيد

الْيَتٰمٰى حَتّٰىٓ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اٰنَسْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا
يتيمان را تا آنگاه كه رسند بحد نكاح پس اگر يابيد از ايشان حسن تدبير

فَادْفَعُوْٓا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَاْكُلُوْهَآ اِسْرَافًا وَّبِدَارًا
پس رسانيد بايشان اموال ايشان و مخوريد اموال را باسراف و شتابى

اَنْ يَّكْبَرُوْا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ
از ترس آنكه بزرگ شوند و هركه باشد توانگر پس بايد كه پرهيزگارى كند

كَانَ

كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ

هرکه فقیر باشد پس باید که بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان

أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

اموال ایشان را گواه گیرید برایشان و بس است بحقیقت که خدا حساب کننده

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان را حصه است ازانچه بگذارند پدر و مادر و خویشان

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

و زنان را نیز حصه است ازانچه بگذارند پدر و مادر و خویشان

مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا وَإِذَا

ازانچه کم باشد یا مال بسیار حصه مقرر کرده شده و چون

حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ

حاضر شوند نزدیک قسمت میراث خویشان و یتیمان و گدایان

فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلْيَخْشَ

پس بدهید ایشان را چیزی ازان و بگویید ایشان سخن نیکو و باید که بترسند

الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا

از خدا آنانکه اگر نزدیک شوند ازانکه بگذارند بعد خود اولاد ناتوان را خایف باشند

عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا إِنَّ

برایشان که ضایع شوند پس باید که از خدا بترسند باید که بگویند سخن استوار

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ

آنانکه میخورند اموال یتیمان بظلم جز این نیست که میخورند

فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا يُوصِيكُمُ

از شکم خویش آتش را و درآیند بدوزخ حکم میکند

ع

اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ

خدا در حق اولاد شما که مرد را هست مانند حصه دو زن

فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَ

اگر اولاد میت همه دختران باشند زیاده از دو پس ایشان راست دو سوم حصه

هست پدر و مادر میت را
هر یکی را از ایشان

إِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ
ازانچه میت گذشته است و اگر دختر یک دختر باشد پس او راست نیم ترکه و
مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ
ششم حصه است ازانچه بگذاشته است اگر باشد میت را فرزندی پس اگر
يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن
نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شد پس هست مادرش را
كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي
پس اگر باشد میت را برادران هست مادرش را ششم حصه و این تقسیم بعد ادای وصیت
بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ
که میت بان فرموده یا بعد ادای دین پدران شما و پسران شما نمیدانید کدام یک
أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
ازایشان نزدیکتر است در نفع رسانیدن حصه معین کرده شد از خدا هر اینه هست
حَكِيمًا ۝ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ
دانا و استوارکار و شما راهست نیمه ازانچه بگذاشته زنان شما اگر نباشد
يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ
ایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشد شما راست چهارم
مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ
انچه بگذاشته اند بعد ادای وصیتی که بان فرموده باشند بعد ادای دین
وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ
و زنان راست چهارم حصه ازانچه شما بگذاشتید اگر نباشد شما را فرزند
فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ
پس اگر باشد شما را فرزندی پس زنان راست هشتم حصه ازانچه گذاشته اید
وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ
وصیتی که بان فرموده باشید یا ادای دین و اگر مرده که ازوی میراث میخواهند
كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
یا زن مرده کلاله باشد و او را برادری هست یا خواهری پس هر یک راست ایشان

السدس



السدس فان كانوا اكثر من ذلك فهم شركاء في

ششم حصه پس اگر اخیافیان زیاده ازین باشند پس ایشان باهم شریک اند

الثلث من بعد وصية يوصى بها او دين غير

در سوم حصه بعد ادای وصیتے که بآن فرموده شد یا بعد ادای دین بغیر

مضار وصية من الله والله عليم حليم ○ تلك

رساننده باشند حکم کرده شد از خدا و خدا دانا و بردبارست این همه

حدود الله ومن يطع الله ورسوله يدخله جنت

حدها مقرر کرده خدا و هرکه فرمانبرداری کند خدا و رسول او درارد وی را به بهشتها

تجري من تحتها الانهر خلدين فيها وذلك الفوز

که میرود زیر آن جویها جاویدان درانجا اینست مطلب یابی

العظيم ○ ومن يعص الله ورسوله ويتعد

بزرگ و هرکه نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند

حدوده يدخله نارا خالدا فيها وله عذاب مهين

از حدها که مقرر کرده او درآرد وی را در آتش جاوید انجا و او راست عذاب سوا کننده

والتي يأتين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا

و از زنان شما که زنا کنند از زنان شما پس گواه طلبید

عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكوهن

بر این زنان چهار مرد از جنس خوین پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را

في البيوت حتى يتوفهن الموت او يجعل الله

در خانها تا که عمر ایشان تمام کند مرگ یا مقرر کند خدای تعالی

لهن سبيلا ○ والذان يأتينها منكم فاذوهما

برای ایشان راهی و آن دو کس که زنا میکنند از شما آزار دهید ایشان را

فان تابا واصلحا فاعرضوا عنهما ان الله كان

پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید از عذاب ایشان هر آینه خدا

توابا رحيما ○ انما التوبة على الله للذين يعملون

بازگرداننده مهربان جز این نیست که قبول توبه لازم است بر خدا برای آنکسانیکه



السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك
بکنند معصیت بنادانی بعد ازان توبه کنند در نزدیکی پس آن گروه
يتوب الله عليهم وكان الله عليما حكيما وليست
بازگردد خدا بر ایشان برحمت و هست خدا دانا استوارکار و نیست وعده
التوبة للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر
قبول توبه آنکسان را که میکنند معاصی تا آنگاه که پیش آید
احدهم الموت قال اني تبت الان ولا الذين يموتون
کسی را از ایشان وقت مرگ گفت هرآینه من توبه کردم حال و نه آنکسان که میرند
وهم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا اليما يا ايها
کافر این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده ای
الذين امنوا لا يحل لكم ان ترثوا النساء كرها
ای مومنان حلال نیست شما را آنکه میراث گیرید زنان را و ایشان خوش
ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما اتيتموهن الا
و منع مکنید ایشان را بهر که میخواهند تا بدست آرید بعض آنچه داده اید ایشان را لیکن
ان ياتين بفاحشة مبينة وعاشروهن بالمعروف
وقتیکه بکنند کار بد آشکارا نیکو آن ایذا داده و زندگانی کنید با زنان
فان كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا ويجعل
زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند
الله فيه خيرا كثيرا وان اردتم استبدال
خدا تعالی در آن چیز خیر بسیار و اگر خواهید بدل کردن
زوج مكان زوج واتيتم احديهن قنطارا
زن بجای زن دیگر و داده باشید یکی را از ایشان قنطار
فلا تاخذوا منه شيئا اتاخذونه بهتانا و
پس باز مگیرید از آن مال چیزی آیا مگیرید آنرا بستم و تعدی
اثما مبينا وكيف تاخذونه وقد افضى
تعدی آشکارا را و چگونه گیرید آنرا حال آنکه رسیده است

بعضکم

بعضكم الى بعض واخذن منكم ميثاقا غليظا ۝

بعض شما بسوی بعض وگرفتند زنان از شما عهد محکم را

ولا تنكحوا ما نكح اباؤكم من النساء الا ما قد

و نکاح مکنید کسی را که نکاح کرده باشند با او پدران شما از زنان الا آنچه گذشت

سلف انه كان فاحشة ومقتا وساء سبيلا ۝

عفو است هر آینه اینست کار بد و مبغوض و بد راهیست

حرمت عليكم امهتكم وبنتكم واخوتكم وعمتكم

حرام کرده شد بر شما مادران شما دختران شما و خواهران شما و خواهران پدر شما

وخلتكم وبنت الاخ وبنت الاخت وامهتكم

و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران خواهر و مادران

التي ارضعنكم واخوتكم من الرضاعة و

که شیر داده اند شما را و خواهران شما از جهت شیرخوارگی

امهت نسائكم وربائبكم التي في حجوركم من

و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما پرورش یافته اند

نسائكم التي دخلتم بهن فان لم تكونوا دخلتم بهن

از بطن از زنان شما که وطی کرده باشید با ایشان پس اگر وطی نکرده باشید با ایشان

فلا جناح عليكم وحلائل ابنائكم الذين من

هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما آنانکه از پشت شما

اصلابكم وان تجمعوا بين الاختين الا ما قد

باشند و حرام کرده شد آنکه جمع کنید میان دو خواهر لیکن آنچه گذشت

سلف ان الله كان غفورا رحيما ۝ والمحصنت

عفو است هر آینه خدا هست آمرزنده و مهربان و حرام کرده شد

من النساء الا ما ملكت ايمانكم كتب الله

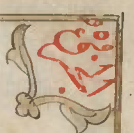
زنان شوهردار مگر آنچه مالک شده است دست شما لازم ساخته است

عليكم واحل لكم ما وراء ذلكم ان تبتغوا

بر شما و حلال کرده شد شما را ماسوای این محرمات حلال کرده شد

خدا

که طلب نکاح کنید



بِأَمْوَالِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم
باموال خویش عفت طلب کنندگان و نه شهوت رانندگان پس کسیکه لذت

بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ
باو از زنان بدهید ایشان را مهر ایشان مقرر کرده شد و نیست گناه

عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ
در آنچه بایکدیگر راضی شدید بعد مهر مقرر هر آینه

اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ
خدا است دانا و استوار کار و هر که نتواند از شما جهت توانگری

طَوْلًا أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ فَمِن مَّا مَلَكَتْ
که نکاح کند زنان آزاد مسلمانان را پس باید

أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُم
که نکاح کند از جنس کنیزکان که مسلمان باشند و خدا داناتر است بایمان

بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ ۚ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ
بعض شما از جنس بعض است پس نکاح کنید کنیزکان را بدستوری خداوندان

آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ
و بدهید ایشان را مهر ایشان خوشخوی

مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ
کننده و نه دوست بنهانی گیرنده پس چون در حباله زوج آمد

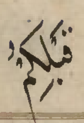
أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ
اگر زنا کنند پس بر ایشان است نیمه مقدار از آنکه بر زنان آزاد

مِنَ الْعَذَابِ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ ۚ وَأَن
از عقوبت نکاح کنیزک کسی راست که بترسد از گناه از شما و آنکه

تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يُرِيدُ
صبر کنند بهتر است شما را و خدا آمرزنده و مهربان است میخواهد

اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن
خدا که بیان کند برای شما راه های نیک که پیش از شما





قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَاللّٰهُ

پیش از شما بودند و برحمت بازگردد در شما را و خدا دانا استوار کار و خدا

يُرِيدُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

بخواهد که برحمت بازگرد در شما و میخواهند آنانکه پیروی کنند

الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ۝ يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ

شهوات که کجروی کنید بکجروی عظیم بخواهد خدا که

يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيفًا ۝

سبک کند از شما وانسان ضعیف آفریده شد

يٰاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ

ای مومنان مخورید اموال خود را درمیان خویش

بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ

بناحق وقتیکه داد و ستد تجارت باشد بعد رضامندی یکدیگر

وَلَا تَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝

و مکشید خویشتن را هرآینه خداهست بشما مهربان

وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ

و هر که چنین کند بتعدی و ستم درآریمش

نَارًا وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ۝ اِنْ تَجْتَنِبُوا

بدوزخ و این بر خدا آسان است اگر احتراز کنید

كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَ

از کبایر سیئات نابود سازیم از شما و صغایر شما و

نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ۝ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ

درآریم شما را بمحل گرامی و تمنا مکنید مرتبه را که خدایتعالی

اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا

بآن بزرگی داد بعض را از شما بر بعض مردان راهست بهره از آنچه

اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ

حاصل کردند و زنان راهست بهره از آنچه حاصل کرده اند





وَسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ ط اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمًا ۝
و سوال کنید بخشایش خدا را پس او هر آینه خدا هست بهر چیز دانا

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِیَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْاَقْرَبُونَ ط
و معرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادر و خویشان

وَالَّذِينَ عَقَدَتْ اَيْمَانُكُمْ فَاٰتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ ط اِنَّ اللّٰهَ
و کسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهد شما پس دهید ایشان را بهره ایشان

كَانَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدًا ۝ اَلرِّجَالُ
هر آینه خدا بر همه چیز حاضر مردان تدبیر کننده

قَوّٰمُونَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ لا
مسلط شده اند بر زنان بسبب آنکه فضل نهاده است خدا بعض آدمیان بر بعض

وَبِمَآ اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوَالِهِمْ ط فَالصّٰلِحٰتُ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ
و بسبب آنکه خرج کردند از اموال خویش پس زنان نیکوکار فرمان بردار نگاه دارنده

لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ ط وَالّٰتِی تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ
در غیبت زوج نگاه داشت خدا و آن زنان که معلوم گردید سرکشی ایشان

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ج
پس پند دهید ایشان را و ترک کنید ایشان را از خوابگاه و بزنید ایشان را

فَاِنْ اَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ط اِنَّ اللّٰهَ
پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس نجسس مکنید ایشان را راهی هر آینه

كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ۝ وَاِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا
هست خدا بلند مرتبه و بزرگ قدر و اگر معلوم گردید ای حاکمان مخالفت میان زن شو

فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ اَهْلِهٖ وَحَكَمًا مِنْ اَهْلِهَا اِنْ
پس معین کنید صلح کاری از خویشان مرد و صلح کاری از خویشان زن اگر

يُرِيدَآ اِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا ط اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
این صلح کاران خواهند صلح را البته موافقت کند خدا در میان هر آینه خدا هست

عَلِيمًا خَبِيرًا ۝ وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهٖ
دانا و آگاه و بپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را



شيئا وبالوالدين احسانا وبذي القربى واليتمى
چیزی را و بر پدر و مادر نیکوکاری و بخویشان یتیمان
والمسكين والجار ذي القربى والجار الجنب
و گدایان و همسایه و خویشاوندان و همسایه اجنبی
والصاحب بالجنب وابن السبيل وما ملكت
و همنشین بر پهلو نشسته و بمسافر و آنچه دست شما مالک (او شد)
ايمانكم ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا
او شد هر آینه خدا دوست ندارد کسی را که باشند متکبر خودستاینده
الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل و
دوست ندارد آنانرا که بخل میکنند و مردمانرا به بخل میفرمایند و
يكتمون ما اتىهم الله من فضله واعتدنا للكفرين
و میپوشند آنچه خدا داده است از فضل خود و آماده ساخته ایم برای (کافران)
عذابا مهينا والذين ينفقون اموالهم رئاء
عذاب رسوا کننده و آنانرا که خرج میکنند اموال خود را برای
الناس ولا يؤمنون بالله ولا باليوم الاخر ومن
نمودن مردمان و معتقد نیستند بخدا و بروز آخرت و هر که
يكن الشيطن له قرينا فساء قرينا وماذا عليهم
شیطان یار او باشد پس وی بد یاریست و چه زیان بود (بر ایشان)
لو امنوا بالله واليوم الاخر وانفقوا مما رزقهم
اگر ایمان می آوردند بخدا و روز آخر و خرج میکردند از آنچه
الله وكان الله بهم عليما ان الله لا يظلم مثقال
خدا داده است و هست خدا دانا هر آینه خدا ستم نمیکند وزن ذره
ذرة وان تك حسنة يضعفها ويؤت من
ذره و اگر عمل نیکی باشد دو چندان کندش و بدهد از نزد خود
لدنه اجرا عظيما فكيف اذا جئنا من كل امة
مزد بزرگ پس چه حال باشند آنگاه که بیاریم از هر قوم



بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ۝ يَوْمَئِذٍ
دبیاوردیم ترا گواه براین امت آبزد ر آرزد کنند آنانکه کافرشدند آرزو
يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ
آرزو کنند آنانکه کافر باشند دنافرمانی پیغامبر کردند کاش برایشان
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



زمین را همواره کرده شود ونپوشند از خدا هیچ سخنی ای مومنان
لَا تَقْرَبُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا
بنماز نزدیک مشوید حال آنکه شما مست باشید تا آنچه بفهمید آنچه
مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا
بزبان میگوئید دبنماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید
وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ
و اگر بیمار باشید ... سفر ویا بیاید کسی از شما از
الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
جای ضرور یا مباشرت زنان کنید ونیابید آب ایس قصد کنید
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ
بزمین پاک پس مسح کنید بروی خویش ودستهای خویش
اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا
هرآینه خدا عفوکننده بخشاینده آیا ندیدی بسوی کسانیکه داده شدند بهره
مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ
از کتاب می ستانند گمراهی را ومیخواهند که
تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ
شما گم کنید راه را و خدا داناتر است بدشمنان شما وبس است
بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا
خدا یاری دهنده وبس است خدا یاور از یهود قومی که تغیر میکنند
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا
که تغیر میکنند کلمه را از جای آنها ومیگویند شنیدیم

وَعَصَيْنَا

وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ
و عاصی شدیم اسمع غیر مسمع و راعنا بیچانند سخن را بزبان
وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
و طعنه میزنند از دین و اگر ایشان گفتندی شنیدیم و فرمانبرداری
وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِنْ لَعَنَهُمُ
و بجای اسمع غیر مسمع و بجای راعنا انظر هر آینه بودی بهتر ایشان را و درست تر

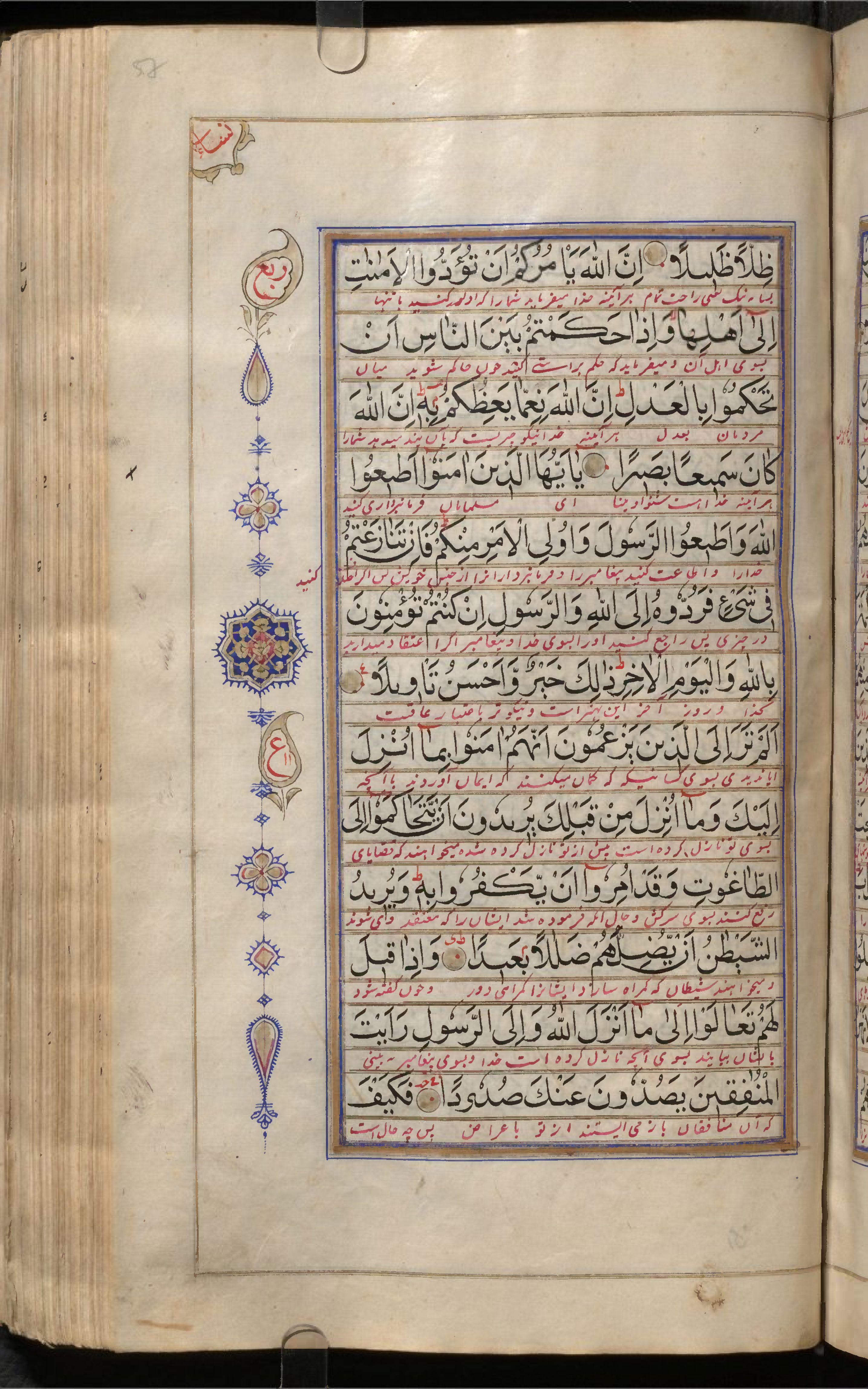
ولیکن لعنت کرد ذات ایشان را

اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی ای اهل کتاب
أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ
اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرود آوریم باور کننده آنچه باشماست
قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا
پیش از آنکه محو کنیم صورت رویها را پس بگردانیم بر شکل پشت رویها
أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ
یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل شنبه را و هست اراده خدا
مَفْعُولًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا
کرده شود بر اینه خدا نمی آمرزد که او را شریک مقرر کرده شود می آمرزد
دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ
غیر آن هر کرا خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند هر اینه افترا کرده است
إِثْمًا عَظِيمًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ
بگناه بزرگ آیا ندیدی بسوی کسانیکه ستایش میکنند خود را
بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝ انْظُرْ
بلکه خدا ستایش میکند هر کرا خواهد و ستم کرده نخواهند شد ببین
كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا
چگونه افترا می بندد بر خدا دروغ را و این گناه شمارا بس است
مُبِينًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ
آشکارا آیا ندیدی بسوی کسانیکه بهره از کتاب داده شدند

ع ۷

يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ
معتقد بشوند بت را ومعبود باطل را ومیگویند در حق مشرکان
كَفَرُوا هَٰؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝
مشرکان که ایشان راه یابنده ترانند از مسلمانان در راه
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۖ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ
آنگروهند ایشان که لعنت کرد ایشان را خدا وهر که خدا لعنت کند پس
لَهُ نَصِيرًا ۝ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَا يُؤْتُونَ
او را یاری اما ایشان راهست بهره از پادشاهی پس آنگاه ندهند
النَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ
بمردمان مقدار نقیری آیا حسد میکنند بر مردمان برای آنچه ایشان را
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
الله تعالی داده است پس دادیم کسان ابراهیم را کتاب و دانش
وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ
ودادیم ایشان را پادشاهی بزرگ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد بآن
مَنْ صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ
کسی هست که باز ایستاده ازوی کفایت است دوزخ آتش فروخته هر آینه
كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا ۖ كُلَّمَا نَضِجَتْ
کسانیکه کافر شدند بآیات ما در آریم ایشان را در آتش هرگاه پخته گردد پوستهای
جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ
ایشان بعوض بدل کنیم برای ایشان پوستهای دیگر بجز آن تا بچشند عذاب را
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
هر آینه خدا هست غالب استوار کار وکسانیکه ایمان آوردند و کارهای
الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
شایسته کردند زود در آریم ایشان را ببوستانها میرود در زیر آن جویها
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ ۖ وَنُدْخِلُهُمْ
جاویدان آنجا همیشه ایشان راست آنجا زنان پاک و در آریم ایشان را

ظِلًّا



نسا

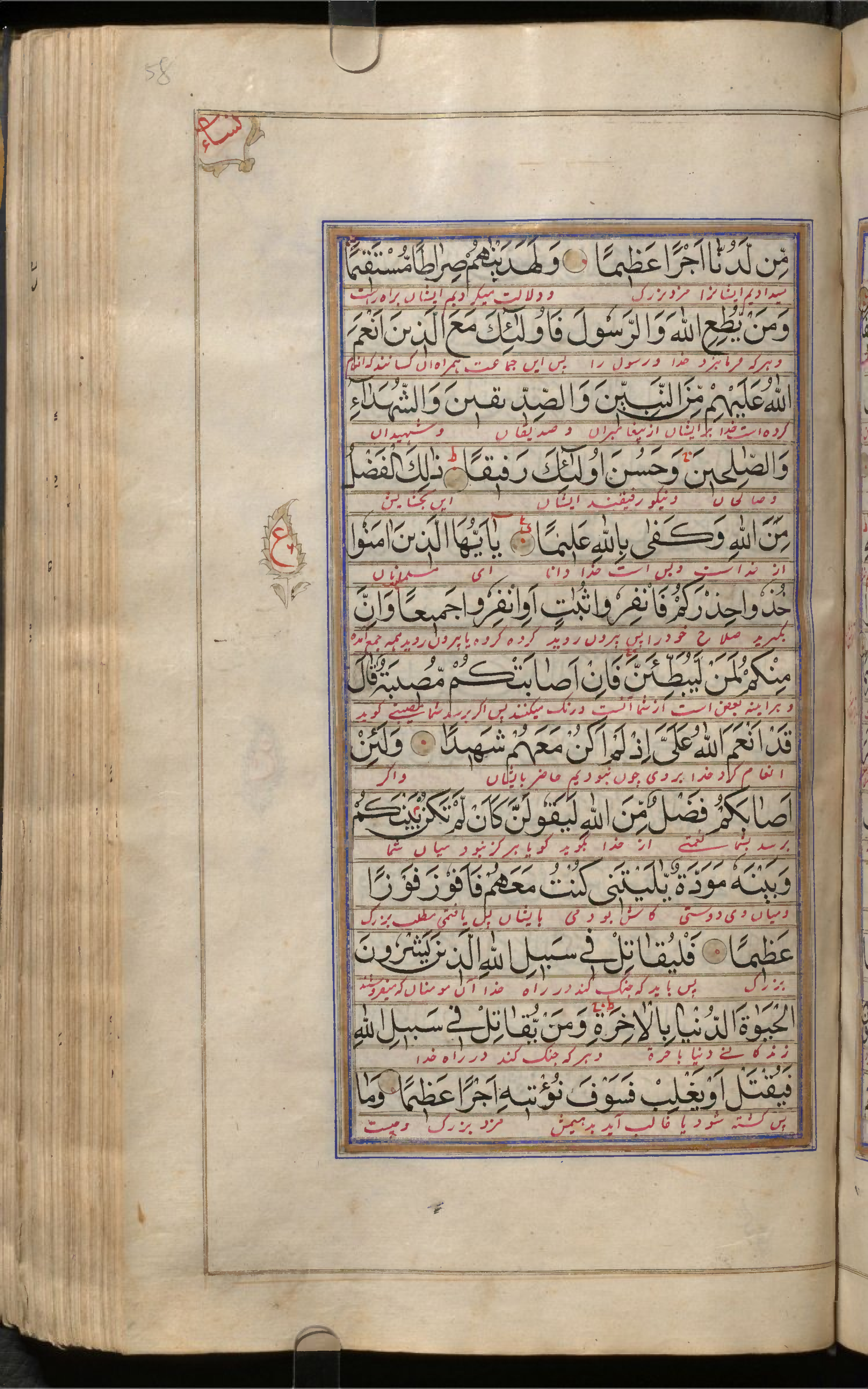
ربع

ظِلًّا ظَلِيلًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ
بسایه تنک شمی راحت تمام براینه خدا میفرماید شمارا که ادا کنید امانتها
إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ
بسوی اهل آن و میفرماید که حکم براستی کنید چون حاکم شوید میان
تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ
مردمان بعدل هرآینه خدا نیکو چیزیست که بآن پند میدهد شمارا
كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا
هرآینه خدا هست شنوا و بینا ای مسلمانان فرمانبرداری کنید
اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ
خدارا و اطاعت کنید پیغامبررا و فرمانبرداران را از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید
فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
در چیزی پس راجع کنید او را بسوی خدا و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝
بخدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ
آیا ندیدی بسوی کسانیکه که گمان میکنند که ایمان آوردند بآنچه
إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى
بسوی تو نازل کرده است پیش از تو نازل کرده شده میخواهند که قضایای
الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۖ وَيُرِيدُ
رجوع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که معتقد وی نشوند
الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ
و میخواهند شیطان که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور و چون گفته شود
لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ
بایشان بیایید بسوی آنچه نازل کرده است خدا و بسوی پیغامبر ببینی
الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۝ فَكَيْفَ
که آن منافقان باز می ایستند از تو باعراض پس چه حال است

ع

إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ
آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان
جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا
پس بیایند نزدیک تو قسم میخورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری و موافقت
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ
گروه آن گروه آنانند که میداند خدا آنچه در دل ایشان است پس اعراض کن
عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ۝
از ایشان و پند ده ایشان را و بگو بایشان سخنی موثر در دل ایشان
وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ
و نه فرستادیم هیچ پیغمبری را مگر برای آنکه فرمان برداری کرده شود بحکم خدا
وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا
و اگر این جماعت وقتی که ستم کردند بر خویشتن بیایند نزدیک تو پس
اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا
بخدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان پیغامبر هر آینه یافتندی خدا را [illegible] رحمت
فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ
پس قسم بپروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلاف
بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ
واقع شد میان ایشان باز نیابند در دل خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند
وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ
و قبول کنند بانقیاد و اگر ما می نوشتیم بر ایشان که
اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا
بکشید خویشتن را یا بیرون شوید از خانهای خویش
فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ
نمیکردند این را مگر اندکی از ایشان و اگر میکردند آنچه بآن پند داده میشوند
بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۝ وَإِذًا لَّآتَيْنَاهُم
هر آینه بهتر بودی ایشان را و محکم تر در استواری دین و آنگاه البته

من



مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
بدادیم ایشانرا مزد بزرگ و دلالت میکردیم ایشان براه راست
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ
وهرکه فرمان برد خدا ورسول را پس این جماعت همراه آن کسانند که انعام
اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
کرده است خدا بر ایشان از پیغامبران و صدیقان و شهیدان
وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذَٰلِكَ الْفَضْلُ
و صالحان و نیکو رفیقند ایشان این بخشایش
مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
از خداست و بس است خدا دانا ای مسلمانان
خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا وَإِنَّ
بگیرید صلاح خود را پس بیرون روید گروه گروه یا بیرون روید همه جمع آمده
مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ
و براینه بعض است از شما آنست درنگ میکنند پس اگر برسد شما مصیبتی گوید
قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ۝ وَلَئِنْ
انعام کرد خدا بر وی چون نبودیم حاضر با ایشان واگر
أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ
برسد بشما نعمتی از خدا بگوید گویا هرگز نبود میان شما
وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا
ومیان وی دوستی کاشکی بودمی با ایشان پس یافتمی مطلب بزرگ
عَظِيمًا ۝ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ
بزرگ پس باید که جنگ کند در راه خدا آن مومنان که میفروشند
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
زندگانی دنیا بآخرة وهرکه جنگ کند در راه خدا
فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا
پس کشته شود یا غالب آید بدهیم مزد بزرگ وچیست



لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من
شما را که جنگ میکنید در راه خدا و برای بیچاره گان از
الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا
مردان و زنان و کودکان آنانکه گویند ای پروردگار ما
اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا
بیرون آر ما را ازین دیه که ستمکارند اهل آن و مقرر کن برای ما
من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا
از نزدیک خود کارسازی و مقرر کن برای ما نزدیک خود یاری دهنده
الذين امنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا
مومنان کارزار میکنند در راه خدا و کافران
يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا اولياء
می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان
الشيطن ان كيد الشيطن كان ضعيفا
شیطان هر آینه حیله کند شیطان سست است



الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم واقيموا
آیا ندیدید بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را و برپا
الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا
کنید نماز را و دهید زکوة پس نوشته شد بر ایشان جنگ ناگاه
فريق منهم يخشون الناس كخشية الله او اشد
گروهی از ایشان می ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا یا زیاده تر
خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا
و گفتند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار چرا زنده
اخرتنا الى اجل قريب قل متاع الدنيا قليل و
نگذاشتی ما را تا وقتی که نزدیک بگو بهره مندی دنیا اندک است
الاخرة خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا اين ما
و آخرة بهتر است کسی را که پرهیزکاری کند و ستم کرده نخواهید مقدار رشته

تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم في بروج

گر باشید دریابد شما را مرگ واگر چه باشید در محلهای

مشيدة وإن تصبهم حسنة يقولوا هذه من

محکم واگر رسد بایشان نعمتی گویند این از

عند الله وإن تصبهم سيئة يقولوا هذه من

نزدیک خدا واگر رسد بایشان شدتی گویند یا محمد این از نزدیک

عندك قل كل من عند الله فمال هؤلاء

تست بگو همه از نزدیک خداست پس چه حال است

القوم لا يكادون يفقهون حديثا ما أصابك

این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخن را آنچه رسید بتو

من حسنة فمن الله وما أصابك من سيئة فمن

از نعمت پس از خداست وآنچه رسید بتو از محنت پس

نفسك وأرسلناك للناس رسولا وكفى

از نزدیک نفس تست وفرستادیم ترا پیغمبر برای مردمان و بس است

بالله شهيدا من يطع الرسول فقد أطاع الله

خدا گواه هر که فرمانبرداری کند رسول را پس فرمانبرداری کرده خدا را

ومن تولى فما أرسلناك عليهم حفيظا و

وهر که اعراض کند پس نفرستادیم ترا برایشان نگاهبان و

يقولون طاعة فإذا برزوا من عندك بيت

میگویند در دل ما فرمانبرداریست پس چون بیرون روند از نزدیک تو گردد

طائفة منهم غير الذي تقول والله يكتب ما

از ایشان بوقت شب رای زنند غیر آنچه تو پیغمبر میگویی و خدا می نویسد

يبيتون فأعرض عنهم وتوكل على الله وكفى

در نامه اعمال آنچه شب میگویند پس اعراض کن با ایشان و توکل کن بر خدا و بس

بالله وكيلا أفلا يتدبرون القرآن ولو كان

است خدا کارسازنده پس آیا تامل کنند قرآن اگر بودی

مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا
از نزدیک غیر خدا البته یافتندی دران اختلاف بسیار

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ
و چون بیاید نزد ایشان خبری از ایمنی یا ترس مشهور سازند آنرا

وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ
و اگر راجع گردانیدندی بسوی پیغامبر و بسوی فرمان روایان اهل اسلام

لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ
هر آینه دانستندی مصلحت آن خبر را آنانکه از ایشان میتوانند و اگر نبودی فضل خدا

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا
بر تو و رحمت او البته پیروی میکردید شیطان را الا اندکی

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ
پس جنگ کن یا محمد در راه خدا بر تو مواخذه نیست مگر بر جان تو و رغبت

الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مسلمانان را نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را

وَاللّٰهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا مَنْ يَشْفَعْ
و خدا سخت باعتبار جنگ و سخت است باعتبار عقوبت هر که شفاعت

شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ
کند شفاعت نیک باشد او را بهره از ثواب آن و هر که شفاعت کند

شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلَى
شفاعتی بد باشد او را حصه از عذاب آن و هست خدا بر همه

كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا
همه چیز توانا و چون تعظیم کرده شود بسلامی پس تعظیم کنید بکلمه بهتر

أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا اللّٰهُ
ازان یا همان کلمه جواب دهید هر آینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
نیست هیچ معبودی مگر او البته بهم آرد شما را بروز قیامت هیچ شک نیست

ومن

ع

در باب تلون کنندگان

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيثًا ۝ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنٰفِقِينَ
وکیست راست گوتر از خدا در سخن پس چیست ای مسلمانان شمار
فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ
دو گروه شدید و خدا نگونسار ساخت ایشانرا بسبب آنچه میکردند آیا میخواهید
تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللّٰهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ
راه نماید یعنی از جمله راه یابان شمارید کسی را که گمراه ساخت خدا و هرکرا خدا گمراه
سَبِيلًا ۝ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ
یابند هیچ راهی این تلون کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس
سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوا فِي
برابر باشید پس دوست مگیرید هیچکس را از ایشان تا آنکه هجرت کنند در
سَبِيلِ اللّٰهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
راه خدا پس اگر اعراض کردند یعنی از اسلام و هجرت پس بگیرید و بکشید هرجا که
وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝
یابید ایشان را و دوست و یار مگیرید از ایشان کسی را
إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلٰى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ
اسیر مگیرید و بکشید مگر آنانکه پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان
مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ
عهد است یا بیایند نزدیک شما حال آنکه تنگ آمده است سینه ایشان از آنکه جنگ کنند باشما
أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ
یا جنگ کنند با قوم خویش و اگر خواستی خدا هر آینه مسلط ساختی ایشان را بر شما
فَلَقٰتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقٰتِلُوكُمْ وَ
پس قتال کردندی با شما پس اگر این فرقه یکسو شوند و قتال نکنند با شما و
أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ
بیفکنند بسوی شما پیغام صلح پس نکرده است خدا تعالی شما را بر ایشان
سَبِيلًا ۝ سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ
راهی خواهید یافت قومی را که میخواهند ایمن شوند از شما

وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا

و ایمن از قوم خود هر گاه بار گردانیده شوند بسوی فتنه انگیزی نگونسار

فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا

انداخته شوند باں یکسو نشوند از جنگ شما و نیفکنند بسوی شما پیغام صلح و باز

أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ

ندارند دست خویش پس اسیر کنید ایشان و قتل نمائید ایشان را هر جاکه یابید و

جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ۝ وَمَا كَانَ

داده ایم شما را بر ایشان حجت ظاهر و نیست

لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا

مسلمانی را بکشد مسلمانی را لیکن قتل واقع میشود بخطای و هر که بکشد مسلمانی

خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ

بخطا پس لازم است آزاد کردن برده مسلمانی و خون بها رسانیده شد بکسان

أَهْلِهِ إِلَّا أَن يَصَّدَّقُوا فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ

مقتول مگر آنکه ابرا نمایند پس اگر باشد مقتول و از گروه دشمنان شما

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِن كَانَ مِن

و او مسلمانست پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و اگر باشد

قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ

از قومی که میان شما و ایشان عهد است پس لازم است خون بها رسانیده بکسان

أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ

او و آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نیابد برده را پس لازم است روزه

شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ

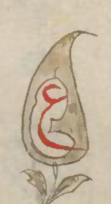
دو ماه پی در پی مشروع در کفارت بجهة توبه است و هست خدا

عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ

دانا و استوار و هر که بکشد مسلمانی را بقصد پس جزای او

جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ

دوزخ است جاوید و خشم گرفته است خدا و لعنت کرده است و آماده





لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي
ساخت برای او عذاب بزرگ ای مسلمانان چون سفر کنید در

سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ
راه خدا برای جهاد د مکوئید کسی را که بسوی شما

السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا
سلام انداخته است نیستی مسلمان میطلبید مطاع زندگانی دنیا

فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ
پس نزدیک خدا غنیمت ها بسیار است همچنین بودید پیش ازین پس

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
انعام کرد خدا بر شما پس تفحص کنید هر آینه خداهست با که میکنید

خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
ناگاه برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان

غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
و جهاد کنندگان در راه خدا تعالی سلے در راه خدا

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ
بمال خویش و جان خویش فضل داده است خدا مجاهدان را بمال

وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ
جان خویش بر نشینندگان در مرتبه و هر یکی را وعده کرده است

الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ
و افزون داده است خدا مجاهدان را بر نسبت نشینندگان



أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً
مزد بزرگ افزون داده است مرتبها از جانب خویش و آمرزش

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ
و هست خدا آمرزنده مهربان هر آینه آنانکه هستند

الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا
فرشتگان قبض روح ایشان کردند در حالیکه ستمکار بودند بر خویش گفتند در چه حال



مستضعفين في الارض قالوا الم تكن ارض الله
کفتند ما بیچارکان در زمین کفتند آیا فراخ بود زمین خدا
واسعة فتهاجروا فيها فاولئك ماويهم جهنم
تا هجرت میکردید پس آنجماعه جای ایشان دوزخ
وساءت مصيرا ۝ الا المستضعفين من الرجال
و او بد جایست مگر آنانکه بحقیقت بیچاره اند از مردان
والنساء والولدان لا يستطيعون حيلة ولا
و زنان و کودکان هیچ چاره نمیتوانند و هیچ
يهتدون سبيلا ۝ فاولئك عسى الله ان يعفو
راه نمی یابند پس آنجماعه نزدیک است که خدا عفو کند
عنهم وكان الله عفوا غفورا ۝ ومن يهاجر في
بر ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و ترک وطن بکند در
سبيل الله يجد في الارض مراغما كثيرا وسعة
راه خدا بیابد در زمین اقامت کاه بسیار فراخی معیشت
ومن يخرج من بيته مهاجرا الى الله ورسوله ثم
هرکه بیرون از خانه هجرت کنان بسوی خدا و پیغمبر او باز
يدركه الموت فقد وقع اجره على الله وكان الله
یابد او را موت پس بحقیقت ثابت شد مزد او بر خدا و هست خدا
غفورا رحيما ۝ واذا ضربتم في الارض فليس عليكم
آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما
جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان يفتنكم
گناهی در آنکه کوتاه سازند تدری از نماز اگر بترسید از آنکه در بلا افکنند شما را
الذين كفروا ان الكفرين كانوا لكم عدوا مبينا ۝
کافران هر آینه کافران هستند شما را دشمن آشکارا
واذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم
و چون باشی از میان مؤمنان پس بر پا کردی برای ایشان نماز پس کرا باستید گروهی از ایشان



معك

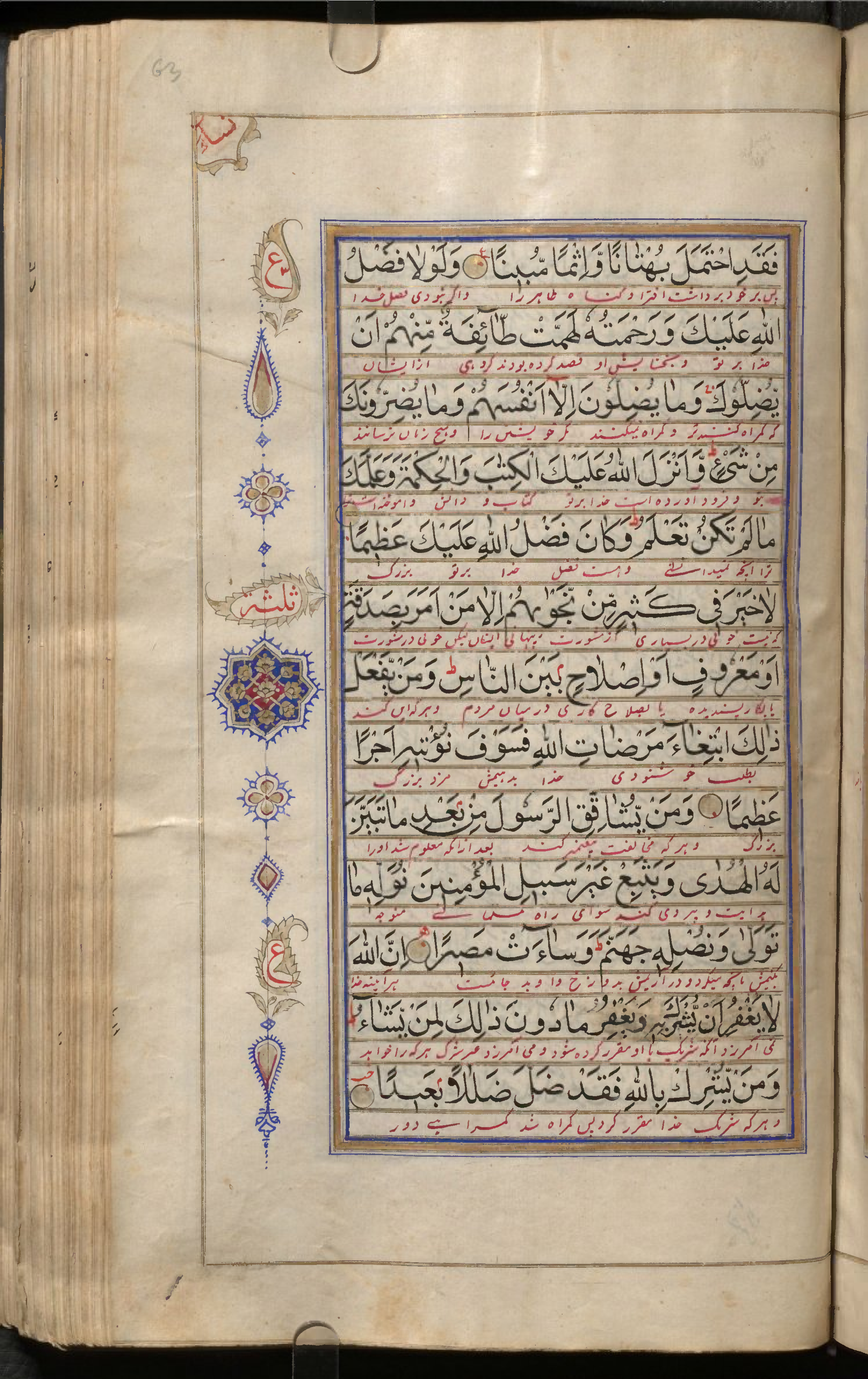
مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوٓا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا
با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون سجده روند پس آن گروه
مِن وَرَآئِكُمْ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا
دیگر باید که پس از ایشان باشند باید که بیاید آن گروه دیگر که نماز نکرده اند
فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ
پس نماز کنند با تو باید که بگیرند حذر و بسلاح خود را آرزو
الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ
کردند کافران کاش غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش
فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ
پس حمله کنید بر شما یکباره تنها و هیچ گناه نیست
عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَىٰٓ
بر شما اگر باشد شما را رنجی از باران یا بیمار باشید
أَن تَضَعُوٓا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
در آنکه بنهید سلاح خویش را و البته بگیرید حذر خود را هر آینه خدا
أَعَدَّ لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَوٰةَ
آماده کرده است برای کافران عذاب رسوا کننده پس چون نماز
فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا
تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش پس چون
اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ إِنَّ الصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى
آرمیده برپا کنید نماز را هر آینه هست نماز بر
الْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَآءِ
مومنان فرض وقت معین کرده شده و سستی مکنید در جستجوی
الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ
کفار اگر شما را درد مند میشوید پس ایشان نیز درد مند میشوند چنانکه میشوید
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
و شما امید وارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدا دانا و استوار کار





إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
هرآينه فرو د آورد يم بر تو كتاب را براستى تا حكم كنى ميان مردمان
بِمَا أَرٰىكَ اللّٰهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا وَاسْتَغْفِرِ
بانچه شناسا ساخته است ترا خدا و مباش خصومت كننده واَمرزش خواه
اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ
از خدا هرآينه خدا هست آمرزنده و مهربان و خصومت مكن از جانب آنكه
الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
خيانت ميكنند با جنس خويش هرآينه خد دوست ندارد آنرا كه
خَوَّانًا أَثِيمًا ۝ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
باشد خيانت كنندگان پنهان ميكنند از مردمان و پنهان نمى كنند
مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ
از خدا و او ايشان است انگاه بشب مشورت ميكنند انچه خدا نمى پسندد از سخن
وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ۝ هٰأَنتُمْ هٰؤُلَاءِ
و هست خدا بانچه ميكنند در گيرنده اگاه باشيد شما اى قوم
جٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجٰدِلُ اللّٰهَ
كه خصومت كرديد از طرف خيانت در زندگانى دنيا پس كه خصومت خواهد كرد با خدا
عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَ
از طرف ايشان روز قيامت يا كيست كه باشد بر ايشان كارسازنده و
مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ
هركه بكند كار بد يا ستم كند بر خويش باز آمرزش طلبد از خدا
يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا
بيابد خدا را امرزنده و مهربان و هركه بكند خطاى يا گناهى پس جز
يَكْسِبُهُ عَلٰى نَفْسِهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝
اين نيست كه ميكند انرا بر جان خويش و هست خدا دانا و استواركار
وَمَن يَكْسِبْ خَطِيٓئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيٓـًٔا
و هركه بكند خطا يا گناهى باز تهمت كند بآن گناهى را

فَقَدِ



فقد احتمل بهتانا واثما مبينا ۝ ولولا فضل
پس بر خود برداشت افترا و گناه ظاهر را واگر نبودی فضل خدا
الله عليك ورحمته لهمت طائفة منهم ان
خدا بر تو و بخشایش او قصد کرده بودند گروهی از ایشان
يضلوك وما يضلون الا انفسهم وما يضرونك
که گمراه کنند ترا و گمراه نمیکنند مگر خویشتن را و هیچ زیان نرسانند
من شيء وانزل الله عليك الكتب والحكمة وعلمك
ترا به چیزی و فرو فرستاده است خدا بر تو کتاب و دانش و آموخته است ترا
ما لم تكن تعلم وكان فضل الله عليك عظيما
آنچه نبودی که دانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ
لا خير في كثير من نجويهم الا من امر بصدقة
نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان لیکن هر که فرماید به صدقه
او معروف او اصلاح بين الناس ومن يفعل
یا به کار پسندیده یا به اصلاح کاری در میان مردم و هر که این کند
ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرا
بطلب خوشنودی خدا به همین مزد بزرگ
عظيما ۝ ومن يشاقق الرسول من بعد ما تبين
بزرگ و هر که مخالفت پیغمبر کند بعد از آنکه معلوم شد او را
له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما
هدایت و پیروی کند سوای راه مسلمانان متوجه
تولى ونصله جهنم وساءت مصيرا ۝ ان الله
گردانیم او را بآنچه و درآریم بدوزخ و او بد جایست هر آینه خدا
لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء
نمی آمرزد آنکه شریک با او مقرر کرده شود و می آمرزد غیر شرک هر که را خواهد
ومن يشرك بالله فقد ضل ضلالا بعيدا ۝
و هر که شریک خدا مقرر کرد پس گمراه شد گمراهی دور

ثلثة

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا
سرکان نمی پرستند بجز خدا مگر بتانی را که بنام دختران مسمی کرده اند
شَيْطَانًا مَّرِيدًا ۝ لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ
ونمی پرستند مگر شیطان را لعنت کرد او را خدا گفت البته بگیرم از بندگان شما
عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ
از بندگان تو حصه که در علم ازلی معین شده والبته گمراه کنم ایشان را و آرزوی باطل
وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ
والبته بفرمایم ایشان را تا بشکافند گوش چهارپایان را والبته بفرمایم ایشان را
فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا
تا تغییر دهند آفرینش خدا و هر که دوست گیرد شیطان را
مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ۝
بجز خدای پس زیان کار اند ظاهر
يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا
وعده میدهد ایشان را در آرزو انداز ایشان را وعده نمیکند شیطان الا بفریب
غُرُورًا ۝ أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ
بفریب آنجماعه جای ایشان دوزخ است و نیابند
عَنْهَا مَحِيصًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
ازان محیصی و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
در آریم ایشان آن بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا
أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝
همیشه وعده کرده است خدا براستی و کیست راست گوتر از خدا در سخن
لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ
نیست کار بوفق آرزوی شما و نه بوفق آرزوی اهل کتاب هر که بکند
سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا
کار بد داده خواهد شد بان و نیابد برای خود بجز خدا از هیچ دوستی و نه

نَصِيرًا

نصيرا ۝ ومن يعمل من الصلحت من ذكر او انثى
یاری دهنده و هر که بکند کارهای شایسته مرد باشند یا زن
وهو مؤمن فاولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون
و او مسلمانست پس آنجماعه درآیند به بهشت و ستم کرده نشود
نقيرا ۝ ومن احسن دينا ممن اسلم وجهه لله
مقدار نقیری و کیست نیکوتر در دین از کسی که منقاد ساخت روی خود را
وهو محسن واتبع ملة ابرهيم حنيفا واتخذ الله
و او نیکوکاراست و پیروی کرد ملت ابراهیم را در حالتیکه حنیف بود و خدا دوست
ابرهيم خليلا ۝ ولله ما في السموت وما في
ابراهیم را و خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الارض وكان الله بكل شيء محيطا ۝ ويستفتونك
زمین و هست خدا همه چیز در گیرنده و طلب فتوی میکنند از تو
في النساء قل الله يفتيكم فيهن وما يتلى عليكم
در باب زنان بگو خدا فتوی میدهد شما را و آنچه خوانده میشود بر شما
في الكتب في يتمى النساء التي لا تؤتونهن
در کتاب در حق آن زنان یتیمه که نمیدهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است
ما كتب لهن وترغبون ان تنكحوهن والمستضعفين
آنچه فرض کرده شده است برای ایشان و رغبت که نکاح کنید با ایشان و ناتوان شده
من الولدن وان تقوموا لليتمى بالقسط وما
از کودکان و حکم است آنکه تعهد حال یتیمان کنند بانصاف و آنچه
تفعلوا من خير فان الله كان به عليما ۝ وان
میکنید از نیکوئی هست خدا بآن دانا و اگر
امراة خافت من بعلها نشوزا او اعراضا فلا
زنی معلوم کند از شوهر خویش سرکشی یا روگردانی پس
جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحا والصلح
گناه نیست بر ایشان و آنکه صلح آرند در میان خویش نوعی صلح کاری

خبیرا وأحضرت الأنفس الشح ط وإن تحسنوا وتتقوا
بهیر است و حاضر کرده شده اند نفوس نزدیک بخل و اگر نیکو کاری پرهیزکاری کنید

فإن الله کان بما تعملون خبیرا ۝ ولن تستطیعوا أن
پس بر آینه خدا هست بآنچه میکنید دانا و نتوانید هرگز عدل کردن

تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل
عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت رغبت کنید پس بازی کجی مکنید

المیل فتذروها کالمعلقة ط وإن تصلحوا وتتقوا
تمام کجی تا اگر بگذارید آن زنان را مانند معلقه و اگر اصلاح کنید و پرهیزکاری

فإن الله کان غفورا رحیما ۝ وإن یتفرقا یغن
پس هر آینه خدا است آمرزنده مهربان و اگر مرد و زن بایکدیگر جدا شوند بی نیاز کند

الله کلا من سعته ط وکان الله واسعا حکیما ۝
خدا ایشان را هر یکی را از توانگری خود و هست خدا جواد و دانا

ولله ما فی السموت وما فی الأرض ط ولقد وصینا
و خدا راست آنچه در آسمانهاست و در زمین و هر آینه حکم فرمودیم

الذین أوتوا الکتب من قبلکم وإیاکم أن
آنان را که داده شد کتاب از پیش شما و شما را نیز

اتقوا الله ط وإن تکفروا فإن لله ما فی السموت
بترسید از خدا و اگر کافر شوید پس هر آینه خدا راست آنچه در آسمان

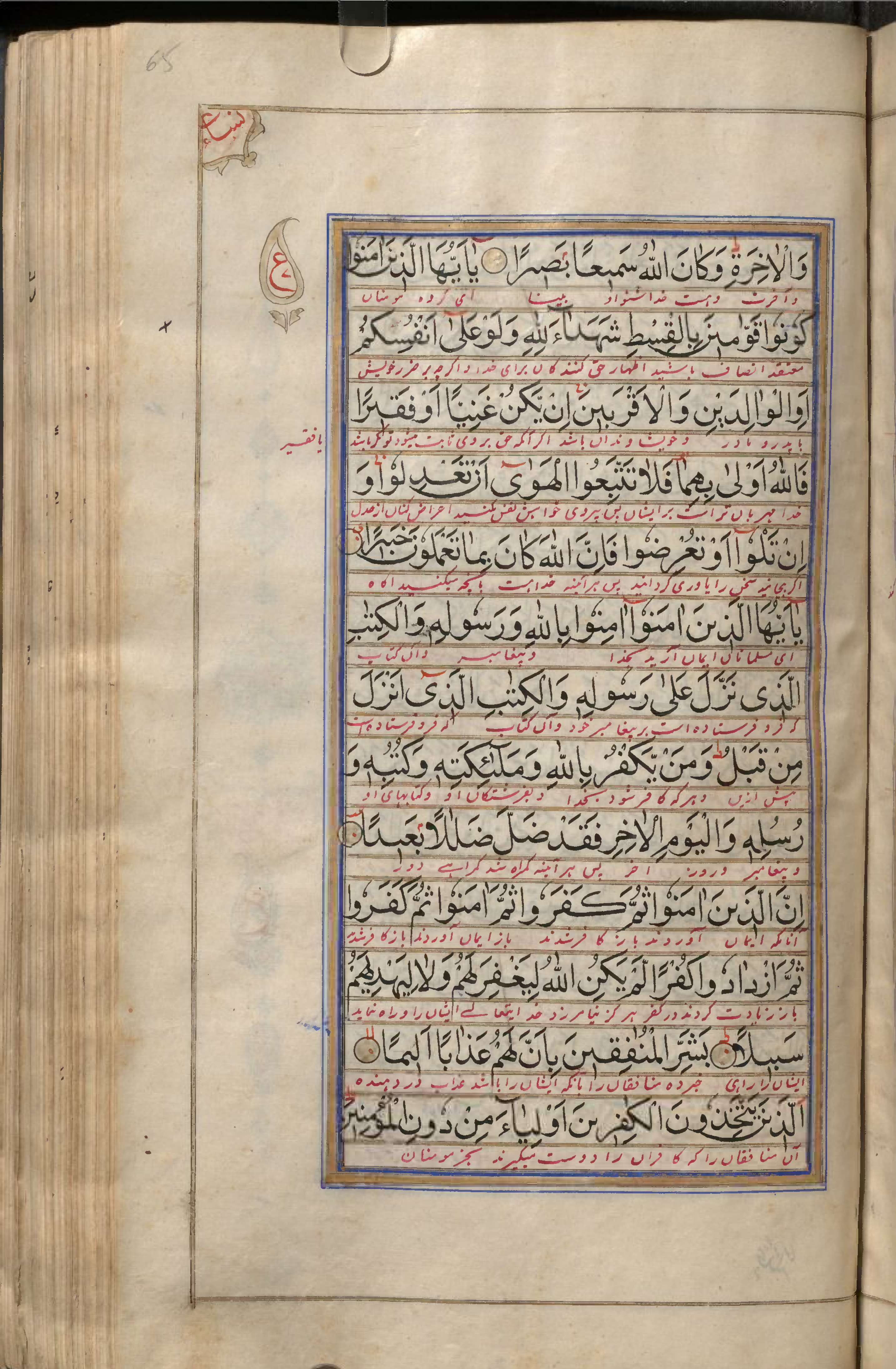
وما فی الأرض ط وکان الله غنیا حمیدا ۝ ولله ما فی
و آنچه در زمین و هست خدا توانگر ستوده شده و خدا راست آنچه

السموت وما فی الأرض ط وکفی بالله وکیلا ۝ إن
در آسمان و آنچه در زمین و بس است خدا کارساز اگر

یشأ یذهبکم أیها الناس ویأت بآخرین ط وکان الله
خواهد دور کند شما را ای مسلمانان و بوجود آرد دیگران را و هست خدا

علی ذلک قدیرا ۝ من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا
بر این کار توانا هر که باشد طالب جزای دنیا یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند پس نزد خدا است ثواب دنیا

والآخرة



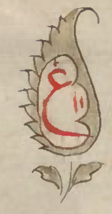
ع

والآخرة وكان الله سميعا بصيرا ۝ يا أيها الذين آمنوا
وآخرت وهست خدا شنوا و بینا ای گروه مومنان
كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو على أنفسكم
معتقد انصاف باشید اظهار حق کنندگان برای خدا و اگرچه بر ضرر خویش
أو الوالدين والأقربين إن يكن غنيا أو فقيرا
یا پدر و مادر و خویشوندان باشند اگر آنکه حق بر وی ثابت میشود توانگر یا فقیر
فالله أولى بهما فلا تتبعوا الهوى أن تعدلوا وإن
خدا مهربان تر است بر ایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان از عدل
تلووا أو تعرضوا فإن الله كان بما تعملون خبيرا ۝
اگر بجانید سخن را یا روی گردانید پس هر آینه خدا هست بانچه میکنید آگاه
يا أيها الذين آمنوا آمنوا بالله ورسوله والكتاب
ای مسلمانان ایمان آرید بخدا و پیغامبر وی و آن کتاب
الذي نزل على رسوله والكتاب الذي أنزل
که فرو فرستاده است بر پیغامبر خود و آن کتاب که فرو فرستاده است
من قبل ومن يكفر بالله وملائكته وكتبه و
پیش ازین و هرکه کافر شود بخدا و بفرشتگان او و کتابهای او
رسله واليوم الآخر فقد ضل ضلالا بعيدا ۝
و پیغامبران و روز آخر پس هر آینه گمراه شد گمراهی دور
إن الذين آمنوا ثم كفروا ثم آمنوا ثم كفروا
آنانکه ایمان آوردند باز کافر شدند باز ایمان آوردند باز کافر شدند
ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
باز زیادت کردند در کفر هرگز نیامرزد خدا ایشان را و راه ننماید ایشان را
سبيلا ۝ بشر المنافقين بأن لهم عذابا أليما ۝
راهی خبر ده منافقان را بآنکه ایشان را باشد عذاب درد دهنده
الذين يتخذون الكافرين أولياء من دون المؤمنين
آن منافقان را که کافران را دوست میگیرند بجز مومنان

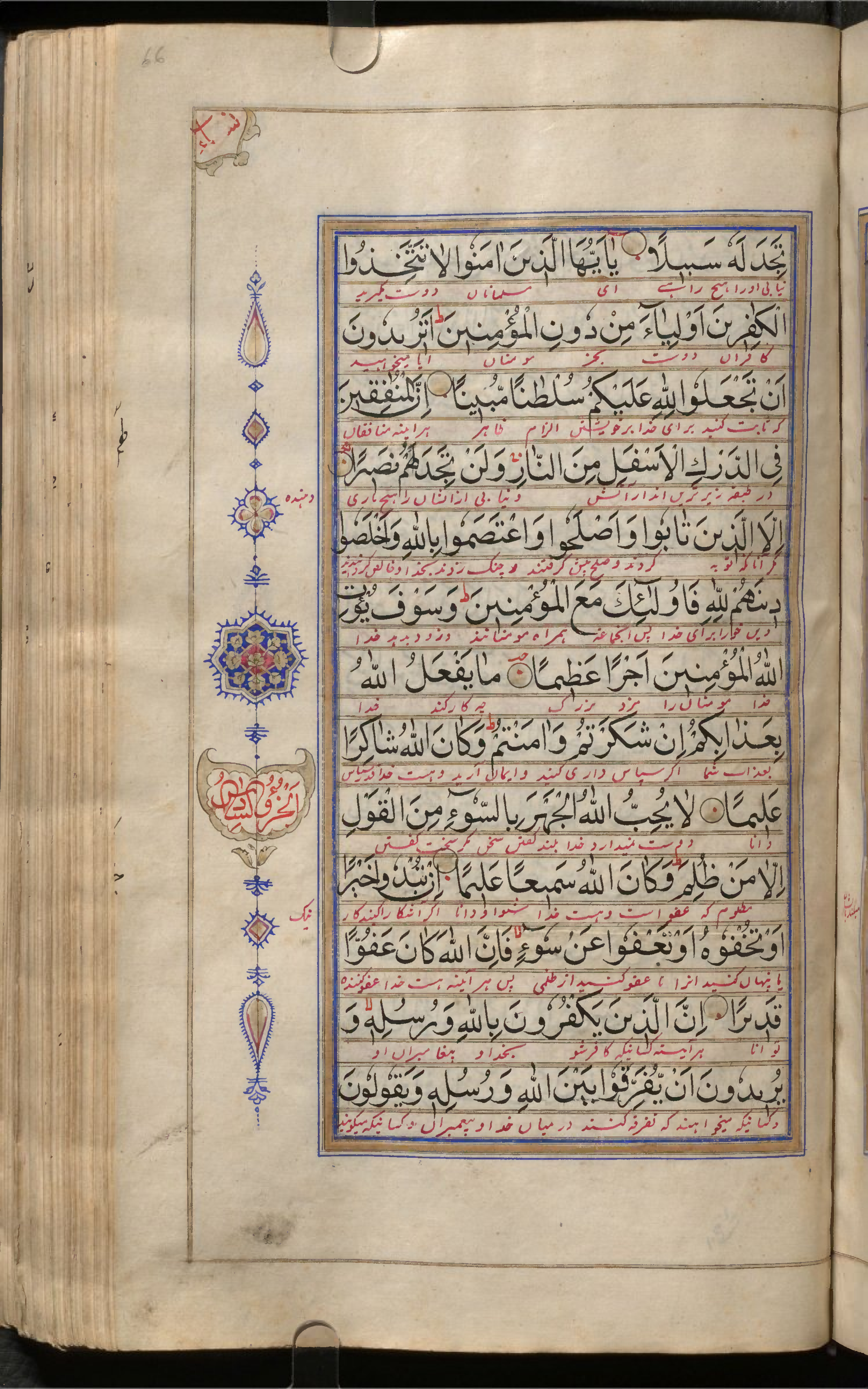
یا فقیر



أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۝ وَقَدْ
آیا نزد ایشان ارجمندی می‌طلبند پس ارجمندی خدا راست همه یکجا و هر آینه
نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ
فرو فرستاده است خدا بر شما در قرآن که چون بشنوید آیتهای خدا انکار نموده
بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا
می‌آید و تمسخر کرده شود بآنها پس منشینید با ایشان تا آنکه شروع کنند
فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ
در سخنی بجز آن هر آینه شما آنگاه بنشینید مانند هر آینه خدا بهم آرنده است
الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۝ الَّذِينَ
منافقان و کافران را در دوزخ همه یکجا آن منافقان
يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن
که انتظار شما میکشند پس اگر باشد شما را فتحی از جانب خدا گفتند آیا نبودیم
مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ
با شما و اگر باشد کافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیا غالب
عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
بر شما و آیا باز نداشتیم شما را از ضرر مسلمانان پس خدا حکم خواهد کرد میان شما
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
روز قیامت و هرگز نداده است خدا کافران را بر مسلمانان
سَبِيلًا ۝ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ
راهی هر آینه منافقان فریب میکنند با خدا و خدا نیز فریب
وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ
و چون منافقان بسوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند مینمایند مردمان
وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَٰلِكَ
و یاد نمیکنند خدا را مگر اندکی متردد اند از میان این آن نه
لَا إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن
نه بسوی اینانند و نه بسوی ایشان و هر که را گمراه کند خدا پس



يجد له



تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝ يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
نیابی او را هیچ راهی ای مسلمانان دوست مگیرید
الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ
کافران دوست بجز مومنان آیا میخواهید
أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ
که ثابت کنید برای خدا بر خویشتن الزام ظاهر هر آینه منافقان
فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ۝
در طبقه زیر ترین از آتش و نیابی از ایشان را هیچ یاری
إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا
مگر آنانکه توبه کردند و صلح پیش گرفتند و چنگ زدند بخدا و خالص کردند
دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ
دین خود را برای خدا پس آن جماعه همراه مومنانند و زود دهد خدا
اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ
خدا مومنان را مزد بزرگ چه کار کند خدا
بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا
بعذاب شما اگر سپاس داری کنید و ایمان آرید و هست خدا سپاس
عَلِيمًا ۝ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ
دانا دوست نمیدارد خدا بلند گفتن سخن بد سخت گفتن
إِلَّا مَنْ ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا
مظلوم که عفو است و هست خدا شنوا و دانا اگر آشکارا کنید کار
أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا
یا پنهان کنید آنرا یا عفو کنید از ظلمی پس هر آینه هست خدا عفو کننده
قَدِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ
توانا هر آینه آنانکه کافر شوند بخدا و بپیغمبران او
يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ
و آنانکه میخواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغمبران او و آنانکه میگویند

الجزو السادس

نؤمن ببعض ونكفر ببعض ويريدون ان

ایمان می آریم بعض پیغمبران و نا معتقد می شویم ببعض ر و میخواهند

يتخذوا بين ذلك سبيلا ۝ اولئك هم الكافرون

که راهی گیرند در میان این وان جماعة ایشانند کافران

حقا واعتدنا للكافرين عذابا مهينا ۝ والذين

بتحقیق و آماده ساختیم برای کافران عذاب رسوا کننده و کسانیکه

آمنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين احد منهم

ایمان آوردند بخدا و بپیمبرانش و تفرقه نکردند در میان هیچ یکی از ایشان

اولئك سوف يؤتيهم اجورهم وكان الله غفورا

آن جماعه خواهد داد خدا ایشان را مزد ایشان و هست خدا آمرزنده و مهربان

رحيما ۝ يسئلك اهل الكتاب ان تنزل عليهم

مهربان درخواست میکنند اهل کتاب که فرود آری بر ایشان

كتابا من السماء فقد سألوا موسى اكبر من

کتاب از آسمان پس یعنی دفعه پس سوال کرده بودند از موسی سخت تر

ذلك فقالوا ارنا الله جهرة فاخذتهم الصاعقة

از این گفتند خدا را بنما بما آشکارا را پس گرفت ایشان را صاعقه

بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم

بسبب گناه بار معبود گرفتند گوساله را بعد از آنکه آمد بایشان

البينات فعفونا عن ذلك وآتينا موسى

معجزه ها پس درگذشتیم از این جریمه و دادیم موسی را

سلطانا مبينا ۝ ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم

غلبه ظاهر و برداشتیم بالای ایشان طور برای گرفتن عهد ایشان

وقلنا لهم ادخلوا الباب سجدا وقلنا لهم لا

و گفتیم ایشان را درآیید بدروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را

تعدوا في السبت واخذنا منهم ميثاقا غليظا

در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم

ع ١٥

فبما

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ
پس بسبب شکستن ایشان عهد خود را و بسبب کفر بآیات خدا و

قَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَّقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ط
کشتن انبیا را بنا حق و گفتن ایشان که دل ما پرده است

بَلْ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝
بلکه مهر نهاده است خدا بر دل ایشان بسبب کفر ایشان پس ایمان نیارند مگر اندکی

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ۝ وَ
و بسبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم بهتانی بزرگ و

قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللّٰهِ
بسبب گفتن ایشان که ما کشتیم مسیح عیسی پسر مریم که پیغمبر خدا بود

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ط وَإِنَّ
و نکشته اند او را و بر دار نکرده اند او را و لیکن مشتبه شد بر ایشان

الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ط مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ
و بدرستیکه آنکه اختلاف کردند بعیسی در شک اند و نیست ایشان را یقینی

عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ
ان یقینی و پیروی کنند و بیقین نکشته اند او را بلکه خدا بتعالی او را

اللّٰهُ إِلَيْهِ ط وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ
خدا بسوی خود و هست خدا غالب و استوار و نباشد هیچکس از اهل

الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ
کتاب الا البته ایمان آورد بعیسی پیش از مردن عیسی و روز قیامت باشد

عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۝ فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
عیسی گواه بر ایشان پس بسبب ظلمی که بظهور آید از یهود حرام ساختیم بر ایشان

طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ كَثِيرًا وَ
چیزهای پاکیزه که حلال بوده اند و بسبب باز داشتن ایشان مردمان بسیار را از راه خدا

أَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ
و گرفتن ایشان سود را و حال آنکه منع کرده شد و خوردن ایشان اموال مردم



بِالْبٰاطِلِ وَاَعْتَدْنٰا لِلْكٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذٰابًا اَلِيمًا

بناحق وتهیا کردیم برای کافران ازایشان یعنی عذاب سخت

لٰكِنِ الرّٰسِخُونَ فِى الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ

لیکن ثابت قدمان در علم ازاهل کتاب ومومنان که ایمان می آرند

بِمٰا اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمٰا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ

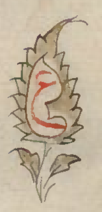
بانچه فرو فرستاده شد بسوی تو وانچه فرو فرستاده شده است پیش از تو ومداومت کنندگان

الصَّلٰوةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ

در نماز را وهمچنین دهندگان زکوة وایمان آرندگان بخدا

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اُولٰٓئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ اَجْرًا عَظِيمًا

و روز آخر این جماعه زود دهیم مزد بزرگ



اِنّٰا اَوْحَيْنٰا اِلَيْكَ كَمٰا اَوْحَيْنٰا اِلٰى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ

هرآینه ما وحی فرستادیم بسوی تو چنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح وپیغمبران

مِنْ بَعْدِهِ وَاَوْحَيْنٰا اِلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ

پس از وی چنانکه وحی فرستادیم بسوی ابراهیم واسمعیل

وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبٰاطِ وَعِيسٰى وَ

واسحاق ویعقوب ونبیرگان وعیسی

اَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهٰرُونَ وَسُلَيْمٰنَ وَاٰتَيْنٰا دٰاوُدَ

وایوب ویونس وهارون وسلیمان وچنانکه دادیم داود را

زَبُورًا ۝ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنٰاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ

زبور وپیغمبران که قصه ایشان گفته ایم بر تو پیش ازین

وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰى

وپیغمبرانی که قصه ایشان نگفته ایم بر تو وگفت خدا با موسی

تَكْلِيمًا ۝ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلّٰا يَكُونَ

سخن فرستادیم پیغمبران مژده دهندگان وبیم کنندگان تا نباشد

لِلنّٰاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكٰانَ اللّٰهُ

مردمان را بر خدا الزام بعد فرستادن پیغامبران هست خدا

عَزِيزًا

عزيزا حكيما ۝ لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه
غالب استوار لیکن خدا اظهار میفرماید در حق انچه فرو فرستاد
بسوی تو فرو فرستاد او را بعلم خود

والملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝
و فرشتگان نیز گواهی میدهند و بس خداست گواه

ان الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله
هر آینه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا

قد ضلوا ضللا بعيدا ۝ ان الذين كفروا
تحقیق گمراه شدند گمراهی دور هر آینه آنانکه کافر شدند

وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا ۝
و ستم کردند هرگز خدا نیامرزد ایشان و ننماید راه ایشان

الا طريق جهنم خلدين فيها ابدا وكان ذلك
مگر راه دوزخ جاویدان آنجا همیشه و هست این

على الله يسيرا ۝ يايها الناس قد جاءكم
آسان بر خدا ای مردمان هر آینه بشما

الرسول بالحق من ربكم فامنوا خيرا لكم وان
پیغامبر براستی جانب پروردگار شما ایمان آرنده کان بهتر است اگر

تكفروا فان لله ما في السموت والارض و
کافر شوید پس هر آینه خدا راست انچه در آسمانها در زمین است و

كان الله عليما حكيما ۝ ياهل الكتب لا تغلوا
هست خدا دانا و استوار ای اهل کتاب از حد مگذرید

في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما
در دین خود و مگویید بر خدا سخن راست بس هر آینه

المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته
مسیح عیسی پسر مریم پیغامبر خداست و فرمان اوست

القها الى مريم وروح منه فامنوا بالله ورسله
انداخته بسوی مریم و روح است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا
و پیغامبران را

وَلَا تَقُولُوا ثَلٰثَةٌ اِنْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ اِنَّمَا اللّٰهُ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ
و نگوئید خدا ایان سه اند بازه ایستید ازین قسم بهتر باشد شما را جز این نیست که خدا

سُبْحٰنَهٗ اَنْ يَّكُوْنَ لَهٗ وَلَدٌ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ
و پاک از انکه باشد اورا فرزندی مر اورا است انچه در آسمانهاست

مَا فِي الْاَرْضِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ۝ لَنْ
وانچه در زمین است و بس است خدا کارسازنده

يَّسْتَنْكِفَ الْمَسِيْحُ اَنْ يَّكُوْنَ عَبْدًا لِّلّٰهِ وَلَا
ننگ ندارد عیسی از انکه باشد بنده خدا و نه

الْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُوْنَ ۝ وَمَنْ يَّسْتَنْكِفْ عَنْ
فرشتگان مقرب دارند و هر که ننگ کند از

عِبَادَتِهٖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيْعًا ۝
بندگی او و سرکشی کند پس خواهد برانگیخت ایشان را نزد خود یکی

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ
پس اما کسانیکه ایمان اوردند و کارهای شایسته کردند پس تمام دهد ایشان

وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ وَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْتَنْكَفُوْا وَ
و زیاده دهد ایشان را از فضل خود و اما کسانیکه ننگ داشتند و

اسْتَكْبَرُوْا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ وَّلَا يَجِدُوْنَ
و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان عذاب دردمنده و نیابند

لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ۝ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ
برای خویش بجز خدا هیچ دوستی و نه هیچ یاری ای مردمان

قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَآ اِلَيْكُمْ نُوْرًا
بتحقیق آمد شما را دلیلی از پروردگار شما و نازل کردیم بسوی شما روشنی

مُّبِيْنًا ۝ فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوْا بِهٖ
آشکارا اما کسانیکه ایمان آوردند بخدا و چنگ زدند باو

فَسَيُدْخِلُهُمْ فِيْ رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَّيَهْدِيْهِمْ
پس زود در آرد ایشان را در رحمت و فضل از نزدیک خود و نماید راه

إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ
بسوی خود راه راست طلب فتوی میکنند از تو بگو خدا فتوی

فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ
میدهد درباب میراث کسی که والد و ولد ندارد اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست

أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ
و او را خواهری باشد پس خواهر را نصف است همه که باشد و او از خواهر میراث [illegible] برادر

يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ
اگر نباشد او را فرزندی پس اگر خواهران دو باشند پس ایشانراست دو سوم حصه که گذاشته است

مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ
و اگر ایشان جماعه باشند مردان زنان پس مرد را است

مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ
مانند حصه دو زن بیان میکند خدا برای شما تا

تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝
گمراه نشوند و همه چیز داناست

سورة المائدة مكية وهي مائة وعشرون آية

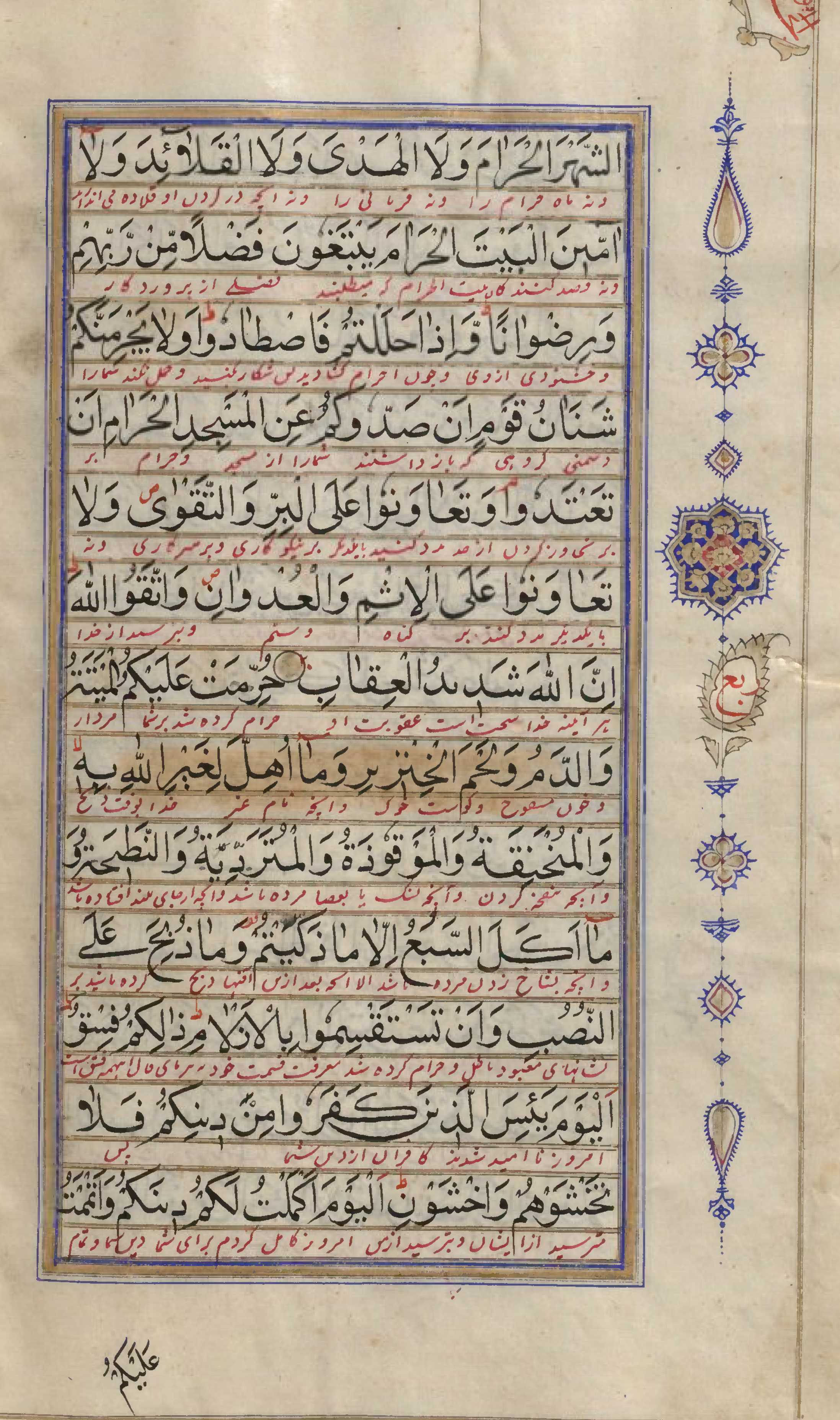
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده و مهربان

ع ٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۝ أُحِلَّتْ لَكُمْ
ای مسلمانان وفا کنید بعهدها عهدی که خدا بسته است الزام احکام

بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي
و حلال کرده است برای شما چهارپایان از قسم انعام مگر آنچه خوانده خواهد شد نه حلال

الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ۝
دارنده شکار در حالتیکه محرم باشید هر آینه خدا حکم کند آنچه میخواهد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا
ای مسلمانان حرمت مکنید نشانهای خدا را و نه



الشهر الحرام ولا الهدى ولا القلائد ولا

ونه ماه حرام را ونه قربانی را ونه آنچه در گردن او قلاده فی انداز

آمين البيت الحرام يبتغون فضلا من ربهم

ونه قصد کنندگان بیت الحرام که میطلبند فضلی از پروردگار

ورضوانا وإذا حللتم فاصطادوا ولا يجرمنكم

وخشنودی از وی وچون احرام گشادید پس شکار کنید وحمل نکند شما را

شنآن قوم أن صدوكم عن المسجد الحرام أن

دشمنی گروهی که باز داشتند شما را از مسجد وحرام بر

تعتدوا وتعاونوا على البر والتقوى ولا

برتی ورزیدن از حد مدد کنید بایکدگر بر نیکوکاری وپرهیزگاری ونه

تعاونوا على الإثم والعدوان واتقوا الله

بایکدیگر مدد کنید بر گناه وستم وبترسید از خدا

إن الله شديد العقاب حرمت عليكم الميتة

هرآینه خدا سخت است عقوبت او حرام کرده شد بر شما مردار

والدم ولحم الخنزير وما أهل لغير الله به

وخون مسفوح وگوشت خوک وآنچه نام غیر خدا بوقت ذبح

والمنخنقة والموقوذة والمتردية والنطيحة و

وآنچه منخنق گردن وآنچه سنگ یا بعصا مرده باشد وآنچه از جای بلند افتاده باشد

ما أكل السبع إلا ما ذكيتم وما ذبح على

وآنچه بشاخ زدن مرده باشد الا که بعد از آن اقتها ذبح کرده باشید بر

النصب وأن تستقسموا بالأزلام ذلكم فسق

ت نهای معبود باطل وحرام کرده شد معرفت قسمت خود بتیرهای فال اینهمه فسق است

اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا

امروز ناامید شدند کافران از دین شما پس

تخشوهم واخشون اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت

مترسید از ایشان وبترسید از من امروز کامل کردم برای شما دین شما وتمام

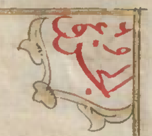
ربع

عليكم

70

عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ
بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما پس
اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ
هر که لاچار شود در گرسنگی غیر مایل گناه پس هر آیینه خدا
غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ
آمرزنده و مهربانست سوال میکنند چه چیز حلال کرده برای ایشان بگو حلال
لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ
کرده شد برای شما پاکیزها و آنچه آموخته باشید از جانوران شکاری در حالیکه شکار
تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ
تعلیم کننده کانید می آموزید این هارا که بعض الله تعالی شما را آموخته است
پس بخورید از آنچه نگاه داشته
عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
برای شما و یاد کنید نام خدا بران و بترسید از خدا هر آیینه خدا
سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ
زود حساب کننده است امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزها و طعام
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ
اهل کتاب حلال است برای شما طعام شما
حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ
حلال است برای ایشان و حلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمانان و
محصنات
مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ
از زنان کسانیکه کتاب داده شدند پیش از شما چون بدهید ایشان
أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي
مهر ایشان عفت گیرندگان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان
أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ
و هر که نا معتقد اسلام باشد پس نابود شد عمل او و
هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
او در آخرت از زیانکارانست ای

ع



امنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهكم
مسلمانان برخیزید بسوی نماز پس بشوئید روی خودرا
وایدیكم الی المرافق وامسحوا برءوسكم وارجلكم
ودستهای خودرا تا آرنج ومسح کنید سرخودرا وبشوئید پایهای
الی الکعبین وان کنتم جنبا فاطهروا وان
تا شتالنگ واگر باشید با جنابت پس غسل کنید واگر
کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط
باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما از خلا جای
او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا
یا ساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک
طیبا فامسحوا بوجوهکم وایدیکم منه ما یرید
پاک را پس مسح کنید ازان خاک بر روی خود ودست خود نمیخواهد
الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم
خدا که مشردع برشما مشقتی ولیکن میخواهد که پاک سازد
ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون واذکروا
شمارا وتمام کند نعمت خودرا برشما تا شکرگذاری کنید ویاد کنید
نعمة الله علیکم ومیثاقه الذی واثقکم به اذ قلتم
نعمت خدارا برخویش وپیمان خدارا که عهدبسته است با شما ان
سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله علیم بذات
شنیدیم وفرمانبرداری کنیم وبترسید از خدا هر اینه خدا داناست باکه
الصدور یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین
درسینهای شماست ای گروه مومنان متعهد حق الله باشید
لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنان قوم علی
گواهی دهنده گان باشید براستی وحمل نکنند شمارا دشمنی قومی را
الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله
برجرک عدل کنید عدلی نزدیک تراست برهیزکاری وبترسید ازخدا

پیمان که گفته اند

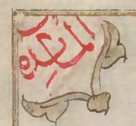
ان

إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
بر اینه خدا آگاه است بانچه میکنید وعده کرده است خدای کسانیکه ایمان آوردند
عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ
وکارهای شایسته کرد اورا است آمرزش مزد بزرگ وکسانیکه
كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝ يَا أَيُّهَا
کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات مارا ایشانند اهل دوزخ ای
الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ
گروه مسلمانان یاد کنید نعمت خدارا بر خویشتن آنگاه که قصد کردند
يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا
که دراز کنند دست خود را بسوی شما پس باز داشت دستهای ایشان را از شما و بترسید از خدا
اللّٰهَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَلَقَدْ أَخَذَ
از خدا و بر خدا باید که توکل کنند مومنان و بر آینه گرفت
اللّٰهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ
الله تعالی پیمان بنی اسرائیل و بعث ساختیم از ایشان دوازده
نَقِيبًا ۝ وَقَالَ اللّٰهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ
سردار و گفت خدا هر آینه من با شما ام [illegible] اگر بر پا داشتید نماز
وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ
و دادید زکوة را و معتقد شدید بپیغامبران و تقویت کردید ایشان را
اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ
و قرض دادید خدا قرض نیک نابود سازم از شما گناهان شما را و البته درآرم شمارا
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ
ببوستانها میرود زیر آن جویها پس هر که کافر شود از شما بعد
مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ فَبِمَا نَقْضِهِمْ
از آن پس گم کرد راه راست را پس بسبب شکستن
مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ
پیمان خویش را لعنت کردیم ایشان را و گردانیدیم دل ایشان را سخت [illegible] میکنند



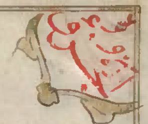
الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهٖ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهٖ وَ
کلمات را از مواضع انها و فراموش کردند حصه ازانکه پند داده
لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلٰى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ اِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ
شدند و همیشه بستی که اگاه میشوی بر خیانتی ازایشان مگر اندکی ازایشان
فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
پس درگذر کن ازایشان واعراض کن هر آینه خدا دوست میدارد نکوکارانرا
وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا اِنَّا نَصٰرٰى اَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ
و از کسانیکه گفتند ما نصاراایم گرفتیم پیمان ایشان را پس فراموش
فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهٖ فَاَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
پس فراموش کردند حصه ازانچه پند داده شود پس پیوسته ساختیم درمیان فرقهای نصارا
وَالْبَغْضَاۤءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ
و کینه تا روز قیامت و خبر خواهد داد ایشان را
اللّٰهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ يَا اَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ
خدا بانچه میکردند ای اهل کتاب هر اینه
جَاۤءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ
آمد بشما پیغامبر ما بیان میکند برای شما بسیار ازانچه
تُخْفُونَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاۤءَكُمْ مِّنَ
پنهان داشتید از کتاب و درگذر کند از تقصیرات هر اینه بشما آمد از
اللّٰهِ نُورٌ وَّكِتٰبٌ مُّبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ
خدا نوری و کتابی روشن بسبب آن دلالت می نماید خدا کسی را
رِضْوَانَهٗ سُبُلَ السَّلٰمِ وَيُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى
طلب رضا کرد بسوی راه های نجات و بیرون می آرد ایشانرا از تاریکی
النُّورِ بِاِذْنِهٖ وَيَهْدِيهِمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ
بسوی نور خود دلالت کند ایشانرا بسوی راه راست
لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ
هر اینه کافر شدند کسانیکه گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم بگو

فمن



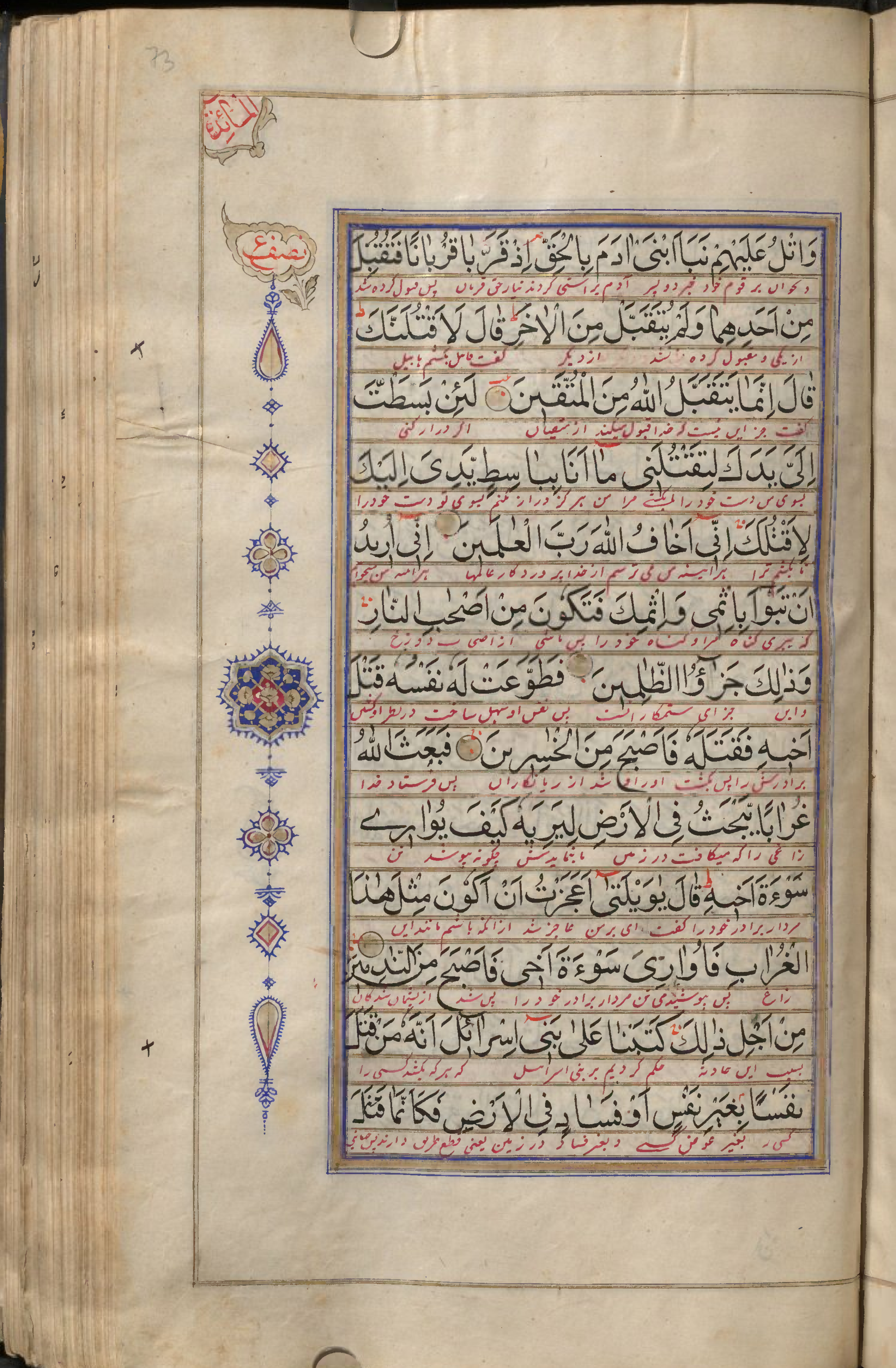
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اِنْ اَرَادَ اَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ
که میتواند از خدا چیزی اگر خواهد که هلاک کند عیسی
ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهُ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَلِلّٰهِ مُلْكُ
پسر مریم را و مادرش را و آنانکه در زمین است همه یکی و خدا راست پادشاهی
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ
آسمانها و زمین و آنچه در میان این هر دو است می آفریند هر چه میخواهد و خدا
اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصٰرٰى
و خدا بر همه چیز داناست و گفتند یهود و نصاری
نَحْنُ اَبْنٰٓؤُا اللّٰهِ وَاَحِبَّٰٓؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ
ما پسران خدائیم و دوستان اوئیم بگو پس چرا عذاب کند شما را بر گناهان
بَلْ اَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
بلکه شما آدمیانید از جنس آنکه پیدا کرده است می آمرزد هر که را خواهد و عذاب کند
يَشَاءُ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
هر که را خواهد و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دو
وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَٓاءَكُمْ رَسُولُنَا
و بسوی اوست رجوع ای اهل کتاب هر آینه آمده است شما را پیغامبر
يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلٰى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ اَنْ تَقُولُوا مَا
بیان میکند شما را در حالت انقطاع آمدن پیغامبر تا نگوئید که نیامد نزدیک ما
جَٓاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَٓاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ
هیچ مژده دهنده و بیم کننده آری هر آینه آمده است شما را مژده دهنده
نَذِيرٌ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى
و بیم کننده و خدا بر همه چیز تواناست و یاد کن چون گفت موسی
لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلَ فِيكُمْ
قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را بر خویش چون پیدا کرد در میان
اَنْبِيَٓاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَاٰتٰيكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ اَحَدًا
شما پیغامبران را و پادشاه ساخت شما را و داد شما آنچه نداد هیچ کس از عالمیان





مِنَ الْعٰلَمِينَ ۝ يٰقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
از عالمیان ای قوم من در آیید بزمین پاک
الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلٰى أَدْبَارِكُمْ
که مقرر ساخته است خدا برای شما و روگردان مشوید بر سمت پشت خود انگاه
فَتَنْقَلِبُوا خٰسِرِينَ ۝ قَالُوا يٰمُوسٰى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا
انگاه زیان کار گردید گفتند ای موسی بدرستیکه انجا گروهی هستند
جَبَّارِينَ ۝ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتّٰى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ
زورآور و هرگز ما داخل نشویم انجا تا ایشان بیرون آیند از انجا
يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دٰخِلُونَ ۝ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ
پس اگر ایشان بیرون شوند هرآینه ما دراییم گفتند دو مرد از اهل تقوی
يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا
که انعام کرده بود خدا برایشان درآیید ای قوم بر این جماعه از دروازه چون
دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غٰلِبُونَ ۝ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ
درامدید بدروازه پس هرآینه غالب شد و بر خدا توکل کنید
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا يٰمُوسٰى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا
اگر مسلمان باشید گفتند ای موسی ما هرگز نه دراییم درین زمین
مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقٰتِلَا إِنَّا
همیشه مادام که ایشان درانجا اند پس تو و پروردگار تو بروید و جنگ کنید هرآینه
هٰهُنَا قٰعِدُونَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي
ما اینجا نشسته ایم گفت ای پروردگار من قادر نیستم الا بر خود یعنی
وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِينَ ۝
هارون پس فیصل کن میان ما و میان گروه فاسقان
قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ
گفت خدا پس از این حرام کرده شد خواست برایشان چهل سال سرگردان
فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِينَ ۝
میشوند در زمین پس اندوهناک مباش بر گروه فاسقان

واتل



73

المائدة

نصف

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ

و بخوان بر قوم خود خبر دو پسر آدم به راستی کردند نیاز حق قربان پس قبول کرده شد

مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ

از یکی و مقبول کرده نشد از دیگر گفت قابیل بکشم هابیل

قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ لَئِنْ بَسَطْتَ

گفت جز این نیست که خدا قبول میکند از متقیان اگر دراز کنی

إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ

بسوی من دست خود را [illegible] مرا من هرگز دراز کنم بسوی تو دست خود را

لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ إِنِّي أُرِيدُ

تا بکشم ترا هر آینه من می ترسم از خدا پروردگار عالمها هر آینه من میخواهم

أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

که ببری گناه مرا و گناه خود را پس باشی از اصحاب دوزخ

وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ

و این جزای ستمکاران است پس نفس او سهل ساخت در نظر او کشتن

أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَبَعَثَ اللَّهُ

برادرش را پس بکشت او را و شد از زیانکاران پس فرستاد خدا

غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي

زاغی را که میکاوید در زمین تا بنمایدش چگونه بپوشد تن

سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا

مردار برادر خود را گفت ای بر من عاجز شدم از آنکه باشم مانند این

الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ۝

زاغ پس بپوشیدمی من مردار برادر خود را پس شد از پشیمان شدگان

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ

بسبب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد کسی را

نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ

کسی را بغیر عوض کسی و بغیر فساد در زمین یعنی قطع طریق [illegible]



الناس جميعا ومن احياها فكانما احيا الناس

گویی کشته است مردمان را همه یکجا و هر که ببخشد زندگانی یک تن را چنانستی زنده ساخت

جميعا ولقد جاءتهم رسلنا بالبينت ثم ان كثيرا

همه یکجا و هر آینه آمدند بنی اسرائیل پیغامبران ما به نشانهای روشن باز

منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون انما جزؤا

از ایشان بعد ازین در زمین گناه ورکنند جزای بست

الذين يحاربون الله ورسوله ويسعون في الارض

جنگ میکنند با خدا و رسول او و میشتابند در زمین

فسادا ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و

بقصد فساد یعنی کشته شوند یا بردار کرده شوند یا بریده شود دستها

ارجلهم من خلف او ينفوا من الارض ذلك لهم

و پایهای ایشان از مخالف یا دور کرده شوند از وطن این

خزي في الدنيا ولهم في الاخرة عذاب عظيم الا

رسوایست ایشانرا در دنیا و در آخرت عذاب عظیم مگر

الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم فاعلموا ان

کسانیکه توبه کردند پیش از آنکه دست برایشان پس بدانید

الله غفور رحيم يايها الذين امنوا اتقوا الله و

خدا بخشنده و مهربانست ای مسلمانان بترسید از خدا و



ابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله لعلكم

بطلبید قرب بسوی او و جهاد کنید برای خدا تا رستگار

تفلحون ان الذين كفروا لو ان لهم ما في

شوید براینه کافران اگر باشد بدست ایشان آنچه

الارض جميعا ومثله معه ليفتدوا به من عذاب

در زمین است یکجا و مانند او همیا برای آنکه عوض خود دهند از عذاب

يوم القيمة ما تقبل منهم ولهم عذاب اليم يريدون

روز قیامت هرگز قبول کرده نشود از ایشان و ایشان راست عذاب سخت دردناک

ان



أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ

که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از دوزخ ایشان است عذاب

مُّقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً

دایم و مرد دزد و زن دزد ببرید دست ایشان را جزای

بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَن تَابَ

آنچه بعمل آوردند عبرتی از طرف خدا و خدا غالب داناست پس هر کو توبه کرد

مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ

از بعد ستم کار شایسته بعمل آرد پس خدا بازمیگردد بروی هر آینه خدا

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

بخشنده مهربانست و یا ندانسته که خدا او راست پادشاهی آسمان

وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ

و زمین عذاب میکند هر که خواهد و بخشد هر که خواهد

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ

و خدا بر هر چیز تواناست ای پیغامبر اندوهگین نکند ترا

الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا

که اینکه سعی میکنند در کفر از آنانکه گفتند ایمان آوردیم

بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا

بدهان خویش و ایمان نیاورده است از دل ایشان و از قوم یهود

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ

بر ایشان شنوند سخن دروغ شنوندگانند برای گروهی دیگران هنوز

يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ

پیش تو نیامده اند تغیر میکنند کلمات را بعد از موضع خویش گفتند

إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا

اگر داده شوید این حکم محرف قبول کنید و اگر از داده نشوید پس احتراز

وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

و هر که خدا ضلالت او را اراده کرده است نتوانی برای او از خدا چیزی



أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي

آنانند که نخواسته است خدا که پاک کند دل ایشان ایشان راست

الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ سَمَّاعُونَ

در دنیا رسوای و ایشان را در آخرة عذاب بزرگ شنوندگانند

لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ

بدروغ را خورندگانند حرام را پس اگر بیایند پیش تو حکم کن میان ایشان

أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ

یا اعراض کن از ایشان را واگر اعراض کنی از ایشان هیچ زیان نرسانند

شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ

بتو واگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان بانصاف هرآینه خدا

يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ

دوست میدارد عدل کنندگان و چگونه حکم میکنند ترا و نزد ایشان

التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ

توریت است که دران حکم خداست باز اعراض میکنند بعد ازین و

وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ

نیستند ایشان معتقدان هرآینه فرود آوردیم توریت



فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا

در وی هدایت و روشنیست حکم میکنند بان پیغمبران که منقاد حکم الهی اند

لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا

برای یهود و حکم میکنند خداپرستان و احبار ایشان همه حکم میکردند

مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ

کتاب خدا و بران گواه بودند پس مترسید از مردمان

وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ

و بترسید از من و خرید مکنید بآیتهای من بهای اندک و هر که

لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ۝

حکم نکند آنچه فرو فرستاده است پس ایشانند کا فر

وكتبنا

75



وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ
ولازم ساختیم بر یهودان در تورت که شخص بعوض شخص است یعنی بعوض او باید کشت و چشم

بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ
عوض چشم است و بینی عوض بینی و گوش عوض گوش است و

السِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ
دندان عوض دندان رست و حکم زخمها اعتبار مماثله است پس هر که عفو کند آن زخم

بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
پس این عفو کفارتست ویرا و هر که حکم نکنند بآنچه خدا فرستاده است

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ
پس ایشانند ستمکاران وازپس فرستادیم بر پی این پیغمبران

بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ
عیسی پسر مریم را باور دارنده آنچه پیش او بود که

التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا
تورت است و دادیمش انجیل ورای هدایت و روشنی و باوردارنده

لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً
آنچه پیش وی بود که تورات باشد و هدایت و پند

لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ
متقیان را فرمودیم باید که حکم کنند بآنچه انجیل فرو فرستاده است

اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
خدا در وی هر که حکم نکنند بآنچه فرو فرستاده است خدا پس ایشانند

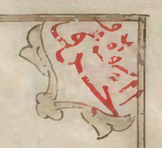
الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا
بدکاران و فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی باوردارنده

لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ
آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بر وی است پس حکم کن

بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ
درمیان ایشان بآنچه فرو آورده است خدا و پیروی مکن هواهای ایشان

مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ
اعراض کنان از آنچه آمد بتو از علم الهی برای هر کدام از شما مقرر ساختیم راه
شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي
واگر خواستی خدا گردانیدی شما را یک امت ولیکن خواست که بیازماید شما را
مَا اٰتٰيكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ
در آنچه بشما داده است پس شتابی کنید بسوی نیکو کاری بسوی خدا رجوع
جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
همه یکجاست پس خبر دهد شما را بآنچه در آن اختلاف میکردید
وَاَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ ثلثة
و فرمودیم که حکم کن میان ایشان بآنچه فرود آورده است خدا و پیروی مکن
وَاحْذَرْهُمْ اَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ
و بترس از ایشان از آنکه گمراه کنند ترا از بعض آنچه فرو فرستاده است
اِلَيْكَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ اَنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُصِيبَهُمْ
بسوی تو پس اگر اعراض کنند پس بدانکه میخواهد خدا که عذاب کند
بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَاِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ
بسبب بعض گناهان ایشان و هر آینه بسیاری از مردمان بدکارند
اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ ع
آیا حکم جاهلیت میخواهند و کیست خوبتر از خدا
حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا
حکم برای قومی که یقین دارند ای مومنان دوست مگیرید
تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارٰى اَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
مگیرید یهود و نصاری بعض ایشان دوست بعض
اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ اِنَّ
دوست بعض اند و هرکه از شما دوست دارد ایشان پس هر آینه او از ایشان
اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ فَتَرَى الَّذِينَ
هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران پس می بینی کسانی را

فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی
که در دل ایشان بیماریست یعنی نفاق است سعی می کنند در دوستی یهود و نصاری
ان تصیبنا دائرة فعسی الله ان یاتی بالفتح او
از انکه برسد ما یان را مصیبتی پس نزدیک است که خدا بیارد فتح را یا
امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم
چیزی دیگر را از نزدیک خود پس پشیمان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش
ندمین ۝ ویقول الذین امنوا اهؤلاء الذین
و بگویند مومنان یعنی روز قیامت آیا اینهاند
اقسموا بالله جهد ایمانهم انهم لمعکم حبطت
آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندهای خویش البته ایشان که همراه شمااند
اعمالهم فاصبحوا خسرین ۝ یایها الذین امنوا من
امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند بیزار ای مومنان هرکه از شما برگردد
یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم
از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را
یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی
که دوست میدارد ایشان را و ایشان دوست میدارند او را متواضع برای مومنان سرکش طبع
الکفرین ۝ یجاهدون فی سبیل الله ولا
بر کافران جهاد میکنند در راه خدا و نمی
یخافون لومة لائم ذلک فضل الله یؤتیه من
ترسند از ملامت ملامت کننده این بخشایش خداست میدهد آن هرکه
یشاء والله واسع علیم ۝ انما ولیکم الله
میخواهد و خدا جواد داناست جز این نیست که دوست خدا
ورسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوة
و رسول او و مومنانی که برپا دارند نماز
ویؤتون الزکوة وهم رکعون ۝ ومن یتول
و میدهند زکوة را و ایشان بوسته نماز گذارند و هرکه دوستی کند





اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ
با خدا و رسول او و با مومنان پس هر آینه گروه همون است از خدا
الْغٰلِبُونَ ۞ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ
غالب ای مسلمانان دوست مگیرید کسانی را
اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ
که مسخره و بازی گرفته اند دین شمارا از کسانیکه داده شد ایشان را کتاب
مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنْ كُنْتُمْ
پیش از شما و نه سایر کافران را و بترسید از خدا اگر
مُؤْمِنِينَ ۞ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوهَا
مسلمان هستید و چون ندا کنید بسوی نماز مسخره و
هُزُوًا وَلَعِبًا ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ۞
بازی گیرند از آن این بسبب آنست که ایشان گروهی هستند که هیچ نمیفهمند
قُلْ يٰأَهْلَ الْكِتٰبِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا
بگو ای اهل کتاب عیب می کنید بر ما مگر آنکه ایمان آوردیم
بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ
بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد از پیش و دیگر
أَكْثَرَكُمْ فٰسِقُونَ ۞ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ
آنکه بیشتر از شما بدکارانند بگو آیا خبر دهم شمارا به بدتر از
ذٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللّٰهِ مَنْ لَعَنَهُ اللّٰهُ وَغَضِبَ
باعتبار جزا نزدیک خدا آن بدتر کسیست که لعنت کرد او را خدا
عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ
بر وی و گردانید از ایشان بوزنگان و خوکان و کسیکه پرستید معبود
الطّٰغُوتَ أُولٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ
باطل را این گروه بدترانند باعتبار جای و گمراه ترند از
السَّبِيلِ ۞ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا
راه راست و چون بیایند پیش شما گویند ایمان آوردیم حال آنکه

کتاب

دخشم

بالكفر وهم قد خرجوا به والله اعلم بما كانوا يكتمون

با کفر در آمدند و با کفر بیرون رفتند و خدا داناتر است بانچه بپوشیدند

وترى كثيرا منهم يسارعون في الاثم والعدوان واكلهم

و می بینی که بسیاری از ایشان سعی میکنند در گناه و تعدی و حرام خوردن

السحت لبئس ما كانوا يعملون لولا ينههم الربنيون و

هر آینه بد چیزیست که بعمل آوردند چرا منع کردند ایشان خداپرستان

الاحبار عن قولهم الاثم واكلهم السحت لبئس ما كانوا

دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان هر آینه بد چیزیست

يصنعون وقالت اليهود يد الله مغلولة غلت ايديهم

که میکنند و گفتند یهود دست خدا بگردن بسته است دستهای

ولعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتن ينفق كيف يشاء و

ایشان و لعنت کرده شد ایشان را بسبب آنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است و خرج

ليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك طغيانا و

و البته بیفزاید در حق بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو

كفرا والقينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم القيمة كلما

و کفر را و افکندیم در میان فرقهای یهود دشمنی و ناخوشی تا روز قیامت هرگاه

اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ويسعون في

افروزند آتش را برای جنگ فرو می نشاندش خدا و می شتابند در

الارض فسادا والله لا يحب المفسدين ولو

زمین برای فساد و خدا دوست نمیدارد مفسدان را و اگر

ان اهل الكتب امنوا واتقوا لكفرنا عنهم

اهل کتاب ایمان آوردند و پرهیزکاری میکردند نابود ساختیمی

سياتهم ولادخلنهم جنت النعيم ولو انهم

گناهان ایشان و در آوردمی ایشان را بوستانهای نعمت و اگر ایشان

اقاموا التورىة والانجيل وما انزل اليهم من ربهم

برپا داشتند حکم توریت و انجیل و فرود آورده است بسوی ایشان از خدا

میکنند چنانچه میخواهد

نافرمانی





لَاَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ اُمَّةٌ
اینان از بالای خود و از زیر پای خود از اینان گروهی هست
مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ۝ يَاَيُّهَا
میانه رو و بسیاری از ایشان بد چیزست که میکنند ای
الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ نکردی
پیغامبر برسان آنکه فرود آورده شد بسوی تو از جانب پروردگار و اگر
فَمَا بَلَّغْتَ رِسٰلَتَهُ وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
نرساننده باشی پیغام خدا و خدا نگاه دارد ترا از مردمان
اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكٰفِرِينَ ۝ قُلْ يَاَهْلَ
هر آینه خدا راه ننماید گروه کافران را بگو ای اهل
الْكِتٰبِ لَسْتُمْ عَلٰى شَیْءٍ حَتّٰى تُقِيمُوا التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ
کتاب نیستید بر چیزی تا آنکه بر پا کنید حکم توراة انجیل
وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ ازیشان
و آنچه فرستاده شد بسوی شما از پروردگار و البته بیفزاید در ملی بسیاری
مَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ پس اندوهگین مشو
آنکه فرود فرستاده شده است از جانب پروردگار یعنی قران طغیان کفررا
عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَالَّذِينَ
بر قوم کافران هر آینه مسلمانان و
هَادُوا وَالصّٰبِئُونَ وَالنَّصٰرٰى مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ
یهودان و همچنین است حال ستاره پرستگان و نصارا هرکه ایمان آورد بخدا
وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
در روز جزا و کرد کار شایسته هیچ ترس نیست بر ایشان
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ لَقَدْ اَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِیٓ اِسْرَآئِيلَ
و ایشان اندوهگین نشوند هر آینه گرفتیم عهد بنی اسرائیل
وَاَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا آنچه
و فرستادیم بسوی ایشان پیغمبران را هرگاه که آمدی بایشان پیغامبری

تهوی



تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ۝ وَ
آنچه دوست نمیداشت نفس ایشان گروهی بدروغ داشتند گروهی را میکشتند و

حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ
پنداشتند هیچ عقوبت نخواهد بود پس کور شدند و کر شدند پس بازگشت خدا

عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
بر ایشان را پس بار کور و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست بآنچه

يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ
میکنند هرآینه کافر شدند کسانیکه گفتند الله همان است عیسی

ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ
پسر مریم و گفته بود عیسی ای بنی اسرائیل بپرستید خدا را

رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ
پروردگار من پروردگار شما هرآینه کسی که شرک آورد بخدا مقرر میکند حرام کرده است خدا

عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
بر وی بهشت و جای او در دوزخ است و نیست ستمکاران را هیچ

أَنصَارٍ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ
یاری دهنده. هرآینه کافر شدند کسانیکه گفتند خدا سوم سه کس است

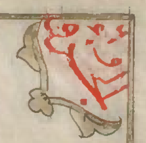
وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا
در هیچ اله نیست مگر اله یگانه و اگر باز نمانند از آنچه باز گویند

يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
میگویند خواهد رسید کافران از ایشان عذاب سخت

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ
آیا رجوع میکنند بسوی خدا و آمرزش می طلبند از و و خدا آمرزنده

رَّحِيمٌ ۝ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن
مهربانست نیست عیسی پسر مریم مگر پیغامبری گذشته اند

قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ
پیش از پیغمبران و مادر او ولیه بود هر دو میخوردند طعام را

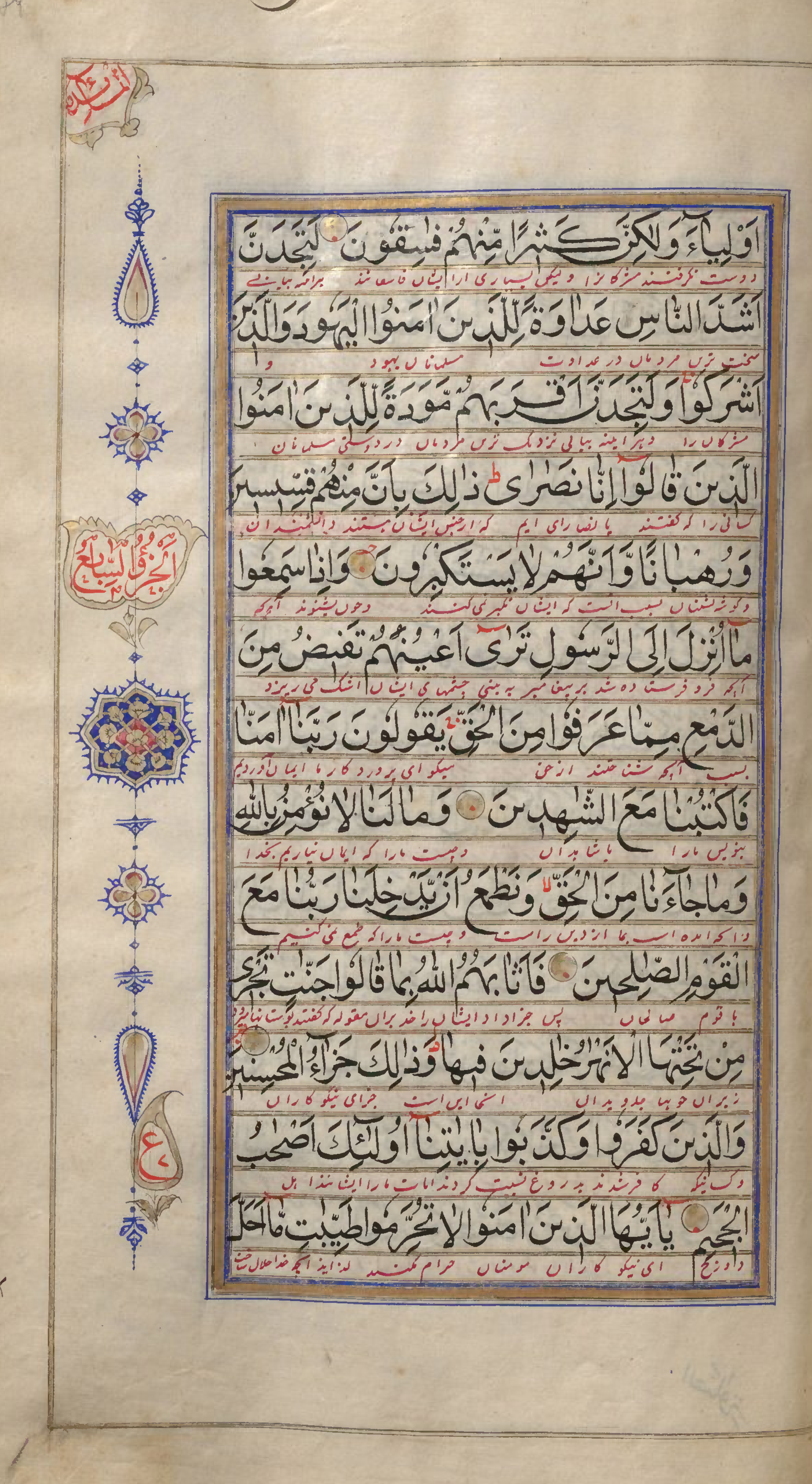


انظر كيف نبين لهم الايت ثم انظر انى يؤفكون
وببين چگونه بيان كنيم براى ايشان نشانها باز ببين چگونه گردانيده شوند
قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرا
بگو آيا عبادت ميكنيد بجز خدا چيزى را كه نميتواند براى شما زيانى
ولا نفعا والله هو السميع العليم قل يا اهل
ونه سودى وخدا همان است شنوا و دانا بگو اى اهل
الكتب لا تغلوا فى دينكم غير الحق ولا تتبعوا
كتاب از خدا مگذريد در دين خود بناحق وپيروى مكنيد
اهواء قوم قد ضلوا من قبل واضلوا كثيرا
خواهش نفس قومى را كه گمراه شدند پيش ازين وگمراه كشتند بسيارى را
وضلوا عن سواء السبيل لعن الذين كفروا
وگروى كردند از راه راست لعنت كرده شد كافران
من بنى اسرائيل على لسان داود وعيسى ابن مريم
از بنى اسرائيل بر زبان داود وعيسى پسر مريم
ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون كانوا لا
اين بسبب آن است كه نافرمانى كردند واز حد ميگذشتند يكديگر را
يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا
منع ميكردند از ان عمل زشت كه مرتكب آن شدند برآينه
يفعلون ترى كثيرا منهم يتولون الذين
چيزيست كه ميكردند مى بينى كه بسيارى ازيشان دوستى ميكنند
كفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط
با كافران برآينه بد چيزيست كه پيش فرستاده است براى ايشان آن چيز كه خشم گرفت
الله عليهم وفى العذاب هم خلدون ولو كانوا
خدا است برايشان ودر عذاب جاويد اند واگر
يؤمنون بالله والنبى وما انزل اليه ما اتخذوهم
ايمان آوردى بخدا وبيغمبر يعنى پيغمبر خود وآنچه فرود فرستاده است بسوى وى

البته



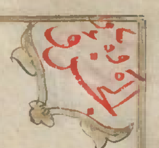
اولياء



۷۹

الجزء السابع

أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ لَتَجِدَنَّ
دوست گرفتندی مر کافران را و لیکن بسیاری از ایشان فاسقانند براینه بیابی
أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ
سخت ترین مردمان در عداوت مسلمانان یهود و
أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا
مشرکان را و هراینه بیابی نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان
الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ
کسانی را که گفتند ما نصاری ایم که از جنس ایشان هستند دانشمندان
وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَإِذَا سَمِعُوا
و گوشه نشینان سبب است که ایشان تکبر نمی کنند و چون بشنوند آنچه
مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ
آنچه فرو فرستاده شد بر پیغامبر ببینی چشمهای ایشان اشک می ریزد
الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا
بسبب آنچه شناختند از حق میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ
بنویس ما را با شاهدان و چیست ما را که ایمان نیاریم بخدا
وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ
و آنکه آمده است بما از دین راست و چیست ما را که طمع می کنیم
الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ۝ فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي
با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را خدا بران مقوله که گفتند بوستانها
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝
زیر آن جویها جاوید ان این است جزای نیکوکاران
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
و کسانیکه کافر شدند و دروغ نسبت کردند آیات ما را ایشانند اهل
الْجَحِيمِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ
دوزخ ای نیکوکاران مومنان حرام مکنید لذیذ آنچه خدا حلال



اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

خدا شما را و از حد مگذرید هر آینه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي

و بخورید از آنچه روزی داده است شما را حلال و پاکیزه و بترسید از آن خدا که

أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِي

شما بوی ایمان آورده‌اید باز خواست نمیکند از شما خدا بسبب محکم کردن

أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ

در سوگندهای شما و لیکن باز خواست میکند بسبب محکم کردن سوگند بقصد

فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا

پس کفارت شد پس منعقده طعام دادن ده مسکین راست از جنس میانه از آنچه

تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

میخورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را آزاد کردن برده

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ

پس هر که نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگندهای شما

إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ

چون سوگند خورید یعنی و حانث شوید و نگاهدارید سوگندهای خود را همچنین بیان میکند

آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا

آیتهای خود را تا بود که شما شکر کنید ای مسلمانان جز این نیست

الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ

که خمر و قمار و نشانهای معبودان باطل و تیرهای فال پلید

عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ

از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا بود که شما رستگار شوید جز این نیست

الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

که میخواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب

فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ

خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از

الصَّلٰوةِ

الصلوة فهل انتم منتهون ۝ واطيعوا الله واطيعوا
نماز پس آيا الحال شما را ... فرمان برداری کنيد
الرسول واحذروا فان توليتم فاعلموا انما على
پيغمبر را وبترسيد پس اگر رو گردانی کنيد پس بدانيد که بر پيغمبر ما
رسولنا البلغ المبين ۝ ليس على الذين امنوا
پيغمبر ما نيست مگر پيغام رسانيدن آشکارا نيست بر کسانيکه ايمان آوردند
وعملوا الصلحت جناح فيما طعموا اذا ما اتقوا
وعملهای شايسته کردند گناهی درانچه خوردند چون پرهيزکاری کردند
وامنوا وعملوا الصلحت ثم اتقوا وامنوا ثم
وايمان آوردند وپرهيزکاری نيکوکاری نمودند بار پرهيزکاری کردند ايمان آوردند
اتقوا واحسنوا والله يحب المحسنين ۝ يايها
بار پرهيزکاری کردند نيکوکاری نمودند وخدا دوست ميدارد نيکوکاران ای
الذين امنوا ليبلونكم الله بشيء من الصيد تناله
مسلمانان هرآينه مى آزمايد شما را ... بچيزی از شکار که ميرسد آن
ايديكم ورماحكم ليعلم الله من يخافه بالغيب
دستهای شما ونيزه های شما تا معلوم کند خدا کسی را که ... از وی می ترسد
فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم ۝
هرکه تعدی کند بعد ازين او راست عذاب دردهنده
يايها الذين امنوا لا تقتلوا الصيد وانتم حرم
ای مسلمانان مکشيد صيد را چون احرام بسته
ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل
وهرکه بکشد او را از شما بقصد پس واجب است جزا وآن جزا مانند چيست
من النعم يحكم به ذوا عدل منكم هديا بالغ
از جنس چهارپايان حکم کند بآن دو صاحب عدالت از شما باشد آن
الكعبة او كفارة طعام مسكين او عدل ذلك
قربانی رسيده بکعبه يا آن کفارة طعام فقيران يا برابر آن از روزه

کردند

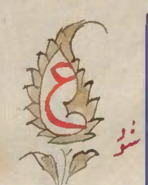
ع



صياما ليذوق وبال امره عفا الله عما سلف
از روزه تا بچشد جزای کردار خود عفو کرده است خدا از انچه گذشت
ومن عاد فينتقم الله منه والله عزيز ذو انتقام
وهر که دیگر بار کند انتقام گیرد از وی خدا و خدا غالب و صاحب انتقام است
احل لكم صيد البحر وطعامه متاعا لكم و
حلال کرده شد برای شما شکار دریا خوردن تا منفعت باشد برای شما و
للسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم
برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار بیابان تا وقتیکه
حرما واتقوا الله الذي اليه تحشرون جعل
حرام بسته باشند و بترسید ازان خدای که بسوی وی حشر خواهید شد کرد انید
الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس والشهر
خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوار است بسبب انتظام مردمان و ماه
الحرام والهدي والقلائد ذلك لتعلموا ان
حرام و قربانی را و انچه در گردن قلاده اندازند این بهر برای آنست تا بدانید
الله يعلم ما في السموت وما في الارض وان
که خدا بداند انچه در آسمانهاست و انچه در زمین هاست تا بدانید
الله بكل شيء عليم اعلموا ان الله شديد العقاب
که خدا بهمه چیز داناست بدانید که خدا سخت است عقوبت او
وان الله غفور رحيم ما على الرسول الا البلغ
و انکه بدانید که خدا آمرزنده و مهربانست نیست بر پیغمبر مگر رسانیدن پیغام
والله يعلم ما تبدون وما تكتمون قل لا
و خدا میداند انچه شما اشکار میکنید و انچه پنهان میکنید بگو ای محمد
يستوي الخبيث والطيب ولو اعجبك كثرة
برابر نیست پلید و پاک و اگرچه در عجب ارد ترا بسیاری
الخبيث فاتقوا الله يا اولي الالباب لعلكم تفلحون
پلید پس بترسید از خدا ای خداوندان خرد تا رستگار شوید

يا ايها





يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ

ای مسلمانان سوال مکنید ازان چیزهایی که ظاهر کرده شود

تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ

حقیقت آن پیش شما غمگین کند شما را و اگر سوال کنند ازان وقتی که فرود آورده میشود قرآن

تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ قَدْ سَأَلَهَا

البته ظاهر کرده شود پیش شما عفو کرد الله تعالی ازان سوالات و خدا آمرزنده بردبار است هر آینه سوال

قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ مَا جَعَلَ

کرده بود ازقومی پیش از شما باز کافر شدند بآن مقرر نکرده است

اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَٰكِنَّ

خدا هیچ بحیره و نه سائبه و نه وصیله و نه حام را ولیکن

الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ

آنانکه کافرانند دروغ بر خدای بندند و

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا

بسیاری ازایشان در نمی یابند و چون گفته شود ایشان را بیایند بسوی آنچه

أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا

فرو فرستاده است و بسوی پیغمبر گویند بس است ما را آنکه بران یافتیم

عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا

بران یافتیم پدران خود را و اگرچه پدران ایشان هیچ نمی دانستند

وَلَا يَهْتَدُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

و هیچ راه نمی یافتند ای مسلمانان محافظت کنید

أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى

خویشتن را ضرر نمیرساند شما را کسی که گمراه شد چون شما راه یافتید بسوی

اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

خدا رجوع شما همه یکجا پس خبر دهد شما را بآنچه عمل میکردید

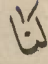
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ

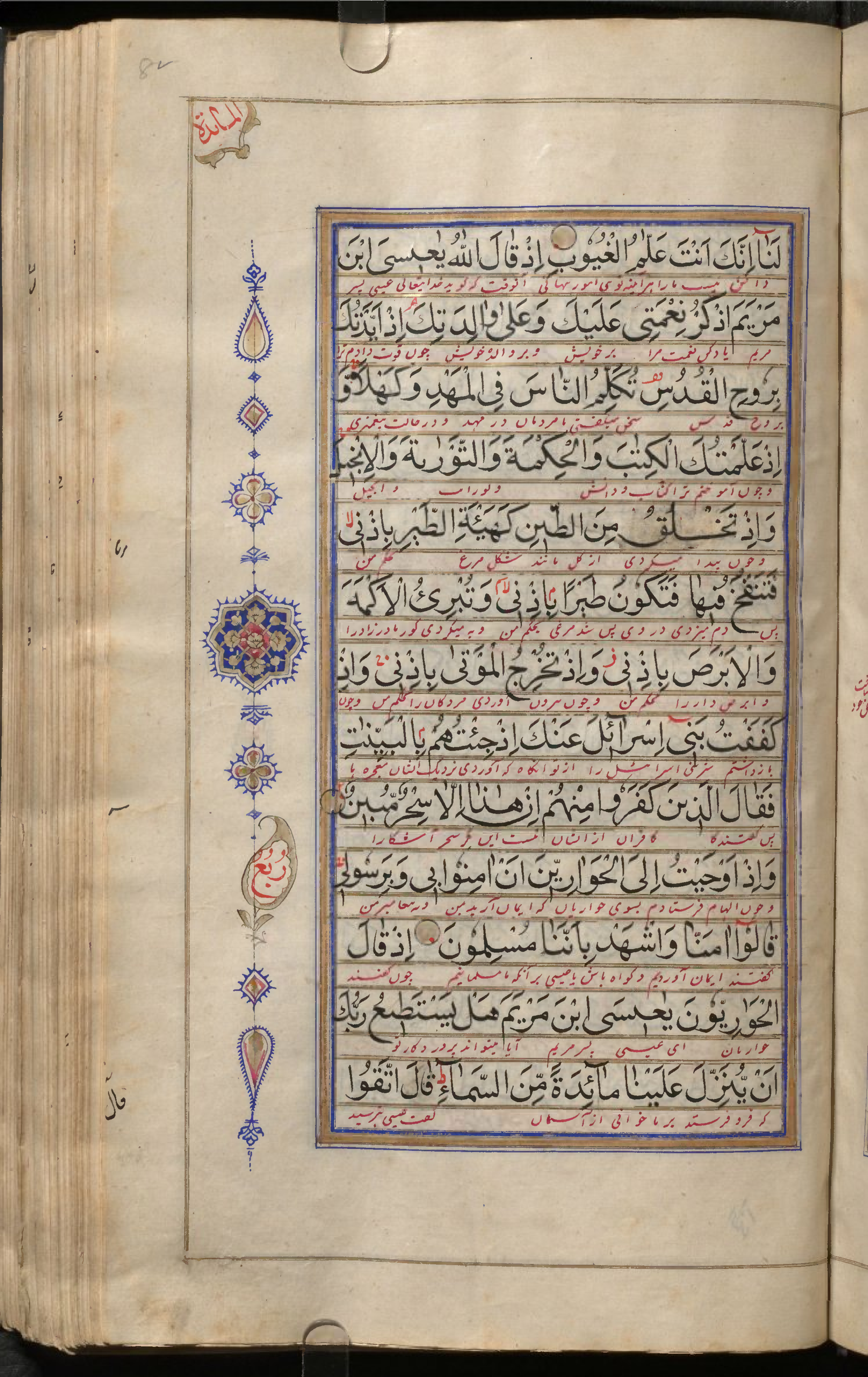
ای مسلمانان نصاب شهادت در میان شما وقت وصیت



أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ
یکی از شما موت وقت وصیت کنی دو کس اند که صاحب عدالت باشند از شما
أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
یا دیگران از غیر شما اگر شما سفر کرده باشید در زمین
فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ ۚ تَحْبِسُونَهُمَا مِن
پس رسد بشما مصیبت اگر شک داشته باشید باز دارید ایشان را از
بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي
بعد از نماز یعنی نماز عصر پس قسم خورند بخدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند
بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۙ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا
خدا بهای دنیا را و اگرچه کسی اگر برای نفع گواهی میدهیم صاحب قرابت باشد و پنهان نمی کنیم گواهی خدا
إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ ۝ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا
هر آینه ما آنگاه از گناهکاران باشیم پس اگر اطلاع واقع شد بر آنکه این دو گواه حاصل
إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ
گناهی پس بایستند دو کس که قرابت قریبه داشته باشند بجای آنها از جماعه که مال
عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن
هر یکی از دو گواه در دروغ بزور دستی بر ایشان پس سوگند خورند بخدا که گواهی ما درست
شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ۝
از گواهی آن دو و از حد تجاوز کر هر آینه ما از ستمکاران میباشیم
ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ
این اسلوب نزدیک تر است بانکه بیارند گواهی را بر وجه آن یعنی بر درستی
يَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ
و بترسند از آنکه رد کرده شود سوگندها بعد سوگندهای ایشان و بترسید از خدا
اسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ يَوْمَ
و بشنوید حکم او را و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان یاد کن از روز
يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ ۖ قَالُوا لَا عِلْمَ
که جمع کند خدا پیغامبران را پس بگوید چه جواب داده شد شما را گویند هیچ




لنا



لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ
دانش نیست ما را هرآینه تویی داننده امور نهانی آنوقت که گوید خدای تعالی عیسی پسر
مَرْيَمَ ٱذْكُرْ نِعْمَتِى عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ
مریم یاد کن نعمت مرا بر خویش و بر والده خویش چون قوت دادم ترا
بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا وَ
بروح قدس سخن میگفتی با مردمان در مهد و در حالت پیری
إِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ
و چون آموختم ترا کتاب و دانش و توراة و انجیل
وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ بِإِذْنِى
و چون پیدا میکردی از گل مانند شکل مرغ بحکم من
فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِى وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ
پس دم میزدی در وی پس شد مرغی بحکم من و به میکردی کور مادرزاد را
وَٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِى وَإِذْ تُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِى وَإِذْ
و ابرص دار را بحکم من و چون برون آوردی مردگان را بحکم من و چون
كَفَفْتُ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ
بازداشتم بنی اسرائیل را از تو آنگاه که آوردی نزدیک ایشان معجزه ها
فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ
پس گفتند کافران از ایشان نیست این مگر سحر آشکارا
وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى ٱلْحَوَارِيِّۦنَ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِى وَبِرَسُولِى
و چون الهام فرستادم بسوی حواریان که ایمان آرید بمن و به پیغامبر من
قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَٱشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ إِذْ قَالَ
گفتند ایمان آوردیم و گواه باش یا عیسی بر آنکه ما مسلمانیم چون گفتند
ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
حواریان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند پروردگار تو
أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ قَالَ ٱتَّقُوا۟
که فرو فرستد بر ما خوانی از آسمان گفت عیسی بترسید

ربع

الله ان كنتم مؤمنين ۝ قالوا نريد ان ناكل منها

از خدا اگر مومن هستید گفتند میخواهیم که بخوریم ازان خوان

ونطمئن قلوبنا ونعلم ان قد صدقتنا ونكون

و ارام گیرد دلهای ما و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم

عليها من الشهدين ۝ قال عيسى ابن مريم اللهم

بر نزول آن گواه گفت عیسی پسر مریم بارخدایا

ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا

ای پروردگار من فرود آر بر ما خوان از اسمان تا باشد عیدی برای ما و برای اول

واخرنا واية منك وارزقنا وانت خير

و اخر امت ما و معجزه از جانب تو روزی ده ما را و تو بهترین

الرزقين ۝ قال الله اني منزلها عليكم فمن يكفر

روزی دهندگان گفت خدا من فرود آرنده ام ازا بر شما پس هر که کافر شود

بعد منكم فاني اعذبه عذابا لا اعذبه احدا

بعد ازین پس من تعذیب کنم او را عذابی که آن تعذیب نکنم هیچ یک را

من العلمين ۝ واذ قال الله يعيسى ابن مريم

از اهل عالم و یاد کن آنوقت که گوید خدا ای عیسی پسر مریم را



ءانت قلت للناس اتخذوني وامي الهين من

ایا تو گفتی بر دمان که خدا گیرید مرا و مادر مرا

دون الله قال سبحنك ما يكون لي ان اقول ما

بجز الله تعالی گفت بپاکی یاد کنم ترا نه سزد مرا که گویم انچه

ليس لي بحق ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما في

لایق من نیست اگر گفته باشم این قول پس تو انرا دانسته میدانی آنچه

نفسي ولا اعلم ما في نفسك انك انت علام

در ضمیر من است و نمیدانم انچه در ضمیر تست هر اینه تو داننده مور پنهانی

الغيوب ۝ ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا

و علم غیب نگفته ام باشان مگر انچه فرموده بودی مرا بآن که پرستید

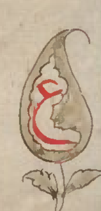
الله



اللّٰهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ
خدایرا پروردگار من و پروردگار شما بودم برایشان نگاهبان مادامی که در میان ایشان
فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ
پس وقتی که برگرفتی تو بودی نگاهبان برایشان و تو
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ
بر همه چیز نگاهبانی اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان
عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝
بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس توی غالب استوارکار
قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ
گوید خدا که این روزیست که نفع کند دران راست گویان را راستی ایشان ایشان
را شد
جَنّٰتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
بوستانها میرود زیر آن جویها جاودان اینجی همیشه خوشنود
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ لِلّٰهِ
شد راضی ازوی خدا و از او خوشنود آنجا اینست رستکاری بزرگ خدارا
مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
پادشاه آسمان و زمین و آنچه در آنهاست و او بر همه چیز تواناست

سورة الانعام مكية فى مائة وخمس وستون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشاینده و مهربان



اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ
ستایش خدایراست که آفرید آسمان و زمین و پیدا کرد
الظُّلُمٰتِ وَالنُّورَ ۝ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۝
تاریکیها و روشنی باز کافران با پروردگار خود برابر میکنند
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ
اوست آنکه بیافرید شما را از گل باز مقرر کرد وقت مرگ را و مدتی

مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ۝ وَهُوَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوٰتِ
معین هست نزدیک او وباز شما شک میکنید واوست خدا در آسمانها

وَفِي الْاَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ
ودر زمین میداند پنهان شما وآشکار شما ومیداند آنچه شما عمل میکنید

وَمَا تَاْتِيهِمْ مِنْ اٰيَةٍ مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوا عَنْهَا
ونمی آید بکافران هیچ نشانه از نشانهای پروردگار ازان روگردان شدند

مُعْرِضِينَ ۝ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ
روگردان شدند پس ثابت شد که ایشان بدروغ نسبت کردند سخن راست

يَاْتِيهِمْ اَنْبٰٓؤُا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝ اَلَمْ يَرَوْا كَمْ
ایشان را جزای آنچه بوی مسخر میکردند آیا ندیده اند که چه قدر

چون بیاید بایشان پس خواهد آمد بایشان

اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنّٰهُمْ فِي الْاَرْضِ مَا لَمْ
هلاک کرده ایم پیش از ایشان از امتها که استقرار داده بودیم ایشان را در زمین

آن قدر

نُمَكِّنْ لَكُمْ وَاَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا
که استقرار نداده ایم شما را وفرستاده بودیم باران بر ایشان پی در پی ریزنده وپیدا کردیم

الْاَنْهٰرَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَاَهْلَكْنٰهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَاَنْشَاْنَا
جویها میرفت زیر ایشان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان وپیدا کردیم

مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِينَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتٰبًا
بعد از ایشان امتی دیگر واگر فرو میفرستادیم بر تو نوشته

فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِاَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
در کاغذی پس بسایش کردندی آن را بدست خود گفتندی کافران نیست

اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا اُنْزِلَ عَلَيْهِ
این مگر سحری ظاهر وگفتند کافران چرا فرود آورده نشد

مَلَكٌ وَلَوْ اَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْاَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ
بر پیغمبر فرشته واگر فرود میفرستادیم فرشته را بانجام رسانیده شدی کار با مهلت داده نشدی

وَلَوْ جَعَلْنٰهُ مَلَكًا لَجَعَلْنٰهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ
واگر میکردیم آن فرستاده فرشته لازم میشد که کنیمش مردی یعنی شکل مردی ودر اشتباه

مشتبه میکردیم

84



مَا يَلْبِسُونَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ
آنچه را خود اشتباه میکنند و هرآینه مسخر کرده شده پیغامبران پیش از تو
فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝
پس فرود آمد مسخر کننده گان را از ایشان جزای آنچه بآن مسخر کردند
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
بگو سیر کنید در زمین باز نظر کنید چگونه شد آخر کار



الْمُكَذِّبِينَ ۝ قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل
دروغ دارنده گان بگو کراست آنچه در آسمانها در زمین است بگو
لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ
خداراست لازم کرد بر خود مهربانی البته جمع کند شمارا در روز قیامت
الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ
قیامت هیچ شک نیست دران آنانکه زیان کردند در حق خویشتن پس ایشان
لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ
ایمان نمی آرند و اوراست آنچه ساکن شد در شب و روز و
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ
اوست شنوا دانا بگو آیا دوستی گیرم بجز خدای پیدا کننده
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي
آسمانها و زمین و او رزق میدهد و رزق داده نمیشود بگو هرآینه
أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
کرده شده است مرا که باشم نخستین مسلمان یعنی ازین امت و فرموده شد
الْمُشْرِكِينَ ۝ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ
که مباش از شریک مقرر کننده گان بگو هرآینه من میترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم
از عذاب
يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ مَن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ
روزی که بزرگ هرکه عذاب بازداشته شود ازوی آن روز پس
رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۝ وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ
مهربانی کرد خدا بروی اینست مطلب یابی ظاهر و اگر سختی رساند خدا بتو



بضر فلا كاشف له الا هو وان يمسسك بخير
پس هیچ دفع کننده نیست آنرا مگر او و اگر نعمت رساند بتو پس او
فهو على كل شيء قدير ۝ وهو القاهر فوق
او بر همه چیز داناست و اوست غالب بالای
عباده وهو الحكيم الخبير ۝ قل اي شيء اكبر
بنده گان و اوست دانا و آگاه بگو چه چیز معتبر است
شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم واوحي
در باب شهادت بگو خداست وی اظهار حق کننده است میان من و میان شما
و وحی کرده شد
الي هذا القران لانذركم به ومن بلغ ائنكم
بسوی من این قران تا بیم کنم شما را بآن و بیم کنم آنرا نیز که برسد قران او را
لتشهدون ان مع الله الهة اخرى قل لا اشهد
آیا شما اثبات کنید که با خدا هستند خدایان دیگر بگو من اثبات نمیکنم
قل انما هو اله واحد وانني بريء مما تشركون ۝
بجز این نیست که او خدای یگانه است و هر آینه من بیزارم از آنچه شریک میکنید
الذين اتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم
آنانکه ایشان را کتاب دادیم می شناسند حقیقت این قول را چنانکه می شناسند
پسران خود را
الذين خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون ۝ ومن
آنانکه زیان کار شدند در حق خویشتن ایشان ایمان نمی آرند و کیست
اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته
ستمکار تر از کسی که بربست بر خدا دروغ را یا بدروغ نسبت کرد آیات او را

انه لا يفلح الظلمون ۝ ويوم نحشرهم جميعا
هر آینه رستگار نمیشوند ستمکاران و یاد کن آنروز که حشر کنیم ایشان را همه یکجا
ثم نقول للذين اشركوا اين شركاؤكم الذين
باز گوییم مشرکان را کجا اند آن شریکان شما که ایشان را
كنتم تزعمون ۝ ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا
بظن اثبات میکردید بعد از آن نباشد عذر ایشان مگر آنکه گویند

والله



وَاللّٰهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ۝ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ
قسم بخدا پروردگار ما که مشرک نبودیم بنگر چگونه دروغ گفتند بر
أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَمِنْهُمْ
خویشتن و گم گشت از ایشان آنچه افترا میکردند و از ایشان کسی
مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
هست که گوش می نهد بسوی تو و بدا کرده ایم بر دل ایشان پردها
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ
تا نفهمند آن را و در گوش ایشان گرانی را و اگر ببینند هر معجزه
لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ
ایمان نیارند بآن تا وقتیکه بیایند پیش تو مکابره کنان با تو گویند
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝
این کافران نیست مگر قصهای پیشینان و ایشان منع میکنند از متابعت
وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ
او و دور میشوند از متابعت او و هلاک نمیکنند هلاک میکنند
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا
مگر خویشتن را و نمیدانند و تعجب کنی اگر ببینی ایشان را وقتیکه
عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ
باز داشته شوند آتش پس گویند ای کاشکی ما باز گردانیده شویم پس بدروغ نسبت نکنیم
رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا
پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان نه بلکه ظاهر
يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا
آنچه می پوشیدند پیش ازین یعنی برای عقاید و اگر باز گردانیده شدند البته رجوع کنند بر
عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا
آنچه منع کرده میشدند ازان و هر آینه ایشان دروغگویانند و گفتند نیست هیچ حیات مگر زندگی
الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا
این جهانی و نیستیم ما برانگیختگان و تعجب کنی اگر ببینی آنگاه که باز داشته

آیات

على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا
شوند بحضور پروردگار گوید خدا آیا درست نیست گویند آری هست وقسم پروردگار
قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون قد
گفت پس بچشید عذاب را بانچه هستید کافر بتحقیق
خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى إذا جاءتهم
زیانکار شدند آنکه دروغ داشتند ملاقات خدا تا آنگه بیاید ایشان
الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها
قیامت ناگهان گویند ای پشیمانی ما بر تقصیرها در آن
وهم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء ما
وایشان بر دارند وزرهای ایشان بر پشتهای خود آگاه شوید آنچه
يزرون وما الحيوة الدنيا إلا لعب ولهو
برمیدارند ونیست زندگانی دنیا مگر بازی ولهو
وللدار الآخرة خير للذين يتقون أفلا
وهر اینه آخرت بهتر است متقیان را آیا
تعقلون قد نعلم إنه ليحزنك الذي يقولون
در نمی یابید هر اینه میدانیم که اندوهگین میکنند ترا آنچه میگویند
فإنهم لا يكذبونك ولكن الظلمين بايت الله
هر اینه ایشان دروغ نسبت نمیکنند ترا ولیکن این ستمگاران بآیات خدا
يجحدون ولقد كذبت رسل من قبلك
انکار میکنند وهر اینه دروغ نسبت کردند پیغمبران از پیش از تو
فصبروا على ما كذبوا وأوذوا حتى أتهم نصرنا
پس صبر کردند بر آنچه دروغ داشتند ورنجانیدند تا آنگه بیامد یاری ما
ولا مبدل لكلمت الله ولقد جاءك من نبإى
ونیست هیچ تغییر دهنده وعده خدا را وهر اینه آمد بتو بعض خبر
المرسلين وإن كان كبر عليك إعراضهم
پیغامبران واگر گران شده باشد بر تو رو گردانیدن ایشان

فإن

فان استطعت ان تبتغي نفقا في الارض او
پس اگر بتوانی که بجویی سوراخی در زمین یا
سلما في السماء فتاتيهم باية ولو شاء الله
نردبانی در آسمان پس بیاری پیش ایشان معجزه و اگر خواستی خدا
لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين
جمع ساختی ایشان را بر هدایت پس مباش از جاهلان
انما يستجيب الذين يسمعون والموتى يبعثهم
جز این نیست که قبول میکنند آنانکه میشنوند و مردگان یعنی کافران برانگیزد
الله ثم اليه يرجعون ○ وقالوا لولا نزل عليه
خدا باز بسوی او گردانیده شوند و گفتند چرا نه فرود آورده شد براو
اية من ربه قل ان الله قادر على ان ينزل اية
نشانه از پروردگار او بگو هر آینه خدا قادر است بر آنکه فرود فرستد نشانه
ولكن اكثرهم لا يعلمون ○ وما من دابة في
ولیکن اکثر ایشان نمیدانند و نیست هیچ جانوری در
الارض ولا طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم
زمین و نه پرنده که میپرد به بازوی خود مگر جماعتها اند مانند شما
ما فرطنا في الكتب من شيء ثم الى ربهم يحشرون
فروگذاشت نکرده ایم در کتاب از هیچ چیز باز بسوی پروردگار خویش
والذين كذبوا باياتنا صم وبكم في الظلمت
و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را کران اند و گنگان اند در تاریکیها
من يشا الله يضلله ومن يشا يجعله على صراط
هر کرا خواهد خدا گمراه کند و هر که خواهد میکند اورا بر راه راست
مستقيم ○ قل ارايتكم ان اتكم عذاب الله
گرداند بگو آیا دیدید اگر بیاید بشما عذاب خدا
او اتتكم الساعة اغير الله تدعون ان كنتم
یا بیاید بشما قیامت آیا بغیر خدا زاری میکنید اگر

ایشان را

حشر کرده خواهند شد



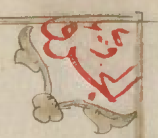


صدقين ۝ بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون
راستگو هستید نه بلکه بجناب او دعا میکنید پس دفع میکند انچه دعا میکنید
اليه ان شاء وتنسون ما تشركون ۝ ولقد ارسلنا
بسوی او اگر بخواهد و فراموش میکنید انچه شریک مقرر میکنید و هر اینه فرستادیم
الى امم من قبلك فاخذنهم بالباساء والضراء
بسوی امتان پیش از تو پس در گرفت کردیم ایشانرا به تنگی و بیماری
لعلهم يتضرعون ۝ فلولا اذ جاءهم باسنا تضرعوا
تا زاری کنند پس چرا نه زاری کردند وقتی که آمد بایشان عذاب ما
ولكن قست قلوبهم وزين لهم الشيطن ما كانوا
ولیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان انچه
يعملون ۝ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب
میکردند پس چون فراموش کردند انچه پند داده شد کشادیم بر ایشان درهای
كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذنهم بغتة
هر چیز تا هنگام که شاد شدند بانچه داده شدند ایشانرا در گرفتیم ناگاه
فاذا هم مبلسون ۝ فقطع دابر القوم الذين
پس اون ناامید شدند پس بریده شد بیخ گروه
ظلموا والحمد لله رب العلمين ۝ قل ارايتم ان
ستمکاران و سپاس خدا را است پروردگار عالمها بگو آیا دیدید اگر
اخذ الله سمعكم وابصاركم وختم على قلوبكم
بگیرد خدا شنوائی شما و چشمهای شما و مهر کند بر دلهای شما
من اله غير الله ياتيكم به انظر كيف نصرف
کیست خدا غیر خدا بیارد بشما آن ببین چگونه بیان میکنیم
الايت ثم هم يصدفون ۝ قل ارايتكم ان اتكم
آیتها باز ایشان روگردان میشوند بگو خبر دهید اگر بیاید بشما
عذاب الله بغتة او جهرة هل يهلك الا القوم
عذاب خدا ناگهان یا آشکارا یا هلاک گرده شوند گر قوم

الظلمون

الظّٰلمون ۝ وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين
ستمكاران ونمی فرستيم پيغامبران را و بشارت دهنده و بيم كننده
فمن آمن واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝
پس هر كه را ايمان آورد و نيكو كاری كرد پس هيچ ترس نبود ايشان را و نه ايشان اندوهگين شوند
والذين كذبوا بآياتنا يمسهم العذاب بما
و كسانيكه بدروغ نسبت كردند آيات ما را برسد ايشان عذاب بسبب
كانوا يفسقون ۝ قل لا اقول لكم عندي خزائن
بسبب فاسق بودن ايشان بگو نميگويم بشما كه نزديك من است خزينهای
الله ولا اعلم الغيب ولا اقول لكم اني ملك ان
خدا و نميگويم كه ميدانم غيب را و نه ميگويم بشما كه من فرشته ام پيروی
اتبع الا ما يوحى الي قل هل يستوي الاعمى و
نميكنم مگر چيزی كه وحی كرده شده بسوی من بگو آيا برابر ميشود نابينا و
البصير افلا تتفكرون ۝ وانذر به الذين يخافون
بينا آيا تامل نمی كنيد و بترسان بقرآن يعنی پند ده كسانيكه ميترسند
ان يحشروا الى ربهم ليس لهم من دونه ولي ولا
از آنكه حشر كرده شوند بسوی پروردگار خويش نباشد ايشان را بجز خدا هيچ دوستی
شفيع لعلهم يتقون ۝ ولا تطرد الذين يدعون
و نه شفاعت كننده تا پرهيزگاری كنند و دور مكن كسانی را كه مناجات ميكنند
ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه ما
پروردگار خويش بامداد و شام می طلبند روی او را نيست
عليك من حسابهم من شيء وما من حسابك
بر تو از حساب ايشان چيزی و نيست از حساب تو
عليهم من شيء فتطردهم فتكون من الظّٰلمين ۝ و
بر ايشان چيزی تا برانی ايشان را پس باشی از ستمكاران
كذلك فتنا بعضهم ببعض ليقولوا اهؤلاء من
و همچنين امتحان كرديم بعض مردمان را ببعض تا گويند آيا اين جماعه انعام كرده است



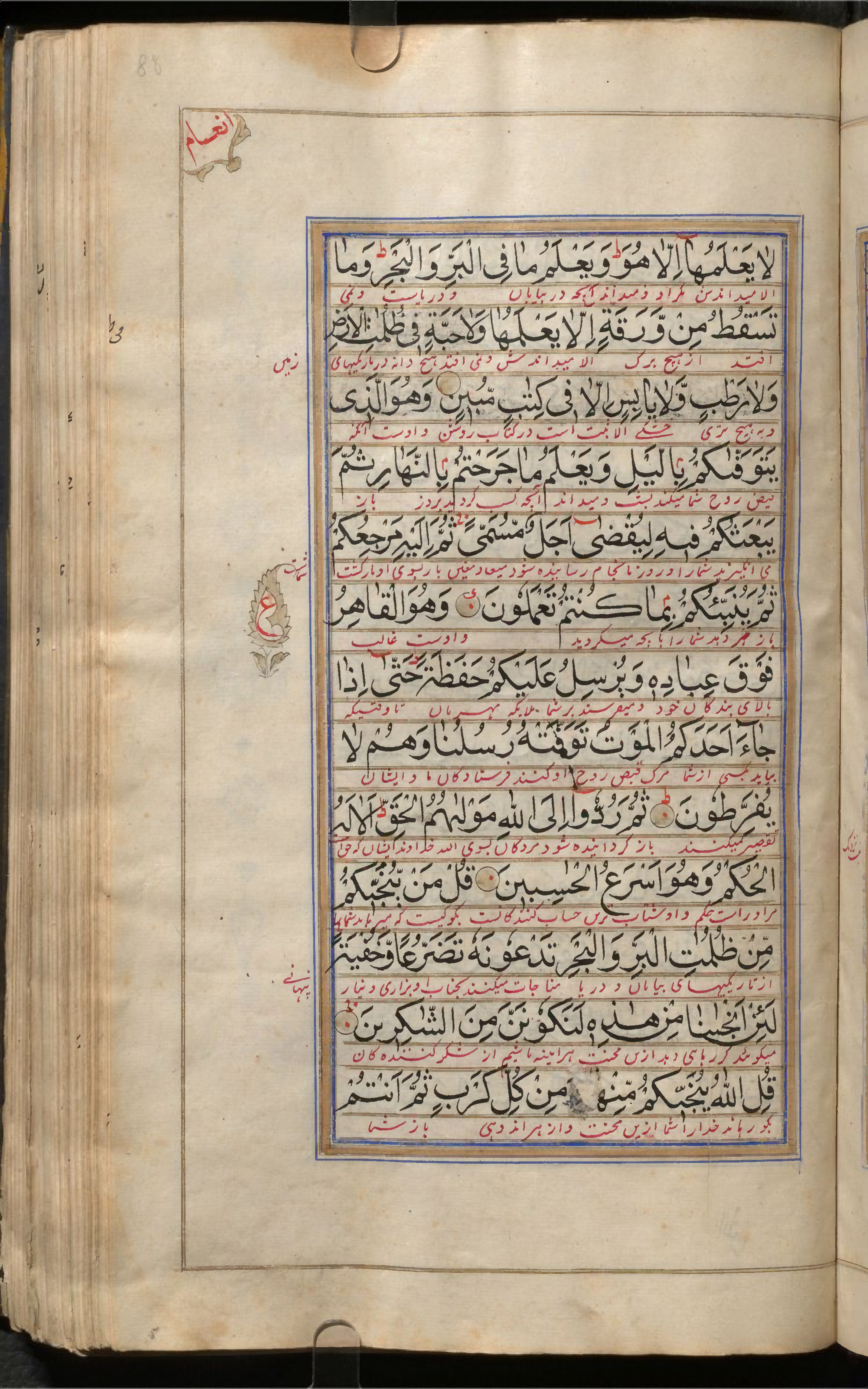


اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللّٰهُ بِأَعْلَمَ بِالشّٰكِرِينَ
خدا بر ایشان از میان ایشان خدایتعالی فرمود آیا خدا نیست داناتر بشکر کنندگان
وَإِذَا جَآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاٰيٰتِنَا فَقُلْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ
و چون بیاید بیش تو کسانیکه ایمان آوردند بآیتهای ما پس بگو سلام علیکم
كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ
لازم کرده است پروردگار بر خود مهربانی را لازم کرده است که هر که بکند
سُوٓءًا بِجَهٰلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ
از شما کار بد بنادانی بار توبه کرد بعد از آن نیکو کاری کرد پس خدا
رَّحِيمٌ ۝ وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ
آمرزنده و مهربانست و همچنین تفصیل میکنیم نشانهای را تا ظاهر شود
سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۝ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ
راه ستمکاران بگو هر آینه منع کرده شد مرا که عبادت کنم
الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ
آنهائی که شما می پرستند بجز خدا بگو پیروی نمی کنم
أَهْوَآءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ
آرزوهای شما را گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان
قُلْ إِنِّي عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي
بگو هر آینه من بر حجتم از پروردگار خود بدروغ داشتید آن دلیل را
مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلّٰهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ
آنچه شما بزودی میطلبید نیست حکم مگر خدا را بیان کند دین درست
هُوَ خَيْرُ الْفٰصِلِينَ ۝ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا
و او بهترین فیصل کنندگان است بگو اگر بودی نزدیک من آنچه
تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ
بزودی میطلبید هر آینه بانجام رسانیده شده کار میان من و شما و
اللّٰهُ أَعْلَمُ بِالظّٰلِمِينَ ۝ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
خدا داناتر است بستمکاران و نزدیک اوست کلیدهای غیب

نیست نزدیک



لا



لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما
الا میداند آن مگر او ومیداند آنچه در بیابان و در یاست ونمی

تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمت الارض
افتد از هیچ برگ الا میداند آن ونی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا يابس الا في كتب مبين وهو الذي
و نه هیچ تری و نه خشکی الا ثبت است در کتاب روشن و اوست آنکه

يتوفكم باليل ويعلم ما جرحتم بالنهار ثم
قبض روح شما میکند بشب و میداند آنچه کسب کرده اید بروز باز

يبعثكم فيه ليقضى اجل مسمى ثم اليه مرجعكم
می انگیزد شما را در روز تا بانجام رسانیده شود میعاد معین باز بسوی اوست بازگشت شما

ع

ثم ينبئكم بما كنتم تعملون وهو القاهر
باز خبر دهد شما را بآنچه میکردید و اوست غالب

فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى اذا
بالای بندگان خود ومیفرستد بر شما ملایکه نگهبانان تا وقتیکه

جاء احدكم الموت توفته رسلنا وهم لا
بیاید بکسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان

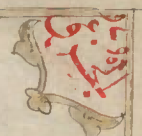
يفرطون ثم ردوا الى الله مولهم الحق الا له
تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی الله خداوند ایشان که حق

الحكم وهو اسرع الحسبين قل من ينجيكم
مراوراست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگانست بگو کیست که میرهاند شما را

من ظلمت البر والبحر تدعونه تضرعا وخفية
از تاریکیهای بیابان و دریا مناجات میکنند بجناب او بزاری و نهان

لئن انجنا من هذه لنكونن من الشكرين
میگویند که رهایی دهد از این محنت هرآینه باشیم از شکر کنندگان

قل الله ينجيكم منها ومن كل كرب ثم انتم
بگو رهاند خدا شما از این محنت و از هر اندوهی باز شما



تشركون ۝ قل هو القادر على ان يبعث عليكم
شرك او مقر کنید بگو اوست توانا بر آنکه فرستد بر شما

عذابا من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم
عذابی از بالای سر شما زیر پای شما جمع کند شما را

شيعا ويذيق بعضكم باس بعض انظر كيف
گروه گروه و بچشاند بعض شما را جنگ بعض بنگر چگونه گونا گون

نصرف الايت لعلهم يفقهون ۝ وكذب به
بیان میکنیم آیتها را تا بفهمند و بدروغ نسبت کردند

قومك وهو الحق قل لست عليكم بوكيل ۝
قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما نگاهبان

لكل نبا مستقر وسوف تعلمون ۝ واذا رايت
هر خبر را میعاد یست و خواهید دانست و چون ببینی آنان را

الذين يخوضون في ايتنا فاعرض عنهم حتى
که بحث شروع کنند در آیتهای ما پس رو بگردان از ایشان تا وقتیکه

يخوضوا في حديث غيره واما ينسينك الشيطن
بحث شروع کنند در سخنی غیر وی و اگر فراموش گرداند ترا شیطان

فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظلمين ۝
پس منشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران

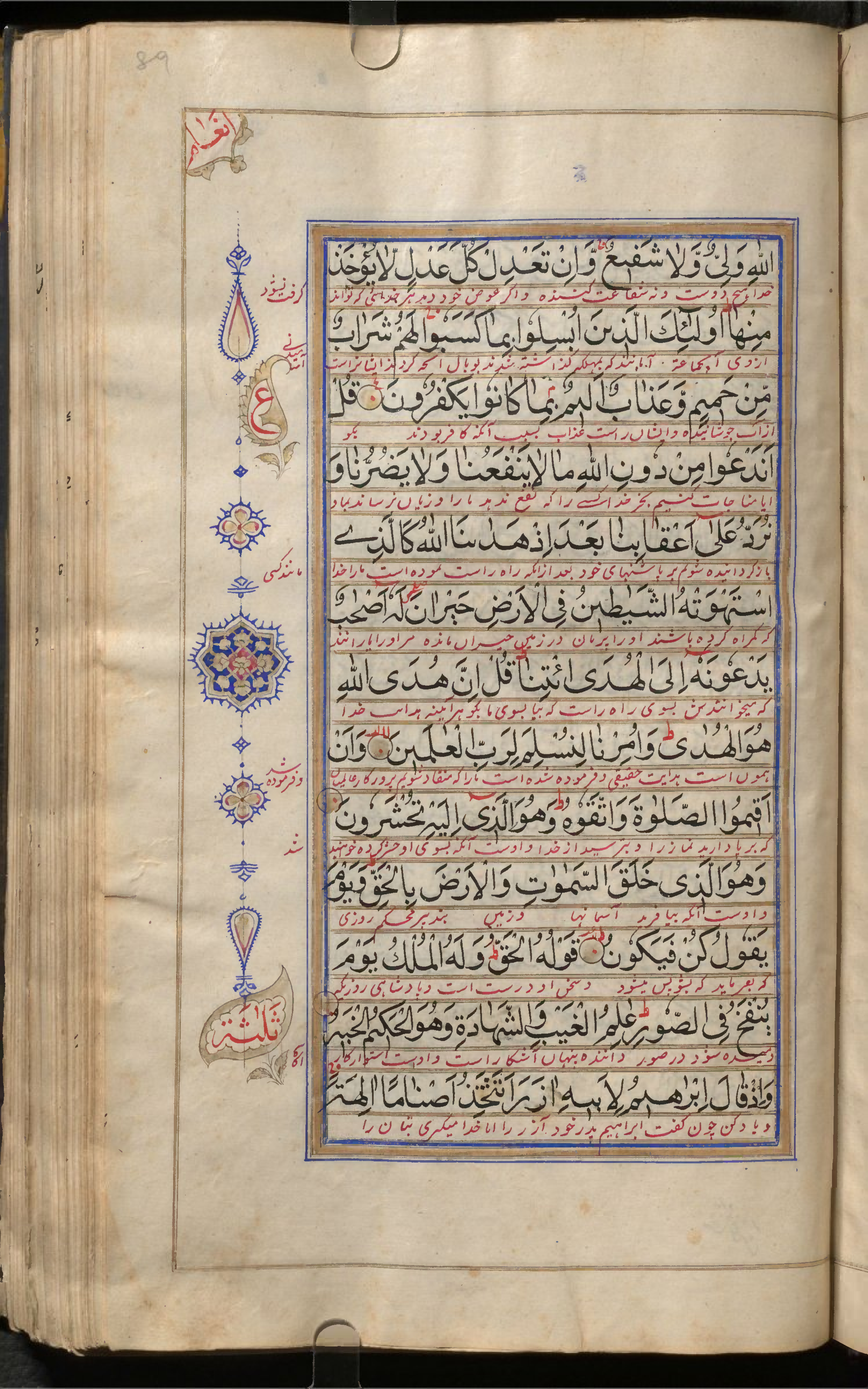
وما على الذين يتقون من حسابهم من شيء
و نیست بر کسانیکه پرهیز کردند از حساب کافران چیزی

ولكن ذكرى لعلهم يتقون ۝ وذر الذين اتخذوا
ولیکن بایشان لازم است پند دادن تا شود از پرهیزکاران و بگذار کسانی را که

دينهم لعبا ولهوا وغرتهم الحيوة الدنيا وذكر
دین خود گرفتند بازی و لهو و فریفت زندگانی دنیا و پند ده بقرآن برای

به ان تبسل نفس بما كسبت ليس لها من دون
احتیاط از آنکه بهلکه گذاشته شود نفسی را بسبب آنچه کرده است نیست او را

بحر



انعام

ع

ثلثة

اللّٰهِ وَلِیٌّ وَّلَا شَفِیْعٌ وَّاِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا یُؤْخَذْ
خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر عوض خود دهد هر عوضی گرفته نشود

مِنْهَا اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ اُبْسِلُوْا بِمَا كَسَبُوْا لَهُمْ شَرَابٌ
از وی آن جماعت آنانند که بهلاکت گذاشته شدند بوبال آنچه کردند ایشان را است آشامیدنی

مِّنْ حَمِیْمٍ وَّعَذَابٌ اَلِیْمٌۢ بِمَا كَانُوْا یَكْفُرُوْنَ ۝ قُلْ
از آب جوشانیده و ایشان را است عذاب دردناک بسبب آنکه کافر بودند بگو

اَنَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا یَنْفَعُنَا وَلَا یَضُرُّنَا وَ
آیا مناجات کنیم بجز خدا کسی را که نفع ندهد ما را و زیان نرساند ما را و

نُرَدُّ عَلٰٓی اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰىنَا اللّٰهُ كَالَّذِی
باز گردانیده شویم بر پاشنهای خود بعد از آنکه راه راست نموده است ما را خدا مانند کسی

اسْتَهْوَتْهُ الشَّیٰطِیْنُ فِی الْاَرْضِ حَیْرَانَ لَهٗٓ اَصْحٰبٌ
که گمراه کرده باشند او را دیوان در زمین حیران مانده مر او را یاران اند

یَّدْعُوْنَهٗٓ اِلَی الْهُدَی ائْتِنَا قُلْ اِنَّ هُدَی اللّٰهِ
که میخوانند او را بسوی راه راست که بیا بسوی ما بگو هر آینه هدایت خدا

هُوَ الْهُدٰی وَاُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ۝ وَاَنْ
همون است هدایت حقیقی و فرموده شده است تا که منقاد شویم پروردگار عالمیان را و فرموده شد

اَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوْهُ وَهُوَ الَّذِیْٓ اِلَیْهِ تُحْشَرُوْنَ
که بر پا دارید نماز را و بترسید از خدا و او است آنکه بسوی او حشر کرده خواهید شد

وَهُوَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ
و او است آنکه بیافرید آسمانها و زمین بند بر محکم روزی

یَقُوْلُ كُنْ فَیَكُوْنُ ۝ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ یَوْمَ
که بفرماید که بشو پس میشود سخن او درست است و او را است پادشاهی روزی که

یُنْفَخُ فِی الصُّوْرِ عٰلِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِیْمُ الْخَبِیْرُ
دمیده شود در صور داننده پنهان و آشکارا است و او است استوار کار آگاه

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِیْمُ لِاَبِیْهِ اٰزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصْنَامًا اٰلِهَةً
و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود آزر را آیا خدا میگیری بتان را

إِنِّي أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ
هر آینه من می بینم ترا و قوم ترا از گمراهی ظاهر و همچنین
نُرِيٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَ
می نمودیم ابراهیم را ملک آسمان و زمین
لِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا
تا او از یقین کنندگان باشد پس چون تاریک شد بروی شب دید ستاره
قَالَ هَـٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْـَٔافِلِينَ ۝ فَلَمَّا
گفت اینست پروردگار من پس چون فرو رفت گفت دوست ندارم پس
رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَـٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن
چون دید ماه را طلوع کرده گفت این است پروردگار من پس چون فرو رفت گفت
لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ۝ فَلَمَّا
اگر هدایت نکند مرا پروردگار من شوم از گروه گمراهان پس
رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَـٰذَا رَبِّي هَـٰذَآ أَكْبَرُ فَلَمَّآ
وقتیکه دید آفتاب را طلوع کرده گفت اینست پروردگار من بزرگتر است پس
أَفَلَتْ قَالَ يَـٰقَوْمِ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ۝ إِنِّي
چون فرو رفت گفت ای قوم من بیزارم از آنچه شریک مقرر میکنید هر آینه
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
متوجه ساختم روی خود را بسوی کسی که بیافرید آسمانها و زمین
حَنِيفًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ۝ وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ قَالَ
در حالتی از حنیفم و نیستم از مشرکان و جدال کردند با او قوم گفت
أَتُحَـٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ
با جدال کنید با من در باب خدا و بتحقیق هدایت کرده است مرا و نمی ترسم
بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيْـًٔا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا
و لیکن میترسم از آنکه خدا اراده کند چیزی و احاطه کرده است پروردگار همه چیز از دانش
أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا
آیا پند نمیگیرید و چگونه ترسم از کسی که او را شریک مقرر میکنید و شما

از انکه شما شریک مقرر میکنید

تخافون

تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم
می ترسید از آنکه شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرو نفرستاد دلالت

برشما

سلطنا فاى الفريقين احق بالامن ان كنتم
برای آن پس کدام یک ازین دو گروه سزاوار تراست بامن بگوئید اگر میدانید

تعلمون ۝ الذين امنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم
خدا تعالی فرمود کسانیکه ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را بشرک

ع

اولئك لهم الامن وهم مهتدون ۝ وتلك حجتنا
آنجماعة ایشان راست ایمنی و ایشان راه یافتگان و اینست حجت ما

اتينها ابرهيم على قومه نرفع درجت من نشاء
دادیم ابراهیم را بر قوم او بلند میکنیم در مراتب هرکرا میخواهیم

ان ربك حكيم عليم ۝ ووهبنا له اسحق و
هر آینه پروردگار تو استوار کار دانا و عطا کردیم ابراهیم را اسحق و

يعقوب كلا هدينا ونوحا هدينا من قبل
یعقوب هر یکی را ازایشان هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم پیش ازین

ومن ذريته داود وسليمن وايوب ويوسف
و اولاد ابراهیم راه نمودیم داود و سلیمان و ایوب و یوسف

وموسى وهرون وكذلك نجزى المحسنين ۝ و
و موسی و هارون را و همچنین جزا دهیم نیکو کاران را و

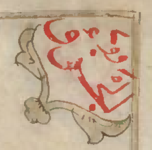
زكريا ويحيى وعيسى والياس كل من الصلحين ۝
ذکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر یک از صالحان بود

واسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا فضلنا
و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و هر یک را فضل دادیم

على العلمين ۝ ومن ابائهم وذريتهم واخوانهم
بر اهل زمان و هدایت کردیم بعض را از پدران ایشان و اولاد ایشان

و برادران ایشان

واجتبينهم وهدينهم الى صراط مستقيم ۝
و برگزیدیم اینها را و دلالت کردیم ایشان را بسوی راه راست



ذلك هدى الله يهدي به من يشاء من عباده

اينست هدايت خدا دلالت كند بدان هر كرا خواهد از بندكان خويش

ولو اشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون ۝ اولئك الذين

واكر شرك مقرر ميكردند نابود شدى ازايشان انچه ميكردند اين جماعة انانند

اتينهم الكتب والحكم والنبوة فان يكفر بها

كه داديم ايشانرا كتاب وحكمت وپيغامبرى پس اكر كافر شوند باياتـ

هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكفرين

قران اين كافران ما مقرر ساختيم براى ايمان بانها كروهى راكه هركز كافر نشوند

اولئك الذين هدى الله فبهدهم اقتده قل

اين جماعه انبيا كسانى اند كه هدايت كرد ايشان را خدا پس بر وايشان اقتدا كن بكو

لا اسئلكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعلمين

سوال نميكنم از شما هيچ مزد بر تبليغ قران نيست مكر اين پند عالميان



وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله

وصفت نكردند خدا را حق صفت چون كفتند فرو نفرستاده است خدا

على بشر من شيء قل من انزل الكتب الذي جاء

بر هيچ آدمى چيزى بكو كه فرو فرستاد كتابى كه اورده است توريترا

به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه

اورا موسى روشنى وهدايت مردمانرا ميكردانيد اورا

قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما

قسم ورقهاى آشكارا ميكنيد انرا وپنهان ميكنيد

لم تعلموا انتم ولا اباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم

يعنى در قران آنچه نمى دانستيد شما وپدران شما بكو خدا فرو داورد باز بكذار ايشانرا

يلعبون ۝ وهذا كتب انزلنه مبرك مصدق

در حالتى كه بازى ميكنند واين قران كتابيست كه فرستاديم اورا با بركت باور دارنده

الذي بين يديه ولتنذر ام القرى ومن حولها

آنچه پيش از وى بود وتا بيم كنى اهل مكه را وكسانيكه كرد مكه ساكن اند

والذين



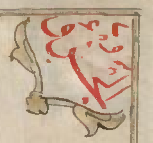
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ
و معتقدان مومنان آخرت البته ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر
صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى
نماز خود محافظت میکنند ۝ و کیست ستمکار تر از کسی که بربست بر
اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَ
خدا دروغی ۝ یا گفت وحی فرستاده شده است بمن و تحقیق نفرستاده شده است
مَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ
که گفت فرود خواهم آورد مانند آنچه فرود آورد خدا ۝ و بتعجب کنی چون بنگری
الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ
وقتیکه ظالمان در شدائد مرگ باشند و فرشتگان دست خود دراز میکنند
أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ ۖ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا
۝ میگویند بیرون آرید روحهای خودرا امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آن که
كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ
آنچه میگفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او
تَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ
سرکشی میکردید ۝ و گوییم هر آینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم
أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ۖ وَ
اول بار و بگذاشتید آنچه عطا کرده بودیم شمارا پس پشت خویش
مَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
و نمی بینیم با شما شفاعت کنندگان شمارا آنکه گمان میکردید که ایشان در تربیت
شُرَكَاءُ ۚ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ
شریکان خدا اند هر آینه بریده شد پیوند میان شما و گم شد از شما آنچه گمان
تَزْعُمُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۖ يُخْرِجُ
میکردید ۝ هر آینه خدا شکافنده دانهای و خستهاست بیرون می آرد
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ
زنده و از مرده و بیرون آرنده مرده است از زنده اینست خدا

بسوی وی چیزی و از کسی

شمارا

شما





فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ۝ فَالِقُ الْاِصْبَاحِ وَجَعَلَ الَّيْلَ
پس کجا برگردانیده میشوید شکافنده صبح است وگردانید شب را
سَكَنًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ
آرامگاه وگردانید آفتاب و ماه را معیار حساب اینست تقدیر خدا غالب
الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ۝ وَهُوَ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ النُّجُوْمَ
دانا و اوست آنکه بیافرید برای شما ستاره ها
لِتَهْتَدُوْا بِهَا فِيْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا
تا راه بیابید بسبب آنها در تاریکیها بیابان و دریا هر آینه تفصیل بیان کردیم
الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَكُمْ
نشانها را برای گروهی که میدانند و اوست آنکه پیدا کرد شما را از
مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَّمُسْتَوْدَعٌ قَدْ
یک شخص پس شما را قرارگاهی است و ودیعت جای هر آینه
فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّفْقَهُوْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ
بتفصیل بیان کردیم نشانها برای گروهی که می فهمند و اوست آنکه فرود آورد
مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَاَخْرَجْنَا
از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بسبب آن آب روباینده از هر قسم
مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ
آوردیم ازان آب سبزه بیرون می آریم ازان سبزه دانها یکی بر دیگری پیوسته و از درختان
طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَّجَنّٰتٍ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّ
از شاخهای او یک طایفه شاخهای بزمین نزدیک شده است و بیرون آوردیم بوستانها
الزَّيْتُوْنَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَّغَيْرَ مُتَشَابِهٍ اُنْظُرُوْا
از درختان انگور زیتون و انار مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر جدا بنگرید
اِلٰى ثَمَرِهٖٓ اِذَآ اَثْمَرَ وَيَنْعِهٖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكُمْ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ
بسوی میوه درخت چون میوه آرد بسوی پختگی او هر آینه درین نشانهاست گروهی
يُّؤْمِنُوْنَ ۝ وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ
را که ایمان دارند و مقرر کردند کافران برای خدا شریکان را از قسم جن اند حال خدا

پس برون

وخرقوا



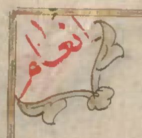


وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنٰتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا
آفریده است ایشان را و برافترا ثابت کردند او را فرزندان دختران بغیر دانش پاکیست او را و بلند
يَصِفُونَ ۝ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ أَنّٰى يَكُونُ
از آنچه بیان میکنند او آفریننده آسمانها و زمین است چگونه باشد
لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ
او را فرزندی حال آنکه نبود او را زن و بیافرید هر چیز و او بهر چیز داناست
هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا
و او بهر چیز داناست این است خدا پروردگار شما نیست هیچ معبود
هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
مگر او آفریننده هر چیز است پس پرستش بکنید او را و او بهر چیز کارساز است
وَكِيلٌ ۝ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ
در نمی یابند او را چشمها یعنی در دنیا و او در می یابد چشمها را و اوست
وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
و اوست مهربان آگاه هر آینه آمدند بشما دلیلها از جانب پروردگار شما
فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا
پس هر که بینا شد پس نفع او راست و هر که نابینا ماند پس زیان بر وی است بگو
عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيٰتِ وَ
یا محمد که نیستم بر شما نگاهبان و همچنین گوناگون بیان میکنیم نشانها برای احتراز
لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝
از آنکه گویند که خوانده و تا بیان کنیم این دین را برای گروهی که میدانند
اِتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ
یا محمد پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد بسوی تو از جانب پروردگار تو هیچ معبود نیست — مگر او و اعراض کن
عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا
از مشرکان و اگر خواستی خدا شریک مقرر نمی کردند
جَعَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ
و نگردانیم شما بر ایشان نگاهبان و نیستی تو بر ایشان متعهد

الجزء الثامن

ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا
ای مسلمانان دشنام مدهید کسانی که مشرکان می پرستند جز خدا زیرا که ایشان
الله عدوا بغير علم كذلك زينا لكل امة عملهم
دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم بغیر دانش و همچنین آراسته کردیم هر گروهی کردار آنکرده
ثم الى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون
باز بسوی پروردگار ایشان رجوع ایشان باشد پس خبر دهد ایشان را بعاقبت حال آنچه میکردند
واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءتهم اية ليؤمنن
و سوگند خوردند که فرمان بسخت ترین سوگند خویش که اگر بیاید ایشان معجزه والبته ایمان آرند
بها قل انما الايت عند الله وما يشعركم انها اذا
بآن بگو جز این نیست که معجزه ها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است شما را
جاءت لا يؤمنون ونقلب افئدتهم وابصارهم
ای مسلمانان که چون بیاید ایشان ایمان نیارند و صرف کنیم دل ایشان را و چشم ایشان را
كما لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون
چنانکه ایمان نیاوردند بقرآن اول بار و بگذاریم ایشان را در گمراهی خود سرگردان گشته
ولو اننا نزلنا اليهم الملئكة وكلمهم الموتى و
و اگر فرستادیم بسوی ایشان فرشتگان و سخن میگفتند با ایشان مردگان
حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا
و جمع میکردیم بر ایشان هر چیز گروه گروه هرگز ایمان نمی آوردند
الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون وكذلك
مگر وقتی که خواستی خدا و لیکن بسیاری از ایشان نادانی میکنند و همچنین
جعلنا لكل نبي عدوا شيطين الانس والجن
پیدا کردیم برای هر پیغامبری دشمنانی که شیاطین اند از آدمیان و جن
يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا
بطریق وسوسه القا میکنند بعض ایشان بسوی بعض سخن باطل آراسته فریب دهنده
ولو شاء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون
و اگر خواستی پروردگار تو نمیکردند این کار پس بگذار ایشان با افترای ایشان

ولتصغى



وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ

سخن بطل هر آراسته تا میل کنند بسوی او دلهای کسانیکه ایمان ندارند بآخرت و تا پسند کنند

لِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۝ أَفَغَيْرَ اللَّهِ

او را و تا عمل کنند او را آنچه ایشان کنندهٔ آنند یعنی آنچه لایق ایشانست بگو ایا طلب

أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا

کنم فیصل کنند بجز خدا و اوست آنکه فرو فرستاد بسوی شما قران واضح کرده شد

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ

و کسانیکه دادیم ایشانرا یعنی کتاب تورات میدانند که قران فرو فرستاده شده است

رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَتَمَّتْ

پروردگار تو براستی پس مباش از شک کنندگان یعنی یهود را و تمامست

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

سخن پروردگار تو براستی و انصاف هیچکس تغیر کننده نیست سخنهای او را

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي

و اوست شنوا و دانا و اگر فرمان برداری کنی بسیاری را از اهل

الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا

زمین گمراه کننده ترا از راه خدا پیروی نمی کنند مگر

الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ

گمان راه نیستند مگر دروغگوی شد هرآینه پروردگار تو داناتر است

مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝

بکسی که دور میشود از راه وی و او داناتر است از راه یافتگان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

پس بخورید آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بر وی یعنی نزدیک ذبح اگر مومن هستید

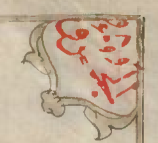
وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ

و چیست شمارا از آنچه نمی خورید ذکر کرده شده است نام خدا بر وی حال آنکه بتفصیل

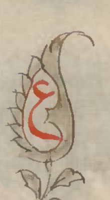
لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ

بیان کرده است برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است الا آنکه مضطر باشند بسوی او است

آیات خدا



كثيرا ليضلون بأهوائهم بغير علم إن ربك هو
و هر آینه بسیاری گمراه باشند بخواهش نفس خویش بغیر دانش هر آینه پروردگار تو
أعلم بالمعتدين ۝ وذروا ظاهر الإثم وباطنه
داناتر است بستمکاران و ترک کنید آشکارا گناه را و پنهان او را
إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقترفون
هر آینه کسانیکه گناه می کنند جزا داده خواهند شد بسبب آنچه می کردند
ولا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه وإنه لفسق و
و مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر وی و خوردن گناه است و
إن الشيطين ليوحون إلى أوليائهم ليجادلوكم و
هر آینه شیاطین وسوسه القا می کنند بسوی دوستان خویش تا خصومت کنند با
إن أطعتموهم إنكم لمشركون ۝ أومن كان ميتا
و اگر فرمان برداری ایشان کنید هر آینه شما مشرک باشید آیا کسی که مرده بود



فأحيينه وجعلنا له نورا يمشي به في الناس
پس زنده ساختیم او را و پیدا کردیم برای او نوری که میرود بوی میان مردمان
كمن مثله في الظلمت ليس بخارج منها كذلك زين
مانند کسی باشد که صفتش اینست در تاریکیها نیست بیرون آینده از آن همچنین آراسته
للكفرين ما كانوا يعملون ۝ وكذلك جعلنا في
کرده شده است در نظر کافران آنچه میکردند و همچنین پیدا کردیم در هر
كل قرية أكبر مجرميها ليمكروا فيها وما يمكرون
دیهی رئیسان فساق آن دیه تا فریب کنند در آن دیه و در حقیقت ضرر نمی کنند
إلا بأنفسهم وما يشعرون ۝ وإذا جاءتهم ءاية قالوا
مگر در حق خویشتن و نمی دانند و چون بیاید بایشان نشانه گویند
لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما أوتي رسل الله الله
ایمان نیاریم تا وقتی که داده شود ما را مانند آنچه داده شده است بپیغامبران خدا
أعلم حيث يجعل رسالته سيصيب الذين أجرموا
و خدا داناتر است بمحل نهادن پیغامبری خود خواهد رسید این گناهکاران را

صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون
رسوائی نزدیک خدا و عذابی سخت بسبب آنکه بدی اندیشیدند
فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للاسلام
پس هرکرا خدا خواهد که هدایت کندش کشاده کند سینه اورا
ومن يرد ان يضله يجعل صدره ضيقا حرجا
و هرکرا خواهد که گمراه کندش تنگ کند سینه اورا در نهایت تنگی
كانما يصعد في السماء كذلك يجعل الله الرجس
گویا بالا میرود در آسمان و همچنین می اندازد خدا ناپاکی را
على الذين لا يؤمنون وهذا صراط ربك
برکسانیکه ایمان نمی آرند و این اسلام راه پروردگار تست
مستقيما قد فصلنا الايت لقوم يذكرون
راست آمده هر آینه تفصیل کردیم نشانها را برای گروهی که پند پذیر میشوند
لهم دار السلم عند ربهم وهو وليهم بما كانوا
ایشانرا هست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیک پروردگار ایشان و او کارساز ایشانست
يعملون ويوم يحشرهم جميعا يمعشر الجن قد
بسبب آنچه میکردند روزی که حشر کند خدا ایشانرا همه یکجا گوید ای گروه جن هر آینه
استكثرتم من الانس وقال اولياؤهم من الانس
خود بسیار گرفتید از مردمان و گفتند دوستان از آدمیان
ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا اجلنا
ای پروردگار ما بهره مند شد بعض ما از بعض و رسیدیم بمیعاد خویش
الذي اجلت لنا قال النار مثوىكم خلدين فيها
که تعیین کرده بودی برای ما گوید خدا آتش جای شماست جاودان آنجا بیش
الا ما شاء الله ان ربك حكيم عليم وكذلك نولي
آنچه خدا خواسته است بودنیست هر آینه پروردگار تو استوار کار داناست و همچنین
بعض الظلمين بعضا بما كانوا يكسبون يمعشر
بعض ستمکاران بر بعض بشامت آنچه میکردند ای گروه

مسلط میکنیم

ع

صغار عند الله

... شديد بما كانوا يمكرون
... بسبب آنکه بدی اندیشیدند
... يشرح صدره للإسلام
... کشاده کند سینه او را
... يجعل صدره ضيقا حرجا
و هر که را خواهد که گمراه کند تنگ کند سینه او را در نهایت تنگی
كأنما يصّعّد في السماء كذلك يجعل الله الرجس
گویا بالا میرود در آسمان و همچنین می اندازد خدا ناپاکی را
على الذين لا يؤمنون ۝ وهذا صراط ربك
برکسانیکه ایمان نمی آرند و این اسلام راه پروردگار تست
مستقيما قد فصلنا الآيت لقوم يذكرون
راست آمده هر اینه تفصیل کردیم نشانها را برای گروهی که پند پذیر میشوند
لهم دار السلم عند ربهم وهو وليهم بما كانوا
ایشانراست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیک پروردگار ایشان و او کارساز ایشانست
يعملون ۝ ويوم يحشرهم جميعا يمعشر الجن قد
بسبب آنچه میکردند روزی که حشر کند خدا ایشانرا همه یکجا گوید ای گروه جن شده تابع
استكثرتم من الإنس وقال أولياؤهم من الإنس
خود بسیار گرفتید از مردمان و گفتند دوستان از آدمیان شده
ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا أجلنا
ای پروردگار ما بهره مند شد بعض ما از بعض شده و رسیدیم بمیعاد خویش
الذي أجلت لنا قال النار مثوكم خلدين فيها
که تعیین کرده بودی برای ما گوید خدا آتش جای شماست جاودان آنجا لیکن
إلا ما شاء الله إن ربك حكيم عليم ۝ وكذلك نولي
آنچه خدا خواسته است بودنیست شده هر آینه پروردگار تو استوار کار داناست و همچنین
بعض الظلمين بعضا بما كانوا يكسبون ۝ يمعشر
بعض ستمکاران بر بعض بشامت آنچه میکردند ای گروه



الجن والانس الم ياتكم رسل منكم يقصون عليكم

جن و انس ایا نیامدند بشما پیغمبران از جنس شما میخواندند بر شما

ايتي وينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا شهدنا على

آیات مرا و بیم کردند شما را از ملاقات این روز شما گویند اعتراف کردیم بر

انفسنا وغرتهم الحيوة الدنيا وشهدوا على

خویشتن و فریب دادیم ایشان را زندگانی دنیا و گواهی دادند بر

انفسهم انهم كانوا كفرين ۝ ذلك ان لم يكن ربك

خویشتن که ایشان کافر بودند این ارسال رسل بسبب آنست که هرگز پروردگار

مهلك القرى بظلم واهلها غفلون ۝ ولكل

هلاک کننده شهرها نباشد بجزای ظلم در حالی که اهل آنها غافل باشند و هر شخص را

درجت مما عملوا وما ربك بغافل عما يعملون ۝

مرتبه هاست از اجر آنچه کردند نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه عمل می آرند

وربك الغنى ذو الرحمة ان يشا يذهبكم و

و پروردگار تو غنی و خداوند رحمت است اگر خواهد دور کند شما را

يستخلف من بعدكم ما يشاء كما انشاكم من

و جانشین سازد پس از شما هر که را خواهد چنانکه پیدا کرد شما را از

ذرية قوم اخرين ۝ ان ما توعدون لات وما

نسل قومی دیگر برآینه هرچه وعده کرده میشود شما را البته آمدنیست

انتم بمعجزين ۝ قل يقوم اعملوا على مكانتكم اني

و نیست شما عاجز کنندگان بگو ای قوم من عمل کنید شما بر حالت خویش هرآینه

عامل فسوف تعلمون ۝ من تكون له عاقبة الدار انه لا

من نیز عمل کننده ام زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده در آخرت

يفلح الظلمون ۝ وجعلوا لله مما ذرا من الحرث والانعام

هرآینه رستگار نشوند ظالمان است و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس

نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشركائنا فما كان

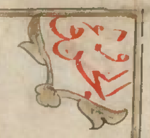
حصه گفتند این حصه برای خداست بگمان خویش این حصه برای شرکا ما گردیم

لشركائهم

انعام

لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمْ
پس آنچه بود برای شرکای ایشان نمیرسد بخدا و آنچه باشد برای خدا میرسد بشرکای ایشان
سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ
بد چیزیست که مقرر میکنند و همچنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد
شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا۟ عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ
ایشان شرکائی ایشان تا هلاک کنند ایشان او تا مختلط کنند بر ایشان دین ایشان را
شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا۟
و اگر خواستی خدا نکردندی این کار پس بگذار ایشان را و با مفتریات ایشان و گفتند
هَٰذِهِۦٓ أَنْعَٰمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ
آن چهارپایان و زراعت حجراست که نخورد مگر آنکه ما خواهیم
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَٰمٌ لَّا
بگمان خویشتن و چهارپایان دیگراند که حرام کرده است سواری بر پشت آنها
يَذْكُرُونَ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا ٱفْتِرَآءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا
دیگر اند که نام خدائی نبرند نزدیک ذبح آن بسبب آنکه دروغ بسته اند بر خدا
كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا۟ مَا فِى بُطُونِ هَٰذِهِ ٱلْأَنْعَٰمِ
جزا خواهد داد ایشان را بمقابله آنچه افترا میکردند و گفتند آنچه در شکم این چهارپایان
خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِنَا وَإِن يَكُن
حلال است برای مردمان و حرام است بر زنان اگر
مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَآءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ
مرده باشد همه دران شریک اند جزا خواهد داد بمقابله این بیان ایشان
عَلِيمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓا۟ أَوْلَٰدَهُمْ سَفَهًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ
کاردانا است هر آینه زیان کار شدند آنانکه کشتند فرزندان خود را از جهت بیخردی
وَحَرَّمُوا۟ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفْتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِ قَدْ ضَلُّوا۟ وَ
بغیر دانش حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را بسبب دروغ بستن بر خدا بتحقیق گمراه شدند
مَا كَانُوا۟ مُهْتَدِينَ ۝ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٍ مَّعْرُوشَٰتٍ
و ایشان و نه شدند راه یافتگان و خدا آنست که پیدا کرد بوستانها بر داشته شده

ربع



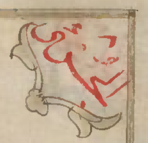
وَغَيْرَ مَعْرُوشَـٰتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ
و بوستانها غیر برداشته بر پایها و پیدا کرد درختان خرما را و زراعت گوناگون
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَـٰبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَـٰبِهٍ
میوه های هر یکی و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر
كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ
بخورید میوه های آن چون میوه آورد و بدهید زکوه او را روز درودن وی و
لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَمِنَ الْأَنْعَامِ
اسراف مکنید هر آینه خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را و پیدا کرد از چهارپا
حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَٰتِ
باربردارنده را و جانوری را که بر زمین غلط شد بجهت ذبح بخورید از آنچه روزی داده است
الشَّيْطَـٰنِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ ثَمَـٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ مِّنَ
گامهای شیطان را هر آینه او شما را دشمن ظاهر است آفرید هشت قسم از گوسپند
الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ
دو قسم از بز یعنی نر و ماده از هر یک بگو آیا این دو نر را
حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ
حرام کرده است خدا یتعالی یا این دو ماده مشتمل است بر وی رحمهای
الْأُنثَيَيْنِ نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ ۝ وَمِنَ
این دو ماده خبر دهید مرا بدانش اگر هستید راست گو و پیدا
الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ
کرد از شتر دو قسم و از گاو دو قسم بگو این دو نر را
حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ
حرام کرده است خدا یا این دو ماده یا آنرا که مشتمل شده است بر وی رحمهای این
أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ وَصَّىٰكُمُ اللَّهُ بِهَـٰذَا فَمَنْ أَظْلَمُ
آیا حاضر بودید وقتیکه حکم کرد شما را خدا بآن پس کیست ستمکارتر از
مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ
کسی که بندد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان بغیر دانش

ع

إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ۝ قُلْ لَّا أَجِدُ فِي
هر آینه خدا راه نمی نماید قوم ستمکاران را بگو نمی یابم
مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ
آنچه وحی فرستاده شد بسوی من هیچ چیز حرام بر خورنده بخورند آنرا آنکه
يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ
مردار باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک هر آینه آن
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ
حرام است یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده شد وقت ذبح
غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَعَلَى
او پس هرکه درمانده شود نه بغی کننده پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربانست و بر
الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَّمِنَ الْبَقَرِ
آنانکه یهود شدند حرام ساختیم هر جانور ناخن دار و از گاو
وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ
و گوسفند حرام ساختیم بر ایشان پیه این دو قسم مگر پیهی که بر داشته است پشت
ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ
ازهاست این دو قسم یا بر داشته است ازارودها یا آنچه متعلق شده با استخوان این طور
بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصٰدِقُونَ ۝ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ
بمقابله ستم ایشان و هر آینه ما راست گوییم پس اگر بدروغ نسبت کنند ترا بگو که
رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَّلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ
پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و رد کرده نمیشود عقوبت او از گروه
الْمُجْرِمِينَ ۝ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللّٰهُ
ستمکاران زود باشد که بگویند مشرکان اگر خواستی خدا
مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ
شریک مقرر نمیکردیم و نه پدران ما میکردند و نه حرام میکردیم چیزی را همچنین
كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتّٰى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ
بدروغ نسبت کردند کسانی که پیش از ایشان بودند تا آنکه چشیدند عقوبت ما بگو آیا

جزا دادیم ایشان را

یعنی رضای وی بود



عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
نزدیک شما دانش تا بیرون آرید آنرا برای ما پیروی نمیکنید مگر شبهه را
وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ۝ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ
و نیستید شما مگر دروغگوی بگو خدای راست دلیل محکم
فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ
پس اگر خواستی خدا هدایت کردی شما را همه یکجا بگو بیارید علمای خود را
الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا فَإِن شَهِدُوا
آنانکه گواهی میدهند که خدا حرام ساخته است این را پس یا محمد اگر بغرض آن
فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
تو معترف مشو با ایشان و پیروی مکن خواهش کسانیکه بدروغ نسبت کردند
وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ
و کسانی که اعتقاد ندارند با آخرت و ایشان پروردگار خود برابر
قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا
بگو بیایید تا بخوانم آنچه حرام کرده است بر شما فرموده است که شریک
بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم
مقرر مکنید چیزی را و بوالدین نیکوکاری کنید و مکشید اولاد خود را
مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا
از ترس فقر ما روزی دهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید
الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا
به بیحیاییها هرچه آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد و مکشید
النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم
هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا مگر بحق این حکم فرموده است شما
بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ
تا بود که شما بفهمید و تعقل کنید و نزدیک مشوید بمال یتیم
إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ
الا بخصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد بجوانی خود و تمام کنید پیمانه

گواهی میدهند

آیات را

میکنند



والمیزان

والميزان بالقسط لا نكلف نفسا الا وسعها واذا قلتم
و ترازو انصاف تکلیف نمیدهیم هیچکس را مگر قدر طاقت او و چون سخن گویند

فاعدلوا ولو كان ذا قربى وبعهد الله اوفوا ذلكم
پس رعایت انصاف نمائید و اگرچه آن صاحب قرابت باشد و بعهد خدا وفا کنید

وصىكم به لعلكم تذكرون وان هذا
این حکم فرموده است شما را تا پند پذیر شوید و خبر داده است اینکه مذکور شد

صراطي مستقيما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق
راه من است راست و درست آمده پس پیروی او کنید و پیروی مکنید راههای دیگر که این

بكم عن سبيله ذلكم وصىكم به لعلكم تتقون
راهها جدا کنند شما از راه خدا این حکم فرموده است شما را تا پرهیزکاری کنید

ثم اتينا موسى الكتب تماما على الذي احسن
باز نیکو سم که داده بودیم موسی را کتاب تا نعمت تمام کنیم بر هر که نیکوکار بود

وتفصيلا لكل شيء وهدى ورحمة لعلهم
و بیان کنیم هر چیز را و بجهت هدایت مهربانی تا ایشان بلاقات

بلقاء ربهم يؤمنون وهذا كتب انزلنه مبرك
بلاقات پروردگار خویش ایمان آرند و این قرآن کتابیست فرستادیم بابرکت

فاتبعوه واتقوا لعلكم ترحمون ان تقولوا انما
پس پیروی او کنید و پرهیزکاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما فرستادیم تا نگویند

انزل الكتب على طائفتين من قبلنا وان كنا
بجز این نیست که فرود آورده شد کتاب یعنی توریت و انجیل بر دو گروه پیش از ما و بتحقیق

عن دراستهم لغفلين او تقولوا لو انا انزل
از تلاوت ایشان بیخبر یا گویند اگر فرود آورده شدی

علينا الكتب لكنا اهدى منهم فقد جاءكم بينة
بر ما کتاب هر آینه بودمی راه یافته تر از ایشان پس آمده است بشما

من ربكم وهدى ورحمة فمن اظلم ممن كذب
از پروردگار شما و هدایت و بخشایش پس کیست ستمکارتر از کسی که بدروغ

گویند
وفا کنید
بودم
حجتی



بِايٰتِ اللّٰهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ
نسبت کند آیات خدارا و اعراض کند ازان جزا خواهیم داد اعراض کنندگان را

عَنْ اٰيٰتِنَا سُوٓءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ
از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض میکردند

هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ يَاْتِيَ رَبُّكَ
منتظر نیستند مگر آنرا که بیایند بدیشان فرشتگان یا بیاید حکم پروردگار — کار تو

اَوْ يَاْتِيَ بَعْضُ اٰيٰتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَاْتِي بَعْضُ اٰيٰتِ
یا بیاید بعض نشانهای پروردگار تو روزی که بیاید بعض نشانهای

رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
پروردگار تو نفع ندهد نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش ازین ایمان او یا — ندهد کسی را

اَوْ كَسَبَتْ فِيٓ اِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوٓا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ
کسب کرده بود در ایمان خود عمل خیر تو بگو انتظار کشید هرآینه ما نیز منتظریم

اِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ
بتحقیق آنانکه پراکنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند نیستی از ایشان در هیچ حسابی

فِي شَيْءٍ اِنَّمَآ اَمْرُهُمْ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
جز این نیست که کار ایشان گذاشته شده بسوی خداست باز خبر دهد ایشان بعاقبت آنچه میکردند

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثَالِهَا وَمَنْ جَآءَ
هرکه آورد نیکی پس اوراست ده چندان و هرکه آورد

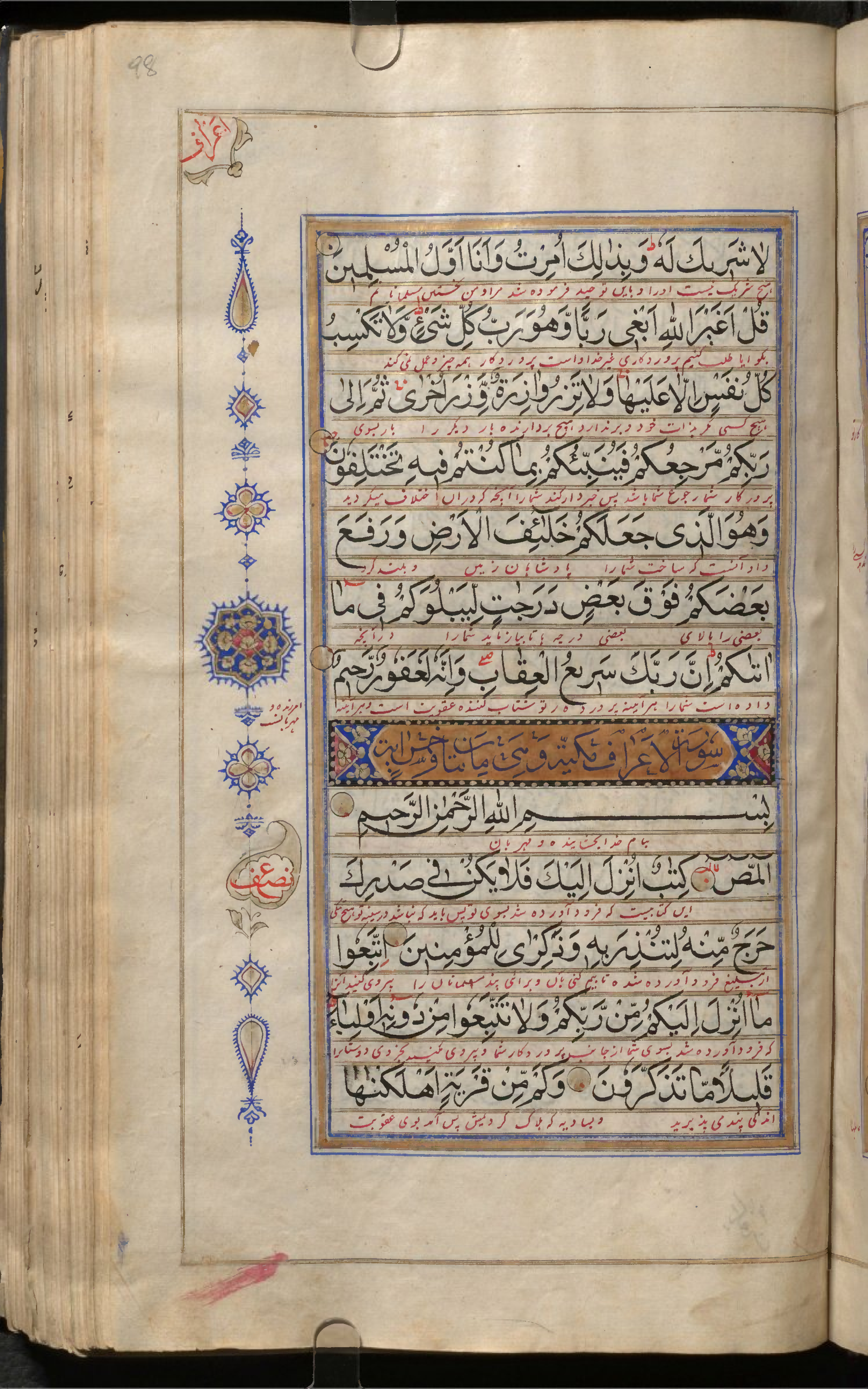
بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
بدی جزا داده نخواهد شد الا مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد

قُلْ اِنَّنِي هَدٰىنِي رَبِّيٓ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا
بگو هرآینه دلالت کرده است مرا پروردگار من بسوی راه راست مراد میدارم دین

قِيَمًا مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُلْ اِنَّ
درست کیش ابراهیم را حنیف شد و نبود از مشرکان بگو هرآینه

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ
نماز من و حج و قربانی من و زنده گانی من و موت من همه برای خداست پروردگار — عالمیان

لا شريك



لاشريك له وبذلك امرت وانا اول المسلمين

هیچ شریک نیست اورا و باین توحید فرموده شد مرا و من نخستین مسلمانانم

قل اغير الله ابغى ربا وهو رب كل شىء ولا تكسب

بگو آیا طلب کنیم پروردگاری غیر خدا و اوست پروردگار همه چیز و عمل نمی کند

كل نفس الا عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى

هیچ کسی مگر بر ذات خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگر را بار بسوی

ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون

پروردگار شما رجوع شما باشد پس خبردار کند شما را آنچه که در آن اختلاف میکردید

وهو الذى جعلكم خلئف الارض ورفع

و او آنست که ساخت شما را پادشاهان زمین و بلند کرد

بعضكم فوق بعض درجت ليبلوكم فى ما

بعضی را بالای بعضی درجه ها تا بیازماید شما را در آنچه

اتىكم ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم

داده است شما را هر آینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است و هر آینه

امرزنده و مهربانست

سورة الاعراف مكية وهى مائتان وخمس ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا بخشاینده و مهربان

المص كتب انزل اليك فلا يكن فى صدرك

این کتابیست که فرود آورده شد بسوی تو پس باید که نباشد در سینه تو هیچ تنگی

حرج منه لتنذر به وذكرى للمؤمنين اتبعوا

از تبلیغ فرود آورده شده تا بیم کنی بآن و برای پند مسلمانان را پیروی کنید آنرا

ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء

که فرود آورده شد بسوی شما از جانب پروردگار شما و پیروی مکنید بجز وی دوستان را

قليلا ما تذكرون وكم من قرية اهلكنها

اندکی پندمی پذیرید و بسا دیه که هلاک کردیمش پس آمد بوی عقوبت



فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا اَوْ هُمْ قَآئِلُوْنَ ۝ فَمَا كَانَ

ما را ایشان شبانگاه و آن ارمیده بودند یا وقتیکه ایشان در خواب نیمروز بودند پس نبود

دَعْوٰهُمْ اِذْ جَآءَهُمْ بَأْسُنَآ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ۝

قول ایشان چون بیامد بایشان عقوبت ما الا آنکه گفتند هر آینه ما ستمکار بودیم

فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِيْنَ اُرْسِلَ اِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِيْنَ ۝

پس البته سوال خواهیم کرد از آنانی که پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَّمَا كُنَّا غَآئِبِيْنَ ۝ وَالْوَزْنُ

پس البته بیان خواهیم کرد بحضور ایشان بدانش نبودیم غایب وسنجیدن اعمال

يَوْمَئِذِ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ

بانصاف آن روز بود درست پس هر که گران شد پله نیکیهای او پس ایشانند

الْمُفْلِحُوْنَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ

رستگار و هر که سبک شد پله نیکیهای او پس ایشانند آنانکه

خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَظْلِمُوْنَ ۝ وَ

زیان کردند در حق خویشتن بسبب آنکه بآیات ما انکار میکردند و

لَقَدْ مَكَّنّٰكُمْ فِى الْاَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيْهَا

هر آینه استقرار دادیم شما را در زمین و پیدا کردیم برای شما در آنجا

مَعَايِشَ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنٰكُمْ

اسباب معیشت اندکی شکر می کنید و هر آینه آفریدیم شما را یعنی



ثُمَّ صَوَّرْنٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا

یعنی پدر شما باز صورت بستیم شما را یعنی پدر شما را باز گفتیم بفرشتگان که سجده کنید آدم را پس سجده

اِلَّآ اِبْلِيْسَ لَمْ يَكُنْ مِّنَ السّٰجِدِيْنَ ۝ قَالَ مَا مَنَعَكَ

مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان گفت خدا چه چیز منع کرد ترا

اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اَمَرْتُكَ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِىْ مِنْ

از آنکه سجده کنی وقتی که امر کردم ترا گفت من بهترم از وی آفریده مرا از

نَارٍ وَّخَلَقْتَهٗ مِنْ طِيْنٍ ۝ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا

آتش پیدا کرده آفریده او را از گل گفت فرو رو از آسمان زیرا که

يَكُوْنُ

يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصغرين

لاین نیست ترا که سرکشی کنی در ان پس بیرون شو تو از خوار شونده کانی

قال انظرني الى يوم يبعثون ۝ قال انك من المنظرين

گفت بار خدایا مهلت ده مرا تا روز که برانگیخته شوند مردمان گفت خدا اینه تو از مهلت

قال فبما اغويتني لاقعدن لهم صراطك المستقيم

گفت پس بسبب آنکه مرا گمراه کردی البته بنشینم برای آدمیان بر راه راست تو

ثم لاتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم

پس البته بیایم بسوی ایشان از پیش ایشان و از پس ایشان و از جانب

وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم شكرين ۝ قال اخرج

راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیابی اکثر ایشان شکر گذار گفت بیرون رو

منها مذءوما مدحورا لمن تبعك منهم لاملئن

از آسمان نکوهیده و رانده شده بخدا که هر که پیروی کند ترا از آدمیان البته پر کنم

جهنم منكم اجمعين ۝ ويادم اسكن انت وزوجك

دوزخ را از شما همه یکجا و ای آدم ساکن شو تو و زن تو

الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة

در بهشت پس بخورید از هر جا که خواهید و نزدیک مشوید باین درخت

فتكونا من الظلمين ۝ فوسوس لهما الشيطن

که خواهید شد از ستمکاران پس وسوسه داد ایشان را شیطان

ليبدي لهما ما وري عنهما من سواتهما وقال ما

تا آشکارا کرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرمگاه ایشان و گفت

نهكما ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا

منع نکرده است شما را پروردگار شما ازین درخت مگر برای احتیاط از انکه شوید

ملكين او تكونا من الخلدين ۝ وقاسمهما اني

دو فرشته یا شوید از جاوید باشندگان و قسم داد برای ایشان

لكما لمن النصحين ۝ فدلهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

که از نصیحت کنندگانم شما را پس بسوی پستی انداخت ایشان را بفریب دادن



بَدَتْ لَهُمَا سَوْءٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفٰنِ عَلَيْهِمَا مِنْ

پس چون چشیدند میوه آن درخت را ظاهر شد ایشان را شرمگاه ها می چسپانیدند برخود

وَّرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادٰىهُمَا رَبُّهُمَا اَلَمْ اَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا

از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان آیا منع کرده بودم

الشَّجَرَةِ وَاَقُلْ لَّكُمَا اِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ

شما را ازین درخت و نگفته بودم بشما که هر آینه شیطان شما را دشمن آشکارا است

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم برخویش و اگر نیامرزی مارا و مهربانی نکنی برما

لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ قَالَ اهْبِطُوْا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ

البته باشیم از زیان کاران گفت خدا فرو روید بعض شما بعضی را

عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَّمَتَاعٌ اِلٰى حِيْنٍ

دشمن خواهد بود و شما را در زمین استقرار و بهره مندی بود تا وقتی معین

قَالَ فِيْهَا تَحْيَوْنَ وَفِيْهَا تَمُوْتُوْنَ وَمِنْهَا تُخْرَجُوْنَ

گفت در زمین زنده کانی خواهید کرد در انجا خواهید مرد و ازانجا بیرون

يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُّوَارِيْ سَوْءٰتِكُمْ

ای فرزندان آدم هر آینه ما فرود آوردیم جامهای زینت که بپوشد شرمگاه شما

وَرِيْشًا وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ

و فرود آوردیم لباس زینت و پرهیزگاری این همه بهتر است این از نشانهای

يَذَّكَّرُوْنَ يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ كَمَآ اَخْرَجَ

پند پذیر شوند ای فرزندان آدم گمراه نکند شما را شیطان چنانچه بیرون

اَبَوَيْكُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا

آورد پدر و مادر شما از بهشت بر میکشید از ایشان جامه ایشان را تا بنماید

سَوْءٰتِهِمَا اِنَّهٗ يَرٰىكُمْ هُوَ وَقَبِيْلُهٗ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ

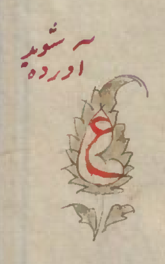
ایشان را شرمگاه ایشان هر آینه می بیند شما را شیطان و قوم او ازانجا که شما نمی بینید

اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيٰطِيْنَ اَوْلِيَآءَ لِلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ

هر آینه ما ساختیم شیاطین را کارگزار کسانیکه ایمان ندارند

شرمگاه ایشان و شروع کردند که برگی بالای

آورده شوید



خدا نیست

وَاِذَا



وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا والله
و چون کنند کار زشت گویند یافتیم بر آن پدران خود را و خدا
أمرنا بها قل إن الله لا يأمر بالفحشاء أتقولون على
فرموده است ما را بآن بگو هر آینه خدا نمیفرماید بکار زشت آیا میگویند بر
الله ما لا تعلمون ۝ قل أمر ربي بالقسط وأقيموا
خدا آنچه نمیدانید بگو هرآینه فرموده است پروردگار من بانصاف و فرموده است
وجوهكم عند كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين
روی خود را نزدیک هر نماز و بپرستید او را برای او خاص کرده عبادت
كما بدأكم تعودون ۝ فريقا هدى وفريقا حق
چنانکه آفرید شما را همچنین دیگر بار خواهید شد گروهی راه نمود و گروهی ثابت شد
عليهم الضلالة إنهم اتخذوا الشياطين أولياء من
برایشان گمراهی هر آینه گرفتند دیو شیاطین را دوست
دون الله ويحسبون أنهم مهتدون ۝ يا بني آدم
بجز خدا و می پندارند که ایشان راه یافتگانند ای فرزندان آدم
خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا و
بگیرید زینت خود را نزدیک هر نماز و بخورید و
اشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين ۝ قل
بیاشامید و از حد مگذرید هرآینه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را بگو
من حرم زينة الله التي أخرج لعباده والطيبات من
که حرام کرد زینت خدا را که بیرون آورده است برای بندگان خود و پاکیزه ها
الرزق قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة
از روزی بگو آن پاکیزه ها و ملابس و مطاعم برای مومنانست در زندگانی دنیا خاص شده
يوم القيامة كذلك نفصل الآيات لقوم يعلمون ۝
روز قیامت همچنین بیان می کنیم نشانه ها برای گروهی که میدانند
قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها وما
بگو جز این نیست که حرام کرده است پروردگار من بیحیائیها آنچه علانیه باشد از آن و آنچه

یعنی سر و پا برهنه و ختنه ناکرده محشور خواهید شد والله اعلم



برای ایشان [illegible]

بَطَنَ وَالْاِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَاَنْ تُشْرِکُوْا بِاللّٰهِ مَا
پوشیده باشد و گناه و تعدی ناحق و آنکه شریک خدا مقرر کنند چیزی
لَمْ یُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا وَّاَنْ تَقُوْلُوْا عَلَی اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ
که خدا هیچ دلیل بران نازل نکرده است و انکه گویند بر خدا انچه ندانسته اند
وَلِکُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا یَسْتَاْخِرُوْنَ
و هر گروهی را میعاد نیست چون بیاید میعاد ایشان تاخیر نکنند
سَاعَةً وَّلَا یَسْتَقْدِمُوْنَ یٰبَنِیْٓ اٰدَمَ اِمَّا یَاْتِیَنَّکُمْ
ساعتی و نه پیشدستی کنند ای فرزندان ادم اگر بیاید بشما
رُسُلٌ مِّنْکُمْ یَقُصُّوْنَ عَلَیْکُمْ اٰیٰتِیْ فَمَنِ اتَّقٰی وَاَصْلَحَ
فرستاده از جنس شما میخوانند بر شما آیات را پس هر که پرهیزکاری کند
فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ وَالَّذِیْنَ کَذَّبُوْا
پس نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند و کسانیکه دروغ داشتند
بِاٰیٰتِنَا وَاسْتَکْبَرُوْا عَنْهَآ اُولٰٓئِکَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ
آیات مارا و سرکشی کردند از قبول آنها آن جماعه باشندگان دوزخ ایشان
فِیْهَا خٰلِدُوْنَ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ
دران جاوید اند پس کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا
کَذِبًا اَوْ کَذَّبَ بِاٰیٰتِهٖ اُولٰٓئِکَ یَنَالُهُمْ نَصِیْبُهُمْ مِّنَ
دروغ را یا دروغ نسبت کرد آیات اورا آن جماعه برسد بدیشان بهره ایشان از
الْکِتٰبِ حَتّٰٓی اِذَا جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا یَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوْٓا
کتاب تا آنکه بیایند بایشان فرستادگان ما قبض ارواح ایشان کنند گویند
اَیْنَ مَا کُنْتُمْ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا
کجاست انچه شما میپرستیدید بجز خدا گویند گم شدند ایشان از ما
وَشَهِدُوْا عَلٰٓی اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ کَانُوْا کٰفِرِیْنَ قَالَ
و معترف شدند بر خویش بانکه ایشان کافر بودند حکم کند خدا
ادْخُلُوْا فِیْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِکُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش از شما از جن و انس

یعنی در معنی هست برای هلاک ایشان واسه اعلم

و نیکو کاری کرد

یعنی نعمت و نقمت که تقدیر شده در دنیا بایشان برسد واسه اعلم

گویند

اعراف

فی النار کلما دخلت امة لعنت اختها حتی اذا
در آتش هرگاه در آید قومی لعنت کند قوم دیگر مانند خود را تا وقتیکه
ادارکوا فیها جمیعا قالت اخریهم لاولیهم ربنا
بیکدیگر رسند در دوزخ همه یکجا گوید جماعه متاخر از ایشان جماعه متقدم از ایشان ای
پروردگار ما
هؤلاء اضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار
ایشان گمراه کردند ما را پس بده ایشانرا عذاب دو چند از آتش
قال لکل ضعف ولکن لا تعلمون وقالت
فرماید خدا هر یکی را دو چند است ولیکن نمیدانید و گوید
اولیهم لاخریهم فما کان لکم علینا من فضل
جماعه متقدم از ایشان متاخر از ایشان نیست شما را بر ما بزرگی
فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون ان الذین
پس بچشید عذاب را بسبب آنچه میکردید هر اینه کسانیکه
کذبوا بایتنا واستکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب
بدروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آن هرگز گشاده نشود برایشان
دروازهای
السماء ولا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی
آسمان و در نیایند بهشت تا داخل شود شتر در
سم الخیاط وکذلک نجزی المجرمین لهم من
سوراخ سوزن و همچنین جزا میدهیم گنه کارانرا ایشانرا از
یعنی این محال است والله اعلم
جهنم مهاد ومن فوقهم غواش وکذلک نجزی
دوزخ فرش بود و از بالای ایشان از دوزخ پوششها و همچنین جزا میدهیم
الظلمین والذین امنوا وعملوا الصلحت لا
ستمکارانرا و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحب الجنة هم
تکلیف نمیدهیم هیچکس مگر قدر طاقت او آن جماعه باشند کان بهشت ایشان
فیها خلدون ونزعنا ما فی صدورهم من
درآن جاوید باشند و بیرون آریم آنچه در سینه های ایشان بود از

غل تجري من تحتهم الانهر وقالوا الحمد لله الذي
کینه میرود زیر ایشان جویها و گویند سپاس خدای راست که
هدىنا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدىنا
دلالت کرد ما را بسوی این بهشت و هرگز نبودیم راه یابنده اگر راه ننمودی ما را
الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم
خدا هر اینه آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی و ندا کرده شوند که این بهشت
الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون ونادى اصحب
داده شد مر آنرا بسبب آنچه میکردند و ندا کنند اهل
الجنة اصحب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا
بهشت اهل دوزخ را که ما راست یافتیم آنچه وعده کرده بود پروردگار ما
حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم
راست پس آیا شما هم راست یافتید آنچه وعده کرده بود پروردگار شما گفتند آری
فاذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظلمين
پس آواز کند آواز کننده میان ایشان که لعنت خدا بر ستمکاران است
الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا
که باز میدارند مردمان را از راه خدا و میجویند ایشان کجی
وهم بالاخرة هم كفرون وبينهما حجاب وعلى
و ایشان باخرت اعتقاد ندارند و میان بهشت و دوزخ پرده است و بر
الاعراف رجال يعرفون كلا بسيمىهم ونادوا اصحب
اعراف مردانی باشند بشناسند هر یکی را از اهل موضعین بعلامت ایشان و ندا کنند
الجنة ان سلم عليكم لم يدخلوها وهم يطمعون
اهل اعراف اهل بهشت را که سلام بر شما هنوز بهشت نه در آمده اند و ایشان طمع میدارند
واذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا
و چون گردانیده شود چشم اهل اعراف بطرف اهل دوزخ گویند
ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمين ونادى اصحب
بار خدایا مکن ما را همراه گروه ستمکاران و ندا کنند اهل

ثلثه

ع

الاعراف

الْاَعْرَافِ رِجَالًا يَّعْرِفُوْنَهُمْ بِسِيْمٰهُمْ قَالُوْا مَآ اَغْنٰى

اعراف مردانی را که میشناسند ایشان را بسیما ایشان گویند کفایت نکرد

عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ اَهٰٓؤُلَآءِ

از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی میکردید آیا اینها اند

الَّذِيْنَ اَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا

آنانکه قسم میخوردید که هرگز نرساند خدا بدیشان هیچ رحمت گفته شد ایشان را

خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَنْتُمْ تَحْزَنُوْنَ وَنَادٰٓى اَصْحٰبُ النَّارِ اَصْحٰبَ

هیچ ترسی نیست بر شما و نه شما اندوهگین شوید و ندا کنند اهل دوزخ اهل

الْجَنَّةِ اَنْ اَفِيْضُوْا عَلَيْنَا مِنَ الْمَآءِ اَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ

بهشت را آنکه بریزید بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داد

اللّٰهُ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ الَّذِيْنَ

خدا گویند هر آینه خدا حرام کرده است این هر دو بر کافران آنانکه

اتَّخَذُوْا دِيْنَهُمْ لَهْوًا وَّلَعِبًا وَّغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

دین خود را گرفتند بازی و لهو و فریفت ایشان را زندگانی دنیا

فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوْا لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا وَمَا

پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه فراموش کردند ملاقات این روز خویش

كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ

و چنانکه انکار میکردند با یات ما و هر آینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصل کردیم

عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ هَلْ

از روی دانش برای رهنمائی و بخشایش گروه مومنان

يَنْظُرُوْنَ اِلَّا تَاْوِيْلَهٗ يَوْمَ يَاْتِيْ تَاْوِيْلُهٗ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ

انتظار نمیکشند مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه

نَسُوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ

فراموش کرده بودند از پیش از این هر آینه آمده بود پیغامبر پروردگار ما براستی پس آیا

لَنَا مِنْ شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوْا لَنَآ اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ

هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما یا باز گردانیده شوید بسوی دنیا پس

که در آئید بهشت

اصحٰب النار

شمارا

یعنی فقرای مسلمین که کافران ایشان را حقیر میدانستند

عمل کنیم غیر آنچه

الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم

آنچه میکردیم هر آینه زیان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان

ما کانوا یفترون ۝ ان ربکم الله الذی خلق

افترا میکردند هر آینه پروردگار شما الله است که آفرید

السموت والارض فی ستة ایام ثم استوی علی

آسمانها و زمین در شش روز باز مستقر شد بر

العرش یغشی الیل النهار یطلبه حثیثا والشمس

عرش میپوشاند شب را بر روز میطلبد شب روز را شتابان و آفتاب

والقمر والنجوم مسخرت بامره الا له الخلق و

و ماه و ستارگان را رام شده بفرمان خدا آگاه شو او راست آفریدن

الامر تبرک الله رب العلمین ۝ ادعوا ربکم تضرعا

و فرمان بی نهایت بزرگست خدا پروردگار عالمها بپرستید پروردگار خود را بزاری

وخفیة انه لا یحب المعتدین ۝ ولا تفسدوا

و پوشیده هر آینه او دوست ندارد از حد گذرندگان را و فساد مکنید

فی الارض بعد اصلحها وادعوه خوفا وطمعا

در زمین بعد اصلاح آن یعنی بعث رسول الله و بپرستید او را بترس و امید

ان رحمت الله قریب من المحسنین ۝ وهو الذی

هر آینه رحمت خدا نزدیکست به نیکوکاران و او است آنکه

یرسل الریح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت

میفرستد بادها مژده دهنده پیش از رحمت خود یعنی پیش از باران تا

سحابا ثقالا سقنه لبلد میت فانزلنا به الماء

ابر گران از آن روان کنیم آن را بشهر مرده پس فرود آریم بواسطه آن ابر

فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

پس بیرون آریم بآن از هر قسم میوه ها همچنین بیرون آریم مردگان را

لعلکم تذکرون ۝ والبلد الطیب یخرج نباته

تا شما پند پذیر شوید و شهر پاکیزه برمی آید رستنی او

گریان زاری

آب

یعنی از قبور

رباذن

بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ
بفرمان پروردگار او و زمین ناپاکیزه بر نمی آید مگر ناهموار در رسته همچنین
نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا
بیان می کنیم نشانه ها را برای گروهی که شکرگذاری میکنند هر اینه فرستادیم
نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را
مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝
هیچ معبودی بجز او هر اینه من میترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ یعنی روز قیامت
قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝
گفتند اشراف از قوم او هر اینه ما می بینیم ترا در گمراهی ظاهر
قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ
گفت ای قوم من نیست با من هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم از پروردگار
الْعَالَمِينَ ۝ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ
عالمها میرسانم بشما پیغامهای پروردگار خود و نیکو خواهی میکنم شما را و میدانم
مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ
از حکم خدا آنچه نمیدانید آیا عجب گردید از آنکه آمد بشما پندی از
رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَ
پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم کند شما را و تا پرهیزگاری کنید و
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ
تا مهربانی کرده شود بر شما پس دروغ داشتند پس رهانیدیم او را و آنانکه با وی بودند
فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ
در کشتی و غرق ساختیم آنانکه دروغ داشتند آیات ما را هر اینه ایشان
كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ
بودند گروهی نابینا و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان هود گفت
يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ
ای قوم من بپرستید خدا را نیست شما را هیچ معبود غیر او آیا پرهیزگاری نمیکنید

ع

همچنین

رسیده ام

بودند

ایشان





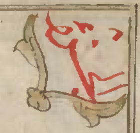
قال الملا الذين كفروا من قومه انا لنريك
گفتند اشراف كفار از قوم او هر اينه ما مى بينيم ترا
فى سفاهة وانا لنظنك من الكذبين ○ قال
در بيخردى و هر اينه گمان ميبرم ترا از دروغگويان گفت
يقوم ليس بى سفاهة ولكنى رسول من رب
اى قوم نيست مرا هيچ بيخردى وليكن من پيغامبرم از پروردگار
العلمين ○ ابلغكم رسلت ربى وانا لكم ناصح
عالمها ميرسانم بشما پيغامهاى پروردگار خود و من براى شما نيكخواه
امين ○ اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على
امانتم آيا تعجب كرديد از آنكه آمد بشما پندى از پروردگار شما بر
رجل منكم لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء
مردى از شما تا بيم كند شما را و ياد كنيد آن وقت كه گردانيد شما را جانشين
من بعد قوم نوح وزادكم فى الخلق بصطة فاذكروا
از پس قوم نوح و افزود براى شما در خلقت قوة را پس ياد كنيد
الاء الله لعلكم تفلحون ○ قالوا اجئتنا لنعبد
نعمتهاى خدا را تا شما رستگار شويد گفتند آيا آمدى پيش ما تا عبادت كنيم
الله وحده ونذر ما كان يعبد اباؤنا فاتنا بما
خدا را تنها و بگذاريم آنكه ميپرستيدند پدران ما پس بيار پيش ما
تعدنا ان كنت من الصدقين ○ قال قد وقع
آنچه وعيد ميكنى يعنى بيار عقوبت را اگر هستى از راستگويان گفت ثابت شد
عليكم من ربكم رجس وغضب اتجادلوننى
بر شما از پروردگار عقوبت و خشم آيا مكابره ميكنيد
فى اسماء سميتموها انتم واباؤكم ما نزل الله
در باب نامهاى چند معزز كرده ايد انرا و پدران شما فرود نياورده است خدا
بها من سلطن فانتظروا انى معكم من المنتظرين
بران هيچ دليل خدا پس انتظار كنيد هر اينه من با شما ام از منتظران

فانجينه و



فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ
پس نجات دادیم او را و آنانکه بودند با او مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِلَىٰ
آنانکه دروغ داشتند آیات ما را و نبودند از مومنان و فرستادیم
ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست شما را
مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ
هیچ معبودی غیر او هر آینه آمد بشما دلیلی از پروردگار شما این
نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ
ماده شتر است خدا را برای شما نشانه پس بگذارید آنرا که چرا کند در زمین خدا و
لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَاذْكُرُوا
و مرسانید او را هیچ سختی آنگاه بگیرد شما را عقوبت دردناک و یاد کنید
إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
آنوقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم عاد و جای داد شما را در زمین
تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ
میسازید از هامونها قصرها و میتراشید کوهها
بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
خانه‌ها پس یاد کنید نعمتهای خدا را و تباهی مکنید در زمین
مُفْسِدِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
فسادکنان گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او
لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ
مر آنانکه هرکسی ضعیف داشته ایشان را مر کسانی را که ایمان آورده بودند از ایشان آیا میدانید آنکه
صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ
آیا صالح فرستاده شده است از پروردگار خود گفتند هر آینه ما بآنچه فرستاده شده است
مُؤْمِنُونَ ۝ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ
معتقدیم گفتند سرکشان هر آینه ما بآنچه معتقد شدید

آن



بِهٖ كٰفِرُونَ ۝ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ اَمْرِ
کافرانیم پس پی زدند ماده شتر را و بگذشتند از فرمان

رَبِّهِمْ وَقَالُوا يٰصٰلِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ
پروردگار خود و گفتند ای صالح بیار با ما آنچه وعده میکنی اگر هستی از

الْمُرْسَلِينَ ۝ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
پیغامبران پس گرفت ایشانرا زلزله پس گشتند در سراها مرده

جٰثِمِينَ ۝ فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ
بزانو فتاده پس اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من هر اینه رسانیدم شمارا

رِسَالَةَ رَبِّيْ وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلٰكِنْ لَا تُحِبُّونَ النّٰصِحِينَ
پیغام پروردگار خود و نیکخواهی کردم و لیکن دوست نمیدارند نیکخواهان

وَلُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖ اَتَاْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
و فرستادیم لوط را چون گفت مر قوم خود را آیا میکنید آن بیحیایی که پیش نکرده است شمارا

کرده است

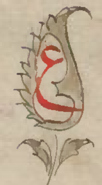
بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِنَ الْعٰلَمِينَ ۝ اِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ الرِّجَالَ
آنرا هیچ یک از عالمها هر اینه میروید به شهوت بسوی مردان

شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ
بجز زنان بلکه شما گروهی هستید مسرف

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖ اِلَّا اَنْ قَالُوا اَخْرِجُوهُمْ مِنْ
و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشانرا از

قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝ فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ
دیه خود هر اینه ایشان پاکیزگی طلب کننده اند پس نجات دادیم او را و کسان او

اِلَّا امْرَاَتَهٗ كَانَتْ مِنَ الْغٰبِرِينَ ۝ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ
مگر زنش را که بود از باقی ماندگان و باران دادیم بر ایشان



مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۝ وَاِلٰى
بارانی پس بنگر چگونه شد آخرکار گنهکاران و فرستادیم

مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا
بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من پرستید خدا را نیست



لكم



لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَوْفُوا

هیچ معبودی غیر وی هراینه آمد بشما دلیلی از پروردگار شما پس تمام

الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ

پیمانه را و ترازو را و ناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را

وَلَا تُفْسِدُوا فِى الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا ذٰلِكُمْ

و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن این کار

خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ

بهتر است برای شما اگر هستید باور دارندگان و منشینید بهر

صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ

راه که بترسانید و بازدارید از راه خدای کسی که

اٰمَنَ بِهٖ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا اِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا

ایمان آورده است بآن و میجویید برای آن راه کجی و یاد کنید آن وقت که اندک

فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

بودید پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان

وَاِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ اٰمَنُوا بِالَّذِىٓ اُرْسِلْتُ بِهٖ

و اگر هست گروهی از شما مومن بآنچه فرستاده شده ام

وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ بَيْنَنَا

و گروهی نا مومن پس صبر کنید تا آنکه فیصل کند خدا میان ما

وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِينَ ۝ قَالَ الْمَلَاُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

و او بهترین حکم کنندگان است گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند

مِنْ قَوْمِهٖ لَنُخْرِجَنَّكَ يٰشُعَيْبُ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا

از گروه او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب و کسانی را که ایمان آوردند

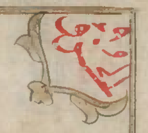
مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَآ اَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا قَالَ اَوَلَوْ

همراه تو از ده خود یا اینست که بازگردید در دین ما گفت آیا عود کنیم

كُنَّا كٰرِهِينَ ۝ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اِنْ عُدْنَا

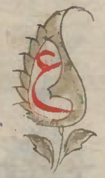
اگرچه ناخواهان باشیم هراینه بربسته ایم بر خدا دروغی اگر بازگردیم

الجزء التاسع

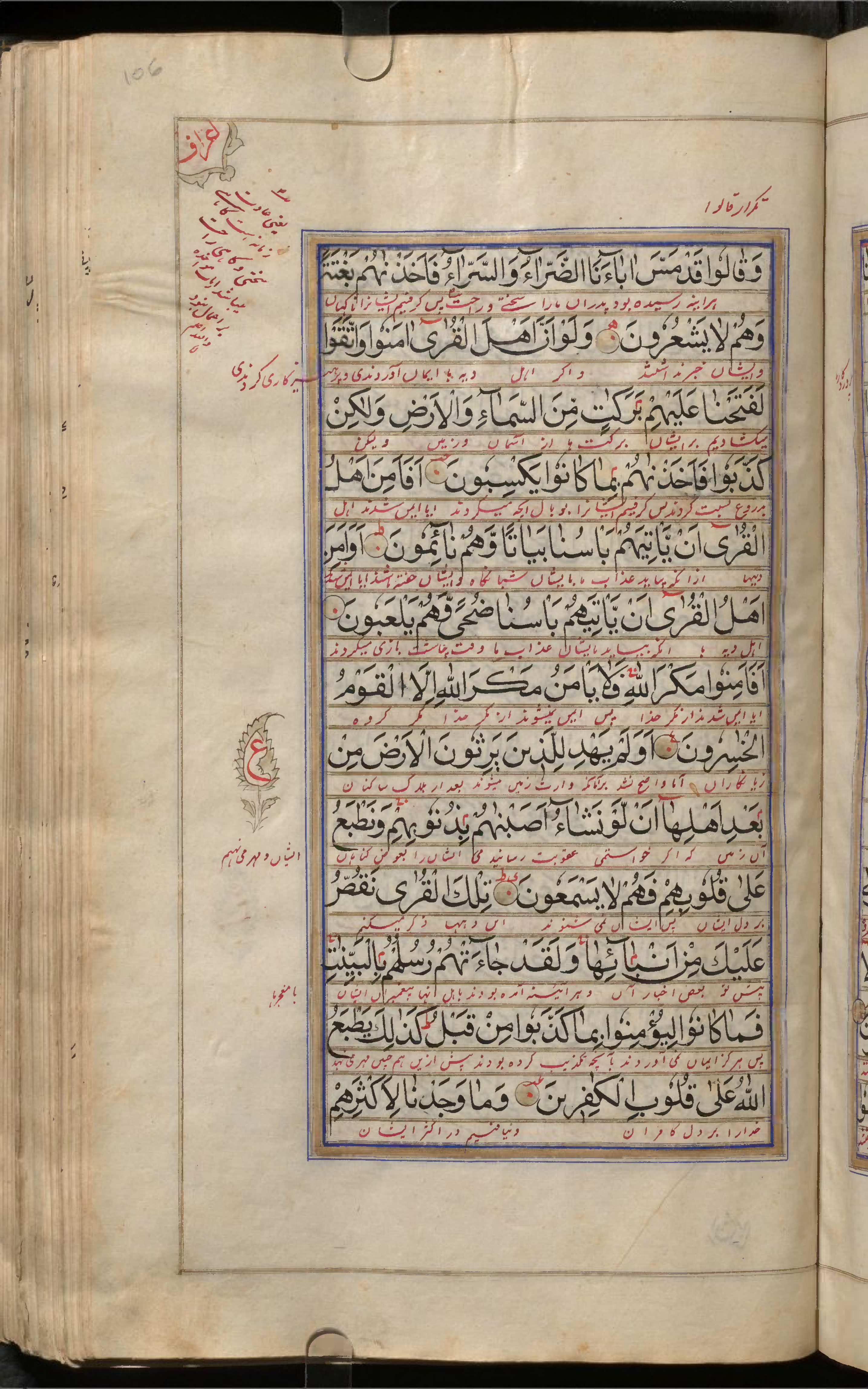


فی ملتکم بعد اذ نجنا الله منها وما یکون لنا
در دین شما بعد ازانکه رهانید خدا ما را ازوی و هرگز لایق نیست ما را
ان نعود فیها الا ان یشاء الله ربنا وسع ربنا
که عود کنیم دران مگر آنکه خدا خواهد پروردگار ما احاطه کرده است
کل شیء علما علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا
بر هر چیز دانش بر خدا توکل کردیم بار خدایا فیصل کن درمیان ما
وبین قومنا بالحق وانت خیر الفتحین ○ و
ومیان قوم ما براستی و تو بهترین فیصل کنندگانی و
قال الملا الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم
گفتند آن اشراف که کافر بودند از قوم او اگر پیروی کنید
شعیبا انکم اذا لخسرون ○ فاخذتهم الرجفة
شعیب را هر اینه شما آنگاه زیانکار باشید پس درگرفت ایشان را زلزله
فاصبحوا فی دارهم جثمین ○ الذین کذبوا شعیبا
پس صبح کردند در سرای خود برزانو افتاده آنانکه دروغ داشتند شعیب را
کان لم یغنوا فیها الذین کذبوا شعیبا کانوا
گویا نبودند آنجا آنانکه دروغ داشتند شعیب را بودند
هم الخسرین ○ فتولی عنهم وقال یقوم لقد
ایشان زیانکار پس بازگشت از ایشان و گفت ای قوم من
ابلغتکم رسلت ربی ونصحت لکم فکیف اسی
رسانیدم بشما پیغامهای پروردگار خود و نیکخواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه
علی قوم کفرین ○ وما ارسلنا فی قریة من نبی الا
خورم بر قوم کافران و نفرستادیم در هیچ دهی از پیغمبری را مگر
اخذنا اهلها بالباساء والضراء لعلهم یضرعون
گرفتار کردیم اهل آنرا بسختی و رنج تا بود که ایشان زاری کنند
ثم بدلنا مکان السیئة الحسنة حتی عفوا وقالوا
باز دادیم بدل آن بجای محنت راحت تا آنکه بسیار شدند و گفتند

پروردگار ما



قد



اعراف

تکرار قالوا

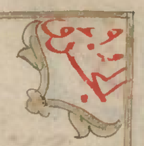
وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً
هرا بنه رسیده بود پدران ما را سختی و راحت پس گرفتیم ایشان را ناگهان
وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا
و ایشان خبر نداشتند و اگر اهل دیه ها ایمان آوردندی و پرهیزکاری کردندی
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ
بگشادیم بر ایشان برکت ها از آسمان و زمین و لیکن
كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ أَفَأَمِنَ أَهْلُ
بدروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را بوبال آنچه میکردند آیا ایمن شدند اهل
الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ۝ أَوَأَمِنَ
دیهها از آنکه بیاید عذاب ما بایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند آیا ایمن شدند
أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝
اهل دیه ها اگر بیاید بایشان عذاب ما وقت چاشت بازی میکردند
أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
آیا ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نمیشوند از مکر خدا مگر گروه
الْخَاسِرُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ
زیان کاران آیا واضح نشد برآنکه وارث زمین میشوند بعد از هلاک ساکنان
بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ
آن زمین که اگر خواستمی عقوبت رسانیدمی ایشان را بعوض گناهان
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ
بر دل ایشان پس ایشان نمی شنوند این دیهها ذکر میکنیم
عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
پیش تو بعض اخبار آن و هر آینه آمده بودند باهل آنها پیغمبران ایشان
فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ
پس هرگز ایمان نمی آوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش ازین هم چنین مهر می نهد
اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ
خدا را بر دل کافران و نیافتیم در اکثر ایشان

نیز کاری کردندی

ع

ایشان و مهر می نهیم

با معجزها



مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفٰسِقِينَ ۝ ثُمَّ
وفا بعهد و هر آینه یافتیم اکثر ایشان را بدکار باز

بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
فرستادیم بعد از ایشان موسی را با نشانهای خویش بسوی فرعون

وَمَلَإِيهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝
و قوم او پس کافر شدند بآن نشانها پس بنگر چگونه شد آخر کار مفسدان

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
و گفت موسی ای فرعون هر آینه من پیغمبرم از جانب پروردگار عالمها

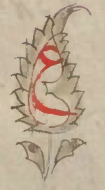
حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ
سزاوارم بآنکه گویم بر خدای مگر سخن راست هر آینه آورده ام بشما

بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝
نشانه از جانب پروردگار شما پس بفرست با من بنی اسرائیل را

قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ
گفت اگر آورده معجزه پس حاضر کن آن را اگر هستی از

الصَّادِقِينَ ۝ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ
راستگویان پس انداخت عصای خود را پس ناگهان آن عصا اژدها

مُبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۝
ظاهر شد و بیرون آورد دست خود را پس ناگهان آن دست برای بینندگان

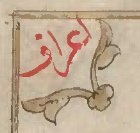


قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝
گفتند اشراف از قوم فرعون بایکدیگر هر آینه این جادوگر داناست

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝
میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما پس چه میفرمایید

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝
گفتند موقوف دار او را و برادر او را و بفرست در مداین شهرها نقیبان را

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۝ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا
تا بیارند پیش تو هر ساحر دانا را و آمدند ساحران پیش فرعون گفتند



إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَ
هر اینه مارا مزدی بباید اگر ما غالب شویم گفت آری

إِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالُوا يٰمُوسىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ
و هر اینه شما از مقربان باشید گفتند ای موسی یا این است که تخت تو افکنی

إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا
یا ما باشیم اندازنده گفت موسی شما افکنید مر جادو

سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُو بِسِحْرٍ
بجادو ببستند چشمهای مردمان و بترسانیدند ایشان را و آوردند جادوی

عَظِيمٍ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلىٰ مُوسىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ
بزرگ و وحی فرستادیم بسوی موسی که بافکن عصای خود را این گهان

تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا
آن عصا فرو میبرد آنچه بدروغ اظهار میکردند پس ثابت شد حق و باطل آنچه ایشان

يَعْمَلُونَ ۝ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰغِرِينَ ۝ وَ
میکردند پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند وحی

أُلْقِيَ السَّحَرَةُ سٰجِدِينَ ۝ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝
انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها

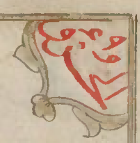
رَبِّ مُوسىٰ وَهٰرُونَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ
خدای موسی و هارون گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی

قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ
پیش از آنکه دستوری دهم شما را هر اینه این تدبیریست که اندیشیده اید

فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝
درین شهر تا بیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلٰفٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ
البته ببرم دستهای شما را و پای های شما را بخلاف یکدیگر باز بردار کنم شما

أَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا إِنَّا إِلىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝ وَمَا تَنْقِمُ
همه یکجا گفتند هر آینه بسوی پروردگار خود رجوع کننده گانیم و انکار نمیکنی



مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا
برما مگر آنکه ایمان آوردیم به نشانهای پروردگار خویش چون بیامد بما ای پروردگار
أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَقَالَ
بار ریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ما کن که مسلمان باشیم و گفتند اشراف



الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا
از قوم فرعون آیا میگذاری قوم موسی و او را تا فساد کنند
فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ
در زمین و تا بگذارد ترا و عبادت ترا و معبودان ترا گفت خواهیم کشت
أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ
پسران بنی اسرائیل و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشان و ما بر ایشان غالبیم
قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ
گفت موسی بقوم خود مدد طلبید از خدا و صبر کنید هر آینه
الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ
زمین خدا راست وارث او میکند هر که را خواهد از بندگان خویش و آخر کار
لِلْمُتَّقِينَ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ
برای پرهیزکارانست گفتند ایذا داده شدیم پیش از آنکه بیایی نزد ما و بعد از آنکه
مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ
آمدی نزد یک ما گفت امید است که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را
يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ وَ
و خلیفه گرداند شما را در زمین پس بنگرد چگونه عمل میکنید و



لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ
و هر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقحطها و بنقصان
الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ
میوه ها تا شود که ایشان پند پذیرند پس چون آمدی بایشان فراخی
قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ
گفتندی این لایق ماست و اگر برسیدی بایشان سختی شگون بد گرفتندی بموسی

بدل قالوا

ومن

وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
و کسانیکه با وی بودند آگاه باش جز این نیست که شگون بد ایشان نزدیک خداست
یَعْلَمُونَ ۝ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا
نمیدانند ۔ و گفتند کسان فرعون ای موسی هرچه بیاری از نزد نشانها تا جادو کنی
فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ
مارا بدان پس ما نیستیم ترا باور دارنده پس فرستادیم بر ایشان طوفان
وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ
و ملخ و کنند و غوکها و خون نشانها و اضح کرده شده
فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝ وَلَمَّا وَقَعَ
پس سرکشی کردند و بودند قوم گناهکار و وقتیکه
عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ
فرود آمد بر ایشان و گفتند ای موسی دعا کن بجانب پروردگار خود
عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ
نزدیک تو اگر زایل کنی از ما عقوبت را البته معتقد شویم ترا و بفرستیم
لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ
و بفرستیم با تو بنی اسرائیل را پس چون زایل کردیم از ایشان
الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۝ فَانْتَقَمْنَا
عقوبت تا مدتی که ایشان رسنده آن بودند آنگاه عهدی شکستند پس انتقام
مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا
از ایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ میداشتند
عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا
از آن بیخبر و میراث دادیم گروهی را که
يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي
ضعیف شمرده میشدند مشارق زمین و مغارب که
بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي
برکت نهادیم در راست شد وعده نیک پروردگار تو بر بنی

و لیکن بیشتر از ایشان

با آل اسما

آیات ما را و بودند

اِسْرَآئِلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ
اسرائیل بسبب آنکه صبر کردند و خراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون
وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي اِسْرَآئِلَ
وکسان او و آنچه برمی افراشتند وگذرانیدیم بنی اسرائیل را
الْبَحْرَ فَاَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى اَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا
از دریا پس آمدند بر گروهی که مجاورت کردند بر بتان خویش گفتند
يٰمُوسَى اجْعَلْ لَنَا اِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ
بنی اسرائیل ای موسی بساز برای ما معبودی چنانکه ایشان راهستند معبودان گفت هرآینه شما
تَجْهَلُونَ ۝ اِنَّ هٰؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبٰطِلٌ مَا
هستند که نادانی کنند هرآینه این جماعه باطل کرده شده است مذهبی که ایشان در اند
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيكُمْ اِلٰهًا وَهُوَ
و باطل است آنچه میکردند گفت موسی آیا غیر خدا طلب کنم برای شما معبودی و او
فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ۝ وَاِذْ اَنْجَيْنٰكُمْ مِنْ اٰلِ
فضل داده است شما را بر عالمها و یاد کنید نعمت ما چون نجات دادیم از
فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ
کسان فرعون میرسانیدند بشما عقوبت سخت می کشتند
اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ
پسران شما را و زنده میگذاشتند دختران شما را و در این مقدمه آزمایش بزرگ
رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَوٰعَدْنَا مُوسَى ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَ
از پروردگار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و
اَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقٰتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ
تمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شد میعاد پروردگار او چهل شب
قَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَاَصْلِحْ
و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من و صلاح
وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَمَّا جَآءَ مُوسَى
کاری کن و مپیما راه تباه کاران و چون آمد موسی

ما

کروهی

ربع

لميقاتنا

لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ

بو نده که ما و سخن گفت با او پروردگار او گفت ای پروردگار من بنما کن مرا خویش — تا نظر کنم بسوی تو

قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ

گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن نظر کن بسوی کوه بس اگر قرار گیرد

مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ

بجای خود خواهی دید بس و قتیکه ظهور کرد پروردگار او بر کوه گردانید آن — کوه را

دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ

بر بین همواره ساخته و افتاد موسی بیهوش شده بس چون بهوش آمد گفت بپاکی یاد — کنم ترا

تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ يَا مُوسَىٰ

باز گشتم بسوی تو و من اول مسلمانانم گفت ای موسی

إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي

هر اینه من برگزیدم ترا بر مردمان و بیغامهای خود و شنوانیدن سخن خود

فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَكَتَبْنَا

بس بگیر آنچه عطا کردم و باز از شکر کنندگان و نوشتیم

لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا

برای موسی در لوحها از هر جنس برای پند و برای بیان هر چیز

لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا

هر چیز را بس گفتیم بگیر آنرا و بقوه و بفرمان قوم خود را تا عمل کنند

بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ۝ سَأَصْرِفُ

به بهترین آنچه درست خواهیم شمارا سرای گناهکاران باز خواهم داشت

عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

از تامل در آیات خود کسانی را که تکبر میکنند در زمین با ناحق

وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا

و اگر به بینند هر نشانی که هست ایمان نیارند و اگر به بینند راه

سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۝ وَإِنْ يَرَوْا

راه راستی راه نگیرند آنرا و اگر به بینند راه و اگر به بینند راه

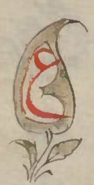
در دروغ داشتند

سبيل الغي يتخذوه سبيلا ذلك بانهم كذبوا بايتنا
راه گمراهی را راه گیرند آن را این بسبب آن است که ایشان

وكانوا عنها غفلين والذين كذبوا بايتنا و
آیات خدا و از آن غافل ماندند و کسانیکه دروغ داشتند آیات ما را

لقاء الاخرة حبطت اعمالهم هل يجزون الا ما كانوا
دروغ داشتند ملاقات آخرة را نابود شود عملهای ایشان جزا داده نشوند الا بانچه

يعملون واتخذ قوم موسى من بعده من حليهم
میکردند و ساختند قوم موسی بعد رفتنش از زیور قبطیان



عجلا جسدا له خوار الم يروا انه لا يكلمهم ولا
گوساله بدنی او را که آواز گاو بود آیا ندیدند که آن گوساله هیچ سخن نمیگفت و

يهديهم سبيلا اتخذوه وكانوا ظلمين ولما
دلالت نمیکرد هیچ راه معبود گرفتند و ایشان ستمکار بودند و چون

سقط في ايديهم وراوا انهم قد ضلوا قالوا لئن
نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شده اند گفتند اگر

لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخسرين
مهربانی نکند پروردگار ما و بیامرزد ما را البته باشیم از زیانکاران

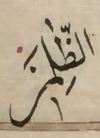
ولما رجع موسى الى قومه غضبان اسفا قال
و چون در آمد موسی بقوم خود خشمناک شده و اندوهگین شده

بئسما خلفتموني من بعدي اعجلتم امر ربكم و
گفت بد جانشینی است جانشینی که کردید پس از من آیا شتابی کردید از حکم پروردگار

القى الالواح واخذ براس اخيه يجره اليه قال
و انداخت الواح را و گرفت موسی سر برادر خود را میکشیدش بسوی خود

ابن ام ان القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني
گفت ای پسر مادر من هر آینه این قوم ضعیف شمردند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا

فلا تشمت بي الاعداء ولا تجعلني مع القوم
پس شاد مکن بسبب اهانت دشمنان را و شمار مکن مرا با گروه



الظّٰلمين ۝ قال ربّ اغفرلي ولاخي وادخلنا
ستمکاران گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن

ع

في رحمتك وانت ارحم الرّٰحمين ۝ انّ الّذين
ما را در بخشایش خود و تو بخشاینده تری بخشایندگان هر آینه کسانی که

اتّخذوا العجل سينالهم غضب من ربّهم وذلّة
معبود گرفتند گوساله را خواهد رسید ایشان را خشم از پروردگار ایشان و خواری

في الحيوة الدّنيا وكذلك نجزي المفترين ۝
در زندگانی دنیا و همچنین جزا میدهیم افترا کنندگان را

والّذين عملوا السّيّات ثمّ تابوا من بعدها و
و هر آینه کسانی که گناه ها کردند باز توبه نمودند بعد از آن گناهان

امنوا انّ ربّك من بعدها لغفور رّحيم ۝ ولمّا
ایمان آوردند البته پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده مهربانست و چون

سكت عن موسى الغضب اخذ الالواح وفي
ساکت شد خشم از خاطر موسی گرفت الواح را و در مکتوب

نسختها هدى ورحمة لّلذين هم لربّهم يرهبون ۝
وی هدایت و بخشش آنانرا که ایشان از پروردگار خود میترسند

واختار موسى قومه سبعين رجلا لّميقاتنا
و اختیار کرد موسی از قوم هفتاد کس برای میعاد ما

فلمّا اخذتهم الرّجفة قال ربّ لو شئت
پس وقتی که گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار اگر میخواستی

اهلكتهم مّن قبل واياي اتهلكنا بما فعل
پیش از این ایشان را و مرا هلاک میکردی آیا هلاک میکنی ما را بکاری

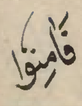
السّفهاء منّا ان هي الّا فتنتك تضلّ بها من
که کردند بیخردان از قوم ما نیست این حادثه مگر امتحان تو گمراه میکنی بآن هر که

تشاء وتهدي من تشاء انت وليّنا فاغفرلنا و
را خواهی و راه می نمایی بآن هر که را خواهی تو کارساز مایی پس بیامرز ما را

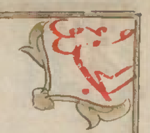


ارحمنا وانت خير الغافرين ۝ واكتب لنا في هذه
و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگانی   و بنویس یعنی مقدر کن برای ما
الدنيا حسنة وفي الآخرة انا هدنا اليك قال
در این دنیا نیکی و در آخرة نیز نیکی   هر آئینه ما رجوع کردیم بسوی تو گفت
عذابي اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل
خدا عذاب من میرسانم بهر که خواهم   و مهربانی من احاطه کرده است هر
شيء فساكتبها للذين يتقون ويؤتون
چیز را پس خواهم نوشت رحمت را برای کسانی که پرهیز کنند و
الزكوة والذين هم بآياتنا يؤمنون ۝ الذين يتبعون
زکوة میدهند و کسانیکه ایشان بآیات ما معتقد می شوند   و برای آنانکه پیروی
الرسول النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا
پیغامبر را که نبی   امی است   آنکه می یابند نعت او   نوشته
عندهم في التورية والانجيل يأمرهم بالمعروف
نزدیک خویش   در توریت و انجیل می فرماید ایشان را بکار پسندیده
وينههم عن المنكر ويحل لهم الطيبت ويحرم عليهم
و حلال میسازد برای ایشان   پاکیزه ها   و حرام کند برای ایشان
الخبئث ويضع عنهم اصرهم والاغلل التي كانت
ناپاکیزه ها و ساقط میکند از ایشان بار گران ایشان را و آن مشقت ها را
عليهم فالذين امنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا
که بود بر ایشان پس آنانکه ایمان آوردند باو و تعظیم کردند او را و یاری دادند
النور الذي انزل معه اولئك هم المفلحون ۝ قل
و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانند رستگاران بگو
يايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي
ای مردمان هر آئینه من پیغامبر خدا ام بسوی شما همگی   آنخدائی
له ملك السموت والارض لا اله الا هو يحيي ويميت
که او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست هیچ معبود مگر او زنده کند و میراند




فآمنوا

فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
بس ایمان آرید بخدا و بپغامبر او که نبی امی است آنکه تصدیق کند خدا را
وَكَلِمٰتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَمِنْ قَوْمِ
سخنان او را و پیروی کنید او را تا بود که شما راه یاب شوید و از قوم موسی
مُوسٰى اُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَ
موسی گروهی هست که دلالت کنند مردمان را براه راست براستی حکم میکنند
قَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَمًا وَاَوْحَيْنَا اِلٰى
و متفرق ساختیم بنی اسرائیل را بر دوازده قسم قبیله گروه گروه و وحی فرستاد
مُوسٰى اِذِ اسْتَسْقٰهُ قَوْمُهُ اَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ
بسوی موسی وقتیکه آب خواستند ازوی قوم وی که بزن بعصای خود
الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ
سنگ را بس روان شد ازان سنگ دوازده چشمه بدانست هر
اُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَاَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ
گروهی آب خور خود را و سایبان ساختیم ایشان را ابر را و نازل کردیم
برایشان
الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا
من و سلوی را گفتیم بخورید از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شما را
ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَاِذْ قِيلَ
و ستم نکردند و لیکن بر خویش ستم میکردند و یادکن چون گفته
لَهُمُ اسْكُنُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ
شد ایشان را که ساکن شوید درین دیه و بخورید ازین دیه هر جا که خواسته باشید
قُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ
و بگوئید حطة و داخل شوید بدروازه سجده کنان تا بیامرزیم برای شما
خَطِيٓـٰٔتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا
گناهان شما را و زیاده خواهیم داد نیکوکاران را بس بدل کردند ستمکاران
مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا
از بنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شد ایشان را بس فرستادیم ایشان را





مِنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ وَسْـَٔلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ
از آسمان مقابله آنکه ستم میکردند و سوال کن یا محمد یهود را از

الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ
که بود ساکن بر لب دریا چون از حد گذشتند در روز شنبه

إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا
وقتیکه می آمد ماهیان ایشان ظاهر شد روزی که ایشان تعظیم شنبه

يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
نمیکردند و در روزی نمی آمد بایشان هم چنین آزمودیم ایشان را بانکه فسق میآوردند

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ
و یاد کن چون گفت گروهی از اهل آن دیه چرا پند میدهید گروهی را که خدای

أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ
یا عذاب خواهد کرد عذاب سخت گفتند تا مارا عذری باشد بسوی

رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا
پروردگار تا باشد که پرهیزگاری کنیم پس وقتیکه فراموش کردند آنچه پند داده شد

بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ
ایشان را نجات دادیم کسانی را که منع میکردند از کار بد و گرفتار کردیم

ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ فَلَمَّا
ستمکاران را بعذاب سخت بسبب آنکه فاسق بودند پس چون

عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ
تکبر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را از آن گفتیم شوید بوزنگان خوار شده

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت

مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ
کسی را که برساند بایشان عقوبت سخت هر آینه پروردگار تو زود عقوبت

الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ
کننده است و هر آینه آمرزنده و مهربان است و پراگنده کردیم بنی اسرائیل در زمین

دہی

تعالی هلاک خواهد کرد

أُمَمًا

گردیم را
نصف

أُمَمًا مِنْهُمُ الصّٰلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذٰلِكَ وَبَلَوْنٰهُمْ
گروه گروه بعضی از ایشان شایسته کارانند و بعض از ایشان سوای داشتی ان
بِالْحَسَنٰتِ وَالسَّيِّاٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ فَخَلَفَ
بنعمتهای و مشقتها تا بازگردند یعنی بسوی راه راست پس از پی
مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَّرِثُوا الْكِتٰبَ يَاْخُذُونَ عَرَضَ
درآمدند بعد از ایشان جانشینان بد که وارث توریت شده اختیار میکنند
هٰذَا الْاَدْنٰى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَاِنْ يَّاْتِهِمْ
متاع این عالم خسیس را و میگویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید
عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَاْخُذُوهُ اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيْثَاقُ
متاعی مانند آن البته بگیرند آنرا آیا گرفته نشده است بر ایشان آن عهد
الْكِتٰبِ اَنْ لَّا يَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا
که در توریت است که نگویند بر خدا الا سخن راست و خوانده است
مَا فِيْهِ ط وَالدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُونَ ط اَفَلَا
آنچه در توریت است و سرای آخرت بهتر است پرهیزگاران را آیا
تَعْقِلُونَ ۝ وَالَّذِيْنَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتٰبِ وَاَقَامُوا
فهم نمی کنید و آنانکه تمسک میکنند بکتاب و برپا داشتند
الصَّلٰوةَ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ ۝ وَاِذْ نَتَقْنَا
نماز را هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد نیکوکاران و یاد کن چون برداشتیم
الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَاَنَّهُ ظُلَّةٌ وَّظَنُّوا اَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ ط
کوه را بالای ایشان گویا سایه بانیست و گمان کردند که آن کوه خواهد
خُذُوا مَا اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ
افتید بگیرید آنچه دادیم شما را بجد تمام و یاد کنید آنچه در وست تا بود که شما
تَتَّقُونَ ۝ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
در پناه باشید و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان
ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا
اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر ذات ایشان گفت آیا نیستم پروردگار

ع

شما گفتند

بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة انا كنا عن هذا
آری گواه شدیم که تا گویند در روز قیامت هر آینه ما بی خبر بودیم
غفلين ۝ او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل
از این توحید یا گویند که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما
وكنا ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل
و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان آیا هلاک کنی ما را بعقوبت آنچه
المبطلون ۝ وكذلك نفصل الايت ولعلهم
بدکاران کردند و همچنین بیان میکنیم نشانها تا باز گردند
يرجعون ۝ واتل عليهم نبا الذى اتينه
و بخوان بر ایشان خبر کسی که داده بودیم علم آیات خود
ايتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطن فكان
پس بیرون رفت از علم آن پس در پی او شد شیطان پس گشت
من الغوين ۝ ولو شئنا لرفعنه بها ولكنه
از گمراهان و اگر میخواستیم بر داشتیم او را و لیکن
اخلد الى الارض واتبع هوىه فمثله كمثل
میل کرد بسوی پستی و پیروی خواهش خود کرد پس صفت او مانند صفت
الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث
سگ است اگر شفقت اندازی بروی زبان از دهن بیرون افکند نیز بیرون
ذلك مثل القوم الذين كذبوا بايتنا فاقصص
این صفت گروهی است که دروغ شمردند آیات ما را پس خوان
القصص لعلهم يتفكرون ۝ ساء مثلا القوم
این پندها ایشان تامل کنند ناخوش است صفت مانند این قوم
الذين كذبوا بايتنا وانفسهم كانوا يظلمون ۝
که دروغ داشتند آیات ما را و بر خویشتن ستم میکردند
من يهد الله فهو المهتدى ومن يضلل فاولئك
هر که راه نماید خدا همان است راه یابنده و هر که گمراه سازد پس آنجماعت



هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَاْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ
ایشانند زیانکاران و هر آینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از جنیان
وَالْاِنْسِ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا وَلَهُمْ اَعْيُنٌ
و آدمیان ایشان را دلهاست که نمی فهمند بآن و ایشان راست چشمها
لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا وَلَهُمْ اٰذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا اُولٰٓئِكَ
که نبینند بآن و ایشان را گوشهاست که نمی شنوند بآن ایشان
كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ۝ وَ
مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترانند ایشانند بیخبران و
لِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِيْنَ
خدا راست نامهای نیک پس بخوانید او را بآن نامها و بگذارید آنانرا
يُلْحِدُوْنَ فِىْٓ اَسْمَآئِهٖ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ
که کجروی میکنند از نامهای خدا داده خواهند شد ایشان را جزای آنکه میکردند



وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ يَعْدِلُوْنَ
و از آن جماعه که پیدا کرده ایم گروهی هست که دلالت میکنند بدرستی حق و عدل میکنند
وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ
و کسانیکه دروغ داشتند آیات ما را پایه پایه بکشیم ایشانرا تا محل هلاک
لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَاُمْلِىْ لَهُمْ اِنَّ كَيْدِىْ مَتِيْنٌ
از آن راه ندانند و مهلت دهیم ایشان را هر آینه تدبیر من محکم است
اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ اِنْ هُوَ
آیا تامل کردند که نیست همنشین ایشانرا هیچ دیوانگی نیست او
اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۝ اَوَلَمْ يَنْظُرُوْا فِىْ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ
مگر بیم کننده آشکارا آیا نظر نکردند بپادشاهی خدا در آسمانها
وَالْاَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَىْءٍ وَّاَنْ عَسٰٓى اَنْ
و زمین و آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز و آیا نظر نکردند در آن
يَّكُوْنَ قَدِ اقْتَرَبَ اَجَلُهُمْ فَبِاَىِّ حَدِيْثٍ بَعْدَهٗ
که شاید نزدیک شده باشد اجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن



يؤمنون ۝ من يضلل الله فلا هادى له ويذرهم

ایمان خواهند آورد هر که گمراه سازد پس خدا هیچ راه نماینده نیست او را

فى طغيانهم يعمهون ۝ يسئلونك عن الساعة

میگذارد ایشان را در گمراهی خود سرگردان شده سوال میکنند ترا از قیامت کی

ايان مرسها قل انما علمها عند ربى لا يجليها

باشد استقرار او بگو جز این نیست که علم قیامت نزد پروردگار من است — پدید

لوقتها الا هو ثقلت فى السموات والارض لا تاتيكم

نیارد او را در وقت او مگر خدا گران شده است در آسمانها و زمین نیاید بشما

الا بغتة يسئلونك كانك حفى عنها قل انما علمها

مگر ناگهان سوال میکنند ترا از قیامت گویا تو کاوش کننده ازان بگو جز این

عند الله ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ قل

نزدیک خداست ولیکن بسیاری از مردمان نمیدانند بگو

لا املك لنفسى نفعا ولا ضرا الا ما شاء الله

نمی توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن مگر آنچه خدا خواسته است

ولو كنت اعلم الغيب لاستكثرت من الخير وما مسنى

و اگر من دانستمی علم غیب را هر آینه بسیار جمع کردی از جنس منفعت و نرسیدی

السوء ان انا الا نذير وبشير لقوم يؤمنون ۝

بمن هیچ سختی نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده برای گروهی که ایمان آورند



هو الذى خلقكم من نفس واحدة وجعل منها

اوست آنکه پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد ازان یک شخص

زوجها ليسكن اليها فلما تغشها حملت حملا

زنش را تا آرام گیرد با وی پس چون جماع کرد مردی زن خود بار گرفت

خفيفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن

باری سبک پس آمد و رفت کرد بان بار سبک بعد ازان چون زن گران بار شد

دعا کردند خدای پروردگار خود را

اتيتنا صالحا لنكونن من الشكرين ۝ فلما

که اگر فرزندی بدی شایسته مارا باشیم از شکر کنندگان پس چون

انهما

آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ

داد خدا ایشان فرزندی شایسته مقرر گردند برای او شریکان در آنچه داده بود ایشان پس بلند قدر است

عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ

از آنچه شریک مقرر میکنند آیا مشرکان شریک مقرر میکنند چیزی را که هیچ نمی آفرینند و خود

يُخْلَقُونَ ۝ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ

این شریکان آفریده میشوند و نمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را

يَنْصُرُونَ ۝ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا

یاری میدهند و اگر بخوانید بتان را بسوی راه هدایت و نه

يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ۝

پیروی کنند شما را برابر است بر شما اگر دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشید

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ

هر آینه آنانکه عبادت میکنند ایشان را بجز خدا بندگانند مانند شما

فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعای شما را اگر هستید راستگو

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ

آیا بتان را پایهاست که راه میروند بآن آیا ایشان را دستهاست که تناول کنند بآن

لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

و یا ایشان را چشمهاست که می بینند بآن آیا ایشان را گوشهاست که میشنوند

قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ ۝

بگو ای مشرکان بخوانید شریکان خود را بعد از آن بدسگالی کنید و مهلت مدهید مرا

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى

هر آینه کارساز من خداست آنکه فرود آورد کتاب و او کارسازی کند

الصَّالِحِينَ ۝ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا

نیکوکاران را و آنانکه میخوانید ایشان را بجز خدا

يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ۝

نمیتوانند یاری دادن شما را و نه خود را یاری میدهند



وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ
واگر دعوت کنید ایشان را بسوی راه هدایت نشنوند بینی شما را دای بینند
إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ
بسوی تو حال ایشان هیچ نمی بینند لازم گیر درگذر را وبفرما بکار پسندیده
وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ
واعراض کن از نادانان واگر دغدغه کند ترا از جانب
الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ
شیطان خله پس پناه طلب کن از خدا بر اینه شنوا و داناست
الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
هر اینه متقیان چون برسد ایشان را وسوسه از شیطان یاد میکنند خدا را
فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ
پس ناگهان بینا شوند وبرادران کافران میکشند ایشان را در گمراهی باز
لَا يُقْصِرُونَ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا
نمی ایستند یا محمد وچون نمی آری نزدیک ایشان آیتی میگویند چرا از طرف خود
قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَٰذَا بَصَائِرُ
بگو جز این نیست که پیروی کنم بآنچه فرود آورده شده بسوی من از پروردگار این قرآن
مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ وَإِذَا
نشانها از پروردگار و هدایت و بخشایش است مر قوم مومنان را وچون
قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ
خوانده شود قرآن پس گوش نهید بسوی آن و خاموش باشید تا کرده شود بر شما
تُرْحَمُونَ وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ
مهربانی و یاد کن پروردگار خود را بر ضمیر خود بزاری و ترسکاری
خِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَ
و یاد کن پروردگار خود را بکلام پست تر از بلند آوازی و بامداد و شبانگاه مباش
لَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
و مباش از غافلان هر آینه کسانیکه نزد پروردگار تو اند گردنکشی نمیکنند



عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون
از عبادات او و پاکی یاد کنند او را بر تخصیص او را سجده میکنند

سورة الانفال مدنية وهي خمس وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول
می پرسند ترا از غنیمتها بگو غنیمتها خدا و رسول راست

فاتقوا الله واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله
پس بترسید از خدا و بصلاح آرید صحبتی را که میان شماست و فرمانبرداری کنید

ان كنتم مؤمنين انما المؤمنون الذين اذا ذكر
اگر هستید مسلمان جز این نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود

الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم آياته زادتهم
خدا بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا زیاده

ايمانا وعلى ربهم يتوكلون الذين يقيمون
آن ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل کنند آنانکه برپا دارند

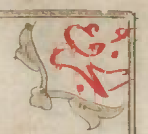
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون اولئك هم
نماز را و آنچه روزی دادیم ایشان را خرج میکنند اینها ایشانند که

المؤمنون حقا لهم درجت عند ربهم ومغفرة
مومنان بتحقیق ایشان راست مرتبه‌ها نزدیک پروردگار و آمرزش

ورزق كريم كما اخرجك ربك من بيتك بالحق
و روزی نیک چنانکه بیرون آورد ترا پروردگار از خانه تو بند بر درست

وان فريقا من المؤمنين لكرهون يجادلونك
و هر آینه گروهی از مسلمانان ناخشنود بودند خصومت کردند با تو

في الحق بعد ما تبين لهم كانما يساقون الى
در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد گویا رانده میشوند بسوی



الموت وهم ينظرون ۝ واذ يعدكم الله احدى
مرگ و ایشان در ان می نگرند و یاد کن نعمت الهی را که انگاه وعده داد خدای
الطائفتين انها لكم وتودون ان غير ذات
بشما یکی از دو گروه که وی شما را باشد و دوست میداشتند که غیر فوج
الشوكة تكون لكم ويريد الله ان يحق الحق
جنگی شما را بود و میخواست خدا که ثابت کند دین حق را
بكلمته ويقطع دابر الكافرين ۝ ليحق الحق ويبطل
بفرمانهای خویش و ببرد بنیاد کافران را میخواست تا ثابت کند دین حق
الباطل ولو كره المجرمون ۝ اذ تستغيثون
و دین باطل را اگرچه ناخشنود باشند گناهکاران انگاه که فریاد میکردید در جناب
ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من
پروردگار پس قبول کرد دعای شما که مددکننده شمام هزار کس از
الملائكة مردفين ۝ وما جعله الله الا بشرى
فرشتگان از پی خود جماعه دیگر را و نساخت خدا این مدد را مگر برای مژده



ولتطمئن به قلوبكم وما النصر الا من عند الله
و آرام گیرد بان دل شما و نیست فتح مگر از نزدیک خدا
ان الله عزيز حكيم ۝ اذ يغشيكم النعاس امنة منه
هرآینه خدا غالب با حکمت است انگاه که می پوشید شما را بغنگی بجهت ایمنی از نزدیک خود
وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ويذهب
و فرود می آورد بر شما از آسمان آب تا پاک کند شما را بان و ببرد
عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم و
از شما آلودگی شیطان و تا به بندد بر دل شما یعنی
يثبت به الاقدام ۝ اذ يوحي ربك الى الملائكة
ثابت بود دلها را و محکم کند بان پایها را انگاه که وحی فرستاد پروردگار بسوی ملایکه
اني معكم فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب
که من با شما ام پس استوار سازید مسلمانان را رعب خواهم افگند در دل

الذين



الذين كفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق

كافران را رعب پس بزنيد اى مسلمانان بالاى گردنها

واضربوا منهم كل بنان ذلك بانهم شاقوا الله

و بزنيد به ايشان بر طرف دست و پاى را اين بسبب آنست كه ايشان خلاف كردند با خداو

ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان الله

رسول او و هركه خلاف كند با خدا و رسول او پس خدا

شديد العقاب ذلكم فذوقوه وان للكافرين

سخت عقوبت است اين را بچشيد و بدانيد كه كافران راست

عذاب النار يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم

عذاب آتش اى مسلمانان چون بهم آييد با كافران انبوه گروه

الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الادبار ومن

كافران انبوه و گروه پس مگردانيد بسوى ايشان پشت را و هركه

يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا

بگرداند بسوى ايشان آنروز پشت خود را مگر برگشتن براى جنگ يا پناه جوينده

الى فئة فقد باء بغضب من الله ومأويه

بسوى گروهى پس هرآينه بازگشت بخشمى از خدا و جاى او

جهنم وبئس المصير فلم تقتلوهم ولكن الله

جهنم است و بدجاى است پس شما نكشته ايد ايشان را وليكن خدا

قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى

كشت ايشان را و تو يا محمد نافكندى وقتيكه افكندى وليكن خدا افكند

وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله

تا عطا كند مسلمانان را از نزديك خويش عطاى نيكو هرآينه خدا

سميع عليم ذلكم وان الله موهن كيد الكافرين

شنوا و داناست حال اين است و بدانيد كه خدا سست كننده است حيله كافران را

ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا

اى كافران اگر طلب فتح كنيد پس آمد بشما فتح و اگر باز ايستيد



فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ
پس آن بهتر است شما را و اگر باز گردید یعنی بنافرمانی باز گردیم در دفع کنند
فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
از شما جماعه شما هیچ چیز را اگرچه بسیار باشد و بدانید خدا که با مسلمانان است
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا



ای مسلمانان فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و روی
تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ
بر دانید از وی و حالانکه شما شنوید و مشوید مانند کسانیکه
قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ
گفتند شنیدیم و ایشان نمی شنوند هر آینه بدترین جنبندگان
عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَلَوْ
نزدیک خدا کرانند گنگانند آنکه در نمی یابند و اگر
عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا
بدانستی خدا در ایشان نیکوی البته شنوندی ایشانرا روی میگردانیدند
وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا
اعراض کنندگان ای مسلمانان قبول کنید
لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ
خواندن خدا و رسول را چون بخوانند شما را برای آنکه زنده دل سازد و بدانید که
اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
خدا حایل میشود میان مرد و دل او و بدانید بسوی او برانگیخته خواهید شد
وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً
و بپرهیزید از فتنه که نرسد تنها بآنکه ستم کردند از شما بتخصیص
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَاذْكُرُوا إِذْ
و بدانید هر آینه که خدا سخت عقوبت است و یاد کنید ای مهاجران
أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ
نعمت الهی را آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسید

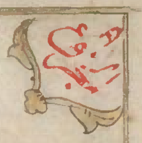
ان

نصرت خود

ان يتخطفكم الناس فاوىكم وايدكم بنصره و
از انکه بربایند شمارا مردمان پس جای داد شمارا یعنی در مدینه و قوت داد شمارا
رزقكم من الطيبت لعلكم تشكرون ○ يايها
و روزی داد شمارا از چیزهای پاکیزه تا شود که سپاس داری کنید ای
الذين امنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا امنتكم
مسلمانان خیانت مکنید با خدا و رسول و خیانت مکنید امانتهای
وانتم تعلمون ○ واعلموا انما اموالكم واولادكم
یکدیگر را دانسته و بدانید که مالهای شما و فرزندان شما آزمایش است
فتنة وان الله عنده اجر عظيم ○ يايها الذين
و آنکه خدا نزدیک اوست مزد بزرگ ای گروه

ع

امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر
مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما فتحی را و دور کند
عنكم سياتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل
از شما گناهان شمارا و بیامرزد شمارا و خدا صاحب فضل
العظيم ○ واذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك
بزرگ است و یاد کن نعمت الهی را چون آنگاه که بدسگالی میکردند در حق تو کافران
تا حبس کنند ترا
او يقتلوك او يخرجوك ويمكرون ويمكر الله و
یا بکشند ترا یا جلا وطن کنند ترا و ایشان بدسگالی میکردند و خدا بدسگالی میکرد
الله خير المكرين ○ واذا تتلى عليهم ايتنا قالوا
و خدا بهترین بدسگالی کنندگانست و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما گویند
قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا
شنیدیم اگر خواهیم بگوئیم مانند آن نیست این مگر
الا اساطير الاولين ○ واذ قالوا اللهم ان كان
افسانه پیشینیان است و آنگاه که گفت بار خدایا اگر هست
هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة
این قرآن راست از نزد تو پس بباران بر ما سنگ را



مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَمَا كَانَ اللَّهُ
از آسمان یا بیار بر ما عذاب دردناک را ونیست خدا

لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ
که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی ونیست خدا عذاب کننده

وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ
وایشان استغفار میکنند وچیست مرایشان را اگر عذاب نکند ایشان را

وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا
را خدا حالانکه ایشان باز میدارند از مسجد حرام ونیستند سزاواران

أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
آنجا نیستند سزاواران آن نیستند مگر ترسکاران ولیکن بیشترین ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ
نمیدانند ونیست نماز ایشان نزدیک خانه کعبه

إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ
بجز صفیر کردن و دستک زدن پس بچشید ای کافران عذاب را بسبب

تَكْفُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
کافر شدن خود هرآینه کافران خرج میکنند اموال خود را

لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ
تا باز دارند مردمان را از راه خدا پس زود باشد که خرج کنند انرا باز باشد

عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
آن خرج کردن حسرت بر ایشان باز مغلوب شوند وکافران

إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ۝ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ
بسوی دوزخ رانده شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از

الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ
پاک وبنهد ناپاک را بعض ازوا بر بعض

فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ
پس توده سازد آن همه را یکجا پس آرد دش در دوزخ این جماعت ایشانند

الخاسرون



الخسرون ۝ قل للذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم
زیان کاران بگو کافران را اگر باز ایستند آمرزیده شود
ما قد سلف وان يعودوا فقد مضت سنت
آنچه گذشت واگر خود گشتند پس هر آینه گذشته است روش
الاولين ۝ وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة و
پیشینیان وکارزار کنید با ایشان تا آنکه نباشد هیچ فتنه
يكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما
و باشد دین همه آن برای خدا پس اگر باز ایستند پس هر آینه خدا بآنچه
يعملون بصير ۝ وان تولوا فاعلموا ان الله
میکنند بیناست واگر روی بگردانند پس بدانید که خدا
مولىكم نعم المولى ونعم النصير ۝ واعلموا انما
مددکار شماست نیک مددکار است نیک یاری دهنده وبدانید که آنچه
غنمتم من شيء فان لله خمسه وللرسول و
غنیمت یافتید از هر جنس پس پنجم حصه است خدا راست و پیغامبر را
لذي القربى واليتمى والمسكين وابن السبيل
و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان را و مسافران را
ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا
اگر ایمان آورده اید بخدا وآنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش
يوم الفرقان يوم التقى الجمعن والله على كل
روزی که جدا شد حق از باطل روزی که بهم آمدند و خدا بر همه چیز داناست
شيء قدير ۝ اذ انتم بالعدوة الدنيا وهم
توانا است اگر ایمان آورده اید بآنچه فرو فرستادید آنگاه که شما کنار بودید
بالعدوة القصوى والركب اسفل منكم و
وایشان بکنار دورتر وکاروان پایین تر از جانب دریا واگر باهم گر
لو تواعدتم لاختلفتم في الميعد ولكن ليقضي
وعده جنگ مقرر میکرد البته خلاف می نمودید در وعده ولیکن جمع کرد

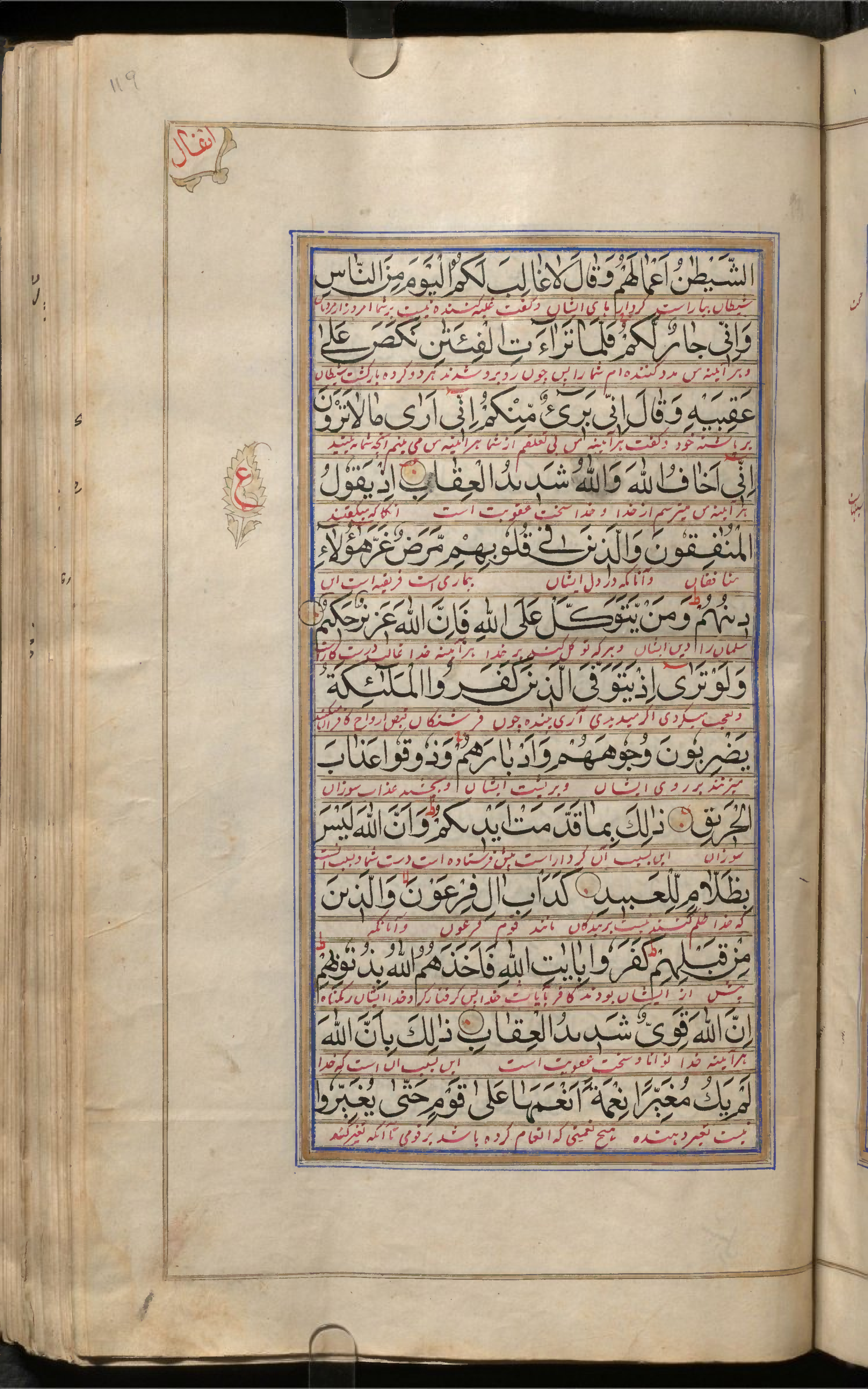
نزدیک



الله امرا كان مفعولا ۝ ليهلك من هلك عن بينة
خدا کاری را تا کردنی بود تا هلاک شود کسی که هلاک شده است بعد قیام
حجت ويحيى من حي عن بينة وان الله لسميع عليم ۝
و زنده ماند کسی که زنده شد بعد قیام حجت و هر آینه خدا شنوا و دانا است
اذ يريكهم الله في منامك قليلا ولو اريكهم كثيرا لفشلتم و
آنگاه که نمود خدا ایشان را بسیار البته بزدلی میکردید و باهم دیگر
سپاهیان لتنازعتم في الامر ولكن الله سلم انه عليم بذات الصدور ۝ و
نزاع میکردید در کار و لیکن خدا سلامت داشت هر آینه وی دانا است با نگه در
اذ يريكموهم اذ التقيتم في اعينكم قليلا و
آنگه که نمود ایشان را شما چون رو برو شدید در چشم شما اندکی و
يقللكم في اعينهم ليقضي الله امرا كان
کم نمود شما را در چشم ایشان تا بانجام رساند خدا کاری را
مفعولا والى الله ترجع الامور ۝ يا ايها الذين
کردنی بود و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها ای گروه
امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله كثيرا
مومنان چون رو برو شوید با گروهی پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار
لعلكم تفلحون ۝ واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا
تا شما رستگار شوید و فرمانبرداری کنید خدا را و رسول او را و نزاع
فتفشلوا وتذهب ريحكم واصبروا ان الله
درین صورت بزدل شوید و برود دولت شما و شکیبایی ورزید هر آینه خدا
مع الصابرين ۝ ولا تكونوا كالذين خرجوا من
با شکیبا است و مباشید مانند آنکه بیرون آمدند از
ديارهم بطرا ورئاء الناس ويصدون عن
خانهای خود از روی سرکشی و نمود نمای بمردمان و باز میدارند از
سبيل الله والله بما يعملون محيط ۝ واذ زين لهم
راه خدا و خدا بآنچه میکنند در گیرنده است و آنگاه که

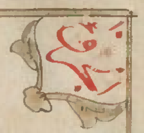


الشيطان



ع

الشیطن اعمالهم وقال لا غالب لکم الیوم من الناس
شیطان بیاراست کردارهای ایشان وگفت غلبه کننده نیست بر شما امروز از مردمان
وانی جار لکم فلما تراءت الفئتن نکص علی
وهر آینه من مددکننده ام شما را پس چون روبرو شدند هر دو گروه بازگشت شیطان
عقبیه وقال انی بریء منکم انی اری ما لا ترون
بر پاشنه خود وگفت هر آینه من بی تعلقم از شما هر آینه من می بینم آنچه شما نبینید
انی اخاف الله والله شدید العقاب اذ یقول
هر آینه من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است آنگاه که میگفتند
المنفقون والذین فی قلوبهم مرض غر هؤلاء
منافقان وآنانکه در دل ایشان بیماری است فریفته است این
دینهم ومن یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم
مسلمانان را دین ایشان وهر که توکل کند بر خدا هر آینه خدا غالب درست کار است
ولو تری اذ یتوفی الذین کفروا الملئکة
و تعجب بکردی اگر بدیدی آری بنده چون فرشتگان قبض ارواح کافران میکنند
یضربون وجوههم وادبارهم وذوقوا عذاب
میزنند بر روی ایشان وبر پشت ایشان و بچشید عذاب سوزان
الحریق ذلک بما قدمت ایدیکم وان الله لیس
سوزان این بسبب آن کردار است پیش فرستاده است دست شما و بسبب آنست
بظلام للعبید کداب ال فرعون والذین
که خدا ظلم کننده نیست بر بندگان مانند قوم فرعون وآنانکه
من قبلهم کفروا بایت الله فاخذهم الله بذنوبهم
پیش از ایشان بودند کافر بآیات خدا پس گرفتار کرد خدا ایشان را بگناه
ان الله قوی شدید العقاب ذلک بان الله
هر آینه خدا توانا و سخت عقوبت است این بسبب آن است که خدا
لم یک مغیرا نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا
نیست تغییر دهنده هیچ نعمتی که انعام کرده باشد بر قومی تا آنکه تغییر کنند



مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ
که در ذات ایشان است و هرآینه خدا شنوا و داناست مانند حال کسان فرعون

وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم
و آنانکه پیش ازان بودند دروغ شمردند آیات پروردگار پس هلاک ساختیم

بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ
بگناهان و غرق ساختیم کسان فرعون را و همه ستمکار بودند

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللّٰهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا
هرآینه بدترین جنبندگان نزدیک خدا آنانکه کافر شدند پس

يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ
ایمان نمی آرند آنانکه عهد بستی با ایشان باز می شکنند

عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ
عهد خود در هر مرتبه و ایشان پرهیز نمی کنند پس اگر یابی ایشان را

فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ
در جنگ متفرق ساز بسبب کشتن ایشان آنانکه پس پشت ایشان باشند که

شوند پندپذیر

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ
و اگر بترسی از گروهی خیانت را پس باز گردان بسوی ایشان عهد ایشان را

إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
هرآینه خدا دوست نمی دارد خیانت کنندگان و باید که نپندارند آنان



كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَأَعِدُّوا لَهُم
که کافران راه پیش دستی کرده اند هرآینه عاجز نتوانند و مهیا سازید برای ایشان

مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ
آنچه توانید از توانائی و از آماده داشتن اسپان بترسانید

بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ
بان دشمن خدا را و دشمن خویش را و قومی دیگر بجز ایشان

لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي
که شما نمیدانید ایشان را خدا میداند ایشان را و آنچه خرج کنید از هرچه باشد

زیاده

سبیل



سبيل الله يوف اليكم وانتم لا تظلمون ۝ وان
در راه خدا تمام داده شود بشما و شما ستم كرده نشويد واگر
جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع
ميل كنند بصلح تو هم ميل كن بسوي آن و توكل كن بر خدا وهر آينه وي شنواو
العليم ۝ وان يريدوا ان يخدعوك فان حسبك الله
داناست واگر خواهند كه فريب دهند ترا پس كفايت كننده است ترا خدا
هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين ۝ والف بين
هموست آنكه قوت داد ترا بياري دادن خود و بمسلمانان والفت داد ميان
قلوبهم لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت
دلهاي ايشان اگر خرج ميكردي آنچه در زمين است همه نمي الفت دادي
بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم
ميان دلهاي ايشان وليكن خدا الفت افكند ميان ايشان هر آينه وي غالب و با حكمت است
يا ايها النبي حسبك الله ومن اتبعك من المؤمنين ۝
اي پيغامبر كفايت كننده است خدا و آنكه پيروي تو كرد از مسلمانان
ع
يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال ان
اي پيغامبر رغبت ده مسلمانان را بر جنگ اگر
يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين
باشند از شما بيست كس صبر كننده غالب شوند بر دو صد كس
وان يكن منكم مائة يغلبوا الفا من الذين
واگر باشند از شما صد كس غالب شوند بر هزار كس از
كفروا بانهم قوم لا يفقهون ۝ الآن خفف الله
كافران بسبب آنكه ايشان گروهي هستند كه نمي فهمند اكنون سبك ساخت
عنكم وعلم ان فيكم ضعفا فان يكن منكم مائة
از سر شما و دانست كه در ميان شما ضعفي هست پس اگر باشند از شما صد كس
صابرة يغلبوا مائتين وان يكن منكم الف
شكيبا غالب آيند بر دو صد كس واگر باشند از شما هزار كس

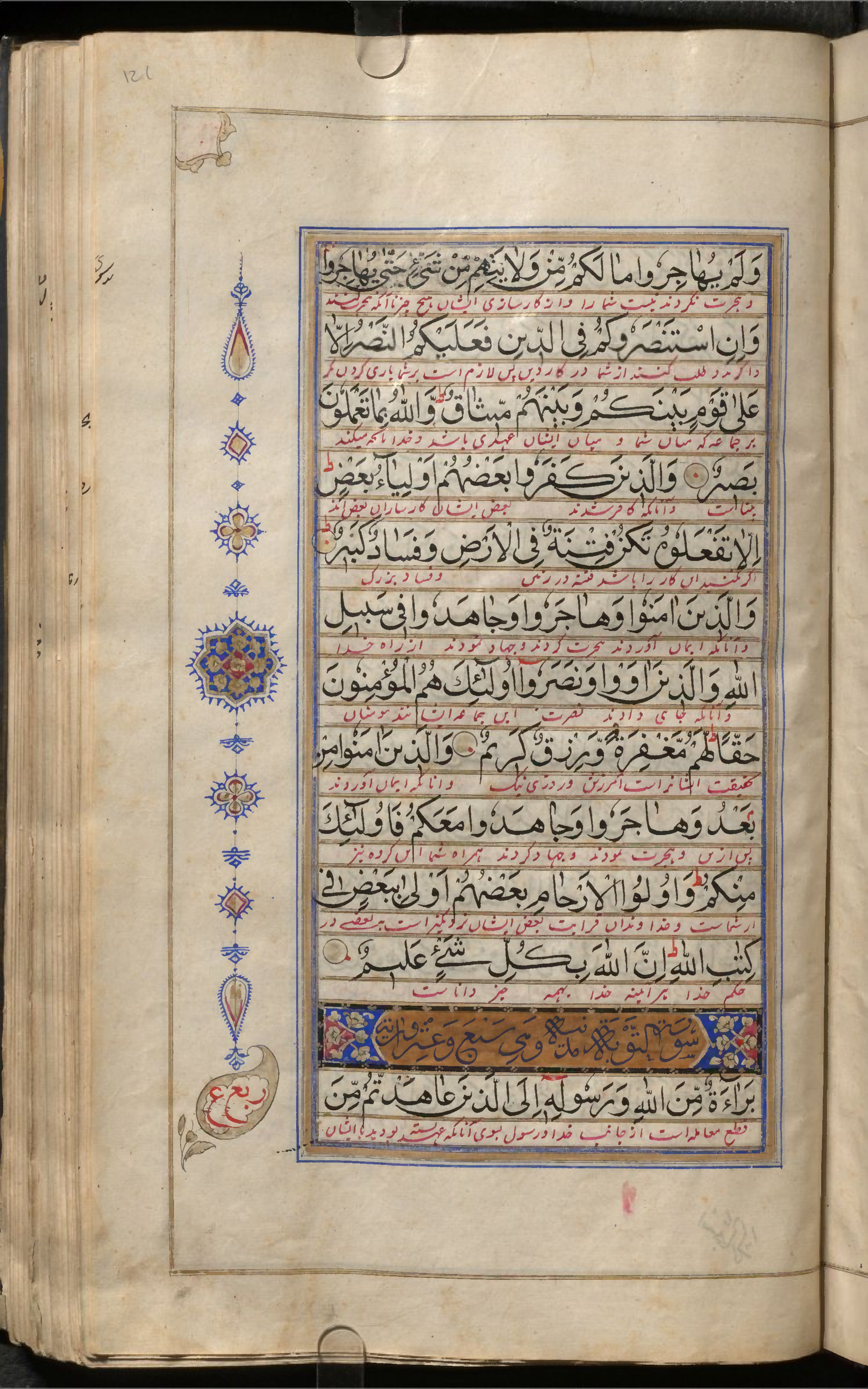


يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصبرين ○ ما
غالب آيند بر دو هزار بفرمان خدا و خدا با صابران است سزاوار
كان لنبي ان يكون له اسرى حتى يثخن في الارض
نبود پيغمبر را كه بدست وي اسيران باشند تا آنكه قتل بسيار بوجود آرد در زمين
تريدون عرض الدنيا والله يريد الاخرة والله
ميخواهيد مال دنيا را و خدا ميخواهد مصلحت آخرت و خدا غالب و
عزيز حكيم ○ لولا كتب من الله سبق لمسكم فيما
غالب با حكمت است اگر نبودي حكم خدا پيشي گرفته ميرسيد بشما آنچه
اخذتم عذاب عظيم ○ فكلوا مما غنمتم حللا طيبا
گرفتيد عذاب بزرگ پس بخوريد از آنچه غنيمت گرفتيد حلال پاكيزه



واتقوا الله ان الله غفور رحيم ○ يايها النبي
و بترسيد از خدا هرآينه خدا آمرزنده مهربان است اي پيغامبر
قل لمن في ايديكم من الاسرى ان يعلم الله
بگو آنانرا كه در دست شما اند از اسيران اگر داند خدا
في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما اخذ منكم ويغفر
در دل شما نيكي البته بدهد شمارا بهتر از آنچه گرفته شد از شما و بيامرزد
لكم والله غفور رحيم ○ وان يريدوا خيانتك
شمارا و خدا آمرزنده مهربان است و اگر خواهند خيانت با تو
فقد خانوا الله من قبل فامكن منهم والله عليم
پس هرآينه خيانت كرده بودند با خدا پيش ازين پس قدرت داد بر ايشان و خدا
حكيم ○ ان الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم
دانا و با حكمت است هرآينه آنانكه ايمان آوردند و هجرت كردند و جهاد كردند بمال خود
وانفسهم في سبيل الله والذين اووا ونصروا
و جان خود در راه خدا و آنانكه جاي دادند و نصرت كردند
اولئك بعضهم اولياء بعض والذين امنوا
اين جماعة بعض ايشان كارسازان بعض اند و آنانكه ايمان آوردند

ولم



وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا
و هجرت نکردند نیست شما را دوا از کارسازی ایشان هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند
وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا
و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دین پس لازم است بر شما یاری کردن مگر
عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهدی باشد و خدا بآنچه میکنید
بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
بیناست و آنانکه کافر شدند بعض ایشان کارسازان بعض اند
إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۝
اگر نکنید این کار را باشد فتنه در زمین و فساد بزرگ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ
و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند از راه خدا
اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
و آنانکه جای دادند [illegible] نصرت این جماعت ایشانند مومنان
حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ
بتحقیق ایشان راست آمرزش و روزی نیک و آنانکه ایمان آوردند
بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ
پس از این و هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما این گروه نیز
مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي
از شماست و خداوندان قرابت بعض ایشان نزدیکتر است ببعضی در
كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝
حکم خدا براینه خدا بهمه چیز داناست

سورة التوبة ١٢٩ مدنية وهي مائة وتسع وعشرون آية

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ
قطع معامله است از جانب خدا و رسول بسوی آنانکه عهد بسته بودید با ایشان

ربع

الْمُشْرِكِينَ ۝ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا

از مشرکان پس سیر کنید در زمین چهار ماه بدانید

أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ۝ وَ

که شما نه عاجز کننده خدا باشید و بدانید آنکه خدا رسوا کننده کافران است

أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ

خبر رسانیدنست از جانب خدا و پیغمبر او بسوی مردمان روز حج بزرگ

أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ

هر آینه خدا بیزار است از مشرکان و رسول او نیز پس اگر توبه کنید

فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

آن بهتر است شما را و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما نه عاجز کننده

اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ

خدا را و خبر ده کافران را بعذاب دردمنده مگر آنانکه با ایشان

عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ

عهد بسته بودند از مشرکان باز کم نکردند با شما از چیزی و

يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ

مدد ندادند بر شما کسی را پس تمام رسانید بسوی ایشان عهد ایشان

إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ فَإِذَا انْسَلَخَ

تا مدت ایشان هر آینه خدا دوست میدارد پرهیزکاران پس چون بگذرد

الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

ماه های حرام پس بکشید مشرکان را هر جا که بیابید

وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ

و بگیرید ایشان را و بند کنید ایشان را و بنشینید برای ایشان هر کمینگاه

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَآتَوُا الزَّكَوٰةَ فَخَلُّوا

پس اگر توبه کنید و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را بگذارید

سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

راه ایشان هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و اگر کسی از مشرکان





اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ

طلب امان کنند از تو امان بده او را تا بشنود قران باز برسان او را بجای امنی

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۝ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ

این بسبب آن است که ایشان گروهی هستند نمیدانند چگونه بود مشرکان را

عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ

عهد نزدیک خدا در سول او الا آنانکه عهد بسته بودید

عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا

نزدیک مسجد حرام پس مادام که بر عهد ثابت باشند شما نیز ثابت باشید

لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا

برای ایشان هر آینه خدا دوست دارد پرهیزکاران چگونه بود مشرکان را عهد و اگر غالب آیند

عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ

بر شما نگاه ندارند در باب شما حق خویشی را و نه عهد رضامند میسازند شما را

بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ۝

بدهان خویش و قبول نمیکند دل ایشان و بیشترین ایشان فاسقند

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ

خرید کردند بآیتهای خدا بهای اندک پس باز داشتند مردمان را از راه خدا

إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ

هر آینه ایشان بد کاری است که میکردند نگاه نمیدارند در باب هیچ مسلمانی

إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ۝ فَإِنْ تَابُوا

حق خویشی را و نه عهد را و آن جماعه ایشانند از حد درگذشتگان پس اگر توبه کنند

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي

و بر پا دارند نماز را و بدهند زکوة را پس ایشان برادران شمااند

الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِنْ نَكَثُوا

در دین و واضح سازیم آیات را برای گروهی که میدانند و اگر بشکنند

أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا

سوگندان خویش را پس از عهد بستن خویش و طعنه زنند در دین شما پس کارزار کنید



أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ

پیشوایان کفر هر آینه سوگند نیست ایشان را بود که ایشان باز ایستند

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ

آیا جنگ نمیکنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش را و قصد کردند جلا دادن

الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ

رسول را و ایشان ابتدا کردند نقض عهد با شما اول مرتبه آیا می ترسید از ایشان

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

پس خدا سزاوار تر است که بترسید ازوی اگر مسلمانید

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ

جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را خدا بدست شما و رسوا سازد و فتح دهد

عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ وَيُذْهِبْ

شما را و شفا بخشد سینهای گروه مسلمانان را و دور کند

غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ

اندوه دل ایشان را و برحمت باز گردد هر که خواهد و خدا

عَلِيمٌ حَكِيمٌ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ

دانا استوار کار است و یا گمان کردید که گذاشته شوید و هنوز متمیز ساخته است

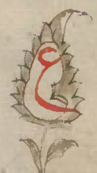
اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ

خدا آنانرا که جهاد کردند از شما و نگرفته اند بجز

اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ

خدا و بجز پیغمبر او و بجز مومنان هیچ دوست نهانی و خدا داناست

بِمَا تَعْمَلُونَ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ



بانچه میکنید روا نباشد مشرکان را که آباد سازند مسجدهای

اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ

خدا اعتراف کرده بر خود بکفر آنجماعة باطل شد

أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ

عملهای ایشان و در آتش ایشانند جاویدان باشند جز این نیست که عمارت کند مسجد های خدا

من آمن



مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى
کسی که ایمان آورده است بخدا و بروز آخر و برپا دارد نماز را و داده
الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا
زکوة را و نترسیده است مگر از خدا پس نزدیک است که این جماعه از
مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ۝ اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمٰرَةَ
راه یافتگان باشند آیا گردانیدید آب نوشانیدن حاجیان را و آبادساختن
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ
مسجد حرام را مانند کسی که ایمان آورده است بخدا و روز آخر
وَجٰهَدَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ط لَا يَسْتَوٗنَ عِنْدَ اللّٰهِ ط
و جهاد کرده است در راه خدا برابر نیستند نزدیک خدا
وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
و خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را آنانکه ایمان آوردند
وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ
و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا باموال خویش
وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ ط وَاُولٰٓئِكَ هُمُ
و جان خویش بزرگ ترند در مرتبه نزدیک خدا و اینجماعه ایشانند
الْفَآئِزُوْنَ ۝ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ
مطلب یابان مژده میدهد ایشانرا پروردگار ایشان برحمتی نزدیک خود
وَجَنّٰتٍ لَّهُمْ فِيْهَا نَعِيْمٌ مُّقِيْمٌ ۝ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ط
و بوستانها که ایشانرا در آنجا نعمتی دایم بود باشندگان آنجا همیشه
اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا
هر آینه خدا نزدیک اوست مزد بزرگ ای مسلمانان
تَتَّخِذُوْٓا اٰبَآءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَآءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا
دوست مگیرید پدران خود را و برادران خود را اگر اختیار کنند
الْكُفْرَ عَلَى الْاِيْمَانِ ط وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ
کفر را برایمان و هرکه از شما دوستی دارد با ایشان اینجماعه

و بخشنودی



الظّٰلمون ۝ قل ان كان اٰباؤكم وابناؤكم و

ستمکاران بگو اگر هستید پدران شما و پسران شما و

اخوانكم وازواجكم وعشيرتكم واموال اقترفتموها

برادران شما و زنان شما و خویشاوندان شما و آن مالهای که کسب کرده

وتجارة تخشون كسادها ومسٰكن ترضونها

و تجارتی که میترسید از بی رواجی آن و منزلها که پسند میکنید آنرا

احب اليكم من الله ورسوله وجهاد في سبيله

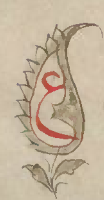
دوست تر نزدیک شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او

فتربصوا حتى يأتي الله بامره والله لا يهدي

پس منتظر باشید تا آنکه بیارد خدا عقوبت خود را و خدا راه ننماید

القوم الفٰسقين ۝ لقد نصركم الله في مواطن

گروه فاسقان را هرآینه فتح داد شما را خدا در جاهای



كثيرة ويوم حنين اذ اعجبتكم كثرتكم فلم

بسیار و روز حنین نیز چون بشگفت آورد شما را بسیاری شما پس دفع

تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما

نکرد این بسیاری از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با وجود

رحبت ثم وليتم مدبرين ۝ ثم انزل الله سكينته

فراخی آن پس برگشتید پشت داده باز فرو فرستاد خدای تعالی

تسکین خود را

على رسوله وعلى المؤمنين وانزل جنودا لم

بر پیغامبر خود و بر مسلمانان و فرو فرستاد لشکرهای که شما ندیدید

تروها وعذب الذين كفروا وذٰلك جزاء

ایشان را و عقوبت کرد کافران را و اینست جزای

الكٰفرين ۝ ثم يتوب الله من بعد ذٰلك على من يشاء

کافران باز برحمت بازگردد خدا بعد از این بر هرکه خواهد و

والله غفور رحيم ۝ يٰايها الذين اٰمنوا انما المشركون

و خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلیدند

نجس



نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم
پلید اند پس باید که نزدیک نشوند مسجد حرام بعد از این سال
هذا وان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من
و اگر میترسید از درویشی پس توانگر خواهد ساخت شما را خدا از
فضله ان شاء ان الله عليم حكيم قاتلوا الذين
فضل خود اگر خواهد هر آینه خدا دانا درست کار است جنگ کنید با آنکه
لا يؤمنون بالله ولا باليوم الاخر ولا يحرمون
ایمان نمی آرند بخدا و بروز آخر و حرام نمی شمرد
ما حرم الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من
آنچه حرام کرد خدا و پیغامبر او و اختیار نمی کنند دین درست را
الذين اوتوا الكتب حتى يعطوا الجزية عن يد
از اهل کتاب تا آنکه بدهند جزیه از دست خود
وهم صغرون وقالت اليهود عزير ابن الله



خوار شده و گفتند یهود که عزیز پسر خداست
وقالت النصرى المسيح ابن الله ذلك قولهم
و گفتند نصاری که مسیح پسر خداست این قول ایشان است
بافواههم يضاهون قول الذين كفروا من قبل
بزبان خود مشابهت کرده اند با سخن قومیکه کافر شدند از پیش
قاتلهم الله انى يؤفكون اتخذوا احبارهم و
لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده میشوند فرا گرفتند دانشمندان
رهبانهم اربابا من دون الله والمسيح ابن مريم
و زاهدان خود را بجز الله و خدا گرفتند مسیح پسر مریم را
وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
و نه فرموده شده اند مگر آنکه عبادت کنند یک خدا را نیست معبود بجز وی
سبحنه عما يشركون يريدون ان يطفؤا نور الله
پاک است وی از آنکه شریک مقرر میکنند میخواهند که فرو نشانند نور خدا را

باقواههم ويابى الله الا ان يتم نوره ولو كره
بزبان خود و قبول نکند خدا مگر آنکه تمام سازد نور خود را اگرچه ناخوش شوند
الكافرون هو الذى ارسل رسوله بالهدى
کافران همون است آنکه فرستاد پیغامبر خود را بهدایت
ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره
و دین راست تا غالب کندش برادیان همه آن اگرچه ناخوش شوند
المشركون يا ايها الذين امنوا ان كثيرا من
مشرکان ای مسلمانان هرآینه بسیاری از
الاحبار والرهبان لياكلون اموال الناس
دانشمندان اهل کتاب و زاهدان اهل کتاب میخورند اموال مردمان
بالباطل ويصدون عن سبيل الله والذين
بباطل و باز میدارند از راه خدا و آنانکه
يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها فى
ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند آنرا
سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها
در راه خدا بشارت ده این جماعه را بعذاب دردناک روزی که گرم کرده شود
فى نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم و
بران مال در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشان
ظهورهم هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم
و پشت ایشانرا و گفته شود این است ذخیره آنچه نهادید برای خود ابن بچشید آنچه
تكنزون ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر
ذخیره میکردید هرآینه شمار ماه ها نزد خدا دوازده ۱۲
شهرا فى كتاب الله يوم خلق السموت والارض منها
ماه است در کتاب خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین را از جمله
اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن
چهار ماه حرام است اینست دین درست ابن ستم مکنید دران چهار

نصف

انفسكم

انفسكم وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم

بر خويشتن و جنگ كنيد با مشركان همه ايشان چنانكه ايشان جنگ ميكنند با شما

كافة واعلموا ان الله مع المتقين انما النسيء

همه شما بدانيد كه خدا با متقيان است جز اين نيست كه نسى

زيادة في الكفر يضل به الذين كفروا يحلونه عاما و

زيادتيست در كفر گمراه گردانيده ميشوند بآن كافران حلال ميشمرند آنماه را يكسال

يحرمونه عاما ليواطئوا عدة ما حرم الله فيحلوا ما حرم الله

و حرام ميشمرند سالى ديگر تا موافقت كنند شمار آنچه حرام ساخته است

پس حلال سازند چيزيرا كه حرام ساخته است خدا

زين لهم سوء اعمالهم والله لا يهدي القوم الكافرين

آراسته كرده شده است براى ايشان بد كردارهاى ايشان و خدا راه ننمايد قوم كافران را

ع

يا ايها الذين امنوا ما لكم اذا قيل لكم انفروا في

اى گروه مسلمانان چيست شما را چون گفته ميشود بيرون آييد در

سبيل الله اثاقلتم الى الارض ارضيتم بالحيوة

راه خدا گران شده ميل ميكنيد بسوى زمين آيا راضى شديد بزندگى

الدنيا من الاخرة فما متاع الحيوة الدنيا في

دنيا عوض آخرت پس نيست متاع زندگانى دنيا در برابر

الاخرة الا قليل الا تنفروا يعذبكم عذابا

آخرت مگر اندكى اگر بيرون نياييد عذاب كند شما را عذابى

اليما ويستبدل قوما غيركم ولا تضروه

دردهنده و بدل شما گيرد قومى را بجز شما و نه هيچ زيان رسانيد

شيئا والله على كل شيء قدير الا تنصروه

خدا را و خدا بر همه چيز تواناست اگر نصرت ندهيد

فقد نصره الله اذ اخرجه الذين كفروا ثاني

پيغامبر را هرآينه نصرت داده است او را خدا آنگاه كه بيرون كردند كافران دوم

اثنين اذ هما في الغار اذ يقول لصاحبه لا تحزن

دو كس آنگاه كه اين دو كس در غار بودند آنگاه كه ميگفت يار خود را اندوه مخور



إِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ
برآینه خدا با ماست پس فرو فرستاد خدا آرامش خود را بر پیغامبر و قوت بخشید بلشکرهای
لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ
که ندید آنرا و فروتر ساخت سخن کافران را
وَكَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ انْفِرُوا
و سخن خدا همون است بلند و خدا غالب درست کار است بیرون آیید
خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي
سبکبار و گران بار و جهاد کنید بمال خود و جان خود در
سَبِيلِ اللّٰهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
راه خدا این بهتر است شما را اگر میدانید
لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنْ
اگر بودی آنچه بآن دعوت میکنی نفع قریب الحصول و سفری آسان پیروی میکردند
بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَوِ
و دور نمود ایشان را مسافت راه و سوگند خواهند خورد بخدا که اگر
اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللّٰهُ
می توانستیم بیرون آمدیم با شما هلاک میکنند خویش را و خدا
يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ عَفَا اللّٰهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ
میداند که ایشان دروغ گویند عفو کناد خدا از تو چرا دستوری
لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ
دادی ایشانرا تا آن وقت بود که هویدا است گویان و بدانی دروغ گویان را
لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
دستوری نمی طلبند از تو آنانکه ایمان آورند بخدا و روز آخر
أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ
در تخلف از آنکه جهاد کنند باموال خویش و جان خویش و خدا داناست
بِالْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بمتقیان جز این نیست که دستوری می طلبند از تو آنانکه ایمان



بالله

بالله واليوم الآخر وارتابت قلوبهم فهم في ريبهم

بخدا و بروز آخر و شک آورده است دل ایشان پس در شک خود

يترددون ۝ ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة

سرگردان شوند واگر خواستندی بیرون آمدن مهیا میکردندی برای آن

ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم وقيل اقعدوا

ولیکن ناپسند داشت خدا برانگیختن ایشان پس از حرکت باز داشت

مع القاعدين ۝ لو خرجوا فيكم ما زادوكم الا خبالا

با نشینندگان اگر بیرون آمدندی میان شما نمی افزودندی در حق شما مگر فساد

ولا اوضعوا خلالكم يبغونكم الفتنة وفيكم

والبته مرکب می تاختندی میان شما فتنه جویان در حق شما و میان شما

سماعون لهم والله عليم بالظالمين ۝ لقد ابتغوا

سخن شنوا اند از ایشان و خدا داناست بستمکاران هرآینه طلب کرده بودند

الفتنة من قبل وقلبوا لك الامور حتى جاء

فتنه را پیش ازین و بگردانیدند برای تو مصلحتها تا آنکه بیامد

الحق وظهر امر الله وهم كارهون ۝ ومنهم من

بصرت حق و غالب شد کار خدا و ایشان ناخواهان بودند و از ایشان کسیست

يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا

که میگوید دستوری ده مرا و در فتنه میانداز آگاه شو که در فتنه افتاده اند

وان جهنم لمحيطة بالكافرين ۝ ان تصبك

و هرآینه دوزخ درگیرنده است کافران را اگر برسد بتو

حسنة تسؤهم وان تصبك مصيبة يقولوا

نعمتی ناخوش کند ایشان را واگر برسد بتو مصیبتی گویند

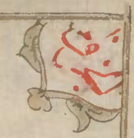
قد اخذنا امرنا من قبل ويتولوا وهم فرحون ۝

بدست آوردیم مصلحت خود پیش ازین و برگردند شادمان شده

قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولانا وعلى

بگو هرگز نرسد بما الا آنچه نوشته است خدا برای ما دوست کارساز ما

ایشان را و گفته شد نشینید



اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى

دبر خدا باید توکل کنند بگو انتظار می برید در حق ما الا یکی

الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللهُ

از دو خصلت نیک را و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند خدای شما

بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ

عذاب را از نزدیک خود یا بدست ما پس انتظار کشید هرآینه ما با شما

مُتَرَبِّصُونَ ۝ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ

منتظرانیم بگو ای منافقان خرج کنید بخوشی و ناخوشی هرگز

قبول کرده

مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَمَا مَنَعَهُمْ

خواهد شد از شما هرآینه شما هستید از قوم فاسقان و باز نداشت ایشان را

أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللهِ وَ

از آنکه قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا و

بِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلٰوةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا

در رسول او و نمی آیند به نماز مگر که ایشان کاهلان و

يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ۝ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ

خرج نمیکنند مگر ناخواهان پس بشگفت نیارد مال ایشان

وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي

و نه فرزندان ایشان جز این نیست میخواهد خدا که عذاب کند ایشان را در

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ۝

زندگانی دنیا و برآید جان ایشان و ایشان کافر باشند

وَيَحْلِفُونَ بِاللهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَ

و سوگند میخورند بخدا که ایشان از جرگه شما اند و نیستند از شما و

لٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ۝ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ

لیکن ایشان جماعه هستند که می ترسند اگر بیابند پناهی را یا

مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ۝ وَ

غارها را یا جائی درآمدن را متوجه شوند بان شتاب کنان و

مِنْهُمْ



التوبة

ع

ثلثة

مِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَٰتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا
از ایشان کسی هست که عیب میکند ترا در قسمت صدقات پس اگر داده شود

رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ
ازان خشنود شوند واگر داده نشوند ازان ناگهان ایشان خشم میکنند واگر ایشان

رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
رضامند میشدند بانچه داده است ایشان را خدا و گفتند بس است ما را خدا

سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ
خواهد داد ما را خدا از فضل خود و رسول او هر آینه ما بسوی خدا

رَاغِبُونَ ۝ إِنَّمَا الصَّدَقَٰتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَٰكِينِ وَ
توقع دارندگانیم جز این نیست که صدقه ها برای فقیران است و بینوایان

الْعَٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ
و کارکنان بر جمع صدقات و آنانکه الفت داده شود دل و برای خرج کردن

وَالْغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً
در آزادی و برای خرج کردن در راه خدا و مسافر است حکم ثابت شده

مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
از خدا و خدا دانا درست کار است و از ایشان آنانند که ایذا رسانند

النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ
پیغامبر را و میگویند وی سبک گوش است بگو سبک گوش نیکوست برای

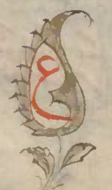
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ
باور میکند خدا را و قبول میکند مشورت مسلمانان و رحمت برای اهل

آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ
ایمان از شما و آنانکه ایذا میدهند پیغامبر خدا را ایشان راست عذاب

أَلِيمٌ ۝ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ
دردهنده سوگند میخورند بخدا برای شما تا رضامند کنند شما را و خدا و رسول او

أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا
سزاوارترند بآنکه رضامند سازند او را اگر مسلمانند آیا نمیدانند

أنه من يحادد الله ورسوله فأن له نار جهنم
هر که خلاف کند با خدا و رسول او پس هر اینه او راست آتش دوزخ
خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۝ يحذر المنفقون
جاویدان آنجا اینست رسوائی بزرگ می‌ترسند منافقان
أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم قل
از آنکه فرود آورده شود بر مسلمانان سورتی که خبر دهد ایشان را در دل ایشان
استهزءوا إن الله مخرج ما تحذرون ۝ ولئن سألتهم
تسخر کنید هر اینه خدا پدید آرنده است چیزی را که می‌ترسید و اگر سوال کنی
ليقولن إنما كنا نخوض ونلعب قل أبالله و
گویند جز این نیست که ما در باطل شروع می‌نمودیم و بازی میکردیم بگو آیا بخدا
ءايته ورسوله كنتم تستهزءون ۝ لا تعتذروا
و آیتهای او و پیغامبر او تسخر میکردید عذر مگوئید
قد كفرتم بعد إيمانكم إن نعف عن طائفة منكم
هر اینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود اگر در گذریم از سر گروهی از شما
نعذب طائفة بأنهم كانوا مجرمين ۝ المنفقون
البته عذاب کنیم گروهی بسبب آنکه گنهکار بودند مردان منافق
والمنفقت بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر
و زنان منافق بعض ایشان را از جنس بعض اند میفرمایند بکار ناپسند
وينهون عن المعروف ويقبضون أيديهم نسوا
و منع میکنند از کار پسندیده و می‌بندند دستهای خود را فراموش کر
الله فنسيهم إن المنفقين هم الفسقون ۝ وعد
خدا پس خدا فراموش ساخت ایشان را منافقان و فاسقانند وعده داد
الله المنفقين والمنفقت والكفار نار جهنم خلدين
خدا مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ همیشه
فيها هي حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقيم ۝
باشندگان آنجا دوزخ بس است ایشان را لعنت کرد ایشان را خدا ایشان راست



كالذين



كالذين من قبلكم كانوا اشد منكم قوة واكثر اموالا
مانند آنانکه پیش از شما بودند زیاده تر از شما از قوت و بیشتر از اموال
واولادا فاستمتعوا بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم
و اولاد پس بهره مند شدند به نصیب خویش پس شما نیز بهره مند شدید به نصیب خویش
كما استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم وخضتم
چنانکه بهره مند شدند آنانکه پیش از شما بودند به نصیبه خویش و شروع در بذل کردید
كالذى خاضوا اولئك حبطت اعمالهم فى الدنيا
چنانکه ایشان شروع در بذل کردند نابود شد عملهای ایشان در دنیا
والاخرة واولئك هم الخسرون الم ياتهم نبا
و در آخرة و این جماعه ایشانند زیانکاران آیا نیامده است به ایشان
الذين من قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم
خبر آنانکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم
ابرهيم واصحب مدين والمؤتفكت اتتهم رسلهم
ابراهیم و اهل مدین و اهل مؤتفکات آمدند به ایشان پیغمبران
بالبينت فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم
به نشانهای روشن پس هرگز نیست که خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان بر خود
يظلمون والمؤمنون والمؤمنت بعضهم اولياء
ظلم کردند و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعض ایشان کارساز
بعض يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر
بعض اند میفرمایند بکار پسندیده و منع میکنند از کار ناپسندیده
ويقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة ويطيعون
و بر پا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و فرمانبرداری میکنند
الله ورسوله اولئك سيرحمهم الله ان الله
خدا و رسول او را این جماعه رحمت خواهد کرد برایشان خدا هر آینه خدا
عزيز حكيم وعد الله المؤمنين والمؤمنت جنت
غالب درست کارست وعده کرده است خدا مردان مسلمان و زنان مسلمان بوستانها



تجری من تحتها الانهر خلدین فیها ومسکن طیبة
که میرود زیرآن جویها همیشه باشندکان انجا وجای های پاکیزه
فی جنت عدن ورضوان من الله اکبر ذلک هو
دربهشت ها همیشه وخشنودی خدابزرگ تراست ازهمه این است
الفوز العظیم یایها النبی جاهد الکفار و
فیروزی بزرگ ای پیغمبر جهادکن با
المنفقین واغلظ علیهم وماوىهم جهنم وبئس
با منافقان ودرشتی کن برایشان وجای ایشان داوزخ است ودی



المصیر یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة
بدجائلست سوکند میخورند بخدا که نگفته اند هرآینه وگفته اند سخن
الکفر وکفروا بعد اسلامهم وهموا بما لم ینالوا
کفر وکافرشده اند بعد اسلام خویش وقصدکردند انچه نیافتند
وما نقموا الا ان اغنهم الله ورسوله من فضله
وانکارنکردند مگربرانکه توانگرساخت ایشان راخدا ورسول او ازفضل خود
فان یتوبوا یک خیرا لهم وان یتولوا یعذبهم
پس اگرتوبه کنند بهترباشد ایشانرا واگربرگردند ازتوبه عذاب کند
الله عذابا الیما فی الدنیا والاخرة وما لهم فی
ایشان راخدا بعذاب دردهنده دردنیا ودرآخره ونیست ایشان را
الارض من ولی ولا نصیر ومنهم من عاهد
درزمین هیچ کارسازی ونه هیچ کارکننده وازایشان کسی هست که عهدکرد
الله لئن اتنا من فضله لنصدقن ولنکونن من
با خدا البته اگربدهدمارا ازفضل خود صدقه دهیم وباشیم از
الصلحین فلما اتهم من فضله بخلوا به وتولوا
نیکوکاران پس وقتیکه بداد ایشانرا ازفضل بخیلی کردند بان وبرگشتند
وهم معرضون فاعقبهم نفاقا فی قلوبهم الی
اعراض کنندگان پس خدایتعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق دردل

بادی بناست آنکه

يوم يلقونه بما اخلفوا الله ما وعدوه وبما كانوا
تا روزی که ملاقات کنند با وی بسبب آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند
يكذبون ۝ الم يعلموا ان الله يعلم سرهم ونجوىهم
دروغ میگفتند آیا ندانسته‌اند که خدا میداند سخن نهان و راز گفتن ایشان را
وان الله علام الغيوب ۝ الذين يلمزون المطوعين
وآنکه خدا داننده عیوب است آنانکه عیب میکنند در راه خدا صدقه دهندگان
من المؤمنين في الصدقت والذين لا يجدون
از مسلمانان در صدقات و عیب میکنند آنانرا که نمی یابند
الا جهدهم فيسخرون منهم سخر الله منهم ولهم
مگر مشقت خود در راه پس مسخر میکنند با ایشان مسخر کرد خدا با آن و ایشانراست
عذاب اليم ۝ استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان
دردهنده آمرزش طلب کن برای ایشان یا آمرزش طلب مکن برای ایشان اگر
تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم
اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز نیامرزد خدا ایشان را
ذلك بانهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي
بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید
القوم الفسقين ۝ فرح المخلفون بمقعدهم
گروه فاسقان شادمان شدند پس گذاشتگان بنشستن خویش
خلف رسول الله وكرهوا ان يجاهدوا باموالهم
بر خلاف پیغمبر خدا و ناپسند کردند که جهاد کنند باموال خویش
وانفسهم في سبيل الله وقالوا لا تنفروا في الحر
و بجان خویش در راه خدا و گفتند با یکدیگر بیرون مروید در گرمی
قل نار جهنم اشد حرا لو كانوا يفقهون ۝
بگو آتش دوزخ سخت‌تر است در گرمی اگر در می یافتند
فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا
پس باید که بخندند اندکی و بگریند بسیاری سزای آنچه





يكسبون ۝ فان رجعك الله الى طائفة منهم

میکردند پس اگر باز آرد ترا خدا تعالی بسوی گروهی از ایشان

فاستاذنوك للخروج فقل لن تخرجوا معى ابدا و

پس دستوری طلبند از تو برای بیرون آمدن بگو بیرون نخواهید آمد با من هرگز و

لن تقاتلوا معى عدوا انكم رضيتم بالقعود اول

جنگ نخواهید کرد همراه من با هیچ دشمنی بدرستی که شما رضامند شدید به نشستن اول

مرة فاقعدوا مع الخالفين ۝ ولا تصل على احد

بار پس بنشینید با پس ماندگان و یا محمد نماز مگذار بر هیچ یکی

منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم كفروا بالله

از ایشان که بمیرد هرگز و بایست بر گوری بدرستی که ایشان کافر شدند بخدا

ورسوله وماتوا وهم فاسقون ۝ ولا تعجبك

و رسول او و مردند و ایشان فاسق بودند و بشگفت نیارد ترا

اموالهم واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها

اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که عقوبت کندشان

فى الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ۝ واذا

در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند و چون

انزلت سورة ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله

فرود آورده شود سوره با این مضمون که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او

استاذنك اولوا الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع

دستوری طلبید از تو خداوندان وسعت از ایشان و گویند بگذار ما را تا باشیم

القاعدين ۝ رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع

با نشستگان راضی شدند تا که باشند با زنان پس مانده مهر نهاده شد

على قلوبهم فهم لا يفقهون ۝ لكن الرسول و

بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند لیکن پیغمبر و

الذين امنوا معه جاهدوا باموالهم وانفسهم و

آنانکه ایمان آوردند با او جهاد کردند باموال خود و جان خود و

اولئك لهم

أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَٰتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ أَعَدَّ اللَّهُ

وایشانراست نیکیها و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخت خدا

لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ط

برای ایشان بوستانها که میرود زیران جویها جاویدان آنجا

ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

این است فیروزی بزرگ و آمدند اهل عذر از صحرانشینان

لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ط

تا دستوری داده شود ایشانرا و نشستند آنانکه دروغ گفتند با خدا و رسول او

سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى

خواهد رسید آنکه کافران از ایشان عذاب دردهنده نیست بر

الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا

بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه نمی یابند آنچه

يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ مَا عَلَى

خرج کنند هیچ گناهی چون نیک خواهی کنند با خدا و رسول او بر

الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ ط وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى

نیکوکاران هیچ راه عتاب و خدا آمرزنده مهربان است و نه بر

الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ

آنانکه چون بیایند پیش از تو سواری دهی ایشانرا گوئی نمی یابم آنچه سوار کنم شما

عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا

بران باز گردند و چشم ایشان روان باشد با اشک از انده که

يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ ۝ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ

نمی یابند آنچه خرج کنند جز این نیست که راه عتاب بر آنان است

يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ ۚ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ

که دستوری می طلبند از تو و ایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند با زنان

الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

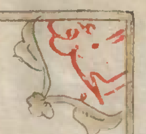
پس مانده و مهر نهاد خدا بر دل ایشان پس ایشان نمی فهمند

يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم قل لا تعتذروا
عذر خواهی کنند پیش شما چون بازآمدید پیش ایشان بگو عذر خواهی مکنید
لن نؤمن لكم قد نبأنا الله من اخباركم وسيرى
باور نکنیم سخن شما را هر آینه آگاه ساخته است خدا ما را ببعض خبرهای شما و خواهد دید
الله عملكم ورسوله ثم تردون الى علم الغيب و
خدا و رسول عمل شما را باز گردید شوید بسوی داننده نهان و آشکارا
الشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون سيحلفون
پس خبر دهد شما را بآنچه میکردید سوگند خواهند خورد
بالله لكم اذا انقلبتم اليهم لتعرضوا عنهم
بخدا پیش شما چون بار آیند ایشان تا روی بگردانند از ایشان
فاعرضوا عنهم انهم رجس وماويهم جهنم جزاء
پس شما روی بگردانید از ایشان هر آینه ایشان پلید اند و جای ایشان دوزخ است
بما كانوا يكسبون يحلفون لكم لترضوا
سزای آنچه میکردند سوگند میخورند برای شما تا رضا مندگردید
عنهم فان ترضوا عنهم فان الله لا يرضى عن القوم
از ایشان پس اگر رضامند شوید از ایشان پس هر آینه خدا رضامند نشود از گروه
الفسقين الاعراب اشد كفرا ونفاقا واجدر
فاسقان صحرا نشینان سخت ترند در کفر و نفاق و سزاوارترند
الا يعلموا حدود ما انزل الله على رسوله والله
با آنکه میدانند احکام شریعتی که نازل کرده است خدا بر پیغمبر خود و خدا
عليم حكيم ومن الاعراب من يتخذ ما ينفق
دانا درست کار است و از اعراب کسی هست تا وان بشمارد چیزی که خرج میکند
مغرما ويتربص بكم الدوائر عليهم دائرة السوء
و انتظار میکشد در حق شما مصائب را بر ایشان باد مصیبت بد
والله سميع عليم ومن الاعراب من يؤمن بالله
و خدا شنوا و داناست و از اعراب کسی هست که ایمان می آرد بخدا

واليوم

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبٰتٍ عِنْدَ اللّٰهِ
و روز آخر و می شمارد چیزی را که خرج می کنند سبب قربت نزدیک خدا
وَصَلَوٰاتِ الرَّسُوْلِ اَلَاۤ اِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ
و وسیله دعای نیک پیغمبر آگاه باشش هر آیینه وی قربت ایشانرا داخل خواهد

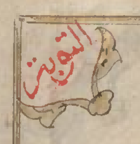
اللّٰهُ فِیْ رَحْمَتِهٖ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۝ وَالسّٰبِقُوْنَ
خدا در رحمت خود هر آیینه آمرزنده مهربان است و سبقت کنندگان
الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِیْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُمْ
نخستین از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند
بِاِحْسَانٍ رَّضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ
به نیکوکاری خوشنود شد خدا ازین جماعة و ایشان خوشنود شدند ازوی و آماده ساخت
لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَاۤ اَبَدًا ذٰلِكَ
برای ایشان بوستانهای که میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه اینست
الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ ۝ وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ
فیروزی بزرگ و ازانکه حوالی شمااند از اعراب
مُنٰفِقُوْنَ وَمِنْ اَهْلِ الْمَدِیْنَةِ مَرَدُوْا عَلَی النِّفَاقِ
منافقانند و بعض اهل مدینه خوگرشده اند بنفاق
لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَیْنِ ثُمَّ
تو نمیدانی ایشانرا ما میدانیم ایشانرا عذاب خواهیم کرد ایشانرا باره
یُرَدُّوْنَ اِلٰی عَذَابٍ عَظِیْمٍ ۝ وَاٰخَرُوْنَ اعْتَرَفُوْا
گردانیده شوند بسوی عذاب بزرگ و دیگران هستند که اقرار کردند
بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَیِّئًا عَسَی
گناهان خود آمیخته اند عمل نیک را با عمل دیگر که بداست نزدیک است
اللّٰهُ اَنْ یَّتُوْبَ عَلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۝ خُذْ
خدا برحمت متوجه شود بر ایشان هر آیینه خدا آمرزنده مهربان است بگیر
مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّیْهِمْ بِهَا وَصَلِّ
از اموال ایشان زکوة تا پاک سازی ایشانرا و بابرکت کنی ایشانرا و دعای



عليهم إن صلوتك سكن لهم والله سميع عليم ۝ ألم
برایشان هر آینه دعای تو سبب آرام است ایشانرا و خدا شنوا و داناست ایا
يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده ويأخذ
ندانسته اند که خدا همون توبه قبول کند از بندگان خود و میگیرد
الصدقت وأن الله هو التواب الرحيم ۝ وقل اعملوا
صدقات را و خدا همون است توبه پذیرنده مهربان و بگو عمل کنید
فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون وستردون
پس خواهد دید خدا و رسول و مومنان عمل شما را و گردانیده خواهید شد
إلى علم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم
بسوی داننده آشکارا و نهان پس خبر دهد شما را با نچه
تعملون ۝ وآخرون مرجون لأمر الله إما يعذبهم
میکردید و دیگران اند موقوف داشته شد بفرمان خدا یا اینست که
وإما يتوب عليهم والله عليم حكيم ۝ والذين اتخذوا
یا برحمت متوجه شود بر ایشان و خدا دانا درست کار است و از ایشان آنانند
مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين و
که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن و بجهة کفر و افگندن میان مسلمانان و
إرصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن
کمینگاه ساختن برای آنانکه جنگ کرده اند با خدا و رسول او پیش ازین و البته
إن أردنا إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكذبون
که نخواسته ایم مگر خصلت نیک را و خدا گواهی که ایشان را دروغ گویانند
لا تقم فيه أبدا لمسجد أسس على التقوى من أول
مایست آنجا هرگز هر آینه مسجدی که بنیاد نهاده شده هست بر تقوی از اول
يوم أحق أن تقوم فيه فيه رجال يحبون أن
روز بهتر است که ایستاده شوی آنجا آنجا مردانند که دوست میدارند
يتطهروا والله يحب المطهرين ۝ أفمن أسس بنيانه
که پاک شوند و خدا دوست میدارد پاک باشندگان آیا کسی که بنیاد نهاد

خدا کند ایشان را

سوگند خوردن



عَلٰى تَقْوٰى مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ اَسَّسَ بُنْيَانَهٗ عَلٰى شَفَا جُرُفٍ

بر پرهیزگاری از خدا و خوشنودی او بهتر است یا کسیکه بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کناره

رود خورده

هَارٍ فَانْهَارَ بِهٖ فِىْ نَارِ جَهَنَّمَ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ لَا

سعد افتادن پس افتاد صاحب خود را در آتش دوزخ و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را همیشه

يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِىْ بَنَوْا رِيْبَةً فِىْ قُلُوْبِهِمْ اِلَّاۤ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوْبُهُمْ

باشد عمارت ایشان که بنیاد کرده اند سبب شک در دل ایشان مگر آنکه پاره پاره کرده شود دل

ایشان

ع

وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

و خدا دانا درست کار است | هر آینه خدا خریده است از مسلمانان

اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ؕ يُقَاتِلُوْنَ فِىْ سَبِيْلِ

جان ایشان و مال ایشان عوض آنکه | ایشان را باشد بهشت جنگ میکنند در راه

اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى

خدا پس میکشند و کشته میشوند وعده که لازم است بر خدا تحقیق در

التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ ؕ وَمَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ

توریت و در انجیل و قران و کیست وفا کننده تر بعهد خویش

مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِىْ بَايَعْتُمْ بِهٖ ؕ

از خدا | پس شادمان باشید بان فروختن خود که معامله کردید بآن

وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ اَلتَّاۤئِبُوْنَ الْعٰبِدُوْنَ

و اینست فیروزی بزرگ | ایشان توبه کنندگانند عبادت کنندگان

الْحٰمِدُوْنَ السَّاۤئِحُوْنَ الرّٰكِعُوْنَ السّٰجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ

حمد گویانند سفر در راه خدا کنندگانند رکوع و سجده کنندگانند فرمایندگانند

بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُوْنَ

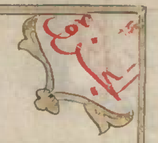
بکار پسندیده و منع کنندگانند از ناپسندیده و نگاهدارندگانند

لِحُدُوْدِ اللّٰهِ ؕ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ مَا كَانَ لِلنَّبِىِّ وَالَّذِيْنَ

احکام خدا و مژده ده مسلمانان را نه و انبود پیغمبر را و نه

اٰمَنُوْۤا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْۤا اُولِىْ قُرْبٰى

مسلمانان را طلب آمرزش کنند برای مشرکان و اگرچه خداوند خویشی باشند



مِن بَعدِ ما تَبَيَّنَ لَهُم أَنَّهُم أَصحٰبُ الجَحِيمِ ۝ وَما كانَ
بعد از آنکه ظاهر شد ایشان را که اهل کرده باشند کان دوزخ اند و نبود

استِغفارُ إِبرٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلّا عَن مَوعِدَةٍ وَعَدَها
آمرزش خواستن ابراهیم برای پدر خود مگر جهة وعده که کرده بود وی با وی

إِيّاهُ فَلَمّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنهُ إِنَّ إِبرٰهِيمَ
پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست بیزار شد از وی هرآینه ابراهیم

لَأَوّٰهٌ حَلِيمٌ ۝ وَما كانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَومًا بَعدَ إِذ
دردمند و بردبار بود و هرگز نیست که خدا گمراه کند قومی را بعد از آنکه

هَدٰىهُم حَتّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم ما يَتَّقُونَ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ
راه نموده باشد ایشان را تا آنکه واضح سازد ایشان از وی اجتناب کنند هرآینه خدا

شَيءٍ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلكُ السَّمٰوٰتِ وَالأَرضِ
به هر چیز داناست هرآینه وی راست پادشاهی آسمان و زمین

يُحيِي وَيُمِيتُ وَما لَكُم مِن دُونِ اللّٰهِ مِن وَلِيٍّ وَلا نَصِيرٍ
زنده میکند وی میراند و نیست شما را بجز خدا هیچ کارسازی و یاری کننده

لَقَد تابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالمُهٰجِرِينَ وَالأَنصارِ
هرآینه رحمت متوجه شد خدا بر پیغامبر و مهاجران و انصار

الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي ساعَةِ العُسرَةِ مِن بَعدِ ما
که پیروی کردند در وقت تنگدستی بعد از آنکه نزدیک بود

كادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنهُم ثُمَّ تابَ عَلَيهِم إِنَّهُ بِهِم
از جای برود دل گروهی از ایشان باز رحمت متوجه شد بر ایشان هرآینه

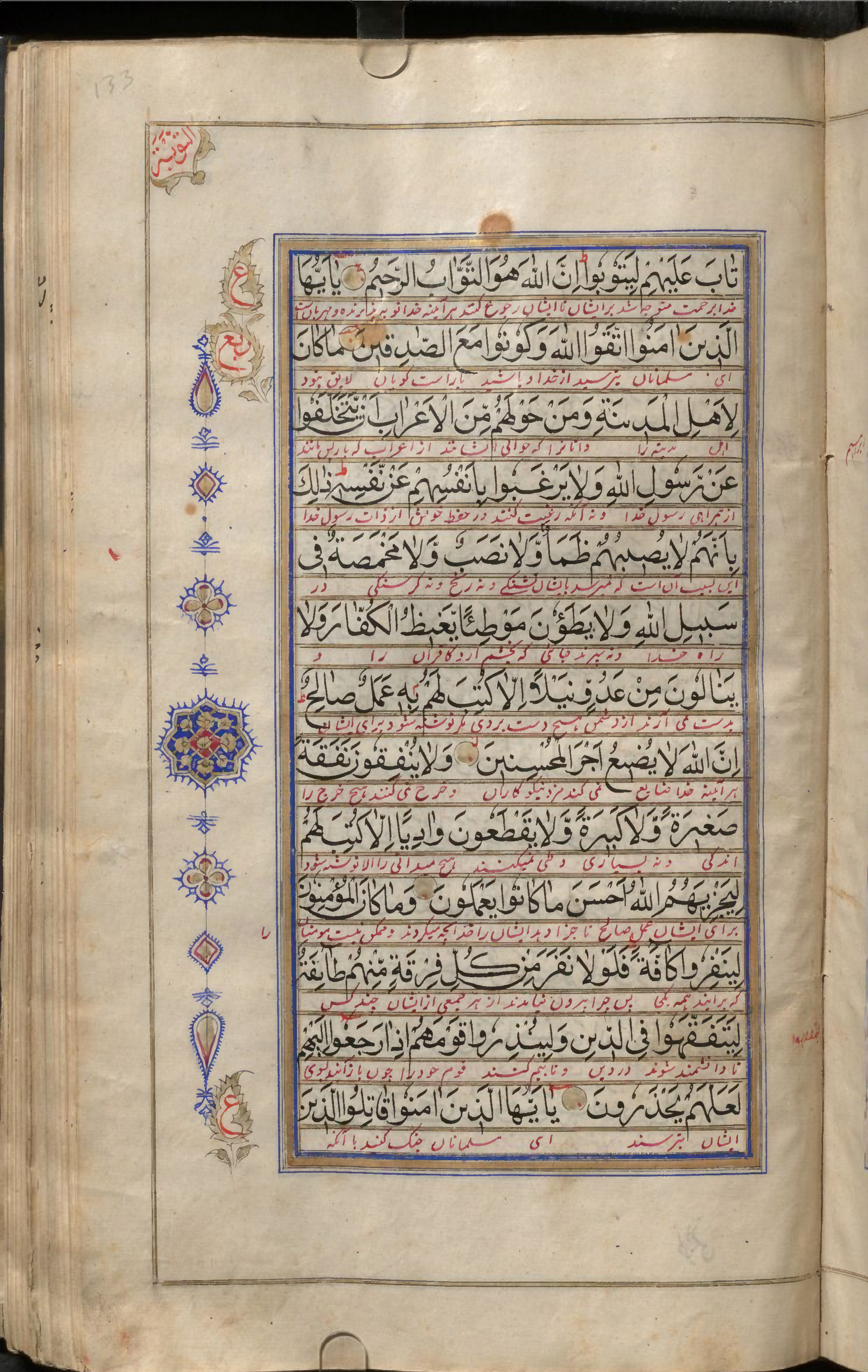
رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَعَلَى الثَّلٰثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتّىٰ
وی بخشنده مهربان است و بر آن کسی که موقوف داشته شده اند تا آنکه

إِذا ضاقَت عَلَيهِمُ الأَرضُ بِما رَحُبَت وَضاقَت
تنگ شد بر ایشان زمین با وجود فراخی آن و تنگ شد

عَلَيهِم أَنفُسُهُم وَظَنُّوا أَن لا مَلجَأَ مِنَ اللّٰهِ إِلّا إِلَيهِ ثُمَّ
بر ایشان جان ایشان و دانستند که پناهی نیست از خدا مگر بسوی او باز

ابراهیم

تاب



تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب الرحيم ۝ يا ايها
خدا برحمت متوجه شد برایشان تا ایشان رجوع کنند هر آینه خدا توبه پذیرنده و مهربان است
الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصدقين ۝ ما كان
ای مسلمانان بترسید از خدا و باشید با راست گویان لایق نبود
لاهل المدينة ومن حولهم من الاعراب ان يتخلفوا
اهل مدینه را و آنانرا که حوالی آن اند از اعراب که باز پس مانند
عن رسول الله ولا يرغبوا بانفسهم عن نفسه ذلك
از همراهی رسول خدا و نه آنکه رغبت کنند در حفظ خویش از ذات رسول خدا
بانهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في
این بسبب آن است که نمیرسد بایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در
سبيل الله ولا يطؤن موطئا يغيظ الكفار ولا
راه خدا و نه سپرند جائی که بخشم آرد کافران را و
ينالون من عدو نيلا الا كتب لهم به عمل صالح
بدست می آرند از دشمن هیچ دست بردی مگر نوشته شود برای ایشان
ان الله لا يضيع اجر المحسنين ۝ ولا ينفقون نفقة
هر آینه خدا ضایع نمی کند مزد نیکوکاران و خرج نمی کنند هیچ خرج را
صغيرة ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب لهم
اندکی و نه بسیاری و طی نمیکنند هیچ میدانی را الا نوشته شود
ليجزيهم الله احسن ما كانوا يعملون ۝ وما كان المؤمنون
برای ایشان عمل صالح تا جزا دهد ایشان را خدا آنچه میکردند و ممکن نیست مومنان را
لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة
که بر آیند همه یکجا پس چرا بیرون نیامدند از هر جمعی از ایشان چند کس
ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم
تا دانشمند شوند در دین و تا بیم کنند قوم خود را چون باز آیند بسوی
لعلهم يحذرون ۝ يا ايها الذين امنوا قاتلوا الذين
ایشان تا بترسند ای مسلمانان جنگ کنند با آنکه

ع

ربع

ع



يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ

نزدیک شما اند از کافران و باید که کافران بیابند در شما درشتی را و بدانید که

اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ○ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن

خدا با م

يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ

که میگوید در حق کدام یک از شما افزون کرده است ایمان را اما اهل ایمان پس

إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ○ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم

ایمان را و ایشان شادمان شوند واما آنکه در دل ایشان

مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ

بیماری است پس افزوده است در حق ایشان پلیدی همراه پلیدی و مردند ایشان

كَافِرُونَ ○ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً

کافران بودند آیا نمی بینند که ایشان عقوبت کرده میشوند در هر سال یکبار

أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ○ وَإِذَا مَا

یا دو بار باز توبه میکنند و نه ایشان پند میگیرند و چون

أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ

فرود آورده شود سورتی نظر کنند بعض ایشان بسوی بعض و گویند آیا می بیند

أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا

هیچ کس شما را پس باز گردند بازگردانیده است خدا دل ایشان را که گروهی هستند

يَفْقَهُونَ ○ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ

که نمیدانند ای مسلمانان آمده است بشما پیغامبری از قبیله شما دشوار است

عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ

بروی رنج شما حریص است بر شما مسلمانان بخشاینده و

رَّحِيمٌ ○ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

مهربان است پس اگر باز گردند بگو بس است خدا هیچ معبود نیست بجز وی

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ○

بروی توکل کردیم و خداوند عرش بزرگ است

زیاد کرد

سورة يونس عليه السلام مكية وهى مائة وتسع اية

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ
بنام خدای بخشنده و مهربان

الٓرٰ تِلۡكَ اٰيٰتُ الۡكِتٰبِ الۡحَكِيۡمِ اَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا
این آیتهای کتاب با حکمت است ابا عجب شد مردمان را

اَنۡ اَوۡحَيۡنَاۤ اِلٰى رَجُلٍ مِّنۡهُمۡ اَنۡ اَنۡذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ
که وحی فرستادیم بسوی مردی از ایشان که بیم کن مردمانرا و بشارت

الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡۤا اَنَّ لَهُمۡ قَدَمَ صِدۡقٍ عِنۡدَ رَبِّهِمۡ قَالَ
ده مسلمانان را آنکه ایشانرا هست پایه درست نزد پروردگار ایشان گفتند

الۡكٰفِرُوۡنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ مُّبِيۡنٌ اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ
کافران هر آینه این شخص جادوگر آشکاراست هر آینه پروردگار شما خداست

الَّذِىۡ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضَ فِىۡ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ
که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز

اسۡتَوٰى عَلَى الۡعَرۡشِ يُدَبِّرُ الۡاَمۡرَ مَا مِنۡ شَفِيۡعٍ اِلَّا
مستقر شد بر عرش تدبیر میکند کار را هیچ شفاعت کننده

مِنۡۢ بَعۡدِ اِذۡنِهٖ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمۡ فَاعۡبُدُوۡهُ اَفَلَا
که بعد از دستوری وی ایست خدا پروردگار شما پس پرستید او را

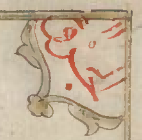
تَذَكَّرُوۡنَ اِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيۡعًا وَعۡدَ اللّٰهِ حَقًّا
آیا پند می گیرید بسوی اوست رجوع شما همه یکجا وعده کرده است خدا

وعده درست

اِنَّهٗ يَبۡدَؤُا الۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيۡدُهٗ لِيَجۡزِىَ الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا
هر آینه وی اول بار کند آفریش باز دیگر بار کند تا جزا دهد آنانرا که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ بِالۡقِسۡطِ وَالَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا لَهُمۡ
و کارهای شایسته کردند بانصاف و آنانکه کافر شدند ایشان راست

شَرَابٌ مِّنۡ حَمِيۡمٍ وَّعَذَابٌ اَلِيۡمٌۢ بِمَا كَانُوۡا يَكۡفُرُوۡنَ
آشامیدن آب گرم غلومت و درد دهنده بسبب آنکه کافر بودند



هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ
او آن است که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن معین کرد
مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ
برای ماه منزلها را تا بدانید شمار سالها و تا بدانید حساب را نیافریده است
اللّٰهُ ذٰلِکَ اِلَّا بِالْحَقِّ یُفَصِّلُ الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ
خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست بیان میکند نشانها برای گروهی که میدانند
اِنَّ فِی اخْتِلَافِ الَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِی
هر آینه در آمد و رفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰیٰتٍ لِقَوْمٍ یَتَّقُونَ اِنَّ الَّذِینَ
آسمانها و زمین نشانهاست گروهی را که پرهیزکاری کنند هر آینه آنانکه
لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَاطْمَأَنُّوا
امید ندارند ملاقات ما را و خشنود شده اند بزندگانی دنیا و آرام گرفتند
بِهَا وَالَّذِینَ هُمْ عَنْ اٰیٰتِنَا غٰفِلُونَ اُولٰئِکَ مَاْوٰیهُمُ
بآن و آنانکه از نشانهای ما بی خبرند این جماعه جای ایشان
النَّارُ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ اِنَّ الَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا
آتش بآنچه عمل میکردند هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کار
الصّٰلِحٰتِ یَهْدِیهِمْ رَبُّهُمْ بِاِیمَانِهِمْ تَجْرِی مِنْ
شایسته کردند راه نماید ایشان را پروردگار ایشان بسبب ایمان
تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِی جَنّٰتِ النَّعِیمِ دَعْوٰیهُمْ فِیهَا سُبْحٰنَکَ
زیر ایشان جویها در بوستانهای نعمت دعای ایشان در آنجا سبحانک
اللّٰهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلٰمٌ وَاٰخِرُ دَعْوٰیهُمْ اَنِ الْحَمْدُ
اللهم یعنی پاک تراست دعای خیر ایشان با یکدیگر سلام بود و دعای ایشان این است که حمد
لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِینَ وَلَوْ یُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ
خدا راست پروردگار عالمها و اگر زود رسانیدی خدای تعالی بر مردمان سختی را
اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَیْرِ لَقُضِیَ اِلَیْهِمْ اَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِینَ
مانند آنکه زود میدهد نعمت بانجام رسانیده در حق ایشان اجل پس میگذاریم آنانرا



لا یرجون

لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ وَإِذَا مَسَّ
که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده در گمراهی خویش و چون برسد رنج
الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا
آدمی را خواند ما را خفته بر پهلوی خود یا نشسته یا ایستاده
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَآ إِلَىٰ ضُرٍّ
پس آنگاه که برداشتیم از وی رنج وی را بگذرد گویا که نخوانده بود ما را بدفع رنجی
مَّسَّهُۥ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ۝
رسید همچنین آراسته کرده شد از حد گذرندگان آنچه میکردند
وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ وَجَآءَتْهُمْ
و بر آینه هلاک کرده ایم قرنها را پیش از شما چون ستم کردند و آمدند بایشان
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ كَذَٰلِكَ نَجْزِي
پیغامبران ایشان با نشانهای روشن و هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند همچنین
الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَٰكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِي الْأَرْضِ
جزا میدهیم گروه گناهکاران باز جانشین ساختیم شما را در زمین
مِنۢ بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ
پس از ایشان تا به بینیم چگونه کار میکنند و چون خوانده شود بر شما
ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا ائْتِ
آیات ما واضح آمد گویند آنانکه امید ملاقات ما ندارند بیار
بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ
قرآنی بجز آن یا تغییر کن او را بگو روا نبود مرا که تغییر کنمش
مِن تِلْقَآئِ نَفْسِيٓ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِنِّيٓ أَخَافُ
من میترسم از جانب خود پیروی میکنم الا آنچه وحی فرستاده شد بسوی من هر آینه
إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قُل لَّوْ شَآءَ
اگر نافرمانی پروردگار را از عذاب روز بزرگ بگو اگر خواستی
اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرَىٰكُم بِهِۦ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ
خدا نخواندمی آنرا بر شما و خبردار نکردی خدا شما را بآن هر آینه مانده ام



عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ
عمری پیش ازوی آیا درنمی یابید پس کیست ستمکارتر از کسی که بربندد
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ وَ
بر خدا دروغ را و دروغ شمرد آیات وی را هرآینه رستگار نمیشوند بدکاران
يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ
و می پرستند بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند
وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ
و میگویند اینان شفاعت کنندگان ما اند نزدیک خدا بگو آیا خبردار میکنید
اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ
خدا را بانچه نمیداند در آسمانها و در زمین پاکی وی راست
وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً
و برتر است از آنچه شرک میآرند و نبودند مردمان مگر یک امت
وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ
پس اختلاف کردند و اگر نبودی کلمه که سابق که صادر شده است از
پروردگار تو
لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَيَقُولُونَ لَوْ
فیصل کرده شدی میان ایشان در آنچه اندران اختلاف دارند و میگویند چرا فرو
لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ
فرستاده شده است بران پیغمبر نشانه از پروردگار وی بگو جز این نیست که علم غیب خدا
فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ وَإِذَا أَذَقْنَا
پس انتظار می کنید هرآینه من باشما از منتظرانم و چون بچشانیم



النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ
مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود بایشان ناگهان بد اندیشی باشد
فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ
در نشانها بگو خدا زودتر است در ... هرآینه فرستادگان ما می نویسند
مَا تَمْكُرُونَ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
آنچه بداندیشی میکنید اوست آنکه روان میکند شما را در خشکی و دریا

حَتّٰىٓ اِذَا كُنْتُمْ فِى الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا

تا وقتیکه باشید در کشتیها و روان شدند کشتیها باسواران خود بباد خوش و شاد شدند

بِهَا جَآءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَآءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ

ایشان را بان باد موافق ناگهان برسد بان کشتیها بادی تند و بیاید بایشان موج از هر جا

وَظَنُّوٓا اَنَّهُمْ اُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

و بدانند که از هر جهت گرفتار گشتند دعا کنند بجناب خدا خالص برای او عبادت

لَئِنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّٰكِرِينَ ۝

که اگر خلاص کنی ما را ازین بلا باشیم از شکر کنندگان

فَلَمَّآ اَنْجٰىهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يٰٓاَيُّهَا

پس چون خلاص ساخت ایشان را ناگهان ایشان بغی کنند در زمین ناحق ای

النَّاسُ اِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰىٓ اَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

مردمان جز این نیست که بغی شما زیان بر جان شماست فائده بهره زندگانی دنیا

ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

باز بسوی ما رجوع شماست پس خبردار کنیم شما را بانچه میکردید

اِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ

جز این نیست که وصف زندگانی دنیا مانند که فرود آوردیم از آسمان

فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا يَاْكُلُ النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ

پس در هم آمیخت بسبب وی روئیدگی زمین از انچه میخورند مردمان و چهارپایان

حَتّٰىٓ اِذَآ اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ

تا وقتیکه بدست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان کردند

اَهْلُهَآ اَنَّهُمْ قٰدِرُونَ عَلَيْهَآ اَتٰىهَآ اَمْرُنَا لَيْلًا اَوْ نَهَارًا

ساکنان آن زمین که ایشان توانا اند بر انتفاع از آن ناگهان بیاید بران فرمان ما در شب — یا در روز

فَجَعَلْنٰهَا حَصِيدًا كَاَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْاَمْسِ كَذٰلِكَ

پس گردانیدیم آنرا مثل زراعت از بیخ بریده گویا نبود دیروز همچنین

نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللّٰهُ يَدْعُوٓا اِلٰى

بیان میکنیم نشانها را برای گروهی که تامل میکنند و خدا میخواند بسوی



دار السلم ويهدي من يشاء الى صراط مستقيم

سرای سلامتی و دلالت میکند هرکه را خواهد بسوی راه راست

للذين احسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم

انانرا که نیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیادتی بران و نپوشد روی انها

قتر ولا ذلة اولئك اصحب الجنة هم فيها خلدون

هیچ سیاهی و نه خواری این جماعه اهل بهشت اند ایشان انجا جاودان باشند

والذين كسبوا السيات جزاء سيئة بمثلها و

و انانرا که بعمل آوردند کردارهای بد جزای بدی بمثل ان است و

ترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم كانما اغشيت

بپوشد ایشان را خواری نباشد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا پوشانیده شد

وجوههم قطعا من اليل مظلما اولئك اصحب النار

روی ایشان را بپاره های شب تاریک آمده این جماعه اهل آتش اند

هم فيها خلدون ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول

ایشان آنجا جاوید باشند کنند و بترسید از روزی که برانگیزیم ایشان را یکی باز گوییم

للذين اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم

ایشان را شریک خدا ساختند بایستید بجای خود شما شریکان را

فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم ايانا تعبدون

پس تفرقه اندازیم میان ایشان و گویند شریکان ایشان که شما مارا نمی پرستید

فكفى بالله شهيدا بيننا وبينكم ان كنا عن

پس بسست خدا گواه میان ما و میان شما هر آینه ما بودیم

عبادتكم لغفلين هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت

از پرستش شما بیخبر آنجا دریابد هر شخصی آنچه پیش فرستاده بود و رجوع

وردوا الى الله مولىهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون

گردانیده شوند بسوی خدا مالک حقیقی ایشان و گم شد از ایشان آنچه افترا میکردند

قل من يرزقكم من السماء والارض امن يملك

بگو که روزی میدهد شما را از جانب آسمان و زمین ایا کیست که خداوند

نصف
ع

السمع

السمع والابصار ومن يخرج الحي من الميت و
باشند گوش و چشم را و کیست که بیرون آرد زنده را از مرده و
يخرج الميت من الحي ومن يدبر الامر فسيقولون
بیرون آرد مرده را از زنده و کیست که تدبیر کند کار را خواهند گفت
الله فقل افلا تتقون ۝ فذلكم الله ربكم الحق
خداست پس بگو آیا حذر نمی کنید پس اینست خدا پروردگار حق شما
فماذا بعد الحق الا الضلل فانى تصرفون ۝ كذلك
پس چیست بعد راستی مگر گمراهی پس از کجا برگردانیده شوید همچنین
حقت كلمت ربك على الذين فسقوا انهم لا
ثابت شد قضای پروردگار تو بر آن فاسقان که ایشان
يؤمنون ۝ قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق
ایمان نیارند بگو آیا هست از شریکان شما که نو کند آفرینش را
ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده فانى
باز دوباره کندش بگو خدا نو میکند آفرینش را باز دوباره پس از کجا
تؤفكون ۝ قل هل من شركائكم من يهدي
برگردانیده شوید بگو آیا هست از شریکان شما کسی که راه نماید
الى الحق قل الله يهدي للحق افمن يهدي الى الحق
بسوی دین حق بگو الله همون راه بنماید بسوی دین حق پس کسیکه راه نماید بسوی حق
احق ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدى فما لكم
لایق تر است بآنکه پیروی کرده شود یا کسی که خود راه نیابد مگر آنوقت که راه نموده
شود پس چیست شما را
كيف تحكمون ۝ وما يتبع اكثرهم الا ظنا ان الظن
چگونه حکم میکنید و پیروی نمیکنند بیشتر ازان مگر وهم را هر آینه وهم کفایت
لا يغني من الحق شيئا ان الله عليم بما يفعلون
نمی کند از معرفت حق چیزی را هر آینه خدا داناست بآنچه میکردید
وما كان هذا القران ان يفترى من دون الله
و نیست این قرآن افترا بغیر حکم خدا



وَلٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتٰبِ

ولیکن هست باور دارنده آنچه پیش از وی هست و بیان شریعتی که نوشته شد بر مردمان

لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعٰلَمِينَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰىهُ

هیچ شبه نیست دران از پروردگار عالمیان ابا میگویند بربسته است انرا

قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن

بگوی بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هرکه توانید

دُونِ اللّٰهِ إِن كُنتُمْ صٰدِقِينَ ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ

بجز خدا اگر هستید راستگوی بلکه دروغ شمرده اند چیزی را

يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذٰلِكَ كَذَّبَ

که فرا نرسیده اند بدانش وی و هنوز نیامده است مصداق وعده و همچنین دروغ

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الظّٰلِمِينَ

داشتند انانکه پیش از شما بودند پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران

وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ

وازایشان کسی هست که ایمان بیارد بوی وازایشان کسی هست که ایمان نیارد و پروردگار تو

أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَ

داناتراست بمفسدان واگر بدروغ نسبت کنند ترا پس بگو مراست عمل

لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيٓءٌ

وشمارا هست بی تعلق آید از آنچه من میکنم و من بی تعلق ام از آنچه شما می کنید

مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ

وازآنچه شما میکنید وازایشان کسی هست که گوش می نهند بسوی تو آیا تو

تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنْهُم مَّن

می شنوانی کرانرا واگرچه نمی یافتند وازایشان کسی هست

يَنظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا

که می نگرد بسوی تو آیا تو راه می نمائی کوران را اگرچه نمی دیدند

يُبْصِرُونَ ۝ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْـًٔا وَلٰكِنَّ

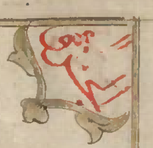
می دیدند هرآینه خدا هیچ ستم نمی کند بر مردمان چیزی ولیکن

س



الناس

النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَاَنْ لَمْ يَلْبَثُوا
مردمان بر خویشتن ستم می کنند و روزی که برانگیزد خدا ایشان را گویا درنگ
اِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ
الا ساعتی از روز شناسا باشند با یک دیگر زیانکار شدند
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللّٰهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَاِمَّا
آنانکه دروغ داشتند ملاقات خدا و نبودند راه یافتگان و اگر
نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا
بنماییم ترا بعضی آنچه وعده کنیم با ایشان یا بمیرانیم ترا بهر حال بسوی ما
مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّٰهُ شَهِيدٌ عَلٰى مَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِكُلِّ اُمَّةٍ
رجوع ایشانست باز خدا مطلع است بر آنچه میکنند و هر امتی را
رَّسُولٌ فَاِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا
پیغامبری هست پس چون آمد پیغامبر ایشان فیصل کرده شود میان ایشان بانصاف
يُظْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ
و بر ایشان ستم کرده نشود و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید
صٰدِقِينَ ۝ قُلْ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
راستگوی بگو نمی توانم برای خود زیانی و نه سودی
اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ اِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ فَلَا
مگر آنچه خواسته است خدا هر گروهی را میعادی هست چون می آید میعاد ایشان
يَسْتَاْخِرُونَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ قُلْ اَرَاَيْتُمْ
پس توقف نکنند ساعتی و نه سبقت کنند بگو خبر دهید مرا
اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا اَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
اگر بیاید بشما عذاب او شبانگاه یا بروز چه چیز را اشتاب می طلبند از آن
الْمُجْرِمُونَ ۝ اَثُمَّ اِذَا مَا وَقَعَ اٰمَنْتُمْ بِهِ آلْئٰنَ وَقَدْ كُنْتُمْ
آن گناهکاران باز وقتی که محقق شود آیا ایمان آرید و پیش ازین
بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ
بشتاب می طلبید باز گفته شود ستمکاران را بچشید عذاب جاوید



عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ

جاوید گرداده میشود الا بانچه می کردید

وَيَسْتَنْبِئُوْنَكَ اَحَقٌّ هُوَ قُلْ اِيْ وَرَبِّيْٓ اِنَّهٗ لَحَقٌّ وَمَآ

و میپرسند ترا یا راست است این وعده بگو آری قسم بپروردگار من که راستیست

اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ۝ وَلَوْ اَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي

وشما عاجز کننده نیستید واگر باشد هر نفس ستم کننده را آنچه



الْاَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهٖ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوُا

در زمین است البته فدیه کند بدانرا و در ضمیر خود دارند پشیمانی چون ببینند

الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ

عذاب را و فیصل کرده شود میان ایشان بعدل و بر ایشان ستم کرده نشود

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَلَآ اِنَّ وَعْدَ

آگاه باشید به آینه خدایراست آنچه در آسمانها و در زمین است آگاه باشید به آینه

اللّٰهِ حَقٌّ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ هُوَ

وعده خدا راست است ولیکن بیشتری ایشان نمی دانند او زنده کند

يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ

واو میراند و بسوی وی گردانیده شود ای مردمان

قَدْ جَآءَتْكُمْ مَّوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا

آمده است بشما پندی از پروردگار شما و شفا مر آن

فِي الصُّدُوْرِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۝ قُلْ

در سینههاست و راه نمودن بخشایش مسلمانان را بگو

بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهٖ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوْا هُوَ

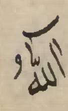
بفضل خدا و برحمت او پس بدین باید که شادمان شوند

خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُوْنَ ۝ قُلْ اَرَاَيْتُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ

آن بهتر است از آنچه جمع میکنند بگو آیا دیدید چیزی را که فرود آورده است خدا

لَكُمْ مِّنْ رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا وَّحَلٰلًا قُلْ

برای شما از جنس روزی پس ساختند بعضی ازرا حرام و حلال بگو



آللّٰهُ اَذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ ۝ وَمَا ظَنُّ
آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا دروغ می بندید و چیست گمان آنانکه
الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
افترا میکنند بر خدای دروغ را روز قیامت
اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ
هر آینه خدا خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتری ازایشان
لَا يَشْكُرُوْنَ ۝ وَمَا تَكُوْنُ فِيْ شَاْنٍ وَّمَا تَتْلُوْا
سپاس داری نمیکنند و نمی باشی در هیچ شغلی و نمیخوانی هیچ سورتی
مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَّلَا تَعْمَلُوْنَ مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا
از طرف خدا آمده و نمی کنید هیچ کاری مگر هستیم برشما مطلع چون در می آئید
عَلَيْكُمْ شُهُوْدًا اِذْ تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَّبِّكَ
آن کار را پوشیده نمی شود از پروردگار تو هم سنگ ذره
مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ وَلَا
نه در زمین و نه در آسمان و نیست
اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْبَرَ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ۝
خردتر ازان و نه بزرگتر الا نوشته شده است در کتاب روشن
اَلَا اِنَّ اَوْلِيَآءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ
آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي
آنانکه ایمان آوردند و تقوی میکردند ایشان راست بشارت در
الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ لَا تَبْدِيْلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ
زندگانی دنیا و بشارت در آخرت نیست هیچ تبدیل مر سخنان خدا را
ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّ
این بشارت هموست فیروزی بزرگ و غمگین نکند ترا سخن ایشان هر آینه
الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ اَلَا اِنَّ لِلّٰهِ
غلبه خدا راست همه یکی اوست شنوا و دانا آگاه باش هر آینه خدا

ع

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ
آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و پیروی نمیکنند آنکه پرستش میکنند
مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ
بجز خدا شریکان را بتحقیق پیروی نمیکنند مگر وهم را و نیستند
إِلَّا يَخْرُصُونَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا
مگر دروغگوی اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در او
فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ
و ساخت روز روشن هر آینه در این نشانهاست گروهی را که می شنوند
قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي
گفتند که فرا گرفته است فرزند پاکی او راست اوست بی نیاز او راست آنچه
السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
در آسمانها و آنچه در زمین است نیست نزدیک شما هیچ حجتی برین
بِهٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ
آیا میگویند بر خدا آنچه نمیدانید بگو هر آینه آنانکه
يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ مَتَاعٌ فِي
برمی بندند بر خدا دروغ را رستگار نشوند ایشان را باشد بهره مندی
الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ
دنیا او بسوی ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت
بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ
بآنکه کفر میکردند و بخوان برایشان خبر نوح را چون گفت
لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي
ای قوم گفت بقوم خود من اگر دشوار شده باشد بر شما قیام من و پند دادن من
بِآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ
بآیتهای خدا پس بر خدا توکل کردم پس عزیمت درست کنید در کار خود
ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ
پس نباشد کار شما پوشیده بر شما باره پرسانید بسوی من و مهلت مدهید مرا

شریکان

ثلثة ع

فان توليتم فما سالتكم من اجر ان اجري الا على
پس اگر اعراض کردید جز آن نخواسته بودم هیچ مزد را نیست مزد من مگر بر خدا
الله وامرت ان اكون من المسلمين ۝ فكذبوه
خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان پس دروغی داشتند
فنجينه ومن معه في الفلك وجعلنهم خلئف
پس خلاص ساختیم او را و آنان را که با وی بودند در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشین
في الارض واغرقنا الذين كذبوا بايتنا فانظر كيف كان
و غرق کردیم آنانی را که دروغ داشتند آیات ما را پس بنگر چگونه شد
عاقبة المنذرين ۝ ثم بعثنا من بعده رسلا الى
بیم کرده شدگان باز فرستادیم بعد نوح پیغامبران را بسوی
قومهم فجاؤهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما
قوم ایشان پس آوردند پیش ایشان نشانهای روشن را پس هرگز نمی‌گرویدند آن را
كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين
[illegible] همچنین مهر می‌نهیم بر دل از حد گذرندگان
ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون الى فرعون
باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون
وملائه بايتنا فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين
و قوم وی با نشانهای خویش پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران
فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا ان هذا لسحر
پس چون آمد بایشان سخن درست از نزد ما گفتند هرآینه این سحر ظاهر است
مبين ۝ قال موسى اتقولون للحق لما جاءكم
گفت موسی آیا چنین میگوئید سخن درست را چون آمد شما را
اسحر هذا ولا يفلح السحرون ۝ قالوا اجئتنا
سحر است این و رستگار نمیشوند ساحران گفتند آیا آمده پیش
لتلفتنا عما وجدنا عليه اباءنا وتكون لكما
باز آری ما را از دینی که یافتیم بران پدران خود و تا باشد شما را





الكبرياء في الارض وما نحن لكما بمؤمنين وقال
ریاست در زمین ونیستیم ما شما را باور دارنده وگفت
فرعون ائتوني بكل سحر عليم فلما جاء السحرة قال لهم موسى
فرعون بیارید پیش من هر ساحر دانا پس وقتیکه آمدند ساحران گفت ایشان را موسی
القوا ما انتم ملقون فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان
بیافکنید آنچه شما افکننده‌اید پس چون افکندند گفت موسی آنچه آوردید این سحر است بدرستیکه
الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين ويحق الله الحق
خدا باطل خواهد ساخت آنرا بدرستیکه خدا راست نیارد کار مفسدان را و ثابت کند خدا — گرداند
بكلماته ولو كره المجرمون فما امن لموسى الا
سخن درست را بفرمان خود واگرچه ناخوش دارند گناهکاران پس ایمان نیاورد بموسی مگر
ذرية من قومه على خوف من فرعون وملائهم
جماعه از قوم وی با وجود خوف از فرعون واز اشراف
ان يفتنهم وان فرعون لعال في الارض وانه
که عقوبت کند ایشانرا و بدرستیکه فرعون سرکشی بود در روی زمین و بدرستیکه
لمن المسرفين وقال موسى يا قوم ان كنتم امنتم
از حد گذرندگان بود وگفت موسی ای قوم من اگر ایمان آورده اید
بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين فقالوا
بخدا پس بروی توکل کنید واگر مسلمان هستید پس گفتند
على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظلمين
بر خدا توکل کردیم ای پروردگار مکن ما را الکوب قوم ستمکاران
ونجنا برحمتك من القوم الكفرين واوحينا الى
و خلاص کن ما را برحمت خود از گروه کافران و وحی فرستادیم بسوی
موسى واخيه ان تبوا لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا
موسی و برادر وی که مسکن سازید برای قوم خود در مصر خانها را وسازید
بيوتكم قبلة واقيموا الصلوة وبشر المؤمنين
آن خانها را خود را قبله رو و برپا دارید نماز را و بشارت ده مومنان را

فقال

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهٗ زِينَةً
و گفت موسی ای پروردگار ما هر آینه تو داده فرعون و قومش را زینت
وَاَمْوَالًا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ
و مالهای بسیار در زندگانی دنیا ای پروردگار ما تا گمراه کنند عالم را از راه تو
رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰى اَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَلَا
ای پروردگار ما مسخ کن مالهای ایشان را و مهر کن بر دل ایشان که
يُؤْمِنُوا حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ ۝ قَالَ قَدْ اُجِيبَتْ
ایمان نیارند تا ببینند عذاب دردمنده | گفت هر آینه قبول کرده شد
دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
دعای شما پس ثابت باشید و پیروی مکنید راه جاهلان را
وَجَاوَزْنَا بِبَنِي اِسْرَآئِلَ الْبَحْرَ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ
و گذرانیدیم اولاد یعقوب از دریا پس در عقب ایشان شدند فرعون
جُنُودُهٗ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ
و لشکر او را راه ستم و تعدی تا وقتیکه رسیدش شقت غرق گفت
اٰمَنْتُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي اٰمَنَتْ بِهٖ بَنُوا اِسْرَآئِلَ
باور داشتم که نیست هیچ معبود مگر آنکه ایمان آوردند بوی بنی اسرائیل
وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ آلْئٰنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ
و من از مسلمانانم گفته شد آیا اکنون ایمان آری و نافرمانی کرده بودی
مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۝ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ
از مفسدان پس امروز بر مکان بلند افگنیم بدن ترا
لِمَنْ خَلْفَكَ اٰيَةً وَاِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ اٰيٰتِنَا
بعبرت بعد از تو باشی نشانه از آنکه پس از تو آیند هر آینه بسیاری مردمان از نشانهای
لَغٰفِلُونَ ۝ وَلَقَدْ بَوَّاْنَا بَنِي اِسْرَآئِلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ
ما بیخبرند و هر آینه جای دادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی
وَرَزَقْنٰهُمْ مِنَ الطَّيِّبٰتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّٰى جَآءَهُمُ
و روزی ایشان را از پاکیزه ها پس اختلاف نکردند تا آنکه آمد بایشان

پیش از این بودی





الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا

دانش یعنی قران هر اینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا

در انچه اختلاف میداشتند پس اگر در شکی از انچه فرو فرستادیم

إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكَ

بسوی تو پس برپرس آنانرا که میخوانند کتاب پیش از تو

لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

هر اینه امده است پیش تو وحی درست از پروردگار تو پس مشو از شک آرندگان

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُونَ مِنَ

و مباش از آنانکه دروغ داشتند آیات ما را انگاه شوی از

الْخٰسِرِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ

زیانکاران هر اینه آنانکه ثابت شد بر ایشان حکم پروردگار تو

لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ

ایمان نیارند و اگرچه بیاید ایشان هر آینه نشانه تا انکه ببینند عذاب

الْأَلِيمَ ۝ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمٰنُهَا

دردبنده پس چرا نشد دِه‌ی که ایمان آرد پس سود کند ایشان ایمان وی

إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ

مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم از ایشان عقوبت رسوائی

فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنٰهُمْ إِلٰى حِينٍ ۝ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ

در زندگانی دنیا بهره مند ساختیم ایشان را تا مدتی و اگر خواستی خدا

لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ

ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان یکجا ایا تو جبر توانی کرد

النَّاسَ حَتّٰى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ

مردمان را تا مسلمان شوند و روا نبود هیچ شخصی را

أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ

که ایمان آورد مگر بحکم خدا و می اندازد پلیدی را بر آنانکه

عشر

لا يعقلون

لا يعقلون ۝ قل انظروا ماذا في السموت والارض

در نمی یابند بگو بنگرید چه چیز است در آسمانها در زمین

وما تغني الايت والنذر عن قوم لا يؤمنون ۝

و فایده نمیکنند نشانها و ترسانندگان گروهی را که باور نمی کنند

فهل ينتظرون الا مثل ايام الذين خلوا من قبلهم

پس انتظار می کشند مگر مانند عقوبتهای آنانکه گذشتند پیش از ایشان

قل فانتظروا اني معكم من المنتظرين ۝ ثم ننجي

بگو انتظار بکشید هر آینه من نیز با شما از منتظرانم باز خلاص میکنیم

رسلنا والذين امنوا كذلك حقا علينا ننج

پیغامبران خود را و آنانرا که ایمان آوردند همچنین خلاص میکنیم

المؤمنين ۝ قل يايها الناس ان كنتم في

مسلمانان را بگو ای مردمان اگر هستید در

شك من ديني فلا اعبد الذين تعبدون من دون

شبهه از دین من پس نپرستم آنانرا که شما میپرستید بجز

الله ولكن اعبد الله الذي يتوفكم وامرت ان

خدا ولیکن عبادت میکنم آن خدا را که قبض ارواح شما میکند و فرموده شد

اكون من المؤمنين ۝ وان اقم وجهك للدين

مرا که باشم از مسلمانان و فرموده شد آنکه راست کن روی خود را

حنيفا ولا تكونن من المشركين ۝ ولا تدع من

برای دین حنیف شده و مباش از مشرکان و مخوان بجز خدا

دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك فان فعلت

بجز خدا چیزی را که سود نکند ترا و زیان نرساند بتو پس اگر بکنی

فانك اذا من الظلمين ۝ وان يمسسك الله

پس آنگاه از ستمکاران و اگر برساند خدا بتو

بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا

رنجی پس نیست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد در حق تو نعمتی پس



رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ
هیچ دفع کننده فضل او را برساند بآن هر که خواهد از بندگان خود و اوست
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ
آمرزنده مهربان بگوای مردمان آمده است بشما دین راست
مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ
از پروردگار شما پس هر که راه یافت جز این نیست که راه یافت برای خود
وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
و هر که گمراه شد جز این نیست که گمراه شود بزیان خود و نیستم من از شما
بِوَكِيلٍ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ
نگاهبان و پیروی کن آنچه وحی کرده شد بسوی تو و صبر کن
حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ
تا آنکه فیصل کند خدا و بهترین فیصل کننده گان است

سورة هود مكية وهي مائة احدى عشر آية

هود مکیه مائه و احد عشر

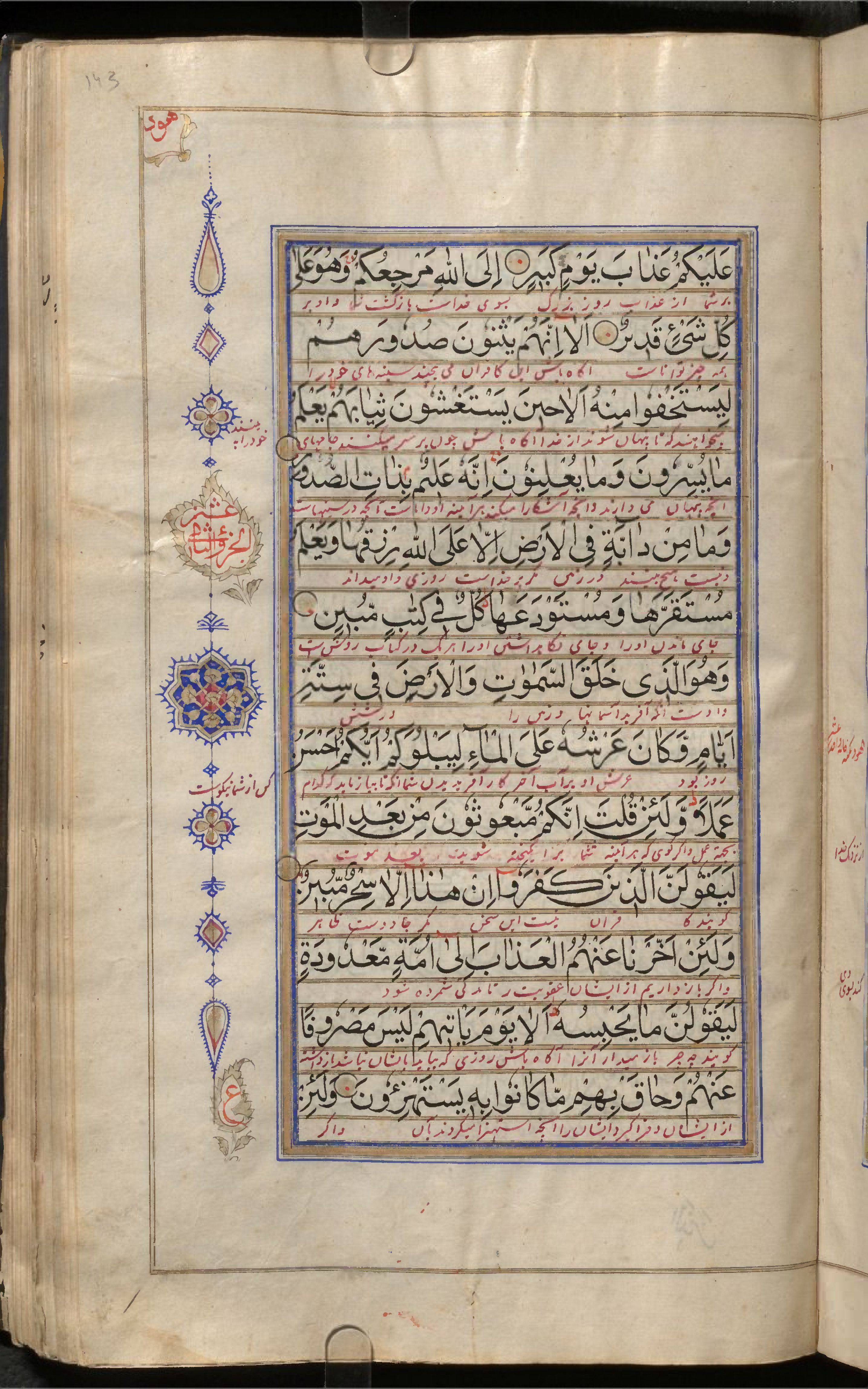
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ
این کتابیست که استوار کرده شد آیات او باز واضح کرده شد
حَكِيمٍ خَبِيرٍ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ
درست کار خبردار که عبادت نکنید مگر خدای را بدرستیکه من شما را از جانب او
وَبَشِيرٌ وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ
بیم کننده و بشارت دهنده ام و آنکه آمرزش طلب کنید از پروردگار خود باز رجوع
يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ
تا بهره مند سازد شما را به بهره نیک بسوی اجل معلوم و تا بدهد هر
كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ
صاحب بزرگی جزای بزرگی و اگر روی گردان شوید پس بدرستیکه من مترسم

از نزدیک خدا

کنند بسوی



عليكم



عليكم عذاب يوم كبير ۝ إلى الله مرجعكم وهو على
بر شما از عذاب روز بزرگ بسوی خداست بازگشت شما و او بر
كل شيء قدير ۝ ألا إنهم يثنون صدورهم
همه چیز تواناست آگاه باشید این کافران می پیچند سینه های خود را
ليستخفوا منه ألا حين يستغشون ثيابهم يعلم
تا پنهان شوند از خدا آگاه باشید چون بر سر میکشند جامهای
ما يسرون وما يعلنون إنه عليم بذات الصدور ۝
آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکارا میکنند بر آینه او داناست آنچه در سینهاست
وما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها ويعلم
و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند
مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين ۝
جای ماندن او را و جای نگاهداشتن او را هر یک در کتاب روشن است
وهو الذي خلق السموات والأرض في ستة
و اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش
أيام وكان عرشه على الماء ليبلوكم أيكم أحسن
روز بود عرش او بر آب تا آزماید شما را که کدام
عملا ولئن قلت إنكم مبعوثون من بعد الموت
بجهة عمل و اگر گوئی که هر آینه شما برانگیخته شوید از بعد موت
ليقولن الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين ۝
گویند که کافران نیست این سخن مگر جادو ظاهر
ولئن أخرنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة
و اگر باز داریم از ایشان عقوبت را تا مدتی شمرده شود
ليقولن ما يحبسه ألا يوم يأتيهم ليس مصروفا
گویند چه چیز باز میدارد آنرا آگاه باشید روزی که بیاید بایشان نباشد بازداشته
عنهم وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ ولئن
از ایشان و فرو گیرد ایشان را آنچه استهزا میکردند بآن و اگر

عشر الجزو الثانی عشر

ع

اذقنا الانسان منا رحمة ثم نزعنها منه انه ليؤس

بچشانیم آدمی را رحمتی از نزدیک خود باز گیریم آنرا از وی هرآینه وی

كفور ٭ ولئن اذقنه نعماء بعد ضراء مسته

ناسپاس است واگر بچشانیم آدمی را فراخی بعد سختی که رسیده باشد بوی

ليقولن ذهب السيات عني انه لفرح فخور

گوید برفتند سختیها از من هرآینه شادمان خودستاینده

الا الذين صبروا وعملوا الصلحت اولئك لهم مغفرة

مگر آنانکه شکیبایی کردند و کارهای شایسته کردند آن جماعه ایشانراست آمرزش

واجر كبير ٭ فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك

و مزد بزرگ پس شاید تو ترک کنی بعض آنچه وحی فرستاده شود بسوی تو

وضائق به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه

و تنگ بود بآن سینه تو از جهة آنکه میگویند چرا فرود آورده نشد بر او

كنز او جاء معه ملك انما انت نذير والله على

گنجی یا چرا نه آمد همراه او فرشته جز این نیست که تو بیم کننده و خدا بر

كل شيء وكيل ٭ ام يقولون افتريه قل فاتوا بعشر

همه چیز نگهبان است اما میگویند بربسته است قرآن را بگو بس بیارید ده

سور مثله مفتريت وادعوا من استطعتم من

سوره را مانند این بربسته و بخوانید هرکه توانید

دون الله ان كنتم صدقين ٭ فالم يستجيبوا لكم

بجز خدا اگر راست گوی هستید پس اگر قبول نکنند شمارا

فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل

پس بدانید آنچه نازل کرده شده است بعلم خدا و بدانید که هیچ معبود نیست

انتم مسلمون ٭ من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها

پس آیا شما مسلمان هستید هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا و تجملاتش

نوف اليهم اعملهم فيها وهم فيها لا يبخسون اولئك

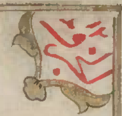
تمام رسانیم بسوی این جماعه جزای اعمال ایشانرا در دنیا و در آن نقصان داده نشوند

کردی

آکرده

الذين

الذين ليس لهم في الآخرة الا النار وحبط ما صنعوا
آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد در آخرت آنچه کرده
فيها وبطل ما كانوا يعملون ۝ أفمن كان على بينة
بودست آنچه عمل می آوردند آیا کسی که باشد بر حجتی
من ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتب موسى
از جانب پروردگار وی پس از قرآن گواه وی بود کتاب موسی پیشوای
إماما ورحمة أولئك يؤمنون به ومن يكفر به
پیشوای و بخشا یعنی مثل دیگران باشد این جماعه ایمان آرند بقرآن و هر که کافر شد
من الأحزاب فالنار موعده فلا تك في مرية منه
از گروها پس آتش وعده گاه وی است پس مباش در شبهه از وی از قرآن
إنه الحق من ربك ولكن أكثر الناس لا يؤمنون
هر آینه وی راست است از پروردگار تو ولیکن بیشتر از مردمان ایمان نمی آرند
ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا أولئك
و کیست ستمکارتر از کسیکه بربست بر خدا دروغی را این جماعه
يعرضون على ربهم ويقول الأشهاد هؤلاء
آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان ایشانند آنانکه
الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على
دروغ بربستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر
الظالمين ۝ الذين يصدون عن سبيل الله و
ستمکاران بر آنانکه باز میدارند مردمان را از راه خدا و
يبغونها عوجا وهم بالآخرة هم كافرون ۝ أولئك
و میجویند برای آن کجی را و ایشان را باخره کافرانند این جماعه
لم يكونوا معجزين في الأرض وما كان لهم من دون
نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را بجز
الله من أولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا
خدا دوستان دوچند کرده شود ایشان را عذاب بانچه



يستطيعون السمع وما كانوا يبصرون ۝ اولئك
نمی توانستند شنودن یعنی بسبب شدت ناخوشی و نمیدیدند این جماعه
الذين خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون
آنانند که زیان کردند در حق خویش و گم شد از ایشان آنچه بر می بافتند
لا جرم انهم في الاخرة هم الاخسرون ۝ ان الذين
بیشک این جماعه در آخرة ایشانند زیانکاران برآینه آنانکه
امنوا وعملوا الصلحت واخبتوا الى ربهم اولئك
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و آرام گرفتند متوجه شده بسوی پروردگار

خويش

اصحب الجنة هم فيها خلدون ۝ مثل الفريقين
ایشان اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند صفت این دو فریق آنست
كالاعمى والاصم والبصير والسميع هل يستوين
مانند کور و کر و بینا و شنوا آیا برابر بوند
مثلا افلا تذكرون ۝ ولقد ارسلنا نوحا
در صفت آیا نمی گیرید پند و هر آینه فرستادیم بسوی نوح را



الى قومه اني لكم نذير مبين ۝ ان لا تعبدوا
بسوی قوم او گفت هر آینه من برای شما بیم کننده آشکارم مپرستید
الا الله اني اخاف عليكم عذاب يوم اليم فقال
مگر بخدا هر آینه من میترسم بر شما از عذاب روز دردهنده این گفتند
الملا الذين كفروا من قومه ما نرىك الا
جماعتی که کافر بودند از قوم من نمی بینیم ترا مگر
بشرا مثلنا وما نرىك اتبعك الا الذين هم
آدمی مانند خویش و نمی بینیم شما را که پیروی تو کرده باشند مگر آنانکه ایشان
اراذلنا بادي الراي وما نرى لكم علينا من
کمینه ها اند و ظاهر بینان و نمی بینیم شما را هیچ
فضل بل نظنكم كذبين ۝ قال يقوم ارءيتم ان
بزرگی بر خود بلکه می پنداریم شما را دروغگوی گفت ای قوم من آیا خبر دهید بدانکه

کنتم

كنت على بينة من ربي واتني رحمة من عنده
اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد مرا بخشایشی از نزدیک خود
فعميت عليكم انلزمكموها وانتم لها كرهون
پس پوشانیده شد حقیقت آن بر شما آیا جبر کنیم شما را بران و شما بران ناخواهانید
ويقوم لا اسئلكم عليه مالا ان اجري الا على
وای قوم من طلب نمیکنم از شما بران پیغام رسانیدن مال نیست مزد من مگر بر
الله وما انا بطارد الذين امنوا انهم ملقوا ربهم
خدای و نیستم دور کننده مر مسلمانان یعنی از صحبت خود هر آینه ایشان ملاقات
کننده کانند به پروردگار خود
ولكني اريكم قوما تجهلون ويقوم من ينصرني
ولکن من می بینم شما را قومی که جاهلی میکنید وای قوم که نصرت دهد مرا
من الله ان طردتهم افلا تذكرون ولا اقول
از عقوبت خدا و اگر برانم ایشان را آیا پند نمی گیرید و نمیگویم بشما
لكم عندي خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول
که نزدیک من خزینهای خداست و نه آنکه میدانم غیب را و نمیگویم
اني ملك ولا اقول للذين تزدري اعينكم
که فرشته ایم و نه میگویم آنانرا که بخواری نگرد ایشان را چشم شما را
لن يؤتيهم الله خيرا الله اعلم بما في انفسهم اني اذا
که نخواهد داد خدا ایشان را هیچ نعمتی و خدا داناتر است بآنچه در ضمیر ایشان است
لمن الظلمين قالوا ينوح قد جدلتنا فاكثرت
هر آینه من از ستمکاران باشم گفتند ای نوح مکابره کردی با ما پس بسیار کردی
جدالنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصدقين
مکابره ما را پس بیار آنچه وعده میکنی اگر هستی از راست گویان
قال انما ياتيكم به الله ان شاء وما انتم بمعجزين
گفت جز این نیست که بیارد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما عاجز کننده نیستید
ولا ينفعكم نصحي ان اردت ان انصح لكم ان كان
و سود نمی کند شما را نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شما را اگر خدا خواسته



الله يريد ان يغويكم هو ربكم واليه ترجعون ۝
خدا خواسته باشد که گمراه کند شما را اوست پروردگار شما وبسوی او بازگردانیده شود
ام يقولون افتريه قل ان افتريته فعلى اجرامى
یا محمد ایا میگویند که بربسته است قران را بگو اگر بربسته ام پس بر منست گناه من
وانا بریء مما تجرمون ۝ واوحى الى نوح انه
ومن بی علقم از گناه کردن شما و وحی فرستاده شد بسوی نوح که
لن يؤمن من قومك الا من قد امن فلا تبتئس
ایمان نخواهد آورد از قوم تو الا آنکه مومن شده است پس اندوه مخور
بما كانوا يفعلون ۝ واصنع الفلك باعيننا
بسبب آنچه میکردند وبساز کشتی را بحضور ما و فرمان ما



ووحينا ولا تخاطبنى فى الذين ظلموا انهم مغرقون ۝
و سخن مگو با من در باب آنکه ستم کردند هر آینه ایشان غرق کردگانند
ويصنع الفلك وكلما مر عليه ملا من قومه
ومی ساخت نوح کشتی را و هرگاه که گذشتی بر آن جماعة از قوم او سخر
سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منكم كما
سخر میکردند با وی گفت اگر سخر میکنید با ما پس هر آینه ما سخر خواهیم کرد با شما
تسخرون ۝ فسوف تعلمون ۝ من يأتيه عذاب
چنانچه سخر میکنید پس خواهید دانست آنرا که بیاید پیش عذابی
يخزيه ويحل عليه عذاب مقيم ۝ حتى اذا جاء
که رسوا کندش و فرود آید بروی عقوبتی دایم تا وقتیکه آمد
امرنا وفار التنور ۝ قلنا احمل فيها من كل
فرمان ما و بجوشید تنور گفتیم بردار در کشتی از هر جنس
زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه القول
دو نر و ماده را و بردار کسان خود را الا آنکه سبقت کرده است بروی قضا
ومن امن وما امن معه الا قليل ۝ وقال اركبوا
و بردار مسلمانان را و ایمان نیاورده بودند با وی مگر اندکی وگفت نوح

فيها

فيها بسم الله مجريها ومرسها إن ربي لغفور
در کشتی بنام خداست روان شدن وی وایستاده کردن وی هر آینه پروردگار
رحيم ۝ وهي تجري بهم في موج كالجبال ونادى
مهربانست وآن کشتی که می برد ایشان را در موجی مانند کوهها وآواز داد
نوح ابنه وكان في معزل يبني اركب معنا ولا
نوح پسر خود را واو بود در کرانه ای پسر سوار شو با ما و
تكن مع الكافرين ۝ قال ساوي إلى الجبل
مباش از کافران کفت پناه خواهم کرفت بسوی کوهی
يعصمني من الماء قال لا عاصم اليوم من أمر الله
که نکاه دارد مرا از آب کفت نوح هیچ نکاه دارنده نیست امروز از عذاب
إلا من رحم وحال بينهما الموج فكان من المغرقين
لیکن معصوم کسی باشد که خدا رحم کرده است ودر آمد موج میان ایشان از غرق
وقيل يأرض ابلعي ماءك ويسماء أقلعي وغيض
وکفته شد ای زمین فرو بر آب خود را ای آسمان باز مان وکم کرده شد
الماء وقضي الأمر واستوت على الجودي وقيل
آب وسرانجام نموده شد کار وقرار کرفت بر کوه جودی وکفته
بعدا للقوم الظالمين ۝ ونادى نوح ربه فقال
هلاک باد قوم ستمکاران وآواز داد نوح پروردگار خود را پس
رب إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق وأنت
ای پروردگار من هر آینه پسر من از اهل منست وهر آینه وعده تو راست است وتو
أحكم الحاكمين ۝ قال ينوح إنه ليس من أهلك
بهترین حکم کنندگان کفت ای نوح هر آینه وی نیست از کسان تو
إنه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم
هر آینه وی خداوند کار ناشایسته است پس سوال کن تو مرا از چیزی که نیست ترا
إني أعظك أن تكون من الجاهلين ۝ قال رب
هر آینه من پند میدهم ترا برای احتراز آنکه باشی از جاهلان کفت ای پروردگار

ربع



إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا
هر آینه من می پناهیم بتو از آنکه بپرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر
تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ قِيلَ يَا نُوحُ
نیامرزی مرا و رحمت نکنی بر من باشم از زیان کاران گفته شد ای نوح
اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ
فرود آی همراه سلامتی از جانب ما و همراه برکتها فرود آمده بر تو و بر امتها گروه
وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تِلْكَ مِنْ
و امتهای دیگر اند که بهره مند کنیم ایشان را در دنیا باز برسد از ما عذابی دردمند این قصه
أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
از اخبار غیب است وحی میفرستیم آن را بسوی تو نمیدانستی او را تو و نه قوم تو
وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ
میدانستند پیش از این پس صبر کن هر آینه عاقبت متقیان را
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
و فرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را
مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ۝ يَا قَوْمِ لَا
هیچ معبودی بجز وی نیستید شما مگر افترا کننده ای قوم من
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي
نمی طلبم از شما بر آن پیغام مزدی را مزد من نیست مگر بر کسیکه آفریده است مرا
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا
آیا در نمی یابید و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود
إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً
باز رجوع کنید بسوی دانا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و بافزاید شما را قوتی
إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ۝ قَالُوا يَا هُودُ مَا
همراه قوت شما و رو گردان مشوید گناهکار شده گفتند ای هود نیاوردی
جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ
بما دلیلی و نیستیم ما ترک کننده معبودان خود بگفته تو

وما نحن

هود

وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ
و نیستیم ما ترا باور دارنده نمی گوییم الا آنکه رسانیده اند بتو
بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا
بعض معبودان ما ضرری گفت هر آینه گواه میسازم خدا را و شما گواه باشید
أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۝ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي
که من بیزارم از آنچه شریک می آرید بجز وی پس بدسگالی کنید در حق من
جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ ۝ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
همه یکجا باز مهلت مدهید مرا هر آینه من توکل کردم بر خدا
رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنبنده مگر خدا بدست گرفته است
إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ
موی پیشانی او را هر آینه بر راه راست پس اگر رو گردان شوید
أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي
ضرری بمن عاید نیست بعا ... که فرستاده شدم بسوی شما و جای نشین سازد پروردگارش
قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي
قومی بجز شما و هیچ زیان نتوانید رسانید خدا را هر آینه پروردگار من
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
بر همه چیز نگاهبان است و چون آمد عذاب ما خلاص ساختیم
هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ
هود را و آنانکه ایمان آوردند با وی برحمتی از جانب خود و برهانیدیم ایشان را
عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ
از عقوبت سخت و این است سرگذشت عاد انکار کردند آیات پروردگار کار خود را
عَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۝ وَأُتْبِعُوا
و نافرمانی نمودند پیغامبران خود را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را و از پی
فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا
ایشان فرستاده شد در دنیا لعنتی و در روز قیامت نیز آگاه باشید هر آینه





كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ۝ وَإِلَىٰ ثَمُودَ
ه فرشند به پروردگار خود آگاه باشید لعنت باد عاد را که قوم هود بودند و فرستادیم بسوی
أَخَاهُمْ صَٰلِحًا قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ
برادر ایشان را صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را
غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
هیچ معبود بجز وی او پیدا کرد شما را از زمین و گردانید شما را باشنده در زمین
فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ۝
پس طلب آمرزش کنید از و باز رجوع کنید بسوی او که هر آینه پروردگار من نزدیک است
قَالُوا يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا
گفتند ای صالح بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این
أَتَنْهَىٰنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ
آیا منع میکنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودان را که عبادت می کنند پدران ما و در شک
مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ
از آنچه میخوانی ما را بسوی آن گفت ای قوم من آیا دیدید اگر باشم
عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ
بر حجتی از پروردگار خود عطا کرده باشد بمن از بخشایش پس که
يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ
نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم پس زیاده نمی کنید
تَخْسِيرٍ ۝ وَيَٰقَوْمِ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا
در حق من زیانکاران و ای قوم من اینست ناقه شتری که خدا فرستاده است برای
تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
پس بگذارید تا بخورد در زمین خدا و مرسانید بوی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شما را
عَذَابٌ قَرِيبٌ ۝ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي
عذابی نزدیک پس پی زدند آنرا پس گفت صالح بهره مند باشید
دَارِكُمْ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ۝
در سرای خود سه روز این وعده ایست غیر دروغ غیر دروغ

ادر شبه

نشانه

فلما

فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ
پس وقتیکه آمد فرمان ما خلاص ساختیم صالح را و آنانرا که ایمان آوردند همراه وی
بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ
به بخشایش از جانب خود و رهانیدیم از رسوائی آن روز هرآینه پروردگار تو همو
الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ۝ وَاَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ
تواناست غالب و در گرفت ستمکاران را آوازی سخت
فَاَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ۝ كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا
پس صبح کردند در سراهای خود مرده شده گوییا هرگز نبودند آنجا
اَلَآ اِنَّ ثَمُوْدَا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا لِّثَمُوْدَ ۝ وَلَقَدْ
آگاه باش هرآینه ثمود انکار کردند پروردگار خود را هرآینه دوری باد ثمود را و هرآینه
جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا
آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت سلام گفتند ابراهیم
قَالَ سَلٰمٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيْذٍ ۝ فَلَمَّا رَاٰ
جواب سلام توقف نکرد در آنکه آورد گوساله بریان پس چون دید
اَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ اِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَاَوْجَسَ مِنْهُمْ
دست ایشان نمیرسد بآن بد برد از ایشان و در خاطر آورد از ایشان
خِيْفَةً قَالُوْا لَا تَخَفْ اِنَّا اُرْسِلْنَا اِلٰى قَوْمِ لُوْطٍ ۝
ترسی گفتند مترس هرآینه ما فرستاده شده ایم بسوی قوم لوط
وَامْرَاَتُهٗ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنٰهَا بِاِسْحٰقَ وَ
و زن ابراهیم استاده بود پس بخندید پس بدادیمش مژده بولد اسحاق و
مِنْ وَّرَآءِ اِسْحٰقَ يَعْقُوْبَ ۝ قَالَتْ يٰوَيْلَتٰى ءَاَلِدُ
بوجود یعقوب گفت ای وای من آیا خواهم زاد من
وَاَنَا عَجُوْزٌ وَّهٰذَا بَعْلِيْ شَيْخًا اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ
پیر شدم و این شوهر من است کلان سال شده هرآینه این چیزی
عَجِيْبٌ ۝ قَالُوْٓا اَتَعْجَبِيْنَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَتُ اللّٰهِ
عجیب است فرشتگان گفتند آیا تعجب میکنی از قدرت خدا بخشایش خدا

وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ
و برکات بر شماست ای اهل این خانه هر آینه خدا ستوده بزرگوار است

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ
پس چون رفت از ابراهیم در آمد بن بشارت شروع

يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ
جدال کردن با ما در باب قوم لوط هر آینه ابراهیم بردبار زاری کننده رجوع کننده

مُّنِيبٌ يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ
بخدا بود گفتیم ای ابراهیم بگذر از این جدال هر آینه حال اینست آمد

أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ وَ
عقوبت پروردگار هر آینه این جماعه آینده است بایشان عقوبت که باز گردانیده نشود

لَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِىٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ
و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان و تنگدل شد

ذَرْعًا وَقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ
بسبب ایشان و گفت این روزیست سخت و آمدند پیش لوط قوم او

يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
شتابان بسوی او و پیش از آن میکردند کارهای زشت لوط

قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ
گفت ای قوم من این دختران من اند یعنی نکاح کنید ایشانرا پاکیزه تر اند برای شما

پس بترسید از خدا

وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ
و رسوا مکنید مرا در باب مهمانان آیا نیست از شما هیچ مرد شایسته

قَالُوا۟ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ
گفتند هر آینه تو دانسته که نیست مارا در دختران تو حاجتی و هر آینه

لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ
تو میدانی آنچه میخواهیم گفت اگر مرا بمقابله شما قوتی بودی یا من پناه گرفتمی

رُكْنٍ شَدِيدٍ قَالُوا۟ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن
بقوم زور آور فرشتگان گفتند ای لوط هر آینه ما فرستادگان پروردگار توایم

نشود

يصلوا

يَصِلُوٓا اِلَيْكَ فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَلَا
بو پس هر کسان خود را ... از شب و باید
يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ اِلَّا امْرَاَتَكَ اِنَّهٗ مُصِيْبُهَا مَا
که واپس منگرد و هیچکس از شما الا زن تو که رسیدنی است او را انچ
اَصَابَهُمْ اِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيْبٍ
رسید بایشان هر آینه میعاد ایشان وقت صبح است ایا صبح نزدیک نیست
فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا
پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبر آن دیه ها را زیر آن و بارانیدیم
عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيْلٍ مَّنْضُوْدٍ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ
بر انجا سنگها از قسم سنگ و گل ته بته نشان مند ساخته شد نزدیک
رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ بِبَعِيْدٍ وَاِلٰى مَدْيَنَ
پروردگار تو وان سنگها نیست دور از ستمکاران و فرستادیم بسوی قوم مدین
اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ
برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را
اِلٰهٍ غَيْرُهٗ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ اِنِّيْٓ
هیچ معبود دیگری و کم مکنید پیمانه و ترازو را هر آینه
اَرٰىكُمْ بِخَيْرٍ وَّاِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
من می بینم شما را با سعه دلی و هر آینه من میترسم از شما از عذاب روز
مُّحِيْطٍ وَيٰقَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ
درگیرنده و ای قوم من تمام کنید پیمانه و ترازو با انصاف
وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي
و کم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را و تباه کاری مکنید در
الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ
زمین فساد کنان نفعی که خدای تعالی حلال ساخته است بهتر است شما را
كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ قَالُوْا
اگر باور دارندگانید و نیستم بر شما نگاهبان گفتند

نصف



يشعيب اصلوتك تامرك ان نترك ما يعبد

اى شعيب آيا نماز تو ميفرمايد تراكه بگذاريم آنچه مى پرستيدند

اباؤنا او ان نفعل فى اموالنا ما نشؤا انك

پدران ما بگذاريم آنكه كنيم در مال خود هرچه خواهيم هرآيينه

لانت الحليم الرشيد قال يقوم ارايتم ان كنت

تو مرد بردبار راست معامله مقصود آن استهزا بود گفت اى قوم من آيا ديديد

على بينة من ربى ورزقنى منه رزقا حسنا

باشم بر حجتى از پروردگار خود و داده باشد مرا از جانب خود روزى نيك

وما اريد ان اخالفكم الى ما انهكم عنه ان

و نمى خواهم كه خلاف كنم با شما مايل شده بسوى آنچه منع مى كنم شما را از آن

اريد الا الاصلاح ما استطعت وما توفيقى

نميخواهم مگر صلاح كارى تا توانم و نيست توفيق من

الا بالله عليه توكلت واليه انيب و

مگر بفضل خدا بروى توكل كردم و بسوى او رجوع ميكنم و

يقوم لا يجرمنكم شقاقى ان يصيبكم مثل

اى قوم بيد انكند در حق شما دشمنى من اين خصلت كه برسد بشما مانند

ما اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صلح

آنچه رسيد بقوم نوح يا بقوم هود يا بقوم صالح

وما قوم لوط منكم ببعيد واستغفروا ربكم

و نيست قوم لوط دور از شما و طلب آمرزش كنيد از پروردگار

ثم توبوا اليه ان ربى رحيم ودود قالوا يشعيب

باز رجوع كنيد بسوى او هرآيينه پروردگار من مهربان و دوستدار است گفتند اى شعيب

ما نفقه كثيرا مما تقول وانا لنريك فينا

نمى فهميم بسيارى از آنچه ميگوى و هرآيينه مابينيم ترا در ميان خود

ضعيفا ولولا رهطك لرجمنك وما انت

ناتوان و اگر نبودى قبيله تو سنگسار كرديم ترا و نيستى تو

عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِيٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ
بس ما گرامی قدر گفت ای قوم من آیا قبیله من گرامی تراست نزد شما از
ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
خدا و گرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هر آینه پروردگار من بآنچه میکنید
مُحِيطٌ ۝ وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ
در گیرنده است و ای قوم من عمل کنید بر طور خود هر آینه من بجای کننده ام
سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ
زود و خواهید دانست آنرا که بیاید بوی عذابی که رسوا کند وی آنرا و آنرا
هُوَ كَاذِبٌ وَٱرْتَقِبُوٓا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا
که وی دروغگوی است و انتظار برید هر آینه من با شما منتظرم و چون
جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ
آمد عذاب ما خلاص ساختیم شعیب را و آنانرا که ایمان آوردند با وی
بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا ٱلصَّيْحَةُ
ببخشایش از خود و در گرفت ظالمان را آواز سخت
فَأَصْبَحُوا فِي دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ۝ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَآ
پس گشتند در سراهای خویش مرده افتاده گویا هرگز نبودند آنجا
أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ۝ وَلَقَدْ
آگاه باش دوری باد مدین را چنانکه دور افتادند ثمود و هر آینه
أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ۝ إِلَىٰ
فرستادیم موسی را بنشانهای خود و بدلیل روشن بسوی
فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَآ أَمْرُ
فرعون و جماعه او پس پیروی کردند فرمان فرعون را و نبود فرمان
فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۝ يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ وَ
فرعون براه راست پیشوا شود فرعون قوم خود را روز قیامت
بِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ ۝ وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِۦ لَعْنَةً
پس بیارد ایشان را باتش و بد جای است که در آنجا شوند دوزخ و از پی ایشان آورده شد لعنت



ويوم القيمة بئس الرفد المرفود ۝ ذلك من انباء

و در روز قیامت بر بد عطا مست کرداده شدان لعنت این از اخبار دیه هاست

القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد ۝

که بخوانیم آنرا بر تو بعضی از ان باقیست و بعضی از بیخ بریده

وما ظلمنهم ولكن ظلموا انفسهم فما اغنت عنهم

و ستم کردیم بر ایشان را ولیکن ایشان ستم کردند بر خود پس هیچ دفع نکرد از ایشان

الهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما

معبودان ایشان که میخواندند بجز خدا هیچ چیز چونکه آمد

جاء امر ربك وما زادوهم غير تتبيب ۝ و

فرمان پروردگار تو و نافزودند ایشان را بجز هلاکی

كذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة

همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون در گرفت کند دیه ها را و آنها ستمکارانند

ان اخذه اليم شديد ۝ ان في ذلك لاية لمن

هر آینه در گرفت وی دردآینده سخت است هر آینه درین سخن نشانی است کسی را که

خاف عذاب الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس

ترسیده است از عذاب آخرة آن روزیست که جمع کرده شوند مردمان

وذلك يوم مشهود ۝ وما نؤخره الا لاجل

و آن روزیست که حاضر شوند در وی و موقوف نمی داریم مگر تا مدت

معدود ۝ يوم يات لا تكلم نفس الا باذنه

معین روزی که بیاید سخن نگوید هیچ کس مگر بدستوری حق

فمنهم شقي وسعيد ۝ فاما الذين شقوا

پس بعضی ایشان بدبخت باشند بعضی نیکبخت اما آنانکه بدبخت شدند

ففي النار لهم فيها زفير وشهيق ۝ خلدين

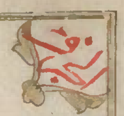
پس در آتش باشند ایشان را آنجا ناله زیر و بم خر باشد جاویدان آنجا

فيها ما دامت السموت والارض الا ما شاء

مدت بقای آسمان و زمین غیر وقتیکه خواسته است

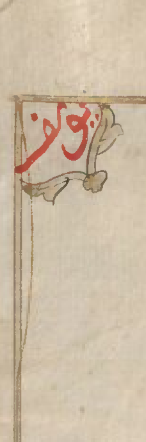
ربك

رَبَّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ
پروردگار تو هرآینه پروردگار تو میکند آنچه میخواهد و اما آنانکه
سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
نیک بخت کرده شدند پس در بهشت باشند جاویدان آنجا تا مدت بقای آسمان‌ها
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝
و زمین غیر وقتیکه خواسته است پروردگار تو بخششی غیر منقطع
فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ
پس مباش از شبهه از آنچه می‌پرستند این گروه نمی‌پرستند
إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ
مگر چنانچه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش از این و ما البته تمام رسانندهٔ ایم
نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
بایشان حصهٔ ایشان را ناکاهیده و هرآینه داده بودیم موسی را
الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
کتاب پس اختلاف افتاده در آن و اگر نبودی سخنی که سابقا صادر شده
مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ
از پروردگار تو هرآینه فصل کرده بشدی میان ایشان و ایشان در شبهه
مِنْهُ مُرِيبٍ ۝ وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ
قوی اندازان و هرآینه هر کسی وقتیکه برانگیخته شوند البته تمام خواهد داد پروردگار تو
أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ
جزای کردار ایشان هرآینه او بآنچه میکنند داناست پس استوار باش چنانکه فرموده شد
وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
تو و آنانکه توبه کردند همراه تو نیز و از حد مگذرید هرآینه وی بآنچه می‌کنید
بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
بیناست و میل مکنید بسوی آنانکه ستمکاری کردند
فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
که آنگاه برسد بشما آتش و نیست شما را بجز خدا از



أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۝ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ
دوستان باز نصرت داده نشوید و برپا کن نماز را دو طرف
النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ ط إِنَّ الْحَسَنٰتِ يُذْهِبْنَ
روز و ساعتی چند از شب بر آینه طاعات دور میکنند
السَّيِّاٰتِ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذّٰكِرِيْنَ ۝ وَاصْبِرْ
گناهان را این پندی هست پند پذیران را و شکیبایی کن
فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَلَوْلَا كَانَ
بر آینه خدا ضایع نمی سازد مزد نیکوکاران را پس چرا نشدند
مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
از آن قرنها که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا
از فساد در زمین الا اندکی ازانکه خلاص ساختیم
مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا
ازمیان ایشان و پیروی کردند ستمکاران و چیزی را که آسوده
مُجْرِمِينَ ۝ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى
گناهکاران و هرگز نیست که پروردگار تو هلاک کند دیه ها را
بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ
بستم و اهل آن نیکوکار باشند و اگر خواستی پروردگار تو
لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ
البته کردانیدی مردمان را یک ملت و همیشه باشند مختلف
إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ط وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ ط وَتَمَّتْ
الا آنکه بروی رحم کرده است پروردگار تو برای این اختلاف آفریده است و تمام شد
كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
سخن پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردمان همه یکجا
وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ
و هر چیزی را میخوانیم بر تو از اخبار پیغامبران آنچیزی را که ثابت میکردانیم

فؤادك



فؤادك وجاءك في هذه الحق وموعظة وذكرى

بان دل ترا وآمده است بتو درین سوره سخن درست وپندی ویاد کردنی

للمؤمنين ۝ وقل للذين لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم

برای مسلمانان وبگو آنانکه ایمان نمی آرند کار کنید بر طور خود

انا عملون ۝ وانتظروا انا منتظرون ۝ ولله

هر آئینه ما نیز کار میکنیم وانتظار کشید هر آئینه ما منتظرانیم وخدایراست

غيب السموات والارض واليه يرجع الامر كله

علم غیب آسمانها وزمین وبسوی او بازگردانیده شود کار همه آن

فاعبده وتوكل عليه وما ربك بغافل عما تعملون ۝

پس عبادت کن اورا وتوکل کن بر او ونیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید

سورة يوسف عليه السلام مكية وهي مائة واحدى عشر اية



بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان

الر ۝ تلك ايت الكتب المبين ۝ انا انزلنه قرءنا

این آیتها آیات کتاب روشن است هر آئینه ما فرو فرستادیم از قرآن

عربيا لعلكم تعقلون ۝ نحن نقص عليك

عربی ساخته باشد که شما دریابید ما قصه میخوانیم بر تو بر تو

احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القران

بهترین قصه خواندن بوحی فرستادن خود بسوی تو این قرآن را

وان كنت من قبله لمن الغفلين ۝ اذ قال

وهر آئینه حال اینست که تو بودی پیش از آن از بیخبران یاد کن چون گفت

يوسف لابيه يابت اني رايت احد عشر

یوسف پدر خود را ای پدر من هر آئینه من بخواب دیدم یازده ستاره را

كوكبا والشمس والقمر رايتهم لي سجدين ۝ قال

ستاره را وآفتاب وماه را دیدم این ایشان را برای خود سجده کننده گفت



يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا

ای پسرک بیان مکن خواب خود را پیش برادران خود انگاه اندیشه کنند

لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطٰنَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝

در حق تو حیله هرآینه شیطان آدمی را دشمن آشکاراست

وَكَذٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ

و چنانکه این خواب بتو نمود همچنین بر گزیند ترا پروردگار تو و بیاموزد ترا از علم تاویل

الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلٰى آلِ يَعْقُوبَ

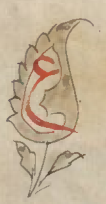
الاحادیث یعنی تعبیر رویا و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب

كَمَا أَتَمَّهَا عَلٰى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرٰهِيمَ وَإِسْحٰقَ

چنانکه تمام کرد آنرا بر دو جد تو پیش ازین ابراهیم و اسحاق

إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ

هرآینه پروردگار تو دانا و استوار کار است هرآینه هست در قصه یوسف و برادران



آيٰتٌ لِلسَّائِلِينَ ۝ إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ

نشانها سوال کننده گان را چون گفتند یوسف و برادر حقیقی او دوست

إِلٰى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلٰلٍ

نزدیک پدر ما از ما و ما جماعتی ایم هرآینه پدر ما در خطای

مُبِينٍ ۝ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ

ظاهرست بکشید یوسف را یا بافکنیدش بزمین غیر معلوم تا خالی شود

لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا

برای شما توجه پدر شما و تا باشید بعد ازین گروهی

صٰلِحِينَ ۝ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ

شایسته یعنی توبه کنید گفت گوینده از ایشان مکشید یوسف را

وَأَلْقُوهُ فِي غَيٰبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ

و افکنیدش در چاه تاریک تا برگیرد اورا بعض

السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِينَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ

مسافران اگر کنند کانید گفتند ای پدر ما چیست حال تو

لَا تَأْمَنَّا

لا تأمنا على يوسف وإنا له لنٰصحون ۝ أرسله
که ایمن نمی پنداری ما را بر یوسف و هرآینه ما او را نیک خواهانیم بفرست او را
معنا غدا يرتع ويلعب وإنا له لحٰفظون ۝ قال
با ما فردا تا میوه بسیار خورد و بازی کند و هرآینه ما او را نگاهبانیم گفت
إني ليحزنني أن تذهبوا به وأخاف أن يأكله
هرآینه اندوهگین میکند مرا آنکه ببریدش و میترسم از آنکه بخورد گرگ و
الذئب وأنتم عنه غٰفلون ۝ قالوا لئن أكله
شما از وی [illegible] اری خبر باشید گفتند اگر بخورد او را گرگ
الذئب ونحن عصبة إنا إذا لخٰسرون ۝ فلما
و ما جماعتی ایم هرآینه ما آنگاه زیانکار باشیم پس چون
ذهبوا به وأجمعوا أن يجعلوه في غيٰبت الجب
بردندش و عزیمت کردند که بیافکنندش در چاه تاریک
وأوحينا إليه لتنبئنهم بأمرهم هٰذا وهم لا
و وحی فرستادیم بسوی او که البته خبردار خواهی ساخت ایشان را بای جرا
یشعرون ۝ وجاءو أباهم عشاء يبكون ۝ قالوا
و ایشان نشناسند و آمدند پیش پدر خود شبانگاه گریان گریان گفتند
يٰأبانا إنا ذهبنا نستبق وتركنا يوسف عند
ای پدر ما هرآینه ما شروع کردیم در سابقه و گذاشتیم یوسف را نزدیک
متٰعنا فأكله الذئب وما أنت بمؤمن لنا
رخت خویش پس بخورد او را گرگ و نیستی تو باوردارنده ما
ولو كنا صٰدقين ۝ وجاءو على قميصه بدم كذب
واگرچه هستیم راست گوی و آوردند بالای قمیص او خون دروغ را
قال بل سولت لكم أنفسكم أمرا فصبر جميل
یعقوب گفت نی بلکه آراسته است پیش شما نفس شما تدبیری را پس کار من صبر نیک است
والله المستعان على ما تصفون ۝ وجاءت
و خدا مدد طلب کرده میشود از وی بر آنچه شما بیان میکنید و آمد کاروانی

ی ایشان

ثلثة

سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يٰبُشْرَىٰ

کاروانی پس فرستادند سقای خود را پس انداخت دلو خود گفت ای مژده

هٰذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

این نوجوانیست و اهل قافله پنهان ساختند او را سرمایه داشته و خدا داناست بانچه میکردند

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ

و برادران فروختند پس به بهای اندک ناقص درمهای چند شمرده شده و بودند در باب یوسف

مِنَ الزّٰهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ

از بی رغبتان و گفت شخصی که خرید کرد یوسف را از اهل مصر بزن خود

أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا ۚ وَ

گرامی دار جای او شاید که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و

كَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ

بهمچنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین تا بیاموزیم او را از علم تاویل

الْأَحَادِيثِ ۚ وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

الاحادیث و خدا تواناست بر مراد خود ولیکن اکثر مردمان نمیدانند

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ

نمیدانند و چون رسید یوسف بنهایت قوت خود دادیم او را دانائی و علم

وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي

و همچنین جزا میدهیم نیکوکاران و گفت و شنید کرد با یوسف

هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ

زنی که او در خانه اش بگذارد از حفظ خود این کنایت از طلب جماعست و بست درها

قَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ ۖ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ

و گفت بیش آی گفت پس پناه میجویم بخدا این شخص صاحب منست نیکو ساخت

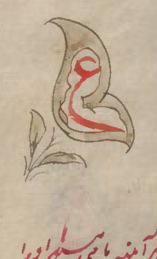
مَثْوَايَ ۖ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُونَ ۝ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۖ

جای مرا هر آینه رستگار نمیشوند ظالمان و هر آینه قصد کرد آن زن بوی

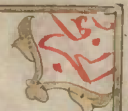
وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ ۚ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ

و قصد کرد یوسف او را اگر نه آن بودی که دیدی یوسف دلیل پروردگار خود را شد آنچه

عنه السوء والفحشاء انه من عبادنا المخلصين
بند چنین کردیم تا باز گردانیم از وی بدی و بیجای را هر آینه وی از بندگان خالص کرده است
واستبقا الباب وقدت قميصه من دبر و
و با یکدیگر سبقت کردند بسوی دروازه و بدرید آن زن پیراهن یوسف را از پس پشت
الفيا سيدها لدا الباب قالت ما جزاء من
و یافتند شوهر زن را نزدیک دروازه گفت چیست جزای کسیکه که
اراد باهلك سوءا الا ان يسجن او عذاب اليم
خواسته باشد باهل تو کار بد مگر آنکه بزندان کرده شود یا عقوبتی دردهنده
قال هي راودتني عن نفسي وشهد شاهد
یوسف گفت این زن گفت و شنید کرد با من تا غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد
من اهلها ان كان قميصه قد من قبل فصدقت
از قبیله زن که اگر هست پیراهن یوسف دریده از پیش پس این زن راست گفته است
وهو من الكذبين وان كان قميصه قد من
و یوسف از دروغ گویان است و اگر هست پیراهن او دریده از پس
دبر فكذبت وهو من الصدقين فلما را
پشت پس این زن دروغ گفته است راست گویان است پس شوهرش چون
قميصه قد من دبر قال انه من كيدكن ان
دید پیراهن او دریده از پس گفت این قضیه از مکر شما هست ای زنان هر آینه
كيدكن عظيم يوسف اعرض عن هذا و
مکر شما ای زنان بزرگ است ای یوسف درگذر ازین ماجرا و ای زن طلب
استغفري لذنبك انك كنت من الخطئين
آمرزش کن برای گناه خود هر آینه تو بوده ای از خطا کنندگان
وقال نسوة في المدينة امرات العزيز تراود
و گفتند زنان چند در شهر که زن عزیز گفت و شنید میکند با نوجوان خود
فتها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنريها في
تا غافل کند او را از حفظ نفس خود هر آینه در دلش جای کرده است از وی دوستی



هر آینه ما می بینیم او را



ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ۝ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ
در گمراهی ظاهر است — پس چون شنید زن عزیز عیبت ایشان را آدم فرستاد بسوی ایشان

وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ
و مهیا کرد برای ایشان مجلسی — و داد هر یکی را از ایشان

سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ
کاردی و گفت ای یوسف بیرون آی بر این زنان پس چون دیدندش بزرگ

وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا
و بریدند دستهای خویش و گفتند پاک است خدا نیست این جوان آدمی

إِنْ هٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ۝ قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِي
این شخص مگر فرشته گرامی — زن عزیز گفت این است آنکه ملامت کرده بودید

لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُّهُ عَنْ نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ
مرا در عشق وی و هر آینه گفت و شنید کردم با وی تا غافل کنم او را از حفظ نفس

وی نگاه داشت خود را

وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ
و اگر نکند آنچه می فرمایم او را البته بزندان کرده شود و البته باشد

الصّٰغِرِينَ ۝ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا
از خوار شدگان — یوسف گفت ای پروردگار من زندان دوست تر است نزدیک من

يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ
از آنچه میخوانند مرا بسوی آن و اگر تو باز نداری از من فریب این زنان را

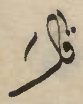
أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِّنَ الْجٰهِلِينَ ۝ فَاسْتَجَابَ
لاجرم میل کنم بایشان و باشم از نادانان — پس قبول دعای او را

لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
پروردگار او پس باز داشت از یوسف فریب ایشان را هر آینه وی شنوا

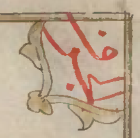
الْعَلِيمُ ۝ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيٰتِ
داناست — باز ظاهر شد آنجا عمرا بعد از آنکه دیده بودند نشانها که

لَيَسْجُنُنَّهُ حَتّٰى حِينٍ ۝ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيٰنِ
البته بزندان در آرند او را تا مدتی — و داخل شدند بزندان همراه یوسف دو جوان




قال

قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ
یکی از ایشان گفت هرآئینه بخواب می بینم خود را که می افشارم آب انگور و دیگر گفت که
إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ
هرآینه می بینم خود را که برداشته ام بر سر خود نانی که مرغان از آن میخورند
مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝
خبردار کن ما را به تعبیر آن خواب هرآینه ما می بینیم از نیکوکاران
قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا
گفت نخواهد آمد بشما هیچ طعامی که داده میشوید آنرا یعنی در خواب که خبردار کنم شما را
بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي
به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید بشما مقدار تعبیر آن تعبیر از آن فضل است که آموخته مرا پروردگار من
إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
هرآینه من ترک کرده ام کیش قومی که ایمان نمی آرند بخدا و ایشان بآخرت
هُمْ كَافِرُونَ ۝ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ
نامعتقد اند و پیروی کردم کیش پدران خود را ابراهیم و
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ
اسحق و یعقوب نشاید ما را که شریک خدا مقرر کنیم
مِنْ شَيْءٍ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ
چیزی را از فضل خداست بر ما و بر مردمان
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ
ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند ای دو باشندگان
السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ
زندان آیا معبودان پراگنده بهتر اند یا خدا یکتاست
الْقَهَّارُ ۝ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً
غالب عبادت می کنید بجز خدا مگر نامهای چند را
سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
که شما مقرر کرده اید آنرا و پدران شما مقرر کرده اند نفرستاده است خدا برینها



سلطن ان الحكم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه
هیچ دلیلی نیست فرمانروای مگر خدا را که فرموده که عبادت مکنید مگر خودش را
ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون
این است کیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند
يصاحبي السجن اما احدكما فيسقي ربه خمرا
ای دو باشندگان زندان اما یکی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب
واما الاخر فيصلب فتاكل الطير من راسه
و اما دیگر پس بر دار کرده شود پس بخورند مرغان را از سر او
قضي الامر الذي فيه تستفتين وقال للذي
فیصل کرده شود کاری که در وی سوال میکنید وگفت یوسف مر آنکه
ظن انه ناج منهما اذكرني عند ربك فانسه
که وابسته بود که خلاصی یابنده است از آن دو کس یاد کن مرا نزدیک مولای خود
الشيطن ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين
پس شیطان فراموش گردانید از خاطر وی که یاد کند پیش مولای خود پس ماند یوسف
وقال الملك اني ارى سبع بقرت سمان
وگفت پادشاه هر آینه من بخواب می بینم که هفت گاو فربه میچرند

در زندان چند سال



يأكلهن سبع عجاف وسبع سنبلت خضر و
ایشان را هفت گاو لاغر و می بینیم هفت خوشه سبز را و هفت
اخر يبست يايها الملا افتوني في رءياي ان
خوشه دیگر را خشک ای جماعه جواب من دهید در باب خواب من
كنتم للرءيا تعبرون قالوا اضغاث احلام
اگر خواب را تعبیر کنید گفتند این خوابها شوریده است
وما نحن بتاويل الاحلام بعلمين وقال الذي
و ما نیستیم به تعبیر خواب های شوریده دانا وگفت آنکه
نجا منهما وادكر بعد امة انا انبئكم بتاويله
آنکه نجات یافت از آن دو کس و بیاد آورد بعد مدتی من خبر دهم شما را تعبیر آن

فارسلون

فَأَرْسِلُونِ ۝ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي
پس بفرستید مرا گفت ای یوسف ای راست گوی جواب ده ما را در
سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ
جواب که هفت گاو فربه میخورند ایشان را وهفت گاو لاغر وهفت
سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى
خوشه سبز وهفت خوشه دیگر خشک بو که من باز گردم بسوی
النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ
مردمان تا ایشان بدانند گفت زراعت کنید هفت
سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا
سال پی در پی بر عادت خود پس آنچه بدروید بگذارید در خوشهاش
قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ
مگر اندکی از آنچه بخورید باز بیاید بعد ازان
سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا
هفت سال سخت بخورند آنچه در سابق ذخیره نهاده بودید مگر اندکی از آنچه
تُحْصِنُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ
با حفاظ نگاه دارید باز بیاید بعد ازان سالی که در و باران فرستاده شود
يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ
بر مردمان ودر وی فشارند انگور و غیر آن وگفت پادشاه بیارید پیش
ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ
من پس یوسف پس چون آمد نزد یوسف فرستاده پادشاه گفت بازگرد بسوی مولی خود
فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ
پس سوال کن او را چیست حال آن زنان که بریدند دستهای خویش هر آیینه
رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ
پروردگار من بحیله های ایشان داناست گفت پادشاه چه بود حال شما چونکه گفت
يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ
شنید کردید با یوسف تا بلغزانیدش از احتیاط نفس خود گفتند پاکی خدا را ندانستیم

ع

الجزء الثالث عشر

مِنْ سُوٓءٍ قَالَتِ امْرَاَتُ الْعَزِيزِ الْـٰٔنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ

هیچ از بدی گفت زن عزیز یعنی زلیخا اکنون پیدا و هویدا شد راست

اَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَاِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝

من جستم یوسف از نفس او از روی وصال او گردم و هر آینه او از راست گویان است

ذٰلِكَ لِيَعْلَمَ اَنِّي لَمْ اَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي

گفت یوسف این همه برای آنست تا بداند عزیز که من خیانت او نکرده ام در پنهانی و بدرستی

كَيْدَ الْخَائِنِينَ ۝ وَمَا اُبَرِّئُ نَفْسِي اِنَّ النَّفْسَ لَاَمَّارَةٌ

حیله خیانت کنندگان را و بیگناه صفت نمیکنم نفس خود را هر آینه نفس بسیار فرماینده

بِالسُّوٓءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي اِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝

به بدی مگر آن وقت که مهربانی کند پروردگار من هر آینه آمرزنده مهربان است

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا

و گفت پادشاه بیارید او را پیش من تا مقرر کنم خالص برای خدمت خود

كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ ۝ قَالَ

پس چون سخن گفت با یوسف گفت ای یوسف هر آینه تو امروز نزدیک ما صاحب مرتبه امانت دار

اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ۝

گفت مقرر کن مرا بر خزانهای این سرزمین هر آینه من محافظت کننده دانا ام

وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ يَتَبَوَّاُ

و همچنین یعنی باین تقریب شرف دادیم یوسف را در آن زمین فرا میگرفت

مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ

از آن زمین هر جا که میخواست میرسانیدیم رحمت خود را هر که خواهیم

وَلَا نُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ

و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکاران را و هر آینه مزد آخرت

خَيْرٌ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَجَاءَ اِخْوَةُ

بهتر است آنان را که ایمان می آوردند و پرهیزکاری کردند و آمدند برادران

يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ

یوسف پس داخل شدند بروی پس بشناخت ایشان را و ایشان او را ناشناسا بودند

فلما

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ
و چون مهیا کرد برای ایشان ساز ایشان را گفت بیارید پیش من برادر علاتی خود را
أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ
که از پدر شما است آیا نمی بینید که من تمام میدهم پیمانه را و من بهترین مهمان
الْمُنزِلِينَ ۝ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِي
داری کنندگانم پس اگر نیارید او را پیش من هرگز پیمودن نباشد برای شما نزد من
وَلَا تَقْرَبُونِ ۝ قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا
و هرگز نزدیک نشوید گفتند گفت و شنید کنیم با پدر او را از دوست بازداریم
لَفَاعِلُونَ ۝ وَقَالَ لِفِتْيَتِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ
و ما البته این کار کنندگانیم و گفت یوسف غلامان خود را بنهید سرمایه ایشان را
فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُوا إِلَىٰ
در خرجینهای ایشان شاید ایشان بشناسند آنرا چون بازروند با
أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ
اهل خانه خویش بود که ایشان بازآیند پس چون بازگشتند بسوی پدر خویش
قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا
گفتند ای پدر ما منع کرده شد از ما پیمانه پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمانه گیریم
نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ
و هر آینه ما نگاهبان ویم گفت یعقوب این نکنم شما را بر وی
إِلَّا كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ
مگر شما را این کرده بودم شما را بر برادر وی پیش از این پس خدا بهتر است
حِفْظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ
نگاه دارنده و او مهربان ترین مهربانان است و چون بگشادند رخت خود
وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا
یافتند سرمایه خود را بازگردانیده با ایشان گفتند ای پدر ما چه خواهیم
نَبْغِي هَٰذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا
بیش از این این است سرمایه ما بازگردانیده بسوی ما پس بازرویم طعام آریم اهل خود را



وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ
و نگهبانی کنیم برادر خود را و زیاده بستانیم یک شتر واری این شتر واری اندک است
قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ
گفت یعقوب هرگز نفرستم بنیامین را با شما تا دهید مرا پیمان موکد بذکر
اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ
خدا که بیارید او را بمن مگر آنکه گرد شما در آورده شود عذاب پس چون دادند
مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ وَقَالَ
پدر پیمان خود را گفت پدر خدای بر آنچه ما میگوییم از عهد گواه است و گفت ای فرزندان
يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ
شگفت ای فرزندان در نباید شهر مصر از یک دروازه تا ناگاه چشم بدی بشما برسد و در آیید
أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ
در شهر از درهای پراگنده و نمی کنم دفع از شما از قضای
شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ
چیزی را نیست حکم مگر خدای را بر او توکل کردم و بر و
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ
پس باید که توکل کنند توکل کنندگان و چون در آمدند اولاد یعقوب از جای
أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ
که فرمود ایشان را پدر ایشان نبود که دفع کند از ایشان از قضای خدای چیزی را
إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو
مگر قضای حاجتی بوده در نفس یعقوب یعنی شفقتی بر اولاد که ظاهر کرد [illegible]
عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
یعقوب خداوند دانش بود مر آنچه را که بدو آموخته بودیم و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند
وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ
و چون در آمدند برادران بر یوسف جای داد بسوی خود برادر خود را گفت
إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
بدرستیکه من برادر توام پس غم مخور بآنچه بودند که میکردند در حق من

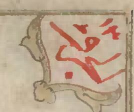


فلما

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ
پس آنهنگام که کارسازی کرد ایشان را یوسف بنهاد سقایه را دران شتربود
أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ
ازنقره بازر در بار برادران او پس اجازت رئیس داد پس ندا کرد نداکننده ای کاروانیان هر آینه شما
قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ۝ قَالُوا
گفتند و روی آوردند برایشان چه چیز گم کرده اید دزدی چه شد گفتند
نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَ
گم کرده ایم دزدی خوشکم شتربه ملک او و برای هرکس بیارد آنرا شتر داری و
أَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا
من بان ضامنم گفتند بخدای که شما میدانید نیامده ایم
لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۝ قَالُوا فَمَا
تا تباهکاری کنیم در زمین مصر و نبودیم و نیستیم دزدان گفتند ملازمان
جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ۝ قَالُوا جَزَاؤُهُ
یوسف که چیست جزای دزدی اگر باشید شما دروغگویان گفتند جزای دزدی دزد
مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي
گرفتن آنکس است که یافته شود دزدیده در بار او پس بهمانه است جزای او مانند این جزا
الظَّالِمِينَ ۝ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ
میدهیم ستمکاران پس آغاز کرد یوسف ببار دانهای ایشان پیش از باردان برادر خود
اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ
پس بیرون آورد سقایه از باردان او برادر او مانند این تعلیم دادیم مر یوسف را
مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
سزا نبود یوسف را تا فرا گیرد برادر خود را بسبب دزدی در کیش ملک مصر مگر خواست
اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي
خدای برمی داریم از زدی درجها بعلم هرکه را میخواهیم و بر زبر هر خداوند دانشی
عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ
داناست گفتند اگر دزدی کند بنیامین چه عجب پس بدرستیکه دزدی کرده است

در زد ا نبید

برادر اعیانیکه



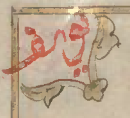
مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا
او را بود پیش ازین یعنی یوسف پنهان داشت آن مقاله را در نفس خود و ظاهر نکرد
لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۝
برای ایشان گفت یوسف با خود که شما بدترانید از جهت منزلت ایشان و خدای داناست
قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ
گفتند ای عزیز بدرستیکه بنیامین پدری است پدری بزرگ سال و بلند مرتبه پس بگیر
أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ
یکی را از ما به بندی بجای او و او را رها کن بدرستیکه ما می بینیم ترا از نیکوکاران گفت
مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا
پناه میگیرم بخدا از انکه بگیریم مگر آنرا که ما یافتیم متاع خود را
عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ۝ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ
نزدیک او پس بدرستیکه ما باشیم انگاه ستمکاران پس چون نومید شدند از یوسف
خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ
یک کناره شدند از اهل راز گویان گفت بزرگ ایشان یعنی یهودا نمیدانید شما
قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا
هرآینه پدر شما هرآینه فراگرفت بر شما عهدی از عهدی خدای و پیش ازین آنچه
فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى
تقصیر کردید در شان یوسف پس بیرون نیایم من از زمین مصر تا وقتیکه
يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝
دستوری بدهد مرا پدرم یا حکم کند خدای برای من و او بهترین حکم کنندگان
ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ
بازگردید شما بسوی پدر خود پس بگوئید ای پدر ما بدرستیکه پسر تو بنیامین دزدی کرد ۝
وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ۝
و گواهی میدهیم ما مگر آنچه میدانیم و نیستیم ما مر حال باطن نگاه دارندگان
وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا
و بپرس از اهل آن دهی که بودیم دران و از کاروانیان نیز که روی نهاده بودیم

آنچه شما صفت میکنید

زیاده

ر...ها

لَصٰدِقُونَ



لصدقون ۝ قال بل سولت لكم انفسكم امرا فصبر
راستگویانیم گفت یعقوب بلکه آراسته است برای شما نفسهای شما کاری که خواستید
جميل عسى الله ان ياتيني بهم جميعا انه هو
پس کار من است شکیبائی نیکو شاید که خدای آنکه بیارد بمن همه ایشان را بدرستیکه او
العليم الحكيم ۝ وتولى عنهم وقال يا سفى
داناست و راست کار در روی بگردانید از فرزندان و گفت ای اندوه
على يوسف وابيضت عينه من الحزن فهو
بر فراق یوسف و سفید شد هر دو چشم از اندوه پس او بود از
كظيم ۝ قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف حتى
خشم فرزندان گفت ای پدر بخدا آنکه همیشه باشی ناله و زاری یاد کنی یوسف را
تكون حرضا او تكون من الهلكين ۝
تا آنکه باشی از بیماران یا باشی از جمله هلاک شدگان
قال انما اشكوا بثي وحزني الى الله واعلم من
گفت ای فرزندان جز این نیست که شکایت میکنم غم و اندوه خود را بخدا و میدانم
الله ما لا تعلمون ۝ يبني اذهبوا فتحسسوا من
من میدانم آنچه شما نمیدانید ای پسران من بروید پس تفحص کنید از
يوسف واخيه ولا تايسوا من روح الله انه
حال یوسف و برادران بنیامین ناامید مباشید از رحمت خدا بدرستیکه
لا يايس من روح الله الا القوم الكفرون ۝
ناامید مباشید از رحمت خدای و فرح او مگر قوم ناگرویدگان
فلما دخلوا عليه قالوا يايها العزيز مسنا
پس چون در آمدند برادران بر یوسف گفتند ای عزیز رسیده است ما را
واهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجة فاوف
و کسان ما را سختی و آورده ایم بضاعتی اندکی و بی اعتبار پس تمام کن
لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزي
بما کیل را و تصدق کن بقبول بضاعت بر ما بدرستیکه خدای پاداش دهد

المتصدقين ۝ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف
از که تصدق می نماید گفت ایا یوسف آیا میدانید هیچ آنچه کردید بیوسف
واخيه اذ انتم جهلون ۝ قالوا ءانك لانت
وبرادر اورا چه آن وقت که شما نادان بودید گفتند البته توی یوسف گفت این
يوسف قال انا يوسف وهذا اخي قد من الله
جمال کمال دیر بود گفت من یوسفم واین بنیامین برادر من است منت خدا
علينا انه من يتق ويصبر فان الله لا يضيع اجر
بر ما بسلا بدرستیکه هر که بترسد از خدای و صبر کند پس بتحقیق که خدا ضایع نکند مزد
المحسنين ۝ قالوا تالله لقد اثرك الله علينا
نیکوکاران گفتند بخدای سوگند هر آینه برگزیده است خدای ترا بر ما
وان كنا لخطئين ۝ قال لا تثريب عليكم اليوم
و بدرستیکه هستیم ما گناهکاران گفت یوسف هیچ سرزنش نیست بر شما امروز
يغفر الله لكم وهو ارحم الرحمين ۝ اذهبوا
بیامرزد خدای شما را که بگناه خود اقرار کردید واو بهترین بخشاینده گان است گفت ببرید
بقميصي هذا فالقوه على وجه ابي يات
این پیراهن مرا وآن پس بیفکنید آنرا بر روی پدرم تا باز گردد
بصيرا واتوني باهلكم اجمعين ۝ ولما فصلت
بینای او و بیایید بکسان خود با همه را وآن وقت که بیرون آمد
العير قال ابوهم اني لاجد ريح يوسف لولا
کاروان گفت پدر ایشان هر آینه می یابم من بوی یوسف را اگر شما
ان تفندون ۝ قالوا تالله انك لفي ضللك
بنقصان عقل نسبت نکنید گفتند بخدای هر آینه در همان حیرت
القديم ۝ فلما ان جاء البشير القه على وجهه
قدیمی پس چون آمد که مژده دهنده یعنی یهودا بیفکند پیراهن یوسف را
فارتد بصيرا قال الم اقل لكم اني اعلم من الله
پس گشت بینا گفت با حفاد ایا نگفتم ترا آنکه من میدانم از الهام خدا

ربع

ع

روی در

ما لا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ۝
آنچه شما ندانید گفتند ای پدر ما آمرزش طلب برای ما از خدا گناهان ما را

هرآینه هستیم گناهکاران

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ
گفت پدر زود باشد که آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود هرآینه او آمرزنده

الرَّحِيمُ ۝ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ
مهربان است پس چون یعقوب آمد درآمدند برادران بر یوسف جای داد بسوی خود یوسف

خاله خود را که بجای مادرش بود و یعقوب را

وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ۝ وَرَفَعَ
و گفت درآیید بمصر اگر خواهد خدای ایمان باشید از قحط و برداشت

أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ
پدر و خاله را بر تخت خود و بروی افتادند پدر خاله و برادران سجده کنان و گفت

ای پدر من

هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي
این که کرد بمن تعبیر خواب من است پیش از این در ایام کودکی بدرستیکه گردانید آنرا

حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ
پروردگار من راست و هرآینه نیکو کرده است چون بیرون آورد مرا از زندان و

جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ
آورد شما را از بادیه شام از پس آنکه افساد کرد شیطان

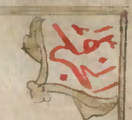
بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ
میان من و میان برادران من هرآینه خدا این رساننده نیکی است هر که را خواهد

إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ
هرآینه اوست دانا و حکمکار و گفت ای پروردگار من هرآینه عطا کردی

الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ
از پادشاهی و بیاموختی مرا از تعبیر خوابها ای پروردگار پدیدآرنده

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
آسمانها و زمینها تویی یار من درین سرای و دران سرای

تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۝ ذَلِكَ مِنْ
بمیران مرا در حالتیکه گردن نهاده باشم و دررسان مرا بدران شایسته من آنچه یاد کرده شد



اَنۡبَآءِ الۡغَیۡبِ نُوۡحِیۡهِ اِلَیۡكَ وَمَا كُنۡتَ لَدَیۡهِمۡ اِذۡ

خبرهای غیب است وحی میفرستیم آنرا بتو ونبودی تو نزدیک برادران یوسف چاه هنگام

اَجۡمَعُوۡۤا اَمۡرَهُمۡ وَهُمۡ یَمۡكُرُوۡنَ ۝ وَمَاۤ اَكۡثَرُ النَّاسِ

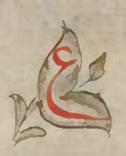
که جمع کردند رایهای خود را وایشان مکر میکردند ونیستند اکثر مردمان

وَلَوۡ حَرَصۡتَ بِمُؤۡمِنِیۡنَ ۝ وَمَا تَسۡـَٔلُهُمۡ عَلَیۡهِ مِنۡ

واگرچه حرص ورزی ایمان ایشان گرویدگان ونمی خواهی از ایشان برخواند قصص قرآن

اَجۡرٍ اِنۡ هُوَ اِلَّا ذِكۡرٌ لِّلۡعٰلَمِیۡنَ ۝ وَكَاَیِّنۡ مِّنۡ اٰیَةٍ

هیچ مزدی نیست مگر پندی بر عالمیان را وبسا نشانهای قدرت است



فِی السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ یَمُرُّوۡنَ عَلَیۡهَا وَهُمۡ عَنۡهَا

در آسمانها و در زمین که معاندان میروند بران زمین وایشان از آن نیز

مُعۡرِضُوۡنَ ۝ وَمَا یُؤۡمِنُ اَكۡثَرُهُمۡ بِاللّٰهِ اِلَّا وَهُمۡ

روی بگرداننده ونگروند بیشتر از ایشان بخدای مگر ایشان

مُّشۡرِكُوۡنَ ۝ اَفَاَمِنُوۡۤا اَنۡ تَاۡتِیَهُمۡ غَاشِیَةٌ مِّنۡ

شرک آرندگان باشند آیا ایمن شدند بیاید بدایشان عقوبت فروگیرنده از

عَذَابِ اللّٰهِ اَوۡ تَاۡتِیَهُمُ السَّاعَةُ بَغۡتَةً وَّهُمۡ لَا

از عذاب خدای یا بیاید بدایشان قیامت ناگهان وایشان نداند

یَشۡعُرُوۡنَ ۝ قُلۡ هٰذِهٖ سَبِیۡلِیۡۤ اَدۡعُوۡۤا اِلَى اللّٰهِ ط

آمدن آن بگو این دعوت بتوحید راه من است میخوانم خلق را بخدای

عَلٰی بَصِیۡرَةٍ اَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِیۡ وَسُبۡحٰنَ اللّٰهِ وَمَاۤ اَنَا

بر بینایی هویدا منم و هر که پیروی کرده است و پاکست خدای ونیستم من

مِنَ الۡمُشۡرِكِیۡنَ ۝ وَمَاۤ اَرۡسَلۡنَا مِنۡ قَبۡلِكَ اِلَّا

از شرک آرندگان ونفرستادیم ما پیش از تو برسالت مگر

رِجَالًا نُّوۡحِیۡۤ اِلَیۡهِمۡ مِّنۡ اَهۡلِ الۡقُرٰی ط اَفَلَمۡ یَسِیۡرُوۡا

مردانی که وحی فرستادیم ما بسوی ایشان از اهل شهرها و دیهها آیا نسیر نکنند

فِی الۡاَرۡضِ فَیَنۡظُرُوۡا كَیۡفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِیۡنَ مِنۡ قَبۡلِهِمۡ ه

در زمین پس نه بینید چگونه بود آخر کار رکذیان آنانکه بودند از ایشان

ولدار

وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ
هر آینه سرای بهشت بهتر است از سرای دنیا مر آنانکه پرهیز کردند آیا در

حَتّٰى اِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوْا اَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوْا
تا وقتیکه نومید شدند فرستادگان از ایمان ایشان و گمان بردند ایشان

به رستیکه کذب شدند

جَاۤءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاۤءُ وَلَا يُرَدُّ بَاْسُنَا
آمد مر ایشان را یاری کردن ما پس رهانیده کرده شد هر که را خواستیم و باز گردانیده

عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ ۝ لَقَدْ كَانَ فِيْ قَصَصِهِمْ
نشود عذاب از گروه گناهکاران هر آینه بود در قصه انبیا و امم ایشان

عِبْرَةٌ لِاُولِي الْاَلْبَابِ ۝ مَا كَانَ حَدِيْثًا يُفْتَرٰى
عبرت مر خداوندان عقول نیست قرآن سخنی که بر بافته باشند

وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ
ولیکن هست تصدیق آن چیزیکه بود پیش از کتب الهی و بیان همه چیزها

كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ ۝
همه چیزها و راه نماینده است و بخشش است مر گروهی را که بگروند بخدا

سورة الرعد مكية وهي ثلث واربعون اية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

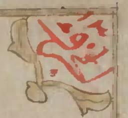


الٓمّٓرٰ ۝ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ وَالَّذِيْ اُنْزِلَ اِلَيْكَ
حروف مقطعه این آیات از آیات قرآن است و آنچه فرستاده شده است

مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا
بسوی تو از پروردگار تو درست است ولیکن بیشتر مردمان از اهل مکه

يُؤْمِنُوْنَ ۝ اَللّٰهُ الَّذِيْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ
نمیگروند خدای آنست که برداشت آسمانها بی

عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ
ستون چنانکه بر آن قایم باشد می بینید آسمانها را برداشته بی ستون بر عرش آرام کرد



الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ
آفتاب و ماه را هر یک از برش میرود تا دی نام برده تدبیر میکند

الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ
خدای کار ملکوت و بیان می کند آیتهای قران را شاید که شما که بر پروردگار خود

تُوقِنُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ
بی گمان گردید و اوست آنکه بکشید زمین و پیدا کرد در زمین

فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ
کوههای محکم و جویهای آب و از هر میوه ها پیدا کرد در

فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي
زمین دو صنف مثلا سیاه سفید خورد و بزرگ و ترش شیرین گرم سردی میپوشاند — شد و بپرورد

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي الْأَرْضِ
هرآینه نشانهاست برای گروهی که تفکر کنند و در زمین پاره هاست

قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَ
پیوسته به یکدیگر و دیگر در زمین است باغها از انگور و کشتها و

نَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ
خرما بنان چند شاخ از یک اصل رسته و بجز آن که شاخ رسته از یک بیخ و داده — و داده شوند آن اشجار و زرع بیک آب

وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي
و تفضیل میدهیم بعضی را از درختان بر بعضی دیگر در میوه و هرآینه در این

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَإِنْ تَعْجَبْ
که مذکور شد هرآینه نشانهاست مر گروهی که تامل نمایند و اگر تعجب میداری ای محمد

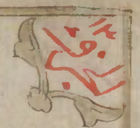
فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ
از کافران پس شگفت است قول ایشان آیا چون گردیم ما خاک آیا باشیم ما در آفرینش

جَدِيدٍ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ
نو آن گروه آنانند که کافر شدند به پروردگار خود و آن گروه آنانند

الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
طوقها در گردن های ایشان آنرا است و آنگروه یاران آتش دوزخ اند

هم

هم فيها خلدون ۝ ويستعجلونك بالسيئة
ایشان دران جاویدانند وشتاب طلب می کنند بعقوبت ایشان را
قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلت
پیش از عافیت وحالانکه گذشته است پیش از ایشان عقوبتها
وان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم
و هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است برای آدمیان با وجود ظلم
داشتند
وان ربك لشديد العقاب ۝ ويقول الذين
و هر آینه پروردگار تو هر آینه سخت عقوبت است و میگویند آنانکه
كفروا لولا انزل عليه اية من ربه انما انت
کافر شدند چرا فرستاده نمیشود بر محمد نشانه از پروردگار جز این نیست
منذر ولكل قوم هاد ۝ الله يعلم ما تحمل
که تو بیم کننده و مر هر گروهی راه نماینده ذات خدای میداند آنچه میدارد
كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل
هر زنی از فرزندان و آنچه نگهدارد رحمها از کودکی که تمام خلقت و
آنچه زیاده دهد
شيء عنده بمقدار ۝ علم الغيب والشهادة
چیز نزدیک او باندازه است داننده پوشیده و آشکارا است
الكبير المتعال ۝ سواء منكم من اسر القول
بزرگ برتر یکسانست از شما در پیش علم او هر که بپوشد سخن
ومن جهر به ومن هو مستخف باليل و
و هر که آشکار کند آن قول با دیگری و هر که او می پوشد عمل خود را بشب و
سارب بالنهار ۝ له معقبت من بين يديه
آشکارا کند عمل خود را بروز مر خدای پوشیده هست از پیش روی او
ومن خلفه يحفظونه من امر الله ان الله لا
و از پس او نگهدارنده او را بفرمان خدای هر آینه خدای
يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم واذا
تغیر نکند آنچه بگروهی باشد تا وقتیکه ایشان تغیر دهند آنچه در نفسهای



أَرَادَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوْۤءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ
و چون خواهد خدا بگروهی عذاب را پس باز گرداننده نیست مر آنرا و نیست ایشانرا
مِنْ وَالٍ ۝ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ
کسی که متولی کار ایشان باشد اوست آنکه می نماید شما را برق را از برای ترس مسافر و
طَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ
طمع و بر آرد در هوا ابر آنکه گران باشد و تسبیح میگوید رعد
بِحَمْدِهِ وَالْمَلٰۤئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ
بحمد خدا و تسبیح میگویند فرشتگان از ترس خدای و می فرستد صاعقها را
فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاۤءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللّٰهِ
پس میرساند آنرا که می خواهد بدان هلاک کند و ایشان جدال می کنند در حق خدای
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۝ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ
و او سخت عقوبت است مر خدا راست خواندن حق و آنانکه
يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا
میخوانند بجز وی بتان را بجز وی اجابت نمی کنند مر ایشانرا بچیزی
كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاۤءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ
بچون اجابت کسیکه بگشاید دو دست خود را بسوی آب تا برسد بدهن او و نیست
وَمَا دُعَاۤءُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝ وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ
آن آب رسنده بدهن او و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی و مر خدا را سجده کنند
مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَ
هر که در آسمانهاست و هر که در زمین است از روی فرمانبرداری و از روی کراهت
ظِلٰلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝ قُلْ مَنْ رَبُّ
و سایهای اهل آسمان زمین بامداد و شبانگاه بگو کیست آفریدگار
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ
آسمانها و زمین ها بگو خدای است بگو فرا گرفتید بجز
دُونِهِ أَوْلِيَاۤءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا
از خدای معبودان مثبوا نند و مالک نیستند برای نفسهای خود سودی را





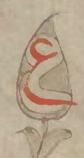
ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ
و نه زیانی را بگو آیا برابر است نابینا و بینا آیا برابر می کنند
تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
تاریکیهای انکار و روشنی ایا کافران ساخته اند برخدای انبازانکه
خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ
آفریدند مانند آفریدن خدای پس مشتبه شد آفرینش برایشان بگو خدا آفریننده
كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
همه چیزهاست و اوست یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان
مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ
آبی پس برفت رودها باندازه خود پس برداشت این آب وادی
زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ
کفی بلند را پس ازانچه می افروزند بر وی در آتش طلب
حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
پیرایه یا متاعی مانند آن بیان می کند خدای
الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً
راستی را و دروغ را پس اما کف پس می رود خشک
وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ
و انچه سود دهد مردمانرا پس ماند در زمین مانند این
يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ
میزند خدای داستانها مرآنانرا که قبول نمایند برای خدا
الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي
نیکوئی را و برای آنانکه اجابت نمی کنند مرا ورا اگر بودی مرایشانرا آنچه در
الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ
زمین است همه ها و دو چندان با او هرآینه عوض خود آن گروه
لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ
مرایشانرا است حساب گرفتن و جای بودن ایشان آتش دوزخ است و بد جایست دوزخ

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن
پس آنکه میداند آنچیزی که فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگار درست است
هو أعمى إنما يتذكر أولوا الألباب الذين
با همچو آنکسیست او نابیناست جز این نیست که پند گیرند خداوندان عقول صاحبه آنانکه
يوفون بعهد الله ولا ينقضون الميثاق والذين
وفا کنند به پیمان خدای و نشکنند عهد را و آنانکه
يصلون ما أمر الله به أن يوصل ويخشون
پیوند کنند آنچه فرموده است خدای آنچه پیوند کند صله رحم و می ترسند
ربهم ويخافون سوء الحساب والذين صبروا
پروردگار خود را و می ترسند حساب را و آنانکه صبر کردند
ابتغاء وجه ربهم وأقاموا الصلوة وأنفقوا مما
از برای طلب رضای پروردگار خود و بپای داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه
رزقنهم سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة
روزی دادیم ایشانرا پنهان و آشکارا و دفع کنند بنیکوی بدی را
أولئك لهم عقبى الدار جنت عدن يدخلونها
آنگروه مرایشانراست سرانجام نیکو بوستانهای پاینده در آیند در آن
ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذريتهم
و هر که با ایمان باشد از پدران و زنان ایشان و فرزندان ایشان
والملئكة يدخلون عليهم من كل باب سلم
و فرشتگان در آیند برایشان از هر دری و گویند ثنا برتست
عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار والذين ينقضون
بر شما بآنچه صبر کردید پس نیکو است سرانجام آن سرای و آنانکه بشکنند
عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما أمر
پیمان خدای را از پس آنکه گرفته است از ایشان و آنانکه ببرند آنچه فرموده است
الله به أن يوصل ويفسدون في الأرض أولئك لهم اللعنة
خدا آنچه که پیوند کنند و تباهی می ورزند در زمین آنگروه مرایشانراست لعنت

وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
و مر بدی عاقبت خدای گشاده میکرداند روزی برای هرکه میخواهد
يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَا
می خواهد و تنگ می سازد و شاد شده اند بزندگانی دنیا و نیست
الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَ
زندگانی دنیا در مقابله آن سرای مگر متاع اندک و
يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ
گویند آنانکه کافر گردیده اند چرا فرستاده نمیشود بر محمد آیتی
مِنْ رَبِّهِ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي
از پروردگار او بگو بدرستیکه خدای گمراه میکند هر که را خواهد و راه نماید
اِلَيْهِ مَنْ اَنَابَ ۝ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ
بسوی خود هر که باز گردد آنانکه گرویده اند و آرام می یابد دلهای ایشان
بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۝
بیاد خدای بدانید بذکر خدای آرام می یابد دلها
اَلَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوبٰى لَهُمْ وَ
آنانکه ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند زندگانی خوش است ایشان را
حُسْنُ مَاٰبٍ ۝ كَذٰلِكَ اَرْسَلْنٰكَ فِي اُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ
و نیکو بازگشت مانند این فرستادیم ترا بسوی امتی که گذشته است
مِنْ قَبْلِهَا اُمَمٌ لِتَتْلُوَا عَلَيْهِمُ الَّذِي اَوْحَيْنَا
پیش از این امتان دیگر تا بخوانی بر ایشان آنچیزی را که وحی کردیم بتو
اِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّي
بتو و حال آنکه ایشان نمیگروند بخدای که رحمن است بگو اوست پروردگار
۝ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ مَتَابِ
هیچ معبودی نیست مگر او و بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من
وَلَوْ اَنَّ قُرْاٰنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ
و اگر کتابی بر آری رانده شده بودی بدان کوهها تا بشکافته شدی



به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر
بر و زمین یا بسخن آوردندی بتلاوت آن مردگان را بلکه مر خدای راست
جميعا افلم يايس الذين امنوا ان لو يشاء
همه کارها آیا ناامید نشدید آنانکه گرویده اند از ایمان ایشان اگر خواهد
الله لهدى الناس جميعا ولا يزال الذين
خدای راه نماید مومنان را همه یکجا و همیشه باشند آنانکه
كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعة او تحل
کافر شدند برسد ایشانرا بانچه کرده اند عذابی کوبنده یا فرود آید بو
قريبا من دارهم حتى ياتي وعد الله ان الله
جای نزدیک از سرای ایشان تا وقتیکه بیاید وعده خدای هر اینه خدای
لا يخلف الميعاد ○ ولقد استهزئ برسل
خلاف نکند وعده را و بدرستیکه استهزا کرده اند به پیغمبران
من قبلك فامليت للذين كفروا ثم
پیش از تو پس مهلت دادم مرآنانرا که گرویده اند پس بگرفتم
اخذتهم فكيف كان عقاب ○ افمن هو قائم
بگرفتم ایشانرا پس چگونه باشد عقوبت کردن من آیا هر کسیکه او باشد

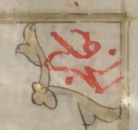


نگهبان
على كل نفس بما كسبت وجعلوا لله
بر هر نفس بدانچه کند نفس و بسازند کافران مر خدای را
شركاء قل سموهم ام تنبئونه بما لا يعلم
انبازان بگو وصف کنید شرکا را یا خبر دهید خدای را بانچه نمیداند
في الارض ام بظاهر من القول بل زين
در زمین یا نام می نهید شرکا را بظاهر سخن بلکه آراسته اند
للذين كفروا مكرهم وصدوا عن السبيل
برای آنانکه نگرویده اند کذب ایشان و باز داشته شده اند از راه
راست
ومن يضلل الله فما له من هاد ○ لهم عذاب
و هر که را گمراه گرداند خدای پس نیست مر او را هیچ راه نماینده و مر که وراست
عذابی

رف



في الحيوة الدنيا ولعذاب الاخرة اشق
در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آن سرای دشوارتراست
وما لهم من الله من واق ۝ مثل الجنة التي
و نیست ایشان را از عذاب خدای هیچ نگاه دارنده صفت بهشتیکه وعده داد
وعد المتقون تجري من تحتها الانهر اكلها
وعده داده شده اند پرهیزکاران میرود از زیر درختان آن جویها میوه آن
دائم وظلها تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى
همیشه باشد و سایه آن بهشت عاقبت کار آنانست که پرهیزکاری کردند
الكفرين النار ۝ والذين اتينهم الكتب
و عاقبت کافران آتش دوزخ و آنانرا که دادیم کتاب
يفرحون بما انزل اليك ومن الاحزاب
شاد میشوند بانچه فرو فرستاده میشود و از لشکرهای کفر اهل کتاب
من ينكر بعضه قل انما امرت ان اعبد
کسی هست که انکاری کند برخی ازان را بگو مرایشانرا که جز این نیست که برستم خدا
الله ولا اشرك به اليه ادعوا واليه ماب
خدای را و شریک نیارم بوی هیچ را نیم خلق را بسوی او وست بازگشت من
وكذلك انزلنه حكما عربيا ولئن اتبعت
و همچنین فرستادیم بتو قرانرا حکم کننده و اگر متابعت کنی
اهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك
آرزوهای مشرکانرا پس ازانکه آمد بتو از دانش نیست ترا
من الله من ولي ولا واق ۝ ولقد ارسلنا
از خدای هیچ دوستی و نه نگهداری و هرآینه ما فرستادیم
رسلا من قبلك وجعلنا لهم ازواجا وذرية
پیغمبران پیش از تو و دادیم مرایشانرا زنان و فرزندان
وما كان لرسول ان ياتي باية الا باذن
و نباشد مر فرستاده را آنکه بیارد معجزه مگر بامر خدای



اللهِ لِكُلِّ اَجَلٍ كِتَابٌ ۝ يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَآءُ وَ

خدای را هر وقتی را حکمی است نوشته شده دور می کند خدای آنچه میخواهد

يُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتٰبِ ۝ وَاِنْ مَّا نُرِيَنَّكَ

محکم و اثبات می کند و نزدیک اوست اصل کتاب و اگر بنماییم برخی از آنچه

بَعْضَ الَّذِى نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِنَّمَا

برخی از آنچه وعده دادیم ایشان را از عذاب پیش از آن پس جز این

عَلَيْكَ الْبَلٰغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ۝ اَوَلَمْ يَرَوْا

که بر تو رسانیدن است و بر ماست حساب ایشان آیا نمیدانند

اَنَّا نَاْتِى الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا وَاللهُ

هر آینه فرمان ما می آید بر زمین می کاهیم پاره پاره از کرانه های آن و خدای

يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝

حکم میکند هیچ رد کننده نیست مر حکم او را و او زود حساب

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلّٰهِ الْمَكْرُ

و بدرستیکه مکر کردند آنانکه از مشرکان پیش از زمان کفر بودند پس نزدیک خداست

خدای مکر نما

جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ

همه میداند هرچه می کند هر نفسی از خیر و شر و زود باشد که بدانند

الْكُفّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ

کافران مر کرا باشد عاقبت پسندیده دران سرای و میگویند آنانکه

كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفٰى بِاللهِ

کافر شدند از مشرکان که تو محمد نیستی تو فرستاده از پیش خدا بگو بسنده است خدای

شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتٰبِ ۝

گواه میان من و میان شما و هر کسیکه نزد اوست علم کتاب

سورة ابرهيم عليه السلام مكية وهي احد وخمسون آية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده و مهربان

الر

ابراهیم

الر ۝ كتب انزلنه اليك لتخرج الناس من
یعنی قران کتابیست فرستادیم آنرا بسوی تو تا بیرون آری مردمان را از
الظلمت الى النور ۝ باذن ربهم الى صراط
تاریکیها کفر بروشنی ایمان بتوفیق پروردگار ایشان بسوی راه
العزيز الحميد ۝ الله الذى له ما فى السموت
خداوند غالب و ستوده معبود دیگر آنکه مراو راست آنچه در آسمانهاست
وما فى الارض وويل للكفرين من عذاب
و آنچه در زمین است و رنج است مر ناگرویدگان را از عذاب
شديد ۝ الذين يستحبون الحيوة الدنيا
سخت آنانکه بر می گزینند زندگانی دنیا را
على الاخرة ويصدون عن سبيل الله
بر آن سرای دیگر و منع می کنند مردمان را از راه خدا
ويبغونها عوجا اولئك فى ضلل بعيد
و می طلبند برای راه حق از راه کجی آن گروه در گمراهی دور
وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه
و نفرستادیم هیچ پیغمبری مگر بزبان قوم او را
ليبين لهم فيضل الله من يشاء ويهدى
تا بیان کند برای ایشان پس گمراه گرداند خدای هر کرا خواهد و راه نماید
من يشاء وهو العزيز الحكيم ۝ ولقد
هر کرا خواهد و اوست غالب و راست کار و هر آینه
ارسلنا موسى بايتنا ان اخرج قومك
فرستادیم موسی را با معجزات هویدا که بیرون آر گروه خود را
من الظلمت الى النور ۝ وذكرهم بايم
از تاریکی جهالت بروشنی علم و پند ده ایشان را از روزهای
الله ان فى ذلك لايت لكل صبار شكور
خدای هر آینه در آنچه یاد کردیم ولایتهاست مر هر صبر کننده شکر کننده

عذاب کرده کافران خدای

ربع

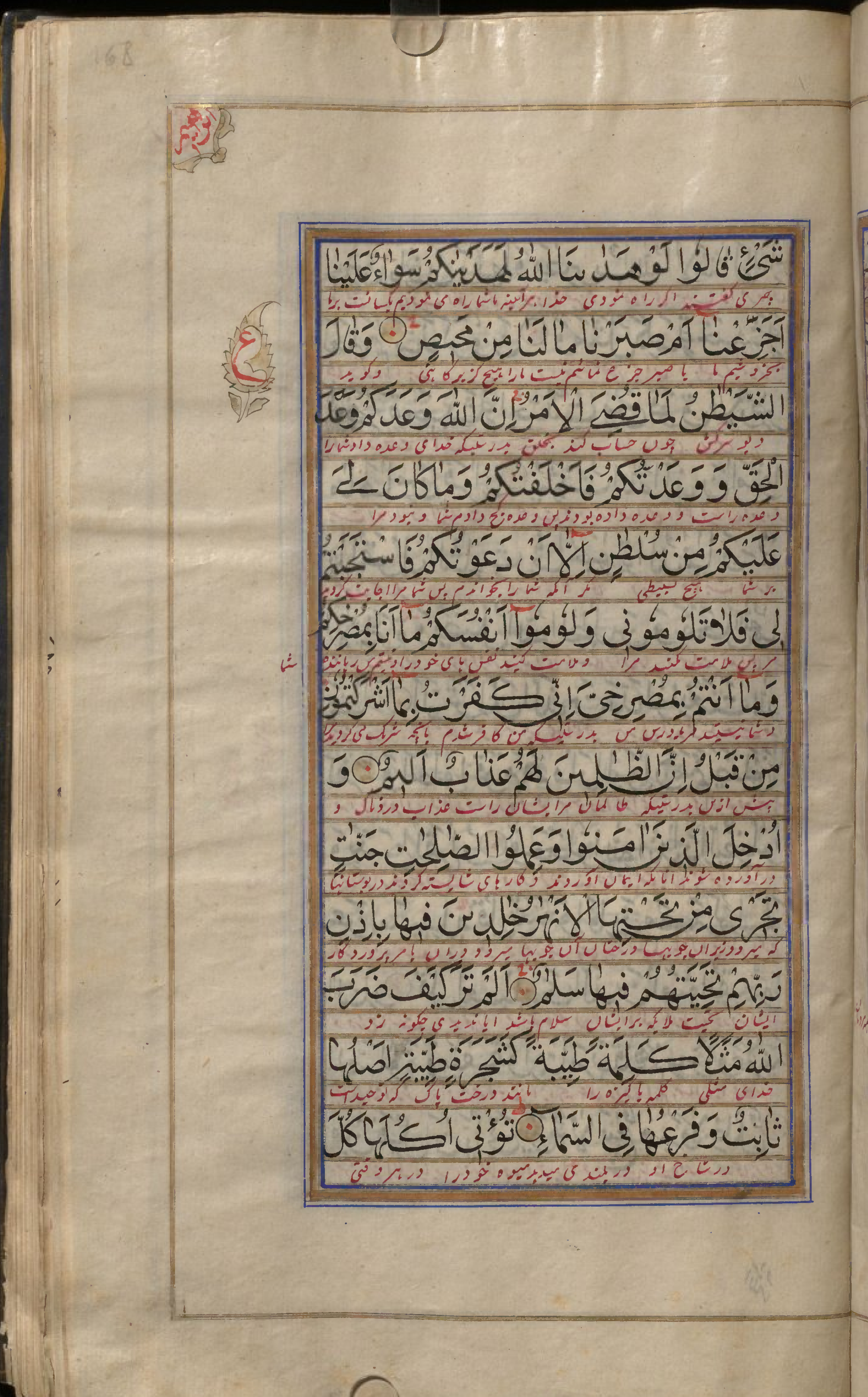
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ
و چون گفت موسی مر گروه خود را یاد کنید ای گروه من نعمتهای خدا
عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ
بر شما چون برهانید شما را از کسان فرعون می چشانیدند شما را
سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ
بدی عذابها و می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند
نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝
دختران شما را و دران محنت آزمایشی بود شما را از آفریدگار شما بزرگ
وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ
و چون آگاه کرد ایزد شما را پروردگار شما اگر شکر کنید شما هرآینه افزون کنم شما را
وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ
و اگر ناسپاسی نمائید هرآینه عذاب من سخت است و گفت موسی اگر
إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ
کافر شوید شما و هر که هست در زمین همه ایشان از پری و آدمی پس بدرستیکه
اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن
خدای بی نیاز است و ستوده آیا نیامد بشما خبر آنانکه
قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۝ وَالَّذِينَ مِن
پیش از شما قوم نوح و قبیله عاد و ثمود و آنانکه پس از
بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
ایشان بودند نمی داند ایشان را مگر خدای آمدند پیغمبران ایشان با نشانها
فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا
پس باز گردانیدند دستهای خود را در دهنهای خود و گفتند بدرستیکه ما
بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا
کافر شدیم بآنچه فرستاده شده اید بدان و بدرستیکه ما در شکیم از آنچه می خوانید
إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ
ما را بسوی آن شکی در تهمت افکنده گفتند رسولان ایشان آیا در بودن خدای شکی هست

ثلثه

فاطر

فاطر السموت والارض يدعوكم ليغفر لكم
خدائکه آفریند آسمانها و زمین را است می خواند شما را تا بیامرزد شما را
من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى قالوا
بعضی از گناهان شما و تا باز پس ندارد عذاب شما را تا وقتیکه نامبرده شود گفتند
ان انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا
در جواب رسولان نیستید شما مگر آدمی مانند ما می خواهید آنکه باز دارید ما را
عما كان يعبد اباؤنا فاتونا بسلطن مبين
از آنچه که بودند که میپرستیدند پدران ما پس بیارید ما حجتی روشن
قالت لهم رسلهم ان نحن الا بشر مثلكم و
گفتند مر ایشان را پیغمبران ایشان نیستیم ما مگر آدمی مانند شما و
لكن الله يمن على من يشاء من عباده وما كان
لیکن خدای منت می نهد بر هر که می خواهد از بندگان خود و نشاید ما را
لنا ان ناتيكم بسلطن الا باذن الله وعلى الله
آنکه بیاریم برای شما معجزه مگر بفرمان خدای و بر خدای
فليتوكل المؤمنون وما لنا الا نتوكل
پس باید که توکل کنند گرویدگان و گفتند پیغمبران چیست ما را در آنکه توکل کنیم
على الله وقد هدنا سبلنا ولنصبرن
بر خدای و حالانکه راه نمود ما را راه راست و بخدای که صبر خواهیم کرد
على ما اذيتمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون
بر آنچه ایذا میرسانید شما ما را و بر خدای پس باید که توکل کنند متوکلان
وقال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنكم من
و گفتند آنانکه کافر بودند مر رسولان خود را هر آینه بیرون کنیم شما را
ارضنا او لتعودن في ملتنا فاوحى اليهم
از زمین ما یا آنکه بازگردید قوم شما در کیش ما پس وحی کرد به پیغمبران
ربهم لنهلكن الظلمين ولنسكننكم الارض
از پروردگار ایشان هر آینه هلاک گردانیم ستمکاران و هر آینه ساکن گردانیم شما را در زمین

مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ
از پس هلاک ایشان این برای کیست که بترسد از ایستادن در موقف حکم من و بترسد
وَعِيدِ ۝ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ
از داد وعید من و طلب فتح کردند از خدای و نومید ماند هر گردن کشی ستیزنده
مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ
از پس او دوزخ است و بیاشامند او را از آبی مختلط با ریم و درد
يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ
بر کشد تمام جرعه جرعه فرو برد و نتواند که فرو بردن و بیاید بوی مرگ
كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ
از هر جانب و نیست او مرده و در پس است گران عذابی سخت
غَلِيظٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ
سخت صفت اعمال آنانکه کافر شدند با آفریدگار خود کردارهای ایشان
كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا
همچون خاکستر است سخت وزد بر وی باد در روز تند باد سخت باشد قادر نباشند
يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ
قادر نباشند کافران از آنچه کرده اند بر هیچ چیز آن بند از ایشان او گمراهی
الْبَعِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
دور از راه حق آیا ندانستی آنرا که خدای بیافرید آسمانها و زمین
بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ
براستی اگر خواهد معدوم گرداند شمارا و بیارد آفریده نو
وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا
و نیست اعدام و ایجاد بر خدای دشوار و بیرون آیند از قبرها از برای خدا
فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ
پس گویند ناتوانان اهل کفر برآنانکه تکبر کردند از روسای قوم هر آینه ما بودیم
تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ
پیروان پس هیچ هستید شما دفع کنندگان ما از عذاب خدا سلسله هیچ



ابراهیم

ع

شيء قالوا لو هدانا الله لهديناكم سواء علينا
بهری گفتند اگر راه نمودی خدا برآیینه ما شما را راه می نمودیم یکسانست برما

أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص ۝ وقال
بجزع شویم یا صبر کنیم نیست ما را هیچ گریزگاهی و گوید

الشيطن لما قضي الأمر إن الله وعدكم وعد
دیو سرکش چون حساب کنند بدرستیکه خدای وعده داد شما را

الحق ووعدتكم فأخلفتكم وما كان لي
وعده راست و وعده داده بودم من وعده خلاف دادم شما و نبود مرا

عليكم من سلطن إلا أن دعوتكم فاستجبتم
بر شما هیچ سلطنتی مگر آنکه شما را بخواندم پس شما مرا اجابت کردید

لي فلا تلوموني ولوموا أنفسكم ما أنا بمصرخكم
مرا پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید نفس های خود را و نیستم من رهاننده شما

وما أنتم بمصرخي إني كفرت بما أشركتمون
و شما نیستید فریادرس من بدرستیکه من کافر شدم بانچه شریک می کردید

من قبل إن الظلمين لهم عذاب أليم ۝ و
پیش ازین بدرستیکه ظالمان مر ایشان راست عذاب دردناک و

أدخل الذين آمنوا وعملوا الصلحت جنت
در آورده شوند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بوستانها

تجري من تحتها الأنهر خلدين فيها بإذن
که میرود زیر آن جویها در حالی آن جویها پیرود در آن با امر پروردگار

ربهم تحيتهم فيها سلم ۝ ألم تر كيف ضرب
ایشان تحیت ملایکه بر ایشان سلام باشد آیا ندیدی چگونه زد

الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها
خدای مثلی کلمه پاکیزه را مانند درخت پاک که توحیدست

ثابت وفرعها في السماء ۝ تؤتي أكلها كل
در شاخ او در بلندی میدهد میوه خود را در هر وقتی

حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ

در حینی به ارادت آفریدگار خود و میزند خدای مثلها را مر مردمان

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ

شاید که ایشان پند گیرند و مانند سخنی ناپاک و پلید که همچو درخت

كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

مانند درخت ناپاک از روی زمین

مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

نیست او را در از ثبات ثابت گرداند خدای آنانکه ایمان آوردند

بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

بقول محکم در زندگانی دنیا و ثابت دارد

الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا

ایشانرا در آخرت و فرو گذارد خدای ستمکاران را و میکند خدای آنچه

يَشَاءُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

میخواهد آیا نگاه نکردی بسوی آنانکه تبدیل کردند شکر نعمت خدا

كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

خدا را بکفران و فرود آوردند قوم خود را بسرای هلاک که خانه دوزخ است

وَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا

و بد قرارگاهی است و قرار دادند برای خدا همتایان تا گمراه کنند مردمان

عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى

از راه خدا بگو برخوردار شوید پس بدرستیکه بازگشت شما بسوی

النَّارِ ۝ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا

دوزخ است ای رسول مر بندگان مرا آنانکه ایمان آوردند تا بر پای دارند

الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

نماز گذارند و نفقه دهند از آنچه عطا داده ایم پنهان و آشکارا

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝

پیش از آنکه بیاید روزیکه در وی خرید و فروخت نباشد و از دوستی بر نبود

الله



اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ
خدای آن است که بیافرید آسمانها و زمین و فرود فرستاد
مِنَ السَّمَاۤءِ مَاۤءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا
از آسمان آبی پس بیرون آورد بآن آب از انواع آن میوه روزی
لَّکُمْ وَسَخَّرَ لَکُمُ الْفُلْکَ لِتَجْرِیَ فِی الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ
برای شما و رام کرد برای شما کشتی را تا میرود در دریا بفرمان او
وَسَخَّرَ لَکُمُ الْاَنْهٰرَ وَسَخَّرَ لَکُمُ الشَّمْسَ وَ
و مسخر گردانید برای شما جویهای آب و مسخر گردانید برای شما آفتاب و
الْقَمَرَ دَاۤئِبَیْنِ وَسَخَّرَ لَکُمُ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ
و ماه را در حالتیکه در سیر خود مستمرند و رام کرد برای شما شب و روز
وَاٰتٰىکُمْ مِّنْ کُلِّ مَا سَاَلْتُمُوْهُ وَاِنْ تَعُدُّوْا
و بداد از هرچه خواستید آنچه محتاج الیه بودید و اگر خواهند که شمارید
نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ
نعمت خدای را شمار نتوانید کرد آنرا هر آینه آدمی ستمکار راست
کَفَّارٌ ۝ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِیْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ
وناسپاس و چون گفت ابراهیم در مناجات خود ای پروردگار من
اٰمِنًا وَّاجْنُبْنِیْ وَبَنِیَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ رَبِّ
ایمن از خوف و گردان مرا و فرزندان مرا از آنکه می پرستیم بتان را ای پروردگار
اِنَّهُنَّ اَضْلَلْنَ کَثِیْرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِیْ
بدرستیکه بتان بسبب گمراهی بسیاری شده اند از آدمیان پس هر که پیروی کند مرا
فَاِنَّهٗ مِنِّیْ وَمَنْ عَصَانِیْ فَاِنَّکَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۝
پس از من است و هر که نافرمانی کند پس تو آمرزنده مهربانی
رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ بِوَادٍ غَیْرِ ذِیْ
ای پروردگار ما بدرستیکه من ساکن گردانیدم بعضی از فرزندان خود را در وادی [illegible]
زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ ۝ رَبَّنَا لِیُقِیْمُوا الصَّلٰوةَ
زرع نزدیک خانه تو که حرام کرده شده است ای پروردگار تا بپا دارند نماز را

فَاجْعَلْ اَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِيْ اِلَيْهِمْ وَ
پس بگردان بعضی دلهای ایشان از مردمان میل کنند بسوی ایشان و

ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ ۝ رَبَّنَا
روزی داده اند از میوه ها شاید که ایشان سپاسداری کنند ای پروردگارا

اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِيْ وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفٰى
هر آینه تو میدانی آنچه پنهان می کنیم و آنچه آشکارا می سازیم و نیست پوشیده

عَلَى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ ۝
بر خدای هیچ چیز در زمین و نه در آسمان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ وَهَبَ لِيْ عَلَى الْكِبَرِ اِسْمٰعِيْلَ
ستایش مر خدایراست آن خدائیکه عطا کرد مرا بر سر پیری اسمعیل را

وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبِّيْ لَسَمِيْعُ الدُّعَآءِ ۝ رَبِّ اجْعَلْنِيْ
و اسحق را بدرستیکه آفرید گار من شنونده دعاست ای پروردگار کن

مُقِيْمَ الصَّلٰوةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِيْ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ
گردان مرا بپا دارنده نماز و فرزندان مرا ای پروردگار ما اجابت کن دعای

رَبَّنَا اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ يَوْمَ
ای پروردگار ما بیامرز مرا و مر پدر و مادر مرا و مر مومنان را روزی که

يَقُوْمُ الْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا
قایم شود حساب خلایق و مپندار ای محمد خدای را بیخبر

عَمَّا يَعْمَلُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ
از آنچه می کنند ستمکاران جز این نیست که تاخیر میکند عذاب ایشانرا برای روزی که

فِيْهِ الْاَبْصَارُ ۝ مُهْطِعِيْنَ مُقْنِعِيْ رُءُوْسِهِمْ
خیره شود دران روز دیدها دیده ها شتابندگان باشند بسوی اسرافیل بر داشتگان

لَا يَرْتَدُّ اِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَاَفْئِدَتُهُمْ هَوَآءٌ ۝ وَ
بالا باز نمیگردد بدیشان دیده های و دلهای ایشان خالی بود از فهم و

اَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَاْتِيْهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُوْلُ
بیم کن مردمان این بگه را روزی که بیاید بدیشان عذاب پس گویند

ربنا مرا ان

سرهای خود را

الذين

الذين ظلموا ربنا اخرنا الى اجل قريب ۝
آنانکه ستم کردند ای پروردگار ما جهت عذاب ما را تا مدتی نزدیک
نجب دعوتك ونتبع الرسل ط اولم تكونوا
تا اجابت کنیم خواننده ترا و پیروی کنیم رسولان ترا آیا نبود دید شما
اقسمتم من قبل ما لكم من زوال ۝ وسكنتم
سوگند میخوردید پیش ازین دنیا که نباشد ما را هیچ زوال و
فى مسكن الذين ظلموا انفسهم وتبين لكم
در مسکنهای آنانکه ستم کردند بر نفسهای خود و ظاهر شد مر شما
كيف فعلنا بهم وضربنا لكم الامثال ۝ وقد
چگونه کردیم بدیشان و بیان کردیم برای شما مثلها و بدرستیکه
مكروا مكرهم وعند الله مكرهم ط وان كان
کوشش کردند در حیله مکر ایشان بود و بنزدیک خداست جزای مکر ایشان و اگر
مكرهم لتزول منه الجبال ۝ فلا تحسبن
مکر ایشان در معنی تا از جای برود از آن کوهها پس مپندار خدا را
الله مخلف وعده رسله ط ان الله عزيز ذو
خدای را خلاف کننده وعده خود که برسولان خود داد بدرستیکه خدای غالب صاحب
انتقام ۝ يوم تبدل الارض غير الارض و
انتقام کننده روزی که بدل کرده زمین بزمین دیگر و
السموت وبرزوا لله الواحد القهار ۝ وترى
آسمان مبدل گردد بآسمان دیگر و ظاهر شوند مردمان برای حساب خدای یگانه و قهر کننده
و ببینی
المجرمين يومئذ مقرنين فى الاصفاد ج سرابيلهم
گناهکاران را در آن روز باهم پیوسته با دیوان در غلها پیراهنهای ایشان
من قطران وتغشى وجوههم النار ليجزى
از قطران گوگرد است و بپوشد رویهای ایشان را آتش تا جزا دهد
الله كل نفس ما كسبت ط ان الله سريع الحساب ۝
خدای هر تنی را جزای آن کرده بدرستیکه خدای زود حساب است

هٰذَا بَلٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهٖ وَلِيَعْلَمُوٓا
این قران کفایت است مردمان را و تا بیم کرده شوند بدان و تا بدانند
اَنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّلِيَذَّكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝
جز این نیست که او خدای یکتاست و هر آینه باید که پند گیرند خداوندان خرد

سُورَةُ الْحِجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان
الٓرٰ ۝ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ وَقُرْاٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝
حروف مقطعه این که قران است آیتها و سوره است از قران روشن
رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ كَانُوْا مُسْلِمِيْنَ ۝
ای بسا وقت که دران بود دوست دارنده آنانکه کافر شدند که بودندی مسلمانان
ذَرْهُمْ يَاْكُلُوْا وَيَتَمَتَّعُوْا وَيُلْهِهِمُ الْاَمَلُ
بگذار ایشان را بخورند و برخورداری یابند و مشغول گرداند ایشانرا آرزوها
فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ۝ وَمَآ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ
در دنیا پس زود باشد که بدانند و هلاک نکردیم ما هیچ اهل دهی
اِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُوْمٌ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ
مگر آنکه هلاک ایشانرا زمانی بود نوشته شده پیش نگیرند هیچ گروهی
اَجَلَهَا وَمَا يَسْتَاْخِرُوْنَ ۝ وَقَالُوْا يٰٓاَيُّهَا
مدت هلاک خود را و باز پس نمانند و گفتند کفار عرب ای
الَّذِيْ نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ اِنَّكَ لَمَجْنُوْنٌ ۝
آنکسیکه که فرود آمده است بر او قران بدرستیکه تو دیوانه
لَوْ مَا تَاْتِيْنَا بِالْمَلٰٓئِكَةِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ
دیگر گفتند چرا بر ما نمی آری بگوی فرشتگان را و اگر هستی راست گو
مَا نُنَزِّلُ الْمَلٰٓئِكَةَ اِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوْٓا اِذًا
نفرستادیم ما فرشتگان را مگر بوحی یا بعذاب و نباشند آنهنگام

جزو الرابع عشر

مُنظَرِين

الحجر

مُنظَرِينَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝
مهلت داده گان بدرستیکه فرو فرستادیم قران را و بدرستیکه ما مر او را نگهبانیم
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ۝ وَ
و هر آینه فرستادیم پیغمبران را پیش از تو اندر گروههای پیشینیان و
مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝
نیامد بدیشان هیچ فرستاده مگر که بودند بان پیغمبر استهزا میکردند
كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ
مانند این می آریم در دلهای کافران در زمان تو ایمان نمی آرند
بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَوْ فَتَحْنَا
بقران و بدرستیکه گذشته است سنت خدای در پیشینیان و اگر بگشاییم
عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ۝
برایشان دری از آسمان پس همیشه باشید دران در بالا میروند
لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ
هر آینه گویند جز این که بربسته اند چشمهای ما را بلکه ما گروهی
مَّسْحُورُونَ ۝ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا
جادو کرده گانیم و بدرستیکه پیدا کردیم ما در آسمان برجها
وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ۝ وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ
و بیاراستیم آن را برای نگرندگان و نگهداشتیم آسمانها را از هر دیوی
رَّجِيمٍ ۝ إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ
رانده شده لیکن هر دیو که خواهد که باسمان در آید و در رسد و بشنود پس از پی ستاره
مُّبِينٌ ۝ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ
روشن در زمین را باز کشیدیم بر روی آب و پیدا کردیم در زمین کوههای بلند
وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ۝ وَجَعَلْنَا
و برویانیدیم در زمین از هر چیز سنجیده بمیزان حکمت و بساختیم
لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ۝ وَ
برای شما در زمین اسباب معیشت و هم برای شما ساختیم آن را که نیستید شما روزی دهندگان

ع

وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا

و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ماست از خزینهای او و فرو فرستادیم مگر

بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۝ وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا

باندازه دانسته شده و فرو فرستادیم بادها بردارندگان ابرها پس فرو فرستادیم

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

از آسمان آبیکه باران است پس بخورانیدیم شما را از آن و نیستید شما نگهدارندگان

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ۝ وَ

و هر آینه ما زنده می گردانیدیم و میرانیم و ما وارثانیم و

لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا

هر آینه دانسته ایم پیشی گرفتگان را از شما در اسلام و هر آینه دانسته ایم

الْمُسْتَأْخِرِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ

واپس افتادگان را و هر آینه پروردگار تو او ست جمع کند ایشان را

حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن

هر آینه او راستکار داناست و هر آینه آفریدیم انسان را از

صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ

گل خشک از لایق بوی گرفته و جان که پدر پریاست آفریدیم او



مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ۝ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ

پیش از آفریدن انسان از آتش بید دو و چون گفت پروردگار تو

لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ

مر فرشتگان را من آفریننده ام آدمی را از گل خشک از

حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن

لای مصوری پس چون راست کنم بنیات او را و دردمیدم در وی

رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۝ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ

از روحی که آفریده من پس بیفتید او را سجده کنان پس سجده کردند فرشتگان

كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ

همه ایشان تمام مگر ابلیس سر باز زد از انکه باشد با

حجر

السّٰجِدِينَ ۝ قَالَ يٰإِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ
سجده کنان مر آدم را گفت خدای ای ابلیس چیست ترا در آنکه نباشی با
السّٰجِدِينَ ۝ قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ
سجده کنندگان گفت ابلیس نیستم که سجده کنم مر آدمی را که بیافریدی او را
مِنْ صَلْصٰلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ
از گل خشک از لای سیاه بوی ناک گفت خدای بیرون رو
مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ
از اینجا پس هر آینه تو رانده شده و هر آینه بر تست دوری تا روز
الدِّينِ ۝ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ
جزا گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روز که برانگیخته شوند
قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ
گفت خدا پس بدرستیکه تو از مهلت داده گانی تا روز نهایت که
الْمَعْلُومِ ۝ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ
معلوم است گفت ای پروردگار من سوگند میخورم با غوای تو مرا هر آینه بیارایم
برای آدمیان
فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ
در زمین دنیا و هر آینه در گمراهی آرم همه ایشان را مگر بندگان تو
مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ
از ایشان پاک شده گان از شرک گفت این راهی که بسوی من راست است
إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ إِلَّا مَنِ
بدرستیکه بندگان من نیست مر ترا بر ایشان قوتی مگر آنکس که
اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ۝ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ
متابعت تو کنند از گمراهان و بدرستیکه دوزخ وعده گاه ایشان
أَجْمَعِينَ ۝ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ
همه ایشان است مر دوزخ را هفت در است هر دری را از گمراهان
جُزْءٌ مَقْسُومٌ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنّٰتٍ وَعُيُونٍ
بهره ایست قسمت کرده شده هر آینه پرهیزکاران در بوستانها باشند در چشمها

ادخلوها بسلم امنين ۝ ونزعنا ما في صدورهم
که درآیید در باغها سالم وایمن و بیرون آریم آنچه در سینه‌هاشان است
من غل اخوانا على سرر متقبلين ۝ لا يمسهم
از کینه که در دنیا داشته باشند برادران گشته بر تختها روبروی نمیرسد ایشان را
فيها نصب وما هم منها بمخرجين ۝ نبئ عبادي
دران بهشت رنجی و نیستند ایشان از بهشت بیرون شدگان خبر ده بندگان مرا
اني انا الغفور الرحيم ۝ وان عذابي هو العذاب
بانکه من آمرزنده ام و مهربانم و بانکه عذاب من آن عذابی است دردنا
الاليم ۝ ونبئهم عن ضيف ابرهيم ۝ اذ دخلوا
دردناک و خبر ده بندگان مرا از مهمانان ابراهیم چون درآمدند
عليه فقالوا سلما قال انا منكم وجلون ۝ قالوا
بر وی پس گفتند سلام می کنیم بر تو گفت ابراهیم هر آینه ما از شما ترسانیم گفتند
لا توجل انا نبشرك بغلم عليم ۝ قال ابشرتموني
مترس بدرستیکه ما ترا مژده دهیم بپسری اسحاق نام دانا گفت آیا بشارت دهید
على ان مسني الكبر فبم تبشرون ۝ قالوا بشرنك
پس از انکه رسیده است مرا بزرگ سالی پس بچه نوع مژده میدهید مرا گفتند مژده
بالحق فلا تكن من القنطين ۝ قال ومن يقنط
براستی پس مباش از ناامیدان گفت و کیست که نومید شود
من رحمة ربه الا الضالون ۝ قال فما خطبكم ايها
از بخشش پروردگار خود مگر گمراهان گفت پس چیست کار شما ای
المرسلون ۝ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ۝
فرستادگان گفتند ما را فرستاده اند بسوی گروه گناهکاران
الا ال لوط انا لمنجوهم اجمعين ۝ الا امراته قدرنا
مگر خاندان لوط را بدرستیکه ما نجات دهندگانیم ایشان را مگر زن او قضا کرده ایم
انها لمن الغبرين ۝ فلما جاء ال لوط المرسلون
ما آنرا که زن او از بازپس ماندگان پس آنهنگام که از خانواده لوط فرستادگان



مرا دانیم

قال

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ○ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا
گفت بدرستیکه شما گروهی بیگانه گانند گفتند بلکه آورده ایم بتو آنچه که
كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ○ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا
بودند قوم تو در آن شک میکردند و آورده ایم بتو راستی را و بدرستیکه
لَصَادِقُونَ ○ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ
راستگویانیم پس ببر اهل خود را در پاره از شب و
اتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا
برو از پس ایشان و باید که بر نگردد از شما هیچ کس و بروید
حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ○ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ
و بروید آنجا که فرموده شدید و حکم کردیم ما بسوی او این کار را

ابن ات

أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ○ وَجَاءَ أَهْلُ
آنکه بنیاد این گروه بریده و برکنده است بوقت صبح و آمد اهل
الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ○ قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي
مدینه مژده میدادند گفت بدرستیکه این گروه مهمانان من اند
فَلَا تَفْضَحُونِ ○ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ○ قَالُوا
پس مرا رسوا مکنید و بترسید از خدای و خوار مسازید مرا گفتند
أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ○ قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي
آیا ترا نهی نکرده ایم از عالمیان گفت اینک این ها دختران من اند
إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ○ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ
اگر هستید کنندگان [illegible] سوگند بزندگانی تو بدرستیکه بودند در گمراهی خود
يَعْمَهُونَ ○ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ○ فَجَعَلْنَا
سرگردان پس فرا گرفت ایشان را بانگ [illegible] در وقت شرق پس گردانیدیم

ع

عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ
زبر آن شهرها را زیر آن و باراندیم بر ایشان سنگی از گل محکم شده
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ○ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ
بدرستیکه در این هلاک نشانهاست مر خداوندان فراست را و بدرستیکه شهرهای

موتفکات

مقيم ۝ إن في ذلك لآية للمؤمنين ۝ وإن كان
براه مردم است بدرستیکه در آنچه یاد کردیم هر آینه نشانه ایست مر گروندگان را و هر آینه بودند
أصحب الأيكة لظلمين ۝ فانتقمنا منهم وإنهما
یاران آنکه یعنی قوم شعیب ستمکاران پس انتقام کشیدیم از ایشان و بدرستیکه
لبإمام مبين ۝ ولقد كذب أصحب الحجر
بر راه روشن و بدرستیکه تکذیب کردند اهل دیار حجر
المرسلين ۝ وءاتينهم ءايتنا فكانوا عنها معرضين
فرستادگان را و دادیم ما ایشان را آیتهای کتاب پس بودند از آن آیات رو گردانندگان
وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا ءامنين ۝
و بودند که میتراشیدند از کوهها خانها در حالتیکه ایمن بودند
فأخذتهم الصيحة مصبحين ۝ فما أغنى عنهم
پس فرا گرفت صیحه عذاب که در آیندگان بودند پس دفع نکرد از ایشان
ما كانوا يكسبون ۝ وما خلقنا السموت و
آنچه بودند که کسب کردند و نیافریدیم ما آسمانها و
الأرض وما بينهما إلا بالحق وإن الساعة
زمین و آنچه در میان هر دو است مگر براستی و بدرستیکه قیامت
لأتية فاصفح الصفح الجميل إن ربك هو
آینده است پس درگذر درگذشتنی نیکو بدرستیکه پروردگار تو او
الخلق العليم ۝ ولقد ءاتينك سبعا من المثاني
آفریننده و دانا و بدرستیکه دادیم ترا هفت آیت از مثانی
والقرءان العظيم ۝ لا تمدن عينيك إلى ما
و دادیم قرآن که بزرگ است مکش هر دو چشم خود را بسوی آنچه
متعنا به أزوجا منهم ولا تحزن عليهم و
برخوردار کردیم بآن چند صنف را از کفار و اندوه مخور برایشان و
اخفض جناحك للمؤمنين ۝ وقل إني أنا النذير
فرو گیر بال خود را تواضع کن مومنان را و بگو بدرستیکه من بیم کننده ام

کردانندگان

المبين

الْمُبِينُ ۝ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ۝ الَّذِينَ جَعَلُوا

آشکارا مانند آنکه فرستادیم بر بخش کنندگان آنانکه ساختند

الْقُرْآنَ عِضِينَ ۝ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

قران را پاره پاره پس بحق پروردگار تو هرآینه همه ایشان سوال خواهیم کرد

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ

از آنچه بودند که میکردند پس بظاهر قیام نمای بآنچه ترا فرموده اند و روی بگردان

عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ۝ الَّذِينَ

از مشرکان بدرستیکه ما کفایت کردیم از تو استهزا کنندگان را آنانکه

يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ

مقرر میکنند با خدا معبود دیگر را پس زود

يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ

بدانند و هرآینه ما میدانیم از حال تو که تنگ میشود

صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۝

سینه تو بسبب آنچه میگویند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ

پس بپاکی یاد کن پروردگار خود را و

كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۝

باش از سجده کنندگان

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ

و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتیکه

يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۝ سورة النحل مكية وهي مائة وثمان وعشرون آية

برسد بتو مرگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا

نزدیک رسیده است فرمان خدای پس طلب آن بشتاب مکنید پاکست خدای و برتر است

از آن شدگان

ربع

از آنچه

يُشْرِكُونَ ۝ يُنَزِّلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ
این از ایشان نکند و میفرستد فرشتگان را بوحی یا بقرآن از امر خدای
عَلٰى مَنْ يَشَاۤءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا
بر هر که خواهد بندگان خود آنکه اعلام کنند آنکه نیست هیچ
إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ
خدای مگر من پس بترسید بیافرید آسمانها و زمین را
بِالْحَقِّ تَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ
بحکم درست برتر است خدای از آنچه انباز میگیرند بیافرید آدم را
مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَالْأَنْعَامَ
از آب منی پس آنگاه که او جدال کننده است آشکارا و چهارپایان
خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
و بیافرید آنرا شمارا دران پوششی است گرم کننده و منفعتها و ازایشان میخورید
وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ
و مر شمارا درین آرایشی است هنگامیکه باز آیند از چراگاه و وقتیکه بیرون میروند
وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلٰى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ
و بر می دارند بارهای گران شما بسوی شهری که نباشید شما رسنده بدان بارهای را
إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝
مگر بمشقت تمام برآینه پروردگار مهربان و بخشاینده است
وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ
اسپان را و استران را و خران را تا برنشینید آنرا و تا
زِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَى اللّٰهِ قَصْدُ
آرایش کنند و بیافرید آنچیز را که شما نمیدانید و بر خدایراست بیان
السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاۤءَ لَهَدٰىكُمْ أَجْمَعِينَ
راه و هست بعضی از راه حق رخ و منحرف و اگر خواستی خدا راه نمودی شمارا همه
هُوَ الَّذِيٓ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاۤءِ مَاۤءً لَكُمْ
اوست آنکه فرستاد از آسمان آبی مر شمارا از او

مکرر

مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝
از و آشامیدنی از باران باشد درخت گیاهی دران نبات می چرایند چارپایان خود را
يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَ
میرویاند خدای برای شما باران کشت را و درخت زیتون را و خرما بنان را و
الْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً
تاکهای انگور و بعضی از هر میوه ها بدرستیکه درین رو باید دلیلی روشن
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
برای گروهی تامل نمایند و رام گردانید برای شما شب و روز را
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ
و آفتاب و ماه و ستارگان برای شناختن راهها رام شدگان بامر خدا
فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ
هرآینه درین ها هرآینه علامت هاست برای گروهی فکر کنند و رام گردانید آنچه
فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً
در زمین و مختلف است اشکال آن هرآینه درین نشانه ایست
لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا
مر گروهی را که یاد کنند و او ست آنکه مسخر گردانید دریا را تا بخورید
مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا
از و گوشت تازه یعنی ماهی و بجوئید بیرون از و پیرایه که می پوشید
وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
و می بینی کشتی هارا روندگان در دریا و تا بجوئید بر کوب در کشتی از سوداگری
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ
و شاید که شما را شکر گوئید خدا را و نهاد در زمین
رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ
کوههای بلند تا شما را تباه نگرداند بحرکت و بیافرید جویها و راهها تا باشد
تَهْتَدُونَ ۝ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ۝
که شما راه یابید و نشانهای راه و بستارگان مسافران در خشکی و تری می یابند

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَإِن

آیا کسیکه می [illegible] را داگر خواهید

تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ

که بشمار آرید نعمتهای خدای را نتوانید شمرد آنرا بدرستیکه خدای هرآینه آمرزنده

رَّحِيمٌ ۝ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

مهربان است و خدای میداند آنچه پنهان دارد و آنچه آشکارا می کنند

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ

و آنانکه می پرستند بجز خدای می آفرینند چیزی را و

هُمْ يُخْلَقُونَ ۝ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ

حالانکه ایشان را آفریده شده اند و ایشان مردگانند زندگانی بیان جماد و نمی دانند

أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

که کی برانگیخته شوند خدای شمای مردمان خدای یکتا بس آنانکه نمی گروند

بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ۝

بسرای دیگر دلهای ایشان راستی ناپذیرنده و ایشان سرکشان اند از ایمان

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

هرآینه درست است آنکه خدای میداند آنچه پنهان میسازند و آنچه آشکارا می کنند

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا

هرآینه خدا دوست نمیدارد سرکشان را و چون گفته شود متکبران را چه چیز فرو فرستاد

أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ لِيَحْمِلُوا

فرو فرستاد پروردگار شما بر محمد گفتند سرگذشتهای پیشینیان تا بردارند بارهای

أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ

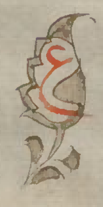
گناهان خود را تمام روز قیامت و بردارند بعضی بار گناهان

يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ۝ قَدْ

آنانکه گمراه ساختند ایشانرا بجهل و نادانی بدانید که بد باری که ایشان بردارند

مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ

هرآینه مکر کردند آنانکه بودند پیش ازین پس بیامد بفرمان خدا بنا های ایشان از



فخرّ علیهم السّقف من فوقهم واتٰهم العذاب
پس بیفتاد برایشان سقفهای خانه از زبر ایشان وآمدند بدیشان عذاب
من حیث لا یشعرون ۝ ثمّ یوم القیٰمة یخزیهم
از انجاکه ندانستند پس روز قیامت رسوا کردند
ویقول این شرکاءی الّذین کنتم تشاقّون
وگوید خدای در آنجا کی اند انبازان ما آنانکه بودید خلاف میکردید در شان
فیهم قال الّذین اوتوا العلم انّ الخزی الیوم
ایشان گویند آنانکه داده شدند علم را بدرستیکه رسوای امروز
والسّوء علی الکٰفرین ۝ الّذین تتوفّٰهم الملٰئکة
وبدی عذاب بر کافران است آنانکه فرا گیرند ارواح ایشان را فرشتگان
ظالمی انفسهم فالقوا السّلم ما کنّا نعمل من
در حالیکه ستمکاران اند بر نفسهای خود بکفر پس چون مرگ را معاینه دیدند در انداختند
سوء بلی انّ الله علیم بما کنتم تعملون ۝ فادخلوا
هیچ بدی آری کافر بودید هرآینه خدای داناست بانچه بودید که عمل کردید پس درآیید
ابواب جهنّم خٰلدین فیها فلبئس مثوی المتکبّرین
بدرهای دوزخ جاویدان باشید دران پس بد آرامگاهی است متکبران را
وقیل للّذین اتّقوا ماذا انزل ربّکم قالوا خیرًا
وچون گفتند مرآنانرا که پرهیز کردند از شرک چه چیز فرستاد پروردگار شما گفتند فرستاد
للّذین احسنوا فی هٰذه الدّنیا حسنة ولدار
مرآنانرا که نیکوی کردند درین دنیا مکافات نیکوست در سرای ایشان
الاٰخرة خیر ولنعم دار المتّقین ۝ جنّٰت عدن
آخرت ازین و هرآینه نیکو سرای است پرهیزکاران بوستانهای اقامت
یدخلونها تجری من تحتها الانهٰر لهم فیها ما
در آیند بدان میرود از زیر آن جویها مر ایشانراست در بهشت
یشاءون کذٰلک یجزی الله المتّقین ۝ الّذین
آنچه آرزو برند مانند این جزا پاداش میدهد خدای پرهیزکاران را آنانکه

صلح رانبودیم که عمل کنیم

نیکوی



تتوفهم الملئكة طيبين يقولون سلم عليكم

فرا گیرند ارواح ایشان را فرشتگان با رضا خوشوقت شند گویند فرشتگان سلام خدا بر

ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون ۝ هل ينظرون

در آئید در بهشت بسبب آنچه بودید میکردید   آیا انتظار میبرند

الا ان تاتيهم الملئكة او ياتي امر ربك كذلك

مگر آنرا که بیایند بایشان فرشتگان   یا بیاید فرمان پروردگار تو مانند این

فعل الذين من قبلهم وما ظلمهم الله ولكن كانوا

کردند   آنانکه بودند پیش از ایشان   و نکرد ستم برایشان خدای ولیکن بودند

انفسهم يظلمون ۝ فاصابهم سيات ما عملوا

بر نفسهای خود ستم میکردند   پس رسید ایشان را جزای بدیهای آنچه کردند

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ وقال

و فرود آمد بدیشان آنچه بودند که بدان استهزا میکردند   و گفتند

الذين اشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه

آنانکه   شرک آوردند اگر خواستی خدای نمی پرستیدیم بجز خدای

من شيء نحن ولا اباؤنا ولا حرمنا من دونه

هیچ چیزی را   ما و پدران ما   و حرام نمی کردیم بی حکم خدای

من شيء كذلك فعل الذين من قبلهم فهل

هیچ چیزی را مانند   کردار   آنانکه بود   پیش از ایشان پس نیست

على الرسل الا البلغ المبين ۝ ولقد بعثنا

بر فرستادگان مگر رسیدن پیغامهای روشن   و هر آینه فرستادیم

في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا

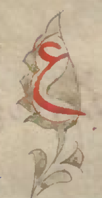
در میان هر گروهی پیغمبری   آنکه پرستید خدای را   و پرهیزید از

الطاغوت فمنهم من هدى الله ومنهم من

اصنام کس بود که راه نمود خدای ایشان را   و از ایشان کس بود

حقت عليه الضللة فسيروا في الارض

واجب شد برو   گمراهی   پس بروید   در زمین



فانظروا

فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين ۝ ان
پس بنگرید چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان اگر
تحرص على هديهم فان الله لا يهدي من
سخت کوشی بر راه یافتن مشرکان پس بدرستیکه خدای راه نمی نماید
يضل وما لهم من نصرين ۝ واقسموا بالله
آنرا که بیخواهد گمراهی او و نیست هیچکس از یاران و سوگند میخورند بخدای
جهد ايمانهم لا يبعث الله من يموت بلى
سخت ترین سوگند خود را بر نه انگیزد خدای آنرا که بمیرد آری وعده
وعدا عليه حقا ولكن اكثر الناس لا
وعده که بر وی است ولیکن بیشتر آدمیان
يعلمون ۝ ليبين لهم الذي يختلفون فيه
نمیدانند تا بیان کند برایشان آنچیز را که اختلاف کنند در آن
وليعلم الذين كفروا انهم كانوا كذبين ۝
و برای آنکه بدانند آنانکه کافر بودند اینکه ایشان دروغگویان
انما قولنا لشيء اذا اردنه ان نقول له كن
جز این نیست که قول ما مر چیزی را چون خواهیم آفریدن آن با آن است که گوییم
فيكون ۝ والذين هاجروا في الله من بعد
پس بباشند و آنانکه بریدند از خان مان خود در گذاردن حق خدا پس آنانکه
ما ظلموا لنبوئنهم في الدنيا حسنة ولاجر
ستمدیده شده باشند هر آینه جای دهیم ایشانرا در دنیا نیکویی و هر آینه مزد
الاخرة اكبر لو كانوا يعلمون ۝ الذين صبروا
آخرت مر ایشانرا بزرگتر است اگر باشند کفار که بدانند آنانکه صبر کردند
وعلى ربهم يتوكلون ۝ وما ارسلنا من قبلك
و بر پروردگار خود توکل میکنند و نفرستادیم با رسالت پیش از فرستادن
الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا
تو مگر مردانی را از انبیا فرستاده ایم وحی بدیشان پس بپرسید از اهل علمهای اینان اگر

ع آنچه را باش

اگر هستند

تعلمون ۝ بالبينت والزبر وانزلنا اليك
که شما میدانید با معجزه های روشن و کتابهای نوشته و فرو فرستادیم بتو
الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم ولعلهم
قران را تا روشن کنی برای مردمان آنچه فرستاده شده است بسوی ایشان
يتفكرون ۝ افامن الذين مكروا السيات
و تا شاید که ایشان تفکر کنندگان اند آیا ایمن شدند آنانکه کردند مکرهای بد
ان يخسف الله بهم الارض او ياتيهم العذاب
از آنکه فرو برد خدای ایشان را در زمین یا بیاید بدیشان عذاب
من حيث لا يشعرون ۝ او ياخذهم في
از آنجا که ندانند و امید ندارند یا از آنکه بگیرد ایشان را در
تقلبهم فما هم بمعجزين ۝ او ياخذهم على تخوف
رفتن و آمدن ایشان پس نیستند ایشان عاجز کنندگان یا ایمن اند از آنکه بگیرد ایشان را
فان ربكم لرءوف رحيم ۝ اولم يروا الى ما
بر ترس از بلا که بنشینان پس هر اینه پروردگار تو بخشاینده مهربانست آیا نمی نگرند کافران بسوی
خلق الله من شيء يتفيؤا ظلله عن اليمين
آفریده است خدای از چیزی که او را تحقیق است که در سایه های او از راستان
والشمائل سجدا لله وهم دخرون ۝ ولله
و چپها سجده کنندگان مر خدا برا و حالانکه ایشان خوارند و مر خدا را
يسجد ما في السموت وما في الارض من
سجده میکنند آنچه که در آسمانهاست و آنچه در زمین هاست از
دابة والملئكة وهم لا يستكبرون ۝
جنبندگان و فرشتگان و ایشان سرکشی نمایند
يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما
می ترسند ملایکه از خدای از زبر ایشان و می کنند برعبت آنچه
يؤمرون ۝ وقال الله لا تتخذوا الهين اثنين
فرموده شده و گفت خدای فرا مگیرید یعنی دو اله

سجدة الثاني

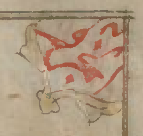
النصف

انما

إِنَّمَا هُوَ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۝ وَلَهُ مَا
جز این نیست که وی معبود یگانه است پس از من بترسید و مر او راست آنچه
فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا
در آسمانها و زمین است و مر او راست عبادت لازم شده
أَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَتَّقُونَ ۝ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ
آیا از غیر خدا میترسید و آنچه با شماست از نعمت خداست
اللّٰهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ ۝ ثُمَّ
باز چون برسد بشما سختی را پس بسوی او می نالید
إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ
باز چون بردارد سختی را از شما ناگهان فریقی از شما بپروردگار خود
يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنٰهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ
شریک مقرر میکنند تا ناسپاسی کنند بآنچه دادیم ایشان را پس بهره مند شوید پس
تَعْلَمُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا
دانست و مقرر کردند برای چیزی که نمیدانند حصه
مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ تَاللّٰهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ۝
از آنچه روزی داده ایم ایشان را بخدا البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا میکردید
وَيَجْعَلُونَ لِلّٰهِ الْبَنٰتِ سُبْحٰنَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ۝
و مقرر میکنند برای خدا دختران را پاکست او و ایشان را آنچه رغبت
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثٰى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا
و اگر مژده داده شود یکی از ایشان بتولد دختر روی او سیاه گردد
وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ يَتَوٰارٰى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوٓءِ
و او پر از اندوه باشد پنهان شود از قوم بسبب ناخوشی
مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلٰى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ
آنچه مژده داده شد بوی در تامل افتد که باقی گذاردش بخواری یا در گور کندش بخاک
أَلَا سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
آگاه شوید حکم ایشان بدست آنانرا که معتقد نمی شوند

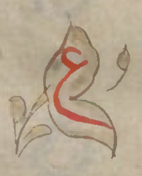
خواهید

نمایند



بالآخرة مثل السوء ولله المثل الأعلى وهو
بآخرت صفت بد است و خدای راست صفت بلند و او

العزيز الحكيم ۝ ولو يؤاخذ الله الناس بظلمهم
غالب باحکمت و اگر گرفتار کند خدا مردمان را بستم ایشان



ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم إلى
نگذارد بر زمین هیچ جنبنده ولیکن موقوف میدارد ایشان را

أجل مسمى فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون
تا وقتی مقرر پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان باز نمانند

ساعة ولا يستقدمون ۝ ويجعلون لله
ساعتی و نه پیش روند و مقرر میکنند برای خدا

ما يكرهون وتصف ألسنتهم الكذب
آنچه ناپسند میدارند و بیان میکنند زبان ایشان سخن دروغ را

أن لهم الحسنى لا جرم أن لهم النار وأنهم
که ایشان را باشد نیکوئی شبهه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش و آنکه ایشان

مفرطون ۝ تالله لقد أرسلنا إلى أمم من
ترک کرده شده اند قسم بخدا هر آینه پیغمبران فرستادیم بسوی امتانی از

قبلك فزين لهم الشيطان أعمالهم فهو وليهم
پیش تو پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان پس همون یار

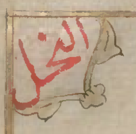
اليوم ولهم عذاب أليم ۝ وما أنزلنا عليك
ایشان است امروز و ایشان راست عذاب دردهنده و فرود نیاوردیم بر تو

الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه وهدى
کتاب را مگر بسبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه دران اختلاف کردند و رهنمودن

ورحمة لقوم يؤمنون ۝ والله أنزل من السماء
و بخشایش قومی را که میگروند و خدا فرود آورد از آسمان

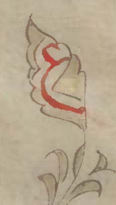
ماء فأحيا به الأرض بعد موتها إن في ذلك
آب را پس زنده ساخت بآن زمین را بعد مرگ آن هر آینه در آن

لآية



لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ
نشانیست گروهی را که میشنوند و هرآینه شمارا در چهارپایان
لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ
پندی هست مینوشانیم شمارا ازانچه در شکم وی است از میان
فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ۝
سرگین و خون شیرے خالص گوارا آشامندگان را
وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ
و از میوهای درختان انگور قسمی هست که میسازید ازان
مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً
شراب مست کننده و میسازند ازان روزی حلال هرآینه درین نشانیست
لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ
گروهی را که درمی یابند و الهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور شهد
اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا
که بساز خانه از کوهها و از درختان و ازانچه
يَعْرِشُونَ ۝ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي
مردمان بنا میکنند باز بخور از هرجنس میوهها پس برو در
سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ
راههای پروردگار خویش رام شده آن راهها برمی آید از شکم این زنبوران
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ
گوناگون رنگهای او دران شفاست مردمان را هرآینه
فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ
درین نشانیست گروهی را که تفکر میکنند و خدا آفرید شمارا
ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ
باز بمیراند شمارا و از شما کسی هست که عاید کرده میشود بخوار ترین
الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ
عمر تا آنکه ندانند بعد دانش چیزی را هرآینه خدا





عليم قدير ۝ والله فضل بعضكم على بعض

دانای توانا است و خدا فضل داد بعض از شما را بر بعض

في الرزق فما الذين فضلوا برادي رزقهم

در روزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شد بازدهندگان روزی خود

على ما ملكت ايمانهم فهم فيه سواء افبنعمة

بر مملوکان خود تا همه ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا

الله يجحدون ۝ والله جعل لكم من انفسكم

انکار می نمایند و خدا آفرید برای شما از جنس شما

ازواجا وجعل لكم من ازواجكم بنين و

زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و

حفدة ورزقكم من الطيبت افبالباطل

نبیرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه آیا بباطل

يؤمنون ۝ وبنعمت الله هم يكفرون ۝ و

معتقد میشوند و بنعمت خدا ایشان ناسپاسی مینمایند و

يعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقا

می پرستند بجز خدا کسی را که نمیتوانند برای ایشان روزی

من السموت والارض شيئا ولا يستطيعون

از آسمان و زمین چیزی و نتوانند

فلا تضربوا لله الامثال ان الله يعلم وانتم

پس بیان مکنید برای خدا داستانها بر آینه خدا میداند و شما

لا تعلمون ۝ ضرب الله مثلا عبدا مملوكا

نمیدانید بیان کرد خدا داستانی بنده مملوکی

لا يقدر على شيء ومن رزقنه منا رزقا

که توانائی ندارد بر هیچ چیزی و کسیکه دادیمش از نزد خود روزی

حسنا فهو ينفق منه سرا وجهرا هل يستون

نیک پس وی خرج میکند از آن روزی پنهان آشکارا آیا برابر شوند

الحمد لله

الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ۝ وضرب الله

همه ستایش خدا راست بلکه اکثر ایشان نمیدانند و بیان کرد خدا

مثلا رجلين احدهما ابكم لا يقدر على شيء

داستانی دیگر دو مرد از ایشان یکی گنگ است قدرت ندارد بر چیزی

وهو كل على مولىه اينما يوجهه لا يات

و او گران است بر خواجه خود هر کجا که فرستدش نیارد از آنجا هیچ

بخير هل يستوى هو ومن يامر بالعدل وهو

نیکی آیا برابرست این شخص و کسیکه میفرماید مردمانرا بعدل و اوست

على صراط مستقيم ۝ ولله غيب السموت و

بر راه راست و خدا راست علم نهان آسمانها و



الارض وما امر الساعة الا كلمح البصر

زمین و نیست کار قیامت مگر مانند چشم زدن

او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير ۝ والله

بلکه او نزدیکتر است چرا که خدا بر هر چیز توانا است و خدا

اخرجكم من بطون امهتكم لا تعلمون شيئا

بیرون آورد شما را از شکم مادران شما و نمیدانید چیزی

وجعل لكم السمع والابصار والافدة

و بیدا ساخت برای شما شنوایی و چشمها و دلها

لعلكم تشكرون ۝ الم يروا الى الطير مسخرت

تا بود که شکر کنید آیا نمیدیدند بسوی مرغان رام شده

في جو السماء ما يمسكهن الا الله ان في ذلك

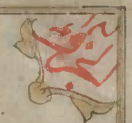
بهوای آسمان نگاه نمیدارد ایشانرا مگر خدا هر آینه درین

لايت لقوم يؤمنون ۝ والله جعل لكم من

نشانهاست گروهی را که ایمان آرند و خدا ساخت برای شما از

بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الانعام

خانهای شما سکونت ساخت برای شما از پوست چهارپایان



بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ

خانهای سبک می یابید روز سفر خود و روز اقامت

وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ

و ساخت از پشمهای وی و برهای وی و موی وی اسباب خانه و

مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا

بهره مندی تا وقتی مقرر و خدا ساخت برای شما از مخلوقات خود سایها

وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ

و ساخت برای شما از کوهها غارها و ساخت برای شما جامهای

تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ

که نگاهدارد شمارا از شر جنگ شما همچنین تمام میکند

نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا

نعمت خود را بر شما تا بود که منقاد شوید پس اگر اعراض کنند

فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ

جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است می شناسند نعمت

اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ۝ وَيَوْمَ

خدارا باز انکار میکنند و بیشتر ایشان کافرانند و از روز

نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ

برانگیزیم از هر گروهی گواهی را باز دستوری داده نشود

كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

کافرانرا و نه از ایشان برضیات رجوع طلب کرده شود و چون ببینند ستمکاران

الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

عذاب را اضطراب کنند پس سبک کرده شود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا

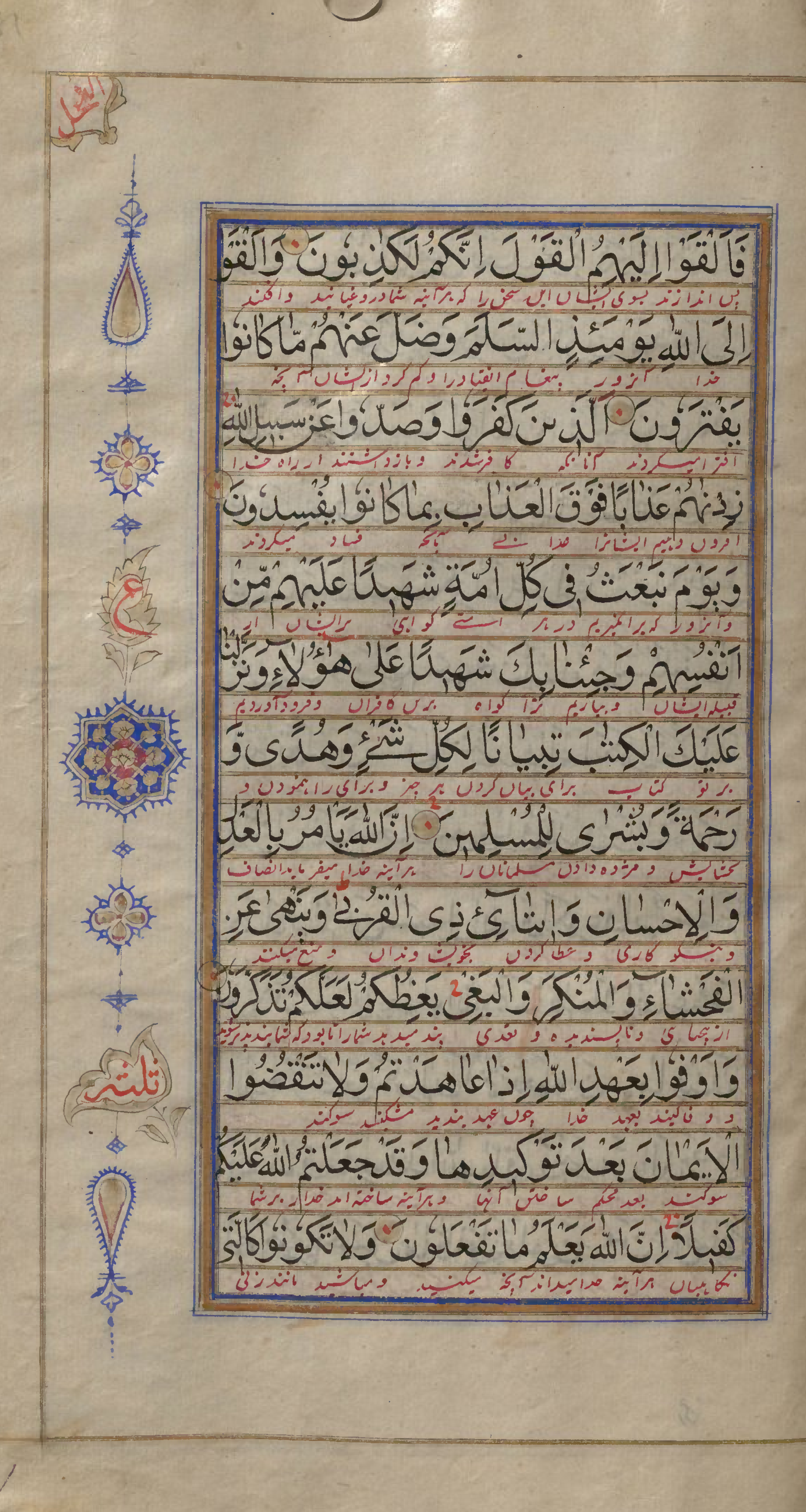
و چون ببینند شرکاء شریکان خود را گویند ای پروردگار ما

هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ

این جماعه شریکان ما اند که می پرستیدیم بجز تو

فالقوا

النحل



فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَٰذِبُونَ ۝ وَأَلْقَوْا
پس انداختند بسوی ایشان این سخن را که هر آینه شما دروغگویانید و افکندند
إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا
خدا آن روز بیغام انقیاد را و گم کرد از ایشان آنچه
يَفْتَرُونَ ۝ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ
افترا میکردند آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا
زِدْنَٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ
افزودیم ایشان را عذاب بالای عذاب بانچه فساد میکردند
وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ
و آن روز که برانگیزیم در هر امتی گواهی بر ایشان از
أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا
قبیلهٔ ایشان و بیاریم ترا گواه بر این کافران و فرود آوردیم
عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ تِبْيَٰنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَ
بر تو کتاب برای بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و
رَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ
بخشایش و مژده دادن مسلمانان را هر آینه خدا میفرماید بانصاف
وَالْإِحْسَٰنِ وَإِيتَايِٕ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
و بنکوکاری و عطا کردن بخویشاوندان و منع میکند
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
از بیحیائی و ناپسندیده و تعدی پند میدهد شما را تا بود که شما پند پذیرید
وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا
و وفا کنید بعهد خدا چون عهد بندید و مشکنید سوگند
الْأَيْمَٰنَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ
سوگند بعد محکم ساختن آنها و هر آینه ساخته اید خدا را بر شما
كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي
نگاهبان هر آینه خدا میداند آنچه میکنید و مباشید مانند زنی

ع

ثلثه



نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ اَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ
کو گسست رشته خود بعد از استواری پاره پاره ساخته بسازید
اَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ اَنْ تَكُونَ اُمَّةٌ هِيَ اَرْبٰى
سوگند های خود را مکر در میان خویش تا شود گروهی افزون تر
مِنْ اُمَّةٍ اِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللّٰهُ بِهٖ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ
از گروهی جز این نیست که می آزماید خدا شما را بآن و البته کند بیان برای شما
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ وَ
روز قیامت آنچه در آن اختلاف میکنید و
لَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ يُضِلُّ
اگر خواستی خدا شما را یک گروه ولیکن گمراه میکند
مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْئَلُنَّ عَمَّا
هر کرا خواهد و راه مینماید هر کرا خواهد و البته پرسیده خواهد شد
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَلَا تَتَّخِذُوا اَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ
از آنچه میکردید و مسازید سوگند خود را دخانت ایمان در میان
فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا
انگاه بلغزد قدم بعد استواری آن و بچشید عقوبت بسبب
صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
باز داشتید از راه خدا را و شما راست عذاب بزرگ
وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا اِنَّمَا عِنْدَ
و مستانید عوض عهد خدا بهای اندک هر آینه نزدیک
اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ مَا عِنْدَكُمْ
خدا است بهتر است شما را اگر دانسته اید آنچه نزدیک شماست
يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا
فانی شود آنچه نزدیک خدا پاینده است و بدهیم صابران را
اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
مزد ایشان را بحسب نیکوترین آنچه میکردند هر که عمل نیک کرد

مع

و من

مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيٰوةً
مرد باشد یا زن و او مسلمان است هرآینه زنده داریمش زندگانی
طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
پاک و بدهیم آنجماعه را مزد ایشان بحسب نیکوترین آنچه میکردند
فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ
پس و چونکه خواهی قرآن خواندن پناه طلب بخدا از شیطان
الرَّجِيمِ ۝ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ اٰمَنُوا
رانده شده هرآینه نیست شیطان را غلبه بر آنانکه ایمان آوردند
وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ
و بر پروردگار خود توکل میکنند هرآینه سلطان او غلبه بر آنان است
يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ۝ وَإِذَا بَدَّلْنَا
که دوستداری او میکنند و آنانکه ایشان با خدا شریک مقرر ساختند و چون بدل کنیم
اٰيَةً مَكَانَ اٰيَةٍ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ
آیتی بجای آیتی و خدا داننده تر است بآنچه فرود می آرد گویند جز این نیست که تو
مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ
افترا کننده بلکه اکثر ایشان نادانند بگو فرود آورده است او را
الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ اٰمَنُوا
روح القدس از جانب پروردگار تو براستی تا مستقیم سازد مومنان را
وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ
و برای رهنمودن و مژده مسلمان را و هرآینه مادانیم که ایشان
يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ
میگویند جز این نیست که می آموزد این پیغمبر را آدمی زبان کسی که نسبت میکنند
إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ إِنَّ الَّذِينَ
بسوی او عجمی است و این قرآن زبان عربی است آشکارا هرآینه آنانکه
لَا يُؤْمِنُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ
ایمان نمی آرند بآیات خدا راه نماید ایشان را خدا و ایشان راست عذاب

ع

نیست که تو

کافر

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

جز این نیست که افترا کننده دروغ را آنانکه ایمان ندارند

بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ مَنْ كَفَرَ

بآیات خدا و ایشانند دروغیان برکه کافر شود

بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ

بخدا بعد از ایمان خود مگر آنکه جبر کرده شود بروی و دلش آرمیده

بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا

بایمان ولیکن کسی که سینه گشاده کند بکفر

فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝

برایشان است خشم از خدا و ایشانراست عذاب بزرگ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ

این خشم بسبب آنست که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا بر آخرة

وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ أُولَٰئِكَ

و بسبب آنست که خدا راه نمی نماید گروه کافران ایشانند

الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ

آن جماعه که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و بر گوش ایشان و بر دیدهای ایشان

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي

و ایشانند بیخبران نیست شک در آنکه ایشانند در

الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ

آخرت زیانکاران باز پروردگار تو آنانراکه

هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا

هجرت کردند بعد از آنکه عقوبت کرده شد ایشانرا باز جهاد کردند و صبر نمودند

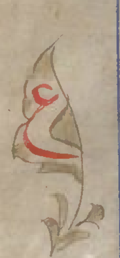
إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝

هر آینه پروردگار تو بعد ازین مقدمه آمرزگار و مهربان است

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا

آن روز بیاید بر شخصی را جدال کنان از ذات خود

وتوفى



وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝
و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً
و بیان کرد خدا داستانی دیهی که بود ایمن آرامیده می‌آمد

يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ
او را روزی بفراخی از هر جا پس ناسپاسی کرد

بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ
بنعمتهای خدا پس چشانید خدا او را پوشش گرسنگی و ترس

بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ
بسبب آنچه میکردند و هرآینه آمد پیش ایشان پیغمبری

مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝
از ایشان پس دروغ داشتند پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان ستمکار بودند

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا
پس بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و شکر کنید

نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ
بر نعمت خدا اگر او را پرستید جز این نیست که حرام

ساخته است

عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا
خدا بر شما مردار را و خون و گوشت خوک را و آنچه

أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ
ذکر کرده شد بغیر نام خدا بر ذبح وی پس هر که بیچاره شد نه ستم کرده

وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَلَا
و نه از حد گذشته پس خدا آمرزگار مهربان است و

تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ
مگوئید چیزی را که بیان میکند حکم او زبان شما بدروغ

هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا
این حلال است و این حرام است تا افترا کنید

عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ اِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
بر خدا دروغ را بر آینه آنانکه افترا میکنند
عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ۝ مَتَاعٌ
بر خدا دروغ را رستگار نمیشوند ایشان را بود بهره‌ای
قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ وَعَلَى
اندک وایشان را باشد عذاب درد دهنده و بر
الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا
یهود حرام کرده بودیم آنچه قصه خوانده ایم
عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلٰكِنْ
بر تو پیش از این و ستم نکرده ایم بر ایشان ولیکن
كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ اِنَّ رَبَّكَ
بر جان خویش ستم میکردند باز هرآینه پروردگار تو
لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ
آنانرا که کار بد کردند بنادانستگی باز توبه کردند از
بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوا اِنَّ رَبَّكَ مِنْ
بعد از این و شایسته کار شدند هرآینه پروردگار تو از
بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ
بعد از این توبه آمرزکار و مهربان است هرآینه ابراهیم
كَانَ اُمَّةً قَانِتًا لِلّٰهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ
بود بزرگواری عبادت کننده برای خدا حنیفی نیستی و نبود
مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ شَاكِرًا لِاَنْعُمِهِ
از مشرکان سپاسدار نعمتهای خدا
اجْتَبٰهُ وَهَدٰهُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝
برگزیدش خدا و دلالت نمودش بسوی راه راست
وَاٰتَيْنٰهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَاِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ
و عطا کردیمش در سرای نعمت هرآینه او در آخرت



لمن ال

لمن الصلحين ثم اوحينا اليك ان
هر اینه از نیکوکاران پس وحی فرستادیم بسوی تو اگر
اتبع ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين
پیروی کن کیش ابراهیم پاکیزه و نبود از مشرکان
انما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه
جز این نیست که روز شنبه بر آنانکه اختلاف کردند در آن
وان ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما
و هر اینه پروردگار تو تا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه
كانوا فيه يختلفون ادع الى سبيل ربك
بودند در آن اختلاف میکردند دعوت کن بسوی راه پروردگار تو
بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم
بدانش و پند و نیک و مناظره کن
بالتي هي احسن ان ربك هو اعلم بمن ضل
بآنچه آن بطریقیکه وی نیکو است هر اینه پروردگار تو او داناتر است بکسیکه

گمراه کند

عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين وان
از راه او و او داناتر است براه یابان و اگر
عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن
مکافات کنید پس مکافات کنید مانند آنچه با شما کرده اند و اگر
صبرتم لهو خير للصبرين واصبر وما
صبر کنید هر اینه بهتر است صابران را و شکیبایی کن و نیست
صبرك الا بالله ولا تحزن عليهم ولا تك
شکیبایی تو مگر بتوفیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش
في ضيق مما يمكرون ان الله مع الذين
در تنگ دلی از آنچه مکر میکنند هر اینه خدا با
اتقوا والذين هم محسنون
پرهیزکار شدند و آنانکه ایشان نیکوکارانند



سورة بنی اسرائیل

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشینده مهربان

سبحن الذی اسری بعبده

پاکست آنکه برد بنده خودرا

ليلا من المسجد الحرام الى

در شب از مسجد حرام بسوی

المسجد الاقصا الذی بركنا

مسجد اقصی که برکت دادیم

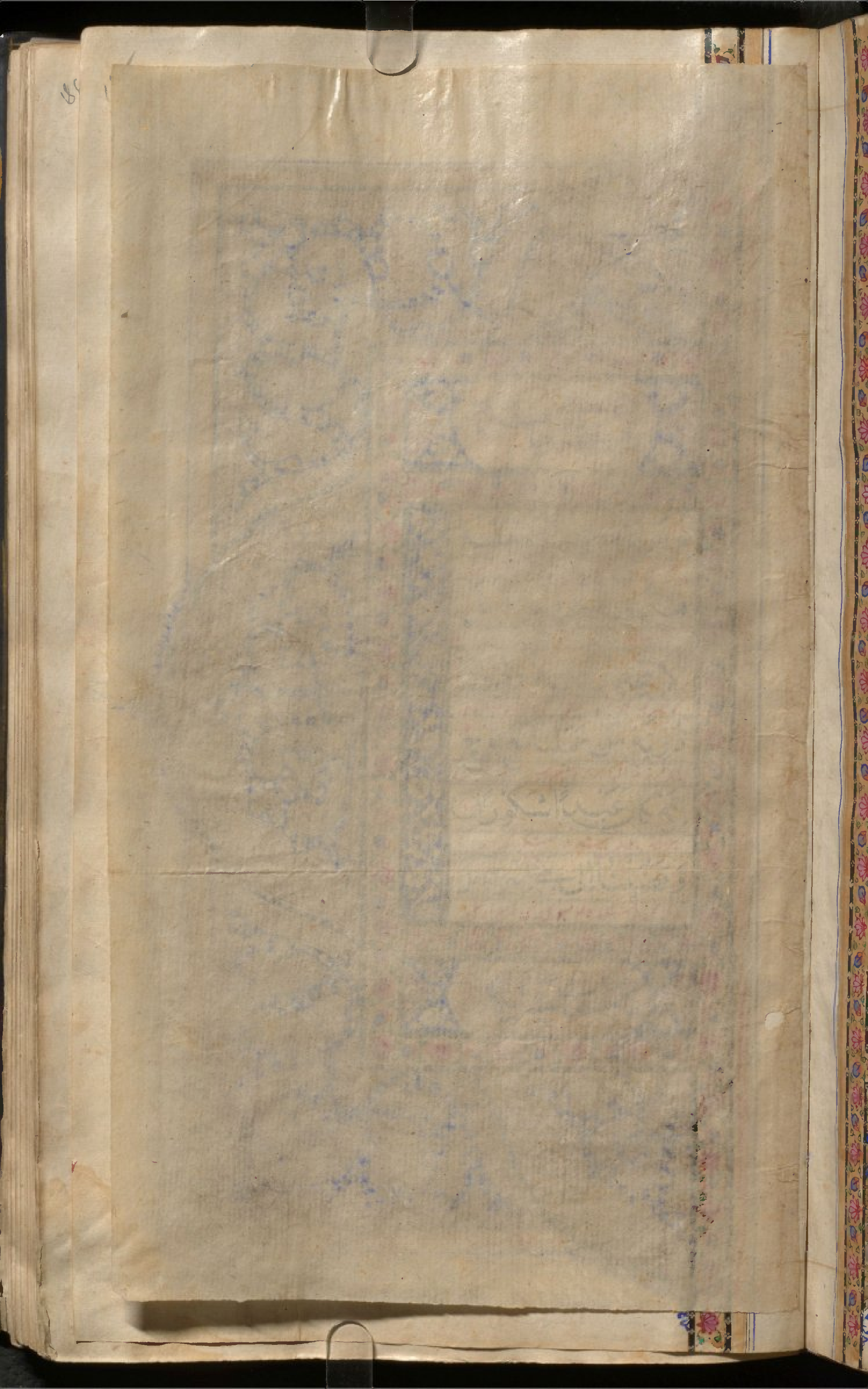
حوله لنريه من ايتنا انه هو

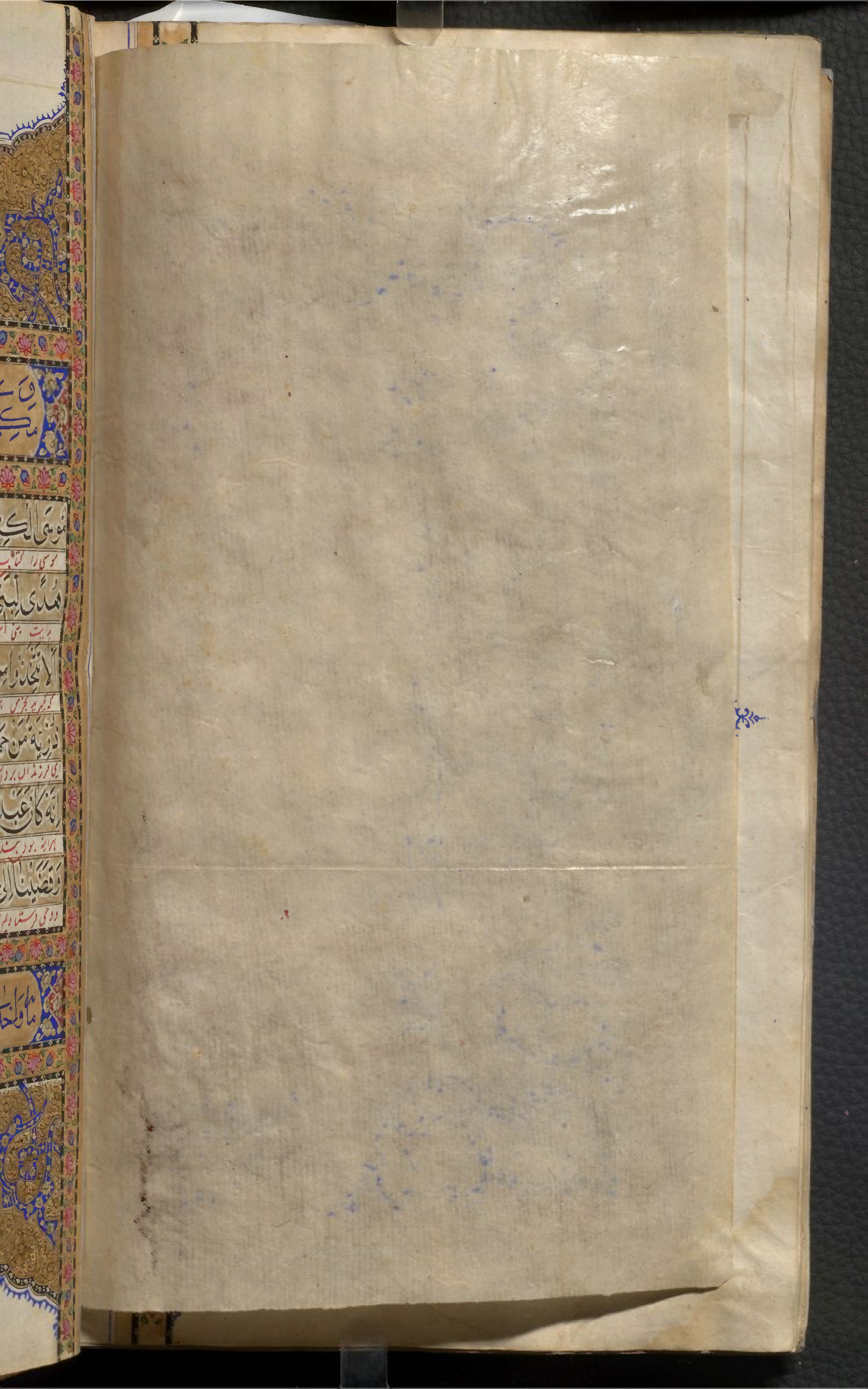
گرداگرد او تا بنمایيم از نشانهای خود او

السميع البصير واتينا

شنوا بینا و دادیم

واحدے عشر آیة







وهي مكية مائة

موسى الكتب وجعلنه

موسی را کتاب و کردانیدیم

هدى لبنى اسرائل

هدایت بنی اسرائیل

الا تتخذوا من دونى وكيلا

که نگیرید بجز من کارسازی

ذرية من حملنا مع نوح

ای فرزندان بر داشتیم ایشان را با نوح

انه كان عبدا شكورا ۝

هر آینه بود بنده شکر گذار

وقضينا الى بنى اسرائل

و وحی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل

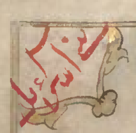
واحدى عشر آية



فِي الْكِتٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ
در کتاب که البته فساد خواهید کرد در زمین دو بار طغیان خواهید کرد
عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولٰهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ
سرکشی بزرگ پس چون بیاید وعده نخستین برانگیختیم بر شما
عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلٰلَ
بندگان خود را خداوندان کارزار سخت پس در آیند میان
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
خانه ها و بود وعده کرده شده باز دهیم شما را بر ایشان
الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنٰكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنٰكُمْ
نیروزی بر ایشان و مدد کردیم ایشان بمال و فرزندان و کردیم
أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ
بیشتر باعدد لشکر اگر نیکو کاری کنید نیکو کاری کنید برای خود
وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُا
و اگر بد کاری کنید بجان شماست پس چون بیاید وعده دیگر تا تباه کنند
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ
رویهای خود را و تا در آیند بمسجد چنانکه در آمده بودند
أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسٰى رَبُّكُمْ
اول بار و بیهلکند بر هر چه غالب شوند هلاک کردنی نزدیکست خدای
أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ
اگر رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید رجوع کنیم و کردانیدیم دوزخ
لِلْكٰفِرِينَ حَصِيرًا ۝ إِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَهْدِي
برای کافران زندانی هر اینه این قران راه نماید
لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
بخصلتی که درستست و بشارت میدهد مؤمنان را آنانکه کارهای
الصّٰلِحٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا
شایسته کردند هر اینه مر ایشانراست مزد بزرگ و هر اینه آنانکه نگروند

خوش زند

يُؤْمِنُونَ





يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَدْعُ
ایمان نیاورده اند باخره آماده کرده ایم برای ایشان عقوبت دردمنده

الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ
آدمی دعای بد دعای نیک و هست آدمی

عَجُولًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا
شتاب کار و ساختیم شب و روز را دو نشانه پس بی نور ساختیم

آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا
نشانه شب را و ساختیم نشانه روز را سبب دیدن اشیا تا طلب کنید

فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ
فضل را از پروردگار خود را و تا بدانید شمار سالها را و بدانید

الْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا
حساب را و هر چیز را بیان کردیم به تفصیل

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ
و هر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را بسته در گردن او و بیرون آریم

لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا اقْرَأْ كِتَابَكَ
برای او روز قیامت نامه که بر بیند آنرا باز گشاده گوئیم بخوان نامه خود را

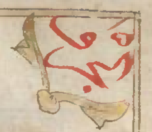
كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مَنِ اهْتَدَى
بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده هر که راه یابد

فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
پس جز این نیست که راه یابد میشود برای نفس خود و هر که گمراه شود پس جز این نیست که — گمراه میشود

عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا
بر ضرر خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را و نیستیم ما

مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ
عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری و چون خواهیم

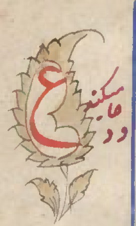
نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا
هلاک دیهی را بفرمائیم بسرکشان آنجا یعنی آنچه خواهیم پس نافرمانی کردند — پس ثابت شد



فِى الْكِتٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِى الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ
در کتاب که البته فساد خواهید کرد در زمین دو بار طغیان خواهند کرد
عُلُوًّا كَبِيرًا فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ اُولٰىهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ
سرکشی بزرگ پس چون بیاید وعده نخستین برانگیختیم بر شما
عِبَادًا لَّنَآ اُولِى بَاْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلٰلَ
بندگان خود را خداوندان کارزار سخت پس در آیند میان
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
خانه ها و بود وعده کردنی باز دهیم شما را بر ایشان
الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَاَمْدَدْنٰكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِينَ وَجَعَلْنٰكُمْ
دولتی بر ایشان و مدد کردیم بر ایشان بمال و فرزندان و گردانیدیم
اَكْثَرَ نَفِيرًا اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ
بیشتر با عدد لشکر اگر نیکوکاری کنید نیکوکاری کنید برای خویش
وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسُوٓءٗا
و اگر بدکاری کنید بجان شماست پس چون بیاید وعده دیگر تا تباه کنند
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ
رویهای خود را و تا در آیند بمسجد چنانکه در آمده بودند
اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا عَسٰى رَبُّكُمْ
اول بار و تباه کنند برهر چه غالب شود اگر کند نزدیکست خدای
اَنْ يَّرْحَمَكُمْ وَاِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ
اگر رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید رجوع کنیم و گردانیدیم دوزخ
لِلْكٰفِرِينَ حَصِيرًا اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَهْدِى
برای کافران زندانی هر اینه این قران راه نماید
لِلَّتِى هِىَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
خصلتی که درستست و بشارت میدهد مؤمنان را آنانکه کارهای
الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيرًا وَاَنَّ الَّذِينَ لَا
شایسته کردند هر اینه مر ایشان را مزد بزرگ و هر اینه آنانکه نگروند

يُؤْمِنُونَ





يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ
ایمان نیاورده اند باخره آماده کرده ایم برای ایشان عقوبت دردهنده

الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ط وَكَانَ الْإِنْسَانُ
آدمی دعای بد دعای نیک وهست آدمی

عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا
شتاب کار وساختیم شب و روز را دو نشانه پس بی نور ساختیم

آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا
نشانه شب را وساختیم نشانه روز را سبب دیدن اشیا تا طلب کنید

فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ
فضل را از پروردگار خود را وتا بدانید شمار سالها را و بدانید

الْحِسَابَ ط وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ۝
حساب را وهر چیز را بیان کردیم به تفصیل

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ط وَنُخْرِجُ
وهر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را بسته در گردن او وبرون آریم

لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ز اقْرَأْ كِتَابَكَ ط
برای او روز قیامت نامه که ببیند آنرا بازگشاده گوئیم بخوان نامه خودرا

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ز مَنِ اهْتَدَىٰ
بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده هرکه راه یاب شد

فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ج وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
پس جز این نیست که راه یاب میشود برای نفس خود وهرکه گمراه شود پس جز این نیست که
گمراه میشود

عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ط وَمَا كُنَّا
بر ضرر خود و برندارد هیچ بردارنده بار دیگری را ونیستیم ما

مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ۝ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ
عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری وچون خواهیم

نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا
هلاک دیهی را میفرمائیم بسرکشان آنجا یعنی آنچه خواهیم پس نافرمانی کردند
پس ثابت شد



الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيرًا ۝ وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ
بران دیه وعده عذاب پس برهم زدیم ایشانرا برهم زدنی و بسا کس اهلاک کردیم از طبقات مردمان
مِنْ بَعْدِ نُوحٍ ط وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهٖ
از بعد نوح وبس است پروردگار تو بگناه بندگان خود
خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا
دانا و بینا هر که خواسته باشد آسودگی دنیا بشتاب دهیم ویرا
لَهٗ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهٗ جَهَنَّمَ
درانجا هرچه خواهیم هرکرا خواهیم باز مقرر کنیم برای او دوزخ درآید
يَصْلٰيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ۝ وَمَنْ اَرَادَ الْاٰخِرَةَ
دران نکوهیده رانده شده وهرکه خواهد ثواب آخرت
وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ
وسعی کند برای وی سعی که لایق وی است و او مسلمان باشد پس این جماعت
سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝ كُلًّا نُمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ
سعی ایشان مقبول هر فرقه را می‌دهیم این فرقه را و آن فرقه را از
عَطَآءِ رَبِّكَ ط وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۝ اُنْظُرْ
بخشش پروردگار تو و نیست بخشش پروردگار تو باز داشته شده ببین
كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ط وَلَلْاٰخِرَةُ
چگونه افزونی دادیم بعض مردمانرا بر بعضی یعنی در دنیا و هرآینه در آخرت
اَكْبَرُ دَرَجٰتٍ وَاَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۝ لَا تَجْعَلْ مَعَ
زیاده‌تر بود درجات و بیشتر باشد در افزونی دادن مقرر مکن با
اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا ۝ وَقَضٰى
خدا معبود دیگر را انگاه نشینی نکوهیده بی یار مانده و حکم کرد
رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوٓا اِلَّآ اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا
پروردگار تو که عبادت مکنید مگر خودش را و بکنید با پدر و مادر نیکوکاری
اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ اَوْ كِلٰهُمَا
اگر برسد نزدیک تو بکلان سالی یکی از ایشان یا هر دو پس



فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا
مر ایشانرا اف دمگو و بانگ مزن بر ایشان دمگو با ایشان و گوی ایشان سخن

كَرِيمًا ۝ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ
نیکو و پست کن برای ایشان بازوی تواضع از جهت مهربانی و

قُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۝ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ
بگو ای پروردگار ببخشای بر ایشان چنانکه پرورش کردند مرا در خورد سالی پروردگار

بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ
بآنچه در ضمیر شماست اگر باشید شایسته پس هر آینه وی هست

لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۝ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ
رجوع کنندگان آمرزنده و بده بخداوند قرابت حق ویرا و

الْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۝
بدرویش رهگذری و اسراف مکن اسراف کردنی

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ
هر آینه اسراف کنندگان برادران شیطان و هست

الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۝ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ
شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس و اگر روی بگردانی ازین جماعه

ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا
بانتظار روزی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی پس بگو ایشانرا سخنی

مَّيْسُورًا ۝ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ
ملایم و مکن دست خود را بسته با گردن خود و مگشا

وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا
و مگشا از تمام گشادن که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده یعنی در

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
هر آینه پروردگار تو می گشاید و تنگ می کند روزی برای هرکه خواهد

إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا
هر آینه به بندگان خود دانا و بیناست و مکشید

شما داناترید

صورت بخل در مانده گشته
یعنی در صورت اسراف

أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ط نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ
اولاد خود را از ترس تنگدستی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را هر آینه

قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ
کشتن ایشان هست گناه عظیم و نزدیک مشوید بزنا هر آینه وی

فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ
بیحیایی است و بد راهی است وی و مکشید نفسی را

الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ط وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ
که محرم ساخته است خدا مگر بحق و هر که کشته شود بستم پس داده ایم

جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ ط
وارث او را قوتی یعنی حق قصاص پس باید که زیادتی نکند در کشتن

إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا
هر آینه وی هست یاری داده و نزدیک مشوید بمال یتیم مگر

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ
بطریقی که او نیک است تا آنکه رسد بنهایت قوت خود و وفا کنید بعهد

إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ۝ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ
هر آینه عهد پرسیده خواهد شد و تمام کنید پیمانه را چون بپیمایید

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ط ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ
و ترازوی راست این بهتر است و نیکوتر است از جهت

تَأْوِيلًا ۝ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ط إِنَّ
عاقبت و مروی چیزی که ترا دانش آن نیست هر آینه

السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ
گوش و چشم و دل هر یکی از اینها پرسیده

مَسْئُولًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ط إِنَّكَ لَنْ
خواهد شد و مرو در زمین خرامان هر آینه تو

تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ
نشکافی زمین را و نرسی بکوهها در درازی همه این

كان

كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝ ذٰلِكَ مِمَّا
خصلتها بست به فعلی آن نزدیک پروردگار تو ناپسندیده این از آنچه است
اَوْحٰى اِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ
که وحی فرستاده است بسوی تو پروردگار تو از علم و مقرر مکن
اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتُلْقٰى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا
خدا معبودی دیگر را آنگاه انداخته شوی در دوزخ ملامت کرده بارانده
اَفَاَصْفٰكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ
آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و خود فرا گرفت از فرشتگان
اِنَاثًا ۚ اِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا
دختران را هر آینه شما می گوئید سخن گران و هر آینه بهر نوع
فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِيَذَّكَّرُوا ۖ وَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا
سخن گفتیم درین قران تا پند پذیر شوند نمی افزاید ایشان را مگر
نُفُورًا ۝ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ اٰلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ
رمیدن بگو اگر بودندی با خدا معبودان دیگر چنانکه میگویند آنگاه
اِذًا لَابْتَغَوْا اِلٰى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۝ سُبْحٰنَهُ
طلب کردندی بسوی خداوند عرش راه منزه است او پاکست وی
وَتَعٰلٰى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ
بلندست از آنچه میگویند بلندی عظیم بپاکی یاد میکنند او را آسمانها
السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ
هفت گانه و زمین و هر که درمیان آنهاست و نیست هیچ چیز
اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۗ
مگر بپاکی یاد می کند با ستایش او و لیکن شما فهم نمی کنید پاکی گوی ایشان
اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ
هر آینه وی هست بردبار و آمرزگار و چون بخوانی قران را
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ
بسازیم درمیان تو و درمیان آنانکه باور نمیدارند آخرت را

حجابا مستورا ۝ وجعلنا على قلوبهم اكنة ان
پرده پوشنده ومی نهیم بر دل ایشان پوششها را تا

يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك
نفهمند آن در گوش ایشان گرانی را چون یاد کنی پروردگار خود را

في القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا
در قرآن تنها روگردان شوند بر جانب پشت خود رمیده شده

نحن اعلم بما يستمعون به اذ يستمعون اليك
ما داناتریم بچیزی که می شنوند بسبب آن یعنی قصد استهزاء عیب جوی وقتی که

واذ هم نجوى اذ يقول الظلمون ان تتبعون
گوش می نهند بسوی تو وقتی که ایشان راز گویان باشند وقتی که می گویند این ستمکاران پیروی

الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف ضربوا لك الامثال
نمی کنند مگر جادو کرده را بنگر چگونه زدند داستانها برای تو

فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۝ وقالوا ءاذا
پس گمراه شدند پس نمیتوانند راه یافتن و گفتند اما چون شویم

كنا عظما ورفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جديدا
استخوانهای چند و اعضاء پوسیده ازهم پاشیده اما برانگیخته شویم آفرینش نو

قل كونوا حجارة او حديدا ۝ او خلقا مما يكبر في
بگو سنگ شوید یا آهن شوید یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر

صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم
شما خواهند گفت که باز پیدا کند ما را بگو کسی که آفرید بگو کسی که آفرید

اول مرة فسينغضون اليك رءوسهم ويقولون
اول بار پس خواهند جنبانید بسوی تو سرخود را یعنی ملازم خواهند گفت

متى هو قل عسى ان يكون قريبا ۝ يوم يدعوكم
کی باشد آن بگو شاید که نزدیک باشد روزی که خدا بخواند شما را

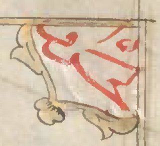
فتستجيبون بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا ۝
پس قبول کنید خواندن وی را حمد گویان و گمان کنید که درنگ کرده بودید مگر اندکی

ربع

ع

وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا الَّتِى هِىَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطٰنَ
دبگو بندگان مرا که بگویند کلمه که آن بهتر است یعنی با کفار هر آینه شیطان
يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ط إِنَّ الشَّيْطٰنَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا
نزغ می افکند میان مردمان هر آینه شیطان هست آدمی را دشمن
مُّبِينًا ۝ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ط إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ
آشکار که پروردگار شما دانا تر است بحال شما اگر خواهد رحم کند بر شما و اگر خواهد
يُعَذِّبْكُمْ ط وَمَا أَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَرَبُّكَ
عقوبت کند شما را و نفرستادیم ترا یا محمد بر ایشان نگاهبان و پروردگار تو
أَعْلَمُ بِمَن فِى السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ط وَلَقَدْ فَضَّلْنَا
دانا تر است در آسمانها و در زمین است و هر آینه فضل دادیم
بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلٰى بَعْضٍ وَّآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ۝
بعض پیغامبران بر بعضی و دادیم داود زبور را
قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ
بگو بخوانید آنانرا که گمان دارید الوهیت در حق ایشان بجز خدا پس نتوانند
كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۝ أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ
دور کردن سختی را از شما و نه تغیر دادن آنانکه ایشانرا
يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلٰى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ
میپرستند کافران یعنی عیسی و عزیر و ملایکه طلب می کنند بسوی پروردگار خویش قرب را
أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ط
نزدیکتر باشد و توقع دارند رحمت او را و میترسند از عذاب او
إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۝ وَإِن مِّن
هر آینه هست عذاب پروردگار تو ترسیده شده و نیست هیچ
قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ أَوْ
دیهی الا ما هلاک کننده وی ایم پیش از روز قیامت یا
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ط كَانَ ذٰلِكَ فِى الْكِتٰبِ
عذاب کننده وی ایم بعقوبت سخت هست این وعده در لوح نوشته شده

که کدام یک ایشان



مسطورا ۝ وما منعنا ان نرسل بالايت الا ان

نوشته شده و باز نداشت از انکه فرستیم نشانها مگر انکه

كذب بها الاولون ۚ واتينا ثمود الناقة مبصرة

دروغ شمرده بودند از پیشینیان و دادیم ثمود را اشتر ماده تا نشانه باشد

فظلموا بها ۚ وما نرسل بالايت الا تخويفا ۝ واذ

پس کافر شدند بوی و نمی فرستیم نشانها را مگر برای ترسانیدن و یاد کن

قلنا لك ان ربك احاط بالناس ۚ وما جعلنا

چون گفتیم ترا که پروردگار تو در گرفته است همه مردمان را و نساختیم

الرءيا التي اريناك الا فتنة للناس والشجرة

خوابیکه نمودیم بتو مگر آزمایشی مردمان را و نساختیم درخت را



الملعونة في القران ۚ ونخوفهم فما يزيدهم الا

که نفرین کرده شده در قران مگر آزمایش و می ترسانیم پس نمی افزاید ترسانیدن

طغيانا كبيرا ۝ واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم

سرکشی بزرگ را و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را سجده کنید بوی آدم

فسجدوا الا ابليس ۚ قال ءاسجد لمن خلقت طينا

پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا سجده کنم کسی را که آفریدی از گل باز

قال ارءيتك هذا الذي كرمت علي ۚ لئن

گفت آیا دیدی این شخص را که فضل داده بر من اگر موقوف گذاری

اخرتن الى يوم القيمة لاحتنكن ذريته الا

مرا تا روز قیامت البته از بیخ برکنم اولاد او را الا

قليلا ۝ قال اذهب فمن تبعك منهم فان جهنم

اندکی خدا فرمود برو انکه پیروی تو کنند از ایشان پس دوزخ

جزاؤكم جزاء موفورا ۝ واستفزز من استطعت

سزای همه شماست سزای همه کامل و از جا بجنبان هر که را توانی از

منهم بصوتك واجلب عليهم بخيلك ورجلك

ایشان باواز خود و آواز بکن برابالاک ایشان سواران خود را

وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ

و بادو کان خود را شریک شوید با ایشان در اموال و اولاد ایشان و وعده ده ایشان را

وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا إِنَّ عِبَادِي

و وعده نمید بد شیطان ایشان را مگر بفریب بر آینه بندگان من نیست

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا

ترا بر ایشان قدرتی و بس است پروردگار تو کارساز

رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا

پروردگار شما است که روان می کند برای شما کشتیها را در دریا طلب کنید

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ

از فضل خدا هر آینه او هست بر شما مهربان و چون رسد بشما سختی

فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ

در دریا گم شود هر که او را میخوانید مگر خدا پس چون خلاص ساخت شما را

إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا أَفَأَمِنْتُمْ

بسوی خشکی روی گردان شدید و هست آدمی ناسپاس آیا ایمن شده اید

أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

از آنکه فرو برد شما را بجانب از خشکی یا بفرستد بر شما بادی

حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ

تندی که سنگ ریزه افکند باز نیابید برای خود هیچ نگاهبانی آیا ایمن شده اید از آنکه

فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ

از آنکه باز دارد شما را بدریا بار دیگر پس بفرستد بر شما از جنس باد تندی را

الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا

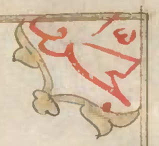
پس غرق کرده اند شما را بسبب آنکه کافر شدید پس باز نیابید برای خود هیچ مواخذه

بِهِ تَبِيعًا وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ

بر ما بسبب آن غرق و هر آینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و بر داشتیم ایشان را در بیابان

وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ

در دریا و روزی دادیم از پاکیزه ها و فضل دادیم ایشان را بسیار



مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ
از انچه آفریدیم فضل دادنی روزی که بخوانیم بر فرقه را

بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ
با پیشوای ایشان پس هر که داده شد نامه اعمال او بدست راستش پس آن جماعه بخوانند

كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝ وَمَنْ كَانَ فِي هَٰذِهِ
نامه خود را و ستم کرده نشوند مقدار یک رشته و هر که باشد در دنیا

أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝
کور دی در آخرت نیز کور است و خطا کننده تر است راه را

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
و هر آینه نزدیک بودند که بفریب باز دارند ترا از آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو

لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَاتَّخَذُوكَ
تا بربندی بر ما غیر آنرا و آنگاه گرفتندی

خَلِيلًا ۝ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ
دوست ترا و اگر نه آن بودی که ثابت داشتیم ترا نزدیک بودی که میل کنی

إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۝ إِذًا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ
بسوی ایشان اندک میلی آنگاه هی چشانیدیم ترا دو چند عذاب زندگانی

وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ۝
و دو چند عذاب مرگ باز نمی یافتی برای خود مدد کننده بر ما

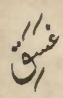
وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ
هر آینه نزدیک بودند که بلغزانند ترا از زمین تا جلا وطن کنند

مِنْهَا وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ سُنَّةَ
ترا از آنجا و آنگاه نپایندی پس از تو مگر اندکی مانند روش

مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ
آنانکه فرستادیم ایشانرا پیش از تو بپیغامبری خویش و نخواهی یافت

لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ۝ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ
روش مارا تبدیلی برپای دار نماز را وقت زوال آفتاب تا هجوم




غسق

غَسَقِ الَّیۡلِ وَقُرۡاٰنَ الۡفَجۡرِؕ اِنَّ قُرۡاٰنَ الۡفَجۡرِ کَانَ
تا بجوم تاریکی شب ولازم گیر قران خواندن فجر را هرآینه خواندن فجر را حاضر
مَشۡهُوۡدًا ۝ وَمِنَ الَّیۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ عَسٰۤی
شوند فرشتگان و بعضی شب بیدار باش بقران شب خیزی زیاده کرده شد
اَنۡ یَّبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحۡمُوۡدًا ۝ وَقُلۡ رَّبِّ
زیاده کرده شد برای تو نزدیک است که ایستاده کند ترا پروردگار تو مقام و بگو ای پروردگار
اَدۡخِلۡنِیۡ مُدۡخَلَ صِدۡقٍ وَّاَخۡرِجۡنِیۡ مُخۡرَجَ صِدۡقٍ
درآر مرا درآوردن پسندیده و برون آر مرا برون آوردن پسندیده
وَّاجۡعَلۡ لِّیۡ مِنۡ لَّدُنۡكَ سُلۡطٰنًا نَّصِیۡرًا ۝ وَقُلۡ
و ساز برای من از نزدیک خود قوتی و یاری دهنده و بگو آمد
جَآءَ الۡحَقُّ وَزَهَقَ الۡبَاطِلُؕ اِنَّ الۡبَاطِلَ كَانَ
آمد دین حق و نابود شد دین شد دین باطل هرآینه باطل هست نابود
زَهُوۡقًا ۝ وَنُنَزِّلُ مِنَ الۡقُرۡاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحۡمَةٌ
شونده و فرود می آریم از قران آنچه وی شفاعت و رحمت است
لِّلۡمُؤۡمِنِیۡنَۙ وَلَا یَزِیۡدُ الظّٰلِمِیۡنَ اِلَّا خَسَارًا ۝ وَاِذَاۤ
مسلمانان را و نمی افزاید در حق ستمگاران مگر زیان را و چون
اَنۡعَمۡنَا عَلَی الۡاِنۡسَانِ اَعۡرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖۚ وَاِذَا
انعام کنیم بر آدمی روگردانید و به بیجانید بازوی خود را و چون
مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ یَـُٔوۡسًا ۝ قُلۡ كُلٌّ یَّعۡمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖؕ
بوی سختی نا امید باشد بگو هر کسی که کار میکند در طریقه خود بس
فَرَبُّكُمۡ اَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ اَهۡدٰی سَبِیۡلًا ۝ وَیَسۡـَٔلُوۡنَكَ
پروردگار شما داناتر است بآنکه وی یابنده تر بود راه را و سوال می کنند ترا
عَنِ الرُّوۡحِؕ قُلِ الرُّوۡحُ مِنۡ اَمۡرِ رَبِّیۡ وَمَاۤ اُوۡتِیۡتُمۡ
از روح بگو روح از فرمان پروردگار من است و شما نداده
مِّنَ الۡعِلۡمِ اِلَّا قَلِیۡلًا ۝ وَلَئِنۡ شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ
از علم مگر اندکی و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده است

بمقامی پسندیده یعنی تمام شفاعت



شده اید



بالذی اوحینا الیک ثم لا تجد لک به علینا

انچه وحی فرستاده ایم بسوی تو باز نیابی بسوی خود دستبت وی بر ما کار

وکیلا الا رحمة من ربک ان فضله کان علیک

کارسازی لیکن باقی گذاشتیم بسبب رحم از جانب پروردگار تو هرآینه فضل وی

کبیرا قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان

بر تو بزرگست بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه

یاتوا بمثل هذا القران لا یاتون بمثله ولو کان

بیارند مانند این قران هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشند

بعضهم لبعض ظهیرا ولقد صرفنا للناس

بعض ایشان بعض را مدد دهنده و هرآینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان

فی هذا القران من کل مثل فابی اکثر

درین قران از هر داستانی پس قبول نکردند بیشتر مردمان پس قبول نکردند بیشتر

الناس الا کفورا وقالوا لن نؤمن لک حتی

مردمان مگر ناسپاسی را و گفتند هرگز باور نداریم ترا تا آنکه جاری سازی

تفجر لنا من الارض ینبوعا او تکون لک جنة

برای از زمین چشمه و یا باشد ترا بوستانی

من نخیل وعنب فتفجر الانهر خللها تفجیرا

از خرما و انگور پس روان کنی جوها دران میان روان کردنی

او تسقط السماء کما زعمت علینا کسفا او تاتی

یا فرود آری آسمان را چنانچه گمان میکنی بر ما پاره پاره تا بیاری

بالله والملئکة قبیلا او یکون لک بیت من

خدا را و فرشتگان را رو برو یا باشد ترا خانه از

زخرف او ترقی فی السماء ولن نؤمن لرقیک

زر یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن ترا

حتی تنزل علینا کتبا نقروه قل سبحان ربی

تا آنکه فرود آری بر ما نوشته بخوانیم آنرا بگو پاکست پروردگار من

هل



ع

هل كنت الا بشرا رسولا ۝ وما منع الناس ان
نیستم من مگر آدمی فرستاده شد و باز نداشت مردمان را از انکه
يؤمنوا اذ جاءهم الهدى الا ان قالوا ابعث الله
ایمان آورند دمی که آمد بدیشان هدایت مگر آنکه گفتند باخدای تعالی
بشرا رسولا ۝ قل لو كان في الارض ملئكة
آدمی را پیغامبر فرستاده است بگو اگر بودی در زمین فرشتگان
يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء ملكا
که میرفتندی آرمیده هرآینه بفرستادیم برایشان از آسمان فرشته
رسولا ۝ قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم
پیغامبر بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما هرآینه
انه كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ومن يهد الله
وی به بندگان خود دانا و بیناست و هر که راه نمودش خدا
فهو المهتد ومن يضلل فلن تجد لهم اولياء
همون است راه یاب و هر که گمراه سازدش نیابی برای ایشان دوستان
من دونه ونحشرهم يوم القيمة على وجوههم
بجز خدا و برانگیزیم ایشان را در روز قیامت روان شده بر روی چهرها
عميا وبكما وصما مأويهم جهنم كلما خبت زدنهم
نابینا و گنگ و کر ساخته جای ایشان دوزخ است هرگاه فرونشیند
سعيرا ۝ ذلك جزاؤهم بانهم كفروا بايتنا و
برایشان آتش را اینست جزای ایشان بسبب آنکه کافر شدند به نشانها و
قالوا ءاذا كنا عظاما ورفاتا ءانا لمبعوثون
گفتند آیا چون شویم استخوانها چند اعضا از هم پاشیده آیا برانگیخته شویم
خلقا جديدا ۝ اولم يروا ان الله الذي خلق
بآفرینش نو آیا ندیده اند که آن خدای که آفرید
السموت والارض قادر على ان يخلق مثلهم
آسمانها و زمین را تواناست که بیافریند مانند ایشان

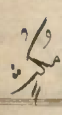
نصف



وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا
و ساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه نیست پس قبول کردند ستمکاران
كُفُورًا ۝ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي
مگر انکار را بگو اگر می بودید شما مالک خزانه های بخشش پروردگار
إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنفَاقِ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ
مرا آنگاه نیز بخیلی میکردید از بترس آنکه همه را خرج کننده است آدمی
قَتُورًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
بخل کننده و براینه دادیم موسی را نه نشانه روشن



فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ
پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت او را فرعون
إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ۝ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ
می پندارم ترا ای فرعون هلاک کرده شده گفت براینه بود دانستن
مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ
که نفرستاده است این نشانها را مگر پروردگار آسمان و زمین دلیلها
وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ۝ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم
می پندارم ترا ای فرعون هلاک کرده شده پس خواست که بجنباند ایشان را
مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا ۝ وَ
از زمین پس غرق ساختیم او را و آنانرا که همراه او بودند همه یکجا
قُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ
و گفتیم پس از وی بنی اسرائیل را ساکن شوید در زمین
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ۝ وَبِالْحَقِّ
پس چون بیاید وعده آخرة بیاریم شما را درهم آمیخته و براستی
أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا
فرو فرستادیم قرآن را و براستی فرود آمده است و نفرستادیم ترا مگر مژده
وَنَذِيرًا ۝ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ
دهنده و ترساننده و قرآنرا بتفریق فرستادیم تا بخوانی آنرا بر مردمان بر





مُكْثٍ وَنَزَّلْنٰهُ تَنْزِيْلًا ۝ قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖٓ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا
بدرنگ و فرو فرستادیم آنرا فرو فرستادنی بگو ایمان آرید بآن یا ایمان نیارید
اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖٓ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ
هر آینه آنانکه داده شدند علم پیش ازین چون خوانده بشود بر ایشان
يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ۝ وَيَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا
می افتند بر روی خود سجده کنان و گویند پاکی پروردگار ما است



اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا ۝ وَيَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ
هر آینه وعده پروردگار ما کردنی و می افتند بر روی خویش
يَبْكُوْنَ وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا ۝ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ
گریه کنان و می افزاید قرآن در ایشان فروتنی را بگو بخوانید خدا را یا
ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى
بخوانید رحمان را هر کدام که بخوانی پس خدا راست نامهای نیکو
وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ
و این همه بلند مخوان نماز خود را و باهمه پست مخوان و بجوی میان این
ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ
و آن راهی و بگو ستایش خدا راست که هیچ فرزند
وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ
فرزند نگرفته است و نیست او را هیچ شریک در پادشاهی و نیست او را
وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْرًا ۝
هیچ کارسازی در ناتوانی و بعظیم او را یادکن تعظیم کردنی

سُوْرَةُ الْكَهْفِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مِائَةٌ عَشَرَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتٰبَ
همه ستایش آن خدا راست که فرو فرستاد بر بنده خود کتاب

وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۞ قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا
و ننهاد مر او را هيچ كژى · راست · تا بترساند از عقوبت سخت

مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ
از نزديك خدا و تا مژده دهد آن مسلمانان را كه مى كنند كارهاى شايسته

أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۞ مَاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ۞ وَيُنْذِرَ
با آنكه ايشان راست مزد نيك · باشندگان در وى · هميشه · و تا بترساند

الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۞ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ
آنان را كه گفتند خدا فرزند · فرزند گرفته است · نيست ايشان را هيچ دانش

وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ
و نه پدران ايشان را بود سخت است اين سخن كه بيرون آيد از دهان ايشان

إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ۞ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ
نمى گويند مگر دروغ · پس مگر تو كشنده خودرا

عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا
بر پى ايشان · اگر ايمان نيارند · باين سخن · از جهت اندوه

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ
هر آينه ما ساختيم هر چيز را كه بر زمين است آرايش آنرا تا امتحان كنيم

أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۞ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا
ايشان را كه كدام كس از ايشان نيكوتر است در عمل · و هر آينه البته معدوم خواهيم ساخت هر چيز

جُرُزًا ۞ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ
ميدان هموار ناده · آيا پنداشتى كه اصحاب · غار · و نوشته يعنى نوشته

كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۞ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ
كه بر ديوار آن غار بود از جمله نشانهاى عجب بودند · چون آرام گرفتند جوانان چند بسوى غار

فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا
و گفتند اى پروردگار ما بده ما را از نزديك خود بخششى و آماده ساز براى ما

مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۞ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ
راه يابى در كار ما · پس پرده گذاشتيم بر گوش ايشان در غار

سخت آينده

كه بر ديت

سنين

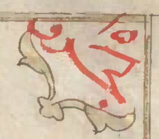
سنين عددا ۝ ثم بعثنهم لنعلم اي الحزبين
سالهای شمرده شده باز بر انگیختیم ایشانرا تا بدانیم کدام یک از دو گروه
احصى لما لبثوا امدا ۝ نحن نقص عليك نباهم
یاد داشته است مقداری را که درنگ کردند از مدت زمان ما میخوانیم بر تو خبر ایشانرا
بالحق انهم فتية امنوا بربهم وزدنهم هدى ۝
براستی هرآینه ایشان جوانان چند بودند که ایمان آوردند به پروردگار خویش
وربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب
و رشته بستیم بر دل ایشان یعنی دل ایشان را استوار ساختیم چون ایستادند پس گفتند
السموت والارض لن ندعوا من دونه الها
آسمانها و زمین است هرآینه نخواهیم پرستید بجز وی معبودی را
لقد قلنا اذا شططا ۝ هؤلاء قومنا اتخذوا من
هرآینه گفته باشیم آنگاه سخن دروغ این قوم ما خدایان گرفتند بجز
دونه الهة لولا ياتون عليهم بسلطن بين
خدا چرا نمی آرند بر ثبوت این خدایان دلیلی این واضح نیست
فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا ۝ واذ اعتزلتموهم
پس ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغ را و چون یکسو شویدای
وما يعبدون الا الله فاوا الى الكهف ينشر لكم
یکسو شدید از آنچه می پرستیدند ایشان بجز خدا پس آرام گیرید بسوی غار تا فراخ کند
ربكم من رحمته ويهيئ لكم من امركم مرفقا ۝
پروردگار شما بخشایش خود را و مهیا سازد برای شما منتفع را در کار شما
وترى الشمس اذا طلعت تزور عن كهفهم
و ببینی ای بیننده مر آفتاب را وقتی که طالع شود میل کند از غار ایشان
ذات اليمين واذا غربت تقرضهم ذات الشمال
بجانب راست و چون غروب شود دستگی در بگذرد از ایشان بجانب چپ
وهم في فجوة منه ذلك من ايت الله من يهد الله
و ایشان در گشادگی اند در غار این از نشانهای خداست هرکه راه نماید خدا

و زیاده دادیم ایشانرا هدایت

ای پروردگار آسمانها پروردگار

یاران ازین کار فرار

برشما





فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا
همون است راه یابنده و هر که گمراه کند نیابی او را هیچ دوست راه نماینده
وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ
و بپنداری ای بیننده ایشان را بیدار و ایشان خفته اند و میگردانیم ایشان را
الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ
جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان گشاده است دو دست خود
بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا
بر عتبه دروازه اگر اطلاع یابی بر ایشان البته رو بگردانی از ایشان بطریق گریختن
وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا
و پر شوی از ایشان بترس و چنانکه خفتن ایشان را نشانه ساختیم بجنبش
بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا
در میان خود گفت گوینده از ایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم
أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا
یا بعضی روز باز گفتند پروردگار شما داناتر است مقدار درنگ کردن
أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا
یکی از میان خود با این نقره خود سوی شهر پس باید که تامل کند کدام
أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ
یک از اطعمه این شهر طعام پاکیزه تر است پس بیارد پیش شما قوتی ازان و باید
وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ
که بنرمی آمد و رفت کند و خبردار نکند بحال شما هیچکس را هر آینه این کافران اگر قدرت یابند
يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا
سنگسار کنند شما را یا درآرند در دین خود و رستگار نخواهید شد آنگاه
أَبَدًا وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ
هرگز و همچنین خبردار گردانیدیم مردمان را بحال ایشان تا بدانند که وعده
اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ
خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شبهه نیست دران وقتی که نزاع می کردند

گریختن

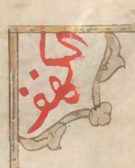
بیدار کردیم ایشان را تا عاقبت با یکدیگر سوال کنند در میان خود

یکروز

بس بتغیر رسید

برشما

بینهم



بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ
در میان خود در مقدمه ایشان پس گفتند عمارت کنید بر غار ایشان خانه پروردگار — ایشان داناتر است

بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم
بحال ایشان پس گفتند آنانکه قدرت یافتند بر مقدمه ایشان البته بسازیم بر غار — ایشان

مَّسْجِدًا سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ
مسجدی جمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس اند و چهارم سگ ایشان — است

يَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَ
و دیگر گویند پنج کس اند ششم ایشان سگ است اندیشه می افگنند غایبانه

يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ
و دیگر گویند هفت کس اند و هشتم ایشان سگ است بگو پروردگار من دانا — تر است

بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ
بشمار ایشان نمیدانند ایشان را مگر اندکی پس گفتگو مکن در مقدمه ایشان

إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا
مگر گفتگوی سرسری و سوال مکن در باب ایشان هیچکس را از ایشان



وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَن
و مگو هیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن فردا مگر مقرون بمشیت خدا یعنی

يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ
انشاء الله تعالی و یاد کن پروردگار خود را وقتی که فراموش کنی و بگو شاید که

أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا
دلالت کند پروردگار من براهی نزدیک که باعتبار راستی از آنچه کافران میگویند

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا
و درنگ کرده بودند در غار خود سیصد سال و افزودند

تِسْعًا قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ
نه سال دیگر بگو خدا داناتر است بمقداری که درنگ کرده اند او راست علم غیب آسمانها

وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ
و زمین چه قدر بیناست و چه قدر شنواست نیست ایشان را بجز وی

من ولي ولا يشرك في حكمه أحدا ۝ واتل ما أوحي
وی هیچ کارسازی و شریک نکرد در حکم خود هیچکس را و بخوان آنچه وحی
إليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته ولن
فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو هیچکس تبدیل کننده نیست حکمهای
تجد من دونه ملتحدا ۝ واصبر نفسك مع
وی را و نیابی بجز وی هیچ پناهی و بند کن خود را با
الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون
آنانکه یاد میکنند پروردگار خود را بصبح و شام می خواهند
وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة
روی او را و باید که درنگذرد چشمهای تو از ایشان طلب کنان آرایش
الحيوة الدنيا ولا تطع من أغفلنا قلبه عن
زندگانی دنیا را و فرمان مبر آنرا که غافل ساختیم دل او را از
ذكرنا واتبع هوىه وكان أمره فرطا ۝ وقل الحق
یاد خویش و پیروی کرده است خواهش خود را و هست کار او از حد گذشته و بگوی
من ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر
از پروردگار شما پس هرکه خواهد ایمان آورد و هرکه خواهد کافر شود
إنا أعتدنا للظلمين نارا أحاط بهم سرادقها
هر آینه ما مهیا کردیم برای ستمکاران آتشی را که درگیرد با ایشان سراپرده های او
وإن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل يشوي
و اگر فریاد کنند برداد ایشان رسیده شود به آبی مانند مس گداخته بریان کند
الوجوه بئس الشراب وساءت مرتفقا ۝ إن
رویهای آن بد آشامیدنیست و دوزخ را بد آرامگاهیست هر آینه
الذين آمنوا وعملوا الصلحت إنا لا نضيع أجر
آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه ما ضایع نکنیم
من أحسن عملا ۝ أولئك لهم جنت عدن تجري
مزد کسی که نیکو کرده است کار را این جماعت ایشان راست بوستانهای همیشه ماندن میرود

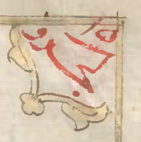
من

ع ثلثه

مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
زیر ایشان نهرهای زیور داده شوند آنجا دستوانها از زر
وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
و پوشند جامهای سبز دیبای نازک
مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ
تکیه کنان آنجا تختها این نیک جزاست و بهشت نیکو
مُرْتَفَقًا ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا
آرامگاهی است و بیان کن برای ایشان داستانی قصه دو شخص دادیم
لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ
یکی را از ایشان دو بوستان از درختان انگور و گرداگرد آن بیدا کردیم
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ۝ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا
در میان این بوستان زراعت هر دو بوستان آورد میوه های خود
وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ۝ وَكَانَ
و هیچ کم نکرد از میوه ها و جاری ساختیم میان آن جوی آب و بود
لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ
او را میوه بسیار پس گفت همنشین خود را و گفتگوی میکرد با آن همنشین من

پنجم

مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ۝ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ
از تو در مال و غالب ترم باعتبار خشم و درآمد بوستان خود ستمکرده
لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَٰذِهِ أَبَدًا ۝ وَمَا
بر خویش گفت نمی پندارم که هلاک شود این بوستان هیچگاه و
أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي
گمان ندارم که قیامت متحقق شود بالفرض اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار
لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۝ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ
خود هر آینه خواهم یافت بازگشتی بهتر ازین بوستان گفت او را همنشین او و دا گفت
هُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ
گفتگوی میکرد با وی آیا کافر شدی بآن خدا که پیدا کرد ترا از خاک



ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰكَ رَجُلًا ۝ لّٰكِنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّي

باز از نطفه باز ترا امر ساخت لیکن من اعتقاد دارم که الله پروردگار

وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدًا ۝ وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ

و شریک مقرر نمیکنم با پروردگار خود هیچکس را و چرا چون در آمدی به بوستان خود

قُلْتَ مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ

گفتی آنچه خدا خواسته است شدنی است نیست هیچ توانائی مگر به خدا اگر می بینی مرا

مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا ۝ فَعَسٰى رَبِّيٓ أَن يُؤْتِيَنِ

کمتر از خود از مال و فرزند پس شاید که پروردگار من بدهد مرا

خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ

بهتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو عذابی از

السَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۝ أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا

آسمان پس گردد زمین بی گیاه لغزاننده یا شود آب او

غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۝ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ

فرو رفته پس نتوانی آن را جستن و بعقوبت احاطه کرده شد میوهای او

يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلٰى مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ

پس بامداد کرد می مالید دو دست خود را بحسرت بر آنچه خرج کرد در عمارت آن و

عَلٰى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يٰلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّيٓ

آن بوستان افتاده بود بر سقفها و خود میگفت ای کاش شریک مقرر نکردمی با پروردگار

أَحَدًا ۝ وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللّٰهِ

خود هیچکس را و نبود او را هیچ جماعتی که یاری دهندش بجز خدا

وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ۝ هُنَالِكَ الْوَلٰيَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ هُوَ

و نبود خود انتقام گیرنده اینجا ثابت شد که کارسازی خدا همیشه باشنده است



خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ۝ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ

وی بهتر است از روی ثواب دادن و وی بهتر است از روی جزا دادن و بیان کن برای ایشان

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ

زندگانی دنیا که وی مانند آبی است که فرو فرستادیم از آسمان در هم پیچید بسبب

به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الريح
بسبب وی رستنی زمین پس شد آخر کار درهم شکسته میراندش بادها
وكان الله على كل شيء مقتدرا المال و
و هست خدا بر همه چیز توانا مال و
البنون زينة الحيوة الدنيا والبقيت الصلحت
فرزندان آرایش زندگانی دنیاست و حسنات پاینده و شایسته
خير عند ربك ثوابا وخير املا ويوم نسير
بهتراند نزدیک خدا از جهة ثواب و خوبتراند از جهة امید داشتن و آنروز که روان کنیم
الجبال وترى الارض بارزة وحشرنهم فلم
کوهها را و ببینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را
نغادر منهم احدا وعرضوا على ربك صفا
پس نگذاریم از ایشان هیچکس را و در برابر آورده شوند پیش پروردگار تو صف کشیده
لقد جئتمونا كما خلقنكم اول مرة بل زعمتم
گویند هرآینه آمدید پیش ما چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار بلکه گمان داشتید
الن نجعل لكم موعدا ووضع الكتب فترى
که نخواهیم ساخت برای شما وعده گاهی و در میان نهاده شود نامه اعمال پس ببینی
المجرمين مشفقين مما فيه ويقولون يويلتنا
گناهکاران را ترسان از آنچه در آن است میگویند ای وای بر ما
مال هذا الكتب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة
چه حال است این نامه را نمیگذارد هیچ معصیت خورد را و نه بزرگ را
الا احصىها ووجدوا ما عملوا حاضرا ولا يظلم
مگر احاطه کرده است آنرا و بیابند هرچه کرده بودند حاضر و ستم نکند
ربك احدا واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم
پروردگار تو بر هیچکس و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را سجده کنید آدم را
فسجدوا الا ابليس كان من الجن ففسق عن
پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از فرمان



أمر ربه أفتتخذونه وذريته أولياء من دوني
فرمان پروردگار خود آیا مردمان آیا دوست میگیرید آنرا و فرزندان او را بجز من
وهم لكم عدو بئس للظالمين بدلا ما أشهدتهم
و ایشان شما را دشمن اند شیطان بد عوض است ستمکاران را حاضر نکرده بودم ایشان را
خلق السموات والأرض ولا خلق أنفسهم وما
نزدیک آفریدن آسمانها و زمین و نه نزدیک آفریدن خودشان و نبودم
كنت متخذ المضلين عضدا ويوم يقول نادوا
مددگار گیرنده گمراهان را و روزی که گوید خدا تعالی ای
شركاءي الذين زعمتم فدعوهم فلم يستجيبوا
مشرکان ندا کنید شریکان مرا که گمان میبردید ندا کنند آنجماعه را و آن جماعه قبول
لهم وجعلنا بينهم موبقا ورأى المجرمون النار
نکنند ایشان را و ساختیم در میان ایشان مهلکه و ببینند گناهکاران آتش را
فظنوا أنهم مواقعوها ولم يجدوا عنها مصرفا
و بفهمند که ایشان افتادگانند در وی و نیابند از آن جای باز گشتن
ولقد صرفنا في هذا القرآن للناس من
و هر آینه گوناگون بیان کردیم درین قرآن برای مردمان هر نوع
كل مثل وكان الإنسان أكثر شيء جدلا و
داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصومت و
ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى و
باز نداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند چون بیامد بایشان هدایت و
يستغفروا ربهم إلا أن تأتيهم سنة الأولين
از آنکه طلب آمرزش از پروردگار خود مگر انتظار آنکه بیاید بایشان روش پیشینیان
أو يأتيهم العذاب قبلا وما نرسل المرسلين
یا بیاید بایشان عقوبت گوناگون شده و نمیفرستیم پیغامبران را
إلا مبشرين ومنذرين ويجادل الذين
مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت میکنند کافران





كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق واتخذوا
کافران را بشبهه و بیهوده تا بلغزانند بسبب آن سخن حق را و تمسخر گرفتند
ايتي وما انذروا هزوا ۝ ومن اظلم ممن ذكر
آیات مرا و چیزی را که بآن ترسانیده شدند و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد
بايت ربه فاعرض عنها ونسي ما قدمت يداه
بآیات پروردگار خویش پس روگردان گشت ازان و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده است

دو دی

انا جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي
هر آیینه ما ساخته ایم بر دل ایشان پرده ها تا نفهمند قرآن را و ساختیم
اذانهم وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن
در گوش ایشان گرانی و بخوانی ایشان را بسوی هدایت راه نیابند پس
يهتدوا اذا ابدا ۝ وربك الغفور ذو الرحمة
راه نیابند آنگاه هرگز و پروردگار تو آمرزنده خداوند رحمت است
لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب بل
اگر مواخذه کردی ایشان را بانچه کردند شتاب فرستادی بدیشان عقوبت لیکن
لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلا ۝ وتلك
ایشان را میعادی هست که نیابند از غیر آن پناهی و این
القرى اهلكنهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم
دیهها را هلاک کردیم چون ستم کردند و معین کردیم برای هلاک ایشان
موعدا ۝ واذ قال موسى لفتىه لا ابرح حتى
میعادی و یاد کن چون گفت موسی نوجوان خود را همیشه بره مردم تا آنکه
ابلغ مجمع البحرين او امضي حقبا ۝ فلما بلغا
برسم بمحل جمع شدن دو دریا یا بروم مدتهای دراز پس چون رسیدند
مجمع بينهما نسيا حوتهما فاتخذ سبيله في البحر
بمحل جمع شدن دو دریا فراموش کردند ماهی خود را پس راه خود گرفت در دریا
سربا ۝ فلما جاوزا قال لفتىه اتنا غداءنا لقد
راه نقبی پس چون گذشتند گفت موسی نوجوان خود را بیار برای ما طعام چاشت

لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ
هر آینه رنج ازین سفر خود یافتیم

أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ
آرام گرفتیم که گرده بسنگی پس این فراموش کردم ماهی را یعنی آنجا و فراموش — نسانت

إِلَّا الشَّيْطٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ
مگر شیطان یاد کنم قصه آن در راه خود گرفت در دریا

عَجَبًا قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا
بهیچ عجب گفت موسی این بود آنچه میجستیم پس بازگشتند بر اثر اقدام خود — تفحص کنان

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا
پس یافتند بنده از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزدیک خود

وَعَلَّمْنٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ
و آموختیم او را از نزد خود علمی گفت او را موسی آیا بروی تو کنم بشرط

عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا قَالَ إِنَّكَ لَن
آنکه بیاموزانی مرا از آنچه آموخته شدی از راه یابی گفت هر آینه تو

تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ
نتوانی با من شکیبائی کردن و چگونه شکیبائی کنی بر چیزی که در

تُحِطْ بِهِ خُبْرًا قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللّٰهُ صَابِرًا
نگرفته آنرا از روی دانش گفت زود باشد یابی مرا اگر خدا خواست شکیبائی

وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي
و خلاف نکنم با تو در هیچ فرمانی گفت اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن

عَن شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا فَانطَلَقَا
از من از هیچ چیز تا آنکه خود آغاز برای تو از حال آن بیانی پس راه رفتندی

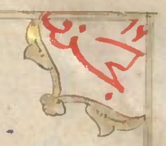
حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
تا وقتیکه سوار شدند در کشتی حفر اشکاف کرد آنرا گفت موسی شکافتی — کشتی را

لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
تا غرق کنی اهل آنرا هر آینه آوردی چیزی عظیم را گفت آیا نگفته بودم که

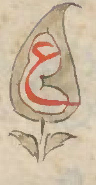
الجزء السادس عشر

لن تستطيع معي صبرا ۝ قال لا تؤاخذني بما
نتوانی کرد با من شکیبایی گفت موسی مواخذه مکن با من بانچه
نسيت ولا ترهقني من امري عسرا ۝ فانطلقا
فراموش میکردم و بر سر من منداز در بقدمه من سختی را پس راه زنند
حتى اذا لقيا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا
تا وقتی که برخوردند با نوجوانی خضر کشت آن را گفت موسی آیا کشتی نفس
زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا ۝ قال الم
پاک را بغیر قصاص نفسی هر آینه آوردی شئ ناپسندیده گفت آیا
اقل لك انك لن تستطيع معي صبرا ۝ قال
نگفته بودم با تو که هر آینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن گفت موسی
ان سالتك عن شيء بعدها فلا تصاحبني
اگر پرسم از تو چیزی بعد از این بار پس صحبت مکن با من
قد بلغت من لدني عذرا ۝ فانطلقا حتى اذا
هر آینه رسیدی از جانب من بحد عذر پس راه رفتند تا وقتی که
اتيا اهل قرية استطعما اهلها فابوا ان
آمدند باهل دهی طعام طلب کردند از اهل آن دیهه پس قبول ننمودند
يضيفوهما فوجدا فيها جدارا يريد ان ينقض
اهل آن دیه که مهمانی کنند ایشانرا پس یافتند در انجا دیواری که میخواست
فاقامه قال لو شئت لتخذت عليه اجرا
پس راست ساخت گفت موسی اگر میخواستی هر آینه میگرفتی بر تعمیر این دیوار مزدی
قال هذا فراق بيني وبينك سانبئك
گفت اینست جدائی در میان من و تو خبر خواهم داد ترا
بتاويل ما لم تستطع عليه صبرا ۝ اما السفينة
بتر انچه نتوانستی بران شکیبایی کردن اما کشتی
فكانت لمساكين يعملون في البحر فاردت ان
پس بود از ان درویشان چند که کار میکردند در دریا پس خواستم که

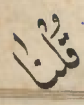
بافتند

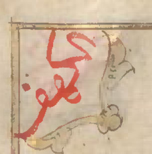


أعيبها وكان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة
معیوب کنم آنرا و بود پس روی ایشان پادشاهی که بگرفت هر کشتی درستی را
غصبا ○ وأما الغلم فكان أبواه مؤمنين فخشينا
بزبردستی و اما آن نوجوان پس بودند پدر و مادر وی مسلمان پس بترسیدیم
أن يرهقهما طغيانا وكفرا ○ فأردنا أن يبدلهما
ازآنکه غالب آید برایشان در سرکشی و کفر پس خواستیم عوض دهد ایشان را
ربهما خيرا منه زكوة وأقرب رحما ○ وأما الجدار
پروردگار ایشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیک تر از جهت شفقت و اما آن دیوار
فكان لغلمين يتيمين في المدينة وكان تحته
پس بود از آن دو نوجوان یتیم در شهر و بود زیر آن
كنز لهما وكان أبوهما صالحا فأراد ربك أن
گنجی از ایشان و بود پدر ایشان نیکوکار پس خواست پروردگار تو که
يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من
این نوجوانان برسند بنهایت قوت خویش و برآرند گنجی خود را از روی مهربانی
ربك وما فعلته عن أمري ذلك تأويل ما لم
پروردگار تو و نکردم آنرا از رای خود اینست سر آنچه
تسطع عليه صبرا ○ ويسئلونك عن ذي القرنين
نتوانستی بر آن شکیبائی و سوال میکنند ترا از ذوالقرنین

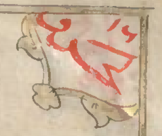


قل سأتلوا عليكم منه ذكرا ○ إنا مكنا له في
بگو خواهم خواند بر شما از حال وی چیزی هر آینه ما دسترس دادیم اورا
الأرض وآتيناه من كل شيء سببا ○ فأتبع
در زمین و دادیم اورا از هر چیزی سامانی پس در پی
سببا ○ حتى إذا بلغ مغرب الشمس وجدها
سامانی تا آنکه رسید بمحل فرو رفتن آفتاب دریافت آنرا
تغرب في عين حمئة ووجد عندها قوما
که فرو میرود در چشمه گل و لای یعنی بحسب نظر مردمان و یافت نزدیک آن

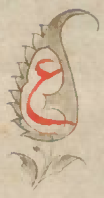




قُلْنَا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّآ أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَنْ تَتَّخِذَ
گفتیم ای ذو القرنین اختیار بدست تست یا اینکه عقوبت کنی یا بگیری در میان
فِيهِمْ حُسْنًا ۝ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ
ایشان معامله نیکو گفت اما کسی که ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد اورا
ثُمَّ يُرَدُّ إِلٰى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ۝ وَأَمَّا مَنْ
باز گردانیده شود بسوی پروردگار خویش پس عذاب خواهم کرد و اما هرکه
اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَآءً الْحُسْنٰى وَسَنَقُولُ
گروید و کار شایسته کرد پس مر او راست پاداش نیکو و خواهیم گفت
لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتّٰى إِذَا بَلَغَ
مر او را سخن آسانی را باز در پی سامانی افتاد تا وقتیکه رسید
مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ
جای بر آمدن آفتاب و یافت آن بر می آید بر گروهی نساختیم
لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ۝ كَذٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا
برای ایشان هیچ پرده چنین بود و در یافته ایم بآنچه
لَدَيْهِ خُبْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتّٰى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ
نزدیک وی است از روی خبرداری باز در پی سامان افتاد تا آنکه رسید میان
السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ
سدین یافت این جانب گروهی نزدیک نبودند که
يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝ قَالُوا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ
بفهمند سخنی را گفتند ای ذو القرنین هر آینه یاجوج
وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ
و ماجوج فساد کنندگانند در زمین پس آیا مقرر کنیم
لَكَ خَرْجًا عَلٰى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝
برای تو باجی بر آنکه کنی میان ما و میان ایشان سدی
قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي
گفت آنچه دسترس داده است در آن پروردگار من بهتر است پس اعانت



بقوة اجعل بينكم وبينهم ردما ءاتوني زبر
بقوت گردانم میان شما و میان ایشان حجابی بیارید بمن پاره
الحديد حتى اذا ساوى بين الصدفين
آهن تا که برابر ساخت مابین دو کوه
قال انفخوا حتى اذا جعله نارا قال ءاتوني افرغ
گفت آتش بدمید تا آنکه آتش ساخت گفت بیارید بمن تا بریزم
عليه قطرا فما اسطاعوا ان يظهروه وما
بران روی گداخته پس نتوانستند که بالا روند بران و
استطاعوا له نقبا قال هذا رحمة من ربي
نتوانستند ورا سوراخ کردن گفت این صفت رحمتست از پروردگار من
فاذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي
پس چون بیاید وعده پروردگار من هموار کند و هست وعده پروردگار من
حقا وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض
راست و بگذاریم بعض ایشان را ازروز درهم آمیزند در بعض
ونفخ في الصور فجمعنهم جمعا وعرضنا جهنم
و دمیده شود در صور پس هم دراریم باهم آوردن و در رو آریم دوزخ
يومئذ للكفرين عرضا الذين كانت اعينهم
ازروز بهر کافران روبرو آوردن آنانکه بود چشم ایشان
في غطاء عن ذكري وكانوا لا يستطيعون
در پرده از یاد من و نبودند توانستند سخن
سمعا افحسب الذين كفروا ان يتخذوا عبادي
شنیدن آیا پنداشتند آنانکه کافر شدند دوست گرفتن بندگان
من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكفرين
بجز من دوستان هر اینه ما آماده ساختیم دوزخ برای کافران
نزلا قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالا
جای فرود آمدن بگو آیا خبر دهیم شمارا بانانکه زیانکارترین اند از روی عمل





کهف

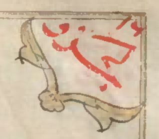
میکنند

قدر ایشان را آنروز

آخر شوند

الذين ضل سعيهم في الحيوة الدنيا وهم يحسبون
آنانند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان نیکو کاری
انهم يحسنون صنعا ۝ اولئك الذين كفروا بايت
ایشان گمان کنند که نیکو کاری میکنند آن گروه آنانند که کافر شدند بآیات
ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقيم لهم يوم
پروردگار خویش و بملاقات او نابود شد عمل ایشان پس برپا نخواهیم ساخت
القيمة وزنا ۝ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا
قیامت بیقدری این جزا ایشانست دوزخ بانچه کافر شدند
واتخذوا ايتي ورسلي هزوا ۝ ان الذين امنوا
و گرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا مسخره هر اینه آنانکه گرویدند
وعملوا الصلحت كانت لهم جنت الفردوس نزلا
و کردند کارهای شایسته باشد ایشان را بوستانها بهشت جای مهمانی
خلدين فيها لا يبغون عنها حولا ۝ قل لو كان
جاویدان اند طلب نکنند از آنجا بازگشتن بگو اگر باشد
البحر مدادا لكلمت ربي لنفد البحر قبل ان تنفد
دریا سیاهی سخنان پروردگار که البته خرج شود دریا پیش از آنکه
كلمت ربي ولو جئنا بمثله مددا ۝ قل انما انا
سخنان پروردگار من اگر چه بیاریم مانند آن مدد بگو جز این نیست من
بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد
آدمیم مانند شما وحی فرستاده میشود که معبود شما معبود یکتاست
فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا
پس هر که توقع دارد ملاقات پروردگار خود بکند کار پسندیده و نیارد
يشرك بعبادة ربه احدا ۝
شریک در عبادت پروردگار خود هیچکس را

سورة المريم رضي الله عنها
مكية وهي تسع وتسعون اية





بسم الله الرحمن الرحيم

بخشاینده مهربان

كهيعص ذكر رحمت ربك عبده زكريا

این است بیان بخشایش پروردگار تو بنده خود زکریا

اذ نادى ربه نداء خفيا قال رب انى وهن

چون پروردگار خود را بدعا پنهان گفت ای پروردگار من هرآینه

العظم منى واشتعل الراس شيبا ولم اكن

سست شده است استخوان از بدن من و نزدیک آتش شعله و نبودم

بدعائك رب شقيا وانى خفت الموالى من

بدعا ای پروردگار من بی بهره و هرآینه من میترسم از اقارب خود از

ورائى وكانت امراتى عاقرا فهب لى من لدنك

بعد از من و هست زن من نازاینده پس عطا کن مرا از نزدیک من

وليا يرثنى ويرث من ال يعقوب واجعله

دارنده که میراث گیرد از من از اولاد یعقوب و بکن او را

رب رضيا يزكريا انا نبشرك بغلم اسمه يحيى

ای پروردگار من پسندیده ای زکریا هرآینه بشارت دهیم ترا بطفلی که نام او یحیی

لم نجعل له من قبل سميا قال رب انى يكون

نکردیم پیش ازین هیچ نامی او را گفت ای پروردگار من چگونه

لى غلم وكانت امراتى عاقرا وقد بلغت من الكبر

باشد برای من طفلی و هست زن من نازا و هرآینه رسیده ام از کلان سالی

عتيا قال كذلك قال ربك هو على هين و

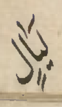
نهایت ضعف گفت همچنین است گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است و

قد خلقتك من قبل ولم تك شيئا قال رب

هرآینه آفریدم ترا پیش ازین و نبودی چیزی گفت ای پروردگار

اجعل لى اية قال ايتك الا تكلم الناس ثلث

تعیین کن برای من نشانی گفت نشان تو است که سخن نتوانی گفت با مردم سه



ليالٍ سويًّا فخرج على قومه من المحراب فأوحى
شب ها روز . پس بیرون آمد بر قوم خود از محراب پس اشارت کرد

إليهم أن سبّحوا بكرةً وعشيًّا يا يحيى خذ الكتب
بسوی ایشان که تسبیح گویند بامداد و شام ای یحیی بگیر کتاب

بقوّةٍ وآتينه الحكم صبيًّا وحنانًا من
باستواری و دادیمش دانا ستی در کودکی و شفقت از

لدنّا وزكوةً وكان تقيًّا وبرًّا بوالديه و
نزد خود طهارت نفس و بود پرهیزکار و نیکوکردار او بپدر و مادر خود

لم يكن جبّارًا عصيًّا وسلم عليه يوم ولد و
و نبود گردن کش گناهکار و سلام باد بر وی روزیکه متولد شد و

يوم يموت ويوم يبعث حيًّا واذكر في الكتب
روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب



مريم إذ انتبذت من أهلها مكانًا شرقيًّا
مریم چون یکسو شد از کسان خود جای برآمدن آفتاب

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إليها
پس گرفت اینجانب از ایشان پرده پس فرستادیم بسوی او

روحنا فتمثّل لها بشرًا سويًّا قالت إنّي أعوذ
روح خود پس صورت گرفت آدمی درست اندام گفت هرآینه من پناه

بالرّحمن منك إن كنت تقيًّا قال إنّما أنا رسول
بخدا از تو اگر باشی پرهیزکار گفت جز این نیست من

فرستاده

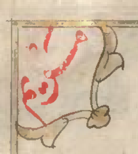
ربّك لأهب لك غلمًا زكيًّا قالت أنّى
پروردگار توام تا عطا کنم ترا طفلی پاکیزه گفت برای من

يكون لي غلم ولم يمسسني بشر ولم أك بغيًّا
پیدا شود طفلی و دست نرسانیده است مرا آدمی و هرگز نبوده ام

قال كذلك قال ربّك هو عليّ هيّن ولنجعله
گفت همچنین است فرمود پروردگار تو که این بر من آسان است و تا کنیم او را

آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ۝
نشانه برای مردمان و بخشایشی از ما و هست این مقدمه مقرر کرده شده
فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۝ فَأَجَاءَهَا
پس بار گرفت پس یکسو شد بآن بجای دور پس آورد ش
الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ
بسوی تنه خرما گفت ای کاشکی مرده بودی
قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ۝ فَنَادَاهَا مِنْ
پیش ازین و شدی فراموش پس آواز داد اورا از
تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۝
پایین که اندوه مخور هر اینه پیدا کرده است پروردگار تو پایین تو جوی
وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا
و بجنبان بسوی خویش بتنه خرما بیفکند بر تو خرما
جَنِيًّا ۝ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ
تازه پس بخور و بیاشام و آسوده چشم شو پس اگر ببینی از
مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ
از آدمیان یکی را پس بگو هر اینه من نذر کرده ام برای خدا
صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ۝ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا
روزه پس سخن نخواهم گفت هیچ آدمی پس داد بیش قوم خود
تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۝ يَا أُخْتَ
برداشته گفتند ای مریم هر اینه آوردی چیزی زشت ای خواهر
هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ
هارون نبود پدر تو مرد زنا کننده و نبود مادر تو
بَغِيًّا ۝ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ
زنا کننده پس اشاره کرد بطفل گفتند چگونه سخن گوییم کسیکه هست
فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۝ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ
در گهواره کودک گفت من بنده خدایم داده است مرا کتاب





وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۝ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَ
و گردانید مرا پیغامبر و ساخت مرا خداوند برکت هرجا که باشم و
أَوْصَانِي بِالصَّلَوٰةِ وَالزَّكَوٰةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۝
فرموده است مرا به نماز و زکوة مادام که زنده باشم
وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۝ وَ
و ساخت مرا نیکوکار با ماد و نکرده است مرا گردنکش بدبخت و
السَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ
سلام بر منست روزی که زادم و روزی که میرم و روزی که بر انگیخته شوم
حَيًّا ۝ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ
زنده اینست قصه عیسی پسر مریم سخن راست که در وی
يَمْتَرُونَ ۝ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَٰنَهُ
اختلاف کننده نیست لایق خدا را که بگیرد هیچ فرزندی پاکی اوراست
إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ
چون سرانجام کند کاری جز این نیست که بگوید شو پس میشود و براینه خدا
رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝
پروردگار من و پروردگار شماست پس عبادت او کنید اینست راه راست
فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ
پس اختلاف کردند جماعتها میان ایشان وای کافران از
كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ أَسْمِعْ بِهِمْ وَ
از حاضر شدن روز بزرگ شنوا باشند و
أَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَٰكِنِ الظَّٰلِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَٰلٍ
بینا روزی که بیایند پیش ما لیکن ستمکاران امروز در گمراهی
مُّبِينٍ ۝ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ
ظاهرند و بترسان ایشان را از روز پشیمانی چون بانجام رسانیده شود
وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ
و ایشان در غفلت و ایشان ایمان نمی آرند هراینه ما وارث شویم



الأرض ومن عليها وإلينا يرجعون ۝ واذكر
زمین وهر که برزمین است وبسوی ما بازگردانیده شوند و یاد کن
في الكتب ابرهيم انه كان صديقا نبيا ۝ اذ
در کتاب ابراهیم را اینه بود راست گردار پیغمبری چون
قال لابيه يابت لم تعبد ما لا يسمع ولا يبصر
گفت مر پدر خود را ای پدر من چرا عبادت کنی آنچه نشنود و نه بیند
ولا يغني عنك شيئا ۝ يابت اني قد جاءني
و دفع نکند از تو چیزی ای پدر من هر آینه آمده پیش من
من العلم ما لم يأتك فاتبعني اهدك صراطا
از علم آنچه نیامده است پس پیروی کن مرا تا دلالت کنم ترا براه راست
سويا ۝ يابت لا تعبد الشيطن ان الشيطن
ای پدر من عبادت مکن شیطان را هر آینه شیطان
كان للرحمن عصيا ۝ يابت اني اخاف ان يمسك
هست خدا را نافرمان ای پدر من میترسم اگر برسد بتو
عذاب من الرحمن فتكون للشيطن وليا ۝ قال
عقوبتی از خدا پس باشی قرین شیطان دوست گفت
اراغب انت عن الهتي يابرهيم لئن لم تنته
روگردانی تو از معبودان من ای ابراهیم اگر باز نایستی
لارجمنك واهجرني مليا ۝ قال سلم عليك
البته سنگسار کنم ترا و دور شو از من زمانی گفت سلام باد بر تو
ساستغفر لك ربي انه كان بي حفيا ۝ واعتزلكم
آمرزش خواهم طلبید برای تو از پروردگار خویش هر آینه وی هست بر من مهربان
وما تدعون من دون الله وادعوا ربي عسى
و از آنچه می پرستید بجز خدا و خوانم پروردگار را
الا اكون بدعاء ربي شقيا ۝ فلما اعتزلهم وما
که نباشم بپرستش پروردگار خود بدبخت پس چون کناره گرفت از ایشان

وکناره گیرم از شما

يعبدون

يعبدون من دون الله وهبنا له اسحق ويعقوب
پرستش کنند بجز خدا وعطا کردیم اورا اسحاق و یعقوب

وكلا جعلنا نبيا ۝ ووهبنا لهم من رحمتنا و
و هر یک را گردانیدیم پیغامبر وعطا کردیم بایشان از رحمت خود و

جعلنا لهم لسان صدق عليا ۝ واذكر في الكتب
گردانیدیم برای ایشان ذکر جمیل بغایت بزرگ و یاد کن در کتاب



موسى انه كان مخلصا وكان رسولا نبيا ۝ ونادينه
موسی را به او هست خالص کرده شده و هست فرستاده پیغامبر و ندا کردیم اورا

من جانب الطور الايمن وقربنه نجيا ۝ ووهبنا
از جانب راست کوه طور و نزدیک ساختیم اورا رازگوی وعطا کردیم

له من رحمتنا اخاه هرون نبيا ۝ واذكر في الكتب
اورا از رحمت خود برادر او هارون پیغمبر و یاد کن در کتاب

اسمعيل انه كان صادق الوعد وكان رسولا
اسمعیل را اینه او بود راست وعده و بود فرستاده

نبيا ۝ وكان يامر اهله بالصلوة والزكوة
پیغامبری و می فرمود اهل خود را بنماز و زکوة

وكان عند ربه مرضيا ۝ واذكر في الكتب
و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب

ادريس انه كان صديقا نبيا ۝ ورفعنه مكانا
ادریس را اینه او بود راست کردار پیغامبر و برداشتیم اورا مکانی

عليا ۝ اولئك الذين انعم الله عليهم من النبين
بلند ایشان آنانند که انعام کرد خدا برایشان از پیغامبران

من ذرية ادم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية
از فرزندان آدم و از نسل آنکه برداشتیم با نوح و از ذریت

ابرهيم واسراءيل وممن هدينا واجتبينا
ابراهیم و یعقوب و از جمله آنکه راه راست نمودیم و برگزیدیم

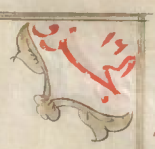




إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا
چون خوانده بشد رایشان آیات خدا افتادند بجده کنان وگریان
فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَ
پس جانشین شد بعد ازان ناخلفی چند ترک کردند نماز را و
اتَّبَعُوا الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا إِلَّا مَنْ
پیروی کردند خواهشها را پس خواهند یافت جزای گمراهی لیکن هرکه
تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ
توبه کرد وگروید وکرد کار شایسته پس این جماعه در آیند
الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا جَنّٰتِ عَدْنِ الَّتِي
بهشت وستم کرده نشوند چیزی بوستانهای همیشه ماندن که
وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ
وعده داده است خدا بندگان خود را نادیده هر آینه هست وعده او
مَاْتِيًّا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلٰمًا وَلَهُمْ
آینده نشنوند آنجا سخن بیهوده لیکن سلام شنوند وایشان
رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا تِلْكَ الْجَنَّةُ
روزی ایشان دران صبح وشام اینست آن بهشت
الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا وَمَا
که عطا کنیم بندگان خود را کم پرهیزکار بود وما
نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِاَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ اَيْدِينَا وَمَا
فرود نمی آییم مگر بحکم پروردگار تو او راست آنچه پیش ماست وآنچه
خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا
عقب ماست وآنچه درمیان است ونیست پروردگار تو فراموشکار
رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ
پروردگار آسمانها وزمین وآنچه درمیان اینهاست پس عبادت وی کن
وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا وَيَقُولُ
وشکیبا باش بر عبادت وی آیا میدانی او را همنامی ومیگوید



الانسان ءاذا ما مت لسوف اخرج حيا ۝ اولا
آدمی آیا چون بمیرم بیرون آورده خواهم زنده شده آیا
يذكر الانسان انا خلقنه من قبل ولم يك
یاد نکند آدمی که ما آفریدیم اورا پیش ازان و نبود هیچ چیزی
شيئا ۝ فوربك لنحشرنهم والشيطين ثم لنحضرنهم
پس قسم پروردگار تو که البته برانگیزیم و دیگران بعث را باز حاضر کنیم ایشان را
حول جهنم جثيا ۝ ثم لننزعن من كل شيعة
حوالی دوزخ بزانو درافتاده باز برکشیم از هر امتی
ايهم اشد على الرحمن عتيا ۝ ثم لنحن اعلم بالذين
کدام ایشان جرات کننده تر است بر خدا باز دانا تریم ما بآنکه
هم اولى بها صليا ۝ وان منكم الا واردها كان
سزاوارند بدرآمدن دوزخ و نیست از شما هیچکس مگر گذارنده بران است
على ربك حتما مقضيا ۝ ثم ننجي الذين اتقوا و
لازم بر پروردگار تو مقرر کرده شده باز برهانیم آنانکه متقی اند و
نذر الظلمين فيها جثيا ۝ واذا تتلى عليهم
بگذاریم ظالمان را اندر آن بزانو زده و چون خوانده شود بر ایشان
ايتنا بينت قال الذين كفروا للذين امنوا
آیات ما واضح گفت گویند کافران مر مسلمانان را
اي الفريقين خير مقاما واحسن نديا ۝
ازین دو گروه بهتر است در مرتبه و نیکوتر از روی مجلس
وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم احسن اثثا
و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقه مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت
ورءيا ۝ قل من كان في الضللة فليمدد له الرحمن
و خانه بگو هر که باشد در گمراهی پس افزون دهد اورا خدا
مدا ۝ حتى اذا راوا ما يوعدون اما العذاب واما
دادنی تا که ببینند آنچه ترسانیده میشود عقوبت را یا



زیاده میدهد خدا

السّاعة فسيعلمون من هو شرّ مكانا واضعف جندا ويزيد الله
اما قیامت پس خواهند دانست کدام یک بدتر است در مرتبه و ناتوان تر است و

الّذين اهتدوا هدى والبقيت الصّلحت
راه یابان بهدایت حسنات پاینده و شایسته

خير عند ربّك ثوابا وخير مردّا افرايت الّذى
بهتر اند نزدیک پروردگار تو از روی جزا بهتر از روی بازگشت آیا دیدی

كفر باياتنا وقال لاوتينّ مالا وولدا اطّلع
آنکه کافر شد بآیات ما و گفت داده شود مال و فرزند آیا مطلع شده است

الغيب ام اتّخذ عند الرّحمن عهدا كلّا سنكتب
بر غیب یا گرفته است نزد خدا عهدی چنان بود خواهیم نوشت

ما يقول ونمدّ له من العذاب مدّا ونرثه
آنچه میگوید و افزون دهیمش از عذاب دادنی و بارستانیم

ما يقول وياتينا فردا واتّخذوا من دون الله
آنچه میگوید و بیاید تنها شده و گرفتند بجز خدا

الهة ليكونوا لهم عزّا كلّا سيكفرون بعبادتهم
خدایان تا باشد برایشان عزت چنان بود منکر خواهند شد پرستش ایشان

ويكونون عليهم ضدّا الم تر انّا ارسلنا الشّيطين
و خواهند شد برایشان ستیزنده آیا ندیدی که ما فرستادیم شیاطین

على الكفرين تؤزّهم ازّا فلا تعجل عليهم انّما نعدّ
بر کافران می جنبانند ایشان را جنبانیدنی پس شتاب مکن بر ایشان جز این نیست

مدت پیشماریم



لهم عدّا يوم نحشر المتّقين الى الرّحمن وفدا
مدتی روزیکه برانگیزیم متقیان را بسوی خدا مهمان آمده

ونسوق المجرمين الى جهنّم وردا لا يملكون
و روان کنیم گناهکاران را بسوی دوزخ تشنه شده نتوانند

الشّفاعة الّا من اتّخذ عند الرّحمن عهدا و
شفاعت کردن کسیکه گرفته است نزد خدا عهدی و



قالوا اتخذ الرحمن ولدا ۝ لقد جئتم شيئا إدا ۝

گفتند گرفته است خدا فرزند هرآینه آوردی چیزی

تكاد السموت يتفطرن منه وتنشق الارض

نزدیکند آسمانها شکافتند ازو و شکافتند زمین

وتخر الجبال هدا ۝ ان دعوا للرحمن ولدا ۝ وما

و یافتند کوهها پاره پاره اثبات کردند خدا را فرزندی و نه

ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا ۝ ان كل من في السموت

سزد خدا را که گیرد فرزند نیست هیچ یک در آسمانها

والارض الا اتي الرحمن عبدا ۝ لقد احصىهم

و زمین مگر آیند پیش خدا بنده شده هرآینه علم در گرفته است

وعدهم عدا ۝ وكلهم اتيه يوم القيمة فردا

و شمار کرده است شمار کردنی و هر یک از ایشان آینده است روز قیامت تنها

ان الذين امنوا وعملوا الصلحت سيجعل لهم

آنانکه ایمان آوردند و کردند کار شایسته بهد خواهد کرد برای ایشان

الرحمن ودا ۝ فانما يسرنه بلسانك لتبشر به

خدا دوستی جز این نیست که آسان ساختیم بزبان تو تا مژده دهی

المتقين وتنذر به قوما لدا ۝ وكم اهلكنا

متقیان را و بترسانی بان گروه ستیزندگان و بسیار هلاک کردیم

قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع

پیش از ایشان طبقات مردم آیا می‌بینی هیچکس را از ایشان یا شنوی

لهم ركزا ۝

مر ایشان را آواز سبکی

سورة طه مكية وهي خمس وثلاثون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

طه ۝ ما انزلنا عليك القران لتشقى ۝ الا تذكرة

فرو فرستادیم بر تو قرآن تا رنج کشی مگر پندی



لمن يخشى ۝ تنزيلا ممن خلق الأرض والسموت
آنکه بترسد فرو فرستاده از آنکه آفرید زمین و آسمان
العلى ۝ الرحمن على العرش استوى ۝ له ما في
بلند خدا بخشاینده است بر عرش قرار گرفته مر او راست آنچه در
السموت وما في الأرض وما بينهما وما تحت
آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک
الثرى ۝ وإن تجهر بالقول فإنه يعلم السر و
خاک و اگر آشکارا کنی سخن را پس وی میداند پوشیده
أخفى ۝ الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى ۝ و
پنهان تر خدا هیچ معبود نیست مگر وی مر او راست نامهای نیکو و
هل أتاك حديث موسى ۝ إذ رأى نارا فقال
آیا آمده است بتو خبر موسی چون دید آتشی پس گفت
لأهله امكثوا إني آنست نارا لعلي آتيكم
مر اهل خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی امید دارم که بیارم
منها بقبس أو أجد على النار هدى ۝ فلما
از آن آتش شعله یا بیابم بر آن آتش راه نماینده پس چون
أتاها نودي يموسى ۝ إني أنا ربك فاخلع نعليك
آمد نزدیک آتش ای موسی هر آینه من پروردگار توام بیرون کن نعلین
إنك بالواد المقدس طوى ۝ وأنا اخترتك
هر آینه تو بیابانی پاکی طوی نام و من برگزیدم ترا
فاستمع لما يوحى ۝ إنني أنا الله لا إله إلا أنا
پس گوش بنه آنچه وحی فرستاده هر آینه من خدایم نیست هیچ معبودی مگر من
فاعبدني وأقم الصلوة لذكري ۝ إن الساعة
پس عبادت کن مرا و برپای دار نماز را برای یاد کردن هر آینه قیامت
آتية أكاد أخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى
آینده است میخواهم که پنهان دارم وقت آنرا تا جزا داده شود هر نفسی آنچه میکند

فلا يصدنك عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه
پس باید که باز ندارند ترا ازان آنکه ایمان ندارد بران و پیروی کرد هوای — خواهش نفس خود را

فتردى وما تلك بيمينك يموسى قال هي عصاى
آنگاه هلاک شوی و چیست این بدست راست ای موسی گفت این عصای — منست

اتوكؤا عليها واهش بها على غنمى ولى فيها مارب
تکیه میکنم بران و برگ میریزم بان بر گوسفندان خود و مرا درین عصا — کارهای

اخرى قال القها يموسى فالقها فاذا هى
دیگر گفت بیفکن ای موسی پس افکندش پس ماری شد

حية تسعى قال خذها ولا تخف سنعيدها
ماری دوان گفت بگیر این را و مترس باز خواهیم گردانید

سيرتها الاولى واضمم يدك الى جناحك
بشکل نخستین و بهم آر دست خود را بسوی بغل

تخرج بيضاء من غير سوء اية اخرى لنريك
تا بیرون آید سفید شده از غیر عیبی نشانه دیگر آمده تخواهیم که نمائیم

من اياتنا الكبرى اذهب الى فرعون انه
بعض نشانهای بزرگ برو بسوی فرعون هر اینه وی

طغى قال رب اشرح لى صدرى ويسر لى
از حد گذشته است گفت ای پروردگار من گشاده کن سینه من و آسان کن مرا

امرى واحلل عقدة من لسانى يفقهوا
کار من و بگشا گره از زبان من

قولى واجعل لى وزيرا من اهلى هرون
و مقرر کن برای من وزیری از کسان من هرون

اخى اشدد به ازرى واشركه فى امرى
برادر مرا محکم کن بسبب وی توانائی و شریک کن او را در کار من

كى نسبحك كثيرا ونذكرك كثيرا انك كنت
تا تسبیح تو گوییم بسیاری و یاد تو کنیم بسیاری هر اینه تو هستی

بِنَا بَصِيرًا ۝ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ ۝ وَلَقَدْ
بأحوال ما بينا گفت هر آینه داده شدی درخواست خودت ای موسی و در آینه

مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ۝ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ
نعمت فراوان دادیم بر تو یکبار دیگر چون الهام فرستادیم بسوی مادر تو

مَا يُوحَىٰ ۝ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ
آنچه الهام کردنی بود بفکن در صندوق در صندوق پس بفکن صندوق

فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي
در دریا پس افکند اورا دریا بکناره تا بگیرد دشمن من

وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي ۝ وَلِتُصْنَعَ
و دشمن وی و افکندم بر روی تو قبول از جانب خویش و خواستم که

عَلَىٰ عَيْنِي ۝ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ
پرورده شوی بحضور من چون میرفت خواهر تو پس میگفت آیا دلالت کنم

عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ
بر کسی که نگاهبانی او کند پس باز آوردیم بسوی مادر تا خنک شود

عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۝ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ
چشم او و اندوهگین نباشد و بکشتی شخصی را پس رها بندیم ترا از

الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۝ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ
اندوه و آزمودن پس درنگ کردی سالهای چند در اهل

مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَٰمُوسَىٰ ۝ وَاصْطَنَعْتُكَ
مدین باز آمدی بر تقدیر الهی ای موسی و ساخته ام ترا

لِنَفْسِي ۝ اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا
برای خویش برو تو و برادر تو با نشانهای من و سستی مکنید

فِي ذِكْرِي ۝ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۝ فَقُولَا
در یاد کردن من بروید بسوی فرعون هر آینه وی از حد گذشته است — پس بگوئید

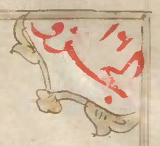
لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۝ قَالَا رَبَّنَا
اورا سخن نرم بود که پند پذیرد یا بترسد گفتند ای پروردگار ما

إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَىٰ قَالَ لَا
هرآینه ما میترسیم اگر تعدی کند بر ما یا از حد گذرد گفت
تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا
مترسید هرآینه من با شما میشنوم و می‌بینم پس بروید پیش وی پس بگوئید
رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
فرستادهای پروردگار تو پس فرست با ما بنی اسرائیل و
لَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ
عذاب مکن ایشانرا هرآینه آوردیم پیش تو از پروردگار تو و سلامتی
عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ
بر کسی که پیروی راه هدایت کند هرآینه وحی فرستاده شد بسوی ما
الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا
که عذاب بر آنکه دروغ شمرد و روگردانید گفت پس کیست
يَا مُوسَىٰ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
ای موسی گفت ای پروردگار ما آنست که داد هرچیزی صورت
ثُمَّ هَدَىٰ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ قَالَ
پس راه نمود گفت پس چیست حال قرنهای نخستین گفت
عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا
علم آن نزدیک پروردگار منست در کتاب غلط نکند پروردگار من و نه
يَنسَى الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ
فراموش سازد آنکه ساخت برای شما زمین را فرشی و روان کرد
لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا
برای شما دران راهها و فرود فرستاد از آسمان آبی پس بر آوردیم
بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ
بان انواع مختلف از نبات پراگنده بخورید و بچرانید چهارپایان
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ
هرآینه درین نشانهاست خداوندان خرد ازان آفریدیم

هرآینه من

پروردگار شما





وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً اُخْرَى وَلَقَدْ
و دران باز داریم بشما و ازان بیرون اریم بار دیگر و هر اینه
اَرَيْنَهُ اٰيٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاَبَى قَالَ اَجِئْتَنَا
نمودیم اورا نشانهای خود تمام پس دروغ شمرد و قبول نکرد گفت آیا آمدی با
لِتُخْرِجَنَا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يٰمُوسَى فَلَنَاْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ
تا بیرون کنی مارا از زمین ما بجادوی تو ای موسی پس هر اینه بیاریم پیش تو جادوی
مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ
مانند آن پس معین کن میان ما و میان خود وعده که خلاف نکنیم آنرا
نَحْنُ وَلَا اَنْتَ مَكَانًا سُوًى قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ
ما و نه تو از جای میانه شهر گفت وعده گاه شما روز
الزِّينَةِ وَاَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ
آرایش و آنکه جمع کرده شوند مردمان چاشتگاه پس بازگشت فرعون
فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ اَتَى قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا
پس جمع کرد مکر خود پس بیامد گفت مر اورا موسی وای بر شما افترا مکنید
عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ
بر خدا دروغی را آنگاه هلاک سازد بعذاب و هر اینه بمطلب نرسید
مَنِ افْتَرَى فَتَنَازَعُوا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَاَسَرُّوا
هرکه افترا کرد پس گفتگو کردند مشورت خود میان ایشان و پنهان
النَّجْوَى قَالُوا اِنْ هٰذٰنِ لَسٰحِرٰنِ يُرِيدٰنِ اَنْ
رازرا گفتند هر اینه این دو شخص جادو انند میخواهند که
يُخْرِجٰكُمْ مِنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ
بیرون کشند از زمین شما بسحر خود و دور کنند دین شما
الْمُثْلَى فَاَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ اَفْلَحَ
بسته شمارا پس بهم آرید مکر خود پس بیایید صف کشیده و هر اینه
الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى قَالُوا يٰمُوسَى اِمَّا اَنْ تُلْقِيَ
امروز هرکه غالب آید گفتند ای موسی یا اینست که تو افکنی

رستگار شد

د/

طه

وإما أن نكون أول من ألقى ۝ قال بل ألقوا فإذا
و یا باشیم اول کسی که افکند گفت شما افکنید پس ناگهان
حبالهم وعصيهم يخيل إليه من سحرهم أنها تسعى ۝
رسنهای ایشان و عصاهای ایشان نموده میشد موسی را از جادوی ایشان که میدود
فأوجس في نفسه خيفة موسى ۝ قلنا لا تخف
پس یافت در نفس او ترسی موسی را گفتیم مترس
إنك أنت الأعلى ۝ وألق ما في يمينك تلقف ما
هرآینه تویی غالب و بیفکن آنچه در دست راست تست تا فرو برد
صنعوا إنما صنعوا كيد سحر ولا يفلح السحر حيث
آنچه ساخته اند ساخته اند مکر جادوان و رستگار نمیشود جادوگر هر جا
أتى ۝ فألقي السحرة سجدا قالوا آمنا برب هرون
پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند گرویدیم پروردگار هارون
وموسى ۝ قال آمنتم له قبل أن آذن لكم
و موسی گفت گرویدید او را پیش از آنکه دستوری دهم شما را
إنه لكبيركم الذي علمكم السحر فلأقطعن
هرآینه وی بزرگوار شماست آنکه آموخته است جادو هرآینه ببرم
أيديكم وأرجلكم من خلاف ولأصلبنكم
دستهای شما و پایهای شما بخلاف یکدیگر و بردار کشم شما را
في جذوع النخل ولتعلمن أينا أشد عذابا
در تنه‌های خرما و البته خواهند دانست که کدام یک از ما عذاب
وأبقى ۝ قالوا لن نؤثرك على ما جاءنا من البينت
و پاینده تر است گفتند نمیگزینیم ترا بر آنچه آمده است از دلایل واضح
والذي فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضي
و آنکه آفرید مرا پس حکم کن هرچه حکم کننده جز این نیست که
هذه الحيوة الدنيا ۝ إنا آمنا بربنا ليغفر لنا
این زندگانی دنیا هرآینه ایمان آوردیم بپروردگار خویش

حکم کنی

تا بیامرزد مارا

ثلثه
ع

خطينا وما اكرهتنا عليه من السحر والله خير و
گناهان مارا و انچه جبر کردی برا و از جادو و خدا و
ابقى انه من يات ربه مجرما فان له جهنم
پاینده تر است هرآینه او تو به کند پروردگار خویش گناهکار شده پس هرآینه او را دوزخ
لا يموت فيها ولا يحيى ومن ياته مؤمنا قد عمل
نمیرد انجا و نه زنده بماند و اگر بیاید پیش او گرویده هرآینه کند
الصلحت فاولئك لهم الدرجت العلى جنت
کار شایسته پس آن جماعه مر ایشان راست مرتبه های بلند . بوستانها
عدن تجري من تحتها الانهر خلدين فيها وذلك
همیشه باشد میرود از زیر آن جویها همیشه در آن و هست
جزؤا من تزكى ولقد اوحينا الى موسى ان اسر بعبادي
پاداش هرکه پاک شده است و هرآینه وحی فرستادیم موسی که ببر بندگان
فاضرب لهم طريقا في البحر يبسا لا تخف دركا ولا تخشى
پس بگردان مر ایشان را راهی در دریا خشک مترس و رسیدنی و دوسو ترسی
فاتبعهم فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم
پس پیروی ایشان فرعون با لشکر خود پس پوشانید ایشان را از دریا انچه پوشانید
واضل فرعون قومه وما هدى يبنى اسراءيل
و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود ای بنی اسرائیل
قد انجينكم من عدوكم وواعدنكم جانب الطور
هرآینه نجات دادیم از دشمنان شما و وعده دادیم ایشان را جانب طور
الايمن ونزلنا عليكم المن والسلوى كلوا من
راست و فرو فرستادیم بر شما من و سلوی . بخورید از
طيبت ما رزقنكم ولا تطغوا فيه فيحل عليكم
پاکیزه انچه روزی دادیم شمارا و از حد مگذرید در آن انگاه ثابت شود
غضبي ومن يحلل عليه غضبي فقد هوى
خشم من و هرکه ثابت شود براو خشم من البته هلاک شد

من بندگان

بر شما

وانی

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

و هر آینه من آمرزنده ام هر که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کارهای شایسته پس

اهْتَدَىٰ ۝ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ۝ قَالَ

راه یافت و چه چیز بشتاب آورد ترا از گروه خود ای موسی گفت

هُمْ أُولَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ۝

ایشان اند بر پی من و شتافتم بسوی تو ای پروردگار من تا خشنود شوی

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ

گفت هر آینه ما در بلا افکندیم قوم ترا پس تو و گمراه ساخت ایشان را

السَّامِرِيُّ ۝ فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ۝

سامری پس بازگشت موسی بسوی قوم خود خشم گرفته اندوهگین

قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ

گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک آیا دراز شد

عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ

بر شما عهد یا خواستید که واجب شود بر شما خشم

مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ۝ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا

از پروردگار شما پس خلاف کردید وعده گفتند خلاف نکردیم

مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ

وعده ترا باختیار خویش و لیکن برداشتیم بار از پیرایه

الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ۝ فَأَخْرَجَ

قوم پس افکندیم از دراتش و همچنین افکند سامری پس بیرون آورد

لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَٰذَا إِلَٰهُكُمْ

برای ایشان گوساله را کالبد که آواز گاو بود پس گفتند این است پروردگار شما

وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ۝ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ

و پروردگار موسی پس فراموش کرد آیا نمیدیدند که باز نمیگرداند بسوی ایشان

قَوْلًا ۝ وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۝ وَلَقَدْ

سخنی و نمیتوانند برای ایشان هیچ زیانی و نه سودی و هر آینه

ع

قَالَ لَهُمْ هٰرُونُ مِن قَبْلُ يٰقَوْمِ اِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَاِنَّ
گفت بود ایشانرا هارون پیش ازین ای قوم من جز این نیست که بتلا شدند
رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَاَطِيعُوا اَمْرِي قَالُوا لَن
وهر آینه پروردگار شما خداست پس پیروی من کنید و اطاعت کنید حکم من گفتند
نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عٰكِفِينَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوسٰى قَالَ
همیشه مجاور خواهیم بود بر این گوساله تا که باز آید بما موسی گفت
يٰهٰرُونُ مَا مَنَعَكَ اِذْ رَاَيْتَهُمْ ضَلُّوا اَلَّا تَتَّبِعَنِ
ای هارون چه چیز باز داشت ترا چون دیدی که گمراه شدند از آنکه پیروی من
اَفَعَصَيْتَ اَمْرِي قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَاْخُذْ بِلِحْيَتِي
آیا خلاف کردی گفت ای پسر مادر من مگیر ریش مرا
وَلَا بِرَاْسِي اِنِّي خَشِيتُ اَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ
و نه موی سر مرا هر آینه من ترسیده ام که گویی جدایی افگندی میان
بَنِي اِسْرَاۤءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي فَمَا خَطْبُكَ
فرزندان یعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا پس چیست حال تو
يٰسَامِرِيُّ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ
ای سامری گفت بینا شدم بآنچه سایر مردمان دانا نشده اند پس
قَبْضَةً مِّنْ اَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلَتْ
گرفتم مشتی خاک از نقش پای فرستاده پس افگندم آنرا و همچنین بیاراست
لِي نَفْسِي قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ اَن
پیش من نفس من گفت پس برو هر آینه ترا در زندگانی هر آینه
تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَاِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ
که گویی دست رسانیدن هیچ نیست هر آینه ترا وعده دیگر است که خلاف
وَانظُرْ اِلٰى اِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا
و ببین بسوی معبود خود که مجاور شده بودی برا او
لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا اِنَّمَا اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ
البته بسوزانیم پس پراگنده سازیم در دریا پراگنده ساختن جز این نیست که معبود

الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما کذلک
آنکه نیست هیچ معبودی مگر او فرا رسیده است بهر چیز دانش همچنین

نقص علیک من انباء ما قد سبق وقد اتینک
قصه میخوانیم بر تو از اخبار آنچه از پیش گذشت و هر آینه دادیم ترا

من لدنا ذکرا من اعرض عنه فانه یحمل یوم
از نزدیک خویش پندی هرکه رو بگرداند از و پس وی در آورد روز

القیمة وزرا خلدین فیه وساء لهم یوم
قیامت بار گرانی را جاویدان در آن و بد باریست ایشان را روز

القیمة حملا یوم ینفخ فی الصور ونحشر المجرمین
قیامت روزی که دمیده شود در صور و در انگیزیم گنهکاران

یومئذ زرقا یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عشرا
آن روز کبود چشمان حرف زنند میان خویش که درنگ نکرده اید ده

شبانه روز

نحن اعلم بما یقولون اذ یقول امثلهم طریقة
دانا تریم بآنچه میگویند چون بگوید بهترین ایشان راه روش



ان لبثتم الا یوما ویسئلونک عن الجبال فقل
درنگ نکرده اید مگر یک روز و میپرسند ترا از کوهها پس بگو

ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا
پراکنده کند آنرا پروردگار من پراکنده پس بگذارد زمین بیابانی هموار

لا تری فیها عوجا ولا امتا یومئذ یتبعون
نبینی در آنجا هیچ کجی و نه هیچ بلندی آن روز از پی آواز کنند

الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن
هیچ کجی نباشد او را و پست شوند آوازها برای خدا

فلا تسمع الا همسا یومئذ لا تنفع الشفاعة
پس نشنوی مگر آواز نرم آن روز نفع ندهد شفاعت

الا من اذن له الرحمن ورضی له قولا یعلم
مگر کسی که دستوری داد خدا و پسندیده کرده است او را از روی گفتار میداند



ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما
آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست و در نگیرند خدا را از روی علم
وعنت الوجوه للحي القيوم ط وقد خاب من حمل
و فرو تن گشتند رویها برای زنده و پاینده و هر اینه بمقصد نرسید هر که بر داشت
ظلما ۝ ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا
از روی ظلم و هر که بکند از کارهای شایسته و او مومن باشد پس
يخاف ظلما ولا هضما ۝ وكذلك أنزلناه قرآنا
نترسد از ستمی و نه از نقصان و همچنین فرو فرستادیم قرآنی
عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون
عربی و گوناگون بیان کردیم در ان از ترسانیدن تا بود که پرهیزکار شوند
أو يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك الحق ولا
یا پیدا کند برای ایشان پندی پس بلند قدرست خدا پادشاه ثابت و
تعجل بالقرآن من قبل أن يقضى إليك وحيه
شتابی مکن بخواندن قران پیش از انکه انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او
وقل رب زدني علما ۝ ولقد عهدنا إلى آدم
و بگو ای پروردگار من بیفزای مرا دانش و هر اینه حکم فرستادیم بسوی آدم
من قبل فنسي ولم نجد له عزما ۝ وإذ قلنا
پیش ازین پس فراموش کرد و نیافتیم او را قصد محکم و چون گفتیم
للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى
فرشتگان را سجده کنید بسوی آدم پس سجده کردند مگر شیطان قبول نکرد
فقلنا يا آدم إن هذا عدو لك ولزوجك فلا
پس گفتیم ای آدم هر اینه این دشمنست ترا و زن ترا پس باید که
يخرجنكما من الجنة فتشقى ۝ إن لك ألا تجوع فيها
بیرون نکند شما را از بهشت که انگاه رنج کشی هر اینه ترا است اینکه گرسنه نشوی
ولا تعرى ۝ وأنك لا تظمأ فيها ولا تضحى
و برهنه نباشی و انکه تشنه نشوی در ان و گرمی افتاب نیابی

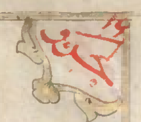


در ان

فوسوس



فوسوس اليه الشيطن قال يادم هل ادلك على
پس وسوسه انداخت بسوی او شیطان گفت ای ادم ایا دلالت کنم تو بر
شجرة الخلد وملك لا يبلى فاكلا منها فبدت
درخت جاویدان و بر پادشاهی که کهنه نگردد پس خوردند ازان پس ظاهر ایشان
لهما سواتهما وطفقا يخصفن عليهما من ورق
شرمگاه ایشان و ایستادند بچسپانیدند بر ایشان از برگ درخت
الجنة وعصى ادم ربه فغوى ثم اجتبه
بهشت و نافرمانی کرد ادم پروردگار خود را پس گم کرد راه پس برگزید
ربه فتاب عليه وهدى قال اهبطا منها
پروردگار تو پس برحمت بر او بازگشت و راه نمود گفت فرود آیید شما ازان
جميعا بعضكم لبعض عدو فاما ياتينكم
همه دو بعض اولاد شما بعض دیگر را دشمن پس اگر بیاید بشما
مني هدى فمن اتبع هداى فلا يضل ولا
از جانب من هدایتی پس هر که پیروی می کند پس گمراه نشود و نه
يشقى ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة
رنج کشد و هر که روگردان شود از یاد کردن من پس او را بود زندگانی تنگ
ضنكا ونحشره يوم القيمة اعمى قال رب لم
تنگ و برانگیزیم او را روز قیامت نابینا گفت ای پروردگار من
حشرتني اعمى وقد كنت بصيرا قال كذلك
چرا نابینا برانگیختی و هر اینه بیش ازین بینا بود گفت همچنین
اتتك اياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تنسى
امد نشانهای تو پس تغافل کردی ازان و همچنین امروز تغافل کرده شود
وكذلك نجزي من اسرف ولم يؤمن بايت
و همچنین سزا میدهیم ازا که از حد گذشت و نگروید بایات من
ربه ولعذاب الاخرة اشد وابقى افلم يهد
پروردگار خویش و هر اینه عذاب اخرت سخت تر و پاینده تر آیا راه نمود





لهم كم اهلكنا قبلهم من القرون يمشون في
مر ایشانرا که بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم میروند در
مسكنهم إن في ذلك لايت لاولي النهى ولولا
منازل آن هلاک شدگان هر اینه درین نشانهاست خداوندان خرد واگر نبودی
كلمة سبقت من ربك لكان لزاما واجل مسمى
سخنی که سابقا صادر شد از پروردگار تو [illegible] و وقتی معین
فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل
پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح گوی بحمد پروردگار تو پیش
طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناءى
از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آن و بعض ساعتهای
اليل فسبح واطراف النهار لعلك ترضى و
شب پس تسبیح گوی و طرفهای روز که خشنود شوی و
لا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم
مکش ای دو چشم خود بسوی آنچه بهره مند ساختیم بان [illegible]
زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم فيه ورزق ربك
زندگانی دنیا تا بیازمائیم ایشانرا دران روزی خدا
خير وابقى وامر اهلك بالصلوة واصطبر
بهتر است و پاینده تر و بفرما کسان خود را بنماز و شکیبائی کن
عليها لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة
بران نمیطلبیم از تو روزی دادن ما روزی دهیم و عاقبت
للتقوى وقالوا لولا ياتينا باية من ربه او
اهل تقوی و گفتند کافران چرا نمی آرد بما نشانه از پروردگار آیا
لم تاتهم بينة ما في الصحف الاولى ولو انا
نیامده است نشانه آنچه در کتابهای پیش است واگر ما
اهلكنهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا
هلاک کردیم ایشانرا بعقوبتی پیش از آن گفتندی ای پروردگار چرا

ارسلت

أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ

فرستادی بسوی ما پیغامبری پس پیروی آیات تو پیش از آنکه

أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ ۝ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا

خوار و رسوا میشویم بگو هر یک منتظر است پس منتظر باشید

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ

خواهند دانست که کیانند اهل بهشت راه راست را و که

سورة الانبيا ۝ اهْتَدَىٰ ۝ مكية هي اثنا عشر آية

راه یافت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

نزدیک شد مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت اندر و گرداننده

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ

و نمی آید بایشان هیچ پندی از جانب پروردگار ایشان نو پدید آورده مگر بشنوند

وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى

و ایشان بازی کنان غافل شده دلهای ایشان و پنهان راز کنند

الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ

این ظالمان که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا اقبال میکنید

السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ۝ قُلْ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي

بسحر و شما می بینند بگو سعا پروردگار من میداند سخنی را که در

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ بَلْ قَالُوا

آسمان و زمین و او شنوا و دانا بلکه گفتند

أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ

خوابهای پریشان است بلکه می بافد بلکه او شاعر است

فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ۝ مَا آمَنَتْ

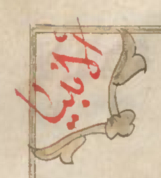
پس باید که بیارد پیش ما نشانه چنانکه فرستاده شدند پیشینیان ایمان

الجزو السابع عشر ۱۷

نیاورده بود

قبلهم من قرية اهلكنها افهم يؤمنون وما
پیش از ایشان از دهی که هلاک کردیم از ایا ایشان ایمان ارند و نه
ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا
فرستادیم پیش از تو مگر مردانرا که وحی میفرستادیم بایشان پس بپرسید
اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون وما جعلنهم
از اهل کتاب اگر شما نمیدانید و نساختیم ایشانرا
جسدا لا ياكلون الطعام وما كانوا خلدين
کالبدی که نخورند طعام و نبودند جاوید باشندگان
ثم صدقنهم الوعد فانجينهم ومن نشاء
پس راست کردیم با ایشان وعده را پس برهانیدیم ایشانرا و هر که خواستیم
واهلكنا المسرفين لقد انزلنا اليكم كتبا
و هلاک کردیم از حد گذرندگانرا هر اینه فرستادیم بسوی شما کتابی
فيه ذكركم افلا تعقلون وكم قصمنا من
در وی است ذکر شما ایا نمی فهمید و بسیار شکستیم از
قرية كانت ظالمة وانشانا بعدها قوما
دهی که ستمکار بود و نو پیدا کردیم بعد ان گروه
اخرين فلما احسوا باسنا اذا هم منها يركضون
دیگر را پس چون دیدند عذاب مارا ناگهان ایشان از ان میدوند
لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه ومسكنكم
مگریزید و باز روید بسوی انچه اسودگی داده شد در ان شمارا
لعلكم تسئلون قالوا يويلنا انا كنا ظلمين
تا بود که پرسیده شوید گفتند ای وای بر ما هر اینه بودیم ستمکار
فما زالت تلك دعوىهم حتى جعلنهم حصيدا
پس جاوید بود این گفتار ایشان تا که گردانیدیم ایشانرا مثل زراعت
خمدين وما خلقنا السماء والارض وما
درووده و بیافریدیم اسمان و زمین را و انچه

ع



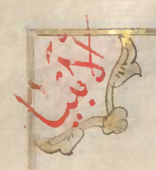
بينهما لعبين ۝ لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذنه
میان انهاست بازی کنان اگر میخواستیم که بسازیم بازی گرفتیم
من لدنا ان كنا فعلين ۝ بل نقذف بالحق على
از نزدیک خویش اگر کننده میبودیم بلکه می افکنیم حق را بر
الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ط ولكم الويل
باطل پس سرش بشکند پس باطل نابود شود وای شمار است
مما تصفون ۝ وله من في السموت والارض ط و
از آنچه بیان میکنید و مر اوراست آنکه در آسمانها و زمین است و
من عنده لا يستكبرون عن عبادته ولا
آنانکه نزدیک اویند گردنکشی نمیکنند از عبادت او و
يستحسرون ۝ يسبحون اليل والنهار لا يفترون
مانده نمیشوند تسبیح میگویند شب و روز و سستی نمینمایند
ام اتخذوا الهة من الارض هم ينشرون
آیا گرفتند خدایان از زمین ایشان پراکنده شده
لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا فسبحن الله
اگر بود در آسمان و زمین خدایان چند غیر خدا هر دو تباه گشتندی پاکست خدا
رب العرش عما يصفون ۝ لا يسئل عما يفعل وهم
خداوند عرش از آنچه صفت میکنند پرسیده نمیشود خدا از آنچه میکند
وایشان
يسئلون ۝ ام اتخذوا من دونه الهة ط قل هاتوا
پرسیده شوند یا گرفته اند بجز خدا خدای دیگر بگو دلیل خود را
برهانكم هذا ذكر من معي وذكر من قبلي ط
هست کتابی از آنکه با من بودند و ذکر پیش از من
بل اكثرهم لا يعلمون الحق فهم معرضون
بلکه اکثر ایشان نمیدانند حق را پس ایشان روگردانند
وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي
و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغامبری مگر وحی



إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون وقالوا اتخذ
بسوی او که نیست معبودی جز من پس پرستش من کنید و گفتند گرفت
الرحمن ولدا سبحنه بل عباد مكرمون لا
خدا فرزند پاکست او بلکه بندگان گرامی اند
يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون يعلم ما
پیش دستی نمیکنند بسخن و ایشان بفرمان وی کار میکنند میداند خدا
بين أيديهم وما خلفهم ولا يشفعون إلا لمن
آنچه پیش روی ایشانست آنچه پس پشت ایشانست شفاعت نمیکنند مگر برای
کیسکه
ارتضى وهم من خشيته مشفقون ومن يقل
خدا خشنود شده است و ایشان از ترس مضطرب اند و هر که بگوید
منهم إني إله من دونه فذلك نجزيه جهنم
از ایشان که من خدایم بجز خدا پس سزا دهیم او را دوزخ
كذلك نجزي الظلمين أولم ير الذين كفروا أن
همچنین سزا میدهیم ستمکاران را آیا ندیدند کافران که
السموت والأرض كانتا رتقا ففتقنهما وجعلنا
آسمان و زمین بودند بسته وا کردیم آنها و کردانیدیم
من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون وجعلنا
از آب هر چیزی زنده آیا نگروید و پیدا کردیم
في الأرض روسي أن تميد بهم وجعلنا فيها
در زمین کوهها تا بجنباند ایشان را و ساختیم در آن
فجاجا سبلا لعلهم يهتدون وجعلنا السماء
گشاده راهها بود که ایشان راه یابند و ساختیم آسمان
سقفا محفوظا وهم عن ءايتها معرضون وهو
سقفی نگاه داشته شده و ایشان از نشانهای ما رو گردانند و او است
الذي خلق اليل والنهار والشمس والقمر
آنکه آفرید شب و روز و آفتاب و ماه

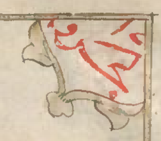


كلا



كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ
هریکی در ستارها شنا میکنند و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو
الْخُلْدَ ط أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ۝ كُلُّ نَفْسٍ
جاوید بودن آیا اگر بمیری پس ایشان همیشه باشندگانند هر شخصی
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ط وَنَبْلُوكُمْ م بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ط وَ
چشنده مرگست و مبتلا میکنیم شما را بسختی و آسودگی بامتحان و
إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ
بسوی ما بازگردانیده شوید و چون ببینند ترا کافران که
يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ط أَهَٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ
نمیگیرند ترا مگر به مسخره آیا این شخص یاد میکند
آلِهَتَكُمْ ج وَهُمْ م بِذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ خُلِقَ
معبودان شما را و ایشان بیاد خدا منکر اند آفریده شد
الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ط سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ۝
آدمی از شتابی خواهیم نمود شما را نشانها پس شتاب
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
و میگویند کی بود این وعده اگر راستگو هستید
لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ
اگر بدانند کافران آن وقت که باز نتوانند داشت از
وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ
روی خویش آتش را و نه از پشت ایشان و نه ایشان
يُنْصَرُونَ ۝ بَلْ تَأْتِيهِمْ م بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
نصرت داده شوند بلکه بیاید بایشان ناگهان پس حیران گرداند پس نتوانند
رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ
دفع کردن آن و نه ایشان مهلت داده شوند و هر آینه مسخره کرده باشند
بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ
به پیغامبران پیش از تو پس در گرفت بآنانکه مسخره کردند از ایشان

طلب مکنید





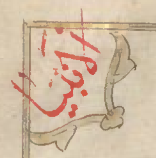
ما كانوا به يستهزءون قل من يكلؤكم بالليل
آنچه بآن استهزا کردند بگو که نگاهبانی میکند شمارا بشب
والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون
و روز از خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش رو گردانند
ام لهم الهة تمنعهم من دوننا لا يستطيعون
آیا ایشان را معبودانند نگاه دارند غیر ما نتوانند
نصر انفسهم ولا هم منا يصحبون بل متعنا
نصرت دادن خویش و نه ایشان از ما محفوظ مانند بلکه بهره مند ساختیم
هؤلاء واباءهم حتى طال عليهم العمر افلا
ایشانرا و پدران ایشانرا تا آنکه دراز شد بر ایشان مدت آیا
يرون انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها
نمی بینند در که میکنیم زمین کم میکنیم ازرا از جوانب آن
افهم الغلبون قل انما انذركم بالوحي و
آیا ایشان غلبه کننده اند بگو جز این نیست که میترسانم بوحی
لا يسمع الصم الدعاء اذا ما ينذرون و
و نمیشنوند کران آواز خواندن چون ترسانیده میشوند و
لئن مستهم نفحة من عذاب ربك ليقولن
اگر برسد بایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو البته گویند
يويلنا انا كنا ظلمين ونضع الموازين القسط
ای وای ما را هرآینه بودیم ستمکار و در میآریم ترازوی عدل را
ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا وان كان
روز قیامت پس ستم کرده نشود بر هیچ کس چیزی و اگر باشد عمل
مثقال حبة من خردل اتينا بها وكفى
همسنگ دانه سپندان حاضر کنیم آنرا و
بنا حسبين ولقد اتينا موسى وهرون
ما حساب کننده ایم و هرآینه دادیم موسی و هارون

ربع

الفرقان وضياء وذكرا للمتقين ۝ الذين يخشون
فیصل کننده و روشنی و پندی پرهیزکاران را آنانکه میترسند
ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون ۝
از پروردگار خویش غایبانه و ایشان از قیامت ترسنده گانند
وهذا ذكر مبارك انزلنه افانتم له منكرون ۝
و این قران پندی است بابرکت فرستادیم اورا آیا شما بان منکرید
ولقد اتينا ابرهيم رشده من قبل وكنا به
و هر اینه دادیم ابراهیم را راه یابی پیش ازین و بودیم بان
علمين ۝ اذ قال لابيه وقومه ما هذه التمثيل
دانا چون گفت پدر خود را و قوم خود را چیست این صورتها
التي انتم لها عكفون ۝ قالوا وجدنا اباءنا لها
که شما بران مجاورت دارید گفتند یافتیم پدران خود را
عبدين ۝ قال لقد كنتم انتم واباؤكم في
پرستنده گفت هر اینه بودید شما و پدران خود شما در
ضلل مبين ۝ قالوا اجئتنا بالحق ام انت من
گمراهی ظاهر گفتند آیا آوردی بما سخن راست یا تو از
اللعبين ۝ قال بل ربكم رب السموت والارض
بازی کنندگانی گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمان و زمین
الذي فطرهن وانا على ذلكم من الشهدين ۝
آنکه آفرید ایشانرا و من برین سخن از گواهانم
وتالله لاكيدن اصنامكم بعد ان تولوا
و بخدا که بد سگالی کنم بتان شمارا بعد از انکه روی بگردانید
مدبرين ۝ فجعلهم جذذا الا كبيرا لهم لعلهم
پشت داده پس ساخت ایشانرا ریزه ریزه مگر بت بزرگ ایشانرا تا بود
اليه يرجعون ۝ قالوا من فعل هذا بالهتنا
بسوی او باز گردند گفتند که کرده است این کار بخدایان

إِنَّهُ لَمِنَ الظَّٰلِمِينَ ۝ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ
براینه او ار ستمکاران است گفتند شنودیم جوانی که ذکر بتان بکرد گفته بشود
لَهُ إِبْرَٰهِيمُ ۝ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ النَّاسِ
مر او را ابراهیم گفتند بیارید او را بحضور چشم مردمان
لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ۝ قَالُوٓا ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا
تا بود که ایشان گواهی دهند گفتند آیا تو کردی این
بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ۝ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا
بخدایان ما ای ابراهیم گفت بلکه کرده است بزرگ ایشان این
فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ۝ فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ
پس سوال کنید از بتان اگر سخن میگویند پس رجوع کردند بخویشتن
فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّٰلِمُونَ ۝ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ
پس گفتند بایکدیگر شمایید ستمکار پس نگونسار شدند بر سر خویش
لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ۝ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ
هرآینه تو میدانی که این سخن میگویند گفت آیا عبادت میکنید
مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ
بجز خدا هیچ نفع نمیرساند بشما و زیان نکند شمارا
أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۚ أَفَلَا
ناخوشیست بشما و آنچه میپرستید بجز خدا آیا نمی
تَعْقِلُونَ ۝ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ
فهمید گفتند بسوزانید او را و نصرت دهید خدایان خود را
إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ۝ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا
اگر کننده اید گفتیم ای آتش سرد شو و سلامت باش
عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ۝ وَأَرَادُوا بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ
بر ابراهیم و خواستند فریب کردن پس ساختیم ایشان را
الْأَخْسَرِينَ ۝ وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِى
زیانکار و برهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوی زمین که

برکا

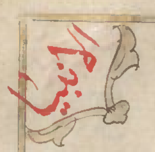


بركنا فيها للعلمين ۝ ووهبنا له اسحق ويعقوب
برکت نهادیم دران عالمها را وعطا کردیم اورا اسحاق ویعقوب
نافلة وكلا جعلنا صلحين ۝ وجعلنهم
که نبیره ابراهیم بود وهر یکی ساختیم نیکوکار وکردانیدیم ایشان را
ائمة يهدون بامرنا واوحينا اليهم فعل
پیشوا راه مینمود بفرمان ما ووحی فرستادیم بسوی ایشان کردن
الخيرت واقام الصلوة وايتاء الزكوة وكانوا
نیکوئیها وبرپا داشتن نماز ودادن زکوة را وبودند
لنا عبدين ۝ ولوطا اتينه حكما وعلما ونجينه
مارا عبادت کننده ولوط را دادیم حکمت وعلم وبرهانیدیم
من القرية التي كانت تعمل الخبئث انهم كانوا
از دیه که میکردند کارهای بد هرآینه ایشان بودند
قوم سوء فسقين ۝ وادخلنه في رحمتنا انه
قوم بد گناهکار ودرآوردیم اورا در رحمت خویش هرآینه وی
من الصلحين ۝ ونوحا اذ نادى من قبل
از شایستکاران ونوح چون ندا کرد پیش ازین



فاستجبنا له فنجينه واهله من الكرب العظيم
پس قبول کردیم دعای اورا پس رهانیدیم اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ
ونصرنه من القوم الذين كذبوا بايتنا
ونصرت دادیم اورا از قوم که دروغ شمردند آیات مارا
انهم كانوا قوم سوء فاغرقنهم اجمعين ۝ وداود
هرآینه ایشان بودند گروه بد پس غرق کردیم ایشان را همه وداود
وسليمن اذ يحكمن في الحرث اذ نفشت
وسلیمان چون حکم کردند در زراعت چون بوقت شب
فيه غنم القوم وكنا لحكمهم شهدين ۝ ففهمنها
چرا کردند گوسفندان گروه وبودیم بر حکم ایشان حاضر پس فهمانیدیم

سليمن وكلا اتينا حكما وعلما وسخرنا مع
سلیمان و هر یکی را دادیم حکمت و دانایی و رام گردانیدیم با
داود الجبال يسبحن والطير وكنا فعلين
داود کوهها تسبیح میکردند و مرغان و بودیم کننده
وعلمنه صنعة لبوس لكم لتحصنكم من باسكم
و اموختیم اورا صنعت لباس برای شما تا محفوظ کند از حرب کارزار
فهل انتم شكرون ولسليمن الريح عاصفة
پس ایا هستید شکر کننده و برای سلیمان بادرا تند
تجري بامره الى الارض التي بركنا فيها وكنا
میرود بفرمان او بسوی زمین که برکت دادیم دران و بودیم
بكل شيء علمين ومن الشيطين من يغوصون
بهر چیز دانا و از دیوان جماعه که غواصی میکردند
له ويعملون عملا دون ذلك وكنا لهم حفظين
مراورا و میکردند کاری بغیر ان و بودیم ایشانرا نگاهدارنده
وايوب اذ نادى ربه اني مسني الضر
و ایوب چون ندا کرد پروردگار خودرا اینکه رسیده است مرا رنج
وانت ارحم الرحمين فاستجبنا له فكشفنا ما به
و تو مهربانترین مهربانانی پس قبول کردیم مراورا پس دور ساختیم انچه
من ضر واتينه اهله ومثلهم معهم رحمة
از رنج دفع کردیم اورا و فرزندان او مانند ایشان همراه ایشان مهربانی
من عندنا وذكرى للعبدين واسمعيل و
از نزدیک خود و پندی عبادت کنندگانرا و اسماعیل و
ادريس وذا الكفل كل من الصبرين و
ادریس و ذو الکفل همه بودند از صابران و
ادخلنهم في رحمتنا انهم من الصلحين وذا
درآوردیم ایشانرا در رحمت خود که ایشان بودند از صالحان و



النّونِ اِذ ذّهبَ مغاضِباً فظنّ اَن لَن نّقدِرَ
ذالنون را چون رفت خشم خورده پس گمان کرد که تنگ نگیریم

علیهِ فنادی فی الظّلمٰتِ اَن لاۤ اِلٰهَ اِلّاۤ اَنتَ
براو پس ندا کرد در تاریکیها که ہیچ معبود نیست مگر تو

سبحٰنکَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّٰلِمِین فاستجبنا لَهٗ وَ
پاکی تو هر آینه من از ستمکارانم پس قبول کردیم او را و

نجّینٰهُ مِنَ الغمِّ ط وکذٰلِکَ نُنجی المؤمنین وزکریّا
رہانیدیم او را از اندوه او و ہمچنین نجات میدہیم مومنان را و زکریا

اِذ نادٰی ربّهٗ ربِّ لا تذرنی فردًا وّاَنتَ خیرُ
چون ندا کرد پروردگار خود را ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین

الوٰرِثِین ع فاستجبنا لَهٗ وَوَهبنا لَهٗ یحیٰی واَصلحنا
وارثانی پس قبول کردیم مر او را و داد بمش پسرے یحیے و نیکو ساختیم

لَهٗ زوجَهٗ ط اِنّهُم کانوا یُسٰرِعُونَ فی الخیرٰتِ وَ
برای او زن او را هر آینه ایشان بودند شتاب میکردند در نیکیها و

یدعوننا رغبًا وّرهبًا ط وکانوا لنا خٰشِعین
میخواندند ما را بتوقع و خوف و بودند برای ما نیاز مند

والّتیۤ اَحصنت فرجها فنفخنا فیها مِن رّوحِنا
و آنکه نگاهداشت شرمگاه خود را پس دمیدیم دران از روح خود

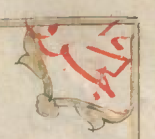
وجعلنٰها وابنها اٰیةً للعٰلمین اِنّ هٰذهٖ اُمّتُکُم
و ساختیم وی را و پسر او را نشانه برای عالمها هر آینه اینست ملة شما

اُمّةً وّاحِدةً ز وّاَنا ربُّکُم فاعبُدُونِ وتقطّعوۤا
ملة یکتا و من پروردگار شمام پس عبادت من کنید و متفرق شد

اَمرهُم بینهم ط کُلٌّ اِلینا رٰجِعُونَ فمن یّعمل مِنَ
کار خود بمیان خود هر یک بسوی ما رجوع کننده پس هر که بکند از

الصّٰلِحٰتِ وهو مؤمِنٌ فلا کُفرانَ لِسعیهٖ وَ
کار شایسته و او مومنست پس ناقبول نشود سعی او را و





إِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ۝ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ
هر آینه برای او نویسندگانیم و محال است بر دهی که هلاک گردانیدیم آنکه

لَا يَرْجِعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ
باز نگردند تا که چون گشاده بشود یاجوج و ماجوج و ایشان

مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ۝ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ
از هر بلندی شتاب کنند و نزدیک برسد وعده راست

فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا
پس ناگهان بالا دوخته شود چشم کافران ای وای بر ما

قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّكُمْ
هر آینه بودیم در غفلت ازین حال بلکه بودیم ستمکار هر آینه شما

وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ
و آنچه میپرستند بجز خدا آتش انگیز دوزخ

أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ۝ لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا
شما بر وی حاضر شوید اگر می بودند اینها خدایان نیامدندی بدوزخ

وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا
و همه دران همیشه باشند ایشان را آنجا ناله باشد و ایشان آنجا

لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا
نمیشنوند هر آینه آنکه سابق مقرر شد برای ایشان از ما

الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ
نیکویی آن جماعه از دوزخ دور کرده شوند نشنوند

حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ
آواز آن و ایشان در آنچه خواهد نفس ایشان جاویدان

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
اندوهگین نسازد ترس بزرگ و پیش آیند ایشان را فرشتگان

هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَطْوِي
این است آن روز که شما را وعده داده شد روزیکه بپیچیم

السماء

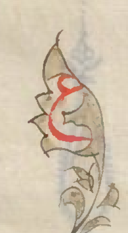




السماء كطي السجل للكتب كما بدأنا أول خلق
آسمان مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن نامه‌ها چنانکه آفریدیم اول آفرینش
نعيده وعدا علينا إنا كنا فاعلين ولقد
دیگر بار وعده لازم بر ما هر آینه ما کننده‌ایم و هر آینه
كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض
نوشتیم در زبور بعد از توریت آنکه زمین
يرثها عبادي الصالحون إن في هذا لبلاغا
وارث شوند بندگان شایسته هر آینه در این کفایتست
لقوم عابدين وما أرسلناك إلا رحمة للعالمين
گروه عابدان را و نفرستادیم ترا مگر رحمت عالمیان را
قل إنما يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فهل
بگو جز این نیست وحی فرستاده میشود که معبود شما خدای یکتاست
أنتم مسلمون فإن تولوا فقل آذنتكم على
پس آیا گردن نهاده هستید پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردار ساختم شما را
سواء وإن أدري أقريب أم بعيد ما توعدون
بر وجهیکه همه برابر باشید و نمیدانم که نزدیکست یا دور است آنچه وعده میشود داده
إنه يعلم الجهر من القول ويعلم ما تكتمون
هر آینه میداند آشکارا از سخن و میداند آنچه می‌پوشید
وإن أدري لعله فتنة لكم ومتاع إلى
و نمیدانم شاید که مبتلا شود شما را و بهره مندی تا
حين قل رب احكم بالحق وربنا الرحمن
وقتی بگو پروردگارا حکم کن به راستی و پروردگار ما بخشاینده
المستعان على ما تصفون
از وی مدد طلبیده شود بر آنچه صفت میکنید

سورة الحج ثمان وسبعون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة

ای مردمان بترسید از خدای خویش هر آینه زلزله قیامت

شيء عظيم يوم ترونها تذهل كل مرضعة

چیز بزرگست روزیکه ببینید آنرا غافل شود هر شیردهنده

عما ارضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى

طفلی که شیر میدهد و بنهد هر زن باردار بار خود و ببینی

الناس سكارى وما هم بسكارى ولكن عذاب

مردمانرا مست شده و نیستند مست و لیکن عذاب

الله شديد ومن الناس من يجادل في الله

خدا سخت است و از مردمان آنکه کشتی کند در شان خدا

بغير علم ويتبع كل شيطان مريد كتب عليه

بغیر دانش و پیروی مینماید هر شیطان متمرد را نوشته شده است

انه من تولاه فانه يضله ويهديه الى عذاب

آنکه هرکه دوستداری وی کند پس وی گمراه کندش و راهنمایدش بسوی

السعير يا ايها الناس ان كنتم في ريب من

آتش ای گروه مردمان اگر شما در شک اید از

البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة

رستخیز پس ما آفریدیم شمارا از خاک باز از نطفه

ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة وغير مخلقة

باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت

لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل

داده تا بیان سازیم برای شما و قرار میدهیم در رحمها آنکه خواهیم تا مدت

مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم و

معین باز بیرون آریم شمارا کودکی باز تربیت میکنیم تا نهایت قوت

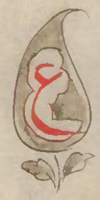
منكم من يتوفى ومنكم من يرد الى ارذل العمر

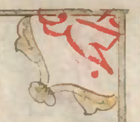
از شما آنکه بمیرد و از شماست که گردانیده شود بسوی بدترین عمر

لكيلا



لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً
بعد از آنکه بیمد دانست چیزی را و بینی زمین را خشک شده
فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ
پس چون فرستادیم بران آب جنبش کند و برویاند
مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ
از هر قسم رونق دار این بسبب است که اوست معبود حق
وَأَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ
و او زنده میکند مردگان را و او بر همه چیز توانا و آنکه
السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ
قیامت آمدنیست نیست هیچ شکی دران و آنکه خدا برانگیزد هرکه
فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ
در گورند و از مردمان کسیکه گفتگو کند در شان خدا
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ثَانِيَ
بغیر دانش و بی هدایت و بغیر کتاب روشن پیچیده
عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
گردن خود را تا گمراه کند از راه خدا مر او راست در دنیا رسوائی
وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ذَٰلِكَ
و بچشانیم روز قیامت عذاب سوختن این است
بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ
بسبب آنچه فرستاده دو دست تو و آنکه نیست خدا ستم کننده بر بندگان
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ
و از مردمان کسیست که عبادت کند خدا بر کناره پس اگر
أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ
برسد او را نیکوئی آرام گیرد بان و اگر برسد او را بلائی
انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
برگردد بر روی خود زیان کار شد در دنیا و آخرت

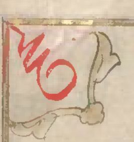




ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ ○ يَدْعُوا مِنْ دُوْنِ
اینست زیان ظاهر بخوانند بجز
اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ط ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ
خدا چیزی را که زیان نرساند و سود ندهد اینست گمراهی
الْبَعِيْدُ ○ يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهٗ اَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهٖ ط
دور بخوانند که زیان او نزدیکتر است از سود او
لَبِئْسَ الْمَوْلٰى وَلَبِئْسَ الْعَشِيْرُ ○ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ
هر اینه بد خداوندیست و بد یاریست هر اینه خدا درارد



الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ
انانکه ایمان اوردند و کردند کارهای شایسته بوستانها
مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ط اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ○ مَنْ
از زیر ان جویها هر اینه خدا میکند انچه بخواهد هر که
كَانَ يَظُنُّ اَنْ لَّنْ يَّنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
بود اندیشه باشد که نصرت نخواهد داد در دنیا و اخرت
فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ اِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ
پس باید که بیاویزد رسنی بجانب بالا بار پس درنگرد
هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهٗ مَا يَغِيْظُ ○ وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ
ایا دور میکند این تدبیر چیزی را که بخشم آرد و این فرستادیم
اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ لا وَّاَنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يُّرِيْدُ ○ اِنَّ
ایات روشن و خدا راه نماید هر کرا خواهد هر اینه
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِئِيْنَ وَ
انانکه گرویدند و انانکه یهودی شدند و ستاره پرستان و
النَّصٰرٰى وَالْمَجُوْسَ وَالَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا م اِنَّ اللّٰهَ
ترسایان و گبران و انانکه شرک اوردند هر اینه خدا
يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ط اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
فیصل خواهد کرد میان ایشان روز قیامت هر اینه خدا بر هر چیز



شهيد ۝ الم تر ان الله يسجد له من في السموت و
مطيع است آيا نديدي كه خدا را سجده ميكنند آنكه در آسمانهاست و
من في الارض والشمس والقمر والنجوم والجبال
آنكه در زمين است و آفتاب و ماه و ستاره و كوهها
والشجر والدواب وكثير من الناس ط وكثير
و درخت و چارپايان و بسياري از مردمان هستند بسيار
حق عليه العذاب ط ومن يهن الله فما له من
ثابت شده است بر او عذاب و هر كه خوار كند خدا پس نيست او را
مكرم ط ان الله يفعل ما يشاء ۝ هذان خصمن
گرامي دارنده هر آينه خدا ميكند آنچه ميخواهد اين دو فريق دشمنان



اختصموا في ربهم ز فالذين كفروا قطعت لهم
جنگ كردند در پروردگار خود پس آنانكه كافر شدند قطع كرده
شد براي ايشان
ثياب من نار ط يصب من فوق رءوسهم الحميم ۝
جامهاي از آتش ريخته شود از بالاي سرايشان آب گرم
يصهر به ما في بطونهم والجلود ط ولهم مقامع
گداخته شود بآن هرچه در شكم ايشان است و پوست و براي ايشان
من حديد ۝ كلما ارادوا ان يخرجوا منها
گرزها از آهن هرگاه خواهند بر آيند از دوزخ
من غم اعيدوا فيها وذوقوا عذاب الحريق ۝
از اندوه باز گردانيده شوند دران و بچشيد عذاب سوختن



ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصلحت
هر آينه خدا در مي آرد آنانكه ايمان آوردند و كردند كار شايسته
جنت تجري من تحتها الانهر يحلون فيها من
بهشتها ميرود در زير آن جويها پوشانيده شوند آنجا از
اساور من ذهب ولؤلؤا ط ولباسهم فيها
دستوانها از زر و مرواريد و لباس ايشان در آن



حَرِيرٌ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا
ابریشمی و راه نموده شد ایشان را بپاکیزه از سخن و راه نموده شد
إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ
براه ستوده هرآینه آنانکه کافر شدند و باز میدارند
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ
از راه خدا و مسجد حرام آنکه پیدا کرده ایم
لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ
برای مردمان یکسان المتوکل دران و صحرا نشین و هر که خواهد
فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ وَإِذْ
بستمکاری بچشانیم او را از عذاب سخت و چون



بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ
معین ساختیم مر ابراهیم را موضع خانه کعبه که شریک مقرر مکن
بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ
با من چیزی و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان
وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ
در رکوع سجده و آواز ده درمیان مردمان بحج تا بیایند پیش تو
رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ
پیاده و سواره و بر هر شتر لاغر بیایند از هر راه
عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ
دور حاضر شوند فایده ها برای خویش و یاد کنند نام
اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ
خدا در روزهای دانسته شده آنچه روزی داده است از چهار
الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ
پایان پس بخورید از آن و بخورانید درمانده درویش
ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا
باز باید که دور کنند چرک تن خود را و وفا کنند نذرهای خود را و طواف کنند

بالبيت

بالبيت العتيق ۝ ذلك ومن يعظم حرمت الله فهو
بخانه قدیم اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعایر خدا را پس این
خير له عند ربه ط وأحلت لكم الأنعام إلا
بهتر است او را نزد پروردگار او وحلال کرده شد برای شما مواشی
ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثان
خوانده شود بر شما پس احتراز کنید از پلیدی از سخن دروغ
واجتنبوا قول الزور ۝ حنفاء لله غير مشركين
واحتراز کنید از سخن ناراست باسکه خدا غیر شریک مقرر
به ط ومن يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه
باخدا وهرکه شریک مقرر کند باخدا پس گویا که فرود افتاد از اسمان پس بردند اورا
الطير أو تهوي به الريح في مكان سحيق ۝
مرغان یا فرود افکند اورا باد در مکان دور
ذلك ومن يعظم شعائر الله فإنها من تقوى
اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعایر خدا پس او از تقوی
القلوب ۝ لكم فيها منافع إلى أجل مسمى لا ثم
دل است شمارا در ان فایده هست تا میعاد معین باز
محلها إلى البيت العتيق ۝ ولكل أمة جعلنا
جای او بخانه قدیم است وهر امتی ساختیم
منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم من
طریق قربانی تا یاد کنند نام خدا بر انچه داده است ایشانرا
بهيمة الأنعام ط فإلهكم إله واحد فله أسلموا
از چهارپایان پس خدای شما خدای یکتاست پس او را
میعاد شوید
وبشر المخبتين ۝ الذين إذا ذكر الله وجلت
وبشارت ده بنیایش کنندگان انکه چون یاد کرده شود خدا بترسد
قلوبهم والصابرين على ما أصابهم والمقيمي
دل ایشان وصبر کنندگان بر انچه برسد ایشانرا وبرپا دارندگان

الصلوة ومما رزقنهم ينفقون ○ والبدن
نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان خرج کنند و شتران قربانی
جعلنها لكم من شعائر الله لكم فيها خير فاذكروا
ساخته ایم برای ایشان از شعایر خدا شما را در آن نیکی است پس یاد کنید
اسم الله عليها صواف فاذا وجبت جنوبها
نام خدا بران چهارپای ایستاده پس چون بزمین افتند پهلوی آنها
فكلوا منها واطعموا القانع والمعتر كذلك
پس بخورید از آن و بخورانید درویش بی سوال را همچنین
سخرنها لكم لعلكم تشكرون ○ لن ينال الله
رام کردیم شما را شاید که شکر کنید نمی رسد بخدا
لحومها ولا دماؤها ولكن يناله التقوى
گوشت قربانیها و نه خون آنها و لیکن می رسد بر پرهیزگاری
منكم كذلك سخرها لكم لتكبروا الله على ما
از شما همچنین رام کردیم شما را تا بزرگی یاد کنید خدا را برآنچه
هدىكم وبشر المحسنين ○ ان الله يدفع
راه نمود شما را و بشارت داد نیکوکاران را هرآینه خدا دفع میکند
عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان
بر آنانکه گرویدند هرآینه خدا دوست ندارد هر خیانت کننده
كفور ○ اذن للذين يقتلون بانهم ظلموا وان
ناسپاس مر آنانکه کارزار کنند بانکه مظلوم شدند و هرآینه
الله على نصرهم لقدير ○ الذين اخرجوا من
خدا بر نصرت دادن ایشان هرآینه توانا آنانکه بدر کرده شدند از
ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و
خانهای ایشان بناحق مگر آنکه گفتند پروردگار ما خداست و
لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت
اگر نبودی خدا مردمان بعض را بدست بعضی ویران کرده شد

ثلثه

ع

صوامع وبيع وصلوت ومسجد يذكر فيها اسم

عبادتخانه‌های نصاری وعبادتخانه‌های مسلمانان یاد کرده میشود دران نام

الله كثيرا ولينصرن الله من ينصره ان الله

خدا بسیار والبته نصرت خواهد داد کسی را فقصد نصرت وی کند هرآینه خدا

لقوي عزيز الذين ان مكنهم في الارض اقاموا

توانا غالبست آنانکه دسترس دهیم ایشانرا در زمین برپا دارند

الصلوة واتوا الزكوة وامروا بالمعروف و

نمازرا وبدهند زکوة را وبفرمایند بکار پسندیده و

نهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور وان يكذبوك

منع نمایند از کار ناپسندیده وخدا راست نهایت همه کار واگر دروغ شمرند

فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود و

پس هرآینه دروغ شمرده بودند قوم نوح وعاد وثمود و

قوم ابرهيم وقوم لوط واصحب مدين و

قوم ابراهیم وقوم لوط واهل مدین و

كذب موسى فامليت للكفرين ثم اخذتهم

دروغ شمرده شد موسی پس مهلت دادیم کافرانرا باز گرفتار کردم

فكيف كان نكير فكاين من قرية اهلكنها

پس چگونه بود عاقبت کار عقوبت من پس بسا دهی که هلاک کردیم

وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها وبئر

ووی ستمکار بود پس وی افتاده است بر سقفها وبسا چاه

معطلة وقصر مشيد افلم يسيروا في الارض

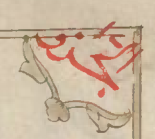
مانده ومحل بلند خراب شده آیا سیر نکرده‌اند در زمین

فتكون لهم قلوب يعقلون بها او اذان

تا بود ایشانرا دلها که فهم کنند بآن یا گوش

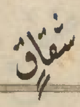
يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار ولكن

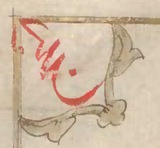
بشنوند بآن هرآینه حال اینست که نابینا نشوند چشمها ولیکن



تَعۡمَى الۡقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ۝ وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ
نابینا باشند دلها که در سینه هاند و میطلبند از تو
بِالۡعَذَابِ وَلَنۡ يُخۡلِفَ اللّٰهُ وَعۡدَهٗ ۚ وَاِنَّ يَوۡمًا
عذاب را و هرگز خلاف نخواهد کرد وعده خدا را این یک روز
عِنۡدَ رَبِّكَ كَاَلۡفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوۡنَ ۝ وَكَاَيِّنۡ
نزد پروردگار تو مانند هزار سال تمام کنند و بس
مِّنۡ قَرۡيَةٍ اَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ اَخَذۡتُهَا
ده که مهلت دادیم اورا . باز و ستمکار است باز گرفتار کردم
وَاِلَيَّ الۡمَصِيۡرُ ۝ قُلۡ يٰاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا اَنَا لَكُمۡ
و بسوی منست بازگشت بگو ای مردمان جز این نیست کمن برای شما
نَذِيۡرٌ مُّبِيۡنٌ ۝ فَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ
ترسا ننده آشکارا پس آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته
لَهُمۡ مَّغۡفِرَةٌ وَّرِزۡقٌ كَرِيۡمٌ ۝ وَالَّذِيۡنَ سَعَوۡا فِيۡۤ
ایشانراست آمرزش و روزی نیک و آنانکه سعی کردند در
اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيۡنَ اُولٰٓئِكَ اَصۡحٰبُ الۡجَحِيۡمِ ۝ وَمَاۤ اَرۡسَلۡنَا
آیات عاجز کنان آن گروه اهل دوزخند و نفرستادیم پیش تو
مِنۡ قَبۡلِكَ مِنۡ رَّسُوۡلٍ وَّلَا نَبِيٍّ اِلَّاۤ اِذَا تَمَنّٰٓى
پیش تو از پیغامبر و نه نبیی چون آرزو بخاطر نیست
اَلۡقَى الشَّيۡطٰنُ فِيۡۤ اُمۡنِيَّتِهٖ ۚ فَيَنۡسَخُ اللّٰهُ مَا يُلۡقِي
بیفکند شیطان چیزی در آرزوی وی پس دور میکند خدا آنچه انداخته است
الشَّيۡطٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيۡمٌ حَكِيۡمٌ ۝
شیطان پس محکم میکند خدا آیات او و خدا دانا با حکمت
لِيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي الشَّيۡطٰنُ فِتۡنَةً لِّلَّذِيۡنَ فِيۡ قُلُوۡبِهِمۡ
تا بگرداند آنچه انداخته است شیطان بلای آنانکه در دلهای ایشان
مَّرَضٌ وَّالۡقَاسِيَةِ قُلُوۡبُهُمۡ ؕ وَاِنَّ الظّٰلِمِيۡنَ لَفِيۡ
مرض و سخت است دلهای ایشان و آنکه ستمکاران هر آینه در







شقاق بعيد ولیعلم الذين اوتوا العلم انه
مخالفت دور وتا بدانند آنانکه داده شده است علم که آن

الحق من ربك فیؤمنوا به فتخبت له قلوبهم
راست است از پروردگار تو پس ایمان آرند بوی پس نیاز کنند دل ایشان

وان الله لهاد الذين امنوا الى صراط مستقيم
و هر آینه خدا راه نماینده است آنانکه گرویدند بسوی راه راست

ولا يزال الذين كفروا في مرية منه حتى تاتيهم
و همیشه باشند کافران در شبهه از وی تا بیاید بایشان

الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم عقيم
قیامت ناگهان یا بیاید بایشان عذاب روز بی خیر

الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين امنوا
پادشاهی آن روز خدا راست حکم کند میان ایشان پس آنانکه گرویدند

وعملوا الصلحت في جنت النعيم والذين كفروا
و کردند کارهای شایسته در بوستانهای با نعمت و آنانکه کافر شدند

وكذبوا بايتنا فاولئك لهم عذاب مهين
و دروغ شمردند آیات ما پس آنجماعه ایشانراست عذاب خوار کننده



والذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا
و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا بمردند

ليرزقنهم الله رزقا حسنا وان الله لهو خير
هر آینه روزی دهد ایشانرا خدا روزی نیک و هر آینه خدا بهترین

الرزقين ليدخلنهم مدخلا يرضونه وان
روزی دهندگانست البته درآرد ایشانرا بموضعی خوشنود شوند و هر آینه

الله لعليم حليم ذلك ومن عاقب بمثل ما
خدا دانای بردبارست حکم اینست و هر که جزا دهد مانند آنچه

عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه الله ان الله
ایذا داده شد او را پس از آن تعدی کرده شد تا نصرت خواهد داد خدا که خدا



لعفو غفور ذلك بأن الله يولج اليل في
هر اینه خدا امرزکار است که خدا درمی آرد شب را در
النهار ويولج النهار في اليل وأن الله سميع
روز و درمی آرد روز را در شب و انکه خدا شنوا
بصير ذلك بأن الله هو الحق وأن ما يدعون
بینا اینست که خدا همونست حق و انچه میخوانند
من دونه هو الباطل وأن الله هو العلي
بجز وی همونست باطل و انکه خدا همونست بلند مرتبه
الكبير ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فتصبح
بزرگ قدر ایا نمی بینی که خدا فرو فرستاد از اسمان اب پس میشود
الأرض مخضرة إن الله لطيف خبير له ما في
زمین سبز که خدا لطف کننده است دانا مر او راست
السموات وما في الأرض وإن الله لهو الغني
در اسمانها و انچه در زمین است و انکه خدا همونست بی نیاز
الحميد ألم تر أن الله سخر لكم ما في الأرض
ستوده ایا نه دیدی که خدا رام کرد شما را انچه در زمین است


والفلك تجري في البحر بأمره ويمسك السماء
و کشتی میرود در دریا بفرمان او و نگاه میدارد اسمان
أن تقع على الأرض إلا بإذنه إن الله بالناس
انکه بیفتد بر زمین مگر بدستوری او که خدا بمردمان
لرءوف رحيم وهو الذي أحياكم ثم يميتكم
هر اینه بخشاینده مهربانست و او است انکه زنده کرد شما را باز میراند
ثم يحييكم إن الإنسان لكفور لكل أمة
باز زنده کند شما را هر اینه انسان ناسپاس است برای هر گروهی
جعلنا منسكا هم ناسكوه فلا ينازعنك
معین کردیم شریعتی که ایشان عامل کننده اند پس باید که نزاع نکنند با تو

فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى
دریں کار و بخوان بسوی پروردگار خود هر اینه تو بر راه
مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِن جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
راست و اگر مکابره نمایند با تو پس بگو خدا داناتست بانچه
تَعْمَلُونَ ۝ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا
میکنید خدا حکم کند میان شما روز قیامت در انچه
كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
بودند دران اختلاف میکردند آیا ندانستی که خدا میداند انچه
فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ط إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ ط إِنَّ ذَٰلِكَ
در آسمان و زمین است هر اینه اینهمه ثبت است در کتاب
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
بر خدا آسان است و عبادت میکنند بجز خدا
مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ
کرو نفرستاده است حجتی و چیزیکه نیست ایشانرا بان
عِلْمٌ ط وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ
دانش و نیست ستمکارانرا هیچ یاری دهنده و چون خوانده میشود بر
آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا
آیات ما واضح بشناسی در روی این کافران
الْمُنكَرَ ط يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ
ناخوشی نزدیک میشوند که حمله کنند بانانکه میخوانند
عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ ط
برایشان آیات ما بگو آیا خبر دهیم شمارا بناخوشی ان
النَّارُ ط وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ط وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝
دوزخ است وعده داده است خدا انرا بکافران بد جایست
يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ط إِنَّ
ای مردمان اورده شد داستانی پس بشنوید انرا هرانانکه

اینهم

آیت

الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا
آنانکه میخوانند بجز خدا نیافرینند مگسی
ولو اجتمعوا له وان يسلبهم الذباب شيئا لا
واگرچه جمع شوند برای آن واگر برباید ازایشان مگس چیزی
يستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب
خلاص نتوانند کرد ازآن ناتوان شد طالب ومطلوب
ما قدروا الله حق قدره ان الله لقوي عزيز الله
تعظیم نکردند خدا حق تعظیم او هراینه خدا غالب است خدا
يصطفي من الملائكة رسلا ومن الناس ان الله
برمی گزیند از فرشتگان فرستادها واز مردمان هراینه خدا
سميع بصير يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
شنوا داناست میداند آنچه پیش روی وی است وآنچه پس است
والى الله ترجع الامور يا ايها الذين امنوا اركعوا
وبسوی خدا بازگردانیده میشوند کارها ای آنانکه ایمان آوردید
واسجدوا واعبدوا ربكم وافعلوا الخير
وسجده کنید وعبادت کنید پروردگار خودرا وبکنید نیکوی
لعلكم تفلحون وجاهدوا في الله حق جهاده
بود که رستگار شوید وجهاد کنید درراه خدا حق جهاد
هو اجتباكم وما جعل عليكم في الدين من
برگزید شمارا ونساخت برشما در دین هیچ
حرج ملة ابيكم ابراهيم هو سماكم المسلمين
تنگی دین پدر شما ابراهیم نام نهاد شمارا مسلمان
من قبل وفي هذا ليكون الرسول شهيدا
پیش ازین ودر قرآن تا باشد پیغامبر گواه
عليكم وتكونوا شهداء على الناس فاقيموا
برشما وباشید گواه بر مردمان پس برپا دارید

الصلوة

الصلوة واتوا الزكوة واعتصموا بالله هو مولكم
نماز را و بدهید زکوة را و چنگ زنید بخدا او
فنعم المولى ونعم النصير
پس نیکو خداوند دست و نیکو یاری دهنده

سورة المؤمنون مكية قيل مدنية وهي ثمان عشر

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الجزو الثامن عشر ١٨ ع ٢٢

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خشعون
هرآینه رستگار شدند مسلمانان آنانکه ایشان در نماز خود ترسیدگان
والذين هم عن اللغو معرضون والذين هم
و آنانکه ایشان از بیهوده روی گردانند و آنانکه ایشان
للزكوة فعلون والذين هم لفروجهم حفظون
زکوة را دا کنندکانند و آنانکه ایشان شرمگاه خود را نگاهدارند
الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم
مگر بر کنیزکانی که مالکست دست ایشان هرآینه ایشان
غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك
نکوهیده نیستند پس هر که طلب کند سوای این پس آن جماعه
هم العدون والذين هم لامنتهم وعهدهم
از حد گذرندکانند و آنانکه ایشان امانتهای خود را و عهد خود را
رعون والذين هم على صلوتهم يحافظون
رعایت کنندکانند و آنانکه ایشان بر نماز خود محافظت کنندکانند
اولئك هم الورثون الذين يرثون الفردوس
ایشانند آن وارثان که عاقبت کار میراث برند بهشت را
هم فيها خلدون ولقد خلقنا الانسان من
ایشانند دران همیشه و هرآینه آفریدیم انسان را از



سُلٰلَةٍ مِّنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلْنٰهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ
خلاصه از گل پس ساختیم اورا نطفه در قرارگاه استوار
ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً
باز ساختیم نطفه خون بسته پس افریدیم خون بسته گوشت پاره
فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ثُمَّ
پس افریدیم گوشت پاره استخوان پس پوشانیدیم استخوان گوشت باز
اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا اٰخَرَ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِينَ
افریدیم افرینشی دیگر پس بزرگست حق نیکوترین نگارندگان
ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ۝ ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
باز شما را پس ازین مرده شوید باز شما روز قیامت
تُبْعَثُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ وَ
برانگیخته شوید وهرآینه افریدیم بالای شما هفت اسمان و
مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِينَ ۝ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً
و نبودیم از خلق غافل و فرو فرستادیم از اسمان آب
بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِى الْاَرْضِ وَاِنَّا عَلٰى ذَهَابٍ
باندازه پس جا دادیم در زمین و ما بر دور کردن آن
بِهٖ لَقٰدِرُونَ ۝ فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ
توانائیم پس پیدا کردیم مر شمارا بوستانها از
نَّخِيلٍ وَّاَعْنٰبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَّمِنْهَا
درختان و انگور مر شمارا دران میوه ها بسیار وازان
تَاْكُلُونَ ۝ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَآءَ تَنْبُتُ
میخورید و درختی بیرون می اید از طور سینا میرویند
بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِينَ ۝ وَاِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعٰمِ
با روغن و حاصل شود خورش کانرا وهر آینه شمارا در چهارپایان
لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُمْ مِّمَّا فِى بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنٰفِعُ
پندیست بنوشانیم انچه در شکم ایشانست و شمارا دران فایده

کثره



كثيرة ومنها تاكلون ۝ وعليها وعلى الفلك
بسيار واز آن میخورند و بر آن و بر کشتیها
تحملون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال
سوار شوند و هر اینه فرستادیم نوح را بسوی قوم خود پس گفت
يقوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا
ای قوم من پرستید خدا نیست شما را هیچ معبودی غیر او آیا
تتقون ۝ فقال الملؤا الذين كفروا من قومه
نمی‌ترسید پس گفتند گروه کافر بودند از قوم او
ما هذا الا بشر مثلكم يريد ان يتفضل عليكم
نیست این مگر آدمی مانند شما میخواهد که ریاست پیدا کند بر شما
ولو شاء الله لانزل ملئكة ما سمعنا بهذا في
و اگر خواستی خدا هر اینه فرستادی فرشتگان شنیده‌ایم این ما در
اباءنا الاولين ۝ ان هو الا رجل به جنة
پدران پیشینان نیست این شخص بوی دیوانگی است
فتربصوا به حتى حين ۝ قال رب انصرني بما
پس انتظار کشید بآن تا مدتی گفت ای پروردگار من نصرت — ده مرا بآنچه
كذبون ۝ فاوحينا اليه ان اصنع الفلك باعيننا
دروغ شمردند پس وحی فرستادیم بسوی او که بساز کشتی بحضور ما
ووحينا فاذا جاء امرنا وفار التنور ۝ فاسلك
و فرمان ما پس چون آمد فرمان ما و جوش زد تنور پس در آر
فيها من كل زوجين اثنين واهلك الا من
در کشتی از هر جنسی دو دو و مرد مگر آنکه
سبق عليه القول منهم ولا تخاطبني في الذين
سبقت کرد بر او سخن از ایشان و در آنانکه
ظلموا انهم مغرقون ۝ فاذا استويت انت ومن
ستم کردند هر اینه ایشان غرق شدگانند پس چون راست بنشینی تو و — هر که

معك على الفلك فقل الحمد لله الذى نجنا

با تو در کشتی پس بگو ستایش مر خدای راست آنکه رهانید

من القوم الظلمين ۝ وقل رب انزلنى منزلا

از گروه ستمکاران و بگو ای پروردگار من فرود آر مرا در

مبركا وانت خير المنزلين ۝ ان فى ذلك لايت

مبارک و تو بهترین فرود آرندگانی هر آینه درین ماجرا نشانهاست

وان كنا لمبتلين ۝ ثم انشانا من بعدهم قرنا

و هر آینه بودیم امتحان کننده پس پیدا کردیم بعد از ایشان قرنی

اخرين ۝ فارسلنا فيهم رسولا منهم ان اعبدوا

دیگر پس فرستادیم بایشان فرستاده از ایشان که عبادت کنید



الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ وقال الملا

خدا را نیست شما را هیچ معبود بجز وی آیا نمی ترسید و گفت رئیسان

من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الاخرة

از قوم او که کافر شدند و دروغ شمردند ملاقات آخرت

واترفنهم فى الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر

و آسوده کرده بودیم در زندگانی دنیا نیست این مگر آدمی

مثلكم ياكل مما تاكلون منه ويشرب مما

مانند شما میخورد از آنچه میخورید از آن و می آشامد از آنچه

تشربون ۝ ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم اذا

می آشامید و اگر فرمانبرداری کردید آدمی را مانند خویش هر آینه شما

لخسرون ۝ ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا

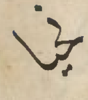
آنگاه زیانکار باشید آیا وعده میدهد شما را چون بمیرید و باشید خاک

وعظاما انكم مخرجون ۝ هيهات هيهات لما

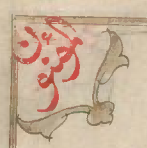
و استخوانها چند هر آینه شما بیرون آورده خواهید شد بعید است بعید آنچه

توعدون ۝ ان هى الا حياتنا الدنيا نموت و

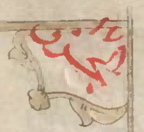
وعده داده میشود شما را نیست مگر زندگانی دنیا میمیریم و



نحیی



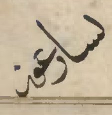
نحيا وما نحن بمبعوثين إن هو إلا رجل افترى
زنده میشویم و نیستیم برانگیخته شده نیست این مگر مردی که افترا کرده
على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين قال رب
بر خدا دروغ و نیستیم ما او را گرویدگان گفت ای پروردگار
انصرني بما كذبون قال عما قليل ليصبحن
نصرت ده مرا بدروغ داشتن گفت بعد اندک زمانی
ندمين فأخذتهم الصيحة بالحق فجعلنهم
پشیمان خواهند شد پس گرفت ایشان را آواز سخت بوعده راست پس گردانیدیم
غثاء فبعدا للقوم الظلمين ثم أنشأنا من بعدهم
خاشاک پس دوری باد گروه ستمکاران را باز پیدا کردیم بعد ایشان
قرونا ءاخرين ما تسبق من أمة أجلها وما يستأخرون
قرنهای دیگر را سبقت نمیکنند هیچ گروهی تا میعاد خود و نه باز پس مانند
ثم أرسلنا رسلنا تترا كلما جاء أمة رسولها
باز فرستادیم پیغامبران خود پی در پی هرگاه آمد به امتی پیغامبر او
كذبوه فأتبعنا بعضهم بعضا وجعلنهم أحاديث
بدروغ نسبت کردند پس از پی در آوردیم بعض ایشان بعض را پس گردانیدیم ایشان
فبعدا لقوم لا يؤمنون ثم أرسلنا موسى
پس دوری باد گروهی که نگروند باز فرستادیم موسی
وأخاه هرون بآيتنا وسلطن مبين إلى
و برادر او هرون با آیات ما و با دلیل ظاهر بسوی
فرعون وملإيه فاستكبروا وكانوا قوما
فرعون و جماعه او پس سرکشی کردند و بودند گروهی
عالين فقالوا أنؤمن لبشرين مثلنا وقومهما
تکبر کننده پس گفتند آیا ایمان آریم بدو آدمی مانند ما و قوم ایشان
لنا عبدون فكذبوهما فكانوا من المهلكين
ما را خدمت کنندگان اند پس دروغی گرفتند پس شدند از هلاک شدگان



ولقد اتينا موسى الكتب لعلهم يهتدون
و هر اینه دادیم موسی را کتاب شاید که راه یابند
وجعلنا ابن مريم وامه اية واوينهما الى ربوة
و گردانیدیم پسر مریم و مادرش نشانه برزمینی بلند
ذات قرار ومعين يايها الرسل كلوا من
خداوند استقرار و آب روان ای پیغامبران بخورید از
الطيبت واعملوا صالحا انى بما تعملون عليم
پاکیزه و بکنید کردار شایسته هر اینه آنچه میکنید دانا



وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم
و هر اینه این است ملت شما ملت یکتا و من پروردگار شمایم
فاتقون فتقطعوا امرهم بينهم زبرا كل حزب
پس بترسید پس متفرق کار خود را میان خویش پاره پاره هر گروهی
بما لديهم فرحون فذرهم فى غمرتهم حتى
بآنچه نزدیک او است شادمان پس بگذار ایشان را در غفلت تا
حين ايحسبون انما نمدهم به من مال و
مدتی آیا می پندارند آنچه امداد کنیم ایشان را بآن از مال و
بنين نسارع لهم فى الخيرت بل لا يشعرون
فرزندان سعی کنیم برای ایشان در نعمت بلکه نمیدانند
ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون و
هر اینه آنانکه ایشان از ترس پروردگار خود مضطرب باشند و
الذين هم بايت ربهم يؤمنون والذين هم
آنانکه ایشان بآیات پروردگار خود بگروند و آنانکه ایشان
بربهم لا يشركون والذين يؤتون ما اتوا
بپروردگار خود شریک نیارند و آنانکه میدهند آنچه میدهند
وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم رجعون اولئك
و دل ایشان ترسانست بآنکه بسوی پروردگار خود باز خواهند گشت آن گروه



يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون ولا
سعی کنند در نیکوییها وایشان بآن سبقت کنندگانند ونه
نكلف نفسا الا وسعها ولدينا كتاب ينطق
تکلیف کنیم نفسی را مگر قدر طاقت او ونزد یک ماکتابیست که سخن میگوید
بالحق وهم لا يظلمون بل قلوبهم في غمرة من هذا
براستی وایشان ستم کرده نشوند بلکه دلهای ایشان درغفلت ازین
ولهم اعمال من دون ذلك هم لها عاملون حتى
وایشانرا عملها اند غیر این که ایشان آنرا کننده اند تا که
اذا اخذنا مترفيهم بالعذاب اذا هم يجأرون
چون گرفتار ساختیم آسودگان ایشان بعذاب چون ایشان بانگ میکردند
لا تجأروا اليوم انكم منا لا تنصرون قد كانت
فریاد مکنید امروز هر آینه شما از ما یاری داده نخواهید شد هر آینه
ايتي تتلى عليكم فكنتم على اعقابكم تنكصون
آیتهای من خوانده میشد بر شما پس بودید بر پاشنهای خود باز میگشتید
مستكبرين به سامرا تهجرون افلم يدبروا القول
تکبر کنان بان مشغول شده ترک میکردند آیا تامل نکردند درین سخن
ام جاءهم ما لم يأت اباءهم الاولين ام لم يعرفوا
یا آمده است بایشان آنچه نیامده بود بپدران نخستین یا نشناختند
رسولهم فهم له منكرون ام يقولون به
پیغامبر خود را پس ایشان او را ناشناسا اند یا میگویند بوی
جنة بل جاءهم بالحق واكثرهم للحق كارهون
دیوانگیست بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست واکثر ایشان از راستی ناخواهانند
ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات و
واگر پیروی کردی خدا آرزوهای ایشان هر آینه بی انتظام شدندی آسمانها و
الارض ومن فيهن بل اتيناهم بذكرهم فهم
زمین وهرکه در آن است بلکه آوردیم ایشانرا پند ایشان پس ایشان

عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ أَمْ تَسْئَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ

از ذكر ايشان روگردانند اما ميخواهي مزدي پس مزد

رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ

پروردگار تو بهتر است و او بهتر روزي دهندگاني و هر آينه تو ميخواني

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

بسوي راه راست و هر آينه آنانكه ايمان نمي آرند

بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ۝ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ

باخرت از راه بيك سو شوندگان و اگر رحم بيكرديم

وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

و بر ميداشتيم آنچه بايشانست از سختي هر آينه پيوسته بشدند در گمراهي خود

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ

و هر آينه گرفتيم ايشانرا بعذاب پس نيايش نكردند در پروردگار خود

وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا

و زاري نمودند تا كه گشاديم بر ايشان دروازه صاحب

عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي

عذاب سخت آنگه ايشان اندران نا اميد كانند و او است آنكه

أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا

آفريد شمارا شنوائي و بينائي و دل اندكي

مَا تَشْكُرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ

آنانكه شكر ميكنند و او است آنكه پيدا كرد شمارا در زمين

وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ

و بسوي او حشر كرده شوند و او است آنكه زنده ميكند و ميميراند و

لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

او راست آمد شد شب و روز آيا نمي دانيد

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ۝ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا

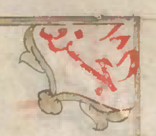
بلكه گويند چنانكه گفتند پيشينيان گفتند آيا چون ميميريم

ربع

ع

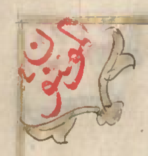
وكنا

وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا ءَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ لَقَدْ وُعِدْنَا
شدیم خاک و استخوان آیا ما برانگیخته شویم هرآینه وعده داده شد
نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
مارا و پدران ما پیش ازین نیست این مگر افسانه
الْأَوَّلِينَ ۝ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ
پیشینیان بگو کراست زمین و هرچه دران اگر هستید
تَعْلَمُونَ ۝ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ط قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝
میدانید خواهند گفت خدای راست بگو آیا پند پذیر نمیشوید
قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ
بگو کیست پروردگار آسمانها هفتگانه و پروردگار عرش
الْعَظِيمِ ۝ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ط قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ قُلْ مَنْ
بزرگ خواهند گفت خدای راست بگو آیا نمیترسید بگو کیست
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ
که بدست اوست پادشاهی هر چیز و او زنهار میدهد و زنهار داده نمیشود
عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ط قُلْ
بر او اگر هستید میدانید خواهند گفت خدای راست بگو
فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ ۝ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
پس از کجا فریب داده میشوند بلکه آورده ایم براستی و ایشان دروغگویانند
مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَٰهٍ إِذًا
نگرفت خدا هیچ فرزند و نبود با او هیچ خدای آنگاه
لَذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ
ببردی هر خدا چیزیکه آفریده بود و غالب آمدی بعض ایشان
عَلَىٰ بَعْضٍ ط سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ عَالِمِ الْغَيْبِ
بر بعض پاکست خدا ازانچه صفت میکنند دانای پوشیده
وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ قُلْ رَبِّ إِمَّا
و آشکارا پس برتر است ازانچه شریک آرند بگو پروردگار من اگر





تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ۝ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ
بنمائی مرا آنچه ترسانیده میشوند ای پروردگار من پس مکن مرا در گروه
الظَّٰلِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ
ستمکاران و هر آینه ما بر آنکه بنمائیم ترا آنچه وعده میدهیم توانائیم
ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا
مقابله کن بدی با خصلتی که آن نیکوتر است بدی ما دانا تریم بآنچه
يَصِفُونَ ۝ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ
بیان میکنند و بگو ای پروردگار من می پناهم از دغدغه های
الشَّيَٰطِينِ ۝ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ۝
شیطان و می پناهم بتو ای پروردگار من از آنکه حاضر شوند
حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ
تا که بیاید یکی را از ایشان موت گوید ای پروردگار من بازگردان
لَعَلِّيٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّآ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ
بود که کار نیکو کنم در سرائی که گذاشتم نی چنین باشد هر آینه آن سخن او
قَآئِلُهَا وَمِن وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝
گوینده است و پیش از ایشان حجابی تا روز قیامت
فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ
پس چون دمیده شود در صور پس قرابتها نباشد میان ایشان آن روز
وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ۝ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُ فَأُولَٰٓئِكَ
و نه سوال کرده شوند پس هر که گران آمد پلهای ترازو پس آن گروه
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُ فَأُولَٰٓئِكَ
ایشانند رستگاران و هر که سبک شد پله های ترازو پس آن گروه
الَّذِينَ خَسِرُوٓا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ۝
آنانند که زیانکار در جوش در دوزخ جاوید باشندگان
تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ ۝ أَلَمْ تَكُنْ
بسوزد روی ایشان آتش و ایشان در آن روی ترش آیا خوانده نمیشد



ءايتى تتلى عليكم فكنتم بها تكذبون قالوا ربنا

آیات من خوانده میشود بر شما پس بآن دروغ میداشتید گفتند ای پروردگار ما

غلبت علينا شقوتنا وكنا قوما ضالين

غالب آمد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمراه

ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون قال

ای پروردگار ما بیرون آر ما را ازان پس اگر عود کنیم پس هر آینه ستمکار باشیم گفت

اخسئوا فيها ولا تكلمون انه كان فريق من

برسوائی در آن و سخن مگویید هر آینه او بود گروهی از

عبادى يقولون ربنا ءامنا فاغفر لنا وارحمنا

بندگان من میگویند ای پروردگار ما گرویدیم پس بیامرز مرا و ببخشای مرا

وانت خير الراحمين فاتخذتموهم سخريا حتى

و تو بهترین بخشایندگانی پس گرفتید ایشان را تا که

انسوكم ذكرى وكنتم منهم تضحكون انى

فراموش گردانیدند یاد مرا و شما از ایشان میخندیدید هر آینه من

جزيتهم اليوم بما صبروا انهم هم الفائزون

جزا دادیم ایشان را بآنچه صبر کردند و آنکه ایشان اند برادرسیدگان

قل كم لبثتم فى الارض عدد سنين قالوا

بگوید چند مدت درنگ کردید در زمین بشمار سالها گفتند

لبثنا يوما او بعض يوم فسئل العادين قل

درنگ کردیم روزی یا بعض روز پس بپرس از شمار کنندگان گفت

ان لبثتم الا قليلا لو انكم كنتم تعلمون

درنگ نکردید مگر اندکی کاشکی شما میدانستید

افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون

آیا پنداشتید که آفریدیم شما را بیهوده و آنکه شما بسوی ما گردانیده نشوید

فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش

پس برتر است خدا پادشاه ثابت نیست هیچ معبود غیر پروردگار عرش



الكريم ۝ ومن يدع مع الله الها اخر لا برهان
گرامی قدر ۝ و هر که بخواند با خدا معبود دیگر را سند حجتی نیست
له به فانما حسابه عند ربه انه لا يفلح الكفرون
او را بآن جز این نیست که حساب او نزدیک پروردگار او است و هرگز رستگار نمیشوند کافران
وقل رب اغفر وارحم وانت خير الرحمين ۝
و بگو ای پروردگار من بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشایندگانی

سورة النور مدنية وهي اربع وستون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
سورة انزلنها وفرضنها وانزلنا فيها ايت بينت
این سوره که فرستادیم او را و فرض ساختیم او را و فرود آوردیم در آن آیات روشن
لعلكم تذكرون ۝ الزانية والزاني فاجلدوا
شاید که شما پند پذیر شوید زن زنا کننده و مرد زنا کننده پس بزنید


كل واحد منهما مائة جلدة ولا تاخذكم
هر یکی را از ایشان صد دره و باید که درنگیرد شما را
بهما رافة في دين الله ان كنتم تؤمنون بالله
شفقت بر ایشان در جاری کردن دین خدا اگر هستید ایمان آورده اید بخدا
واليوم الاخر وليشهد عذابهما طائفة من
و بروز بازپسین باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعه از
المؤمنين ۝ الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة
مسلمانان مرد زنا کننده نکاح نکند مگر زن زنا کننده یا مشرک زنده
والزانية لا ينكحها الا زان او مشرك وحرم
و زن زنا کننده بزنی نگیرد مگر مرد زنا کننده یا مشرک زنده و حرام ساخته
ذلك على المؤمنين ۝ والذين يرمون المحصنت
این بر مسلمانان و آنانکه دشنام میدهند زنان پرهیزگار

کافران

ثم لم يأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمنين

باز نیاوردند چهار گواه بزنید ایشان را هشتاد

جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك

دره و قبول مکنید گواهی ایشان را هرگز و آن گروه

هم الفسقون ۝ الا الذين تابوا من بعد ذلك

ایشانند فاسق مگر آنانکه توبه کردند بعد ازین

واصلحوا فان الله غفور رحيم ۝ والذين

و بصلاح آوردند کار خود را پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست و آنانکه

يرمون ازواجهم ولم يكن لهم شهداء الا

دشنام دهند زنان خود را و نباشند ایشان را گواهان مگر

انفسهم فشهادة احدهم اربع شهدت بالله

نفس خویش پس گواهی یکی از ایشانست چهار بار که بخدای

انه لمن الصدقين ۝ والخامسة ان لعنت الله

که وی از راست گویانست و گواهی پنجم که لعنت خدا

عليه ان كان من الكذبين ۝ ويدرؤا عنها

بر او باد اگر باشد از دروغگویان و باز میگرداند از آن

العذاب ان تشهد اربع شهدت بالله انه

عذاب آنکه گواهی دهد چهار بار گواهی بخدا بدرستی که او

لمن الكذبين ۝ والخامسة ان غضب الله

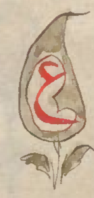
از دروغگویانست و گواهی پنجم بار که خشم خدا باد

عليها ان كان من الصدقين ۝ ولولا فضل

برین زن اگر باشد از راست گویان و اگر نبودی فضل

الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم ۝

خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا توبه دهنده با حکمت

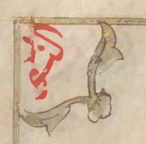


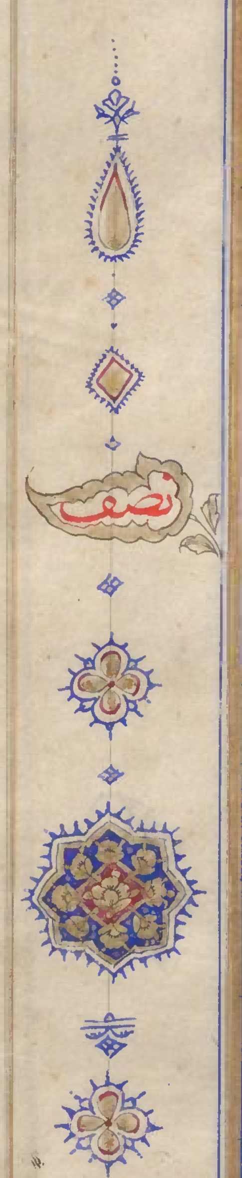
ان الذين جاءو بالافك عصبة منكم لا تحسبوه

بدرستی که آنانکه آوردند تهمت را جماعتی اند از شما مپندارید

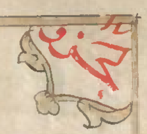


شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا
بد در حق خویش بلکه بهتر است برای شما هر کسی را ازیشان که
اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ
حاصل کرد از معصیت و آنکه برپای کرد عمده آن
لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ لَّوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ
او راست عذاب بزرگ چرا نشد که چون شنیدند گمان میکردند مردان
وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَٰذَا إِفْكٌ
و زنان مومنه در حق خویش نیکی یاد و گفتند این تهمت
مُّبِينٌ ۝ لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ
ظاهر است چرا نیاوردند بر وی چهار گواه پس الجماعه
لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِندَ اللَّهِ هُمُ
نیاوردند گواهان پس الجماعه نزدیک خدا ایشان
الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ
کاذبانند و نمی بود فضل خدا بر شما و رحمت او
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ
در دنیا و آخرت هر آینه میرسید در پس که گفت و شنید کردید در آن
عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ
عذاب بزرگ چون فرا میگرفتید از زبانهای خویش و میگفتید
بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا
بدهانهای خویش نبود شما را بآن دانش و می پنداشتید آنرا
وَهُوَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۝ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم
و او نزدیک خدا بزرگ و چرا نشد که چون شنیدید از آن میگفتید
مَّا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَانَكَ هَٰذَا بُهْتَانٌ
نمیرسد ما را که زبان آریم بسخن بپاکی یاد میکنیم ترا این افترایست
عَظِيمٌ ۝ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا
بزرگ پند میدهد شما را خدا تا بعمل نیارید مانند این هرگز





إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ط وَاللَّهُ
اگر هستید مسلمان و بیان میکند خدا شمارا آیات و خدا
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ
دانا با حکمت هر اینه آنانکه دوست میدارند که فاحش شود
فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ط
در آنانکه ایمان آوردند مرایشانرا عذاب دردناک در دنیا و آخرت
وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ
و خدا میداند و شما نمیدانید و اگر نه فضل خدا
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
بر شما و رحمت او و خدا مهربان بخشاینده ای آنانکه
آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ط وَمَن يَتَّبِعْ
ایمان آوردید پیروی مکنید گامهای شیطان و هرکه پیروی کند
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ ط
گامهای شیطان پس او حکم کند به بیحیایی و ناپسندیده
وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ
و اگر نبودی فضل خدا بر شما و بخشایش او پاک نشدی
مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ط وَ
از شما هیچ کس هرگز و لیکن خدا پاک کرد هر کرا خواهد و
اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ
خدا شنوا داناست و باید که سوگند نخورند خداوندان بزرگی از شما
وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَ
و وسعت که چیزی ندهند خویش و نزدیکانرا و بینوایانرا و
الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ص وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ط أَلَا
هجرت کنند کارزار راه خدا و عفو کنند و درگذرند آیا
تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ط وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝
دوست نمیدارند که بیامرزد خدا مرشمارا و خدا آمرزگار مهربان



إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنٰتِ الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ
آنانکه دشنام دهند زنان پاک دامانرا ازبدکاری بیخبر ایمان آرندگان
لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت وایشانراست عذاب بزرگ
يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ
روزیکه گواهی دهند برایشان زبانهای ایشان ودستهای ایشان وپایهای ایشان
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللّٰهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ
بانچه میکردند آنروز تمام رساند ایشانرا خدا جزای ایشان
وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْخَبِيثٰتُ
وبدانند که خدا اوست ثابت ظاهر زنان ناپاک
لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثٰتِ وَالطَّيِّبٰتُ
لایق مردان ناپاک ومردان ناپاک لایق زنان ناپاک وزنان پاک
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبٰتِ أُولٰئِكَ مُبَرَّءُونَ
برای مردان پاک ومردان پاک برای زنان پاک اینجماعه بری اند
مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ
ازانچه میگویند ایشانرا آمرزش وروزی نیک ای آنانکه



آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَأْنِسُوا
ایمان آوردید مدرآیید بخانهای غیر خانهٔ خویش تاکه دستوری طلبید
وَتُسَلِّمُوا عَلٰى أَهْلِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ
وسلام کنید بر اهل آن این بهتر است شمارا بود که
تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا
پند پذیر شوید پس اگر نیابید در آنجا هیچکس پس درمیایید
حَتّٰى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا
تا دستوری داده شود واگر گفته شود مرشمارا بازگردید پس بازگردید
هُوَ أَزْكٰى لَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
آن پاکیزه است شمارا وخدا بانچه میکنید داناست نیست برشما

جناح



جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ
گناهی درآنکه درآیید بخانهاے که

مَسْكُوْنَةٍ فِيْهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ط وَاللهُ
مسکن کسے نیست دران منفعتی باشد شمارا و خدا

يَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا تَكْتُمُوْنَ ۝ قُلْ
میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه پوشیده میدارید بگو

لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ
بمردان مسلمان بپوشند چشم خودرا و

يَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ط ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ
نگاهدارند شرمگاه خودرا این پاکیزه تر است ایشانرا

اِنَّ اللهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ۝ وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ
بدرستی که خدا خبردار است بآنچه میکنند و بگو زنان مسلمانرا

يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
بپوشند چشم خودرا و نگاه دارند

فُرُوْجَهُنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ
شرمگاه خودرا و آشکارا نکنند آرایش خودرا

اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
مگر آنچه ظاهر است ازان و فرو گذارند دامنهای خود

عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ م وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ
بر گریبانهاے خود و ننمایند آرایش خودرا

اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ
مگر بشوهران خویش یا پدران خویش یا پدران

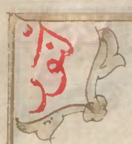
بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ م اَوْ اَبْنَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ
شوهران خویش یا پسران خویش یا پسران شوهران خویش

اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِىْٓ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِىْٓ
یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران



أَخَوٰتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
خواهران خویش یا زنان خویش یا انچه مالک او شده است
أَيْمَٰنُهُنَّ أَوِ التَّٰبِعِينَ غَيْرِ أُولِي
دست ایشان و غلامان یا طفلهایی که صاحب
الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ
شهوت نباشند از مردان یا طفلان که
الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَٰتِ النِّسَآءِ
مطلع نشده باشند بر شرمگاه زنان
وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا
و نزنند زمین را بپایهای خویش تا دانسته شود انچه
يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا
پنهان کردند از زیور خویش و رجوع کنید بسوی خدا همه یکجا
أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَأَنْكِحُوا الْأَيَٰمَىٰ
ای مسلمانان شاید رستگار شوید و نکاح دهید زنان بی شوهر
مِنْكُمْ وَالصَّٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَآئِكُمْ إِنْ
از شما و شایستگان از بندگان خویش و کنیزکان خویش اگر
يَكُونُوا فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَٰسِعٌ
باشند درویش توانگر کند ایشانرا خدا از فضل خویش و خدا بسیار
عَلِيمٌ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ
داناست و باید که پرهیزگاری کنند انانکه نمی یابند اسباب نکاح تا
يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَٰبَ
توانگر کند ایشانرا خدا از فضل خود و انانکه میطلبند مکاتبه را
مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ
از بندگان که مالک ان شده است دست شما اگر میدانید در ایشان
خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ
شایستگی و بدهید مکاتبانرا از مال خدا که بشما داده است

ولا

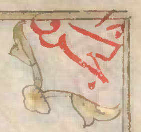


لا تكرهوا فتيٰتكم على البغاء ان اردن تحصنا
جبر مکنید کنیزکان خود را بر [illegible] اگر ایشان پرهیزگاری خواهند
لتبتغوا عرض الحيوة الدنيا ومن يكرههن
تا بدست آرید متاع زندگانی دنیا و هرکه جبر کند ایشان را
فان الله من بعد اكراههن غفور رحيم و
هر اینه خدا بعد جبر کردن ایشان آمرزنده مهربانست و
لقد انزلنا اليكم ايٰت مبينٰت ومثلا من الذين
هر اینه فرستادیم بسوی شما آیات روشن و داستانی از آنانکه
خلوا من قبلكم وموعظة للمتقين الله نور
گذشتند پیش از شما و پندی پرهیزگاران را خدا نور



السموٰت والارض مثل نوره كمشكوة
آسمانها و زمین است داستان نور او مانند طاقچه [illegible]
فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها
در آن چراغیست آن چراغ در شیشه است آن شیشه گویا
كوكب دري يوقد من شجرة مبٰركة زيتونة لا شرقية
ستاره درخشان افروخته از درختی با برکت زیتون نه بسمت شرق
ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه
و نه جانب غرب نزدیکست که زیت وای روشنی دهد اگرچه نرسیده باشد
نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء
آتش روشنی بر روشنی راه مینماید خدا بنور خود هرکرا خواهد
ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء
و بیان میفرماید داستانها برای مردمان و خدا بهر چیز
عليم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
داناست در خانهایکه دستوری داده است خدا بلند کرده شود آنرا
فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والاصال
در آن نام او بپاکی یاد میکنند خدا را صبح و شام

و یاد کرده شود



رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَ

مردانی که باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از یاد خدا

اِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيتَاءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ

برپا داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از آن روز مضطرب شود

فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْاَبْصَارُ ۝ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ

در آن دلها و دیده ها تا جزا دهد ایشان را خدا بهترین

مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ط وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ

آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را از فضل خود و خدا روزی دهد هر کرا

يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا اَعْمَالُهُمْ

خواهد بغیر حساب و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان را

كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْاٰنُ مَاءً ط حَتّٰى اِذَا

مانند سراب است بزمین هموار پندارد آنرا تشنه آبی تا که

جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ فَوَفّٰيهُ

بیاید نیابد هیچ چیزی و بیافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید

حِسَابَهُ ط وَاللّٰهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ اَوْ كَظُلُمٰتٍ

حساب ویرا و خدا زود حساب است یا مانند تاریکیها

فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشٰيهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ

در دریای عمیق بپوشد آنرا موج از بالای آن موج از بالای

سَحَابٌ ط ظُلُمٰتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ط اِذَا اَخْرَجَ

ابر تاریکیها بعض آن بالای بعض چون بیرون آرد

يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرٰيهَا ط وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمَا

دست خود را نزدیک نیست که ببیند آن و هرکه نداد او را خدا روشنی پس نیست

لَهُ مِنْ نُورٍ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ

او را هیچ روشنی آیا ندیدی که خدا پاکی یاد کند او هرکه در آسمانها

وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صٰٓفّٰتٍ ط كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ

و زمین است و مرغان بال گشاده هر یکی دانسته است دعای او را



وتسبيحه

وَتَسْبِيحَهُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِلّٰهِ مُلْكُ
و تسبیح او و خدا داناست بانچه میکنند و خدا راست پادشاهی
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ
آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آیا ندیدی که
أَنَّ اللّٰهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ
خدا روان میکند ابر را باز جمع میکند میان آن باز میسازد
رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ
تو بر تو پس می بینی قطره را بیرون می آید از میان آن و فرود می آید
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ
از آسمان از کوهها در آنجا از تگرگ پس میرساند
بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ
بهر که خواهد و باز میدارد از هر که خواهد نزدیکست
سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۝ يُقَلِّبُ اللّٰهُ
درخشندگی دور کند چشمها را میگرداند خدا
اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي
شب و روز را هر آینه درین پندی هست خداوندان
الْأَبْصَارِ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ
چشم را و خدا آفرید هر جانوری را از آب پس از ایشان
مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ
آنکه میرود بر شکم و از ایشان آنکه میرود بر دو پای
وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَاءُ
و آنکه میرود بر چهار پای آفریند خدا هر چه میخواهد
إِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ
هر آینه خدا بر هر چیز تواناست هر آینه فرود آوردیم آیات
مُبَيِّنَاتٍ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
روشن و خدا دلالت میکند هرکرا خواهد بسوی راه

مستقيم ويقولون آمنا بالله وبالرسول و
راست و ميگويند گرويديم بخدا و به پيغامبر او و

أطعنا ثم يتولى فريق منهم من بعد ذلك و
فرمانبرداری کرديم باز روی ميگرداند گروهی از ايشان بعد از اين و

ما أولئك بالمؤمنين وإذا دعوا إلى الله و
نيستند ايشان مؤمنان را و چون خوانده شوند بسوی خدا و

رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون
رسول او تا حکم کند ميان ايشان چون جماعه از ايشان رو گرداننده

وإن يكن لهم الحق يأتوا إليه مذعنين
واگر باشد ايشان را حق بيايند بسوی او گردن نهاده

أفي قلوبهم مرض أم ارتابوا أم يخافون أن يحيف
آيا در دل ايشان بيماری يا بگرشك افتادند يا ميترسند از آنکه ستم کند

الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون
خدا بر ايشان و رسول او بلکه ايشانند ستمکاران

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله و
جز اين نيست که ميباشد قول مسلمانان چون خوانده ميشوند بسوی خدا و

رسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا
رسول او تا حکم کند ميان ايشان آنکه گويند شنيديم و فرمانبرداری کرديم

وأولئك هم المفلحون ومن يطع الله ورسوله
و آن گروه ايشانند رستگاران و هرکه فرمانبرد خدا و رسول او را

ويخش الله ويتقه فأولئك هم الفائزون
وبترسد از خدا و حذر کند پس آن گروه ايشانند بمراد رسندگان

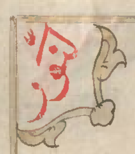
وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجن
و قسم خوردند بخدا بکوشش سوگندهای خود اگر فرمايی ايشانرا البته بيرون روند

قل لا تقسموا طاعة معروفة إن الله خبير بما
بگو سوگند مخوريد فرمان برداری پسنديده به که خدا خبردار است بآنچه

ع

ثلثه

تعملون



تعملون ۝ قل اطيعوا الله واطيعوا الرسول فان
ميكنند بگو فرمان بريد خدا را و فرمان بريد برسول را پس اگر

تولوا فانما عليه ما حمل وعليكم ما حملتم وان
روگردانند جز این نباشد بر او لازم کرده شد و بر شما آنچه لازم کرده شد و

ان تطيعوه تهتدوا وما على الرسول الا البلغ
اگر فرمان برید او را راه یابید و نیست بر رسول مگر رسانیدن

المبين ۝ وعد الله الذين امنوا منكم وعملوا الصلحت
آشکارا وعده داده است خدا آنانرا که ایمان آوردند از شما و کردند کارهای

شایسته

ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين
البته خلیفه سازد ایشانرا در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنانرا که

من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى
پیش از ایشان و محکم کند بایشان دین ایشان که پسندیده است

لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني
برای ایشان و بدل کند از پس خوف ایشان ایمنی پرستش کنند

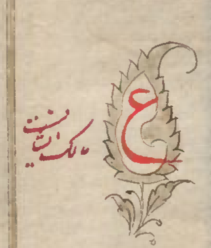
لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فاولئك
شریک نیارند بمن چیزی را و هر که کافر شد بعد ازین پس آن جماعه

هم الفسقون ۝ واقيموا الصلوة واتوا الزكوة
ایشانند فاسقان و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را

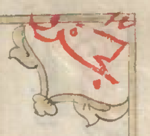
واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون ۝ لا تحسبن
و فرمان برید رسول را شاید که رحم کرده شوید مپندار کافرانرا

الذين كفروا معجزين في الارض وماويهم النار و
کافرانرا عاجز کننده در زمین و جای ایشان دوزخ و

لبئس المصير ۝ يايها الذين امنوا ليستاذنكم الذين ملكت
هر آینه بد بازگشتست ای آنانکه ایمان آوردید دستوری طلبند از شما آنانکه



ايمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرت
دست شما و آنانکه نرسیده اند بحد احتلام از شما سه نوبت



مِن قَبْلِ صَلوٰةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم

پیش از نماز فجر و وقتی که بنهید جامهای خود

مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلوٰةِ الْعِشَاءِ ثَلٰثُ

از نیمروز و از پس نماز عشا این ساعت

عَوْرٰتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ

خلوتست برای شما نیست بر شما و نه برایشان بزه بعد ازینها

طَوّٰفُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلىٰ بَعْضٍ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ

در آیند کان بر شما بعض شما بر بعض همچنین است بیان میکند

اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَاِذَا بَلَغَ

خدا برای شما آیات و خدا داننده باحکمت و چون برسد

الْاَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَاْذِنُوا كَمَا اسْتَاْذَنَ

اطفال از شما بحد احتلام پس دستوری طلب کنند چنانکه میطلبیدند

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ

آنانکه پیش ازایشان بودند همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات او

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّٰتِي لَا

و خدا دانا باحکمت و کلان سال از زنان آنانکه

يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ اَن يَّضَعْنَ

توقع ندارند نکاح پس نیست برایشان بزه اگر فرو نهند

ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجٰتٍ بِزِينَةٍ وَاَن يَّسْتَعْفِفْنَ

جامهای خود را نه ظاهر کنند آرایش و اگر پرهیزکاری کنند

خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ لَيْسَ عَلَى الْاَعْمىٰ

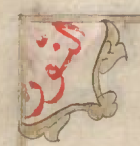
بهتر باشد ایشانرا و خدا شنوا دانا نیست بر نابینا

حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيضِ

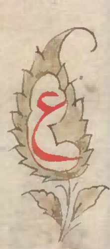
گناه و نه بر لنگ بزه و نه بر مریض

حَرَجٌ وَّلَا عَلىٰ اَنفُسِكُمْ اَن تَاْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ

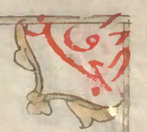
گناه و نه بر ذات شما که بخورید از خانهای خویش



او بيوت ابائكم او بيوت امهتكم او بيوت
یا خانهاے پدران یا خانهاے مادران یا خانهاے
اخوانكم او بيوت اخوتكم او بيوت اعمامكم
برادران یا خانهاے خواهران یا خانهای عمهای خویش
او بيوت عمتكم او بيوت اخوالكم او بيوت
یا خانهاے عمهای خویش یا خانهای خالهای خویش یا خانهای
خلتكم او ما ملكتم مفاتحه او صديقكم ليس
خالهای خویش یا خانه که بتصرف شماست کلید های او یا خانهای دوست خویش نیست
عليكم جناح ان تاكلوا جميعا او اشتاتا فاذا
بر شما بزه که بخورید همه یا متفرق پس چون
دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عند
در آیید بخانه ها پس سلام گویید بر قوم خویش دعای خیر از نزدیک
الله مبركة طيبة كذلك يبين الله لكم الايت
پروردگار با برکت پاکیزه همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات را



لعلكم تعقلون انما المؤمنون الذين امنوا
بود که بفهمید جز این نیست که مومنان آنانکه گرویدند
بالله ورسوله واذا كانوا معه على امر
بخدا و رسول او و چون باشند با وی بر کاری
جامع لم يذهبوا حتى يستاذنوه ان الذين
جمع کردن ایشان نروند تا آنکه دستوری طلبند هر آینه آنانکه
يستاذنونك اولئك الذين يؤمنون بالله
دستوری طلبند از تو آن جماعه آنانکه ایمان آورده اند بخدا
ورسوله فاذا استاذنوك لبعض شانهم فاذن
و رسول او پس اگر دستوری طلبند ترا برای بعضے دستوری ده
لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان الله
هر کرا خواهی از ایشان و آمرزش طلب کن برای ایشان از خدا هر آینه خدا



غفور رحيم ۝ لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم

آمرزنده مهربان | مسازيد طلبيدن رسول درميان خويش

كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم الله الذين

مانند طلبيدن بعض از شما بعض ديگر را هرآينه ميداند خدا آنانرا كه

يتسللون منكم لواذا فليحذر الذين يخالفون عن

ميروند بيرون پنهان از شما پناه جويان بايد كه بترسند آنانكه خلاف كنند از

أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

حكم او برسد بايشان بلائى يا برسد بايشان عذاب دردناك

ألا إن لله ما في السموات والأرض قد يعلم

آگاه شو كه خدا راست آنچه در آسمانها و زمين هرآينه ميداند

ما أنتم عليه ويوم يرجعون إليه فينبئهم

آنچه شما بر آنيد و روزيكه گردانيده شوند بسوى او پس خبر دهد ايشانرا

بما عملوا والله بكل شيء عليم

بانچه كردند و خدا بهر چيز داناست

سورة الفرقان سبع و سبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشنده مهربان

تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون

بسيار با بركتست آنكه فرود آورد قرآنرا بر بنده خود تا باشد

للعلمين نذيرا ۝ الذي له ملك السموات و

عالميانرا ترساننده آنكه مراوراست پادشاهى آسمانها و

الأرض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك

زمين و نگرفت فرزند و نيست او را شريك

في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا

در پادشاهى و بيافريد هر چيزى را پس اندازه كرد او را باندازه

واتخذوا من دونه آلهة لا يخلقون شيئا

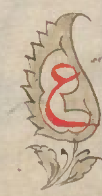
و گرفتند بجز خدا معبودان ديگر كه نمى آفرينند چيزى را

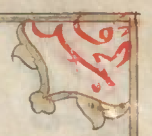


هم



وهم يخلقون ۝ ولا يملكون لانفسهم ضرا ولا نفعا
وایشان آفریده میشوند ونمیتوانند بنفس خود زیانی ونه سودی
ولا يملكون موتا ولا حيوة ولا نشورا ۝ وقال
ونمیتوانند مرگ را ونه زندگانی را ونه برانگیختن وگفتند
الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه واعانه
کافران نیست این مگر دروغی که بربافته است ازا ویاری کرد
عليه قوم اخرون ۝ فقد جاء وظلما وزورا ۝
بروی گروه دیگر پس بعمل آوردند وستم ودروغ را
وقالوا اساطير الاولين اكتتبها فهي تملى
وگفتند افسانهای پیشینیانست که برای خود نوشته است پس آن خوانده میشود
عليه بكرة واصيلا ۝ قل انزله الذي يعلم
بروی صبح وشام بگو فرود آورده است ازا کی میداند
السر في السموت والارض انه كان غفورا
پنهان در آسمانها وزمین هراینه اوهست آمرزنده
رحيما ۝ وقالوا مال هذا الرسول ياكل الطعام
مهربان وگفتند چیست این پیغامبر را میخورد طعام
ويمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك
ومیرود در بازارها چرا فرستاده نشد بسوی وی فرشته
فيكون معه نذيرا ۝ او يلقى اليه كنز او تكون
تا باشد همراه وی ترساننده یا چرا نه بسوی وی گنجی یا چرا نیست
له جنة ياكل منها وقال الظلمون ان تتبعون
اورا باغی میخورد ازان وگفتند ستمکاران اگر پیروی میکنید
الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف ضربوا لك الامثال
مگر مردی جادو زده ببین چگونه داستانها زدند در حق تو
فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۝ تبارك الذي ان
پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی بزرگوارست آنکه اگر





شآءَ جَعَلَ لَكَ خَيرًا مِّن ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجرِي مِن

خواهد بدهد ترا بهتر ازین . بوستانها میرود از

تَحتِهَا الأَنهٰرُ وَيَجعَل لَّكَ قُصُورًا ۞ بَل كَذَّبُوا

زیر ان جویها و بدهد ترا محلهاے بلند . بلکه دروغ شمردند

بِالسَّاعَةِ وَأَعتَدنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

قیامت را اماده ساختیم . برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را

إِذَا رَأَتهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا

چون به بینند ایشانرا از جاے دور بشنوند ازوی اوازخشم خوردن

وَزَفِيرًا ۞ وَإِذَا أُلقُوا مِنهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ

و غریدن و چون انداخته شوند ازان مکان تنگ دست و پا بسته

دَعَوا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۞ لَا تَدعُوا اليَومَ ثُبُورًا وَاحِدًا

بد دعا کنند انجا بر خویش بهلاک . بد دعا مکنید امروز هلاک . بیک

وَادعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۞ قُل أَذٰلِكَ خَيرٌ أَم جَنَّةُ

و بد دعا کنید هلاک بسیار . بگو ایا این بهتر است یا بهشت

الخُلدِ الَّتِي وُعِدَ المُتَّقُونَ كَانَت لَهُم جَزَآءً وَ

جاوید که وعده داده شده است متقیانرا باشد ایشانرا پاداش و

مَصِيرًا ۞ لَهُم فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خٰلِدِينَ كَانَ عَلٰى

جای بازگشت . ایشانراست انجه خواهید جاویدان هست بر

رَبِّكَ وَعدًا مَّسئُولًا ۞ وَيَومَ يَحشُرُهُم وَمَا يَعبُدُونَ

پروردگار تو وعده طلبیده شده . وانروز که جمع کند ایشانرا و انانکه میپرستند

مِن دُونِ اللّٰهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُم أَضلَلتُم عِبَادِي

بجز خدا . پس گوید ایا شما گمراه کردید بندگان مرا

هٰٓؤُلَآءِ أَم هُم ضَلُّوا السَّبِيلَ ۞ قَالُوا سُبحٰنَكَ مَا

یا ایشان بخود غلط کرده اند راه را . گویند پاکے یاد کنیم ترا

كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِن أَولِيَآءَ

نباشد ما را هیچ سزاوار که دوست گیریم . بجز تو دوستی

ولكن

ولكن متعتهم وآباءهم حتى نسوا الذكر
ولیکن بهره مند ساختی ایشانرا وپدران ایشانرا تا فراموش کردند پند
وكانوا قوما بورا ۝ فقد كذبوكم بما تقولون
وشدند گروه هلاک شده پس هر آینه دروغ داشتند در آنچه میگفتید
فما تستطيعون صرفا ولا نصرا ومن يظلم
پس نمیتوانند دفع کردن عذاب و نه یاری دادن و هر که ستم کرده باشد
منكم نذقه عذابا كبيرا ۝ وما أرسلنا قبلك من
از شما بچشانیمش عذاب بزرگ و نفرستادیم پیش از تو از
المرسلين إلا إنهم ليأكلون الطعام ويمشون
پیغامبران مگر که ایشان میخوردند طعام و میرفتند
في الأسواق وجعلنا بعضكم لبعض فتنة
در بازارها و ساختیم بعض شما را در حق بعض ابتلا
أتصبرون وكان ربك بصيرا ۝ وقال الذين
آیا صبر میکنید و هست پروردگار تو بینا و گفتند آنانکه
لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة
توقع ندارند ملاقات ما را چرا فرستاده نشد بر ما فرشتگان را
أو نرى ربنا لقد استكبروا في أنفسهم و
یا چرا نبینیم پروردگار خود را هر آینه بزرگ شدند در غم خویش و
عتو عتوا كبيرا ۝ يوم يرون الملائكة لا بشرى
سرکشی کردند سرکشی بزرگ روزی که ببینند فرشتگان را هیچ مژده نیست
يومئذ للمجرمين ويقولون حجرا محجورا ۝ و
آنروز گناهکاران را و گویند که باز داشته شوید و
قدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
متوجه شدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس ساختیم آنرا مانند ذره های
منثورا ۝ أصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا و
پراکنده اهل بهشت آنروز بهتر دارند قرارگاه و

الجزء التاسع عشر
١٩
ع ١٠

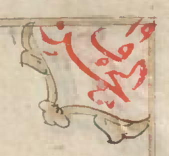


أَحْسَنُ مَقِيلًا ۝ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ
نیکوتر از باعتبار و روزیکه بشکافد آسمان بسبب ابر و
نُزِّلَ الْمَلَٰئِكَةُ تَنْزِيلًا ۝ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ
فرود آورده شوند فرشتگان فرود آوردنی پادشاهی آنروز ثابت است
لِلرَّحْمَٰنِ ط وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝ وَيَوْمَ
و باشد آنروز روز دشوار بر کافران و روزیکه
يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ
بگزد ظالم دست خود را میگوید ای کاش گرفتمی
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۝ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ
با پیغامبر راه ای وای بر من کاشکی دوست نگرفتمی
فُلَانًا خَلِيلًا ۝ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ
فلانرا دوست هر آینه گمراه کرد مرا از پند بعد از آنکه
إِذْ جَاءَنِي ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۝
آمده بود بمن و هست شیطان مر انسانرا در محنت گذارنده
وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا
و گفت پیغامبر ای پروردگار من هر آینه قوم من این قرآن
الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ۝ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ
متروک ساختند و همچنین ساختیم هر پیغامبر
عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ط وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا
دشمنی از گناهکاران و بس است پروردگار تو راه نمای
وَنَصِيرًا ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ
و نصرت دهنده و گفتند کافران چرا فرود آورده نشد براو
الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ج كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ
قرآن بیک دفعه همچنین استوار سازیم بآن
فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۝ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ
دل ترا و خواندیم باهستگی و نیارند پیش تو مانند





إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۝ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ
مگر بیاریم راست را و نیکوتر در بیان انانکه زیر انگیخته شوند
عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا
بر رویهای خویش بسوی دوزخ آن جماعه بدترند باعتبار مکان
وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
و غلط کننده اند از راه و دادیم موسی را کتاب
وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا
و ساختیم با او برادر او هارون وزیر پس گفتیم بروید
إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا
بسوی آن قوم که دروغ شمردند آیات مارا پس هلاک ساختیم هلاک ساختنی
وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَ
و قوم نوح چون دروغ شمردند پیغامبران را غرق ساختیم ایشان را
جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا
گردانیدیم ایشان را برای مردمان نشانه و مهیا کردیم برای ستمکاران عذاب
أَلِيمًا ۝ وَعَادًا وَثَمُودَا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا
دردناک و هلاک عاد و ثمود و اصحاب رس را و طبقات بسیار را
بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ۝ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَ
میان ایشان بسیار و برای هر یکی بیان کردیم داستان هر یکی و
كُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ۝ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي
هلاک ساختیم هلاک گردانی و هر اینه رسیده اند بر دیهیکه
أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ
باران داده شد بروی باران بد آیا میشدند دیدند آن را
كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ۝ وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ
توقع نمیداشتند برانگیختن و چون ببینند ترا نگیرند ترا
إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۝ إِنْ
الا مسخره آیا این شخصی است برانگیخت خدا پیغامبر هر اینه



كاد ليضلنا عن الهتنا لولا ان صبرنا عليها و
نزدیک بود که گمراه کند ما را از خدایان ما اگر نه آن بودی که صبر کردیم بر آن و
سوف يعلمون حين يرون العذاب من اضل
خواهند دانست چون ببینند عذاب را که کیست غلط کننده
سبيلا ۝ ارايت من اتخذ الهه هويه افانت
راه را آیا ندیدی آن را که گرفته است خواهش نفس خود را آیا تو
تكون عليه وكيلا ۝ ام تحسب ان اكثرهم
باشی بروی نگاهبان آیا می پنداری که بیشتر ایشان
يسمعون او يعقلون ان هم الا كالانعام بل
می شنوند و می فهمند نیستند ایشان مگر مانند چهارپایان بلکه
هم اضل سبيلا ۝ الم تر الى ربك كيف مد
ایشان غلط کننده تر اند راه را آیا ندیدی بسوی پروردگار خود چگونه دراز کرد
الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس
سایه و اگر خواستی گردانیدی آن را آرمیده باز گماشتیم آفتاب را
عليه دليلا ۝ ثم قبضنه الينا قبضا يسيرا ۝
بروی راهنمای باز فرا گرفتیم بسوی ما فرا گرفتنی آسان
وهو الذى جعل لكم اليل لباسا والنوم سباتا
و او است آنکه ساخت برای شما شب را پوششی و خواب راحتی
وجعل النهار نشورا ۝ وهو الذى ارسل الريح
و گردانیدیم روز را وقت برخاستن و او است آنکه فرستاد باد
بشرا بين يدى رحمته وانزلنا من السماء ماء
مژده دهنده پیش رحمت او و فرستادیم از آسمان آبی
طهورا لنحيى به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا
پاک تا زنده سازیم بآن شهر مرده را تا بنوشانیم آن را از آنچه آفریدیم
انعاما واناسى كثيرا ۝ ولقد صرفنه بينهم
چهارپایان را و مردم بسیار و هر آینه گوناگون بیان کردیم میان ایشان



ليذكروا



لیذکروا فابی اکثر الناس الا کفورا ۝ ولو
تا پند پذیر شوند پس قبول نکردند اکثر مردمان مگر ناسپاسی واگر

شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیرا ۝ فلا تطع الکفرین
میخواستیم بفرستادیم در هر دیهی ترساننده پس فرمان مبر کافران را

وجاهدهم به جهادا کبیرا ۝ وهو الذی مرج
و جهاد کن با ایشان جهاد بزرگ واوست انکه در امیخت

البحرین هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج
دو دریارا این یک اب شیرین دافع تشنگی واین شوریده بدمزه

وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا ۝ وهو الذی
وکرد ایند میان این هردو حجابی وسدی مضبوط واوست انکه

خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان
افرید از اب ادمی پس ساخت ازان نسبت وخداوند قرابت و هست

ربک قدیرا ۝ ویعبدون من دون الله ما لا
پروردگار تو توانا ومیپرستند بجز خدا چیزیرا که

ینفعهم ولا یضرهم وکان الکافر علی ربه ظهیرا
نفع ندهد بایشان وضرر نرساند بدیشان وهست کافر بر مخالفت پروردگار پشتی دهنده

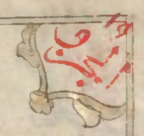
وما ارسلنک الا مبشرا ونذیرا ۝ قل ما
ونفرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم کننده بگو نمیطلبم

اسئلکم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ
بر تبلیغ قران مزدی مگر هرکه خواهد که بگیرد

الی ربه سبیلا ۝ وتوکل علی الحی الذی
بسوی پروردگار خود راه را و توکل کن بران زنده که هرگز

لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده
نمیرد و پاکی یاد کن همراه ستایش او وبس است وی بگناهان بندگان

خبیرا ۝ الذی خلق السموت والارض وما
خبردار انکه افرید اسمانها و زمین وانچه



بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

در میان انها در شش روز باز مستقر شد بر عرش

الرَّحْمَٰنُ فَسْئَلْ بِهِ خَبِيرًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا

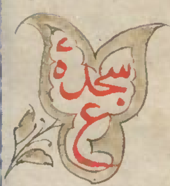
خدا پس بپرس بان دانای و چون گفته میشود بکافران سجده کنید

لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ

رحمن را گویند چیست رحمن که سجده کنیم چیزی را که تو میفرمایی

زَادَهُمْ نُفُورًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ

زیاده گردانید ایشانرا رمیدن بزرگوار است انکه ساخت در اسمان



بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۝ وَهُوَ

برجها و ساخت دران چراغ را وافتاب را روشن و او است

الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ

انکه ساخت شب و روز جانشین یکدیگر برای کسیکه

أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝ وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ

خواهد پند گرفتن یا خواهد شکر گذارے و بندگان خدا

الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ

انانند میروند بر زمین باهستگی و چون سخن گویند

الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۝ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ

نادانان گویند سلام بر شما باد و انانکه شب میگذرانند برای

بروردگار

سُجَّدًا وَقِيَامًا ۝ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ

سجده و قیام و انانکه میگویند ای پروردگار ما بازدار

عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۝

از ما عذاب دوزخ هراینه عذاب دوزخ لازم شونده است

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝ وَالَّذِينَ إِذَا

هراینه دوزخ بد ارامگاه است و بد مقام و انانکه چون

أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ

نفقه کنند اسراف نمایند و تنگ نگیرند و هست میان جانبین

قواما

قواما ۝ والذين لا يدعون مع الله الها اخر و
معتدل و آنانکه نمیپرستند با خدا معبود دیگر و

لا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و
نمیکشتند هیچ نفسی اگر حرام کرد خدا مگر بحق و

لا يزنون ومن يفعل ذلك يلق اثاما يضعف
زنا نکنند و هرکه بکند این کار برخورد عقوبت دشوار دو چند

له العذاب يوم القيمة ويخلد فيه مهانا ۝
مراو را عذاب روز قیامت و جاوید ماند دران خوار کرده شده

الا من تاب وامن وعمل عملا صالحا فاولئك
مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته پس الجماعه

يبدل الله سياتهم حسنت وكان الله غفورا
بدل سازد خدا بدیهای ایشان را به نیکیها و هست خدا آمرزنده

رحيما ۝ ومن تاب وعمل صالحا فانه يتوب الى
مهربان و هرکه توبه کند و کار شایسته بجا آرد هر آینه وی رجوع کند

الله متابا ۝ والذين لا يشهدون الزور واذا
بخدا رجوع کردن و آنانکه گواهی دروغ نمیدهند و چون

مروا باللغو مروا كراما ۝ والذين اذا ذكروا
بگذرند بر بیهوده بگذرند بروش بزرگان و آنانکه چون پند داده شوند

بايت ربهم لم يخروا عليها صما وعميانا ۝ والذين
بآیات پروردگار ایشان نه افتند بران نشنیدن و ندیدن و آنانکه

يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذريتنا
میگویند ای پروردگار ما ببخش مارا از زنان ما و فرزندان ما

قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ۝ اولئك
روشنی چشم و بکن مارا متقیان را پیشوا الجماعه

يجزون الغرفة بما صبروا ويلقون فيها تحية
جزا داده شود محل بلند بانکه صبر کردند و برخورانیده شود دران

وَسَلٰمًا ۝ خٰلِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝
و سلام جاویدان دران نیک آرامگاه است و نیک مقام

قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ
بگو باك ندارد بشما پروردگار من اگر نباشد عبادت شما هر آینه بدروغ

فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ۝
پس البته باشد جزا آن لازم

سورة الشعراء مكية وهي مائتان وسبع وعشرون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

طسٓمٓ ۝ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِينِ ۝ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ
این آیات کتاب روشنست شاید که هلاک کننده

نَّفْسَكَ اَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ اِنْ نَّشَاْ نُنَزِّلْ
خویشتن را آنکه مسلمانی نمیشوند اگر خواهیم فرود آریم

عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ اٰيَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا
بر ایشان از آسمان نشانه پس شود گردن ایشان پیش آن

خٰضِعِينَ ۝ وَمَا يَاْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمٰنِ
نیایش کننده و نمی آید بدیشان هیچ پندی از جانب پروردگار

مُحْدَثٍ اِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ۝ فَقَدْ كَذَّبُوا
بدید آورده مگر بباشند ازان روی گرداننده پس ثابت شد دروغ شمردند

فَسَيَاْتِيهِمْ اَنْبٰٓؤُا مَا كَانُوا بِهٖ يَسْتَهْزِءُونَ ۝ اَوَلَمْ يَرَوْا
پس خواهد آمد بایشان وعده که بان تمسخر میکردند آیا ندیده اند

اِلَى الْاَرْضِ كَمْ اَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۝
بسوی زمین چقدر رویانیدیم دران از هر جنس نیک

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝
هر آینه درین ماجرا نشانه است و نیستند بیشتر ایشان مسلمانان

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَاِذْ نَادٰى رَبُّكَ
و هر آینه پروردگار تو همانست غالب مهربان و آنگاه که آواز داد پروردگار تو

ربع

ع

ع

الشعراء

مُوسَىٰٓ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّلِمِينَ ۝ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا

موسی را که بیا پیش قوم ستمکاران قوم فرعون آیا

يَتَّقُونَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۝ وَ

پرهیزکاری گفت ای پروردگار من هر اینه بترسم از آنکه دروغ شمرند مرا و

يَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ

تنگ شود سینه من و جاری نگردد زبان من پس بفرست

إِلَىٰ هَرُونَ ۝ وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۝

بسوی هارون و بر گناه هست پس بترسم که بکشند مرا

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَتِنَآ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ۝

گفت نه چنین است پس هر دو بروید با نشانهای ما هر اینه ما با شما شنونده ایم

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَلَمِينَ ۝

پس بیایید بفرعون پس بگویید هر اینه ما فرستاده پروردگار عالمها ایم

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ ۝ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ

که بفرست با ما بنی اسرائیل گفت آیا پرورش نکردیم

فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ۝

در میان اهل خویش و درنگ کردی در ما از عمر خود سالها

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَفِرِينَ ۝

و کردیم آن کردار را که آنگاه ما از گمراهان بودیم

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّآلِّينَ ۝ فَفَرَرْتُ

گفت کردیم وقتی که من بودم از گمراهان پس بگریختم

مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي

از پیش شما چون بترسیدم پس عطا کرد مرا پروردگار من و ساخت مرا

مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ

از پیغامبران و آیا این نعمتی است که منت می نهی بر من که بنده کردی

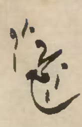
بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَلَمِينَ ۝

بنی اسرائیل گفت فرعون و چیست پروردگار عالمها



قَالَ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ
گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه درمیان آنهاست اگر هستید
مُوقِنِينَ ۝ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ اَلَا تَسْتَمِعُونَ ۝ قَالَ
یقین آرنده گفت از آنکه حوالی او بود آیا نمی‌شنوید گفت
رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِينَ ۝ قَالَ اِنَّ رَسُولَكُمُ
پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین گفت هر آینه فرستاده شما
الَّذِىٓ اُرْسِلَ اِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ۝ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ
که فرستاده شده بسوی شما دیوانه است گفت پروردگار مشرق
وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۝
و مغرب و آنچه درمیان آنهاست اگر هستید دریابید
قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ اِلٰهًا غَيْرِى لَاَجْعَلَنَّكَ مِنَ
گفت اگر گرفتی خدا غیر مرا البته بکنم ترا از
الْمَسْجُونِينَ ۝ قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ ۝ قَالَ
زندانیان گفت آیا بزندان کنی بچیزی روشن گفت
فَأْتِ بِهٖٓ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ۝ فَاَلْقٰى عَصَاهُ
بیار آنرا اگر از راست گویانی پس انداخت عصای خود
فَاِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَاِذَا هِىَ
پس ناگهان وی اژدهای آشکارا و برآورد دست خود را پس ناگهان
بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِينَ ۝ قَالَ لِلْمَلَاِ حَوْلَهُٓ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ
سپید بود برای بینندگان گفت بجماعتی که حوالی او بودند این شخص جادوگر
عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهٖ
داناست میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما بسحر خود
فَمَاذَا تَاْمُرُونَ ۝ قَالُوٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَابْعَثْ
پس چه سخن میفرمایید گفتند موقوف دار اورا و برادرش را و بفرست
فِى الْمَدَآئِنِ حٰشِرِينَ ۝ يَاْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ
در شهرها نقیبان را تا بیارند پیش تو جادوگر دانا

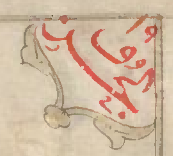




فجمع السحرة لميقات يوم معلوم وقيل للناس
پس جمع کرده شد ساحران بمیعاد روزی معین وگفته شد بردمان
هل انتم مجتمعون لعلنا نتبع السحرة ان كانوا
ایا شما جمع شونده اید بود که ما پیروی ساحران اگر باشند
هم الغلبين فلما جاء السحرة قالوا لفرعون ائن
ایشان غالب شوند پس چون حاضر شدند ساحران گفتند فرعون را ایا
لنا لاجرا ان كنا نحن الغلبين قال نعم وانكم
ما مزدی بود اگر ما غالب شویم گفت اری وهراینه شما
اذا لمن المقربين قال لهم موسى القوا ما انتم
انگاه از مقربان باشید گفت مرایشانرا موسی بیفگنید انچه شما
ملقون فالقوا حبالهم وعصيهم وقالوا بعزة
افگننده اید پس انداختند رسنهای خودرا وعصاهای خودرا وگفتند قسم بعزت
فرعون انا لنحن الغلبون فالقى موسى عصاه
فرعون هراینه ما البته غالبیم پس انداخت موسی عصای خودرا
فاذا هي تلقف ما يافكون فالقي السحرة سجدين
پس ناگهان فرو میبرد انچه دغابازی میکردند پس انداخته شد ساحران سجده
قالوا امنا برب العلمين رب موسى وهرون
گفتند ایمان اوردیم بپروردگار عالمها پروردگار موسی وهارون
قال امنتم له قبل ان اذن لكم انه لكبيركم
گفت فرعون ایمان اوردید بوی پیش از انکه دستوری دهم شمارا هراینه وی مهتر
الذي علمكم السحر فلسوف تعلمون لاقطعن
که بیاموخت شمارا جادو پس خواهید دانست البته ببرم
ايديكم وارجلكم من خلاف ولاوصلبنكم
دستهای شما و پایهای شما بخلاف یکدیگر والبته بردار کنم شمارا
اجمعين قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون
همه یکجا گفتند هیچ زیان نیست هراینه بسوی پروردگار خود گردنده ایم

کنان

شماست





بندگان مرا

إنا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطايانا أن كنا أول
هر آینه تو طمع داریم که بیامرزد بما پروردگار ما گناهان ما اگر شدیم اول
المؤمنين ۝ وأوحينا إلى موسى أن أسر بعبادي
مسلمانان و وحی فرستادیم بسوی موسی که بوقت شب روان کن
إنكم متبعون ۝ فأرسل فرعون في المدائن حاشرين
هر آینه شما تعاقب کرده شوید پس فرستاد فرعون در شهرها یقیناً
إن هؤلاء لشرذمة قليلون ۝ وإنهم لنا لغائظون
هر آینه بنی اسرائیل گروهی اند اندک و هر آینه ما را بخشم آورده اند
وإنا لجميع حاذرون ۝ فأخرجناهم من جنات وعيون
و هر آینه ما جماعتیم سلاح پوشیده پس بیرون کردیم ایشان را از بوستانها و چشمه‌ها
وكنوز ومقام كريم ۝ كذلك وأورثناها
و گنجها و منزل نیک همچنین کردیم و میراث دادیم
بني إسرائيل ۝ فأتبعوهم مشرقين ۝ فلما تراءا الجمعان
بنی اسرائیل پس خلاف ایشان کردند بوقت اشراق پس چون دید هر دو گروه
قال أصحاب موسى إنا لمدركون ۝ قال كلا إن معي
گفت یاران موسی هر آینه ما را رسیدند گفت نه چنین است هر آینه
ربي سيهدين ۝ فأوحينا إلى موسى أن اضرب
پروردگار منست راه خواهد نمود مرا پس وحی فرستادیم بسوی موسی که بزن
بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم
بعصای خود دریا را پس بشکافت پس شد هر پاره مانند کوه بزرگ
وأزلفنا ثم الآخرين ۝ وأنجينا موسى ومن معه
و نزدیک آوردیم آنجا آن دیگران را و خلاص ساختیم موسی و هر که همراه وی
أجمعين ۝ ثم أغرقنا الآخرين ۝ إن في ذلك
همه پس غرق ساختیم آن دیگران را هر آینه در این
لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ۝ وإن ربك
نشانه است و نبودند بیشتر ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو

یامن


هو





لهو العزيز الرحيم ۝ واتل عليهم نبا ابرهيم اذ قال

هر اينه او است غالب مهربان و بخوان برايشان خبر ابراهيم چون گفت

لابيه وقومه ما تعبدون ۝ قالوا نعبد اصناما

مر پدر خود را و قوم خود را چه چيز مي پرستيد گويند پرستيم بتان را

فنظل لها عكفين ۝ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ۝

پس پيوسته باشيم بران مجاورت كننده گفت آيا بشنوند از شما چون ميخوانيد

او ينفعونكم او يضرون ۝ قالوا بل وجدنا

يا نفع رسانند شما را او زيان گفتند بلكه يافتيم ما

اباءنا كذلك يفعلون ۝ قال افرءيتم ما كنتم

پدران خود را همچنين ميكردند گفت آيا ديديد آنچه

تعبدون ۝ انتم واباؤكم الاقدمون ۝

مي پرستيديد شما و پدران پيشين شما

فانهم عدو لي الا رب العلمين ۝ الذي خلقني

هر اينه ايشان دشمنان من مگر پروردگار عالمها آنكه بيافريد مرا

فهو يهدين ۝ والذي هو يطعمني ويسقين ۝

پس راه نمايد مرا و آنكه او طعام ميخوراند و مي آشاماند

واذا مرضت فهو يشفين ۝ والذي يميتني

و چون بيمار شوم پس شفا ميدهد و آنكه بميراند مرا

ثم يحيين ۝ والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي

باز زنده گرداند و آنكه توقع دارم كه بيامرزد مرا گناه مرا

يوم الدين ۝ رب هب لي حكما والحقني بالصلحين ۝

روز قيامت پروردگارا عطا كن مرا و لاحق كن مرا با شايستگان

واجعل لي لسان صدق في الاخرين ۝ و

و پديد آر براي من ذكر نيك در پسينان و

اجعلني من ورثة جنة النعيم ۝ واغفر لابي

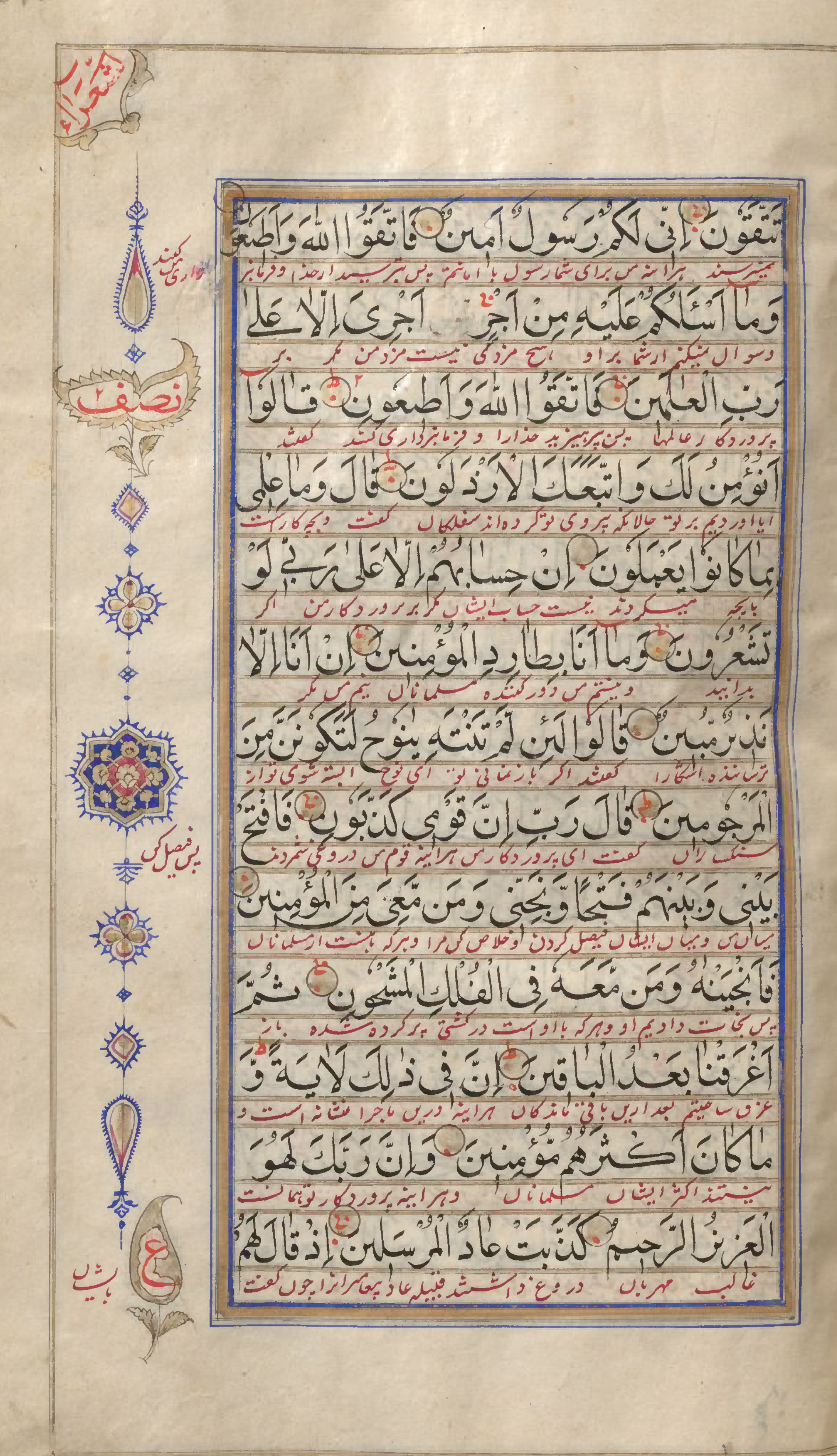
بكن مرا وارثان بهشت با نعمت و بيامرز مر پدر مرا

إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّآلِّينَ ۝ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
هر اینه او بود از گمراهان و رسوا مکن مرا روزیکه
يُبْعَثُونَ ۝ يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا مَنْ أَتَى
برانگیخته شوند روزیکه فایده ندهد مال و نه فرزندان مگر آنکه بیارد پیش
اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝
خدا دل بی عیب را و نزدیک گرده شود بهشت برای متقیان
وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۝ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ
و ظاهر نموده اند دوزخ برای گمراهان و گفته شد با ایشان کجاست آنچه
تَعْبُدُونَ ۝ مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ
میپرستیدید بجز خدا آیا نصرت میدهند شما را یا
يَنتَصِرُونَ ۝ فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۝ وَجُنُودُ
خود انتقام میکشند پس برروی انداخته شوند دران بتان و گمراهان و لشکرهای
إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ۝ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۝ تَاللَّهِ
ابلیس همه یکجا گویند و ایشان آنجا بایکدیگر مکابره میکنند بخدا
إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
هر اینه ما بودیم در گمراهی ظاهر چون برابر میساختیم با پروردگار عالمها
وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۝ فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ ۝
و گمراه نکردند ما را مگر بدکاران پس نیست ما را شفاعت کننده
وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۝ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ
و نه دوست مهربان پس کاش ما را یکبار رجوع باشد پس شویم از
الْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۚ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم
مسلمانان هر اینه درین ماجرا نشانه هست و نیستند بیشترین ایشان
مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ
مسلمانان و هر اینه پروردگار تو همانست غالب مهربان دروغ شمرد
قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا
قوم نوح پیغامبران را چون گفت با ایشان برادر ایشان نوح آیا

مکرر



تتقون



الشعراء

نصف

تتقون إني لكم رسول أمين فاتقوا الله وأطيعون
پرهیز نکنید هرآینه من برای شما رسول با امانتم پس بپرهیزید از خدا و فرمانبر
وما أسألكم عليه من أجر إن أجري إلا على
و سوال نمیکنم از شما بر او هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر
رب العالمين فاتقوا الله وأطيعون قالوا
پروردگار عالمها پس بپرهیزید از خدا و فرمانبرداری کنید گفتند
أنؤمن لك واتبعك الأرذلون قال وما علمي
آیا ایمان آوریم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند سفلگان گفت و چه کار است
بما كانوا يعملون إن حسابهم إلا على ربي لو
بانچه میکردند نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر
تشعرون وما أنا بطارد المؤمنين إن أنا إلا
بدانید و نیستم من دورکننده مسلمانان نیستم من مگر
نذير مبين قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من
ترساننده آشکارا گفتند اگر باز نمانی تو ای نوح البته شوی تو از
المرجومين قال رب إن قومي كذبون فافتح
سنگسار کرده شدگان گفت ای پروردگار من هرآینه قوم من دروغ شمردند
بيني وبينهم فتحا ونجني ومن معي من المؤمنين
میان من و میان ایشان فیصل کردن و خلاص کن مرا و هر که با منست از مسلمانان
فأنجيناه ومن معه في الفلك المشحون ثم
پس نجات دادیم او و هر که با او است در کشتی پر کرده شده باز
أغرقنا بعد الباقين إن في ذلك لآية وما
غرق ساختیم بعد از این باقی ماندگان هرآینه درین ماجرا نشانه است و
كان أكثرهم مؤمنين وإن ربك لهو
نیستند اکثر ایشان مسلمانان و هرآینه پروردگار تو همانست
العزيز الرحيم كذبت عاد المرسلين إذ قال لهم
غالب مهربان دروغ داشتند قبیله عاد پیغامبران را چون گفت

ع



اخوهم هود الا تتقون ۝ انی لكم رسول امين

برادر ایشان هود ایا نمی ترسید هر اینه من برای شما پیغامبر با امانتم

فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من

پس بترسید از خدا و فرمانبرداری کنید و سوال نمیکنم از شما بر وی

اجر ان اجری الا علی رب العلمين ۝ اتبنون

مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمها ایا عمارت میکنید

بكل ريع اية تعبثون ۝ وتتخذون مصانع

بهر بلندی علامتی بی فایده و می سازید محلهای استوار

لعلكم تخلدون ۝ واذا بطشتم بطشتم جبارين

گویا جاوید خواهید ماند و چون دست میکشائید دست میکشائید ستمکار شده

فاتقوا الله واطيعون ۝ واتقوا الذی امدكم

پس بترسید از خدا و فرمانبرید و بترسید از انکه امداد کرد شما

بما تعلمون ۝ امدكم بانعام وبنين ۝ وجنت

بانچه میدانید امداد کرده است بچهارپایان و فرزندان و بوستانها

وعيون ۝ انی اخاف عليكم عذاب يوم عظيم

و چشمه ها هر اینه من میترسم بر شما از عذاب روز بزرگ

قالوا سواء علينا اوعظت ام لم تكن من

گفتند یکسانست بر ما که پند دهی یا نباشی از

الوعظين ۝ ان هذا الا خلق الاولين ۝ وما نحن

پند دهندگان نیست این مگر عادت پیشینیان و نیستیم

بمعذبين ۝ فكذبوه فاهلكنهم ان فی ذلك

عذاب کرده شدگان پس دروغ داشتند پس هلاک ساختیم هر اینه در این ماجرا

لاية وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك

نشانه است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان و هر اینه پروردگار تو

لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت ثمود المرسلين ۝ اذ قال

همانست غالب مهربان دروغ شمردند قبیله ثمود پیغامبران ازان چون گفت





الشعراء

لهم أخوهم صالح ألا تتقون إني لكم رسول أمين
ایشان برادر ایشان صالح ایا نمی‌ترسید هر اینه برای شما فرستاده با امانتم
فاتقوا الله وأطيعون وما أسئلكم عليه من
پس بترسید از خدا و فرمان برید و سوال میکنم از شما بروی از
أجر إن أجري إلا على رب العالمين أتتركون
مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمها ایا این گذاشته خواهید شد
في ما هاهنا آمنين في جنات وعيون وزروع
در اینجا اینجاست ایمن در بوستانها و چشمه‌ها و کشت
ونخل طلعها هضيم وتنحتون من الجبال بيوتا
و خرماستانی که شکوفه آن نازکست و میتراشید از کوهها خانه‌ها
فرهين فاتقوا الله وأطيعون ولا تطيعوا
استادکار شده پس بترسید از خدا و فرمان برید و فرمان مبرید
أمر المسرفين الذين يفسدون في الأرض
فرمان از حد گذشتگان آنانکه فساد میکنند در زمین
ولا يصلحون قالوا إنما أنت من المسحرين
و اصلاح نمینمایند گفتند جز این نیست که تو از جادوزدگانی
ما أنت إلا بشر مثلنا فأت بآية إن كنت من
نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار نشانه که از
الصادقين قال هذه ناقة لها شرب ولكم
راستگویانی گفت این ماده شتریست وی را یک نوبت آب
شرب يوم معلوم ولا تمسوها بسوء فيأخذكم
نوبت روز معین و دست مرسانید بعقوبت که آنگاه
عذاب يوم عظيم فعقروها فأصبحوا نادمين
عذاب روز بزرگ پس پی زدند او را پس گشتند پشیمان
فأخذهم العذاب إن في ذلك لآية وما كان
پس درگرفت ایشان را عذاب هر اینه درین ماجرا نشانه است و نبودند

وخرما

خورد نست وشمارا

درگیرد شمارا





أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
اكثر ايشان را مومنان نلد وهر اينه پروردگار تو هر اينه غالب

الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ
مهربانست دروغ شمردند قوم لوط پيغامبران را چون گفت ايشان را

أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
برادر ايشان لوط آيا نمى‌ترسيد هر اينه من براى شما پيغامبر با امانتم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
پس بترسيد از خدا و فرمان بريد وسوال نميكنم از شما بروى هيچ

أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَأْتُونَ
مزدى نيست مزد من مگر بر پروردگار عالمها آيا ميرويد

الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ
بسوى مردان از عالم وميگذاريد آنچه آفريده است

لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ
براى شما پروردگار شما از زنان شما بلكه شما گروهى از حد گذشته ايد

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ
گفتند اگر باز نمانى تو اى لوط هر اينه باشى از بيرون كردگان

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ۝ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي
گفت هر اينه من مر عمل شما را از دشمنانم پروردگارا نجات ده مرا و كسان مرا

مِمَّا يَعْمَلُونَ ۝ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عَجُوزًا
آنچه ميكنند پس نجات داديم او را وكسان او را همگى مگر پيره زنى

فِي الْغَابِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا
كه بود از باقى ماندگان باز هلاك ساختيم آن ديگران را وبارانيديم

عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
بر ايشان بارانى پس بد است باران ترسانيدگان هر اينه درين

لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ
نشانه است ونبودند بيشترين ايشان مسلمانان وهر اينه پروردگار تو





لهو العزيز الرحيم كذب اصحب ليكة المرسلين

هما سنت غالب مهربان دروغ شمردند ناشنده كان ايكه پيغامبران را

اذ قال لهم شعيب الا تتقون انى لكم رسول

چون گفت با ايشان شعيب ايا نمى ترسيد هر اينه من براى شما پيغامبر

امين فاتقوا الله واطيعون وما اسئلكم

با امانتم پس بترسيد از خدا و فرمان بريد و سوال نميكنم از شما

عليه من اجر ان اجرى الا على رب العلمين

بروى هيچ مزدى نيست مزد من مگر بر پروردگار عالمها

اوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرين وزنوا

تمام بپيمايد پيمانه را و مباشيد از زيان دهندگان و بسنجيد

بالقسطاس المستقيم ولا تبخسوا الناس اشياءهم

بترازوى راست و مكاهيد مردمان را اشياء ايشان را

ولا تعثوا فى الارض مفسدين واتقوا الذى

و تباه مكرديد در زمين فساد كنان و بترسيد از خدا كه

خلقكم والجبلة الاولين قالوا انما انت من

او بيافريد شما را و خلايق پيشينيان را گفتند جز اين نيست كه تو از

المسحرين وما انت الا بشر مثلنا وان نظنك

جادو زدگانى و نيستى تو مگر آدمى مانند ما و مى پنداريم ترا

لمن الكذبين فاسقط علينا كسفا من السماء

از دروغگويان پس بيفكن بر ما پاره از اسمان

ان كنت من الصدقين قال ربى اعلم بما

اگر از راست گويانى گفت پروردگار من داناتر است بآنچه

تعملون فكذبوه فاخذهم عذاب يوم الظلة

ميكنيد پس دروغ داشتند او را گرفت ايشان را عذاب روز سايبان

انه كان عذاب يوم عظيم ان فى ذلك لاية

هر اينه وى بود عذاب روز بزرگ هر اينه درين نشانه است



وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
و نبود بیشتر ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو او است غالب

الرَّحِيمُ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ
مهربان بسنت و هر آینه قرآن فرود آورده پروردگار عالمهاست فرود آورد



الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ
جبرئیل بر دل تو تا شوی از ترسانندگان

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ
بزبان عربی روشن و هر آینه خبر دی در صحیفهای پیشینان

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ
آیا نیست برای ایشان نشانه که بدانند عالمان بنی اسرائیل

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ
و اگر فرود آوردیم بر بعض عجمیان پس بخواندی بر ایشان

مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي
نبودندی بوی باور دارندگان همچنین در آوردیم انکار در

قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا
دل گناه کاران ایمان نیارند بقرآن تا که ببینند

الْعَذَابَ الْأَلِيمَ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
عذاب درد دهنده پس بیاید بدیشان ناگهان و ایشان بیخبر باشند

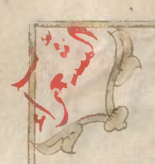
فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ
پس گویند آیا مهلت داده شویم آیا بعذاب ما شتاب میکنند

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا
آیا دیدی که اگر بهره مند سازیم ایشان را سالها باز بیاید بدیشان آنچه

يُوعَدُونَ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ وَ
ترسانیده میشدند چه چیز دفع کند از سر ایشان بهره مند بودن ایشان و

مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ذِكْرَىٰ
و هلاک نکردیم هیچ دیهی مگر او را بیم کنندگان بودند پند دادن





وما كنا ظلمين وما تنزلت به الشيطين و
و نبوديم ستمكاران و فرود نياوردند قرآن را شيطانان و

ما ينبغي لهم وما يستطيعون انهم عن السمع
سزاوار نيست ايشان را و نمى توانستند هر اينه ايشان از شنيدن

لمعزولون فلا تدع مع الله الها اخر فتكون
دور كرده شدگانند پس مخوان با خدا معبودان ديگر را

من المعذبين وانذر عشيرتك الاقربين
از عذاب كردگان و بيم كن قبيله نزديك خود را

واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين
و پست كن بازوى خود را آنانكه پيروى تو كردند از مسلمانان

فان عصوك فقل انى برىء مما تعملون و
پس اگر نافرمانى كنند هر اينه من بيزارم از آنچه شما ميكنيد و

توكل على العزيز الرحيم الذى يريك
توكل كن بر غالب مهربان آنكه مى بيند ترا

حين تقوم وتقلبك فى السجدين انه هو
چون بر ميخيزى و گرديدن تو در ميان سجده كنندگان هر اينه وى

السميع العليم هل انبئكم على من تنزل
شنوا دانا آيا خبر كنم شما را بر چه كس فرود مى آيند

الشيطين تنزل على كل افاك اثيم يلقون
شيطانان فرود مى آيند بر هر دروغگوى گنه كارى مى افكنند

السمع واكثرهم كذبون والشعراء يتبعهم
گوش و بيشترين دروغگويانند و شاعران پيروى ايشان

الغاون الم تر انهم فى كل واد يهيمون و
گمراهان ميكنند آيا نديدى كه ايشان در هر بيابانى سرگردان شوند و

انهم يقولون ما لا يفعلون الا الذين امنوا
و آنكه ايشان ميگويند آنچه نميكنند مگر آنانكه ايمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّلِحٰتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا
وگروند کارهای شایسته و یاد کنند خدا را بسیار و انتقام کشیدند
مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
بعد از آنکه مظلوم شدند و خواهند دانست آنانکه ظلم کردند کدام
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ
بازگشت بازخواهند گشت

سورة النمل مكية وهي ثلث وتسعون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ هُدًى
اینها آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت
وَبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ
و مژده برای مسلمانان آنانکه برپا میدارند نماز را
وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
و میدهند زکوة را و ایشان بآخرت یقین می‌آرند
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ
آنانکه ایمان نمی‌آرند بآخرت آراسته ایم برای ایشان
أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوٓءُ
کردارهای ایشان سرگردان میشوند آن گروه ایشانند آنانکه
الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ
سختی عذاب و ایشان در آخرت ایشانند زیانکارتر
وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ إِذْ
بدرستیکه تو داده میشوی قرآن را از نزدیک خدای استوار دانا
قَالَ مُوسٰى لِأَهْلِهِ إِنِّي اٰنَسْتُ نَارًا سَاٰتِيكُمْ
چون گفت موسی باهل خود بدرستیکه من دیده ام آتشی خواهم آورد
مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ اٰتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ
شعله دربهم فراگرفته باشد که گرمی حاصل کنید شاید که

ثلثه

ع

تصطلون



تصطلون فلما جاءها نودي أن بورك من

گرمی حاصل کنید پس چون رسید بانش آواز کرده که برکت داده

في النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمين

که در آتش است و کسیکه حوالی ویست و پاکست خدا پروردگار عالمها

يموسى إنه أنا الله العزيز الحكيم وألق عصاك

ای موسی هر آینه اینست که من خدای غالب با حکمتم بیفکن عصای خود

فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا و

پس چون دید جنبید گویا ماریست روی بگردانید و

لم يعقب يموسى لا تخف إني لا يخاف لدي المرسلون

بازگشت ای موسی مترس نزدیک من پیغامبران

إلا من ظلم ثم بدل حسنا بعد سوء فإني

لیکن ستم کرد باز عوض کرد نیکی بعد بدی هر آینه من

غفور رحيم وأدخل يدك في جيبك تخرج

آمرزنده مهربانم و در آر دست خود را در گریبان خود بیرون آید

بيضاء من غير سوء في تسع آيات إلى فرعون

سفید شده از غیر عیب در نه معجزه بسوی فرعون

وقومه إنهم كانوا قوما فسقين فلما جاءتهم

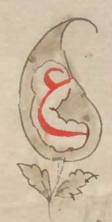
و قوم او هر آینه ایشان بودند گروه فاسق پس آنگاه آمد بایشان

آيتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين وجحدوا

نشانهای ما روشن شده گفتند این سحر ظاهر است و انکار

بها واستيقنتها أنفسهم ظلما وعلوا فانظر

ان از روی ستمکاری نفس ایشان پس بنگر



كيف كان عاقبة المفسدين ولقد آتينا

چگونه بود عاقبت مفسدان و هر آینه دادیم

داود وسليمن علما وقالا الحمد لله الذي فضلنا

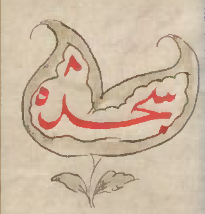
داود سلیمان را علم و گفتند ستایش خدا که فضل داد

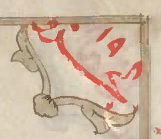


عَلٰى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ
بر بسیاری از بندگان مومن ووارث شد سلیمان
دَاوُدَ وَقَالَ يٰاَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ
داود را وگفت ای مردمان اموخته شد گفتار مرغان
وَاُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ
وداده شد مارا از هر نعمتی هراینه این است فضل
الْمُبِينُ ۝ وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
ظاهر وبهم اورده شد برای سلیمان لشکرهای او از جن وادمیان
وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝ حَتّٰى اِذَا اَتَوْا عَلٰى
ومرغان پس ایشان جماعه ایستاده کرده میشد تاکه رسیدند بر
وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يٰاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا
بیابان موران گفت مورچه ای مورچگان درایید
مَسٰكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
بجای های خود نشکند شمارا سلیمان ولشکرهای او و
لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ
نادانسته پس خندان تبسم کرد از گفتار مورچه وگفت
رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ
ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر نعمت تو که انعام کرده
عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ
برمن وبر پدر ومادر من که بجای ارم کردار شایسته خشنود شوی
وَاَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصّٰلِحِينَ ۝ وَ
ودرار مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایسته و
تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا اَرَى الْهُدْهُدَ
بازجست احوال مرغان پس گفت چیست مرا نمی بینم هدهد
اَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۝ لَاُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا
آیا هست از غایب شدگان هراینه عقوبت کنم عقوبت سخت

او

اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهٗٓ اَوْ لَيَاْتِيَنِّيْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝ فَمَكَثَ
یا ذبح کنم اورا یا ابیست که بیارد حجت ظاهر پس توقف کرد
غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ
مدتی دور پس گفت در گرفتم بچیزی که در گرفته بان و در آوردم
مِنْ سَبَاٍۭ بِنَبَاٍ يَّقِيْنٍ ۝ اِنِّيْ وَجَدْتُّ امْرَاَةً
از قبیله خبری تحقیقی را هر آینه یافتم که زنی
تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَّلَهَا عَرْشٌ
پادشاهی میکند برایشان و داده شده است از هر چیزی و او را تختی است
عَظِيْمٌ ۝ وَجَدْتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُوْنَ لِلشَّمْسِ
بزرگ یافتم که و قوم او سجده میکنند آفتاب را
مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ
بجز خدا و آراسته است برای ایشان شیطان کردارهای ایشان
فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُوْنَ ۝ اَلَّا
پس باز داشت ایشان را از راه پس ایشان راه نمی یابند آیا
يَسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمٰوٰتِ وَ
سجده کنند خدایرا که بیرون می آرد پوشیده در آسمانها و
الْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ۝ اَللّٰهُ
زمین و میداند آنچه پنهان میدارید و آشکار میکنید خدا
لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ۝ قَالَ سَنَنْظُرُ
نیست هیچ معبودی بجز او پروردگار عرش بزرگ گفت خواهیم دید
اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝ اِذْهَبْ بِّكِتٰبِيْ
آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان ببر این نامه
هٰذَا فَاَلْقِهْ اِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا
پس بینداز انرا بسوی ایشان باز روی بگردان از ایشان پس بنگر چگونه
يَرْجِعُوْنَ ۝ قَالَتْ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّيْٓ اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰبٌ
جواب میدهند گفت بلقیس ای جماعه رئیسان هر آینه انداخته شد بسوی من نامه





كِتَٰبٌ كَرِيمٌ إِنَّهُۥ مِن سُلَيْمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسْمِ ٱللَّهِ
نامه گرامی این نامه از جانب سلیمان است و این نامه بنام خدا
ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا۟ عَلَىَّ وَأْتُونِى مُسْلِمِينَ
بخشاینده مهربان که تکبر مکنید بر من و بیائید پیش من مسلمان شده
قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُا۟ أَفْتُونِى فِىٓ أَمْرِى مَا كُنتُ
گفت بلقیس ای جماعه بزرگان جواب دهید مرا در تدبیر من نیستم

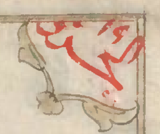


قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ قَالُوا۟ نَحْنُ أُو۟لُوا۟
فیصل کننده هیچ کاری تا که حاضر شوید گفتند ما خداوند
قُوَّةٍ وَأُو۟لُوا۟ بَأْسٍ شَدِيدٍ وَٱلْأَمْرُ إِلَيْكِ
توانائیم و خداوند کارزار سخت و تدبیر مفوض بسوی تست
فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ قَالَتْ إِنَّ ٱلْمُلُوكَ إِذَا
پس درنگر چه میفرمائی گفت هر اینه پادشاهان چون
دَخَلُوا۟ قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوٓا۟ أَعِزَّةَ أَهْلِهَآ
در آیند بدهی خراب کنند او را و سازند عزیزان اهل او را
أَذِلَّةً وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم
رسوا و همچنین میکنند و هر آینه من فرستنده ام بسوی ایشان
بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌۢ بِمَ يَرْجِعُ ٱلْمُرْسَلُونَ فَلَمَّا جَآءَ
تحفه پس بینم بچه چیز باز می آیند فرستادگان پس چون آمد
سُلَيْمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ
پیش سلیمان گفت ایا امداد میکنید مرا بمالی پس آنچه عطا کرده است خدا
خَيْرٌ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ
بهتر است از آنچه عطا کرده است بشما بلکه شما بتحفه خویش شادمان شوید
ٱرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا
باز رو بسوی ایشان پس بیاریم بر ایشان لشکرها که طاقت نباشد ایشانرا بان
وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَآ أَذِلَّةً وَهُمْ صَٰغِرُونَ قَالَ يَٰٓأَيُّهَا
و هر اینه برون کنیم ایشانرا ازان خوار باشند رسوا شده گفت سلیمان

الملؤا ايكم ياتيني بعرشها قبل ان ياتوني
عزیزان کدام یک از شما می آرد پیش من تخت اورا پیش از انکه بیایند
مسلمين ۝ قال عفريت من الجن انا اتيك به
مسلمان شده گفت نهشتی از جن من بیارمش
قبل ان تقوم من مقامك واني عليه لقوي
پیش از انکه برخیزی از جای خود و من بران توانایی
امين ۝ قال الذي عنده علم من الكتب انا
با امانتم گفت انکه نزدیک او بود علم از کتاب من
اتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك فلما
بیارمش پیش از انکه باز گردد بسوی تو چشم تو پس چون
راه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربي
دید ارا قرار گرفته نزدیک خویش گفت این از فضل پروردگار منست
ليبلوني ءاشكر ام اكفر ومن شكر فانما
تا امتحان کند مرا شکر گذاری میکنم یا ناسپاس میباشم هر که شکر گذاری کند
يشكر لنفسه ومن كفر فان ربي غني كريم
شکر میکند برای نفع خود و هر که ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز
قال نكروا لها عرشها ننظر اتهتدي ام
گفت متغیر سازید برای او تخت اورا بنگریم ایا راه شناخت یا
تكون من الذين لا يهتدون ۝ فلما جاءت
میشود از انانکه راه نمی یابند پس چون بیامد
قيل اهكذا عرشك قالت كانه هو واوتينا
گفت شد ایا همچنین تخت تو گفت گویا وی همانست و داده شد
العلم من قبلها وكنا مسلمين ۝ وصدها
دانش پیش ازین و هستیم مسلمان و باز داشت
ما كانت تعبد من دون الله انها كانت من
ازانچه عبادت میکرد بجز خدا هر آینه وی بود از

پس جز این نیست

کرم کننده



قوم كافرين ۝ قيل لها ادخلي الصرح فلما رأته
گروه کافران گفته شد بوی که در آی در این کوشک پس چون دید او را
حسبته لجة وكشفت عن ساقيها قال انه
پنداشت آن را حوض آب و جامه برداشت از دو ساق گفت این
صرح ممرد من قوارير ۝ قالت رب اني ظلمت
کوشکیست بی نقش درخشان آبگینه گفت بلقیس ای پروردگار من ستم کردم
نفسي واسلمت مع سليمن لله رب العلمين
نفس امرا و اسلام آوردم با سلیمان برای خدا پروردگار عالمها
ولقد ارسلنا الى ثمود اخاهم صلحا ان اعبدوا
و هر آینه فرستادیم بسوی ثمود برادر او صالح که عبادت کنید
الله فاذا هم فريقن يختصمون ۝ قال يقوم لم
خدا را پس ناگهان دو گروه خصومت میکردند گفت ای قوم من چرا
تستعجلون بالسيئة قبل الحسنة لولا
شتاب طلب کنید سختی را پیش از راحت چرا نه
تستغفرون الله لعلكم ترحمون ۝ قالوا
طلب آمرزش کنید از خدا بود رحم کرده شوید بر شما گفتند
اطيرنا بك وبمن معك قال طئركم عند
شگون بد گرفتیم از تو و از آنکه همراه تو اند گفت شگون بد شما نزدیک
الله بل انتم قوم تفتنون ۝ وكان في المدينة
خدا بلکه شما قومی هستند امتحان کرده شده و بودند در آن شهر
تسعة رهط يفسدون في الارض ولا يصلحون
نه کس که فساد میکردند در زمین و اصلاح نمی نمودند
قالوا تقاسموا بالله لنبيتنه واهله ثم
گفتند با یکدیگر قسم خدا خورده که البته شبخون بزنیم برا و و اهل او باز
لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله وانا
خواهیم گفت وارث او را حاضر نبودیم وقت هلاک شدن اهل او و البته ما



لصدقون

لصدقون ۝ ومكروا مكرا ومكرنا مكرا و

راست گویانیم و بدسگالی کردند بحیله و بدسگالی کردیم با نوعی از

هم لا يشعرون ۝ فانظر كيف كان عاقبة مكرهم

وایشان نمیدانند پس بنگر چگونه بود عاقبت بد اندیشی ایشان

انا دمرنهم وقومهم اجمعين ۝ فتلك بيوتهم

که ما هلاک کردیم و قوم ایشان همه پس اینست خانهای ایشان

خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية لقوم

خالی مانده بانکه ستم کردند هر اینه درین نشانه است برای گروهی

يعلمون ۝ وانجينا الذين امنوا وكانوا يتقون

میدانند و نجات دادیم آنانکه ایمان آوردند و بودند پرهیزکاری

ولوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة و

و فرستادیم لوط را چون گفت بقوم خود آیا بعمل می آرید کار زشت را و

انتم تبصرون ۝ ائنكم لتاتون الرجال شهوة

شما می بینید آیا شما می آیید بر مردان بشهوت

من دون النساء بل انتم قوم تجهلون ۝ فما

بجز زنان بلکه شما قوم نادانید پس بود

كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا ال

جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید اهل خانه

لوط من قريتكم انهم اناس يتطهرون ۝ فانجينه

لوط از دیه خویش هر اینه ایشان مردم پاکی طلب اند پس نجات دادیم

واهله الا امراته قدرنها من الغبرين ۝ و

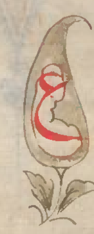
و اهل او را مگر زنش را که معین کردیم از باقی ماندگان و

امطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرين ۝ قل

باران بارانیدیم برسر ایشان بارانی پس بد است باران ترسانیدگان بگو

الحمد لله وسلم على عباده الذين اصطفى الله

سپاس خدایراست و سلام بر بندگان او که برگزیده است آیا خدا

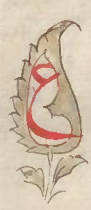


خير اما يشركون ۝ امن خلق السموت والارض
بهتر است یا آنکه شریک می آرند که بیافرید آسمانها و زمین
وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به حدائق
و فرود آورد برای شما از آسمان آب پس رویانیدیم بآن بوستانها
ذات بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها ءاله
با تازگی خوش نبود شما را که برویانید درختهای آن آیا معبودی
مع الله بل هم قوم يعدلون ۝ امن جعل الارض
با خدا بلکه ایشان گروهی اند که کج میروند نه بلکه ساخت زمین را
قرارا وجعل خللها انهرا وجعل لها رواسى
قرارگاه و پیدا کرد درمیان آن جویها و ساخت بران کوهها
وجعل بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل
و پیدا کرد میان دو دریا حجاب آیا معبودی هست با خدا بلکه
اكثرهم لا يعلمون ۝ امن يجيب المضطر اذا
بیشتری ایشان نمیدانستند نه بلکه قبول کند از درمانده چون
دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء الارض
بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشین در زمین
ءاله مع الله قليلا ما تذكرون ۝ امن يهديكم
آیا معبود دیگر با خدا اندکی که سخن می پذیرید نه بلکه راه مینماید
فى ظلمت البر والبحر ومن يرسل الريح بشرا
در تاریکیهای بیابان و دریا و هرکه میفرستد بادها را مژده دهنده
بين يدى رحمته ءاله مع الله تعلى الله عما يشركون
پیش رحمت خود آیا معبودی با خدا است برتر است خدا از آنکه شریک
امن يبدؤا الخلق ثم يعيده ومن يرزقكم
که نو میکند آفرینش باز دیگر بار و که روزی میدهد شما را
من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا
از آسمان و زمین آیا معبودی با خدا است بگو بیارید

برهانكم



برهانكم ان كنتم صدقين قل لا يعلم من في
دلیل خود اگر هستند راست گوی بگو نمیداند هر که در
السموت والارض الغيب الا الله وما يشعرون
آسمان و زمین غیب را مگر خدا و نمیدانند
ايان يبعثون بل ادرك علمهم في الاخرة
که کی برانگیخته شود بلکه پیوسته در پی علم ایشان در آخرت
بل هم في شك منها بل هم منها عمون وقال
بلکه ایشان در شک از آن بلکه ایشان از آن نابینا اند وگفت
الذين كفروا ءاذا كنا ترابا واباؤنا ائنا
کافران چون شویم خاکی و پدران ما نیز آیا ما



لمخرجون لقد وعدنا هذا نحن واباؤنا من
بیرون آورده گانیم هر آینه وعده داده شد باین مارا و پدران
قبل ان هذا الا اساطير الاولين قل سيروا
پیش ازین نیست مگر افسانه های پیشینان بگو سیر کنید
في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين
در زمین پس بنگر چگونه بود عاقبت گنه کاران
ولا تحزن عليهم ولا تكن في ضيق مما يمكرون
و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه سگالیدند
ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صدقين
و میگویند کی باشد این وعده اگر راست گویند
قل عسى ان يكون ردف لكم بعض الذي
بگو شاید که باشد نزدیک مر شما را بعض آنچه
تستعجلون وان ربك لذو فضل على الناس
شتاب میطلبند و هر آینه پروردگار تو خداوند فضل است بر مردمان
ولكن اكثرهم لا يشكرون وان ربك
و لیکن بسیار مردمان شکر نمیکنند و هر آینه پروردگار تو



ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون ۝ وما من
مي داند انچه ميكنند سينه ايشان و انچه ظاهر نمايند و نيست هيچ
غائبة في السماء والارض الا في كتب مبين
پوشيده در اسمان و زمين مگر در كتاب روشن
ان هذا القران يقص على بني اسراءيل اكثر
هر اينه اين قران بيان ميكند بر بني اسرائيل بيشترين
الذي هم فيه يختلفون ۝ وانه لهدى ورحمة
انچه ايشان دران اختلاف ميكردند و هر اينه وي هدايت و رحمت
للمؤمنين ۝ ان ربك يقضي بينهم بحكمه و
براي مسلمانان هر اينه پروردگار تو فيصل كند ميان ايشان بحكم خود و
هو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله انك على
او است غالب دانا پس توكل كن بر خدا هر اينه تو بر
الحق المبين ۝ انك لا تسمع الموتى ولا تسمع
دين راستي هر اينه نمي تواني شنوانيد مردگان را و نمي تواني شنوانيد
الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين ۝ وما انت بهدي
كران را اواز خواندن چون روي بگردانند و نيستي تو راه نماينده
العمي عن ضللتهم ان تسمع الا من يؤمن باياتنا
كوران از گمراهي خويش نمي شنواني مگر كسي را كه ايمان اورد
فهم مسلمون ۝ واذا وقع القول عليهم اخرجنا
پس ايشان گردن نهادگانند و چون تحقق شد قول بر ايشان بيرون اريم
لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس كانوا
براي ايشان جانوري از زمين كه سخن گويد انكه مردمان بودند
باياتنا لا يوقنون ۝ ويوم نحشر من كل امة
باياتها يقين نمي اوردند و روزيكه برانگيزيم از هر امتي
فوجا ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون حتى
فوجي از انانكه دروغ ميشمردند ايات ما را پس ايشان تا كه

بايات

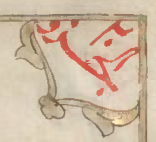


اذا



ازروی علم

اذا جاءو قال اكذبتم بايتي ولم تحيطوا بها علما
چون آمد گفت آیا دروغ داشتید آیات من و در نگرفته بودید بان
اما ذا كنتم تعملون ووقع القول عليهم بما
یا چکار میکردید و ثابت شد وعده عذاب بر ایشان
ظلموا فهم لا ينطقون الم يروا انا جعلنا اليل
بسبب ستم کردن پس این جماعة سخن نمیگویند که ما کرده ایم شب را
ليسكنوا فيه والنهار مبصرا ان في ذلك لايت
تا آرام گیرند دران و روز روشن شده هر آینه درین نشانهاست
لقوم يؤمنون ويوم ينفخ في الصور ففزع من
برای گروهی که باور میدارند و روزی که دمیده شود در صور پس مضطرب شوند
في السموت ومن في الارض الا من شاء
در آسمان و هر که در زمین است مگر هر که خواهد
الله وكل اتوه دخرين وترى الجبال
خدا و هر یکی بیایند خوار شده و بینی کوهها
تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله
پنداری آنرا برجای ایستاده و میرود ابر دستکاری خدا
الذي اتقن كل شيء انه خبير بما تفعلون
که ساخت دستوری هر چیز هر آینه وی اخبردار است باچه میکنید
من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع
هر که بیارد نیکی پس او را بهتر باشد ازان و ایشان از اضطراب
يومئذ امنون ومن جاء بالسيئة فكبت
آنروز ایمن باشند و هر که بیارد بدی نگونسار کرده
وجوههم في النار هل تجزون الا ما كنتم
روی ایشان در آتش آیا جزا داده شود مگر دو فی الجمه
تعملون انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة
میکردید جز این نیست که عبادت کنم خداوند این شهر را



الذی حرمها وله کل شیء وامرت ان اکون من

آنکه تحریم ساخت و بتصرف اوست هر چیز و فرموده که باشم از

المسلمین وان اتلوا القرءان فمن اهتدی

مسلمانان و فرموده شد امرا بخوانم قرآن پس هر که راه می یابد

فانما یهتدی لنفسه ومن ضل فقل انما انا

جز این نیست که راه نموده شود برای نفس خود و هر که گمراه شد پس بگو جز این نیست که من

من المنذرین وقل الحمد لله سیریکم ءایته

از بیم کنندگان و بگو ستایش مر خدایرا خواهد نمود شمارا آیات خود

فتعرفونها وما ربک بغفل عما تعملون

پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه می کنید

سورة القصص مكية وهي ثمان وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

طسم تلک ءایت الکتب المبین نتلوا علیک

این آیتها کتاب روشن است بخوانیم بر تو



من نبا موسی وفرعون بالحق لقوم یؤمنون

بعض خبر موسی و فرعون براستی برای گروهی که باور میدارند

ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها

هر آینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت اهل آنرا

شیعا یستضعف طائفة منهم یذبح ابناءهم

گروه گروه زبون میگرفت جماعه از ایشان میکشت پسران ایشانرا

ویستحیی نساءهم انه کان من المفسدین ونرید

و زنده میگذاشت دختران ایشان هر آینه وی بود از مفسدان و میخواهیم

ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و

نعمت بر آنانکه زبون کرده شدند در زمین و

نجعلهم

256

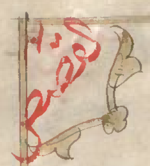
القصص

نجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثين ونمكن لهم
سازیم ایشانرا پیشوا دکنیم ایشانرا وارث و دسترس دهیم ایشانرا
في الأرض ونري فرعون وهامان وجنودهما
در زمین و بنماییم فرعون و هامان و لشکرهای ایشان
منهم ما كانوا يحذرون وأوحينا إلى أم
از ایشان آنچه بودند بیم ترسیدند و الهام فرستادیم بسوی مادر
موسى أن أرضعيه فإذا خفت عليه فألقيه
موسی که شیر بده اورا پس چون بترسی بروی بینداز اورا
في اليم ولا تخافي ولا تحزني إنا رادوه إليك
در دریا و مترس و اندوه مخور هر اینه ما بازرساننده اویم
وجاعلوه من المرسلين فالتقطه آل فرعون
و گرداننده از فرستادگان پس گرفتند اورا اهل فرعون
ليكون لهم عدوا وحزنا إن فرعون وهامان
تا شود برای ایشان دشمن و اندوه هر اینه فرعون و هامان
وجنودهما كانوا خاطئين وقالت امرأت
و لشکرهای ایشان بودند خطا کننده و گفت زن
فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى
فرعون خنکی چشم است مرا و ترا مکشیدش بود که
أن ينفعنا أو نتخذه ولدا وهم لا يشعرون
نفع دهد مارا یا گیریم اورا فرزند و ایشان ندانستند
وأصبح فؤاد أم موسى فارغا إن كادت لتبدي
و گشت دل مادر موسی خالی از صبر هر اینه نزدیک بود که آشکار کند
به لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين
اورا اگر نه ما بستیم بر دل او تا باشد از مسلمانان
وقالت لأخته قصيه فبصرت به عن جنب
و گفت خواهرش را برپی برو پس بدید اورا از دور

ربع

وهم لا يشعرون ۝ وحرمنا عليه المراضع من
زایشان نه بشناداند و حرام گردیم براو شیر دایگان
قبل فقالت هل ادلکم على اهل بيت يکفلونه
پیش از خواهر پس گفت آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه که چیز داری کنند
لکم وهم له نصحون ۝ فرددنه الى امه کى تقر
برای شما و ایشان مراو را نیکخواه پس باز رسانیدیم بسوی مادر خود تا خنک شود
عينها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق و
چشم او و اندوه نخورد تا بداند که وعده خدا راستست و
لکن اکثرهم لا يعلمون ۝ ولما بلغ اشده و
لیکن اکثر ایشان نمیدانند و چون برسید بنهایت جوانی
استوى اتينه حکما وعلما وکذلك نجزى
و درست اندام دادیم او را حکمت و دانش و همچنین جزا میدهیم
المحسنين ۝ ودخل المدينة على حين غفلة
نیکوکاران را و درآمد در شهر وقت بیخبری
من اهلها فوجد فيها رجلين يقتتلن هذا من
از اهل او پس یافت آنجا دو شخص جنگ میکردند این یک
شيعته وهذا من عدوه فاستغاثه الذى
از قوم او و این یک از دشمنان وی پس مدد طلب کرد که
من شيعته على الذى من عدوه فوکزه
از قوم او بود بر آن دیگر که از دشمن او بود پس مشت داد
موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطن
موسی پس بکشتش بروی گفت این کار از کار شیطانست
انه عدو مضل مبين ۝ قال رب انى ظلمت
هر آینه او دشمن گمراه کننده آشکاراست گفت ای پروردگار من هر آینه من
نفسى فاغفر لى فغفر له انه هو الغفور الرحيم ۝
بر خویشتن پس بیامرز مرا پس بیامرزید مر او را هر آینه وی آمرزنده مهربانست

ستم کردم



قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا

گفت ای پروردگار من بحق انعام کردن تو بر من پس هرگز نخواهم بود مددگار

لِّلْمُجْرِمِينَ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ

گناهکاران پس بامداد کرد در شهر ترسان انتظار کنان

فَإِذَا الَّذِي اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ

پس ناگهان مدد طلب کرده دیروز بفریاد رسی میخواندش

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ

گفت بوی موسی هر اینه تو گمراه آشکار پس چون خواست که

أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ

دست دراز کند بآنکه او دشمنست گفت ای موسی

أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًۢا بِالْأَمْسِ

آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی شخصی را دیروز

إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا

نمیخواهی مگر آنکه باشی ستمکار در زمین و نمیخواهی

تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ وَجَآءَ رَجُلٌ

که باشی از نیکوکاران و آمد شخصی

مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ الْمَلَأَ

در آخر شهر شتابان گفت ای موسی هر اینه رئیسان

يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ

مشورت میکنند در حق تو تا بکشند ترا پس بیرون رو هر اینه من برای تو



النَّٰصِحِينَ فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ

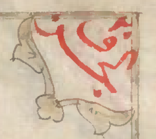
از نیکخواهانم پس بیرون آمد از آن شهر ترسان انتظار کنان گفت پروردگار

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ

برهان مرا از گروه ستمکاران و وقتی که متوجه شد بسوی شهر مدین

قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهْدِيَنِي سَوَآءَ السَّبِيلِ

گفت امید دارم که دلالت کند مرا براه راست



وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ
و چون که رسید باب مدین یافت بران طایفه از مردمان
يَسْقُونَ ۝ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
مینوشانیدند مواشی را و یافت الطرف دا وزن که باز میداشتند گوسفندان
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ
گفت موسی چیست حال شما گفتند ما آب نمی نوشانیم تا آنکه بازگردانیم شبانان
وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ
و پدر ما پیر کلان سال است پس آب نوشانید برای هر دو باز روی آورد بسوی سایه
فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۝
پس گفت ای پروردگار من هر آینه آنچه فرود آری بسوی من از نعمت محتاجم
فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي
پس آمد بموسی یکی ازین دو زن راه میرفت بشرم هر آینه پدر من
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ
میخواند ترا تا بدهد مزد آنکه آب دادی برای ما پس چون موسی بیامد و
قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ
تقریر کرد پیش او قصه را گفت مترس خلاص شدی از
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ
گروه ستمکاران گفت یکی ازین دو دختر ای پدر من در گیر او را
إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ۝ قَالَ إِنِّي
هر آینه بهترین کسی که مزد در گیری توانا با امانت باشد گفت شعیب
أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ
میخواهم که بزنی دهم ترا یکی ازین دو دختر دختر خود بشرط آنکه
تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
مزدوری من کنی هشت سال و اگر تمام کنی ده سال پس از نزد تو
وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ
و نمیخواهم که مشقت افکنم بر تو خواهی یافت مرا اگر خواسته است

هر ایمن

الله



اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا
خدا از شایستگان گفت این عهد میان من و میان تو کدام
الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللّٰهُ عَلٰى
از این دو مدت ادا کنم پس تعدی نباشد بر من و خدا بر
مَا نَقُولُ وَكِيلٌ فَلَمَّا قَضٰى مُوسَى الْأَجَلَ وَ
آنچه میگوییم گواه است پس چون ادا کرد موسی میعاد را و
سَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ
روان شد با اهل خود دید از جانب کوه طور آتشی گفت
لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ
با اهل خود توقف کنید هر آینه دیده ام آتشی امید دارم که بیارم
مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ
از آن خبری یا شعله از آتش بود که شما غسل میکنید
فَلَمَّا أَتٰهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ
پس چون آمد آواز داده شد از کرانه راست میدان
فِي الْبُقْعَةِ الْمُبٰرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يٰمُوسٰى
در جایگاه بابرکت از درخت که ای موسی
إِنِّي أَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِينَ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ
هر آینه من خدایم پروردگار عالمها و آنکه بیفکن عصای خود را
فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلّٰى مُدْبِرًا وَ
پس چون دید حرکت کرد گویا ماریست روی گردانید و
لَمْ يُعَقِّبْ يٰمُوسٰى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ
پشت داده باز نگشت ای موسی پیش آی و مترس هر آینه تو از
الْآمِنِينَ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ
از ایمنان در آر دست خود را در گریبان خود بیرون آید
بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ
سفید شده بغیر عیب و بهم آر به سوی خود بازوی خود را



مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانٰنِ مِنْ رَبِّكَ إِلٰى فِرْعَوْنَ
از ترس پس این هردو نشانه دلیلند از پروردگار تو بسوی فرعون
وَمَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فٰسِقِينَ قَالَ رَبِّ إِنِّي
وجماعت او هرآینه بودند گروه ناسپاسان گفت پروردگارا که من
قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ وَأَخِي
کشته ام از ایشان شخصی را پس میترسم که بکشندم و برادر من
هٰرُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا
هارون او فصیح تر است از من از جهة زبان پس بفرست او را با من مدد کننده
يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ قَالَ سَنَشُدُّ
باور دارد مرا هرآینه میترسم از آنکه دروغ شمرند گفت محکم خواهیم کرد
عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا
بازوی ترا به برادر تو و خواهیم داد شما را غلبه پس نتوانند
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيٰتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ
رسید بسوی شما بآیات ما شما و پیروی شما کرده اید غالب خواهید
فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسٰى بِآيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوا مَا هٰذَا
پس چون آورد موسی به نشانهای ما روشن گفتند نیست این
إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي آبَائِنَا
مگر جادوی بر بسته و نشنیدیم این را در پدران
الْأَوَّلِينَ وَقَالَ مُوسٰى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ
نخستین و گفت موسی پروردگار من داناتر است بهر که آورده
بِالْهُدٰى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عٰقِبَةُ
هدایت از نزدیک خود و هرکه باشد مر او را عاقبت
الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُونَ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
پسندیده هرآینه رستگار نشوند ستمگاران و گفت فرعون
يٰأَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي
ای جماعه ندانسته ام برای شما هیچ خدا غیر من پس آتش بر افروز

يٰهامٰنُ على الطين فاجعل لي صرحا لعلي اطلع
ای هامان بر گل پس بنا کن برای من کوشکی بود که بالا برایم

الى اله موسى واني لاظنه من الكذبين و
بسوی معبود موسی و هر اینه بندارم اورا از دروغگویان و

استكبر هو وجنوده في الارض بغير الحق و
تکبر کرد او و لشکر او در زمین بناحق و

ظنوا انهم الينا لا يرجعون فاخذنه وجنوده
گمان کردند انکه بسوی ما گردانیده نشوند پس گرفتیم اورا و لشکرهای او

فنبذنهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة الظلمين
پس افکندیم ایشان را در دریا پس درنگر چگونه بود عاقبت ظالمان

وجعلنهم ائمة يدعون الى النار ويوم القيمة
و گردانیدیم ایشان را پیشوایان میخوانند بسوی آتش و روز قیامت

لا ينصرون واتبعنهم في هذه الدنيا
یاری داده نشوند و از پی ایشان در این دنیا



لعنة ويوم القيمة هم من المقبوحين ولقد
لعنت و روز قیامت ایشانند از دور ساختگان و هر اینه

اتينا موسى الكتب من بعد ما اهلكنا القرون
دادیم موسی را کتاب از بعد انکه هلاک ساختیم قرنها

الاولى بصائر للناس وهدى ورحمة لعلهم
نخستین دلیل شده برای مردمان و هدایت و رحمت شاید ایشان

يتذكرون وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا
پند پذیر شوند و نبودی بطرف غربی چون باحکام سپاریدیم

الى موسى الامر وما كنت من الشهدين و
بسوی موسی وحی را و نبودی از حاضران و

لكنا انشانا قرونا فتطاول عليهم العمر وما كنت
لیکن ما آفریدیم قرنها را پس دراز شد برایشان عمر و نبودی



ثَاوِيًا فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا
باشنده در اهل مدین میخواندی بر ایشان آیات ما ولیکن بودیم

كُنَّا مُرْسِلِينَ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا
فرستنده و نبودی بطرف طور چون آواز دادیم

وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم
ولیکن بخشایش از پروردگار تو تا بترسانی گروهی که نیامده بود

مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَ
هیچ ترساننده از پیش تو . بود که ایشان پند پذیرند و

لَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
اگر نه بودی که برسد بایشان عقوبتی بآنکه پیش فرستاده است دستهای ایشان

فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ
پس گویند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما پیغامبری تا پیروی کنیم

ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا جَآءَهُمُ
آیات ترا و باشیم از مسلمانان پس چون آمد بدیشان

ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَآ أُوتِيَ مِثْلَ مَآ أُوتِيَ
وحی از نزدیک ما گفتند چرا داده نشد مانند آنچه داده شد

مُوسَىٰٓ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ
موسی را آیا کافر نشده اند بآنچه داده شد موسی را پیش ازین

قَالُوا سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓا إِنَّا بِكُلٍّ كَٰفِرُونَ
گفتند دو ساحرند مددکار یکدیگر و گفتند هرآینه ما بهر یک کافرانیم

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ
بگو بیارید کتابی از نزد خدا که وی راه نماینده تر ازین دو

أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا
تا پیروی کنم اگر هستید راست گوی پس اگر قبول نکنند

لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ
ترا بدانکه جز این نیست پیروی میکنند خواهش نفس خود را و کیست گمراه تر

ممن



ایران



آوردیم







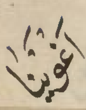


مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰىهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا
کیکه پیروی خواهش نفس کند بدون راهنمای هرآینه خدا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ
راه نمینماید گروه ستمکارانرا ۝ و هرآینه پی در پی اوردیم برای ایشان
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ
تا بود که ایشان پند پذیرند ۝ آنانکه دادیم ایشانرا کتاب
قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُوْنَ ۝ وَاِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ قَالُوْا اٰمَنَّا
پیش از ایشان بوی ایمان میارند ۝ و چون خوانده میشود برایشان گویند ایمان
بِهِ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَا اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِيْنَ ۝
بآن هرآینه وی راستست از پروردگار ما هرآینه ما بودیم پیش از آن اعتقادیم
اُولٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ اَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوْا وَيَدْرَءُوْنَ
آن گروه داده شود ایشانرا مزد ایشان دو بار بآنکه صبر کردند و دفع میکنند
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝ وَ
بخصلت نیک بدی را ۝ و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند و
اِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ اَعْرَضُوْا عَنْهُ وَقَالُوْا لَنَا اَعْمَالُنَا
چون بشنوند بیهوده روی بگردانند ازو و گویند ماراست کردار ما
وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجٰهِلِيْنَ ۝
و شمارا کردارهای شما سلام بر شما باد نمیخواهیم جاهلان
اِنَّكَ لَا تَهْدِيْ مَنْ اَحْبَبْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ
هرآینه تو راه نمی نمایی هرکرا دوست بداری ولیکن خدا راه مینماید
مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ۝ وَقَالُوْا اِنْ
هرکرا خواهد و او داناتر است براه یافتگان ۝ و گفتند
نَّتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ اَرْضِنَا اَوَ
اگر پیروی کنیم هدایت با تو ربوده شویم از زمین خود آیا
لَمْ نُمَكِّنْ لَّهُمْ حَرَمًا اٰمِنًا يُّجْبٰٓى اِلَيْهِ ثَمَرٰتُ كُلِّ
جا ندادیم ایشانرا در حرم با امن کشیده میشود بسوی او میوه از هر جنس



شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم لا يعلمون
روزی از نزدیک ما و لیکن اکثر ایشان نمیدانند
وكم اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك
و بسا هلاک کردیم دیهی را از حد درگذشتند گذران خود پس اینست
مسكنهم لم تسكن من بعدهم الا قليلا وكنا
جای ماندن ایشان مانده نشد بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم
نحن الورثين وما كان ربك مهلك القرى
ما بدست ارنده میراث و نیست پروردگار تو هلاک کننده دیهها
حتى يبعث في امها رسولا يتلوا عليهم
تا انکه بفرستد در قصبه پیغامبری بخواند بر ایشان
ايتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها
ایات ما را و هرگز نیستیم هلاک کننده دیه که اهل ان
ظلمون وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة
ستمکار باشند و هرچه داده شد شما را از هر نوعی پس بهره مندی زندگانی
الدنيا وزينتها وما عند الله خير وابقى
دنیا و ارایش ان و انچه نزدیک خداست بهتر و پاینده تر
افلا تعقلون افمن وعدنه وعدا حسنا
ایا نمیفهمید ایا کسی که وعده دادیمش وعده نیکو
فهو لاقيه كمن متعنه متاع الحيوة الدنيا
پس او دریابنده انست مانند کسی باشد بهره مند ساختیمش منفعت زندگانی دنیا
ثم هو يوم القيمة من المحضرين ويوم يناديهم
باز وی روز قیامت از حاضر کردگانست و روزیکه اواز دهد ایشانرا
فيقول اين شركاءي الذين كنتم تزعمون
پس گوید کجا اند ان شریکان که شما قیامت حاضر کردگانست
قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين
گفتند انانکه ثابت شد بر ایشان حکم ای پروردگار ما اینجماعه انانکه







أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا

گمراه کردیم گمراه کردند ایشان چنانکه خود گمراه شدیم هر اینه ما بسوی تو

كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ۝ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ

بودند مارا پرستند و گفته شود بخوانید شریکان خود را

فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ

پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نکنند و ببینند عذاب

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

کاش ایشان راه یاب بودند و روزیکه آواز دهد ایشان را خدا

فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ

پس گوید چه جواب دادید پیغامبران را پس پوشیده شود بر ایشان

الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ فَأَمَّا مَنْ

خبری ازروز پس ایشان با یکدیگر سوال نکنند پس اما آنکه

تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

توبه نمودند و ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس امید است که باشند

الْمُفْلِحِينَ ۝ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا

از رستگاران و پروردگار تو می آفریند هرچه خواهد و برمی گزیند و

كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

هرگز خواهد نعمت ... خدا پاک است و بلند تر است از آنکه

شریکان می آرند

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

و پروردگار تو میداند آنچه پنهان در سینه های ایشان است و آنچه آشکار کنند

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَ

و اوست خدا نیست معبودی جز او ستایش در دنیا و آخرت و

الْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ قُلْ

و او راست فرمان روایی و بسوی او بازگشت بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ

آیا دیدید که گرداند خدا بر شما شب را پاینده تا

يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بضياء افلا
روز قيامت كيست معبود بجز خدا بيارد بشما روشنى ايا نه

تسمعون قل ارايتم ان جعل الله عليكم النهار
ميشنويد بگو ايا ديديد اگر گرداند خدا برشما روز

سرمدا الى يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم
پاينده تا روز قيامت كيست معبود بجز خدا بيارد بشما

بليل تسكنون فيه افلا تبصرون ومن رحمته
شبى كه ارام گيريد دران ايا نه بينيد وازرحمت خود

جعل لكم اليل والنهار لتسكنوا فيه ولتبتغوا
ساخت براى شما شب وروز تا ارام گيرد درشب وتا روزى

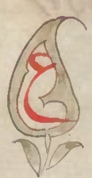
طلب كنيد

من فضله ولعلكم تشكرون ويوم يناديهم
از فضل او وتا شكرگزارى كنيد ودر روزيكه اواز دهد ايشانرا

فيقول اين شركاءى الذين كنتم تزعمون و
پس گويد كجا اند شركان من كه گمان ميكرديد و

نزعنا من كل امة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم
بيرون كشيم از هر امتى گواهى را پس گوئيم بياريد دليل خود

فعلموا ان الحق لله وضل عنهم ما كانوا يفترون
پس بدانند كه حق ثابت خداست وگم كند از ايشان انچه افترا ميكردند



ان قارون كان من قوم موسى فبغى عليهم
هر اينه قارون بود از قوم موسى پس تعدى كرد بر ايشان

واتينه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوا بالعصبة
وداده بوديم اورا از گنج كه كليدهاى وى گرانى ميكرد جماعة

اولى القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا
صاحب توانائى چون گفت مراورا قوم او شادمشو هراينه خدا

يحب الفرحين وابتغ فيما اتىك الله الدار الاخرة
دوست نميدارد شادشوندگان وبجوى درانچه داد ترا خدا دار اخرت

وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا
و فراموش مکن حصه خود را از دنیا و نیکو کاری کن چنانکه

أَحْسَنَ اللّٰهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ
احسان کرده است خدا بر تو و مجوی فساد در زمین هر آینه

اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ
خدا دوست نمیدارد مفسدان را گفت جز این نیست که داده شده ام بر

عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن
دانش نزدیک من آیا ندانست که خدا که خدا هلاک کرد

قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ
پیش از وی از قرنها آن قوم را که توانا تر بود از وی قوة و بیشتر بود

جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ۝ فَخَرَجَ
در جمعیت و پرسیده نمیشوند از گناهان ایشان پس بیرون آمد

عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ
بر قوم خود در آرایش خویش گفت آنانکه طلب کردند

الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ
زندگانی دنیا ای کاش مارا مانند آنچه داده شده است قارون

إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
هر آینه خداوند نصیب بزرگست و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم

وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَ
وای بر شما ثواب آخرت بهتر است هر آنکه ایمان آرد و بکند کار شایسته و

لَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ۝ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ
نرسانید کرده نمیشود مگر صابران پس فرو بردیم و سرای او را

الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ
بزمین پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را بجز

اللّٰهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ۝ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ
خدا و نبود وجودش از انتقام کشندگان و بامداد کردند آنانکه



تمنوا مكانه بالامس يقولون ويكان الله يبسط
آرزو میبردند منزل او دیروز میگفتند ای عجب که خدا گشاده میکند
الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر لولا ان
رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ میسازد اگر نبودی
من الله علينا لخسف بنا ويكانه لا يفلح
انعام کرد خدا بر ما هر اینه فرو بردی ما را ای عجب رستگار نمیشوند
الكفرون ۝ تلك الدار الاخرة نجعلها للذين
کافران این سرای بازپسین مقرر کردیم آنرا برای آنانکه
لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا و
نمی خواهند تکبر در زمین و نه فساد و
العاقبة للمتقين ۝ من جاء بالحسنة فله خير
عاقبت پرهیزگارانراست هر که بیارد نیکی پس او راست بهتر
منها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الذين عملوا
از آن و هر که بیارد بدی پس جزا داده میشود آنانکه بعمل آوردند
السيات الا ما كانوا يعملون ۝ ان الذي فرض
خطایا الا بحسب آنچه میکردند هر اینه خدای نازل کرد
عليك القران لرادك الى معاد قل ربي
بر تو قران بازگرداننده است ترا بسوی جای بازگشت بگو پروردگار
اعلم من جاء بالهدى ومن هو في ضلل
داناتر است هر که آورد هدایت و هر که وی در گمراهی
مبين ۝ وما كنت ترجوا ان يلقى اليك الكتب
روشن و تو نبودی امید که فرود آورده شود بسوی تو کتاب
الا رحمة من ربك فلا تكونن ظهيرا للكفرين
مگر رحمت از پروردگار تو پس هرگز مشو مددکار کافران
ولا يصدنك عن ايت الله بعد اذ انزلت
و باز ندارند ترا از آیات خدا بعد ازانکه فرود آورد





إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بسوی تو ودعوت کن بسوی پروردگار تو وبباش از مشرکان

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ

ومخوان معبود دیگررا با خدا معبود دیگررا نیست هیچ معبودی مگر او هر چیز

هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هلاک شونده است مگر روی او مراوراست فرمان او وبسوی اوست بازگشت

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ۝ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا

آیا پنداشتند مردمان بمجرد آنکه گویند

آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ

ایمان آوردیم وایشان امتحان کردیم وهر آینه امتحان کردیم آنانرا که

قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ

پیش از ایشان بودند پس هر آینه متمیز کند خدا آنکه راست گفتند والبته متمیز کند

الْكَاذِبِينَ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ

دروغگویانرا آیا گمان کردند بعمل آوردند خطاها

أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ مَنْ كَانَ

که پیشدستی کنند بر ما بد چیزیست که بدان حکم میکنند هرکه

يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ

امید داشته شود ملاقات خدا را هر آینه میعاد خدا آینده است واو شنوا

الْعَلِيمُ ۝ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ

دانا وهرکه جهاد کند جز این نیست که جهاد میکند برای نفع خود

إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ

هر آینه خدا بی نیاز است از عالمها وآنانکه ایمان آوردند و

عملوا الصلحت لنكفرن عنهم سياتهم و
کارهای شایسته محو کنیم از سر ایشان خطاهای ایشان و

لنجزينهم احسن الذى كانوا يعملون ووصينا
جزا دهیم ایشان را نیکوترین آنچه میکردند وامر کردیم

الانسان بوالديه حسنا وان جاهداك
آدمی را بپدر و مادر وی نیک معامله واگر کوشش کنند با تو

لتشرك بى ما ليس لك به علم فلا تطعهما الى
تا شریک آری با من آنچه نیست ترا بآن دانش پس فرمانبرداری مکن ایشان را

مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون والذين
بازگشت شما پس خبر دهم شما را بآنچه میکردید وآنانکه

امنوا وعملوا الصلحت لندخلنهم فى الصلحين
ایمان آوردند و کردند کار شایسته هرآینه درآریم ایشان را در زمره صالحان

ومن الناس من يقول امنا بالله فاذا اوذى
واز مردمان کیست که بگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون رنجانیده شد

فى الله جعل فتنة الناس كعذاب الله ولئن
در راه خدا شمرد رنج دادن مردمان را مانند عذاب خدا واگر

جاء نصر من ربك ليقولن انا كنا معكم اوليس
بیاید فتح از پروردگار تو گویند هرآینه ما با شما بودیم آیا نیست

الله باعلم بما فى صدور العلمين وليعلمن
خدا داناتر بآنچه در سینهای عالمهاست وا بسته ممتاز کند

الله الذين امنوا وليعلمن المنفقين وقال
خدا آنانکه ایمان آوردند وا بسته ممتاز کند منافقان را وگفتند

الذين كفروا للذين امنوا اتبعوا سبيلنا
کافران مر آنانکه ایمان آوردند پیروی راه کنید

ولنحمل خطيكم وما هم بحملين من خطيهم من شىء
وبرداریم گناهان شما را ونیستند ایشان بردارنده گناهان ایشان هیچ چیزی

بسوی منست

انهم

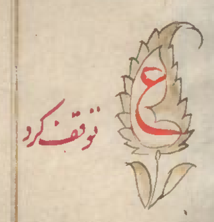


إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ

هرآینه ایشان دروغگویانند وهرآینه بردارند بارهای خویش همراه

أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا

بارهای خویش وسوال کرده شوند روز قیامت از آنچه



توقف کرد

يَفْتَرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ

افترا میکردند وهرآینه فرستادیم نوح را بسوی قوم خود پس

فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ

درایشان هزار سال مگر پنجاه سال پس درگرفت ایشان را

الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ

طوفان وایشان ستمکار بودند پس نجات دادیم و اهل کشتی را

السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَإِبْرَاهِيمَ

کشتی را وساختیم ازنشانه عالمیان وابراهیم

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ

چون گفت مر قوم خود را پرستید خدا و بترسید ازوی این

خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ

بهتر است شما را اگر هستید بیدانید جز این نیست که میپرستید

مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ

بجز خدا بتان را وبرمی بندید دروغ را هرآینه آنانکه

تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ

پرستش میکنند بجز خدا نمیتوانند برای شما

رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَ

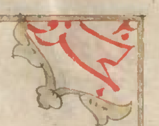
روزی داد را پس طلب کنید ازنزد خدا روزی و پرستش او کنید و

اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَإِن تُكَذِّبُوا

شکر او بسوی او بازگردانیده خواهید شد واگر دروغ پیشمرند

فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا

پس هرآینه دروغ شمرده اند امتهای پیش ازشما و نیست بر پیغمبر مگر



البلاغ المبين ○ أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق
رسانیدن آشکارا آیا نمی‌بینید چگونه نو بنیاد کند خدا آفرینش را

ثم يعيده إن ذلك على الله يسير ○ قل سيروا
باز آفرینش هر آینه و آن کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید

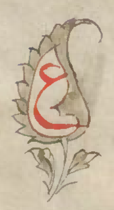
في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله
در زمین پس درنگرید چگونه بود نو کردن آفرینش باز خدا

ينشئ النشأة الآخرة إن الله على كل شيء
پیدا کند آن پیدایش بازپسین هر آینه خدا بر هر چیز

قدير ○ يعذب من يشاء ويرحم من يشاء و
تواناست عذاب کند هر کرا خواهد ورحم کند هر کرا خواهد و

إليه تقلبون ○ وما أنتم بمعجزين في الأرض ولا
بسوی او گردانیده خواهید شد و نیستید شما عاجز شده در زمین و نه

في السماء وما لكم من دون الله من ولي ولا
در آسمان و نیست شما را بجز خدا هیچ دوست و نه



نصير ○ والذين كفروا بآيات الله ولقائه أولئك
یاری و آنانکه کافر شدند بآیات خدا و ملاقات او آن جماعت

يئسوا من رحمتي وأولئك لهم عذاب أليم ○
نومید شدند از رحمت من و آن گروه مرایشان راست عذاب دردناک

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو
پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بکشید

حرقوه فأنجاه الله من النار إن في ذلك لآيات
بسوزانید پس نجات داد خدا از آتش هر آینه در این نشانهاست

لقوم يؤمنون ○ وقال إنما اتخذتم من دون الله
برای گروهی ایمان آرند و گفت جز این نیست که بت گرفته اید بجز خدا

أوثانا مودة بينكم في الحياة الدنيا ثم يوم
بدوستی در میان خود در زندگانی دنیا باز روز

القيمة



الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَّيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ
قيامت نامعتقد شود بعض شما ببعض ولعنت كند بعض شما
بَعْضًا وَّمَاْوٰكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ
بعض را وجاى شما دوزخ است ونيست شمارا هيچ يارى دهنده
فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ وَقَالَ اِنِّىْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّىْ اِنَّهٗ
پس باور داشت ورا لوط وگفت هراينه من هجرت كنم بسوى پروردگار خويش هراينه
هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ وَوَهَبْنَا لَهٗ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ
او غالب باحكمت است وداديم اورا اسحاق ويعقوب
وَجَعَلْنَا فِىْ ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ وَاٰتَيْنٰهُ
ومقرر داشتيم در اولاد او پيغامبرى وكتاب را وداديم
اَجْرَهٗ فِى الدُّنْيَا وَاِنَّهٗ فِى الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ
مزد او در دنيا وهراينه وى در آخرت از شايستگان
وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖٓ اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ
ولوط چون گفت بقوم خود هراينه شما بعمل مى آريد بيحيائى را
مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ اَئِنَّكُمْ
كه پيش دستى كرده است هيچكس را از عالمها آيا شما
لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُوْنَ السَّبِيْلَ وَ
مى آييد بمردان وقطع طريق ميكنيد
تَاْتُوْنَ فِىْ نَادِيْكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ
بعمل آريد در مجلس كار ناپسنديده پس نبود جواب قوم او
اِلَّآ اَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ
مگر آنكه گفتند بيار پيش ما عذاب خدا اگر هستى از
الصّٰدِقِيْنَ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِىْ عَلَى الْقَوْمِ
راست گويان گفت اى پروردگار من نصرت ده مرا بر قوم
الْمُفْسِدِيْنَ وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَآ اِبْرٰهِيْمَ
مفسدان وچون آوردند فرستادگان ما پيش ابراهيم





بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية
مژده را گفت هرآینه ما هلاک کننده اهل دهیم

ان اهلها كانوا ظلمين ۝ قال ان فيها لوطا
هرآینه اهل این ده ستمکار بودند گفت هرآینه در وی لوط است

قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجينه واهله الا
گفتند ما داناتریم بهرکه اینجاست البته خلاص کنیم او را و اهل او را

امراته كانت من الغبرين ۝ ولما ان جاءت
الا زن او را باشد از باقی ماندگان و چونکه آمدند

رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا
فرستادگان ما پیش لوط با ایشان تنگدل شده با ایشان و گفتند

لا تخف ولا تحزن انا منجوك واهلك الا
اندوه مخور هرآینه ما نجات دهنده تو و اهل توایم مگر

امراتك كانت من الغبرين ۝ انا منزلون على
زن تو باشد از باقی ماندگان هرآینه ما فرود آرنده ایم بر

اهل هذه القرية رجزا من السماء بما كانوا
اهل این ده عقوبتی را از آسمان با که

يفسقون ۝ ولقد تركنا منها اية بينة لقوم
بدکاری میکردند و هرآینه گذاشتیم از آن نشانه واضح برای گروهی

يعقلون ۝ والى مدين اخاهم شعيبا فقال
بخرد آنند و بسوی مدین برادر ایشان شعیب پس گفت

يقوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الاخر ولا تعثوا
ای قوم من عبادت کنید خدارا و توقع دارید روز آخر و هرسو مگردید

في الارض مفسدين ۝ فكذبوه فاخذتهم
در زمین فساد کنان پس دروغ گو داشتند او را پس درگرفت

الرجفة فاصبحوا في دارهم جثمين ۝ وعادا وثمودا
پس بامداد کردند در خانه های خود مرده افتاده و عاد و ثمود

وقد

برای ایشان شیطان

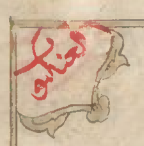
وقد تبين لكم من مسكنهم وزين لهم الشيطن
وهر آینه واضح شده است بعض مساکن ایشان و آراسته ساخته بود
اعمالهم فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين
کردارهای ایشان پس باز داشت ایشان را از راه و بود بینا
وقارون وفرعون وهامن ولقد جاءهم
و قارون و فرعون و هامان و هر آینه بود با ایشان
موسى بالبينت فاستكبروا في الارض وما
موسی نشانهای واضح پس تکبر کردند در زمین و
كانوا سبقين فكلا اخذنا بذنبه فمنهم
بودند سبقت کنندگان پس هر یکی را گرفتار ساختیم بوبال او پس از ایشان
من ارسلنا عليه حاصبا ومنهم من اخذته
کسی بود که فرستادیم بروی باد سنگریزه دار و از ایشان کسی بود که گرفت
الصيحة ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم
آواز سخت و از ایشان که فرو بردیم در زمین و از ایشان
من اغرقنا وما كان الله ليظلمهم ولكن
کسی بود که غرق ساختیم و نبود که خدا ظلم کند برایشان و لیکن
كانوا انفسهم يظلمون مثل الذين اتخذوا
بودند بر خویشتن ستم کردند داستان آنانکه گرفته اند
من دون الله اولياء كمثل العنكبوت اتخذت
بجز خدا دوستان داستان عنکبوت است که فرا گرفت
بيتا وان اوهن البيوت لبيت العنكبوت
خانه و هر آینه سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است
لو كانوا يعلمون ان الله يعلم ما يدعون
اگر میدانستند هر آینه خدا میداند چیزیکه می پرستند
من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم وتلك
بجز وی از هر چه باشد و او است غالب دانا و درین داستانها

جزء

والعشرون الحادي ع

الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا
داستانها بیان میکنیم از برای مردمان و نمی فهمند مگر
العالمون خلق الله السموت والأرض بالحق
دانایان آفرید خدا آسمانها و زمین بتدبیر درست
إن في ذلك لآية للمؤمنين اتل ما أوحي إليك بسوی تو
هر آینه درین کار نشانه است برای مسلمانان بخوان آنچه وحی فرستاده
من الكتب وأقم الصلوة إن الصلوة تنهى
از کتاب و برپا داشت نماز را هر آینه نماز منع کند
عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله أكبر والله
از کارهای بیحیایی و فعل ناپسندیده و هر آینه یاد کردن خدا بزرگتر است و خدا
يعلم ما تصنعون ولا تجادلوا أهل الكتب
میداند آنچه میکنید و مکابره مکنید با اهل کتاب
إلا بالتي هي أحسن إلا الذين ظلموا منهم وقولوا
مگر بطریقی که آن نیک است مگر آنانکه ستم کردند از ایشان و بگوئید
آمنا بالذي أنزل إلينا وأنزل إليكم
گرویدیم بانچه فرود آورده شد بسوی ما و فرود آورده شد بسوی شما
وإلهنا وإلهكم واحد ونحن له مسلمون و
و معبود ما و معبود شما یکیست و ما اورا منقادیم و
كذلك أنزلنا إليك الكتب فالذين آتينهم
همچنین فرود آورده بودیم بسوی تو کتاب پس آنانکه دادیم ایشانرا
الكتب يؤمنون به ومن هؤلاء من يؤمن به
کتاب ایمان می ارند بان و از اینها کیست که ایمان می ارد بدان
وما يجحد بآيتنا إلا الكفرون وما كنت تتلوا
و انکار نمیکنند بآیات ما مگر کافران و نبودی که میخواندی
من قبله من كتب ولا تخطه بيمينك إذا لارتاب
پیش ازین از قرآن هیچ کتاب را بدست راست خود آنگاه در شک

المبطلون



المبطلون . بل هو ايت بينت في صدور الذين
ناگرویدگان . بلکه قران ایات روشن است در سینه های انانکه

اوتوا العلم ط وما يجحد بايتنا الا الظلمون . وقالوا
داده شد دانش و انکار نمیکنند بایات ما مگر ستمگاران و گفتند

لولا انزل عليه ايت من ربه ط قل انما الايت عند
چرا فرستاده نشد براو نشانها از پروردگار وی بگو جز این نیست که

الله ط وانما انا نذير مبين . اولم يكفهم انا انزلنا
خدا و جز این نیست من ترساننده اشکارم ایا کفایت نکرده است ایشانرا انکه

عليك الكتب يتلى عليهم ط ان في ذلك لرحمة و
بر تو کتاب که خوانده شود بر ایشان هر اینه درین رحمة و

ذكرى لقوم يؤمنون . قل كفى بالله بيني و
پندی برای گروه مسلمانان بگو بسند است خدا میان من و

بينكم شهيدا يعلم ما في السموت والارض ط و
میان شما گواه میداند انچه در اسمان و زمین است و

الذين امنوا بالبطل وكفروا بالله لا اولئك
وانانکه گرویدند بناحق و کافر شدند بخدا ان گروه

هم الخسرون . ويستعجلونك بالعذاب ط ولولا
ایشانند زیانکاران و طلب شتاب میکنند ترا بعذاب و اگر نبودی

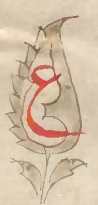
اجل مسمى لجاءهم العذاب ط وليأتينهم بغتة
میعادی معین البته امدی بدیشان عذاب و بیاید بدیشان ناگهان

وهم لا يشعرون . يستعجلونك بالعذاب ط و
و ایشان نمیدانند شتاب طلب میکنند از تو عذاب و

ان جهنم لمحيطة بالكفرين . يوم يغشهم
هر اینه دوزخ در اگیرنده است کافرانرا روزیکه بپوشد ایشانرا

العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم ويقول
عذاب از بالای ایشان و زیر پای ایشان و میگوید

نشانها نزدیک
فرستادیم

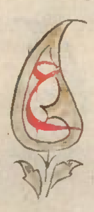




ذوقوا ما كنتم تعملون ۝ يعبادي الذين امنوا
بچشید آنچه میکردید ای بندگان من آنانکه گرویدند
ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون ۝ كل
هر اینه زمین من گشاده است پس بخصوص مرا عبادت کنید هر
نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون ۝ والذين
شخصی چشنده مرگست باز بسوی ما بازگشت وآنانکه
امنوا وعملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة غرفا
گرویدند وکردند کارهای شایسته فرود آریم ایشانرا از بهشت محلهای
تجري من تحتها الانهر خلدين فيها نعم اجر
میرود از زیر آن جویها جاویدان انجا نیکست مزد
العملين ۝ الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون ۝
عمل کنندگان آنانکه صبر کردند وبر پروردگار خود توکل کنند
وكاين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها و
وبسا جانور که برنمیدارد روزی خود خدا روزی میدهد او را و
اياكم وهو السميع العليم ۝ ولئن سالتهم من
شمارا واو شنوا داناست واگر سوال کنی ایشانرا از
خلق السموت والارض وسخر الشمس والقمر
که آفرید آسمانها ودر زمین ورام گردانید آفتاب وماه
ليقولن الله فاني يؤفكون ۝ الله يبسط الرزق
البته گویند الله است پس چه جهت گردانیده میشوند خدا فراخ میکند روزی را
لمن يشاء من عباده ويقدر له ان الله بكل
هر که خواهد از بندگان خویش وتنگ میسازد او را هر اینه خدا بهر
شيء عليم ۝ ولئن سالتهم من نزل من السماء ماء
چیز داناست واگر بپرسی ایشانرا که فرو آورد از آسمان آب
فاحيا به الارض من بعد موتها ليقولن الله قل
پس زنده گردانید بدان زمین پس از مردن او البته بگویند الله است بگو

الحمد





الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون وما هذه
ستایش خدا برا بلکه بیشترین ایشان بمیدانند ونیست این
الحيوة الدنيا الا لهو ولعب وان الدار الاخرة
زندگانی دنیا مگر بازی و بیهوده وهرآینه سرای آخرت
لهي الحيوان لو كانوا يعلمون فاذا ركبوا في الفلك
هموست سرای زندگانی اگر بدانند پس چون سوار شوند در کشتیها
دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم الى
بخوانند خدا را خالص کرده برای وی عبادت پس چون نجات دادیم
البر اذا هم يشركون ليكفروا بما اتيناهم وليتمتعوا
خشکی ناگهان شریک آرند تا ناسپاس کنند بآنچه عطا کردیم و بهره مند شوند
فسوف يعلمون اولم يروا انا جعلنا حرما
پس خواهند دانست آیا ندیدند که ما پدید کردیم حرم
امنا ويتخطف الناس من حولهم افبالباطل
با امن و ربوده میشوند مردمان از حوالی ایشان آیا پس باطل را
يؤمنون وبنعمة الله يكفرون ومن اظلم
باور میدارند و بنعمت خدا ناسپاسی میکنند وکیست ستمکارتر
ممن افترى على الله كذبا او كذب بالحق لما
که افترا کرد بر خدا دروغی را یا دروغ داشت سخن راست چون
جاءه اليس في جهنم مثوى للكافرين والذين
بیامد بوی آیا نیست در دوزخ جای کافران و آنانکه
جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وان الله لمع
جهاد کردند در ما البته دلالت کنیم ایشانرا براههای خود و هرآینه خدا
المحسنين
با نیکوکارانست

سورة الروم مكية وهي تسع وخمسون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

ایشانرا بوی





الٓمٓ ۝ غُلِبَتِ الرُّومُ ۝ فِیٓ اَدْنَی الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ
غالب خواهد ادروم در وایشان بعد ار
غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۝ فِی بِضْعِ سِنِينَ ۝ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ
غلبه ایشان غالب خواهند آمد در چند سال مر خدا یراست فرمان
قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝
پیش ازین و بعد ازین و ازروز شادمان شوند مسلمانان
بِنَصْرِ اللّٰهِ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝
بنصرت خدا نصرت میدهد هرکرا میخواهد واو غالب مهربانست
وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ
وعده کرده است خدا خلاف نمیکند وعده خودرا و بیکن بیشترین مردمان
لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
نمیدانند میدانند ظاهررا از زندگانی دنیا
وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ ۝ اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِیٓ
وایشان از آخرت بیخبرانند آیا تامل نکردند در
اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا
ضمیر خود نیافریده است خدا آسمانها و زمین وآنچه
بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى وَاِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ
میان اینهاست مگر براستی و میعادی معین و هر اینه بسیاری از مردمان
بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُونَ ۝ اَوَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْاَرْضِ
بملاقات پروردگار خود نامعتقدانند آیا سیر نکردند در زمین
فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
پس بنگرند چگونه شد عاقبت آنانکه پیش از ایشان
كَانُوٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوهَآ
بودند توانا تر از ایشان و شورانیدند زمین را و آباد کردند
اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ
بیشتر از آباد کردن ایشان وآمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان بمعجزها





فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون
پس حکم نبود که خدا ستم کند ایشان و لیکن بودند بر خویشتن ستمگر
ثم كان عاقبة الذين اساؤا السوای ان كذبوا
باز حال بد عاقبت آنانکه بدی کردند بسبب آنکه دروغ پنداشتند
بايت الله وكانوا بها يستهزءون الله يبدؤا الخلق
آیات خدا را و بودند بان استهزا میکردند خدا نو میکند آفرینش
ثم يعيده ثم اليه ترجعون ويوم تقوم الساعة
باز دوباره کندش باز بسوی او گردانیده شوید و روزیکه قایم شود قیامت
يبلس المجرمون ولم يكن لهم من شركائهم
خاموش شوند گنهکاران و نباشد ایشان را از شریکان ایشان
شفعؤا وكانوا بشركائهم كفرين ويوم تقوم
شفاعت کننده و بودند بشریکان خویش نامعتقد و روزیکه قایم شود
الساعة يومئذ يتفرقون فاما الذين امنوا
قیامت از روز پریشان شوند اما آنانکه ایمان آوردند
وعملوا الصلحت فهم في روضة يحبرون واما
و کردند کارهای شایسته پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند و اما
الذين كفروا وكذبوا بايتنا ولقاء الاخرة
آنانکه کافر شدند و دروغ داشتند آیات ما را و ملاقات آخرت را
فاولئك في العذاب محضرون فسبحن الله
پس آن گروه در عذاب حاضر کرده شوند پس بپاکی یاد کنند خدا را
حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في
وقت شام و وقت صباح و مر او راست ستایش در
السموت والارض وعشيا وحين تظهرون
آسمانها و زمین و آخر روز و وقت زوال
يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحي
بیرون آرد زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده و زنده

سازد





الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ۝ وَمِنْ
زمين بعد مردن آن وهمچنين برآورده خواهيد شد واز

اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ
نشانهاى او است آنكه آفريد از خاك . باز چون شما مردم شديد

تَنْتَشِرُوْنَ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ
پراكنده شده واز نشانهاى او است كه آفريد براى شما از نفس شما

اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَّوَدَّةً وَّ
زوجها تا آرام گيريد بسوى ايشان وگردانيد ميان ايشان دوستى و

رَحْمَةً ۭ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ۝ وَمِنْ
مهربانى هرآئنه درين نشانهاست براى گروهى كه تأمل كنند واز

اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ
نشانهاى او است آفريدن آسمانها وزمين وگوناگون زبانها

وَاَلْوَانِكُمْ ۭ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّلْعٰلِمِيْنَ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ
ورنگهاى شما هرآئنه درين كار نشانهاست دانشمندان را واز نشانهاى

ادات

مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاۗؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۭ
خفتن شما در شب و روز وطلب كردن شما از فضل او

اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ
هرآينه درين كار نشانهاست براى گروهى كه بشنوند واز نشانهاى او

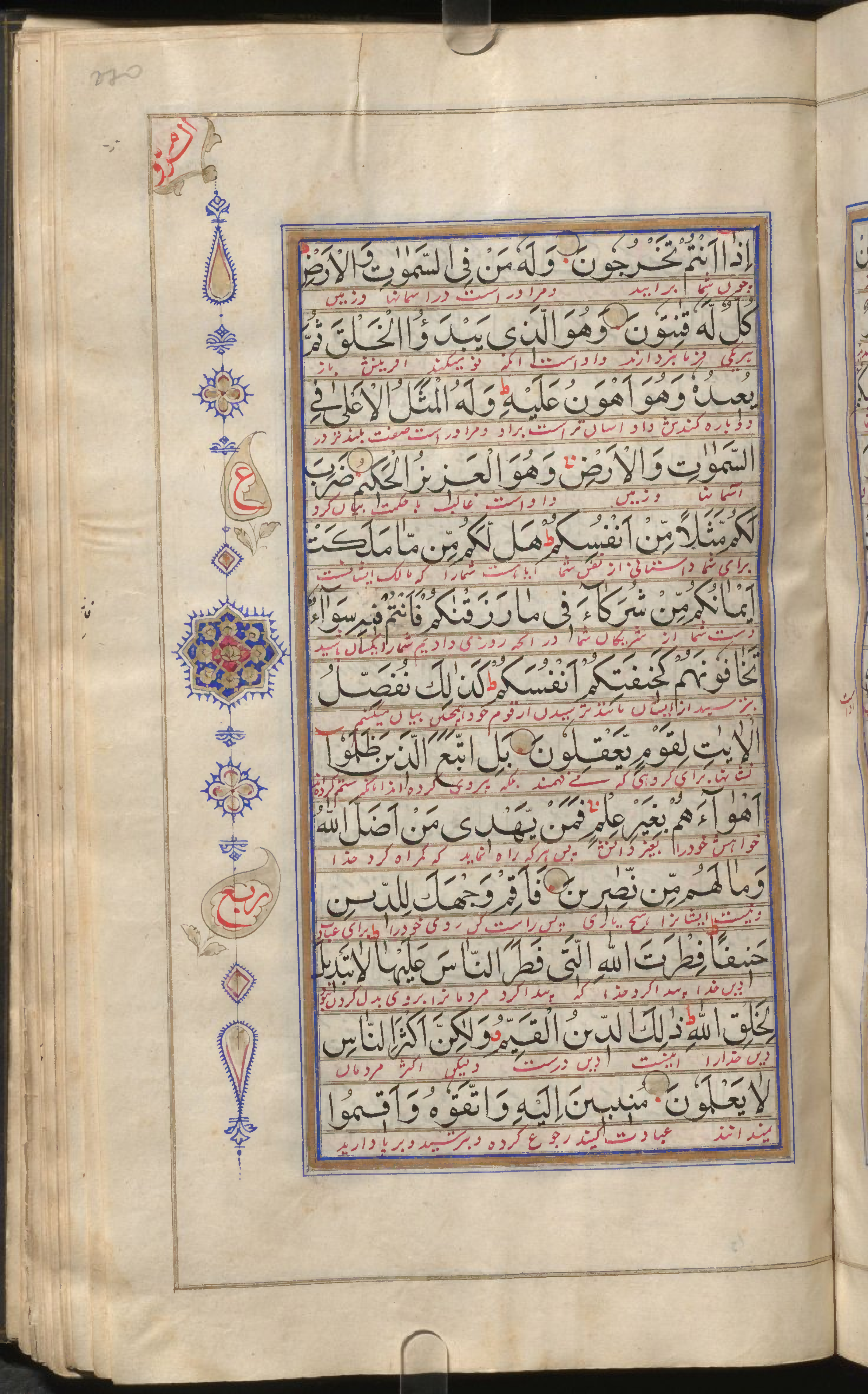
يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاۗءِ مَاۗءً
مى نمايد بشما برق ترسانيدن وطمع وفرو دارد از آسمان آب

فَيُحْىٖ بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ
پس زنده ميكند بآن زمين را بعد مردن آن هرآينه درين نشانهاست

لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ۝ وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَاۗءُ وَ
براى گروهى كه ميدانند واز نشانهاى او است كه مى ايستد آسمان و

الْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ ۭ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً ۖ مِّنَ الْاَرْضِ
زمين . بحكم او پس چون بخواند شمارا يكبار خواندن از زمين

اذا



إذا أنتم تخرجون ۝ وله من في السموات والأرض
بیرون شما برآیید ومر او راست در آسمانها و زمین
كل له قانتون ۝ وهو الذي يبدؤا الخلق ثم
همه مر او را فرمانبردارند و او است آنکه نو میکند آفرینش را باز
يعيده وهو أهون عليه ط وله المثل الأعلى في
و باز گرداند آن و آن آسان تر است بر او و مر او راست صفت بلندتر در
السموات والأرض ج وهو العزيز الحكيم ۝ ضرب
آسمانها و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد
لكم مثلا من أنفسكم ط هل لكم من ما ملكت
برای شما داستانی از نفس شما آیا هست شما را که مالک ایشانست
أيمانكم من شركاء في ما رزقنكم فأنتم فيه سواء
دست شما از شریکان شما در آنچه روزی دادیم شما را یکسان باشید
تخافونهم كخيفتكم أنفسكم ط كذلك نفصل
بترسید از ایشان مانند ترسیدن از قوم خود همچنین بیان میکنیم
الآيت لقوم يعقلون ۝ بل اتبع الذين ظلموا
نشانها برای گروهی که میفهمند بلکه پیروی کردند آنانکه ستم کردند
أهواءهم بغير علم ج فمن يهدي من أضل الله
خواهش خود را بغیر دانش پس هرکه راه نماید که گمراه کرد خدا
وما لهم من نصرين ۝ فأقم وجهك للدين
و نیست ایشان را هیچ یاری پس راست کن روی خود را برای عبادت
حنيفا ط فطرت الله التي فطر الناس عليها ط لا تبديل
دین خدا پیدا کرد خدا که پیدا کرد مردمانرا بر وی بدل کردن نیست
لخلق الله ط ذلك الدين القيم ولكن أكثر الناس
دین خدا را اینست دین درست و لیکن اکثر مردمان
لا يعلمون ۝ منيبين إليه واتقوه وأقيموا
نمیدانند عبادت کنید رجوع کرده بوی و بترسید و برپا دارید

ع

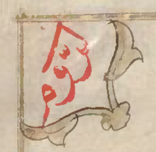
ربع

الصلوة ولا تكونوا من المشركين من الذين
نماز را و مباشید از شرک آرندگان مباشید ازانانکه
فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم
پراگنده ساختند دین ایشان و بودند گروه گروه هر گروهی بانچه نزدیک ایشان
فرحون وإذا مس الناس ضر دعوا ربهم
شادمان است و چون رسید مردمانرا سختی بخوانند پروردگار خود را
منيبين إليه ثم إذا أذاقهم منه رحمة إذا فريق
راجوع کرده بسوی او باز چون بچشانند ایشانرا ازو آسایشی ناگهان طایفه
منهم بربهم يشركون ليكفروا بما آتيناهم
از ایشان بپروردگار خود شریک می ارند البته ناسپاسی کنند بانچه دادیم ایشانرا
فتمتعوا فسوف تعلمون أم أنزلنا عليهم سلطانا
پس بهره مند شدند پس زود باشد خواهند دانست آیا فرو دمی اورادیم برایشان
دلیلی
فهو يتكلم بما كانوا به يشركون وإذا أذقنا
پس آن دلیل بیان میکند انچه بان شریک می ارند و چون بچشانیم
الناس رحمة فرحوا بها وإن تصبهم سيئة بما
مردمانرا بخشایشی شادمان شوند بان و اگر رسد بدیشان سختی بانچه
قدمت أيديهم إذا هم يقنطون أولم يروا أن
پیش فرستاده است دست ایشان چون ایشان ناامید شوند آیا ندیدند که
الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر إن
خدا گشاده میکند روزی را بهرکه خواهد و تنگ میسازد هر آینه
في ذلك لآيات لقوم يؤمنون فآت ذا القربى
درین نشانه است برای گروهی که ایمان ارند پس بده صاحب خویشی را
حقه والمسكين وابن السبيل ذلك خير
حق وی و مسکین و درمانده راه را این دادن بهتر است
للذين يريدون وجه الله وأولئك هم المفلحون
مرانانرا که میخواهند روی خدا و آن گروه ایشانند رستگاران



وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا
و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در اموال مردمان پس نمی
يَرْبُوا عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ
افزاید نزدیک خدا و آنچه داده باشید از صدقه طلب کنان
وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ اللَّهُ الَّذِي
روی خدا پس آن گروه ایشانند دوچند کننده خدا آنکه
خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ
آفرید شمارا باز روزی داد شمارا باز میراند شمارا باز زنده کند شمارا آیا
مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ
از شریکان شما که بکند از این کار هیچ چیزی پاکی اوراست
وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ
و بلندتر است از آنچه شریک آرند پیدا شد فساد در بیابان و
الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ
دریا بآنچه بعمل آورد دست مردمان تا بچشاند ایشان را بعض
الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ قُلْ سِيرُوا فِي
آنچه عمل کردند تا بود که باز گردند بگو سیر کنید در
الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن
زمین پس بنگرید چگونه بود عاقبت آنانکه
قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ فَأَقِمْ وَجْهَكَ
پیش از ایشان بودند بیشتر ایشان شریک آرندگان پس راست کن روی خود
لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ
برای دین درست پیش از آنکه بیاید روزیکه بازگشتن نیست آنرا
مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ
از خدا آن روز متفرق گردند هرکه کافر شد پس براوست
كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ
کفر او و هرکه کرده باشد کار شایسته برای خویش آرامگاه میکنند

ليجزي الذين امنوا وعملوا الصلحت من فضله
تا جزا دهد خدا آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته از فضل خود
انه لا يحب الكفرين ۝ ومن ايته ان يرسل
هر آینه وی دوست ندارد کافران را از نشانهای خدا است که میفرستد
الرياح مبشرت وليذيقكم من رحمته و
بادها مژده دهنده و تا که بچشاند از رحمت خود و
لتجري الفلك بامره ولتبتغوا من فضله و
تا جاری شوند کشتیها بفرمان او و طلب کنید از فضل او
لعلكم تشكرون ۝ ولقد ارسلنا من قبلك
شاید که شکر کنید و هر آینه فرستادیم پیش از تو
رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينت فانتقمنا
پیغامبران بسوی قوم ایشان پس آوردند ایشان نشانها پس انتقام کشیدیم
من الذين اجرموا وكان حقا علينا نصر
از آنانکه نافرمانی کردند و بود لازم بر ما نصرت
المؤمنين ۝ الله الذي يرسل الريح فتثير سحابا
مسلمانان خدا است که میفرستد بادها را پس برانگیزانند ابرا
فيبسطه في السماء كيف يشاء ويجعله كسفا
پس بگستراند در آسمان چنانکه خواهد و گرداند پاره پاره
فترى الودق يخرج من خلله فاذا اصاب
پس ببینی قطرات بیرون می آرد از میان آن پس چون رسانند
به من يشاء من عباده اذا هم يستبشرون
بهر که خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند
وان كانوا من قبل ان ينزل عليهم من قبله
اگرچه بود پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان پیش از آنکه
لمبلسين ۝ فانظر الى اثر رحمت الله كيف يحيي
باران نا امید شونده پس در نگر بسوی آثار رحمت خدا چگونه زنده میکند



الأرض بعد موتها إن ذلك لمحي الموتى وهو
زمین بعد مردن ان هراینه درمی زنده کند مرده واو
على كل شيء قدير ولئن أرسلنا ريحا فرأوه
بر هر چیز توانا واگر فرستادیم بادی پس ببینند
مصفرا لظلوا من بعده يكفرون فإنك لا تسمع
زرد شده البته شوند بعد ازان ناسپاسی کنند پس بدرستیکه تو نمیشنوانی
الموتى ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين
مردگان را ونمیشنوانی کران را اواز خواندن چون روی بگردانند
وما أنت بهاد العمي عن ضلالتهم إن تسمع
ونیستی تو راه نماینده کوران را از گمراهی ایشان اگر نمیشنوانی
إلا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون الله الذي
مگر انکه باور میدارد آیات ما را پس ایشان انقیاد کننده اند خدا آنکه
خلقكم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف
که افرید شما را از ناتوانی باز داد شما را بعد از ناتوانی
قوة ثم جعل من بعد قوة ضعفا وشيبة
قوت باز گردانید بعد توانایی ناتوانی وسفید موی
يخلق ما يشاء وهو العليم القدير ويوم تقوم
می افریند هرچه میخواهد واو دانا توانا وروزیکه قایم شود
الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة
قیامت سوگند خورند گناهکاران توقف نکردند بجز یک ساعت
كذلك كانوا يؤفكون وقال الذين أوتوا
همچنین بودند ازراه گردانیده میشدند وگویند انانکه داده شده اند
العلم والإيمان لقد لبثتم في كتاب الله إلى
علم وایمان هراینه توقف کردید بر وفق کتاب خدا تا
يوم البعث فهذا يوم البعث ولكنكم
روز رستخیز پس اینست روز رستخیز ولیکن شما





كنتم لا تعلمون ۝ فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا

شما نمیدانستید پس امروز سود ندهد آنانکه ستم کردند

معذرتهم ولا هم يستعتبون ۝ ولقد ضربنا

عذرخواهی ایشان و نه ایشان توبه طلب کرده شود و هرآینه بیان کردیم

للناس في هذا القرآن من كل مثل ولئن

برای مردمان درین قرآن از هر داستانی و اگر

جئتهم بآية ليقولن الذين كفروا إن أنتم

بیاری پیش ایشان نشانه گویند کافران نیستید شما

إلا مبطلون ۝ كذلك يطبع الله على قلوب

مگر بیهوده گوی همچنین مهر نهد خدا بر دلهای

الذين لا يعلمون ۝ فاصبر إن وعد الله حق و

آنانکه نمیدانند پس صبر کن هرآینه وعده خدا راست است و

لا يستخفنك الذين لا يوقنون ۝

و سبک نکنند ترا آنانکه یقین نمی آرند

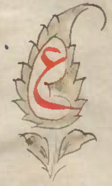
سورة لقمان مكية وهي ثلث وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ۝ تلك آيات الكتاب الحكيم ۝ هدى ورحمة

این آیتهای کتاب با حکمت است هدایت و بخشایش



للمحسنين ۝ الذين يقيمون الصلوة ويؤتون

برای نیکوکاران آنانکه برپا میدارند نماز را و بدهند

الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون ۝ أولئك على

زکوة را و ایشان باخرت یقین میدارند آن گروه بر

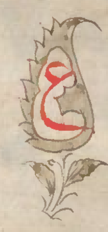
هدى من ربهم وأولئك هم المفلحون ۝ و

هدایتند از پروردگار ایشان و آن جماعه ایشانند رستگار و

من الناس



من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل
از مردمان که می ستانند سخن بازی تا گمراه کند
عن سبيل الله بغير علم ق ويتخذها هزوا ط اولئك
از راه خدا بغیر علم و گیرد مسخره و آنجماعه
لهم عذاب مهين ۝ واذا تتلى عليه اياتنا ولى
ایشانراست عذاب خوار کننده و چون خوانده شود بر ایشان ایات ما
مستكبرا كأن لم يسمعها كأن في اذنيه وقرا
روی گرداند تکبرکنان گویا نشنیده است گویا در دو گوش وی گرانیست
فبشره بعذاب اليم ۝ ان الذين امنوا وعملوا
پس بشارت ده او را بعذاب دردناک انانکه ایمان آوردند و کردند
الصلحت لهم جنت النعيم ۝ خلدين فيها وعد
کارهای شایسته مرایشانراست بوستانهای نعمت جاویدان دران وعده
الله حقا وهو العزيز الحكيم ۝ خلق السموت بغير
خدا راست و او است غالب با حکمت آفرید آسمانها بغیر
عمد ترونها والقى في الارض رواسي ان
ستون بینید آنرا و افکند در زمین کوهها که
تميد بكم وبث فيها من كل دابة وانزلنا
بجنباند شمارا و پراگنده کرد دران از هر جنس جانور و فرود آوردیم
من السماء ماء فانبتنا فيها من كل زوج كريم ۝
از آسمان آبی پس رویانیدیم دران از هر جنس نیک
هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين من
اینست آفرینش خدا پس بنمایید مرا چه چیز آفریدند آنانکه



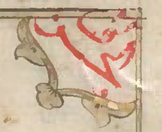
دونه بل الظلمون في ضلل مبين ۝ ولقد
بجز وی اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند و هر آینه
اتينا لقمن الحكمة ان اشكر لله ومن يشكر
دادیم لقمان را حکمت که شکر کن خدا را و هر که شکر کند

فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان الله غني
پس جز این نیست که شکر کند برای نفع خود و هر که ناسپاسی کند پس هرآینه خدا بی نیاز
حميد وإذ قال لقمن لابنه وهو يعظه
ستوده کار و چون گفت لقمان به پسر خود و او پند میداد
يبني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم
ای پسرک من شریک مکن با خدا هراینه شرک ستمی است بزرگ
ووصينا الانسان بوالديه حملته امه وهنا
و حکم فرمودیم آدمی را به پدر و مادر وی در شکم برداشته است مادر وی سست
على وهن وفصاله في عامين ان اشكر لي
بر سستی و از شیر بازگیری او در دو سال که شکرگذاری مرا
ولوالديك الي المصير وان جاهداك
و پدر و مادر خود بسوی منست بازگشت و اگر کوشش کنند با تو
على ان تشرك بي ما ليس لك به علم فلا
بر آنکه شریک مقرر کنی چیزی که نیست ترا بآن دانش پس مکن
تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا واتبع
فرمانبرداری ایشان و صحبت دار ایشان در دنیا بوجه پسندیده و پیروی کن
سبيل من اناب الي ثم الي مرجعكم فانبئكم
راه کسیکه رجوع کند بسوی من باز بسوی منست رجوع شما پس آگاه کنم
بما كنتم تعملون يبني انها ان تك مثقال
بآنچه میکردید گفت لقمان ای پسرک من هراینه خطیه اگر باشد بوزن
حبة من خردل فتكن في صخرة او في السموت
دانه سپندان پس باشد در میان سنگی یا در آسمانها
او في الارض يأت بها الله ان الله لطيف خبير
یا در زمین حاضر کند آنرا خدا هراینه خدا باریک بین خبردار است
يبني اقم الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن
ای پسرک من برپا دار نماز را و بفرما بکار پسندیده و منع کن از

المنكر



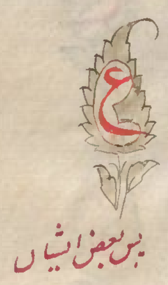
الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ط إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ
ناپسندیده و صبر کن بر هرچه برسد بتو هر آینه درین از
عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا
کارها مقصود است و متاب رخساره خود را از مردمان و
تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ط إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ
مرو در زمین خرامان هر آینه خدا دوست ندارد هر
مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۝ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ
نازنده خودستاینده را و میانه روی کن در رفتار خود و فرود آر
مِنْ صَوْتِكَ ط إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ
آواز خود را هر آینه بدترین آوازها آواز خران
الْحَمِيرِ ۝ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ
خران باشد آیا ندیدید که هر آینه خدا آرام گردانید مر شما را آنچه در آسمانها
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً
و آنچه در زمین است و تمام فرود آورد بر شما نعمتهای آشکار
وَبَاطِنَةً ط وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ
و پنهان و از مردمان که مکابره کنند در خدا بغیر
عِلْمٍ لا وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ۝ وَإِذَا قِيلَ
دانش و نه هدایت و نه بغیر کتاب روشن و چون گفته شود
لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا
که پیروی کنید چیزی را که فرود آورد خدا گویند بلکه پیروی میکنیم چیزی را که یافتیم
عَلَيْهِ آبَاءَنَا ط أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ
بر آن پدران خود را اگرچه شیطان میخواند ایشان را بسوی
عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ
عذاب دوزخ و هرکه متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا و او
مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ط وَإِلَى
نیکوکار است پس هر آینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی



اللهِ عاقِبَةُ الاُمُورِ ۝ وَمَن كَفَرَ فَلا يَحزُنكَ
خدا عاقبت کار و هرکه کافر شد پس اندوهگین نکند
كُفرُهُ اِلَينا مَرجِعُهُم فَنُنَبِّئُهُم بِما عَمِلُوا اِنَّ اللهَ
کفر وی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردار کنیم بانچه میکردند هرآینه خدا
عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ ۝ نُمَتِّعُهُم قَلِيلاً ثُمَّ نَضطَرُّهُم
داناست بخصلتی که در سینه باشد بهره مند میسازیم اندکی با به بیچارگی براهیم ثیبازرا
اِلى عَذابٍ غَلِيظٍ ۝ وَلَئِن سَاَلتَهُم مَن خَلَقَ
بسوی عذاب سخت واگر سوال کنی ازایشان کیست که بیافرید
السَّمٰوٰتِ وَالاَرضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ قُلِ الحَمدُ لِلّٰهِ
آسمانها و زمین البته بگویند خدا بگو ستایش خدا راست
بَل اَكثَرُهُم لا يَعلَمُونَ ۝ لِلّٰهِ ما فِي السَّمٰوٰتِ
بلکه اکثر ایشان نمیدانند مر خدا راست آنچه در آسمانها
وَالاَرضِ اِنَّ اللهَ هُوَ الغَنِيُّ الحَمِيدُ ۝ وَلَو اَنَّما
در زمین است هرآینه خدا اوست بی نیاز ستوده واگر آنچه
فِي الاَرضِ مِن شَجَرَةٍ اَقلامٌ وَالبَحرُ يَمُدُّهُ مِن بَعدِهِ
در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی بعد از ان
سَبعَةُ اَبحُرٍ ما نَفِدَت كَلِمٰتُ اللهِ اِنَّ اللهَ عَزِيزٌ
هفت دریا بپایان نرسند سخنان خدا هرآینه خدا غالب
حَكِيمٌ ۝ ما خَلقُكُم وَلا بَعثُكُم اِلّا كَنَفسٍ واحِدَةٍ
مهربان نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما مگر مانند آفریدن یکتن
اِنَّ اللهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ اَلَم تَرَ اَنَّ اللهَ يُولِجُ اليَلَ فِي
هرآینه خدا شنوا بیناست آیا ندیدی که خدا درمی آرد شب را در
النَّهارِ وَيُولِجُ النَّهارَ فِي اليَلِ وَسَخَّرَ الشَّمسَ وَالقَمَرَ
روز و درمی آرد روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه
كُلٌّ يَجرِي اِلى اَجَلٍ مُسَمًّى وَاَنَّ اللهَ بِما تَعمَلُونَ
همه میروند تا مدتی معین و آیا ندیدی که خدا بانچه میکنید



خبیر ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
خبردار است این بآنست که خدا او است ثابت و هر اینه آنچه میپرستند
مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝
بجز وی بی اصل است و هر اینه خدا او است بلند مرتبه بزرگ
أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ
آیا ندیدی که کشتیها میرود در دریا بفضل خدا
لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ
تا بنماید شمارا از نشانهای او هر اینه در این مقدمه نشانهاست هر صبر کننده



شَكُورٍ ۝ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ
سپاس دارنده و چون در گیرد ایشان را موج مانند سایبانها بخوانند خدا را
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ
خالص کرده برای عبادت پس آنگاه که نجات داد ایشان را بسوی بیابان

پس بعض ایشان

مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ۝
میانه رو باشند و انکار نمیکنند بآیات ما مگر هر عهد شکننده ناسپاس
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا
ای مردمان بپرهیزید پروردگار خود را و بترسید از روزی که نکند
يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ
کفایت پدر بجای پسر و نه فرزند کفایت کننده باشد از
وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ
پدر چیزی هر اینه وعده خدا راستست پس فریب ندهد شمارا زندگانی
الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝ إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ
دنیا و فریب ندهد شمارا بخدا شیطان فریبنده هر اینه خدا نزدیک وی
عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
علم قیامت و میفرستد باران و میداند آنچه در
الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا
شکمهای حامله هاست و نمیداند هیچ شخصی چه کار خواهد کرد فردا



وما تدري نفس بأي أرض تموت إن الله

و نمیداند هیچ شخصی کدام زمین خواهد مرد هرآینه خدا

عليم خبير

دانای خبردار است

سورة السجدة مكية وهي تسع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان



الم تنزيل الكتب لا ريب فيه من رب

فرو فرستادن کتاب هیچ شبهه نیست در آن از پروردگار

العلمين أم يقولون افتريه بل هو الحق من

عالمها آیا میگویند بربافته است از آن بلکه وی راست است از

ربك لتنذر قوما ما أتيهم من نذير من قبلك

جانب پروردگار تو تا بترسانی قومی را که نیامده است بایشان ترساننده پیش از تو

لعلهم يهتدون الله الذي خلق السموت و

تا بود که ایشان راه یابند خدای آنست که آفرید آسمانها و

الأرض وما بينهما في ستة أيام ثم استوى

زمین و آنچه میان آنهاست در شش روز باز قرار گرفت

على العرش ما لكم من دونه من ولي ولا شفيع

بر عرش نیست شما را بجز وی هیچ دوستی و شفاعت کننده

أفلا تتذكرون يدبر الأمر من السماء إلى

آیا پند پذیر نمیشوند تدبیر میکند کارزار از آسمان سوی

الأرض ثم يعرج إليه في يوم كان مقداره ألف

زمین باز بالا میرود بسوی خدا در روزی که هست مقدار آن هزار

سنة مما تعدون ذلك علم الغيب والشهادة

سال از آن حساب که میشمارید اینست صفت داننده غیب و آشکار

العزيز الرحيم الذي أحسن كل شيء خلقه

غالب مهربان آنکه به نیک ترین هرچیزی را که آفریدش

وبدا



وبدأ خلق الإنسان من طين ۚ ثم جعل نسله
و بوکرد ادمی را از گل باز نهاد کرد نسل اورا

من سلالة من ماء مهين ۚ ثم سواه ونفخ فيه
خلاصه از اب خوار باز درست اندام کرد و دمید

درو ی

من روحه وجعل لكم السمع والأبصار و
روح خود و پیدا کرد برای شما گوش و چشمها و

الأفئدة قليلا ما تشكرون ۚ وقالوا أإذا
دلها اندکی شکر میکنند و گفتند چون

ضللنا في الأرض أإنا لفي خلق جديد ۚ بل هم
گم شویم در زمین آیا در آفرینش نو خواهیم بود بلکه ایشان

ع

بلقاء ربهم كافرون ۚ قل يتوفاكم ملك الموت
بملاقات پروردگار خود کافراند بگو قبض روح شما میکند ملک الموت

الذي وكل بكم ثم إلى ربكم ترجعون ۚ ولو ترى
که گماشته شده بر شما باز بسوی پروردگار خود گردانیده شوید و اگر ببینی

إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم ربنا
که حاکنن گناهکاران نگونسار کننده سر خویش باشند نزد پروردگار خویش ای

پروردگار ما

أبصرنا وسمعنا فارجعنا نعمل صالحا إنا
دیدیم و شنیدیم پس باز گردان بکنیم کار شایسته هرآینه ما

موقنون ۚ ولو شئنا لآتينا كل نفس هداها
یقین کننده ایم و اگر میخواستیم البته میدادیم هر شخصی را هدایت او

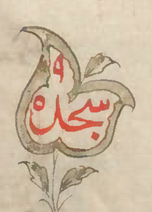
ولكن حق القول مني لأملأن جهنم من الجنة
ولیکن ثابت شد وعده از جانب من هرآینه پر کنم دوزخ را از جنیان

والناس أجمعين ۚ فذوقوا بما نسيتم لقاء
و مردمان همه یکجا پس بچشید بانکه فراموش کردید ملاقات

يومكم هذا إنا نسيناكم وذوقوا عذاب الخلد
این روز هرآینه ما فراموش کردیم و بچشید عذاب دایم

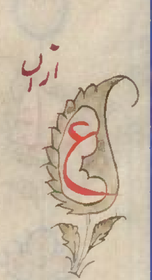


بما كنتم تعملون إنما يؤمن بآياتنا الذين إذا
بانچه میکردید جز ان نیست که ایمان می ارند بایات ما انکه چون
ذكروا بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم
بند داده میشوند بان کوفتند افتند سجده کنان و بپاکی یاد کنند باستایش پروردگار خویش
لا يستكبرون تتجافى جنوبهم عن المضاجع



کبر نمیکنند دور میشود پهلو های ایشان از خوابگاه
يدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم ينفقون
میخوانند پروردگار خود را بترس و امید و انچه روزی دادیم ایشانرا خرج کنند
فلا تعلم نفس ما أخفي لهم من قرة أعين جزاء
پس نمیداند هیچ نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم پاداش
بما كانوا يعملون أفمن كان مؤمنا كمن كان
انچه میکردند ایا کسی که باشد مومن مانند کسی که باشد
فاسقا لا يستوون أما الذين آمنوا وعملوا
فاسق برابر نمیشوند اما انکه ایمان آوردیم و کارهای
الصالحات فلهم جنات المأوى نزلا بما كانوا
شایسته کردند پس ایشانراست بهشتهای جاوید بطریق مهمانی با انچه میکردند
يعملون وأما الذين فسقوا فمأواهم النار
میکردند و اما انکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ
كلما أرادوا أن يخرجوا منها أعيدوا فيها و
هرگاه خواهد که بیرون ایند ازانجا گردانیده شود دران و
قيل لهم ذوقوا عذاب النار الذي كنتم
گفته شود با ایشان بچشید عذاب اتش که ازا
به تكذبون ولنذيقنهم من العذاب الأدنى
دروغ میداشتند و بچشانیم ایشانرا عذاب نزدیک
دون العذاب الأكبر لعلهم يرجعون
اینطرف عذاب بزرگ بود که ایشان بازگردند





وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيٰتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا
و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد بآیات پروردگار خویش باز روی گردانید
إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
هر آینه ما از گنه کاران انتقام کشنده گانیم و هر آینه دادیم موسی را
الْكِتٰبَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنٰهُ
کتاب پس مباش در شبهه از ملاقات قرآن و ساختیم اورا
هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً
هدایت برای بنی اسرائیل و گردیدیم از ایشان پیشوایان
يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيٰتِنَا يُوقِنُونَ
راه می نمودند بفرمان ما وقتی که صبر کردند و بودند بآیات ما یقین آرنده
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا
هر آینه پروردگار تو او فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا
بودند در آن اختلاف میکردند آیا واضح نشد ایشان را چه قدر هلاک کردیم
مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسٰكِنِهِمْ
پیش از ایشان از قرنها میروند در خانهای الجماعه
إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيٰتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ أَوَلَمْ يَرَوْا
هر آینه در این کار نشانهاست آیا نمی شنوید آیا ندیدند که ما
أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
روان میکنیم آب را بسوی زمین گیاه نابرون آرم بآن
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعٰمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا
زراعت را میخورند از آن چهارپایان ایشان و خود ایشان آیا نه
يُبْصِرُونَ وَيَقُولُونَ مَتَى هٰذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ
می بینند و بگو روز فتح ندهد ایشان را ایمان آوردن ایشان اگر هستید
صٰدِقِينَ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا
راست گوی بگو روز فتح سود ندهد آنانکه کافرانرا

إيمانهم ولا هم ينظرون فأعرض عنهم وانتظر
ايمان ايشان و ... پس روى بگردان از ايشان و انتظار كن

إنهم منتظرون
هر آينه ايشان منتظر اند

سورة الأحزاب مكية وثلاث وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشاينده مهربان

يا أيها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين
اى پيغمبر بترس از خدا و فرمان بردارى مكن كافرانرا و منافقانرا

إن الله كان عليما حكيما واتبع ما يوحى إليك
هر آينه خدا هست دانا با حكمت و پيروى كن بچيزى كه وحى فرستاده ميشود بسوى تو

من ربك إن الله كان بما تعملون خبيرا و
از جانب پروردگار تو هر آينه خدا هست بآنچه ميكنيد خبردار و

توكل على الله وكفى بالله وكيلا ما جعل الله
توكل كن بر خدا و بس است خدا وكيل نكرد خدا

لرجل من قلبين في جوفه وما جعل أزواجكم
هيچ مردى را دو دل اندر داخل او و نگردانيده است زنان شما

اللائي تظاهرون منهن أمهاتكم وما جعل
كه اظهار ميكنيد از ايشان مادران ايشان و نساخته است

أدعياءكم أبناءكم ذلكم قولكم بأفواهكم و
پسر خواندگان شما پسران شما اين سخن شما است سخنان شما بدهان شما

الله يقول الحق وهو يهدي السبيل ادعوهم
خدا ميگويد سخن راست و او دلالت ميكند براه بخوانيد

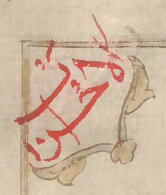
لآبائهم هو أقسط عند الله فإن لم تعلموا
بپدران ايشان اين راست تر است نزد خدا پس اگر ندانيد

آباءهم فإخوانكم في الدين ومواليكم و
پدران ايشان پس برادران شما اند در دين و آزادكردگان شما و

ثلثه

ع

پس



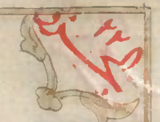
ليس عليكم جناح فيما أخطأتم به ولكن ما تعمدت
نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید بآن ولیکن گناه آنست که
قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ۝ النبي أولى بالمؤمنين
دل شما وهست خدا آمرزنده مهربان پیغامبر دوست‌تر است
من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولوا الأرحام
از ذات ایشان وزنان پیغامبر مادران ایشانند وخداوندان قرابت
بعضهم أولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين
بعض ایشان نزدیکتر به بعض در کتاب خدا از مسلمانان

مسلمانان

والمهاجرين إلا أن تفعلوا إلى أوليائكم معروفا
ومهاجرت کنندگان مگر آنکه بکنید سوی دوستان خود رعایتی است
كان ذلك في الكتاب مسطورا ۝ وإذ أخذنا
جایز بود این حکم در لوح محفوظ نوشته شده وچون گرفتیم
من النبيين ميثاقهم ومنك ومن نوح وإبراهيم
از پیغامبران عهد ایشان وازتو وازنوح وابراهیم
وموسى وعيسى ابن مريم وأخذنا منهم ميثاقا
وموسی وعیسی پسر مریم وگرفتیم از ایشان عهد
غليظا ۝ ليسأل الصادقين عن صدقهم و
محکم تا بپرسد راستگویان را از راستی ایشان و
أعد للكافرين عذابا أليما ۝ يا أيها الذين آمنوا
مهیا کرده است برای کافران عذاب درد دهنده ای مسلمانان



اذكروا نعمة الله عليكم إذ جاءتكم جنود
یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون بیاید لشکرها
فأرسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها وكان
پس فرستادیم بر ایشان بادی ولشکری ندیدید آنرا وهست
الله بما تعملون بصيرا ۝ إذ جاءوكم من فوقكم و
خدا بآنچه میکنید بینا چون آمدند بر شما از بالای شما و



مِن اَسفَلَ مِنكُم وَاِذ زَاغَتِ الاَبصَارُ وَبَلَغَتِ

پائین شما و چون خیره ماند دیده‌ها و برسید

القُلُوبُ الحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللّٰهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ

دلها بحنجر گردن و گمان میبرید شما بخدا گمانها آنجا

ابتُلِيَ المُؤمِنُونَ وَزُلزِلُوا زِلزَالًا شَدِيدًا وَ

امتحان کرده شد مسلمانان را و جنبانیده شدند ایشان جنبانیدن سخت و

اِذ يَقُولُ المُنٰفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ

چون بگفتند منافقان و آنانکه در دل ایشان مرض

مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اِلَّا غُرُورًا وَاِذ قَالَت

وعده نکرد ما را خدا و رسول او مگر فریب و چون گفتند

طَائِفَةٌ مِنهُم يَا اَهلَ يَثرِبَ لَا مُقَامَ لَكُم

طایفه از ایشان ای اهل مدینه برای ماندن نیست شما را

فَارجِعُوا وَيَستَاذِنُ فَرِيقٌ مِنهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ

بازگردید و دستوری میطلبند گروهی از ایشان از پیغامبر میگویند

اِنَّ بُيُوتَنَا عَورَةٌ وَمَا هِيَ بِعَورَةٍ اِن يُرِيدُونَ

هر آینه خانه‌های ما نامضبوط است و نیست آن خانه نامضبوط نمیخواهند

اِلَّا فِرَارًا وَلَو دُخِلَت عَلَيهِم مِن اَقطَارِهَا ثُمَّ

مگر گریختن و اگر در آمده میشد برایشان از نواحی آن باز

سُئِلُوا الفِتنَةَ لَاٰتَوهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا اِلَّا يَسِيرًا

طلب کرده میشد از ایشان خانه جنگی و توقف نمیکردند مگر اندکی

وَلَقَد كَانُوا عَاهَدُوا اللّٰهَ مِن قَبلُ لَا يُوَلُّونَ

و هر آینه عهد بسته بودند با خدا پیش ازین که بر نگردانند

الاَدبَارَ وَكَانَ عَهدُ اللّٰهِ مَسئُولًا قُل لَن يَنفَعَكُمُ

پشت و بود عهد خدا پرسیده شده بگو سود ندهد شما را

الفِرَارُ اِن فَرَرتُم مِنَ المَوتِ اَوِ القَتلِ وَاِذًا لَا

گریختن اگر بگریزید از مرگ یا کشته شدن و آنگاه که

تُمَتَّعُونَ



تمتعون الا قليلا ۝ قل من ذا الذي يعصمكم
بهره مند ساخته نگرا اندکی بگو کیست آنکه نگاهدارد شمارا از ضرب

من الله ان اراد بكم سوءا او اراد بكم رحمة و
از خدا اگر بخواهد در حق شما سختی تا بخواهد در حق شما نعمتی و

لا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ۝
نیابند برای خویش بجز خدا دوستی و نه یاری

قد يعلم الله المعوقين منكم والقائلين لاخوانهم
هر آینه میداند خدا باز دارندگان و گویندگان برادران خود

هلم الينا ولا ياتون البأس الا قليلا ۝ اشحة
بیائید بسوی ما و حاضر نمیشوند بکارزار مگر اندکی بخیل کنان

عليكم فاذا جاء الخوف رايتهم ينظرون اليك
بنسبت شما پس چون بیاید ترس به بینی که می نگرند بسوی تو

تدور اعينهم كالذي يغشى عليه من الموت
بیگردد چشمهای شان مانند کسیکه بیهوش کرده شود برایشان از مرگ

فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد
پس چون رود ترس زبان درازی کنند بر شما به زبانها تیز

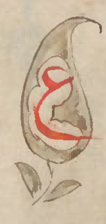
اشحة على الخير اولئك لم يؤمنوا فاحبط الله
بخیل کنان بر نیکی آن گروه ایمان نیاوردند پس نابود ساخت خدا

اعمالهم وكان ذلك على الله يسيرا ۝ يحسبون
کردارهای ایشان و هست این بر خدا آسان می پندارند

الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودوا
که لشکرهای کفار نرفتند و اگر بیاید لشکرها تمنا کنند

لو انهم بادون في الاعراب يسألون عن انبائكم
کاش صحرانشین بودندی در اعراب سوال میکردند از اخبار شما

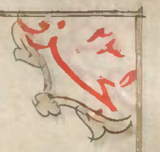
ولو كانوا فيكم ما قاتلوا الا قليلا ۝ لقد كان
و اگر باشند در میان شما کارزار نکنند مگر اندکی هر آینه هست



مرض وقلن قولا معروفا ۝ وقرن في بيوتكن
بیماری و بگویید سخن نیکو و بمانید در خانهای مردم
ولا تبرجن تبرج الجاهلية الاولى واقمن
و اظهار تجمل نکنید تجمل که در جاهلیت بود پیش و برپا دارید
الصلوة واتين الزكوة واطعن الله ورسوله
نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرداری خدا و رسول او
انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت
جز این نیست که میخواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی اهل بیت
ويطهركم تطهيرا ۝ واذكرن ما يتلى في
و پاک کند شما را پاک گردانیدنی و یاد کنید آنچه خوانده در
بيوتكن من ايت الله والحكمة ان الله كان
خانهای شما از آیات خدا و از حکمت هر آینه خدا هست
لطيفا خبيرا ۝ ان المسلمين والمسلمت والمؤمنين
لطف کننده آگاه دار هر آینه مسلمانان و زنان مسلمانان و مردان و زنان
والمؤمنت والقنتين والقنتت والصدقين
و زنان باور دارنده و مردان طاعت کننده و زنان طاعت کننده و مردان راست
والصدقت والصبرين والصبرت والخشعين
و زنان راست گوینده و مردان صبر کننده و زنان صبر کننده و فروتنی نماینده
والخشعت والمتصدقين والمتصدقت
و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده
والصائمين والصئمت والحفظين فروجهم
و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده شرمگاه
والحفظت والذكرين الله كثيرا والذكرت
و زنان محافظت کنند و مردان یاد کننده خدا بسیار و زنان یاد کننده
اعد الله لهم مغفرة واجرا عظيما ۝ وما كان
مهیا کرد خدا برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ و نیست

نده
گوینده

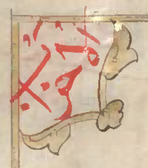
لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمرا
هیچ مرد مسلمان و نه زنان مسلمان چون مقرر کند خدا و رسول او کاری
أن يكون لهم الخيرة من أمرهم ومن يعص
آنکه باشد ایشان را اختیار در ان کار خویش و هر که نافرمانی کند
الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبينا وإذ تقول
خدا و رسول او پس هر اینه گمراه گشت گمراهی ظاهر و چون میگفتی
للذي أنعم الله عليه وأنعمت عليه أمسك
با آنکه انعام کرده است خدا بر وی و انعام کرده بر وی که نگاه دار
عليك زوجك واتق الله وتخفي في نفسك
بر خویش زن خود را و بترس از خدا و پنهان میکردی در ضمیر خود
ما الله مبديه وتخشى الناس والله أحق أن
آنچه خدا پدید آرنده اوست و میترسیدی از مردمان و خدا سزاوارتر است
تخشاه فلما قضى زيد منها وطرا زوجناكها
باآنکه ترسی از وی چون بانجام رسانیده شد زید از زینب حاجت را بزنی دادیم ترا زینب
لكي لا يكون على المؤمنين حرج في أزواج
تا باشد بر مسلمانان تنگی در نکاح
أدعيائهم إذا قضوا منهن وطرا وكان أمر
زنان پسرخواندگان با خبر رسانند از ایشان حاجت را و باشد مراد
الله مفعولا ما كان على النبي من حرج فيما
خدا کرده نیست بر پیغامبر هیچ تنگی در آنچه
فرض الله له سنة الله في الذين خلوا من قبل
حلال ساخته است خدا برای او مانند این خدا در حق آنانکه گذشتند پیش از ان
وكان أمر الله قدرا مقدورا الذين يبلغون
و هست کار اندازه خدا مقرر کرده شد آنانکه میرسانند
رسالات الله ويخشونه ولا يخشون أحدا إلا
پیغامهای خدا را و میترسند از وی و نمیترسند از هیچکس مگر



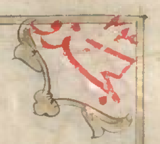
اللهِ وَكَفىٰ بِاللهِ حَسِيبًا ۝ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ
از خدا و بس است خدا حساب کننده نیست محمد پدر هیچ کس
مِّن رِّجَالِكُمْ وَلٰكِن رَّسُولَ اللهِ وَخَاتَمَ
از مردان شما ولیکن پیغامبر خدا است و ختم
النَّبِيِّنَ ط وَكَانَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِينَ
پیغامبران است و هست خدا بهر چیز دانا ای
اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۝ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
ایمان آوردید یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار و پاکی یاد کنید
وَّاَصِيلًا ۝ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلٰٓئِكَتُهُ
و شام او است آنکه رحمت میفرستد بر شما و فرشتگان
لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّورِ ط وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ
تا بیرون آرد شما را از تاریکیها بسوی روشنی و هست بمسلمانان
رَحِيمًا ۝ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلٰمٌ ج وَاَعَدَّ لَهُمْ اَجْرًا
مهربان دعای خیر ایشان روزی که ملاقات کنند سلام است و آماده کرد برای
كَرِيمًا ۝ يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّا اَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّ
ایشان ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواه
مُبَشِّرًا وَّنَذِيرًا ۝ وَدَاعِيًا اِلَى اللهِ بِاِذْنِهِ وَ
مژده رساننده و ترساننده و خواننده بسوی خدا بحکم او و
سِرَاجًا مُّنِيرًا ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِاَنَّ لَهُم مِّنَ
چراغ روشن و بشارت ده مسلمانان را باشد بایشان از
اللهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِينَ وَالْمُنٰفِقِينَ
خدا بخشایش بزرگ و فرمان مبر کافران را و منافقان را
وَدَعْ اَذٰهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ ط وَكَفىٰ بِاللهِ
و بگذار رنج ایشان را و توکل کن بر خدا و بس است خدا
وَكِيلًا ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنٰتِ
کارساز ای آنانکه ایمان آوردید چون نکاح کنید زنان مومنه را



ثم

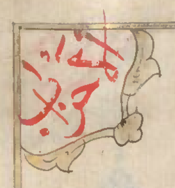


ثم طلقتموهن من قبل ان تمسوهن فما لكم
باز طلاق دهید ایشان را پیش از انکه دست رسانید بایشان پس نیست شمارا
عليهن من عدة تعتدونها فمتعوهن وسرحوهن
بر این زنان هیچ عدتی بشمارید ازان پس متعه دهید و بگذارید انان را
سراحا جميلا ۝ يا ايها النبي انا احللنا لك
گذاشتن نیک ای پیغامبر هر اینه ما حلال گردیم ترا
ازواجك التي اتيت اجورهن وما ملكت
زنان تو که داده مهرایشان و کنیزکانی که
يمينك مما افاء الله عليك وبنت عمك وبنت
مالک شده ازانکه عاید ساخت خدا برتو و دختران عم ترا و دختران
عمتك وبنت خالك وبنت خلتك التي هاجرن
عمه های تو و دختران تغایی ترا و دختران خاله های ترا که هجرت کرده اند
معك وامراة مؤمنة ان وهبت نفسها
با تو و بزنی گیرد مومنه اگر داده ایم نفسهای انان
للنبي ان اراد النبي ان يستنكحها خالصة
برای پیغامبر اگر خواهد پیغامبر که بزنی گیرد ازا خالص
لك من دون المؤمنين قد علمنا ما فرضنا
برای تو بجز مسلمانان هر اینه دانستیم انچه فرض ساخته ایم
عليهم في ازواجهم وما ملكت ايمانهم لكيلا
بر ایشان در حق زنان که مالک است دست ایشان اسهل گردیم
يكون عليك حرج وكان الله غفورا رحيما ۝
تا نباشد برتو تنگی وهست خدا امرزنده مهربان
ترجي من تشاء منهن وتؤوي اليك من تشاء
تو توقف داری هر کرا خواهی از ایشان وجای دهی نزد خود هر کرا خواهی
ومن ابتغيت ممن عزلت فلا جناح عليك
واگر خواهش کنی انکه یکسو کرده پس نیست گناهی برتو



ذٰلِكَ أَدْنٰى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ
این نزدیکتر است از آنکه خنک شود چشم ایشان و اندوه نخورند و خشنود شوند
بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ط وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
آنچه بدهی ایشان را همه ایشان و خدا میداند آنچه در دلهای شماست
وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ۝ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ
و هست خدا دانا بردبار حلال نیستند ترا زنان
بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ
بعد ازین و نه آنکه بدل کنی بایشان زنان دیگر و اگرچه
أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ط وَكَانَ
شگفت آرد ترا حسن ایشان مگر آنچه مالک شد دست تو و هست
اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
خدا بر همه چیز نگهبان ای مسلمانان
لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ
در میایید بخانهای پیغامبر مگر آنکه دستوری داده شود شما را
إِلٰى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ
برای طعامی نه انتظار کنان پخته شدن آنرا ولیکن چون خوانده شوید
فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ
درآیید پس چون طعام خوردید پراگنده شوید نه آرام گیران برای سخنی
لِحَدِيثٍ ط إِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ
سخنی این کار میرنجاند پیغامبر را پس شرم میدارد از شما
وَاللّٰهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ ط وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا
و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان رختی
فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذٰلِكُمْ أَطْهَرُ
پس طلب کنید از ایشان از پس پرده این پاکیزه تر است
لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا
برای دل شما و دل ایشان و نیست شما را که برنجانید





رسول الله ولا ان تنكحوا ازواجه من بعده

پیغامبر خدا را و نه آنکه نکاح کنید زنان او را پس از وی

ابدا ان ذلكم كان عند الله عظيما ان تبدوا

هرگز هر آینه این کار هست نزدیک خدا بزرگ اگر آشکارا کنید

شيئا او تخفوه فان الله كان بكل شيء عليما لا

چیزی را یا پنهان دارید آنرا هر آینه خدا هست بهر چیز دانا نیست

جناح عليهن في ابائهن ولا ابنائهن ولا

گناهی بر زنان در پرده پیش پدران و نه پسران و نه

اخوانهن ولا ابناء اخوانهن ولا ابناء اخواتهن

برادران و نه فرزندان برادران و نه فرزندان خواهران

ولا نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين

و نه زنان و نه آنچه مالک آن شده است دست ایشان و بترسید

الله ان الله كان على كل شيء شهيدا ان الله

از خدا هر آینه خدا هست بر هر چیز گواه هر آینه خدا

وملئكته يصلون على النبي يايها الذين

و فرشتگان او میفرستند بر پیغامبر ای مسلمانان

امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ان الذين

درود و فرستند بر او و سلام گوید سلام گفتنی هر آینه آنانکه

يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و

میرنجانند خدا و پیغامبر او را لعنت کرد خدا در دنیا و

الاخرة واعد لهم عذابا مهينا والذين يؤذون

آخرت و مهیا ساخت برای ایشان عذاب خوار کننده و آنانکه میرنجانند

المؤمنين والمؤمنت بغير ما اكتسبوا فقد

مردان مسلمان و زنان مسلمه بغیر گناهی پس هر آینه

احتملوا بهتانا واثما مبينا يايها النبي قل لازواجك

برداشتند بهتان و گناه ظاهر ای پیغامبر بگو زنان خود



وبنتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من

و دختران خود و زنان مسلمانان فرو گذارند بر خود

جلابيبهن ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذين

چادرهای خود را این نزدیکتر است که شناخته شوند ایذا داده نشوند

وكان الله غفورا رحيما لئن لم ينته المنفقون

و هست خدا آمرزگار مهربان اگر باز نمانند منافقان

والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في

و آنانکه در دل ایشان بیماریست و خبر بد فاش کنندگان در

المدينة لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها

مدینه البته برغلانیم برایشان باز همسایه نباشند با تو در مدینه

إلا قليلا ملعونين أينما ثقفوا أخذوا و

مگر اندکی لعنت کرده شدگان هر جا که یافته شوند اسیر گرفته شود

قتلوا تقتيلا سنة الله في الذين خلوا من قبل

و کشته شود کشتن بسیار روش خدا در آنانکه گذشتند پیش ازین

ولن تجد لسنة الله تبديلا يسئلك الناس

و هرگز نیابی روش خدا را تغیرے سوال میکنند ترا مردمان

عن الساعة قل إنما علمها عند الله وما يدريك

از قیامت بگو جز این نیست معرفت آن نزدیک خدا و چه چیز داناگر

لعل الساعة تكون قريبا إن الله لعن

شاید که قیامت موجود شود نزدیک هر آینه خدا لعنت کرده است

الكفرين وأعد لهم سعيرا خلدين فيها أبدا

کافران را و آماده ساخت برای ایشان آتش جاویدان دران هرگز

لا يجدون وليا ولا نصيرا يوم تقلب

نیابند دوستی و نه یارے روزیکه گردانیده شوند

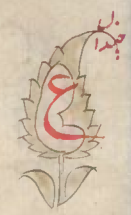
وجوههم في النار يقولون يليتنا أطعنا الله

رویهای ایشان در آتش میگویند ای کاشکے فرمانبریم خدا

ربع

و





خودرا

وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا

و فرمانبرداریم پیغامبر را و گویند ای پروردگار ما هر آینه ما فرمانبردیم مهتران

وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ۝ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ

و بزرگان خود را پس گمراه ساختند ما را از راه ای پروردگار ما بده ایشان را دو

مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا

از عذاب و لعنت کن از ایشان لعنتی سخت ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ

مسلمانان مباشید مانند آنانکه رنجانیده بودند موسی

فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا ط وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا

پس پاک ساخت خدا او را از آنچه گفته بود و بود موسی نزدیک خدا با آبرو ای

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

مسلمانان بترسید از خدا و بگویند سخن استوار

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ط وَمَنْ

تا بصلاح آرد کردارهای شما و بیامرزد برای شما گناهان شما و هر که

يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا

فرمان برد خدا و رسول او را پس هر آینه مطلب یاب شد به فیروزی بزرگ هر آینه

عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ

ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها زمین و بر کوهها

فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا

پس قبول نکردند که بردارند آنرا و بترسیدند از آن و برداشت آنرا

الْإِنْسَانُ ط إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝ لِيُعَذِّبَ

آدمی هر آینه وی بود ستمکار و نادان تا آنکه عذاب کند

اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان شرک آرنده زنان شرک آرنده

وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ط وَكَانَ اللَّهُ

و برحمت رجوع کند خدا بر مردان مسلمان و زنان مسلمان و هست خدا



غفورًا رَّحِيمًا
آمرزنده مهربان

سورة السبا مكية وهى اربع وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشاينده مهربان

الحمد لله الذى له ما فى السموات وما فى
همه ستايش خدا راست اوست آنچه در آسمانهاست وآنچه در

الارض وله الحمد فى الآخرة وهو الحكيم
زمين است و مر او راست ستايش در آخرة و اوست با حكمت



الخبير يعلم ما يلج فى الارض وما يخرج
آگاه ميداند آنچه درآيد در زمين و آنچه برآيد

منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
از وى و آنچه فرو آيد از آسمان و آنچه بالا ميرود در وى

وهو الرحيم الغفور وقال الذين كفروا
و اوست مهربان و آمرزنده و گفتند كافران

لا تأتينا الساعة قل بلى وربى لتأتينكم
نخواهد آمد بما قيامت بگو آرى قسم بپروردگار من البته خواهد آمد بشما

عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة فى
داننده نهان غائب نميشود از وى همسنگ ذره در

السموات ولا فى الارض ولا اصغر من ذلك
آسمانها و نه در زمين و نه خوردتر از آن

ولا اكبر الا فى كتاب مبين ليجزى الذين
و نه بزرگتر مگر ثبت است در كتاب ظاهر تا جزا دهد آنانرا

آمنوا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة و
كه ايمان آوردند و كار شايسته كردند آن گروه ايشانراست آمرزش و

رزق كريم والذين سعوا فى آياتنا معجزين
روزى گرامى و آنانكه سعى كردند در رد آيات ما مقابله كنان

اولئك

سبا

اولئك لهم عذاب من رجز اليم ۝ ويرى الذين

آنجماعه ایشانراست عذاب از عقوبت درد دهنده و می بیند آنانکه

اوتوا العلم الذى انزل اليك من ربك

داده شده است ایشان را علم چیزی را که فرود آورده شده اند بسوی تو از جانب

برورد گار تو

هو الحق ويهدى الى صراط العزيز الحميد

راستست و دلالت کننده بسوی راه غالب ستوده کار

وقال الذين كفروا هل ندلكم على رجل

و گفتند آنانکه کافران آیا دلالت کنیم شما را بر مردی

ينبئكم اذا مزقتم كل ممزق انكم لفى خلق جديد

که خبر میدهد بر شما که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآینه هرآینه شما در

آفرینش نو باشید

افترى على الله كذبا ام به جنة بل الذين لا

آیا بربسته است بر خدا دروغ را یا با او جنونی هست بلکه آنانکه

يؤمنون بالاخرة فى العذاب والضلل البعيد

ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشند و در گمراهی دور از

افلم يروا الى ما بين ايديهم وما خلفهم

آیا ندیدند بسوی آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست

من السماء والارض ان نشا نخسف بهم

از آسمان و از زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشان را

الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء ان

بزمین یا برافگنیم بر ایشان پاره از آسمان هرآینه

فى ذلك لاية لكل عبد منيب ۝ ولقد

دریں کار نشانه است هر بنده رجوع کننده را و هرآینه

ع

اتينا داود منا فضلا يجبال اوبى معه و

دادیم داود را از نزد خود بزرگی گفتیم ای کوهها بر زبر هم تسبیح گوید همراه او

الطير والنا له الحديد ان اعمل سبغت و

و سخر کن ساختیم مرغان را و نرم کردیم برای او آهن را و فرمودیم که بساز زرهای گشاده



قدر في السرد واعملوا صالحا اني بما تعملون
واندازه نگاهدار در بافتن بعمل آرید کردار شایسته هر آینه [illegible] میکنند

بصير ولسليمن الريح غدوها شهر ورواحها
بینا ام و برای سلیمان باد را سیر اول روز او یکماهه راه بود و سیر آخر

شهر واسلنا له عين القطر ومن الجن من يعمل
نیز یکماهه راه و روان گردیم برای او چشمه مس گداخته را و از دیوان کسی را که کار

بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا
پیش او بحکم او پروردگار خویش و هر که کجی کند از دیوان از حکم ما

نذقه من عذاب السعير يعملون له ما يشاء
بچشانیم او را از عذاب دوزخ میساختند برای او آنچه میخواست

من محاريب وتماثيل وجفان كالجواب و
از قلعها و صورتها و کاسها بقدر حوضها و دیگها

قدور راسيت اعملوا ال داود شكرا وقليل
ثابت در جای خود گفتیم بعمل آرید ای کسان داود سپاسداری را و اندک

من عبادي الشكور فلما قضينا عليه الموت
کسیست از بندگان من شکرگذارنده پس چون مقرر گردیم بروی مرگ

ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل
دلالت نکرد دیوان را بر موت او مگر کرم خواره از زمین که میخورد

منساته فلما خر تبينت الجن ان لو كانوا
عصای سلیمان را پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگر

يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين
می دانستند غیب را درنگ نمیکردند در عذاب خوار کننده

لقد كان لسبا في مسكنهم اية جنتن عن
هر آینه بودند قوم سبا را در جای ماندن ایشان نشانه مر ایشانرا بود دو

يمين وشمال كلوا من رزق ربكم واشكروا
جانب راست و از جانب چپ گفتیم بخورید رزق پروردگار خویش و شکر گوئید

روز او

میکرد

بوستان از

او را



لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا
شما را شهری هست پاکیزه و پروردگاری آمرزنده پس روی گردانیدند پس فرستادیم
عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنٰهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ
بر ایشان آب سیل تند گرده بودند و عوض دادیم ایشان را بجای دو بوستان

ایشان دو بوستان دیگر

ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ
خداوند میوهای بد مزه و خداوند درخت و چیزی از درخت کنار
قَلِيلٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا
اندک باین سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان و سزای بد نمیدهیم مگر
الْكَفُورَ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي
ناسپاس را و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن دهها که
بٰرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظٰهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ
برکت نهاده ایم در آن متصل با یکدیگر و سفر کردیم در آن دهها
سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ فَقَالُوا رَبَّنَا
اندر وقت را گفتیم سیر کنید در شبها و روزها ایمن گشته پس گفتند ای پروردگار ما
بَعِّدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنٰهُمْ
دوری پیدا کن در میان سفرهای ما و ستم کردند بر خویش پس گردانیدیم ایشان را
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنٰهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذٰلِكَ
افسانها و پاره پاره ساختیم ایشان را تمام پاره هر آینه در این ماجرا
لَآيٰتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ
نشانه است هر صبر کننده شکر گوینده را و هر آینه راست یافت شیطان
إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
شیطان هست ایشان اندیشه خود را پس پیروی کردند مگر گروهی اندک از مومنان
وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ
و نبود شیطان بر ایشان هیچ غلبه لیکن مبتلا گردانیدیم تا پیدا آریم کسی را
يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ
ایمان می آرد بآخرة از آنکه وی در شبهه است از وی و پروردگار تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ
بر هر چیز نگاهبان است بگو بخوانید آنان را که گمان میکنید
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ
بجز خدا مالک نیستید وهم وزن یکذره در آسمانها
وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ
و نه در زمین و نیست ایشان را هیچ شرکتی و نیست خدارا
مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ۝ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا
از ایشان هیچ یاری دهنده و سود نکند درخواست نزدیک خدا مگر
لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا
با کسیکه دستوری داده باشد برای او اهل محشر مضطرب شوند تا انکاه که اضطراب دور
قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا الْحَقَّ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝
فرموده است پروردگار شما گویند فرموده است سخن راست و اوست بلند مرتبه بزرگ
قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ
بگو که روزی میدهد شمارا از آسمانها و زمین باز بگو خدا میدهد
وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ
و هر اینه ما یا شما بر هدایت ایم یا در گمراهی
مُبِينٍ ۝ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا
ظاهر بگو سوال از گناه ما و سوال کرده نخواهد شد
تَعْمَلُونَ ۝ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ
از آنچه میکردید بگو جمع خواهد کرد میان ما پروردگار ما باز حکم بکند میان ما براستی
وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ
و اوست حکم کننده دانا بگو بنمائید مرا آنکه ایشان را لاحق کرده اید
بِهِ شُرَكَاءَ ۖ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَمَا
با خدا شریک ساختند نه چنین است بلکه خدا همون است غالب با حکمت و نه
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ
فرستادیم ترا مگر برای مردمان همه ایشان مژده دهنده ترساننده

ع

نصف

لکن



لكن اكثر الناس لا يعلمون ويقولون متى

ولیکن اکثر مردمان نه دانند و میگویند کی باشد

هذا الوعد ان كنتم صادقين قل لكم ميعاد

این وعده اگر شمایید راست گویند بگو شمار است وعده

يوم لا تستاخرون عنه ساعة ولا تستقدمون

روز که بازپس نمانید ازان ساعتی و نه پیش دستی کنید



وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القران

و گفتند که کافران هرگز باور نداریم این قران را

ولا بالذى بين يديه ولو ترى اذ الظلمون

و نه آن کتاب را که پیش ازوی بود و اگر ببینی چون ستمکاران

موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم الى بعض

ایستاده کرده شوند نزدیک پروردگار خویش باز میگرداند بعض ایشان سوی بعض

القول يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

سخن را میگوید آنانکه ناتوان کرده شده ایشان را آنانکه سرکشی کردند

لولا انتم لكنا مؤمنين قال الذين استكبروا

اگر نبودید شما هر آینه مسلمان شدیم گفتند سرکشان

للذين استضعفوا انحن صددنكم عن الهدى

بناتوانان آیا ما باز داشتیم شمارا از هدایت

بعد اذ جاءكم بل كنتم مجرمين وقال الذين

بعد ازانکه آمد بشما بلکه شما بودید گناهکار و گفتند

استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل و

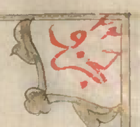
ناتوانان سرکشان را بلکه بازداشت مارا مکر شب و

النهار اذ تامروننا ان نكفر بالله ونجعل له

روز چون میفرمودید مارا که کافر شویم بخدا و مقرر کنیم برای او

اندادا واسروا الندامة لما راوا العذاب

همتایان را و در دل دارند همه ایشان پشیمانی چون ببینند عذاب را



وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ
و بنهادیم طوقها در گردن کافران سزا داده
يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي
می شوند مگر بوفق آنچه میکردند و نفرستادیم هیچ
قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ
دیهی بیم کننده را مگر گفتند منعمان آن دیه هر آینه ما بانچه فرستاده شدید
بِهِ كَافِرُونَ ۝ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا
بآن نامعتقدید و گفتند ما زیاده تریم باموال و اولاد
وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ
و نیستیم ما عذاب کرده شده بگو هر آینه پروردگار من گشاده میکند روزی
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
برای هر که خواهد و تنگ میکند برای هر که خواهد ولیکن اکثر مردمان نه
يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي
میدانند و نیست اموال شما و نه اولاد شما آن چیز که
تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
مقرب گرداند شما را نزدیک ما بمرتبه قربت ولیکن مقرب آن است که ایمان آورد



ذکر کردار شایسته

فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي
پس آن جماعه ایشانراست جزای دو چند بمقابله آنکه عمل کردند و ایشان در
الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا
غرفهای بهشت ایمن باشند و آنانکه سعی میکنند در رد آیات ما
مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۝ قُلْ
مقابله کنان آنجماعت در عذاب حاضر کرده شوند بگو
إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ
هر آینه پروردگار من گشاده میکند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و
يَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ
تنگ میسازد برای هر که خواهد و هر چه خرج کنید از هر جنس که باشد پس خدا عوض

هو



هو خير الرزقين ○ ويوم يحشرهم جميعا ثم يقول
از همه روزی دهندگان است و روزی که برانگیزد همه ایشان را باز گوید
للملئكة اهؤلاء اياكم كانوا يعبدون ○ قالوا
فرشتگان را آیا ایشان شما را عبادت میکردند گویند
سبحنك انت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون
پاکیست ترا تو کارساز مائی و سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند
الجن اكثرهم بهم مؤمنون ○ فاليوم لا يملك
دیوان را اکثر ایشان با ایشان اعتقاد داشتند پس امروز نمیتواند
بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين
بعض شما برای بعض سود رسانیدن و زیان کردن و فرمائیم
ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون
ستمکاران را بچشید عذاب آتش که شما دروغ داشتید
واذا تتلى عليهم ايتنا بينت قالوا ما هذا الا
و چون خوانده میشود بر ایشان آیات ما روشن آنگاه گویند نیست این مگر
رجل يريد ان يصدكم عما كان يعبد اباؤكم
مردی که میخواهد باز دارد شما را از آنچه می پرستیدند پدران شما
وقالوا ما هذا الا افك مفترى ○ وقال الذين
و گویند نیست این مگر دروغی بربافته گویند
كفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر مبين ○
کافران سخن راست را چون بیاید بدیشان نیست این مگر سحر ظاهر
وما اتينهم من كتب يدرسونها وما ارسلنا
و نداده ایم مشرکان عرب را کتابها که بخوانند آنرا و نفرستاده ایم سوی ایشان
اليهم قبلك من نذير ○ وكذب الذين من قبلهم
پیش از تو هیچ ترساننده و دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان
وما بلغوا معشار ما اتينهم فكذبوا رسلي
و نرسیده اند به ده یک آنچه داده بودیم بدیشان پس بدروغ نسبت کردند



فكيف كان نكير قل انما اعظكم بواحدة ان

پس چگونه بود عقوبت من بگو جز این نیست که پند میدهم شما را بیک کلمه که

تقوموا لله مثنى وفرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم

برخیزید براه خدا دو کان دو کان و یک یک باز تامل کنید که نیست یار شما را

من جنة ان هو الا نذير لكم بين يدى عذاب

هیچ جنونی نیست مراد بیم کننده برای شما پیش از آمدن عذاب

شديد قل ما سالتكم من اجر فهو لكم

سخت بگو آنچه سوال کرده باشم از شما از جنس مزد پس آن شما راست

ان اجرى الا على الله وهو على كل شىء شهيد

نیست مزد من مگر بر خدا و او بر همه چیز خبردار است

قل ان ربى يقذف بالحق علام الغيوب قل

بگو هر آینه پروردگار من میافگند بر باطل حق را عالم غیب‌هاست بگو

جاء الحق وما يبدئ الباطل وما يعيد قل

آمد سخن راست و آفرینش نو نکند باطل و نه دیگر بار آفریند بگو

ان ضللت فانما اضل على نفسى وان اهتديت

اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه میشوم بر نفس خویش و اگر راه یابم

فبما يوحى الى ربى انه سميع قريب ولو ترى

پس بآن است که وحی فرستد بسوی من پروردگار من هر آینه وی شنوای نزدیک است و اگر ببینی

اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان قريب

چون مضطرب شوند پس نباشد از عذاب و گرفته شوند از هر جا نزدیک

وقالوا امنا به وانى لهم التناوش من مكان

و گویند آنگاه ایمان آوردیم بقرآن و از کجا بود ایشان را بدست آوردن ایمان

بعيد وقد كفروا به من قبل ويقذفون

از جای دور و حالانکه کافر بودند بقرآن پیش از این و می انداختند

بالغيب من مكان بعيد وحيل بينهم وبين

نادیده از مکان دور و جدا افگنده شد میان ایشان و

اکر ببینی

بیان

مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ
آنچه میخواستند چنانچه کرده شد باشیاع ایشان پیش ازین هر آینه ایشان

كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ

سورة الفاطر مكية وهي اربعون

بودند در شک فرو برنده

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان



الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰئِكَةِ
همه ستایش خدای راست آفریننده آسمانها و زمین سازنده فرشتگان را

رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ يَزِيدُ
پیغامبر سازنده ایشان خداوند بازوها دو دو گان سه سه گان چهار چهار گان زیاده میکند

فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
در آفرینش هرچه خواهد خدای هر آینه خدا بر هر چیز توانا است

مَا يَفْتَحِ اللهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ
آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان از رحمت پس نیست بنده کننده مر آن را

مَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
و آنچه بند کند پس گشاده سازنده نیست آنرا بعد از وی و او است غالب

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ
با حکمت ای مردمان یاد کنید نعمت خدای را بر خویشتن

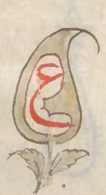
هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا روزی میدهد شما را از جانب آسمان و زمین

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ
نیست هیچ معبود مگر وی پس از کجا گردانیده میشوید و اگر دروغ نسبت کنند ترا

فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللهِ تُرْجَعُ
پس هر آینه بدروغ نسبت کرده شد پیغمبران پیش از تو و بسوی خدا بازگردانیده بشود

الْأُمُورُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ فَلَا
کارها ای مردمان هر آینه وعده خدا راست است پس





ولو سمعوا ما استجابوا لكم ويوم القيمة يكفرون
دار بشنوند قبول نکنند گفته شما و در روز قیامت منکر شوند
بشرككم ولا ينبئك مثل خبير يا ايها الناس
شرک شما مقرر کردن شمارا و خبر ندهد ترا همچنین مانند دانا ای مردمان
انتم الفقراء الى الله والله هو الغني الحميد
شما اید محتاج بسوی خدا و خدا همونست بی نیاز ستوده کار
ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد وما
اگر خواهد نابود سازد شمارا و بیارد آفرینش نو و نیست
ذلك على الله بعزيز ولا تزر وازرة وزر
این کار بر خدا دشوار و بر ندارد هیچ بار گیرنده بار
اخرى وان تدع مثقلة الى حملها لا يحمل منه
دیگری را و اگر بخواند گران بار کسی را بسوی بار خویش بر داشته نشود از آن
شيء ولو كان ذا قربى انما تنذر الذين يخشون
چیزی اگرچه آن کس خداوند خویشی باشد جز این نیست که بیم میکنی آنانرا که میترسند
ربهم بالغيب واقاموا الصلوة ومن تزكى
از پروردگار خویش غایبانه و برپا داشته شوند نماز را و هر که پاک شد
فانما يتزكى لنفسه والى الله المصير وما يستوي
پس جز این نیست که پاک میشود برای نفع خویش و بسوی خداست بازگشت و برابر نیستند
الاعمى والبصير ولا الظلمت ولا النور و
نابینا و بینا و نه تاریکیها و روشنی و
لا الظل ولا الحرور وما يستوي الاحياء و
نه سایه و نه باد گرم و برابر نیستند زندگان و
لا الاموات ان الله يسمع من يشاء وما انت
مردگان هر آینه خدا میشنواند هر کرا خواهد و نیستی تو
بمسمع من في القبور ان انت الا نذير انا ارسلناك
شنواننده کسانیکه در گور باشند و نیستی تو مگر بیم کننده هر آینه ما فرستادیم ترا

بالحق



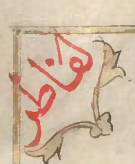
بالحق بشيرا ونذيرا وان من امة الا خلا فيها
براستی مژده دهنده و بیم کننده نیست هیچ امت مگر گذشته است در آن
نذير وان يكذبوك فقد كذب الذين من قبلهم
بیم کننده و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس براینه دروغی داشتند بودند آنانکه پیش از ایشان
جاءتهم رسلهم بالبينت وبالزبر وبالكتب
آمدند بدیشان پیغمبران ایشان به نشانهای واضح و بنامهای الهی و بکتاب
المنير ثم اخذت الذين كفروا فكيف كان نكير
روشن پس باز گرفتار کردیم کافران را پس بنگر چگونه بود عقوبت من



الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا
آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب پس برآوردیم
به ثمرت مختلفا الونها ومن الجبال جدد
بسبب آن میوها گوناگون رنگ آن و از کوهها راهها است
بيض وحمر مختلف الونها وغرابيب سود و
رنگ سفید و طایفه سرخ گوناگون رنگ آن و طایفه سیاه نهایت در سیاهی و
من الناس والدواب والانعام مختلف
از مردمان و جانوران و چهارپایان گوناگون است
الونه كذلك انما يخشى الله من عباده العلمؤا
رنگ همچنان جز این نیست که می ترسند از خدا از بندگان او عالمان
ان الله عزيز غفور ان الذين يتلون كتب الله
براینه خدا غالب آمرزنده است براینه آنانکه تلاوت میکنند کتاب خدا را
واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقنهم سرا وعلانية يرجون
و برپا داشته اند نماز را و خرج کرده اند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا امید دارند
تجارة لن تبور ليوفيهم اجورهم ويزيدهم
سوداگری که هرگز هلاک نشود تا بتمام رساند بسوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد ایشان را
من فضله انه غفور شكور والذي اوحينا
از فضل خود براینه او آمرزنده قدردان است و آنچه وحی فرستاده ایم



إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
بسوی تو از قران همون است راست باور دارند پش از وی است
إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ
هرآینه خدا بر بندگان خود خبردار و بیناست باز میراث دادیم قران را
الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ
آنانکه برگزیدیم ایشان از بندگان خود پس بعض ایشان ستمکار است بر نفس خود
وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ
وبعض ایشان میانه رو است و بعض ایشان سبقت کننده است بسوی نیکیها بحکم
اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ
خدا این است فضل بزرگ بوستانها همیشه ماندن
يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ
در آیند آنجا زیور داده شود ایشان را از قسم دستوانها طلا و زیور داده شود
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
مروارید و لباس ایشان آنجا جامه ابریشمی باشد و گفتند همه ستایش خدای است
الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
که دور گردانید اندوه را هرآینه پروردگار ما آمرزنده
شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ
قدرشناس است وآنانکه فرود آورد ما را بسرای همیشه ماندن از فضل خود
لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ
نرسد بما آنجا هیچ رنجی و نرسد بما هیچ آنجا هیچ ماندگی
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ
وآنانکه کافر شدند مر ایشان راست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان
فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَٰلِكَ
تا بمیرند و سبک کرده نشود از ایشان چیزی از عذاب دوزخ همچنین
نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا
جزا میدهیم هر ناسپاس را و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که ای پروردگار ما





أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ
بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنچه میکردیم آیا نه
نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ
زندگانی دادیم شما را آنقدر که پند پذیرد در آن هر که پند پذیرد پس خواهد در آمد شما را ترساننده
فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ
پس بچشید نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده هر آینه خدا داننده
غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
پنهان آسمانها و زمین است هر آینه او داناست بمکنون سینها
هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ
وی آن است که کرد شما را جانشین در زمین پس هر که کافر شود
فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ
پس بر وی است کفر او و نمی افزاید کافران را کفر ایشان نزدیک
رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا
پروردگار ایشان مگر غضب را و نمی افزاید کافران را کفر ایشان مگر
خَسَارًا ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ
زیان را بگو آیا دیدید شریکان مقرر کرده خود را آنکه میپرستید
مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ
سوای خدا بنمائید مرا چه چیز آفریده اند از زمین
أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ
آیا ایشان راست شرکتی است در آسمانها نه بلکه آیا داده ایم کتاب پس ایشان
عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ
بر حجت انذار آن بلکه وعده میدهند ستمکاران بعض ایشان
بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ
بعض را مگر بطریق فریفتن هر آینه خدا نگاه میدارد آسمانها و
الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۝ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا
زمین از آنکه از جای خود بلغزد و اگر بلغزند نگاه ندارد این هر دو را



مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا وَ
هیچ کس بعد از خدا هر آینه وی هست بردبار آمرزنده و

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
قسم خوردند بخدا سختترین قسمهای خود اگر بیاید ایشان را ترساننده

لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
البته خواهند بود راه یافته تر از هر یک امت پس چون آمد بدیشان

نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ
ترساننده زیاده نکرد در حق ایشان مگر رمیدن را بسبب سرکشی در زمین

وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ
و بد اندیشی قبیح و وبال به اندیشی قبیح مگر باهل او

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ
پس منتظر نیستند مگر آیین عقوبت پیشینیان پس نخواهی یافت

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا
آیین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آیین خدا را تغییری

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
آیا سیر نکرده اند در زمین تا ببینند چگونه شد انجام آنانکه

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا
آنانکه پیش از ایشان بودند و آنجماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و نبود

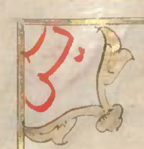
كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي
نیست که عاجز کند خدا را چیزی در آسمانها و نه در

الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ
زمین هر آینه او هست دانا توانا و اگر گرفتار کردی خدا

النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ
مردمان را بسزای آنچه میکردند نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جانوری را

وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ
و لیکن موقوف میدارد ایشان را تا میعادی معین پس چون آمد میعاد ایشان

فان



فان الله كان بعباده بصيرا

پس بدرستیکه خدا هست به بندگان خود بینا

سورة يس مكية وهي ثلاث وثمانون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان



يس والقرآن الحكيم انك لمن المرسلين

قسم بقرآن با حکمت هرآینه تو از پیغامبرانی

على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم

بر راه راست فرود فرستادن غالب مهربان

لتنذر قوما ما انذر اباؤهم فهم غافلون

تا بترسانی قومی را که ترسانیده نشده اند پدران ایشان پس ایشان غافلان اند

لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون

هرآینه ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان پس ایشان ایمان نمی آرند

انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان

هرآینه ما ساختیم در گردن ایشان طوقها پس این طوقها

فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا

پس ایشان سر بالا کرده گانند و بساختیم پیش روی ایشان دیواری

ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

و پس پشت ایشان دیواری باز پوشیدیم ایشان را پس ایشان هیچ نبینند

وسواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا

و برابرست بر ایشان که بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را

يؤمنون انما تنذر من اتبع الذكر وخشي

ایمان نیارند جز این نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پند کند و ترسد

الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة واجر كريم

از خدا غایبانه پس بشارت ده او را بآمرزش و مزد گرامی

انا نحن نحي الموتى ونكتب ما قدموا واثارهم و

هرآینه ما زنده گردانیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش فرستاده بودند و اقدام

ایشان را

كُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنٰهُ فِي اِمَامٍ مُبِينٍ وَاضْرِبْ
و هر چیزی را احاطه کردیم در کتاب ظاهر و بیان کن

لَهُمْ مَثَلًا اَصْحٰبَ الْقَرْيَةِ اِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُونَ
برای ایشان داستانی قصه اهل ده چون آمدند آن ده پیغمبران

اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا
آنگاه که فرستادیم بسوی ایشان دو کس را پس دروغ نسبت کردند ایشانرا

بِثَالِثٍ فَقَالُوا اِنَّا اِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا اَنْتُمْ
بس بر سوم گفتند هر آینه ما بسوی شما فرستاده گانیم گفتند نیستید شما

اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ
مگر آدمی مانند ما و نه فرو فرستاده است خدا هیچ چیز نیستید

اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّا اِلَيْكُمْ
شما مگر دروغگوی گفتند پروردگار ما میداند هر آینه ما بسوی شما

لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ قَالُوا
فرستاده ایم و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن ظاهر گفتند

اِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ
هر آینه ما شگون بد گرفتیم بشما اگر باز نایستید سنگسار کنیم شما را والبته برسد بشما

مِنَّا عَذَابٌ اَلِيمٌ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ
از ما عقوبت دردناک گفتند شگون بد شما همراه شماست آیا اگر پند داده شوید

بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ وَجَآءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِينَةِ
بلکه شما گروهی از حد گذشته اید و آمد از دورترین محلهای آن شهر

رَجُلٌ يَسْعٰى قَالَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا
مردی شتابان گفت ای قوم من پیروی کنید آن پیغامبران را پیروی کنید

مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ وَمَا لِيَ لَا
کسی را که نمیطلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند و چیست مرا که

اَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ءَاَتَّخِذُ
عبادت نکنم معبودی را که بیافرید مرا و بسوی او بازگردانیده خواهید شد آیا بگیرم

ع

پس قوت دادیم

الجزو الثالث والعشرون

امن



من دونه الهة ان يردن الرحمن بضر لا تغن
که بجز وی خدایانی که اگر بخواهد خدا در من زیانی را دفع نکنند

عني شفاعتهم شيا ولا ينقذون اني اذا لفي
از من شفاعت ایشان چیزی را وایشان خلاص نکنند مرا هر آینه من آنگاه در

ضلل مبين اني امنت بربكم فاسمعون قيل
گمراهی ظاهر باشم هر آینه من ایمان آوردیم به پروردگار شما بشنوید ازمن گفته شد

ادخل الجنة قال يليت قومي يعلمون بما غفر
او را درآیید در بهشت گفت ای کاش قوم من بدانستند که بیامرزید مرا

لي ربي وجعلني من المكرمين وما انزلنا
پروردگار من وساخت مرا از نواختگان و فرود نیاوردیم

على قومه من بعده من جند من السماء و
بر قوم او بعد از وی هیچ لشکری از آسمان و

ما كنا منزلين ان كانت الا صيحة واحدة
نیستیم ما فرودآرندگان نبود عقوبت ایشان مگر یک فریاد تند

فاذا هم خمدون يحسرة على العباد ما ياتيهم
پس ناگهان ایشان فرو مرده شدند ای وای بر بندگان نمی آید بدیشان

من رسول الا كانوا به يستهزءون الم يروا
هیچ فرستاده مگر با او تسخر میکردند آیا نمی بینند

كم اهلكنا قبلهم من القرون انهم اليهم لا
چه قدر هلاک ساختیم پیش از ایشان طبقات مردمان را آیا نمی بینند که آن جماعه بسوی ایشان

يرجعون وان كل لما جميع لدينا محضرون
باز نمی آیند و نیست هیچ یک مگر جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده



واية لهم الارض الميتة احيينها واخرجنا
و نشانه هست برای ایشان زمین مرده زنده گردانیدیم و برآوردیم

منها حبا فمنه ياكلون وجعلنا فيها جنت
از آن دانه پس از آن دانه میخورند و آفریدیم در زمین بوستانها

مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ
از درختان خرما و درختان انگور و روان گردانیدیم در آن بوستان چشمها
لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
تا بخورند از میوه و نساخته است میوه را دست ایشان آیا شکر نمی کنند
سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ
پاک است آنکه آفرید اجناس را تمام آن که از آنچه بر می رویاند زمین
وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ
و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمی دانند و نشانه ایست برای ایشان شب
نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ
پوست میکنیم از وی روز را پس ایشان ناگهان در تاریکی آیند کانند ناشند و آفتاب
تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
میرود برای قرارگاه وی است این است اندازه خدای غالب دانا
وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ
و ماه مقرر کردیم برای او منزلها تا آنکه باز گردد بشکل شاخ
الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ
کهنه نه آفتاب میسزد که در یابد ماه را و
لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
نه شب سبقت کننده بروز و هر یکی از آفتاب و ماه ستاره در آسمانی بر میگیند
وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ
و نشانه ایست ایشان را که برداشتیم قوم ایشان در کشتی پر کرده شده
وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ
و آفریدیم ایشان را مانند کشتی آنچه سوار میشوند بران و اگر خواهیم
نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا
غرق کنیم ایشان را پس نیست فریاد رس نباشد برای ایشان و نه ایشان را بازگرده شوند
رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا
بلکی رحمت کرده از جانب خود بهره مند ساختیم تا مدتی و چون گفته شود با ایشان که بترسید



مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَ

از آنچه پیش روی شماست و عقوبتی که پس پشت شما باشد بود که بر شما رحم کرده شود و

مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا

و نمی آید بدیشان هیچ نشانه از نشانهای پروردگار ایشان الا از آن روگردان

مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ

باشند و چون گفته شود بدیشان که خرج کنید از آنچه رزق داده است شما را

اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ

خدا گویند این کافران مسلمانان را آیا طعام دهیم کسی را

مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

که اگر خدا خواستی طعام دادی او را نیستید شما مگر در گمراهی

مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

ظاهر و میگویند کافران کی باشد این وعده اگر هستید

صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ

راستگویان انتظار نمیکشند مگر یک نعره تند بگیرد ایشان را

وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا

و ایشان خصومت کنان باشند پس نتوانند وصیت کردن و نه

إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ

با اهل خانه خود باز گردند و دمیده شود در صور پس ایشان ناگهان



مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا

از قبرها بسوی پروردگار خویش بشتابند گویند ای وای بر ما

مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَ

که برانگیخت ما را از خوابگاه ما آری این همانست که وعده داده بود خدا و

صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

راست گفتند پیغمبران نباشد این واقعه مگر نعره تندی

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد ما حاضر کرده شده باشند پس امروز ستم کرده نخواهد شد



نفس شيئا ولا تجزون الا ما كنتم تعملون ان
بر هیچکس هیچ چیزی و جزا داده نخواهید شد الا آنچه میکردید بر آینه
اصحب الجنة اليوم في شغل فكهون هم و
اهل بهشت امروز در کاری اند شادان ایشان و
ازواجهم في ظلل على الارائك متكئون لهم
زنان ایشان در سایها بر تختها تکیه زده نشینند ایشانراست
فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلم قولا من رب
در بهشت میوه و ایشانراست آنچه طلب کنند سلام باد گفته شود از جانب خداوند
رحيم وامتازوا اليوم ايها المجرمون الم اعهد
مهربان و بگوییم جدا شوید امروز ای گناهکاران آیا حکم فرستاده بودم
اليكم يبني ادم ان لا تعبدوا الشيطن انه
بسوی شما ای اولاد آدم که می پرستید شیطان را هر آینه وی
لكم عدو مبين وان اعبدوني هذا صراط
شما را دشمن آشکاراست و آنکه بپرستید مرا این است راه
مستقيم ولقد اضل منكم جبلا كثيرا افلم
راست و بر آینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق بسیار را آیا
تكونوا تعقلون هذه جهنم التي كنتم توعدون
نبد اندیشید این دوزخ است که وعده داده میشد شما را
اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون اليوم نختم
در آیید آن امروز بسبب کافر بودن خود امروز مهر نهیم
على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم
بر دهان ایشان و سخن گوید با ما دستهای ایشان و گواهی دهد پایهای ایشان
بما كانوا يكسبون ولو نشاء لطمسنا على
بانچه میکردند و اگر خواهیم نابود کنیم
اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون ولو
چشمهای ایشان را پس سبقت کنند بسوی راه راست پس ازکجا ببینند و اگر

نشاء



نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا
خواهیم مسخ کنیم ایشان را بر جای ایشان پس نتوانند گذشتن از آنجا
وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ۝ وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا
و باز نگردند و هر که را عمر دراز میدهیم نگونسار بگردانیمش در آفرینش آیا
يَعْقِلُوْنَ ۝ وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِيْ لَهٗ اِنْ
در نمی یابند و نه آموختیم این پیغمبر را شعر و لایق نیست این را این
هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّقُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ۝ لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا
نیست مگر پند و قرآن آشکارا تا بترساند هر که را زنده باشد
وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ۝ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا
و ثابت شود حجت بر کافران آیا نمی بینند که ما آفریدیم برای
لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَا اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ۝
ایشان از آنچه ساخته است دستهای ما چهارپایان را پس ایشان آن را مالک اند
وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَاْكُلُوْنَ ۝
و رام ساختیم چهارپایان را برای ایشان پس بعضی از آن سواری ایشان است و بعضی از آن میخورند
وَلَهُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ۝ وَ
و ایشان راست در آن منفعتها و آشامیدنیها آیا شکر نمی گذارند و
اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝
گرفتند سوای خدا معبودان را تا بود که ایشان یاری داده شوند
لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ۝
نمی توانند یاری کردن ایشان را و این برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند
فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا
پس اندوهگین نکند ترا سخن ایشان هر آینه ما میدانیم آنچه پنهان میکنند و آنچه
يُعْلِنُوْنَ ۝ اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ
آشکارا مینمایند آیا ندیده است آدمی که ما آفریدیم او را از نطفه
فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ۝ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ
پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شده و بیان کرد برای ما داستانی و فراموش کرد

خلقه قال من يحي العظام وهي رميم ۝ قل يحييها

آفرینش خود را گفت که زنده کند استخوانها را در حالتیکه کهنه شده باشند بگو زنده کند

الذي انشاها اول مرة وهو بكل خلق عليم ۝

آنکه آفرید اورا اول بار و او بهر قسم آفرینش داناست

الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا

آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز آتش پس ناگهان

انتم منه توقدون ۝ اوليس الذي خلق السموت

شما از آن آتش می افروزید آیا نیست آنکه آفرید آسمانها

والارض بقدر على ان يخلق مثلهم بلى وهو

و زمین را توانا بر آنکه بیافریند مانند ایشان آری و همون

الخلق العليم ۝ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول

آفریننده دانا جز این نیست فرمان خداوند چون بخواهد آفریدن چیزی این است که گوید

له كن فيكون ۝ فسبحن الذي بيده ملكوت

شو پس میشود پس پاکست آنکه بدست اوست پادشاهی

كل شيء واليه ترجعون ۝

هر چیز را و بسوی او بازگردانیده شوید

سورة الصافات مكية وهي اثنان وثمانون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والصفت صفا ۝ فالزجرت زجرا ۝ فالتليت

قسم بآنها که صف میکشند پس قسم بجماعتی که میرانند پس قسم بجماعتی که

ذكرا ۝ ان الهكم لوحد ۝ رب السموت والارض

تلاوت میکنند ذکر را بدرستیکه معبود شما یکیست پروردگار آسمانها و زمین

وما بينهما ورب المشارق ۝ انا زينا السماء الدنيا

و آنچه در میان اینهاست و پروردگار مشرقهاست بدرستیکه ما آرایش دادیم آسمان دنیا را

بزينة الكواكب ۝ وحفظا من كل شيطن مارد ۝

بزینت ستارها و نگاه داشتیم از هر شیطان سرکش



297

صفت

لا يسمعون الى الملا الاعلى ويقذفون من

نتوانند شنید شیاطین بسوی ملا اعلی و انداخته شوند بسوی ایشان از

كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا

هر جانب بجهت راندن ایشان و ایشان راست عذاب دایم مگر

من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب

کسیکه بربایند ربودن پس از پی او رفتند شعله سوزنده

فاستفتهم اهم اشد خلقا ام من خلقنا انا

پس استفسار کن از ایشان آیا ایشان سخت‌ترند در آفرینش یا کسیکه ما آفریده ایم

خلقناهم من طين لازب بل عجبت ويسخرون

هر آینه ما آفریدیم ایشان را از گل چسبنده بلکه تعجب کردی و مسخره میکنند

واذا ذكروا لا يذكرون واذا راوا اية

و چون پند داده شود ایشان را پند نپذیرند و چون ببینند نشانه را

يستسخرون وقالوا ان هذا الا سحر مبين

مسخره میکنند و گفتند نیست این قرآن مگر سحر ظاهر

ءاذا متنا وكنا ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون

آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانهای ریزه آیا برانگیخته شویم

اوءاباؤنا الاولون قل نعم وانتم داخرون

آیا پدران پیشین ما برانگیخته شوند بگو آری و شما خوار باشید

فانما هي زجرة واحدة فاذا هم ينظرون و

پس جز این نیست که یک نعره تند باشد پس ناگهان ایشان بنگرند و

قالوا يويلنا هذا يوم الدين هذا يوم الفصل

گویند ای وای بر ما این است روز جزا این است روز فیصل کردن

الذي كنتم به تكذبون احشروا الذين

آنکه بودید که آن را تکذیب میکردید گفته شود برانگیز ای ملایکه

ظلموا وازواجهم وما كانوا يعبدون من

ستمکاران با همراهان ایشان را و آنچه می پرستیدند بجز خدا

ربع

دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ وَقِفُوهُمْ
بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوی راه دوزخ و باز دارید

إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ بَلْ هُمُ
هر آینه ایشان سوال کرده خواهند شد چیست شما را که با یکدیگر یاری نمیکنید بلکه ایشان

الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
امروز گردن نهادگان اند در آورند بعض ایشان بر بعض

يَتَسَاءَلُونَ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ
با یکدیگر سوال کنان گویند هر آینه شما آمدید ما از جانب

الْيَمِينِ قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ وَمَا كَانَ
راست گویند بلکه شما نبودید مسلمانان و نبود

لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ
ما را بر شما هیچ تسلطی بلکه شما بودید گروهی از حد گذشته

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ فَأَغْوَيْنَاكُمْ
پس لازم شد بر ما سخن پروردگار ما که البته ما چشندهٔ عذاب باشیم پس گمراه کردیم

إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ
هر آینه ما گمراه بودیم پس ایشان از روز در عقوبت

مُشْتَرِكُونَ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ
باهم شریک باشند هر آینه ما همچنین میکنیم با گنهکاران

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ
هر آینه ایشان چون گفته میشد بر ایشان نیست هیچ معبود دیگر بجز خدا — سرکشی میکردند

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ
و میگفتند آیا ما ترک کننده معبودان خود باشیم برای گفته شاعری

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ إِنَّكُمْ
بلکه آورد سخن درست و باور داشت پیغمبران هر آینه شما

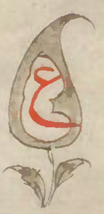
لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا
چشندهٔ عذاب درد دهنده باشید و جزا داده نخواهید مگر آنچه



كُنتُم تَعمَلُونَ ۝ اِلّا عِبادَ اللهِ المُخلَصِينَ ۝ اُولٰٓئِكَ
میکردید لیکن بندگان خدا خالص ساخته انجماعه
لَهُم رِزقٌ مَعلُومٌ ۝ فَواكِهُ وَهُم مُكرَمُونَ ۝ فِي جَنّٰتِ
ایشانراست روزی مقرر انواع میوه ها و ایشان نواختگان اند در بهشتهای
النَّعِيمِ ۝ عَلٰى سُرُرٍ مُتَقٰبِلِينَ ۝ يُطافُ عَلَيهِم
نعمت بر تختها روبروی یکدیگر گردانیده میشود بر ایشان
بِكَأسٍ مِن مَعِينٍ ۝ بَيضآءَ لَذَّةٍ لِلشّٰرِبِينَ ۝ لا
جامی از شراب جاری سفید رنگ لذة دهنده نوشندگان را نه
فِيها غَولٌ وَلا هُم عَنها يُنزَفُونَ ۝ وَعِندَهُم
دران شراب تباهکاری باشد و نه ایشان ازان شراب مست شوند و نزدیک ایشان
قٰصِرٰتُ الطَّرفِ عِينٌ ۝ كَاَنَّهُنَّ بَيضٌ مَكنُونٌ ۝
زنان فرود آرنده چشم باشد فراخ چشمان ایشان بیضه های شترمرغ در پرده پوشیده اند
فَاَقبَلَ بَعضُهُم عَلٰى بَعضٍ يَتَسآءَلُونَ ۝ قالَ
پس روی آرد بعض اهل بهشت و بعضی با یکدیگر استفسار کنان گفت
قآئِلٌ مِنهُم اِنِّي كانَ لِي قَرِينٌ ۝ يَقُولُ اَءِنَّكَ
گوینده از ایشان هرآینه بود مرا همنشینی میگفت آیا تو
لَمِنَ المُصَدِّقِينَ ۝ ءَاِذا مِتنا وَكُنّا تُرابًا وَعِظامًا
از باوردارندگان شده آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند
ءَاِنّا لَمَدِينُونَ ۝ قالَ هَل اَنتُم مُطَّلِعُونَ ۝ فَاطَّلَعَ
آیا ما جزا داده خواهیم بازگفت آیا شما دریابید نگرید پس در نگریست
فَرَاٰهُ فِي سَوآءِ الجَحِيمِ ۝ قالَ تَاللهِ اِن كِدتَ
پس دید همنشین خود را در وسط دوزخ گفت بخدا هرآینه نزدیک بودی
لَتُردِينِ ۝ وَلَولا نِعمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ المُحضَرِينَ ۝
هلاک کنی مرا واگر نبودی بخشش پروردگار من هرآینه بودمی از حاضرکردگان
اَفَما نَحنُ بِمَيِّتِينَ ۝ اِلّا مَوتَتَنَا الاُولٰى وَما نَحنُ
البته نیستیم ما مگر مردن نخستین خود و نیستیم



بمعذبين إن هذا لهو الفوز العظيم لمثل
عذاب کرده شده برآینه اینست فیروزی بزرگ برای مثل
هذا فليعمل العاملون أذلك خير نزلا أم شجرة
نعمت باید که عمل کنند عمل کنندگان آیا آنچه مذکور شد نیکوتر است مهمانی یا درخت
الزقوم إنا جعلناها فتنة للظالمين إنها شجرة
زقوم برآینه ما ساختیم زقوم عقوبتی برای ستمکاران برآینه درختی است
تخرج في أصل الجحيم طلعها كأنه رءوس الشياطين
که برمی آید در قعر دوزخ خوشهٔ آن مانند سرهای شیاطین است
فإنهم لآكلون منها فمالئون منها البطون
پس برآینه دوزخیان بخورند از آن درخت پس پر کنند از آن شکمها را
ثم إن لهم عليها لشوبا من حميم ثم إن مرجعهم
پس برآینه ایشان را برآن طعام آمیختنی باشد از آب گرم باز برآینه بازگشت ایشان
لإلى الجحيم إنهم ألفوا آباءهم ضالين فهم على
بسوی دوزخ بود برآینه ایشان پدران خود گمراه یافتند پس ایشان بر
آثارهم يهرعون ولقد ضل قبلهم أكثر
پی پدران خود بسرعت رانده میشوند و برآینه گمراه شده بودند پیش از ایشان اکثر
الأولين ولقد أرسلنا فيهم منذرين فانظر
پیشینیان و برآینه فرستادیم در میان ایشان ترسانندگان را پس بنگر
كيف كان عاقبة المنذرين إلا عباد الله
چگونه شد انجام بیم کردگان مگر بندگان خالص ساخته خدا
المخلصين ولقد نادانا نوح فلنعم المجيبون
و برآینه آواز داد ما را نوح پس نیک قبول کننده دعای ایم
ونجيناه وأهله من الكرب العظيم وجعلنا
و رهانیدیم او را و اهل او را از اندوه بزرگ و ساختیم
ذريته هم الباقين وتركنا عليه في الآخرين
اولاد ایشان را فقط باقی ماندگان و گذاشتیم بروی ثنای نیک در پسینیان



سلام



سلم على نوح في العلمين انا كذلك نجزي

سلام باد بر نوح در عالمها براینه ما همچنین جزا دهیم

المحسنين انه من عبادنا المؤمنين ثم اغرقنا

نیکوکاران را براینه او از بندگان گرویده است باز غرق ساختیم

الاخرين وان من شيعته لابرهيم اذ جاء

دیگران را براینه از اتباع نوح بود ابراهیم چون آمد

ربه بقلب سليم اذ قال لابيه وقومه ماذا

بپروردگار خود بدل سلامت چون گفت بپدر خود و بقوم خود چه چیز را

تعبدون ائفكا الهة دون الله تريدون

عبادت میکنید آیا برای قاصد معبودان بجز خدا میخواهید

فما ظنكم برب العلمين فنظر نظرة في النجوم

پس چیست گمان شما بپروردگار عالمها پس در نگریست یک نگریستن در ستارها

فقال اني سقيم فتولوا عنه مدبرين فراغ

پس گفت براینه من بیمارم خواهم شد پس بازگشتند از وی روی گردانیده پس پنهان شتافت

الى الهتهم فقال الا تاكلون ما لكم لا

بسوی معبودان ایشان پس گفت آیا نمیخورید چیست شما را

تنطقون فراغ عليهم ضربا باليمين فاقبلوا

که سخن نمیگوئید پس متوجه شد بر ایشان زدنی بقوت پس روی آوردند

اليه يزفون قال اتعبدون ما تنحتون و

بابراهیم شتابان گفت آیا میپرستید آنچه میتراشید

الله خلقكم وما تعملون قالوا ابنوا له بنيانا

و خدا پیدا کرد شما را و آنچه میکنید گفتند بنا کنید برای ابراهیم بنائی

فالقوه في الجحيم فارادوا به كيدا فجعلنهم

پس افکنید او را در آتش پس خواستند بوی بدسگالی را پس ساختیم ایشان را

الاسفلين وقال اني ذاهب الى ربي سيهدين

زیر تر وگفت ابراهیم که براینه من روندهام بسوی پروردگار خود زود راه

خواهد شد

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

ای پروردگار من ببخش مرا فرزندی از شایستگان پس بشارت دادیم او را بکودکی

بردباری

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي

چون رسید آن طفل با آن پسر بسعی توانا گردید گفت ای پسرک من بدرستیکه من می بینم

الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ

بخواب که من ذبح میکنم ترا پس درنگر تا چه چیز بنظر تو میرسد گفت ای پدر من

افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

بکن آنچه فرموده میشود ترا خواهی یافت مرا اگر خواسته است خدا از شکیبایان

کنندگان

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ

پس چون منقاد شدند هر دو و بر جانب پیشانی و آواز دادیم او را که ای ابراهیم

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

بدرستیکه راست کردی خواب را بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ

بدرستیکه این امتحانی ظاهر است و عوض دادیم او را بگوسپندی مهتر

برای ذبح

عَظِيمٍ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامٌ عَلَىٰ

بزرگ و گذاشتیم بر وی ثنای نیک در پسینیان سلام باد بر

إِبْرَاهِيمَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

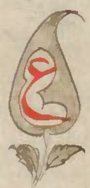
ابراهیم همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را بدرستیکه او از بندگان

الْمُؤْمِنِينَ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

گرویدگان است و بشارت دادیم او را باسحاق پیغمبری از شایستگان

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ

و برکت دادیم بر ابراهیم و بر اسحاق و از اولاد ایشان بعضی نیکوکار است

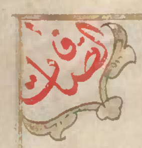


وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ

و بعضی ستم کننده آشکار است بر خویش و بدرستیکه احسان کردیم بر موسی

وَهَارُونَ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

و هارون و نجات دادیم ایشان را و قوم ایشان را از اندوه بزرگ



وَنَصَرْنٰهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغٰلِبِينَ ۝ وَاٰتَيْنٰهُمَا الْكِتٰبَ
و نصرت دادیم ایشان را پس ایشان بودند غالبان و دادیم ایشان را کتاب

الْمُسْتَبِينَ ۝ وَهَدَيْنٰهُمَا الصِّرٰطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ وَ
واضح دلالت کردیم ایشان را براه راست و باقی

تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْاٰخِرِينَ ۝ سَلٰمٌ عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ
گذاشتیم برایشان در پسینیان سلام باد بر موسی و هارون

اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ اِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا
هر اینه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران هر اینه ایشان از بندگان

الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَاِنَّ اِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ اِذْ
گرویدگان ما اند و هر اینه الیاس از فرستادگان بود چون

قَالَ لِقَوْمِهِ اَلَا تَتَّقُونَ ۝ اَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ
گفت بقوم خود آیا پرهیزگاری نمیکنید آیا پرستش میکنید و ترک میکنید

اَحْسَنَ الْخٰلِقِينَ ۝ اللّٰهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ اٰبَائِكُمُ
نیکوترین آفرینندگان خدا را پروردگار شما پروردگار پدران شما

الْاَوَّلِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَاِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝ اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ
پس دروغ داشتند او را پس هر اینه ایشان حاضر کردگانند مگر بندگان

الْمُخْلَصِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْاٰخِرِينَ ۝ سَلٰمٌ
خالص کرده خدا و گذاشتیم بر الیاس در پسینیان سلام باد

عَلٰى اٰلْ يَاسِينَ ۝ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝
بر الیاسین هر اینه همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را

اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَاِنَّ لُوطًا لَمِنَ
هر اینه وی بود از بندگان گرویده و هر اینه لوط بود از

الْمُرْسَلِينَ ۝ اِذْ نَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهُ اَجْمَعِينَ ۝ اِلَّا عَجُوزًا
فرستادگان یاد کن چون نجات دادیم او را و کسان او را همه بجا مگر پیرزنی

فِي الْغٰبِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخَرِينَ ۝ وَاِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ
که بود از باقی ماندگان باز هلاک ساختیم آن دیگران را و هر اینه شما میگذرید

نصف
ع

عليهم مصبحين ۝ وباليل افلا تعقلون ۝ وان

بر ساکنان ایشان صبح کنان   و بشب   آیا در نمی یابید   و بدرستیکه

يونس لمن المرسلين ۝ اذ ابق الى الفلك المشحون

یونس بود از فرستادگان   چون گریخت بسوی کشتی   پر کرده

فساهم فكان من المدحضين ۝ فالتقمه الحوت

پس قرعه انداخت با اهل کشتی پس شد از مغلوبان   پس فرو برد او را ماهی

وهو مليم ۝ فلولا انه كان من المسبحين ۝ للبث

و او ملامت کننده بود کاری را   پس اگر نه آن است که وی از تسبیح کنندگان بود   می ماند

في بطنه الى يوم يبعثون ۝ فنبذنه بالعراء

در شکم ماهی   تا روز که مردان برانگیخته شوند   پس بر انداختیم او را بزمین بیگیاه

وهو سقيم ۝ وانبتنا عليه شجرة من يقطين

و او بیمار بود   و در رویانیدیم بر سر او درختی   از قسم کدو

وارسلنه الى مائة الف او يزيدون ۝ فامنوا

و فرستادیم او را بسوی صد هزار   یا بیشتر باشند   پس ایمان آوردند

فمتعنهم الى حين ۝ فاستفتهم الربك البنات

پس بهره مند ساختیم ایشان را تا مدتی   پس استفسار کن از کافران آیا پروردگار ترا باشد دختران

ولهم البنون ۝ ام خلقنا الملئكة اناثا وهم

و ایشان را پسران   آیا دختر آفریدیم فرشتگان را   و ایشان

شهدون ۝ الا انهم من افكهم ليقولون ۝ ولد الله وانهم

حاضر بودند   آگاه باش هر آینه ایشان از دروغ گوئی خود میگویند که زاد خدا هر آینه ایشان

لكذبون ۝ اصطفى البنات على البنين ۝ ما لكم

دروغ گویانند   آیا اختیار کرد دختران را   بر پسران   چیست شما را

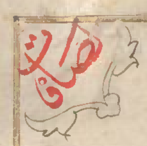
كيف تحكمون ۝ افلا تذكرون ۝ ام لكم

چگونه حکم میکنید   آیا اندیشه نمی نمائید   آیا شما را

سلطن مبين ۝ فاتوا بكتبكم ان كنتم

حجتی واضح است   پس بیارید کتاب خود را   اگر هستید

صدقين



صدقين ۝ وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا و
راستگوی و مقرر کردند کافران میان خدا و میان جنیان خویشی را و

لقد علمت الجنة انهم لمحضرون ۝ سبحن الله عما
بر آینه دانسته اند جنیان که البته ایشان حاضر کرده شوند پاکیست خدا را از انچه

يصفون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ فانكم وما
بیان میکنند مگر بندگان خالص کرده خدا پس بر آینه شما ای کافران و

تعبدون ۝ ما انتم عليه بفاتنين ۝ الا من هو
آنچه می پرستید نیستید بر گمراه کننده برای عبادت آن معبودان مگر کسیکه او

صال الجحيم ۝ وما منا الا له مقام معلوم ۝ وانا
در آینده دوزخ است و نیست هیچکس از ما مگر او را جای است معین و بر آینه

لنحن الصافون ۝ وانا لنحن المسبحون ۝ وان كانوا
ما صف کنندگانیم و بر آینه ما تسبیح گویندگانیم و بر آینه کافران عرب

ليقولون ۝ لو ان عندنا ذكرا من الاولين
میگفتند اگر بودی نزد ما خبری از پیشینیان

لكنا عباد الله المخلصين ۝ فكفروا به فسوف
البته میشدیم بندگان خالص خدا پس کافر شدند بان قرآن پس خواهند

يعلمون ۝ ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين
دانست عاقبت کار را و بر آینه سابق صادر شد وعده ما برای بندگان فرستاده

انهم لهم المنصورون ۝ وان جندنا لهم الغلبون
بر آینه ایشان مظفران مانیند نصرت دادگان و بر آینه لشکر ما همیشه است غالب

فتول عنهم حتى حين ۝ وابصرهم فسوف يبصرون
پس روی بگردان از ایشان تا مدتی و بنگر پس ایشان نیز خواهند دید

افبعذابنا يستعجلون ۝ فاذا نزل بساحتهم
آیا به عذاب ما ایشان شتاب میکنند پس چون فرود آید عذاب بمیدان ایشان

فساء صباح المنذرين ۝ وتول عنهم حتى حين
پس بد باشد روز آن بیم کردگان و روی بگردان از ایشان تا مدتی



وابصر فسوف يبصرون سبحن ربك رب

و بنگر پس ایشان بزودی بنگرند پاکیست پروردگار ترا پروردگار

العزة عما يصفون وسلم على المرسلين و

غلبه از آنچه بیان میکنند و سلام باد بر فرستادگان خدا

الحمد لله رب العلمين

ستایش خدا راست پروردگار عالمها

سورة ص مكية وهي ثمان وثمانون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان



ص والقران ذي الذكر بل الذين

قسم بقرآن خداوند پند بلکه آنکه

كفروا في عزة وشقاق كم اهلكنا من قبلهم

کافران در سرکشی اند و مخالفت بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان

من قرن فنادوا ولات حين مناص وعجبوا

قرنها را پس فریاد برآوردند و نبود آن وقت وقت خلاص و تعجب کردند

ان جاءهم منذر منهم وقال الكفرون هذا

از آنکه بیامد بدیشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران این شخص

سحر كذاب اجعل الالهة الها واحدا ان

جادوگر دروغگوی است آیا گردانید خدایان را معبود یک براینه

هذا لشيء عجاب وانطلق الملا منهم ان

این چیزی است عجیب و برفتند اشراف قوم از ایشان که

امشوا واصبروا على الهتكم ان هذا لشيء

بروید و شکیبایی کنید بر عبادت خدایان خود براینه این دین چیزیست

يراد ما سمعنا بهذا في الملة الاخرة ان هذا

که اراده کرده شده است نشنیدیم این قول را در دین پسین این

الا اختلاق ءانزل عليه الذكر من بيننا

مگر افترا آیا فرود آورده شد برین شخص قرآن از میان ما

بل

302

13

بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِى بَلْ لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ
بلکه این کافران در شک اند از پند من بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ
آیا نزدیک ایشان است خزانهای رحمت پروردگار تو غالب بخشاینده

أَمْ لَهُمْ مُّلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
آیا ایشان راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان اینهاست

فَلْيَرْتَقُوا فِى الْأَسْبَابِ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ
پس باید که بالا روند در رسنها لشکری است اینجا هم آمده

مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
شکست داده از گروهها دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ
و عاد و فرعون خداوند میخها و ثمود و قوم لوط

وَأَصْحٰبُ لْئَيْكَةِ أُولٰٓئِكَ الْأَحْزَابُ إِنْ كُلٌّ إِلَّا
و ساکنان ایکه گروهها نیست هیچ کس از ایشان مگر

كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَآءِ
دروغ داشت پیغامبران را پس بوجود آمد عقوبت من و انتظار نمی برند کفار

إِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ وَقَالُوا رَبَّنَا
مگر یک نعره تند را که نباشد آن را بازگشتن و گفتند ای پروردگار ما

عَجِّلْ لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ اصْبِرْ عَلٰى مَا
شتاب ده ما را سر نوشت ما پیش از روز حساب صبر کن بر آنچه

يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهٗ
میگویند و یاد کن بنده خود را داود خداوند قوت را بر آینه او

أَوَّابٌ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهٗ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِىِّ وَ
رجوع کننده بود بر آینه ما رام ساختیم همراه او کوهها را تسبیح میکنند بوقت شام

الْإِشْرَاقِ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهٗ أَوَّابٌ
و صبح و مرغان را بهم آورده هر یکی برای او فرمان بردار بود



وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ

و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیم حکمت و سخن واضح

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

و آیا آمده است پیش تو خبر خصومت کننده بایکدیگر چون از دیوار جستند مسجد داود را

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

چون درآمدند بر داود پس بترسید از ایشان گفتند مترس

خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا

ما دو خصومت کننده ایم ستم کرده است بعضی ما بر بعضی پس حکم کن میان ما براستی

بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ

براستی و جور مکن و دلالت کن ما را براه راست

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ

این شخص برادر من است بدست او نود و نه میش و پیش من یک میش است

وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

پس گفت این شخص بسپار آن یک میش را و درشتی کرد با من در سخن گفتن

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَ

گفت داود هرآینه ستم کرد بر تو بخواستن میش تو تا بهم آرد بمیشهای خود و

إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

هرآینه بسیاری از شریکان ستم میکنند بعض ایشان بر بعضی

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ

مگر آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک اند ایشان

وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا

و شناخت داود که ما آزموده ایم او را پس طلب آمرزش کرد از پروردگار خود

وَأَنَابَ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى

بیفتاد سجده کنان پس بیامرزیدیم او را از آن زلت او و هرآینه او را نزدیک ما قربت

وَحُسْنَ مَآبٍ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي

و نیکو بازگشت ای داود هرآینه ساختیم ترا پادشاه در



الارض

حزب

الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى
زمین پس حکم کن میان مردمان براستی و پیروی مکن خواهش

نفس

فيضلك عن سبيل الله إن الذين يضلون
که آن گمراه کند ترا از راه خدا براینه آنانکه گمراه میشوند

عن سبيل الله لهم عذاب شديد بما نسوا
از راه خدا ایشانراست عذاب سخت بسبب آنکه فراموش



يوم الحساب ۝ وما خلقنا السماء والأرض و
روز حساب را و بنا فریدیم آسمان و زمین را و

ما بينهما باطلا ذلك ظن الذين كفروا فويل
آنچه درمیان ایهاست بیهوده این گمان کافرانست پس وای

للذين كفروا من النار ۝ أم نجعل الذين
کافران را از عقوبت آتش آیا سازیم آنان را

آمنوا وعملوا الصالحات كالمفسدين في الأرض
که ایمان آوردند و کار شایسته کردند مانند فساد کنندگان در زمین

أم نجعل المتقين كالفجار ۝ كتاب أنزلناه إليك
آیا سازیم پرهیزکاران را مانند بدکاران را این قران کتابیست که فرود آوردیم

بسو تو

مبارك ليدبروا آياته وليتذكر أولو الألباب ۝
با مرده تا تامل کنند در آیات او تا پند گیرند خداوندان خرد

ووهبنا لداود سليمان نعم العبد إنه أواب ۝
و عطا کردیم داود را فرزندی سلیمان نام نیکو شد بنده بود سلیمان براینه او

رجوع کننده بود بخدای

إذ عرض عليه بالعشي الصافنات الجياد ۝ فقال
یاد کن چون نموده شد او را وقت شام اسپان تیز رو پس گفت

إني أحببت حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت
براینه دوست داشتم اسپان را از ذکر پروردگار تا آنکه پنهان شد آفتاب

بالحجاب ۝ ردوها علي فطفق مسحا بالسوق و
در پرده بازگردانید این اسپان را بر من پس شروع کرد دست رسانیدن ساقها



الْأَعْنَاقِ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلٰى
وگردنها و هرآینه ازمودیم سلیمان را و انداختیم بر

كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۝ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ
تخت او کالبدی پس رجوع کرد بخدا گفت ای پروردگار من بیامرز مرا

لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ
و عطا کن مرا پادشاهی که نزیبد هیچ کس را از پس من هرآینه تو

الْوَهَّابُ ۝ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً
بخشاینده بسیار پس مسخر کردانیدیم او را باد را میرفت بفرمان او بآهستگی

روان شده

حَيْثُ أَصَابَ ۝ وَالشَّيٰطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ
هر جا که خواسته باشد و مسخر او کردانیدیم دیوان را بر عمارت بنا کننده را و هر فرو رونده

بدریا

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۝ هٰذَا عَطَاؤُنَا
و دیگر را دست و بابسته در زنجیرها این است بخشش ما عطای ما

فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا
پس ببخش یا نگاهدار بغیر آنکه با تو حساب کرده شود و هرآینه او را نزدیک ما



لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَآبٍ ۝ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ
قربتست و نیکو بازگشت و یاد کن بنده ما ایوب را

إِذْ نَادٰى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطٰنُ بِنُصْبٍ وَ
چون ندا کرد پروردگار خود را که دست رسانیده است مرا شیطان برنج و

عَذَابٍ ۝ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ
درد بزن بپای خود گفته‌اند آن چشمه باشد مهیا برای غسل و سرد و

شَرَابٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
آشامیدنی باشد و عطا کردیم او را اهل خانه او و مانند ایشان همراه ایشان

بخشایشی

مِنَّا وَذِكْرٰى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ وَخُذْ بِيَدِكَ
از نزدیک خود و پندی خداوندان خرد را و گفتیم بگیر بدست خود

ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنٰهُ صَابِرًا
دسته شاخها پس بزن بآن و خلاف سوگند مکن هرآینه ما یافتیم او را شکیبا

نعم



نعم العبد انه اواب ۝ واذكر عبدنا ابرهيم
نیک بنده بود هر آینه او رجوع کننده بخدا بود و یاد کن بندگان ابراهیم

واسحق ويعقوب اولي الايدي والابصار
و اسحاق و یعقوب خداوند دستها و چشمها

انا اخلصنهم بخالصة ذكرى الدار ۝ وانهم
هر آینه ما یکردی ساختیم ایشان را برای خصلتی پاک که یاد کرد آخرتست و هر آینه ایشان

عندنا لمن المصطفين الاخيار ۝ واذكر
نزدیک ما از برگزیدگان نیکان بودند و یاد کن

اسمعيل واليسع وذا الكفل وكل من الاخيار
اسماعیل و الیسع و ذالکفل را هر یکی از نیکان بودند

هذا ذكر وان للمتقين لحسن ماب ۝ جنت
این قرآن پندی است و هر آینه پرهیزگاران را نیکی بازگشت است بوستانهای

عدن مفتحة لهم الابواب ۝ متكئين فيها
دایمی است گشاده کرده برای ایشان درهای تکیه زده آنجا

يدعون فيها بفاكهة كثيرة وشراب ۝ و
میطلبند آنجا میوه بسیار را و شراب را و

عندهم قصرت الطرف اتراب ۝ هذا ما توعدون
نزدیک ایشان باشند زنان فرود انداز نده چشم هم عمر یکدیگر این است آنچه وعده داده

ليوم الحساب ۝ ان هذا لرزقنا ما له من نفاد ۝
شما را در روز حساب هر آینه این رزق ماست نباشد این را هیچ زوال

هذا وان للطغين لشر ماب ۝ جهنم يصلونها
این است جزا و هر آینه از حد گذشتگان را بازگشتی باشد که دوزخ است در آیند آنجا

فبئس المهاد ۝ هذا فليذوقوه حميم وغساق
پس بد آرامگاهیست این عذاب پس باید که بچشند آب گرم است و زردآب

واخر من شكله ازواج ۝ هذا فوج مقتحم معكم
دیگرست مانند آن نوع مختلف چون تابعان خوابند گروهی در آیند

لا مرحبا بهم انهم صالوا النار قالوا بل انتم

گفته شود این قومی است در آینده با آتش اند گویند بلکه شما

لا مرحبا بكم انتم قدمتموه لنا فبئس القرار

زمین گشاده مباد بر شما شما رسم قدیم ساختید کفر را برای ما پس بد قرارگاهی است

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذابا

گویند ای پروردگار ما هر که این قدیم ساخته باشد زیاده کن در حق او عقوبت

ضعفا في النار وقالوا ما لنا لا نرى رجالا

دو باره در آتش و گفتند اهل دوزخ چیست ما را که نمی بینیم مردانرا

كنا نعدهم من الاشرار اتخذنهم سخريا ام

که می شمردیم ایشان را از بدان آیا مسخره بگرفتیم ایشان را آیا

زاغت عنهم الابصار ان ذلك لحق تخاصم

برگشته است از ایشان دیده ها هر آینه این گفت مراد از آن

اهل النار قل انما انا منذر وما من اله الا

اهل دوزخ است بگو جز این نیست که من ترساننده ام و نیست هیچ معبودی مگر

الله الواحد القهار رب السموت والارض

خدای یگانه با قوت پروردگار آسمانها و زمین

وما بينهما العزيز الغفار قل هو نبؤا عظيم

و آنچه میان اینهاست غالب و آمرزگار بگو این خبری بزرگ است

انتم عنه معرضون ما كان لي من علم بالملا

شما از وی روی گردانندگانید نیست مرا هیچ دانش بحال جماعت

الاعلى اذ يختصمون ان يوحى الي الا انما انا

بلند قدر چون با یکدیگر خصومت کنند وحی فرستاده نشود بسوی من مگر آنکه من

نذير مبين اذ قال ربك للملئكة اني خالق

ترساننده آشکارم و یاد کن چون گفت پروردگار تو بفرشتگان که آفریننده ام

بشرا من طين فاذا سويته ونفخت فيه من

آدمی را از گل پس چون راست کنم او را و دردمم در وی از

خصومت کردن

ع

آفریننده ام

روحی

روحي فقعوا له سجدين ۝ فسجد الملئكة كلهم
روح خود را پس در افتید سجده کنان پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان

اجمعون ۝ الا ابليس استكبر وكان من الكفرين
همه یکجا مگر شیطان سرکشی کرد و شد از کافران

قال يا ابليس ما منعك ان تسجد لما خلقت
گفت خدا ای شیطان چه چیز باز داشت ترا از آنکه سجده کنی که آفریدم

بيدي استكبرت ام كنت من العالين ۝ قال
بدو دست خود آیا تکبر کردی یا بحقیقت هستی از بلند قدران گفت

انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين
من بهترم از وی آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل

قال فاخرج منها فانك رجيم ۝ وان عليك لعنتي
گفت بیرون شو از بهشت هر آینه تو رانده شده و هر آینه بر تو لعنت من باد

الى يوم الدين ۝ قال رب فانظرني الى يوم
تا روز جزا گفت ای پروردگار پس مهلت ده مرا تا آن روز

يبعثون ۝ قال فانك من المنظرين ۝ الى يوم
که برانگیخته شوند گفت هر آینه تو از مهلت دادگان تا روز

الوقت المعلوم ۝ قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين
آن وقت مقرر گفت شیطان پس قسم بعزت تو که البته گمراه کنم ایشان را همه یکجا

الا عبادك منهم المخلصين ۝ قال فالحق والحق
الا بندگان خالص کرده تو از ایشان فرمود سخن راست است و سخن راست

اقول ۝ لاملئن جهنم منك وممن تبعك منهم
میگویم البته پر کنم دوزخ را از تو و از آنانکه پیروی تو کنند از ایشان

اجمعين ۝ قل ما اسئلكم عليه من اجر و
همه یکجا بگو سوال نمیکنم بر تبلیغ قران هیچ مزد را و

ما انا من المتكلفين ۝ ان هو الا ذكر للعلمين
نیستم از تکلف کنندگان نیست قرآن مگر پندی برای عالمها را



وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

سورة الزمر مكية وهي خمس وسبعون

والبته خواهید دانست ... خبر صدق او را بعد زمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا

فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت هرآینه ما فرستادیم



إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ

بسوی تو کتاب را براستی پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او

الدِّينَ ۝ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا

پرستش را آگاه باش مر خدا راست پرستش کردن خالص و آنانکه دوستان گرفتند

مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى

بجز خدا و گفتند عبادت نکنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را

اللَّهِ زُلْفَىٰ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ

بخدا در مرتبه قرب هرآینه خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در آن

يَخْتَلِفُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ

اختلاف دارند هرآینه خدا راه نمی نماید کسی را که دروغگوی

كَفَّارٌ ۝ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ

ناسپاس است اگر خواستی خدا که فرزند گیرد البته برگزیدی

مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۝ سُبْحَانَهُ ۝ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ

از آنچه که خلق کرده است چیزی را که میخواست پاکی او راست همون است خدای یگانه

الْقَهَّارُ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۝ يُكَوِّرُ

با قوت آفرید آسمانها و زمین بتدبیر درست می پیچاند

اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ

شب را بر روز و می پیچاند روز را بر شب و رام ساخت

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۝ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ۝ أَلَا هُوَ

آفتاب و ماه را هر یکی میرود در زمان معین آگاه باش همون است

العزيز



العزيز الغفار ۝ خلقكم من نفس واحدة ثم
غالب آمرزنده آفرید شما را از یک شخص باز
جعل منها زوجها وانزل لكم من الانعام
بیافرید از آن شخص زنش را و فرود فرستاد برای شما از چهارپایان
ثمنية ازواج يخلقكم في بطون امهتكم
هشت قسم می آفریند شما را در شکم مادران شما
خلقا من بعد خلق في ظلمت ثلث ذلكم
یک نوع آفریدن بعد از آفریدن دیگر در تاریکیهای سه گانه این است
الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون ۝
خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست هیچ معبود مگر او پس از کجا گردانیده میشوید
ان تكفروا فان الله غني عنكم ولا يرضى لعباده
اگر ناسپاسی کنید پس هرآینه خدا بی نیاز است از شما و نمی پسندد در حق بندگان
الكفر وان تشكروا يرضه لكم ولا تزر
ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید پسندد آنرا برای شما و بر ندارد
وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم
هیچ بردارنده بار دیگری را باز بسوی پروردگار شما بازگشت است
فينبئكم بما كنتم تعملون انه عليم بذات
پس خبر دهد شما را با آنچه میکردید هرآینه او داناست بمکنون
الصدور ۝ واذا مس الانسان ضر دعا ربه
سینها و چون برسد آدمی را رنجی دعا کند جناب پروردگار
منيبا اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسي ما كان
رجوع کرده بسوی او باز چون عطا کند نعمتی از نزدیک خود فراموش سازد آنچه
يدعوا اليه من قبل وجعل لله اندادا ليضل
دعا میکرد بجهت او پیش از این و مقرر کند برای خدا همسران را تا گمراه کند
عن سبيله قل تمتع بكفرك قليلا انك من
از راه خدا بگو بهره مند باش بکفر خود اندک زمانی هرآینه تو از



أصحب النار ۝ أمن هو قانت آناء الليل ساجدا

اهل دوزخی آیا کسیکه او عبادت کننده است در شب سجده کنان

وقائما يحذر الآخرة ويرجوا رحمة ربه قل هل

و ایستاده شده می ترسد از آخرت امید میدارد رحمت پروردگار خود را بگو آیا

يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون

برابر میشوند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند

إنما يتذكر أولوا الألباب ۝ قل يعباد الذين

جز این نیست که پند پذیر میشوند خداوندان خرد را بگو ای بندگان من که



آمنوا اتقوا ربكم للذين أحسنوا في هذه الدنيا

گرایمان آورده اید بترسید از پروردگار خود مر آنانرا که نیکوکاری کردند درین دنیا

حسنة وأرض الله واسعة إنما يوفى الصبرون

حالت نیک باشد و زمین خدا کشاده است جز این نیست که تمام داده میشود

صابران را

أجرهم بغير حساب ۝ قل إني أمرت أن أعبد

مزد ایشان را بیشمار بگو هر آینه فرموده شد مرا که عبادت کنم خدای

الله مخلصا له الدين ۝ وأمرت لأن أكون أول

خدای خالص ساخته برای او پرستش و فرموده شد مرا که باشم نخستین

المسلمين ۝ قل إني أخاف إن عصيت ربي

مسلمانان بگو هر آینه من میترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم

عذاب يوم عظيم ۝ قل الله أعبد مخلصا له

از عذاب روز بزرگ بگو خدا را عبادت میکنم خالص ساخته برای او

ديني ۝ فاعبدوا ما شئتم من دونه قل إن

پرستش پس عبادت کنید هر کرا خواهید بجز خدا بگو هر آینه

الخسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم

زیانکاران آنانند که در زیان خویشتن را و اهل خود را

يوم القيمة ألا ذلك هو الخسران المبين ۝

روز قیامت آگاه باش این مقدمه همان است زیان ظاهر

هم

ثمن

لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم
ایشان را از بالای ایشان سایه‌ها باشند از آتش و از زیر ایشان نیز

ظلل ذلك يخوف الله به عباده يعباد فاتقون
مثل سایه‌ها این می ترساند خدا بآن بندگان خود را ای بندگان من پس بترسید از من

والذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها و
و آنانکه احتراز کردند از بت ازانکه عبادت کنند او را و رجوع کردند

انابوا الى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين
بسوی خدا ایشان راست مژده پس مژده ده آن بندگان آنانکه

يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله
میشنوند سخن پس پیروی مینمایند نیکوترین آنرا ایشانند آنانکه هدایت کرده است ایشان را خدا

واولئك هم اولوا الالباب افمن حق عليه
و ایشانند خداوندان خرد پس کسیکه ثابت شد بروی

كلمة العذاب افانت تنقذ من في النار
وعده عذاب آیا تو توانی کردن خلاص دوزخی

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها
لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست محلها بلند بالای

غرف مبنية تجري من تحتها الانهر وعد
دیگر عمارت کرده میرود زیر آن جویها وعده کرده است

الله لا يخلف الله الميعاد الم تر ان الله انزل
خدا خلاف نمیکند خدا وعده را آیا ندیدی که خدا فرو فرستاد

من السماء ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم
از آسمان آبی پس درآورد آن را چشمه‌سارها در زمین باز

يخرج به زرعا مختلفا الوانه ثم يهيج فتريه
برمی‌آرد بآن کشت را گوناگون اقسام باز خشک میشود پس می‌بینی آنرا

مصفرا ثم يجعله حطاما ان في ذلك لذكرى
زرد شده باز میکند آن را ریزه ریزه هر آینه درین مقدمه پندی هست

لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۞ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ

خداوندان خردها را · آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینه او را برای اسلام

فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ ط فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ

او بر روشنی باشد از جانب پروردگار خود پس وای آنان را که سخت است دل

مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ط أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۞ اللَّهُ نَزَّلَ

از یاد کردن خدا · ایشانند · در گمراهی · ظاهر · خدا نازل ساخت

أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ

بهترین سخن · کتابی که بعض او دیگر است · آیات دو تو · موی خیز میشود

مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ

از شنیدن آن پوست · آنانکه میترسند از پروردگار خود · بعد از آن نرم شود

جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ط ذَٰلِكَ هُدَى

پوست ایشان · و دل ایشان · نزدیک ذکر خدا · اینست · هدایت

اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ ط وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

خدا راه مینماید · بآن · هر کرا خواهد · و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را

مِنْ هَادٍ ۞ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ

هیچ راه نماینده · آیا کسیکه احتراز میکند بروی خود از سختی · عذاب

يَوْمَ الْقِيَامَةِ ط وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

روز قیامت · و گفته شود ستمکاران را · بچشید · وبال آنچه کردید

تَكْسِبُونَ ۞ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ

میکردید · دروغ نسبت کردند آنانکه پیش از ایشان بودند · پس بیامد بدیشان

الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۞ فَأَذَاقَهُمُ

عذاب · از آنجا که ندانستند · پس چشانید ایشان را

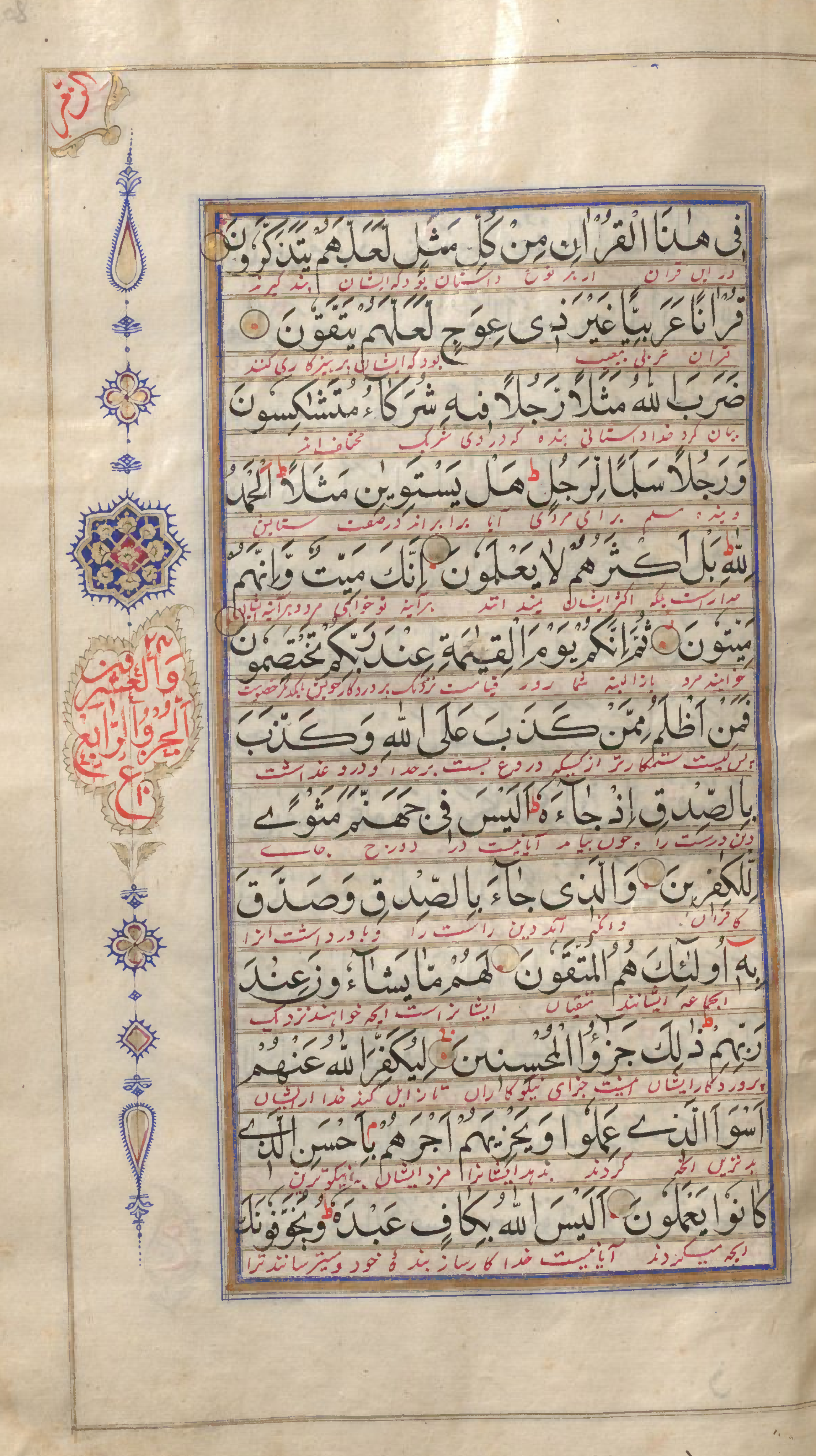
اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ

خدا خواری در زندگانی · دنیا · و هرآینه · عذاب آخرت

أَكْبَرُ م لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۞ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ

سخت ترست · اگر میدانستند · و هرآینه بیان کردیم برای مردمان

ع



ربع

۲۴ الجزء الرابع والعشرين

في هذا القرآن من كل مثل لعلهم يتذكرون
در این قران از هر نوع داستان بود که ایشان پند گیرند
قرآنا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون
قران عربی بی عیب بود که ایشان پرهیزکاری کنند
ضرب الله مثلا رجلا فيه شركاء متشاكسون
بیان کرد خدا داستانی بنده که در وی شریک مختلف اند
ورجلا سلما لرجل هل يستويان مثلا الحمد
و بنده مسلم برای مردی آیا برابر اند در صفت ستایش
لله بل أكثرهم لا يعلمون إنك ميت وإنهم
خدایراست بلکه اکثر ایشان نمیدانند بدرستی تو خواهی مرد و بدرستی ایشان
ميتون ثم إنكم يوم القيامة عند ربكم تختصمون
خواهند مرد باز بدرستی شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش با یکدیگر خصومت
فمن أظلم ممن كذب على الله وكذب
پس کیست ستمکارتر از کسیکه دروغ بست بر خدا و دروغ داشت
بالصدق إذ جاءه أليس في جهنم مثوى
دین درست را چون بیامد آیا نیست در دوزخ جای
للكافرين والذي جاء بالصدق وصدق
کافران و آنکه آورد دین راست را و باور داشت آنرا
به أولئك هم المتقون لهم ما يشاءون عند
آنجماعه ایشانند متقیان ایشانراست آنچه خواهند نزدیک
ربهم ذلك جزاء المحسنين ليكفر الله عنهم
پروردگار ایشان هست جزای نیکوکاران تا زایل کند خدا از ایشان
أسوأ الذي عملوا ويجزيهم أجرهم بأحسن الذي
بدترین آنچه کردند و بدهد ایشانرا مزد ایشان به نیکوترین
كانوا يعملون أليس الله بكاف عبده ويخوفونك
آنچه میکردند آیا نیست خدا کارساز بنده خود و میترسانند ترا

بالذين من دونه ومن يضلل الله فما له من
باکرا غیر خدا اند وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ
هاد ومن يهد الله فما له من مضل أليس الله
راه نماینده وهرکرا راه نماید خدا نیست او را هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا
بعزيز ذي انتقام ولئن سألتهم من خلق السموات
غالب خداوند انتقام واگر بپرسی ایشانرا کآفرید آسمانها
والأرض ليقولن الله قل أفرأيتم ما تدعون
و زمین البته گویند خدا آفرید بگو دیدید آنرا که میپرستید
من دون الله إن أرادني الله بضر هل هن
بجز خدا اگر خواهد در حق من خدا سختی را آیا این بتان
كاشفات ضره أو أرادني برحمة هل هن ممسكت
دفع کننده سختی . بخشایشی آیا این بتان بازدارنده
رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون
بخشایش او هستند بگو بس است مرا خدا بروی توکل میکنند توکل کنندگان
قل يقوم اعملوا على مكانتكم إني عامل فسوف
بگو ای قوم من عمل کنید بر وضع خود هر آینه من نیز عمل کننده ام پس خواهید
تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه ويحل
دانست کسی را که بیاید بوی عذابی که رسوا کند وی را و کسی را که فرود آید
عليه عذاب مقيم إنا أنزلنا عليك الكتب
بروی عذاب دایم هر آینه ما فرود آوردیم بر تو کتاب را
للناس بالحق فمن اهتدى فلنفسه ومن ضل
برای مردمان براستی پس هر که راه یافت پس بسود نفس اوست وهرکه گمراه
فإنما يضل عليها وما أنت عليهم بوكيل
جز این نیست که گمراه میشود و نیستی بر ایشان نگهبان
الله يتوفى الأنفس حين موتها والتي لم تمت
خدا قبض ارواح میکند نزدیک موت و ارواح آنرا که نمرده

ع

ف

فی منامها فیمسك التی قضی علیها الموت و

نزد یک خواب بس نگاه میدارد انرا که حکم موت کرده است بران

یرسل الاخری الی اجل مسمی ط ان فی ذلك

بیگذارد ان دیگررا تا وقتی معین هر اینه درین مقدمه

لایت لقوم یتفکرون ۝ ام اتخذوا من دون

نشانهاست برای قومیکه تامل میکنند ایا شفاعت کنندکان گرفتند بجز

الله شفعاء ط قل اولو کانوا لایملکون شیئا و

خدا بگو اگرچه نیشوا استیند هیچ چیزی و

لایعقلون ۝ قل لله الشفاعة جمیعا ط له ملك

نیند انستند بگو در اختیار خداست شفاعت همه یکجا مراورست پادشاهی

السموت والارض ثم الیه ترجعون ۝ واذا ذکر

اسمانها و زمین باز بسوی او گردانیده شوید و چون یاد

الله وحده اشمازت قلوب الذین لایؤمنون

خدا تنها متنفر شود دل انانکه ایمان نمی ارند

بالاخرة ج واذا ذکر الذین من دونه اذا هم

باخرت و چون یاد کرده شوند انانکه بجز او هستند ناگاه

یستبشرون ۝ قل اللهم فاطر السموت والارض

شادمان میشوند بگو بارخدایا ای پیدا کننده اسمانها و زمین

عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادك

دانننده پنهان و اشکارا تو حکم کنی میان بندگان خود

فی ما کانوا فیه یختلفون ۝ ولو ان للذین ظلموا

دانچه بودند دران اختلاف میکردند و اگر باشد انانرا که ستم کردند

ما فی الارض جمیعا ومثله معه لافتدوا

انچه در زمین است همه و مانند ان همراه ان البته عوض دهند

به من سوء العذاب یوم القیمة ط وبدا لهم من

انرا بسبب سختی عذاب روز قیامت و ظاهر شود ایشانرا از

گرده شود

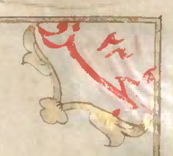


اللهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ۝ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ
خدا انچه گمان نمیبرد اشتند وظاهر شود ایشانرا جزای بد
مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝
انچه کرده بودند ودر گیرد ایشانرا انچه بدان استهزا میکردند
فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً
پس چون برسد ادمی را سختی بخواند مارا باز چون بدهیم اورا نعمتی
مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ
از طرف خود گوید جز این نیست که داده شده است این نعمت مرا بنا بر دانشی
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
اکثر ایشان نمیدانند هراینه گفته اند این کلمه را پیش از ایشان بودند
فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَأَصَابَهُمْ
پس دفع نکرد از ایشان انچه میکردند پس رسید بدیشان
سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ
عقوبتهای انچه کردند وانانکه ستم کردند ازین جماعه
سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ۝
خواهد رسید بدیشان عقوبتهای انچه کردند ونیستند ایشان عاجز کننده
أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ
ایا ندانستند که خدا کشاده میسازد روزی هرکرا خواهد و
يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ
تنک میسازد هراینه درین نشانهاست قومی راکه ایمان می ارند بگو
يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
ای بندگان من که تجاوز از حد کردید بر خود ناامید نشوید
مِن رَّحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ
از رحمت خدا هراینه خدا می امرزد گناهانرا همه یکجا هراینه خدا
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا
همانست امرزکار مهربان ورجوع کنید بسوی پروردگار خویش ومنقاد شوید

ربع



لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ
او را پیش از آنکه بیاید بشما عقوبت باز مدد کرده نشوید
وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم
و پیروی کنید نیکوترین آنچه فرو فرستاده شد بسوی شما از پروردگار
مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا
پیش از آنکه بیاید بشما عذاب ناگهانی و شما
تَشْعُرُونَ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ
خبردار نباشید از آنکه گوید شخصی وای پشیمانی من بر تقصیر کردن من
فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ أَوْ تَقُولَ
در حق خدا و هر آینه من بودم از مسخره کنندگان یا گوید
لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ أَوْ تَقُولَ
اگر خدا هدایت کردی مرا البته بودمی از متقیان یا گوید
حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ
وقتیکه معاینه کند عذاب کاش مرا رجوعی باشد تا باشم
مِنَ الْمُحْسِنِينَ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ
از نیکوکاران آنگاه خدا فرماید آیات من بس دروغ
بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ وَيَوْمَ
انگاشتی و تکبر کردی و شدی از کافران و روز
الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم
قیامت ببینی آنانراکه دروغ بستند بر خدا روی ایشان
مُّسْوَدَّةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ وَ
سیاه شده است آیا نیست در دوزخ جای متکبران و
يُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ
نجات دهد خدا متقیانرا برستگاری نرسد بدیشان
السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
سختی و نه ایشان اندوهگین شوند خدا آفریننده هر چیز است و او



عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَ
بر هر چیز نگهبان است مراو راست کلیدهای آسمانها و
الْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ أُولٰئِكَ
زمین و آنانکه کافر شدند بآیات خدا ایشانند
هُمُ الْخٰسِرُونَ ۝ قُلْ أَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ
زیانکاران بگو میفرمایید بمن که پرستش کنم غیر خدا را
أَيُّهَا الْجٰهِلُونَ ۝ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ
ای نادانان و هر اینه وحی فرستاده شد بسوی تو و بسوی آنانکه
مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ
پیش از تو اگر شریک خدا کنی البته نابود گردد عمل تو و
لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِينَ ۝ بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَ
البته شوی از زیانکاران بلکه خدا را فقط عبادت کن و
كُنْ مِنَ الشّٰكِرِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ
بشو از شکرگذاران و نشناختند خدا را حق شناختن
وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ
و زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها
مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِينِهِ ۚ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝
پیچیده شوند در دست راست او پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک میکنند
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي
و دمیده شود در صور پس بمیرد هر که در آسمانهاست و هر که در
الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرٰى
زمین است مگر آنکه خدا خواسته است و دمیده شود در صور بار دیگر
فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۝ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ
پس ناگهان ایشان استادگانند می نگرند و روشن شود زمین بنور
رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتٰبُ وَجِايْءَ بِالنَّبِيّٖنَ وَالشُّهَدَاءِ
پروردگار خود و نهاده شود نامه اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان را



وقضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون ۝ ووفيت كل
و حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان ستم کرده نشوند و تمام شود هر
نفس ما عملت وهو اعلم بما يفعلون ۝ وسيق الذين كفروا الى
شخصی جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است بآنچه میکنند و روان کرده
جهنم زمرا حتى اذا جاءوها فتحت ابوابها وقال لهم
دوزخ گروه گروه تا که بیایند نزدیک دوزخ و اگرده شود دروازهای آن
خزنتها الم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم
نگهبانان دوزخ آیا نیامده بودند شما را پیغامبران از جنس شما میخواندند بر شما
ايت ربكم وينذرونكم لقاء يومكم هذا
آیات پروردگار شما و میترسانیدند شمارا از ملاقات این روز شما
قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب على
گفتند آری ولیکن متحقق شد حکم عذاب بر
الكفرين ۝ قيل ادخلوا ابواب جهنم خلدين
کافران گفته شود درایید دروازهای دوزخ جاویدان
فيها فبئس مثوى المتكبرين ۝ وسيق الذين
درانجا بس بد جای متکبران است و روان کرده شوند آنانکه
اتقوا ربهم الى الجنة زمرا حتى اذا جاءوها
ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت گروه گروه تا که بیایند نزدیک بهشت
وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها سلم عليكم
و اگرده شود دروازهای آن و گویند ایشانرا نگهبانان بهشت سلام باد بر شما
طبتم فادخلوها خلدين ۝ وقالوا الحمد لله الذي
خوشحال شدید پس درایید بهشت جاویدان و گویند سپاس خدا راست آنکه
صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوا من
راست کرد با ما وعده خود را و عطا کرد ما را زمین جای میگیریم از
الجنة حيث نشاء فنعم اجر العملين ۝ وترى
بهشت هر جا که خواهیم پس نیک مزد کارکنندگانست و به بینی

ع

شوند کافران بسوی

و گویند شانرا

ربع

الملئكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد
فرشتگانرا گرداگرد شده حوالی عرش تسبیح میگویند همراه ستایش

ربهم وقضی بینهم بالحق وقیل الحمد لله رب
پروردگار خویش و حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شود ستایش خدایراست

سورة المؤمن مکیة
العلمین ۝
پروردگار عالمها

وهی اثنان وثمانون اية

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ تنزیل الکتب من الله العزیز العلیم ۝ غافر
فرو فرستادن کتاب از جانب خدای غالب داناست آمرزنده

الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذی
گناهان و پذیرنده توبه سخت کننده عقوبت خداوند

الطول ط لا اله الا هو ط الیه المصیر ۝ ما یجادل
توانگری نیست هیچ معبود مگر او بسوی اوست بازگشت مکابره میکنند

فی ایت الله الا الذین کفروا فلا یغررک
در آیات خدا مگر آنانکه کافر شدند پس غره نکند ترا

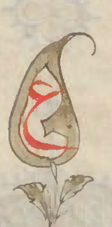
تقلبهم فی البلاد ۝ کذبت قبلهم قوم نوح و
آمد و رفت ایشان در شهرها دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و

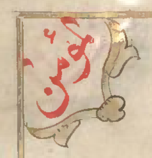
الاحزاب من بعدهم وهمت کل امة برسولهم
جماعتهای دیگر بعد از قوم نوح و قصد کرد هر جماعتی به پیغامبر خود

لیاخذوه وجدلوا بالباطل لیدحضوا به
تا بگیرند او را و مکابره کردند بیهوده تا ناچیز سازند بآن

الحق فاخذتهم ط فکیف کان عقاب ۝ وکذلک
سخن راست پس گرفتیم ایشانرا پس چگونه بود عقوبت من و همچنین

حقت کلمت ربک علی الذین کفروا انهم
ثابت شد حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان





372

اصحب النار الذين يحملون العرش ومن حوله
اهل دوزخ آنانکه برمیدارند عرش را وآنانکه گرداگرد

يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون
تسبیح میگویند همراه ستایش پروردگار خویش وایمان می آرند وآمرزش میخواهند

للذين امنوا ربنا وسعت كل شیء رحمة وعلما
برای مومنان ای پروردگار ما فراگرفتی همه چیز را ببخشایش و دانش

فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم
پس بیامرز آنانرا که توبه کردند وپیروی راه تو نمودند ونگهدار

عذاب الجحيم ربنا وادخلهم جنت عدن التی
عذاب دوزخ ای پروردگار ما در آر ایشانرا بوستانهای همیشه ماندن

وعدتهم ومن صلح من ابائهم وازوجهم
وعده کردی با ایشان وهرکه شایسته کار باشد از پدران ایشان وزنان ایشان

وذريتهم انك انت العزيز الحكيم وقهم السيات
وفرزندان ایشان هرآینه توئی غالب باحکمت ونگهدار ایشانرا از عقوبتها

ومن تق السيات يومئذ فقد رحمته وذلك
وهرکرا نگهداری از عقوبتها در آنروز پس هرآینه رحم کرده بروی واینست



هو الفوز العظيم ان الذين كفروا ينادون
همانست مطلب یابی بزرگ هرآینه آنانکه کافر شدند آواز داده شود

لمقت الله اكبر من مقتكم انفسكم اذ تدعون
دشمن داشتن شما خدارا بزرگتر از دشمن داشتن شما خودرا چون خوانده میشدید

الى الايمن فتكفرون قالوا ربنا امتنا اثنتين
بسوی ایمان پس کافر ماندند گویند ای پروردگار ما مرده ساختی ما را

دوبار

واحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى
وزنده گردانیدی ما را دوبار پس اقرار کردیم بگناهان خود پس آیا بسوی

خروج من سبيل ذلكم بانه اذا دعی الله وحده
بیرون رفتن راهی هست این عذاب بسبب آنست که چون یاد کرده میشد خدا

16

كفرتم وان يشرك به تؤمنوا فالحكم لله العلى
انکار میکردید و اگر شریک او آرند باور میدارید پس فرمان خداراست بلند قدر

الكبير هو الذى يريكم اٰيته وينزل لكم من
بزرگوار او است آنکه بنماید شمارا نشانهای خود و فرو میفرستد برای شما

السماء رزقا وما يتذكر الا من ينيب فادعوا
آسمان روزی و پند پذیر نمیشود مگر کسیکه رجوع کند بخدا پس یاد کنید

الله مخلصين له الدين ولو كره الكفرون
خدارا خالص ساخته برای او عبادت را اگرچه ناخوش دارند کافران

رفيع الدرجت ذو العرش يلقى الروح من امره
بلند کننده مرتبه ها خداوند عرش می اندازد وحی را از فرمان

على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق
بر هر که خواهد از بندگان خود تا بترساند روز ملاقات

يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شىء لمن
روزیکه ایشان بیرون آیند پوشیده نباشد بر خدا از ایشان چیزی کرا

الملك اليوم لله الوحد القهار اليوم تجزى
پادشاهی امروز باز خود جواب دهد مر خدای یگانه غالب امروز پاداش داده شود

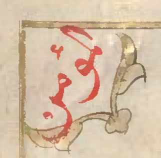
كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم ان الله سريع
هر شخصی را بحسب آنچه کرده است هیچ ستم نیست امروز هر آینه خدا زود

الحساب وانذرهم يوم الازفة اذ القلوب
حساب کننده است و بترسان ایشانرا از روز قیامت آنگاه که دلها

لدى الحناجر كظمين ما للظلمين من حميم و
نزدیک چنبر گردن باشند پر شده از غم نیست ستمکارانرا هیچ دوستی و

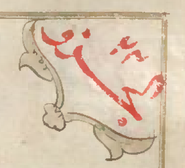
لا شفيع يطاع يعلم خائنة الاعين وما تخفى
نه شفاعت کنندهٔ که سخن او قبول کرده شود میداند خدا خیانت چشمها را و آنچه پنهان میدارند

الصدور والله يقضى بالحق والذين يدعون
سینه ها و خدا حکم میکند براستی و آنانکه میپرستند





مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ
بجز خدا حکم نمیکنند بچیزی هر اینه خدا اوست شنوا
الْبَصِيرُ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ
بینا آیا سیر نکرده اند در زمین تا بنگرید چگونه بود
كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ
آخر کار آنانکه بودند پیش از ایشان بودند زیاده تر
مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
از ایشان بقوت و بنشانها در زمین پس گرفتار کرد ایشانرا خدا
بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ذَٰلِكَ
بگناهان ایشان و نبود ایشانرا از خدا هیچ پناه این
بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا
باینست که بود می آمدند بایشان پیغامبران ایشان بنشانها پس کافر شدند
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَلَقَدْ
پس گرفتار کرد ایشانرا خدا هر اینه خدا توانای سخت عقوبت و هر اینه
أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ إِلَىٰ
و فرستادیم موسی بنشانهای ما و بحجت ظاهر بسوی
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ
فرعون و هامان و قارون پس گفتند جادوگر دروغگوییست
فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ
پس چون آمد بدیشان بسخن راست از نزدیک ما گفتند بکشید فرزندان
الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ
آنانکه ایمان آوردند و زنده گذارید دختران ایشانرا و نیست حیله سازی
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي
کافران مگر در تباهی و گفت فرعون بگذارید مرا
أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ
که بکشم موسی را و دعا کند بپروردگار خود هر اینه من میترسم از آنکه بدل



دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد ۝ وقال
دین شمارا یا پدید آرد در زمین فساد را وگفت
موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر
موسی هر اینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از شر هر متکبری
لا يؤمن بيوم الحساب ۝ وقال رجل مؤمن من
باور نمیدارد روز حساب را وگفت مردی مسلمان از

آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلا
خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود آیا میکشید مردی را
أن يقول ربي الله وقد جاءكم بالبينت
آنکه میگوید پروردگار من خداست وهر اینه آورده است پیش شما نشانه ها
من ربكم وإن يك كاذبا فعليه كذبه و
از جانب پروردگار شما اگر بفرض دروغگوی باشد پس بروی وبال دروغ اوست
إن يك صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم
واگر باشد راست گوی البته برسد بشما بعض آنچه وعده میدهد شمارا
إن الله لا يهدي من هو مسرف كذاب ۝
هر اینه خدا راه نمی نماید کسیکه باشد از حد گذرنده دروغگوی
يقوم لكم الملك اليوم ظهرين في الأرض فمن
ای قوم من شمار است پادشاهی امروز غالب شده در زمین پس که
ينصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما
نصرت دهد مارا از عذاب خدا اگر بیاید بما گفت فرعون نمی نمایم
أريكم إلا ما أرى وما أهديكم إلا سبيل
مگر آنچه ادراک میکنم و دلالت نمیکنم شمارا مگر براه
الرشاد ۝ وقال الذي آمن يقوم إني أخاف
راستی وگفت شخصی که ایمان آورده بود ای قوم من هر اینه من میترسم
عليكم مثل يوم الأحزاب ۝ مثل دأب قوم
بر شما مانند روز جماعت های پیش مانند صورت حال قوم

نوح

نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله

نوح وعاد وثمود وانانکه بعد از ایشان بودند وخدا

يريد ظلما للعباد ويقوم اني اخاف عليكم

اراده ستم نمیکند به بندگان وای قوم من هر اینه میترسم برشما

يوم التناد يوم تولون مدبرين ما لكم

روز آواز دادن روزیکه روی بگردانید پشت داده نبود شما را

من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له

از خدا هیچ نگاهدارنده وهرکه گمراه سازد خدا پس نیست او را

من هاد ولقد جاءكم يوسف من قبل

هیچ راه نماینده وهر اینه آمده بود پیش از این شما یوسف پیش از این

بالبينت فما زلتم في شك مما جاءكم

نشانها پس همیشه در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما

به حتى اذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده

آنرا تا وقتیکه بمرد گفتید نخواهد فرستاد خدا بعد از وی

رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب

پیغامبری را همچنین گمراه میکند خدا هرکه او هست از حد گذرنده شک کننده

الذين يجادلون في ايت الله بغير سلطن اتيهم

آنانکه مکابره میکنند در آیات خدا بغیر حجتی که آمده باشد

كبر مقتا عند الله وعند الذين امنوا كذلك

سخت ناپسند شد این مکابره ایشان نزدیک خدا نزدیک آنانکه ایمان آورده اند

همچنین

يطبع الله على كل قلب متكبر جبار وقال

مهر می نهد خدا بر هر دل متکبر سرکش وگفت

فرعون يهامن ابن لي صرحا لعلي ابلغ

فرعون ای هامان عمارت کن برای من کوشکی تا شاید برسم

الاسباب اسباب السموت فاطلع الى اله

بآن راه راههای آسمانها تا در نگرم بسوی پروردگار

موسى وانى لاظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون

موسى هرآينه من در دغكوى پندارمش وهمچنين آراسته شد در نظر فرعون

سوء عمله وصد عن السبيل ط وما كيد فرعون

عمل بد او وبازداشته شد از راه ونبود حيله سازى فرعون

الا فى تباب وقال الذى امن يقوم اتبعون

مگر در تباهى وگفت آنانكه ايمان آورده بود اى قوم من پيروى كنيد

اهدكم سبيل الرشاد يقوم انما هذه الحيوة

تا دلالت كنم شما را براه راستى اى قوم من جز اين نيست كه اين زندگانى

الدنيا متاع وان الاخرة هى دار القرار

دنيا اندك بهره است وهرآينه آخرت همونست سراى هميشه

من عمل سيئة فلا يجزى الا مثلها ومن

هركه بعمل آورد كار بد جزا داده نخواهد شد مگر مانند آن وهركه

عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن

بجا آرد كار شايسته خواه از جنس مرد خواه از جنس زن واو مؤمن باشد

فاولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها

پس آن جماعه درآيند بهشت رزق داده ميشوند آنجا

بغير حساب ويقوم ما لى ادعوكم الى النجوة ع

بغير حساب واى قوم من چيست مرا كه ميخوانم شما را بسوى نجات

وتدعوننى الى النار تدعوننى لاكفر

وميخوانيد مرا بسوى دوزخ ميخوانيد مرا اگر كافر شوم

بالله واشرك به ما ليس لى به علم وانا ادعوكم

بخدا وشريك مقرر كنم چيزيكه نيست مرا بحقيقت آن علم ومن ميخوانم شما را

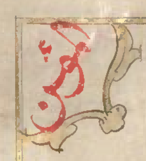
الى العزيز الغفار لا جرم انما تدعوننى اليه

بسوى خداى غالب آمرزگار بى شبهه چيزيكه شما ميخوانيد بسوى آن

ليس له دعوة فى الدنيا ولا فى الاخرة و

نيست آن چيز را قبول كردن دعا نه در دنيا ونه در آخرت و

نصف



أَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللّٰهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحٰبُ النَّارِ

بازگشت ما بسوی خداست و بی شبهه از حد گذشتگان ایشانند اهل دوزخ

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي

پس یاد خواهید کرد آنچه میگویم بشما و می سپارم مقدمهٔ خود را

إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ فَوَقٰهُ اللّٰهُ

بخدا هر آینه خدا بیناست باحوال بندگان پس نگاه داشت خدا

سَيِّاٰتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ

از سختیهای بدسگالی ایشان و فرو گرفت بخویشان فرعون سختی

الْعَذَابِ ۝ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا

عذاب در گرفت ایشان را آتش حاضر کرده میشوند بگاه و بیگاه

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ

و روزیکه قایم شود قیامت گویم در آرید خویشان فرعون سخت ترین

الْعَذَابِ ۝ وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ

عذاب و چون با هم مکابره کنند در دوزخ پس گویند

الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ

ناتوانان سرکشان را هر آینه ما

تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ۝

تابع بودیم شمارا پس آیا شما دفع کننده هستید از ما حصه از نار

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا إِنَّا كُلٌّ فِيهَآ إِنَّ اللّٰهَ

گویند سرکشان هر آینه ما هم در آتشیم هر آینه خدا

قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ

فیصل کرده است میان بندگان و گویند آنانکه در آتشند

لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا

نگاهبانان دوزخ را دعا کنید بجناب پروردگار خویش تا سبک کند از ما روز

مِنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوٓا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ

از عذاب گویند نگاهبانان آیا نمی آمدند بشما پیغامبران شما

بالبينت قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعؤا

با معجزه ها گفتند آری گویند پس دعا کنید و نیست دعای

الكفرين الا في ضلل انا لننصر رسلنا و

کافران مگر در گمراهی هر اینه ما نصرت دهیم پیغامبران خویش را و

الذين امنوا في الحيوة الدنيا ويوم يقوم

آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزی که قایم شوند

الاشهاد يوم لا ينفع الظلمين معذرتهم

گواهان روزی که سود ندهد ستمگاران را عذر آوردن ایشان

ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ولقد اتينا

و ایشان راست لعنت و ایشان راست عقوبت آن سرای و هر اینه دادیم

موسى الهدى واورثنا بني اسراءيل الكتب

موسی را هدایت و وارث کتاب ساختیم بنی اسرائیل را

هدى وذكرى لاولي الالباب فاصبر ان

برای راه نمودن و پند دادن خداوندان خرد را پس صبر کن هر اینه

وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح بحمد

وعده خدا راست است و آمرزش طلب کن برای گناهان خود و تسبیح گوی

ربك بالعشي والابكار ان الذين يجادلون

پروردگار خود بیگاه و بگاه هر اینه آنانکه مکابره کنند

في ايت الله بغير سلطن اتهم ان في صدورهم الا

در آیات خدا بغیر حجتی که آمده باشند نیست در سینه ایشان مگر

كبر ما هم ببلغيه فاستعذ بالله انه هو السميع

اراده غلبه نیستند ایشان رسنده بآن پس پناه طلب کن بخدا هر اینه خداوند است شنوا

البصير لخلق السموت والارض اكبر من

بینا هر اینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است از

خلق الناس ولكن اكثر الناس لا يعلمون

آفریدن آدمیان و لیکن اکثر مردمان نمی دانند

المؤمن

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
و برابر نیستند نابینا و بینا و آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ
و کارهای شایسته کردند با بدکار اندکی پند پذیر میشوند

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ
هر آینه قیامت آمدنیست نیست شک در آن و لیکن اکثر

النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ
مردمان باور نمیدارند و گفت پروردگار شما دعا کنید مرا

تا قبول کنم

لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
دعای شمارا هر آینه آنانکه تکبر میکنند از عبادت من

ع

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ
داخل خواهند شد بدوزخ خوار شده خدا است که آفرید

لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ
برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را بوجهیکه دیدن یکدیگر باشد

هر آینه خدا

لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
خداوند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر مردمان

يَشْكُرُونَ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
شکر نمیکنند اینست خدای پروردگار شما آفریننده هر چیز

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ
نیست هیچ معبود بجز وی پس از کجا برگردانیده میشوید همچنین برگردانیده میشوند

الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ اللَّهُ الَّذِي
آنانکه بآیات خدا انکار میکردند خدا آنست

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ
ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را سقفی و صورت ساخت

فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ط
پس نیکو ساخت صورتها و روزی داد شمارا از پاکیزه ها

ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين هو
هست خدای پروردگار شما پس بسیار با برکت است پروردگار عالمها او است

الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين له الدين
زنده نیست هیچ معبود مگر او پس عبادت کنید او را اخلاص ساخته برای او

الحمد لله رب العالمين قل إني نهيت أن أعبد
ستایش خدای را است پروردگار عالمها بگو هر آینه منع کرده شد مرا از آنکه عبادت

الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات
آنان را که شما میپرستید بجز خدا وقتیکه آمد بمن نشانها

من ربي وأمرت أن أسلم لرب العالمين هو
از جانب پروردگار من و فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالمها را او

الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من
آنکه آفرید شما را از خاک باز از نطفه باز از

علقة ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا أشدكم
خون بسته باز بیرون می آرد شما را کودک شده باز باقی میگذارد تا برسید

ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل
باز باقی میگذارد تا شوید پیران سال و بعض از شما کسی هست که قبض روح او

ولتبلغوا أجلا مسمى ولعلكم تعقلون هو الذي
تا برسید بر وقتی معین تا بود بفهمید او است آنکه

يحيي ويميت فإذا قضى أمرا فإنما يقول له كن
زنده میکند و میمیراند چون پیدا کند چیزی را جز این نیست که میگوید آن شو

فيكون ألم تر إلى الذين يجادلون في آيات الله
پس میشود آیا ندیدی بسوی آنانکه مکابره کنند در آیات خدا

أنى يصرفون الذين كذبوا بالكتاب وبما
از کجا گردانیده میشوند آنانکه دروغ شمردند کتاب را و بآنچه

أرسلنا به رسلنا فسوف يعلمون إذ الأغلال
فرستادیم بآن پیغامبران خود در زود خواهند دانست چون طوقها

کنم آزاد

نهایت توت بود

کرده شود پس از این

ع

ف

مؤمن

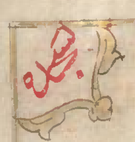
فی اعناقهم والسلسل یسحبون فی الحمیم ثم
در گردن ایشان باشد و زنجیرها کشیده شوند در آب گرم باز
فی النار یسجرون ثم قیل لهم این ما کنتم تشرکون
در آتش برافروخته شوند باز گفته شود ایشان را کجاست آنچه شریک میکردید
من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نکن
بجز خدا گویند گم شدند از نظر ما بلکه هرگز
ندعوا من قبل شیئا کذلک یضل الله الکفرین
نمی پرستیدیم پیش از این چیزی را همچنین گمراه میکند خدا کافران را
ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغیر الحق و
این عقوبت بسبب آنست که نازیدند در زمین بناحق و
بما کنتم تمرحون ادخلوا ابواب جهنم خلدین
بسبب آنکه می نازیدید در آیید بدروازهای دوزخ جاویدان
فیها فبئس مثوی المتکبرین فاصبر ان وعد
آنجا پس بد جای متکبران است پس صبر کن هر آینه وعده
الله حق فاما نرینک بعض الذی نعدهم او
خدا راست است پس اگر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده میدهیم ایشان را یا
نتوفینک فالینا یرجعون ولقد ارسلنا رسلا
اگر قبض روح تو کنیم پس بسوی ما باز گردانیده شوند و هر آینه فرستادیم
پیغامبران را
من قبلک منهم من قصصنا علیک ومنهم من
پیش از تو از ایشان کسی هست که قصه آن خوانده ایم بر تو و از ایشان کسی
لم نقصص علیک وما کان لرسول ان یاتی
که نخوانده ایم بر تو و نبود هیچ پیغامبر را که بیارد
بایة الا باذن الله فاذا جاء امر الله
نشانه مگر بفرمان خدا پس چون بیاید فرمان خدا
قضی بالحق وخسر هنالک المبطلون الله الذی
فیصل کرده شود براستی و زیانکار شدند آنجا بیهوده گویان خدای آنست



جعل لكم الانعام لتركبوا منها ومنها تاكلون
او بید برای شما مواشی تا سوار شوید بر بعض انها و بعض انها بخورید
ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في
و شما را در چهارپایان منفعتهاست تا برسید بر آنها بمقصدیکه در
صدوركم وعليها وعلى الفلك تحملون
سینه شماست و بر ان و بر کشتی سوار شوید
ويريكم اياته فاي ايات الله تنكرون افلم يسيروا
و خدا می نماید شما را نشانهای خود پس کدام یک را از نشانهای خدا انکار میکنید ایا
في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
در زمین تا بنگرید چگونه بود عاقبت اناکه
من قبلهم كانوا اكثر منهم واشد قوة واثارا في الارض فما
پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان و زیاده تر بقوت و نشانها در
اغنى عنهم ما كانوا يكسبون فلما جاءتهم
پس دفع نکرد از ایشان انچه میکردند پس چون بیامد
رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم و
بدیشان پیغمبران ایشان با معجزات شاد شدند بانچه نزدیک ایشان از علم و
حاق بهم ما كانوا به يستهزءون فلما راوا باسنا
در گرفت ایشان را انچه استهزا میکردند پس چون دیدند عقوبت
قالوا امنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين
گفتند ایمان اوردیم بخدا تنها و منکر شدیم بانچه شریک مقرر میکردند
فلم يك ينفعهم ايمانهم لما راوا باسنا سنت
پس هرگز نفع میدهد ایمان ایشان چون دیدند عقوبت ما آیین
الله التي قد خلت في عباده وخسر هنالك
خدا که گذشته است در بندگان او و زیان کار شدند انجا

سورة السجدة — الكافرون — مكية هي اربع وخمسون آية
کافران

بسم الله



بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



حم تنزيل من الرحمن الرحيم كتب فصلت
این فرو فرستادن از جانب خدای بخشاینده مهربان این کتابیست واضح شد

ايته قرءانا عربيا لقوم يعلمون بشيرا ونذيرا
آیات او قرآن عربیست برای قومیکه میدانند مژده دهنده و ترساننده

فاعرض اكثرهم فهم لا يسمعون وقالوا
پس روی گردان شدند اکثر ایشان پس ایشان نمی شنوند وگفتند

قلوبنا في اكنة مما تدعونا اليه وفي اذاننا
دلهای ما در پرده است از آنچه میخوانید شما ما را بسوی آن در گوشهای

وقر ومن بيننا وبينك حجاب فاعمل اننا
گری و در میان ما و میان تو ستریست پس کار کن هر آینه ما

عملون قل انما انا بشر مثلكم يوحى الى
کار کننده گانیم بگو جز این نیست که من آدمیم مانند شما وحی کرده میشود بسوی

انما الهكم اله وحد فاستقيموا اليه واستغفروه
که پروردگار شما معبود یگانه است پس راست متوجه شوید بسوی او و طلب

آمرزش کنید

وويل للمشركين الذين لا يؤتون الزكوة و
و وای آن مشرکان آنانکه نمیدهند زکوة را و

هم بالاخرة هم كفرون ان الذين امنوا وعملوا
ایشان باخرت نا معتقدند هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کردند

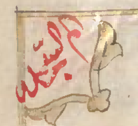


الصلحت لهم اجر غير ممنون قل ائنكم
کارهای شایسته ایشان راست مزد غیر مقطوع بگو آیا شما

لتكفرون بالذي خلق الارض في يومين و
نامعتقد میشوید بآنکه آفرید زمین در دو روز و

تجعلون له اندادا ذلك رب العلمين وجعل
مقرر میکنید برای او همسران آنست پروردگار عالمها و پدید آورد

فيها رواسي من فوقها وبارك فيها وقدر فيها
دران کوه ها بالای ان وبرکت نهاد دران واندازه کرد دران
اقواتها في اربعة ايام سواء للسائلين ثم
وقت اهل ازوا در چهار روز گواضح کرده شده برای سوال کنندگان باز
استوى الى السماء وهي دخان فقال لها و
متوجه شد بسوی آسمان واو دود پس گفت اورا
للارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا
زمین را بیایید بخوشی یا ناخوشی گفتند هردو آمدیم
طائعين فقضهن سبع سموات في يومين
بخوشی پس ساخت هفت آسمان در دو روز
واوحى في كل سماء امرها وزينا السماء
ووحی فرستاد در هر آسمان تدبیر انرا وبیاراستیم آسمان
الدنيا بمصابيح وحفظا ذلك تقدير العزيز
دنیا بچراغها ونگاه داشتیم ایشت تدبیر خدای غالب
العليم فان اعرضوا فقل انذرتكم صاعقة
دانا پس اگر روی گردان شوند پس بگو ترسانیدم شمارا ازعقوبتی
مثل صاعقة عاد وثمود اذ جاءتهم الرسل
مانند عقوبت عاد وثمود چون آمدند بدیشان پیغامبران
من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله
پیشروی ایشان وازپس پشت ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را
قالوا لو شاء ربنا لانزل ملئكة فانا بما
گفتند اگر خواستی خدا پروردگار ما فرو فرستادی فرشتگان پس هر آینه ما
ارسلتم به كفرون فاما عاد فاستكبروا
فرستاده شده اید همراه ان نامعتقدیم اما قوم عاد پس تکبر کردند
في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا قوة
در زمین ناحق وگفتند کیست زیاده تر ازما بقوت



أولم يروا أن الله الذي خلقهم هو أشد منهم
آیا ندیدند که الله که بیافرید ایشان را او زیاده تر است از ایشان
قوة ط وكانوا بآياتنا يجحدون ۝ فأرسلنا عليهم
بقوت و بودند بآیات ما انکار میکردند پس فرستادیم برایشان
ريحا صرصرا في أيام نحسات لنذيقهم عذاب
بادی تند در روزهای شوم تا بچشانیم ایشان را عذاب
الخزي في الحيوة الدنيا ولعذاب الآخرة
رسوائی در زندگانی دنیا و هرآینه عذاب آخرت
أخزى وهم لا ينصرون ۝ وأما ثمود فهديناهم
رسوا کننده تر است و ایشان نصرت داده نشوند و اما ثمود پس راه نمودیم
فاستحبوا العمى على الهدى فأخذتهم
پس اختیار کردند نابینائی را بر راه یابی پس در گرفت ایشان را
صاعقة العذاب الهون بما كانوا يكسبون ۝
عقوبت عذاب خواری آنچه میکردند



ونجينا الذين آمنوا وكانوا يتقون ۝ ويوم يحشر
و نجات دادیم آنانرا که ایمان آوردند و پرهیزکاری میکردند و روزی که برانگیخته
أعداء الله إلى النار فهم يوزعون ۝ حتى إذا ما
دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان استاده کرده شوند تا که بیایند
جاءوها شهد عليهم سمعهم وأبصارهم و
نزدیک دوزخ گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشم ایشان و
جلودهم بما كانوا يعملون ۝ وقالوا لجلودهم
پوست ایشان بانچه میکردند و گفتند بپوستهای خود را
لم شهدتم علينا قالوا أنطقنا الله الذي أنطق
چرا گواهی دادید بر ما گویند گویا گردانید ما را خدا که گویا گردانیده است
كل شيء وهو خلقكم أول مرة وإليه ترجعون
هر چیز را و او بیافرید شمارا اول بار و بسوی او بازگردانیده شوید

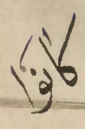


وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ
و در پرده پنهان نمیشدید از خوف آنکه گواهی دهد بر شما گوش شما و
لَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ
نه چشمهای ایشان و پوست شما و لیکن پنداشتید که خدا
لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي
نمیداند بسیاری از آنچه میکنید و این گمان شما غلط اندیشه کرد
ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ ۝
که در حق پروردگار خویش هلاک گرد شما را پس زیانکار گشتید
فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا
پس اگر صبر کنند پس آتش جای ایشانست و اگر طلب عفو کنند
فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ ۝ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا
پس نیستند ایشان عفو کرده شده و برگماشتیم برای ایشان همنشینان پس
لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ
آراستند همنشینان برای ایشان آنچه پیش روی ایشانست و ثابت شد بر ایشان
فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ
در امتانی که پیش از ایشان گذشته اند از جن و آدمیان
إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا
هر آینه زیانکار بودند و گفتند کافران مشنوید
لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ۝
این قرآن را و سخن بیهوده گوئید در آن بود که شما غالب شوید
فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَ
پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت و
لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذَٰلِكَ جَزَاءُ
البته جزا دهیم ایشان را بجت بدترین آنچه میکردند اینست جزای
أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا
دشمنان خدا آتش است ایشان را در آنجا منزل علی الدوام باشد پاداش

آراسته کردند

وعده عذاب



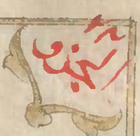

كانوا

سجده

كانوا بآياتنا يجحدون ۝ وقال الذين كفروا ربنا
بودند بآيات ما انكار ميكردند وگفتند كافران اى پروردگار ما
أرنا الذين أضلانا من الجن والإنس نجعلهما
بنما مارا آن دو فريق كه گمراه ساختند ما را از جن و آدمى تا درآريم ايشانرا
تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين ۝ إن الذين
زير قدمهاى خود تا شوند از فروتر ماندگان هرآينه آنانكه
قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم
گفتند پروردگار ما خداست باز قايم ماندند فرود مى آيند بر ايشان
الملائكة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة
فرشتگان كه مترسيد و اندوه مخوريد و خوشحال شويد ببهشتى كه
التي كنتم توعدون ۝ نحن أولياؤكم في الحياة
شمارا وعده داده ميشد ما دوستان شما بوديم در زندگانى
الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي أنفسكم
دنيا و در آخرت و نيز شمارا هست در آنجا آنچه طلبد نفس شما
ولكم فيها ما تدعون ۝ نزلا من غفور رحيم ۝
و شمارا هست آنچه درخواست كنيد مهمانى از آمرزگار مهربان



ومن أحسن قولا ممن دعا إلى الله وعمل صالحا و
وكيست نيكوتر باعتبار سخن كه دعوت كرد مردمانرا بسوى خدا وكار شايسته كرد
قال إنني من المسلمين ۝ ولا تستوي الحسنة
گفت هرآينه من از مسلمانانم و برابر نيست نيكى
ولا السيئة ادفع بالتي هي أحسن فإذا الذي
و بدى جواب باز ده بخصلتى كه آن بهتر است پس ناگاه آنكس
بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم ۝ وما يلقاها
ميان تو و ميان وى دشمنى است گويا كارساز خويشاوند است و قرين كرده نشود
إلا الذين صبروا وما يلقاها إلا ذو حظ عظيم
مگر آنانكه صبر كردند و قرين كرده نشود مگر صاحب نصيب بزرگ



وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ
واگر بازگرداند ترا وسوسه شیطان بازگرداندنی پس پناه طلب کن

بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَ
بخدا هر آینه خدا شنوا داناست واز نشانه های اوست شب و

النَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوْا لِلشَّمْسِ وَ
روز و آفتاب و ماه سجده مکنید آفتاب را و

لَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ
نه ماه را و سجده کنید خدا آنکه آفرید این چیزها اگر هستید

اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ
اورا عبادت کنید پس اگر تکبر کنند کافران پس آنانکه نزدیک

رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا
پروردگار تو بپاکی یاد کنند اورا شب و روز وایشان

يَسْئَمُوْنَ وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنَّكَ تَرَى الْاَرْضَ خَاشِعَةً
مانده نمیشوند واز نشانه های اوست که می بینی زمین را فرسوده



فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ اِنَّ
پس چون فرود آوردیم بران آب را جنبش کند و بلند شد هر آینه

الَّذِيْٓ اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
آنکه زنده گردانید است زنده کننده مردگانست هر آینه او بر هر چیز تواناست

اِنَّ الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا
هر آینه آنانکه کجروی کنند در آیات ما پوشیده نیستند برما

اَفَمَنْ يُّلْقٰى فِي النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ يَّاْتِيْٓ اٰمِنًا يَّوْمَ
آیا کسیکه انداخته شود در آتش بهتر است یا کسیکه بیاید ایمن شده روز

الْقِيٰمَةِ اعْمَلُوْا مَا شِئْتُمْ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ
قیامت بکنید هرچه خواهید هر آینه خدا بآنچه میکنید بیناست

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ وَاِنَّهٗ
هر آینه آنانکه کافر شدند بقرآن چون آمد بدیشان و اگر

لكتب

سجده

كتب عزيز ۝ لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا
کتابیست گرامی قدر راه نمی یابد بوی باطل از پیش روی او و نه

من خلفه تنزيل من حكيم حميد ۝ ما يقال لك
از پس پشت او فرستاده شده است از خدای دانای ستوده گفته نمیشود ترا

الا ما قد قيل للرسل من قبلك ان ربك لذو
انچه گفته شده بود بپیغامبران را پیش از تو هر اینه پروردگار تو خداوند

مغفرة وذو عقاب اليم ۝ ولو جعلنه قرانا
امرزش است و خداوند عقوبت درد دهنده و اگر میساختیم قرآن

اعجميا لقالوا لولا فصلت ايته ءاعجمي وعربي
بزبان عجم هر اینه میگفتند چرا واضح کرده نشد ایات او را ایا قران

قل هو للذين امنوا هدى وشفاء والذين
بگو قران مسلمانانرا هدایت و شفاست و انانکه

لا يؤمنون في اذانهم وقر وهو عليهم عمى
ایمان ندارند در گوش ایشان گرانیست و قران بر ایشان کوریست

اولئك ينادون من مكان بعيد ۝ ولقد
این جماعه آواز داده میشوند از جای دور و هر اینه

اتينا موسى الكتب فاختلف فيه ولولا كلمة
دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد دران و اگر نبودی

سبقت من ربك لقضي بينهم وانهم لفي
سابق صادر شده از پروردگار تو البته فیصل کرده شدی درمیان ایشان و

شك منه مريب ۝ من عمل صالحا فلنفسه و
در شک قوی اند هر که بکند کار نیک پس نفع او راست و

من اساء فعليها وما ربك بظلام للعبيد ۝
هر که بدکاری کند پس بروی است و نیست پروردگار تو ستم کننده بر بندگان

اليه يرد علم الساعة وما تخرج من ثمرت من
بسوی خدا حواله کرده میشود معرفت قیامت و بیرون نمی آید هیچ میوه از

يسهل الهمزة الثانية حفص هنا فقط في تمام القرآن

ع

كلمه

هر اینه میان ایشان

٢٥ الجزو الخامس والعشرين



أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ
غلاف خود و در شکم بار میگیرد هیچ زنی و نمی نهد بار شکم را مگر دانست خدا
وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا
و روزی که خدا آواز دهد ایشان را که کجا اند آنانکه شریک من مقرر کردند گویند خبر دادیم ترا
مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ۝ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ
از هیچ کس اثبات کننده نیست و گم شدند از نظر ایشان آنچه می پرستیدند
مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ۝ لَا يَسْأَمُ
پیش ازین و دانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی مانده نمی شود
الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ
آدمی از طلب خیر و اگر برسدش سختی پس نا امید
قَنُوطٌ ۝ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ
طمع برنده است و اگر بچشانیم او را بخششی از جانب خود بعد از سختی
مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً
که رسیده باشد بوی گوید که این برای من است و نمی پندارم که قیامت قایم شود
وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ
و اگر بفرض باز گردانیده شود مرا بسوی پروردگار من هر آینه مرا نزد او حالت خوش باشد
فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ
پس البته خبردار کنیم کافران را بآنچه میکردند و البته بچشانیم ایشان را
مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ
عقوبت سخت و چون انعام کنیم بر آدمی
أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ
روی بگرداند و دور شود بطرف خود و چون برسدش بلای پس خداوند دعا
عَرِيضٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ
بسیار است بگو آیا دیدید که اگر باشد قران از جانب خدا باز
كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ
کافر شوید بآن کیست گمراه تر از کسیکه باشد در مخالفت دور



سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ
خواهیم نمود ایشان را نشانهای خود در اطراف عالم در نفس ایشان تا آنکه
يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ
واضح شود بر ایشان که صحیح راست آیا بس نیست پروردگار تو آنکه او بر
كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ
هر چیز مطلع است آگاه شو هر آینه ایشان در شبهه اند از ملاقات پروردگار خویش
أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ۝
آگاه شو هر آینه خدا بهر چیز درگیرنده است

سورة الشورى مكية وهي ثلاث وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان



حم ۝ عسق ۝ كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ
همچنین وحی میفرستد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش
قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
از تو بودند خدای غالب و با حکمت او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۝ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ
زمین است و اوست بلند مرتبه بزرگ قدر نزدیکست که آسمانها
يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ
بشکافند از جانب بالای خود و فرشتگان تسبیح میگویند همراه حمد
رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ
پروردگار خویش و آمرزش طلب میکنند برای آنانکه در زمین اند آگاه شو هر آینه خدا
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ
اوست آمرزنده مهربان و آنانکه دوستان گرفتند بجز خدا
أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝
خدا نگاهبان است بر ایشان و نیستی تو بر ایشان کارساز
وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ
و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآنی عربی تا بترسانی اهل

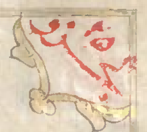


الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ
که را و آنانکه گرداگرد هستند و بترسانی از روز قیامت هیچ شبهه نیست
فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ وَلَوْ شَاءَ
دران گروهی در بهشت باشند و گروهی در دوزخ و اگر خواستی
اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن
خدا گردانیدی ایشان را یک امت ولیکن در می آرد هر کرا
يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَ
خواهد برحمت خود و ستمکاران نیست ایشان را هیچ کارسازی و نه
لَا نَصِيرٍ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ
یاری دهنده آیا دوستان گرفتند بجز خدا پس خدای
هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
همون است کارساز و همون زنده میکند مردگان را و او بر هر چیز تواناست
وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَٰلِكُمُ
و آنچه اختلاف کردید دران هر چه باشد پس فیصل کردن او حواله بخداست این
اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ فَاطِرُ
خدا پروردگار من بر او توکل کردیم و بسوی او رجوع میکنیم آفریننده
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ
آسمانها و زمین است پیدا کرد برای شما از جنس شما
أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ
زنان را و پیدا کرد از جنس چهارپایان اقسام چند پراگنده میکند شما را
فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَهُ
با این نیست مانند او چیزی و اوست شنوا بینا اوراست
مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن
کلیدهای آسمان و زمین کشاده میکند روزی هرکه را
يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ شَرَعَ لَكُم
خواهد و تنگ میکند برای هرکه خواهد هرآینه او بهر چیز داناست مقرر کرد برای شما

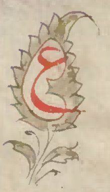


مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
از آن پس آنچه امر کرده بود با قامت آن نوح و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو
وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
و آنچه امر کردیم با قامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را که قایم کنید دین را
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ط كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ
و متفرق مشوید در آن دشوار آمد بر مشرکان آنچه میخوانی ایشان را بآن
إِلَيْهِ ط اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ
خدا برمیگزیند بسوی خود هر کرا خواهد و راه مینماید بسوی خود
مَنْ يُنِيبُ ۝ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
هر کرا رجوع کند و پراکنده نشدند اینها مگر بعد از آنکه آمد بدیشان
الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ط وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ
دانش پراکنده شدند از حسد در میان خود و اگر نبودی سخنی که سابقا صادر شد از
رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ط وَإِنَّ الَّذِينَ
پروردگار تو تا وقت معین البته فیصل کرده شدی میان ایشان
أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝
داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا در شک بوی اند از دین
فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ ط وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ج وَلَا تَتَّبِعْ
پس بسوی این دین دعوت کن و قایم باش چنانکه فرموده شد ترا و پیروی مکن
أَهْوَاءَهُمْ ج وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ج وَ
خواهشهای ایشان را و بگو ایمان آوردم بآنچه فرود آورد خدا هر کتابیکه هست
أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ط اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ط لَنَا
و فرموده شد مرا که انصاف کنم میان شما خدا پروردگار ماست و پروردگار شماست
أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ط لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ط اللَّهُ
مارا عملها بر ماست و شما را عملها بر شماست گفتگو نیست میان ما و میان شما خدا
يَجْمَعُ بَيْنَنَا ج وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي
جمع میکند میان ما و شما و بسوی اوست بازگشت و آنانکه گفتگو میکنند در

و هر آینه آنانکه



اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهٗ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ
خدا بعد از آنکه قبول کرده شد قران او را مکابره ایشان باطل است
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ
نزدیک پروردگار ایشان و بر ایشان است خشم و ایشان راست عذاب سخت
اَللّٰهُ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَالْمِيْزَانَ ط وَمَا
خدا آن است که فرود آورد کتاب را براستی و ترازو را نیز و چه چیز
يُدْرِيْكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيْبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِيْنَ
مطلع ساخت ترا برای حقیقت قیامت نزدیک باشد زود طلب میکنند قیامت را
لَا يُؤْمِنُوْنَ بِهَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مُشْفِقُوْنَ مِنْهَا وَ
آنانکه ایمان نیارند بآن و آنانکه باور داشتند ترسانند از ان و
يَعْلَمُوْنَ اَنَّهَا الْحَقُّ ط اَلَآ اِنَّ الَّذِيْنَ يُمَارُوْنَ فِي
میدانند که آن راست است آگاه شو هر آینه آنانکه مکابره میکنند در
السَّاعَةِ لَفِيْ ضَلٰلٍ بَعِيْدٍ اَللّٰهُ لَطِيْفٌ بِعِبَادِهٖ
آمدن قیامت هر آینه در گمراهی دور اند خدا مهربان است بر بندگان خود
يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ مَنْ كَانَ
روزی میدهد هر کرا خواهد و اوست توانا بر غالب هر که خواسته باشد
يُرِيْدُ حَرْثَ الْاٰخِرَةِ نَزِدْ لَهٗ فِيْ حَرْثِهٖ وَمَنْ كَانَ
کشت آخرت بیفزاییم برای او در کشت او و هر که
يُرِيْدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَمَا لَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ
خواسته باشد کشت دنیا بدهیم او را بعض دنیا و نیست او را در آخرة
مِنْ نَّصِيْبٍ اَمْ لَهُمْ شُرَكٰٓؤُا شَرَعُوْا لَهُمْ مِّنَ الدِّيْنِ
هیچ نصیبه آیا کافران را شریکان هستند که مقرر کردند برای ایشان از دین
مَا لَمْ يَاْذَنْ بِهِ اللّٰهُ ط وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ
آنچه نفرموده است آنرا خدا و اگر نبودی وعده فیصل کردن البته فیصل کرده شدی
بَيْنَهُمْ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ تَرَى
میان ایشان و هر آینه ستمگاران ایشان راست عذاب درد دهنده بر بینی



الظلمين

الظلمين مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم

ستمکاران را ترسان از جزای آنچه بعمل آوردند وآن البته رسنده است بآن

والذين امنوا وعملوا الصلحت في روضات

وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در سبزه زار

الجنات لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك

بوستانها باشند ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیک پروردگار خویش اینست

هو الفضل الكبير ذلك الذي يبشر الله

فضل بزرگ این آن ثوابیست که مژده میدهد خدا

عباده الذين امنوا وعملوا الصلحت قل لا اسئلكم

آن بندگان خود را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بگو نمیطلبم از شما

عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترف

بروی هیچ مزدی لیکن باید که بکنید دوستی از پیامبران خویشاوندان و هر که بکند

حسنة نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور

نیکی بیفزاییم برای او در آن حسن را هر آینه خدا آمرزگار قدرشناس است

ام يقولون افترى على الله كذبا فان يشا الله

آیا میگویند پیغامبر افترا کرده است بر خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا

يختم على قلبك ويمح الله الباطل ويحق الحق

مهر نهد بر دل تو و نابود میکند خدا بیهوده را و اثبات میکند دین درست را

بكلمته انه عليم بذات الصدور وهو الذي

بسخنهای خود هر آینه داناست بآنچه در سینهاست و اوست آنکه

يقبل التوبة عن عباده ويعفوا عن السيات

قبول میکند توبه را از بندگان خود و در میگذرد از جرمها

ويعلم ما تفعلون ويستجيب الذين امنوا و

و میداند آنچه میکنید و قبول میکند دعای آنانکه ایمان آوردند و

عملوا الصلحت ويزيدهم من فضله والكفرون

کارهای شایسته کردند و زیاده میدهد ایشان را از فضل خود و کافران

ربع

ع

لهم عذاب شديد ۝ ولو بسط الله الرزق لعباده
ایشانراست عذاب سخت ۝ واگر فراخ گردی خدا رزق را بر بندگان

لبغوا في الارض ولكن ينزل بقدر ما يشاء
البته فساد کنندی در زمین و لیکن فرود می آرد باندازه آنچه خواهد

انه بعباده خبير بصير ۝ وهو الذي ينزل الغيث
هر آینه خدا بر بندگان خود دانا و بیناست ۝ و اوست آنکه فرود می آرد باران

من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي
بعد از آنکه ناامید شدند و پراکنده میسازد رحمت خود را و اوست کارساز

الحميد ۝ ومن اياته خلق السموات والارض و
ستوده کار ۝ و از نشانهای او آفریدن آسمانها و زمین است و

ما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء
و آنچه پراکنده کرده است در میان این هر دو از جانوران و او بر هم آوردن ایشان وقتیکه خواهد

قدير ۝ وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم
تواناست ۝ و هر چه برسد بشما از سختی پس بسبب گناهی است که بعمل آورد دستهای

ويعفوا عن كثير ۝ وما انتم بمعجزين في الارض
و در میگذارد از بسیاری ۝ و نیستید شما عاجز کننده در زمین

وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ۝ و
و نیست شما را بجز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده ۝ و

من اياته الجوار في البحر كالاعلام ۝ ان يشا
از نشانهای او کشتیهاست در دریا مانند کوهها ۝ اگر خواهد

يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره ان في
باز دارد باد را پس ایستاده شود کشتیها بر پشت دریا ۝ هر آینه در این

ذلك لايت لكل صبار شكور ۝ او يوبقهن بما
مقدمه نشانهاست هر صبر کننده شکر گذارنده ۝ یا اگر خواهد هلاک کند آنها را

كسبوا ويعف عن كثير ۝ ويعلم الذين
بسبب و در میگذارد از تقصیرات بسیار ۝ و تا بدانند آنانکه

يجادلون

325



يجادلون في ءايتنا ما لهم من محيص فما أوتيتم
خصومت میکنند در آیات ما که نیست ایشان را هیچ مخلص پس آنچه داده شدند

من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وما عند الله خير
از چیزی که اندک بهره ایست از زندگانی دنیا و آنچه نزدیک خداست بهتر است

وأبقى للذين ءامنوا وعلى ربهم يتوكلون و
و پاینده تر برای آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند و

الذين يجتنبون كبئر الإثم والفواحش وإذا
آنانکه پرهیز می کنند از گناهان کبیره و از بیحیائیها و چون

ما غضبوا هم يغفرون والذين استجابوا لربهم
خشم می آیند ایشان می آمرزند و آنانکه قبول کردند فرمان پروردگار خود

وأقاموا الصلوة وأمرهم شورى بينهم و
و برپا داشتند نماز را و کار ایشان از مشورت با یکدیگر است و

مما رزقنهم ينفقون والذين إذا أصابهم
از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج می کنند و آنانکه چون برسد بدیشان

البغي هم ينتصرون وجزؤا سيئة سيئة
تعدی ایشان انتقام میکشند و سزای بدی بدیست

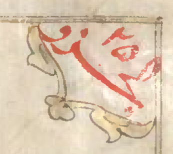
مثلها فمن عفا وأصلح فأجره على الله إنه لا يحب
مانند آن پس درگذارد و با صلاح آرد پس مزد او بر خداست هر آینه خدا دوست

الظلمين ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما
نمیدارد ظالمان را و هر آینه کسیکه انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود پس آن جماعه نیست

عليهم من سبيل إنما السبيل على الذين يظلمون
بر ایشان هیچ راه ملامت جز این نیست که راه ملامت بر آن جماعه است که ظلم میکنند

الناس ويبغون في الأرض بغير الحق أولئك
بر مردمان و فساد میطلبند در زمین ناحق آن جماعه

لهم عذاب أليم ولمن صبر وغفر إن ذلك لمن
ایشان راست عذاب درددهنده و هر که صبر کند و بیامرزد هر آینه این صفت از





عزم الامور ۝ ومن يضلل الله فما له من ولي

کارهای مقصود است وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ کارسازی

من بعده وترى الظلمين لما راوا العذاب

بعد از وی و ببینی که ستمکاران چون معاینه کنند عذاب را

يقولون هل الى مرد من سبيل ۝ وتريهم

گویند آیا هست بسوی بازگشتن هیچ راهی و ببینی که ایشان را

يعرضون عليها خشعين من الذل ينظرون

پیش آورده شوند نزدیک دوزخ متواضع شده از خواری می نگرند

من طرف خفي وقال الذين امنوا ان الخسرين

بگوشه چشم نیم گشاده و گفتند اهل ایمان هر آینه زیان کاران

الذين خسروا انفسهم واهليهم يوم القيمة

آنانند که در زیان دادند خویشتن را و خویشاوندان خود را روز قیامت

الا ان الظلمين في عذاب مقيم ۝ وما كان لهم

آگاه شو هر آینه ستمکاران در عذاب دایم باشند و نباشند ایشان را

من اولياء ينصرونهم من دون الله ومن يضلل

کارسازان که نصرت دهند ایشان را بجز خدا و هر که گمراه کند

الله فما له من سبيل ۝ استجيبوا لربكم من قبل

خدا پس نیست او را هیچ راهی فرمان قبول کنید پروردگار خود را پیش از آن

ان ياتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجا

که بیاید روزی که بازگشت نیست آنرا از جانب خدا نیست شما را هیچ پناهی

يومئذ وما لكم من نكير ۝ فان اعرضوا فما

آن روز و نیست شما را هیچ باز خواست کننده پس اگر روی بگردانند

ارسلنك عليهم حفيظا ان عليك الا البلغ و

پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگاهبان نیست بر تو مگر پیغام رسانیدن و

انا اذا اذقنا الانسان منا رحمة فرح بها وان

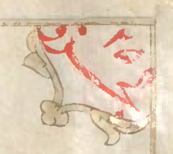
و هر آینه ما چون بچشانیم آدمی را از جانب خود رحمتی شاد شود بآن و اگر

تصبهم

تصبهم سيئة بما قدمت أيديهم فإن الإنسان
برسد ایشان را مصیبتی بانچه پیش فرستاده است ایشان پس آدمی
كفور ۝ لله ملك السموت والأرض يخلق ما يشاء
ناسپاس دارنده است خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین می آفریند هر که را خواهد
يهب لمن يشاء إناثا ويهب لمن يشاء الذكور
عطا میکند دختران هر کرا خواهد و عطا میکند پسران هر کرا خواهد
أو يزوجهم ذكرانا وإناثا ويجعل من يشاء
یا دو نوع کند او را پسران و دختران و میسازد هر کرا خواهد
عقيما إنه عليم قدير ۝ وما كان لبشر أن يكلمه
نازاینده هر آینه او دانا و تواناست و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید
الله إلا وحيا أو من وراء حجاب أو يرسل
با وی خدا مگر بالهام یا از پس پرده یا بفرستد
رسولا فيوحي بإذنه ما يشاء إنه علي حكيم ۝
فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خواسته است هر آینه خدا بلند مرتبه با حکمت
وكذلك أوحينا إليك روحا من أمرنا ما كنت
و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن را از کلام خود نمیدانستی
تدري ما الكتب ولا الإيمان ولكن جعلنه
که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن ساخته ایم وحی را
نورا نهدي به من نشاء من عبادنا وإنك
روشنی راه مینمائیم بآن هر کرا خواهیم از بندگان خویش و هر آینه
لتهدي إلى صراط مستقيم ۝ صراط الله الذي
هدایت میکنی بسوی راه راست راه خدا که او راست
له ما في السموت وما في الأرض ألا إلى الله تصير
آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز گردند

الأمور ۝
کارها

سورة الجاثية مكية | وهي تسع وثلثون





بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ○ والكتاب المبين ○ انا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم

قسم بکتاب واضح هرآینه ما ساختیم این کتاب را کلام عربی که شما

تعقلون ○ وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم ○

بفهمید و هرآینه این کتاب در لوح محفوظ هرآینه بلند قدر با حکمت

افنضرب عنكم الذكر صفحا ان كنتم قوما مسرفين ○

آیا باز داریم از شما پند را اعراض کرده برای آنکه هست شما گروهی از حد رفته

وكم ارسلنا من نبي في الاولين ○ وما ياتيهم

و بسیار فرستادیم پیغمبران در پیشینیان و نمی آید بایشان

من نبي الا كانوا به يستهزءون ○ فاهلكنا

هیچ پیغمبری الا بودند استهزا میکردند پس هلاک کردیم

اشد منهم بطشا ومضى مثل الاولين ○ ولئن

سخت تر از ایشان باعتبار دست درازی و مذکور شد داستان پیشینیان و اگر

سالتهم من خلق السموات والارض ليقولن

سوال کنی از ایشان که چه کس بیافرید آسمانها و زمین را البته گویند

خلقهن العزيز العليم ○ الذي جعل لكم الارض

بیافرید اینها را خدای غالب و دانا وی است که ساخت برای شما زمین را

مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون ○

بساطی و ساخت برای شما در زمین راهها بود که شما که راه یابید

والذي نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا

و وی است که فرود آورد از آسمان آبی باندازه پس زنده کردیم

به بلدة ميتا كذلك تخرجون ○ والذي خلق

بآن شهر مرده را همچنین برآورده خواهید شد و وی آن است که بیافرید

الازواج كلها وجعل لكم من الفلك والانعام

اقسام حیوانات تمام آن و ساخت برای شما کشتیها و از چهارپایان

ع

ما تركبون ۝ لتستوا على ظهوره ثم تذكروا

چیزی را که بران سوار شوید تا راست بنشینید بر پشت مرکوب باز یاد کنید

نعمة ربكم اذا استويتم عليه وتقولوا سبحن الذی

نعمت پروردگار خود را وقتیکه راست بنشینید بران و بگوئید پاکی خدا را

سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين ۝ وانا الى ربنا

که مسخر ساخت برای ما این مرکوب را و اگر ما نبودیم ما بران توانا و هر آینه ما بسوی پروردگار

لمنقلبون ۝ وجعلوا له من عباده جزءا ان

رجوع خواهیم کرد و مقرر کردند برای خدا از بندگان اولاد را هر آینه

الانسان لكفور مبين ۝ ام اتخذ مما يخلق بنت

آدمی را ناسپاس است ظاهر آیا فرا گرفت خدا از مخلوقات خود دختران

واصفكم بالبنين ۝ واذا بشر احدهم بما ضرب

و برگزیده است شما را به پسران و چون خبر داده شود یکی از ایشان را بانچه مثل ساخته

للرحمن مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم ۝

برای خدا روی او سیاه گردد و او پر از غم باشد

اومن ينشؤا فى الحلية وهو فى الخصام غير

آیا آنرا که پرورده میشود در زیور و او در صفت خصومت او

مبين ۝ وجعلوا الملئكة الذين هم عبد الرحمن

ظاهر نگردد و مقرر کرده اند دختر فرشتگان ایشان که بندگان خدا اند

اناثا اشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم و

آیا حاضر بودند نزدیک آفرینش ایشان نوشته خواهد شد این گواهی

يسئلون ۝ وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

و پرسیده خواهد شد و گفتند که اگر خواستی خدا پرستش نمیکردیم اینها را

ما لهم بذلك من علم ان هم الا يخرصون ۝

نیست ایشانرا باین مقدمه دانش نیستند ایشان را مگر دروغ گوی

ام اتينهم كتبا من قبله فهم به مستمسكون

آیا داده ایم ایشان را کتابی پیش از قران پس ایشان بان کتاب چنگ زده اند

بل قالوا انا وجدنا آباءنا على أمة وانا على
بلکه گفتند هرآینه ما یافتیم پدران خودرا بر دینی و هرآینه بر
آثارهم مهتدون وكذلك ما أرسلنا من
پی ایشان راه یافتگانیم و همچنین نفرستادیم پیش از
قبلك في قرية من نذير الا قال مترفوها انا
تو در هیچ دهی ترساننده را مگر گفتند متنعمان آن ده هرآینه
وجدنا آباءنا على أمة وانا على آثارهم مقتدون
ما یافتیم پدران خودرا بر دینی و هرآینه ما بر پی ایشان متابعت کنندگانیم
قل أولو جئتكم بأهدى مما وجدتم عليه
گفت بپیغمبر آیا بر متابعت پدران مقرر بمانید اگرچه آوردهام بشما دینی که زیاده تر راه نماید
آباءكم قالوا انا بما أرسلتم به كافرون فانتقمنا
از آنچه پدران یافتید گفتند هرآینه ما بآنچه فرستاده شده شما را همراه آن نامعتقدیم پس انتقام کشیدیم
منهم فانظر كيف كان عاقبة المكذبين
از ایشان پس درنگر چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان
واذ قال ابرهيم لأبيه وقومه انني براء مما
و یاد کن چون گفت ابرهیم پدر خودرا و قوم خودرا هرآینه من بی تعلقم از آنچه
تعبدون الا الذي فطرني فانه سيهدين
شما پرستش کنید الا آن کسیکه بیافرید مرا پس هرآینه او هدایت خواهد کرد مرا
وجعلها كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون
و ساخت خدا کلمه توحید را سخنی باقی مانده در فرزندان تا بو که از آن رجوع کنند
بل متعت هؤلاء وآباءهم حتى جاءهم الحق و
بلکه بهره مند ساختم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتیکه آمد بدیشان دین راست
رسول مبين ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر و
و پیغامبری ظاهر و آنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند این جادو است و
انا به كافرون وقالوا لولا نزل هذا القرآن
هرآینه ما بدان نامعتقدیم و گفتند چرا فرو فرستاده نشد این قرآن

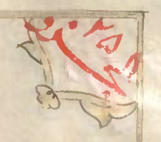
نصف

ع



عَلٰى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيْمٍ ۝ اَهُمْ يَقْسِمُوْنَ رَحْمَتَ
بر مردی از اهل دو ده آیا ایشان قسمت میکنند رحمت
رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيْشَتَهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
پروردگار ترا ما قسمت کرده ایم در میان ایشان گذران ایشان از زندگانی دنیا
وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰتٍ لِّيَتَّخِذَ
و بلند مرتبه ساختیم بعض ایشان بر بعض برتر تا مسخره گیرد
بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَّرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا
بعض ایشان بر بعض را و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه
يَجْمَعُوْنَ ۝ وَلَوْلَآ اَنْ يَّكُوْنَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً
جمع میکنند و اگر نه احتمال آن بود که بشوند مردمان همه یک گروه
لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَّكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوْتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ
البته ساختیم برای کسیکه نامعتقد است بخدا برای خانهای ایشان سقفها از نقره
وَّمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُوْنَ ۝ وَلِبُيُوْتِهِمْ اَبْوَابًا وَّ
و نردبانها که بران بالا بر آیند و برای خانهای ایشان دروازها نیز
سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُوْنَ ۝ وَزُخْرُفًا وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ
از تختها که بران تکیه زده نشیند و نیز ما حیثیم تجمل بسیار و نیست همه این
لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ
مگر اندک بهره مندی زندگانی دنیا و آخرت نزدیک پروردگار تو
لِلْمُتَّقِيْنَ ۝ وَمَنْ يَّعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ
متقیان راست و هرکه غافل شود از یاد خدا برگماریم برای
لَهٗ شَيْطٰنًا فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ۝ وَاِنَّهُمْ لَيَصُدُّوْنَهُمْ عَنِ
او شیطانی پس آن او را همنشین بود و هراینه ایشان باز میدارند دیوان را از
السَّبِيْلِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ۝ حَتّٰىٓ اِذَا
راه و می پندارند که ایشان راه یافتگانند تا آنوقت که آمد
جَآءَنَا قَالَ يٰلَيْتَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ
بما پرسش گوید ای کاشکی در میان من و میان تو مسافت مشرق





فبئس القرين ولن ينفعكم اليوم اذ ظلمتم
پس بد همنشینی تو وسود ندهد شما را امروز ازبکه ستم کرده اید
انكم في العذاب مشتركون افانت تسمع
انکه از عذاب باهم شریک باشید یا محمد آیا تو میتوانی شنواند
الصم او تهدي العمي ومن كان في ضلل
کران کرا یا راه میتوانی کوران را وآنکس را که در کمراهی
مبين فاما نذهبن بك فانا منهم منتقمون
ظاهر است پس اکر ازین عالم ببریم ترا پس البته ازین جماعه انتقام کشنده کانیم
او نرينك الذي وعدنهم فانا عليهم مقتدرون
یا بنمائیم ترا آنچه وعده داده ایم بایشان پس هرآینه مابر ایشان توانائیم
فاستمسك بالذي اوحي اليك انك على صرط
پس چنک زن بانچه وحی فرستاده شد بسوی تو هرآینه تو بر راه راستی
مستقيم وانه لذكر لك ولقومك وسوف
راستی وهرآینه قران پند است ترا وقوم ترا وشما
تسئلون وسئل من ارسلنا من قبلك من رسلنا
سوال کرده خواهید شد وبپرس از آنانکه فرستاده بودیم پیش از تو از پیغمبران خود
اجعلنا من دون الرحمن الهة يعبدون
آیا ساخته بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنها را
ولقد ارسلنا موسى بايتنا الى فرعون وملايه
وهرآینه فرستادیم موسی را بانشانهای خود بسوی فرعون واشراف او



فقال اني رسول رب العلمين فلما جاءهم
گفت هرآینه من پیغامبر پروردکار عالمها ام پس آنهنگام که آمد بدیشان
بايتنا اذا هم منها يضحكون وما نريهم من
بانشانهای ما ناکهان ایشان ازان میخندیدند ونمی نمودیم بایشان هیچ
اية الا هي اكبر من اختها واخذنهم بالعذاب
نشانه مکر وی بزرکتر بود از قرین خود وکرفتار کردیم ایشان را بعقوبت

لعلهم



لعلهم يرجعون ۝ وقالوا يايه السحر ادع لنا
بود که ایشان رجوع کنند و گفتند ای جادوگر دعا کن برای ما

ربك بما عهد عندك اننا لمهتدون ۝ فلما
پروردگار خود آنچه وعده کرده است نزد تو ما هر آینه ماراه یابندگانیم پس آن هنگام

كشفنا عنهم العذاب اذا هم ينكثون ۝ ونادى
که دور کردیم از ایشان عقوبت را ناگهان ایشان عهد میشکنند و آواز داد

فرعون في قومه قال يقوم اليس لي ملك مصر
فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست بدست من پادشاهی مصر

وهذه الانهر تجري من تحتي افلا تبصرون
و این جویها میرود زیر کوشک من آیا نمی‌بینید

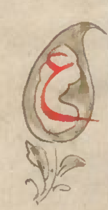
ام انا خير من هذا الذي هو مهين ۝ ولا يكاد
بلکه من بهترم ازین شخص که او خوار است و نزدیک نیست

يبين ۝ فلولا القي عليه اسورة من ذهب او
که سخن واضح گوید پس چرا فرود آورده نشد بر این شخص دستوانها از زر

جاء معه الملئكة مقترنين ۝ فاستخف قومه
یا چرا بیامد همراه او فرشتگان مجتمع شده پس بی‌عقل کرد قوم خود را

فاطاعوه انهم كانوا قوما فسقين ۝ فلما اسفونا
پس قبول کردند فرمان او را هر آینه ایشان بودند گروه فاسق پس آن هنگام که بخشم آوردند

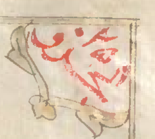
انتقمنا منهم فاغرقنهم اجمعين ۝ فجعلنهم
انتقام گرفتیم از ایشان پس غرق ساختیم ایشان را همه یکجا پس ساختیم ایشان را



سلفا ومثلا للاخرين ۝ ولما ضرب ابن مريم
پس رو و داستان پسینیان و آنگاه که داستانی زده شد به پسر مریم

مثلا اذا قومك منه يصدون ۝ وقالوا ءالهتنا
ناگاه قوم تو ازین داستان آواز بلند میکنند و گفتند آیا معبودان ما

خير ام هو ما ضربوه لك الا جدلا بل هم قوم
بهترند یا عیسی آنحرف نزدند با تو مگر بمکابره بلکه ایشان قومی



خصمون ۝ إن هو إلا عبد أنعمنا عليه وجعلنه
خصومت کننده اند نیست عیسی مگر بنده که انعام کرده ایم بروی و ساختیم او را
مثلا لبنی إسرآءیل ۝ ولو نشآء لجعلنا منکم
نشانه برای بنی اسرائیل واگر میخواستیم البته میکردیم که بدل شما
ملئکة فی الأرض یخلفون ۝ وإنه لعلم للساعة
فرشتگان در زمین خلیفه شوند وهرآینه عیسی نشانه است قیامت
فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم ۝
پس شبهه مکنید در آن وبگو پیروی من کنید این است راه راست
ولا یصدنکم الشیطن إنه لکم عدو مبین ۝
و باز ندارد شما را شیطان هرآینه او در حق شما دشمن آشکار است
ولما جآء عیسی بالبینت قال قد جئتکم
و آنگاه که آمد عیسی با معجزه ها گفت آورده ام بشما
بالحکمة ولأبین لکم بعض الذی تختلفون
حکمت را و تا بیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف میکنید در آن
فیه فاتقوا الله وأطیعون ۝ إن الله هو ربی
پس بترسید از خدا و فرمان من برید هرآینه خدا پروردگار من
وربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم ۝ فاختلف
و پروردگار شماست پس پرستید او را این است راه راست پس اختلاف کردند
الأحزاب من بینهم فویل للذین ظلموا من
جماعتها در میان خویش پس وای آنان را که ستم کردند از
عذاب یوم ألیم ۝ هل ینظرون إلا الساعة
عقوبت روز دردناک انتظار نمیکنند مگر قیامت را
أن تأتیهم بغتة وهم لا یشعرون ۝ الأخلآء
که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان خبردار نباشند دوستان
یومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقین ۝
آن روز بعض ایشان با بعض دشمن باشند مگر پرهیزکاران

یعباد





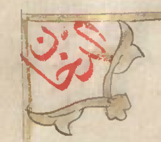
يٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ
ای بندگان من نیست هیچ ترس برای شما امروز و نه شما اندوهگین شوید
الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا
ای بندگان من که ایمان آوردند بآیتهای ما و مسلمان بودند گفته شود در آیید
الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ
بهشت شما و زنان شما خوش حال ساخته گردانیده شود بر ایشان
بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ
کاسهای پهن دار از زر و کوزها نیز و در بهشت باشد آنچه خواهش
الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
نفس و لذت گیرد از دیدن او چشمها و شما آنجا جاوید باشید
وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
و این آن بهشت که عطا کرده شد شما را بسبب آنچه عمل میکردید
لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ إِنَّ
شما راست آنجا میوه بسیار که از آن میخورید هر آینه
الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ لَا يُفَتَّرُ
گناهگاران در عذاب دوزخ جاویدان اند سست کرده نشود
عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلٰكِنْ
از ایشان عقوبت و ایشان دران ناامید شده خاموش باشند و ستم نکردیم بر ایشان لیکن
كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا
بودند ایشان ستمگار و آواز دهند که ای مالک باید که حکم کند بر ما
رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ
پروردگار خود گوید هر آینه شما همیشه باشندگان اند هر آینه آوردیم بشما سخن راست
وَلٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا
ولیکن اکثر شما سخن راست را ناخوش دارند یا عزم مصمم کرده اند بر کاری
فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ
پس هر آینه ما نیز عزم مصمم کننده ایم آیا می پندارند که ما نشنویم سخن نهان

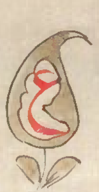


وَنَجْوٰهُمْ بَلٰى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ قُلْ
و در گوشی ایشان را آری بشنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می نویسند بگو
اِنْ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِينَ
اگر بفرض باشد خدا را فرزندی من پس من نخستین عبادت کنندگان باشم
سُبْحٰنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
پاکست پروردگار آسمانها و زمین خداوند عرش
عَمَّا يَصِفُونَ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتّٰى
از آنچه بیان میکنند پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی کنند تا آنکه
يُلٰقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ وَهُوَ الَّذِى فِى
ملاقات کنند بآن روز خود که وعده داده میشود ایشان را و اوست آنکه در
السَّمَآءِ اِلٰهٌ وَفِى الْاَرْضِ اِلٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ
آسمان فرمانرواست و در زمین فرمانروا و اوست با حکمت
الْعَلِيمُ وَتَبٰرَكَ الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
دانا و بسیار با برکت آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین
وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
و آنچه در میان هر دو است و نزدیک اوست علم قیامت و بسوی او رجوع کرده شوید
وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ
و نمیتوانند آنانکه پرستش میکنند بجز خدا شفاعت کردن
اِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ
لیکن کسیکه گواهی راست داده باشد و ایشان میدانند و اگر سوال کنی از ایشان
مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ فَاَنّٰى يُؤْفَكُونَ وَقِيلِهِ
که کدام کس بیافرید ایشان را البته گویند خدا پس از کجا برگردانیده میشوند و بسوگند گفتار پیغمبر
يٰرَبِّ اِنَّ هٰؤُلَآءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ
ای پروردگار من هر آینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آرند اعراض کن از ایشان
وَقُلْ سَلٰمٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ
و بگو سلام پس خواهند دانست

سُورَةُ الدُّخَانِ

بسم الله





بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ والكتب المبين ۝ انا انزلنه في ليلة مبركة
قسم بکتاب واضح که هر آینه ما فرود آوردیم این کتاب در شب مبارک

انا كنا منذرين ۝ فيها يفرق كل امر حكيم ۝ امرا
هر آینه ما بودیم ترساننده در آن فیصل کرده شود هر کار استوار را فرمان دادن

من عندنا انا كنا مرسلين ۝ رحمة من ربك انه
از نزدیک خویش هر آینه ما بودیم فرستنده بخشایش از پروردگار تو هر آینه

هو السميع العليم ۝ رب السموت والارض وما
اوست شنوا دانا پروردگار آسمانها و زمین و آنچه

بينهما ان كنتم موقنين ۝ لا اله الا هو يحي و
در میان این هر دو است اگر هستید یقین کننده اید نیست هیچ معبود مگر او زنده میکند

يميت ربكم ورب ابائكم الاولين ۝ بل هم
میراند پروردگار شما است و پروردگار پدران پیش شما است بلکه کافران

في شك يلعبون ۝ فارتقب يوم تاتي السماء بدخان
در شبه اند بازی میکنند پس منتظر باش روزی که بیارد آسمان دودی

مبين ۝ يغشى الناس هذا عذاب اليم ۝ ربنا
ظاهر که فرو گیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است ای پروردگار ما

اكشف عنا العذاب انا مؤمنون ۝ انى لهم
دور کن از ما عذاب هر آینه ما مسلمان میشویم چگونه بود ایشان را

الذكرى وقد جاءهم رسول مبين ۝ ثم تولوا
پند گرفتن و تحقیق آمده بود بدیشان پیغامبر ظاهر باز روی گردانیدند

عنه وقالوا معلم مجنون ۝ انا كاشفوا العذاب
از او و گفتند این شخص آموخته است دیوانه است هر آینه ما دور کننده عذابیم

قليلا انكم عائدون ۝ يوم نبطش البطشة
اندکی هر آینه شما عود کننده اید در کفر روزی که درگرفت کنیم ایشان را در گرفتن



الكبرى إنا منتقمون ولقد فتنا قبلهم قوم
بزرگ هرآینه ما انتقام کشنده ایم و هرآینه ما امتحان کردیم پیش ایشان قوم
فرعون وجاءهم رسول كريم أن أدوا إلي عباد
فرعون وآمد برایشان پیغمبری گرامی قدر که تسلیم کنید بمن بندگان
الله إني لكم رسول أمين وأن لا تعلوا
خدا را هرآینه من برای شما پیغامبرم امانتم و سرکشی مکنید
على الله إني آتيكم بسلطان مبين وإني عذت
بر خدا هرآینه من بیارم بشما حجت ظاهر را و هرآینه من پناه گرفتم
بربي وربكم أن ترجمون وإن لم تؤمنوا لي
بپروردگار خود و پروردگار شما ازآنکه سنگسار کنید و اگر باور ندارید مرا
فاعتزلون فدعا ربه أن هؤلاء قوم مجرمون
پس یکسو شوید ازمن پس دعا کرد بجناب پروردگار خود که این جماعه قوم گناهکارانند
فأسر بعبادي ليلا إنكم متبعون واترك
پس گفتیم ببر بندگان مرا وقت شب هرآینه شما را تعاقب کرده شود و بگذار
البحر رهوا إنهم جند مغرقون كم تركوا من جنات
دریا را آرمیده هرآینه آن جماعه لشکری هست غرق شده بسیار گذاشتند از بوستانها
وعيون وزروع ومقام كريم ونعمة كانوا
چشمها و کشتها و محل گرامی و گذران بار فاهیت
فيها فاكهين كذلك وأورثناها قوما آخرين
که دران محظوظ بودند همچنین شد و عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را
فما بكت عليهم السماء والأرض وما كانوا
پس نگریست برایشان آسمان و زمین و نه شدند
منظرين ولقد نجينا بني إسرائيل من العذاب
مهلت داده شده و هرآینه ما خلاص کردیم بنی اسرائیل را از عذاب
المهين من فرعون إنه كان عاليا من المسرفين
خوارکننده از فرعون بود هرآینه فرعون بود سرکشی از تعدی کنندگان



ولقد



وَلَقَدِ اخْتَرْنٰهُمْ عَلٰى عِلْمٍ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَاٰتَيْنٰهُمْ
و هر آینه برگزیدیم ایشان را دانسته بر عالمها و دادیم ایشان را

لا

مِنَ الْاٰيٰتِ مَا فِيْهِ بَلٰٓؤٌا مُّبِيْنٌ ۝ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَيَقُوْلُوْنَ
از نشانها آنچه در آن امتحان ظاهر بود هر آینه اینجماعه میگویند

اِنْ هِيَ اِلَّا مَوْتَتُنَا الْاُوْلٰى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِيْنَ ۝
که نیست عاقبت کار بجز موت نخستین و نیستیم برانگیخته شده

فَاْتُوْا بِاٰبَآئِنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝ اَهُمْ خَيْرٌ اَمْ قَوْمُ
پس بیارید پدران ما را اگر هستید راستگوی آیا این جماعه بهتر اند یا قوم

لا

تُبَّعٍ وَّالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ اَهْلَكْنٰهُمْ اِنَّهُمْ كَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ۝
تبع و آنانکه پیش از ایشان بودند هلاک ساختیم آنها را هر آینه آنها گناهکار بودند

وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِيْنَ ۝
و نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است بازی کنان

مَا خَلَقْنٰهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ
نیافریدیم این هر دو را الا بتدبیر درست ولیکن اکثر ایشان نمیدانند

اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيْقَاتُهُمْ اَجْمَعِيْنَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِيْ
هر آینه روز قیامت میعاد ایشان است همه یکجا روزیکه دفع نکند

٨ مَوْلًى عَنْ مَّوْلًى شَيْئًا وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ
هیچ دوستی از دوست دیگر چیزی را و نه ایشان نصرت داده شوند مگر کسیکه رحم کرد

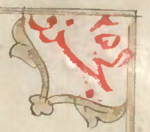


اللّٰهُ ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝ اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّوْمِ ۝ طَعَامُ
خدا هر آینه او غالب و مهربان است هر آینه درخت زقوم طعام

الْاَثِيْمِ ۝ كَالْمُهْلِ يَغْلِيْ فِي الْبُطُوْنِ ۝ كَغَلْيِ الْحَمِيْمِ ۝
گناهکار است مثل مس گداخته شده بجوشد در شکمها مانند جوشیدن آب گرم

خُذُوْهُ فَاعْتِلُوْهُ اِلٰى سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ۝ ثُمَّ صُبُّوْا فَوْقَ
بگیرید این گناهکار را پس بکشید بسوی میان دوزخ باز بریزید بالای

رَاْسِهٖ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيْمِ ۝ ذُقْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ
سر او از آب گرم که عقوبت است بچش هر آینه توئی بزعم خود بزرگوار



الْكَرِيمُ إِنَّ هٰذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ

گرامیقدر هرآینه اینست آنچه دران شبهه میکردید هرآینه متقیان

فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنّٰتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ

در جایگاه باامن باشند در بوستانها و چشمها بپوشند

مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقٰبِلِينَ كَذٰلِكَ وَ

از حریر نازک و حریر سطبر روبروی یکدیگر شده اینچنین باشد حال و

زَوَّجْنٰهُم بِحُورٍ عِينٍ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فٰكِهَةٍ

کد خدا کنیم ایشان را با حور گشاده چشم بطلبند آنجا هر میوه را بخشند

اٰمِنِينَ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ

ایمن شده نچشند آنجا مرگ لیکن چشنده بودند مرگ

الْأُولٰى وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ

نخستین را و نگاهداشت ایشان را از عذاب دوزخ بسبب بخشایش از پروردگار تو

ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ فَإِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ

اینست فیروزی بزرگ جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را بزبان تو

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ

بود که ایشان پند پذیر شوند پس منتظر باش هرآینه ایشان منتظرانند

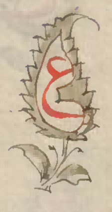
سُورَةُ الْجَاثِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ تِسْعٌ وَثَلٰثُونَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

حٰمٓ تَنزِيلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت

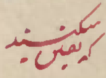


إِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ

هرآینه در آسمانها و زمین نشانهاست باور دارندگان را و

فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

در آفرینش شما و در آفرینش آنچه پراکنده سازد از جانوران نشانهاست برای گروهی



و



وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ
و در آمد شد شب و روز و در آنچه فرود آورد خدا از

السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
آسمان روزی را پس زنده گرد زمین را بعد مردن آن

وَتَصْرِيفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُونَ ۝ تِلْكَ اٰيٰتُ
و گردانیدن بادها نشانهاست برای گروهی که بفهمند این نشانهای

اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ
خداست که بخوانیم آنرا بر تو براستی پس بکدام سخن بعد

اللّٰهِ وَاٰيٰتِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ
خدا و آیتها ایمان آرید وای بر هر دروغگوی گناهکار را میشنود

اٰيٰتِ اللّٰهِ تُتْلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ
آیات خدا که خوانده میشود بر وی باز لازم میگیرد کفر تکبر کرده گویا

لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ اٰيٰتِنَا
نشنیده است آنرا پس مژده ده بعذاب درددهنده و چون واقف شد بر چیزی

شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝
از آیات ما گیرد آنرا به تسخر آنجماعه ایشانراست عذاب خوار کننده

مِّنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَّا كَسَبُوا ۸
آنطرف ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کردند

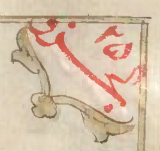
شَيْـًٔا وَّلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَوْلِيَآءَ وَ
چیزی را و نه آنکه دوستان گرفته اند بجز خدا و

لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ هٰذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا
ایشانراست عذاب بزرگ این قرآن هدایت است و آنانکه کافر شدند



بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزٍ أَلِيمٌ ۝ اللّٰهُ الَّذِي
بآیات پروردگار خویش ایشانراست عذاب از جنس عقوبت دردناک خدای آنست

سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ
که مسخر کرد برای شما دریا را تا روان شود کشتیها دران بفرمان او و



لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ وسخر
تا طلب معیشت کنید از فضل او بود که شما شکرگزاری کنید و مسخر کرد
لكم ما في السموت وما في الارض جميعا منه ان
برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه بجای از جانب خود هر آینه
في ذلك لايت لقوم يتفكرون ۝ قل للذين
درین نشانهاست برای گروهی که تامل کنند بگو
امنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله ليجزي
مسلمانان را که در گذر کنند از آن جماعة که توقع روزهای خدا ندارند تا جزا دهد
قوما بما كانوا يكسبون ۝ من عمل صالحا فلنفسه
گروهی را از ایشان بآنچه میکردند هر که بکند کار شایسته پس نفع از آن است
ومن اساء فعليها ثم الى ربكم ترجعون ۝ ولقد
و هر که بد کاری کند و بال بر وی است باز بسوی پروردگار شما رجوع کرده خواهید شد و در آینه
اتينا بني اسراءيل الكتب والحكم والنبوة
دادیم بنی اسرائیل را کتاب و دانش و پیغامبری
ورزقنهم من الطيبت وفضلنهم على العلمين
و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه و فضیلت دادیم ایشان را بر عالمها
واتينهم بينت من الامر فما اختلفوا الا من بعد
و دادیم ایشان را نشانهای واضح در باب دین پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه
ما جاءهم العلم بغيا بينهم ان ربك يقضي بينهم
آمد بدیشان دانش از روی تعدی باید که میان ایشان هر آینه پروردگار تو فصل کند میان ایشان
يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ ثم جعلنك
روز قیامت در آنچه اختلاف میکردند باز ساختیم ترا
على شريعة من الامر فاتبعها ولا تتبع اهواء
بر راه ظاهر از دین پس پیروی کن آن را و پیروی مکن خواهش
الذين لا يعلمون ۝ انهم لن يغنوا عنك من الله
آنانکه نمیدانند هر آینه ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از خدا

شيا

شيئا وان الظلمين بعضهم اولياء بعض والله ولي

زیرا اینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض و خدا کارساز

المتقين هذا بصائر للناس وهدى ورحمة

متقیان است این قرآن دلیل های واضح است مردمان را و هدایت و بخشایش

يوقنون ام حسب الذين اجترحوا السيات

گروهی را که یقین پیدا کنند آیا پندارند آنانکه کردند جرمها

ان نجعلهم كالذين امنوا وعملوا الصلحت سواء

که کنیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند یکسان

محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون وخلق الله

زندگانی ایشان و مردن ایشان بد حکم ایشان است این حکم و آفرید خدا

السموت والارض بالحق ولتجزى كل نفس

آسمانها و زمین بتدبیر درست و تا عاقبت کار جزا داده هر شخصی

بما كسبت وهم لا يظلمون افرايت من اتخذ

بانچه عمل کرده است و برایشان ستم کرده نشود آیا دیدی کسی را که معبود

الهه هويه واضله الله على علم وختم على قلبه

خود گرفته است خواهش خود را و گمراه کرد خدا با وجود دانش و مهر نهاد بر گوش او

٨ وجعل على بصره غشوة فمن يهديه من بعد

و پیدا کرد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را بعد

الله افلا تذكرون وقالوا ما هي الا حياتنا

خدا آیا پند نمیگیرید و گفتند نیست زندگی سوی زندگانی

الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا الا الدهر و

دنیا میمیریم و زنده میشویم و هلاک نمیکند ما را مگر زمانه و

ما لهم بذلك من علم ان هم الا يظنون واذا تتلى

نیست ایشان را باین سخن هیچ دانشی نیستند ایشان مگر گمان کردند و چون خوانده

عليهم ايتنا بينت ما كان حجتهم الا ان قالوا

بر ایشان آیات ما واضح آمده نبود حجت ایشان مگر آنکه گویند

ائتوا بابائنا ان كنتم صدقين قل الله يحييكم
بيارید پدران مارا اگر هستید از راستگوی بگو خدا زنده میکند شمارا

ثم يميتكم ثم يجمعكم الى يوم القيمة لا ريب
باز میراند شمارا باز جمع کند شمار بروز قیامت هیچ شبه نیست

فيه ولكن اكثر الناس لا يعلمون ولله
دران ولیکن اکثر مردمان نمیدانند و خدارست

ملك السموت والارض ويوم تقوم الساعة
پادشاهی آسمان و زمین و روزی که قایم شود قیامت

يومئذ يخسر المبطلون وترى كل امة جاثية
آن روز زیانکار شوند زیانکاران و ببینی هر گروهی را بزانو درآمده

كل امة تدعى الى كتبها اليوم تجزون ما كنتم
هر گروهی را خوانده شود بسوی نامه اعمال گوییم امروز جزا داده شود شمارا بانچه

تعملون هذا كتبنا ينطق عليكم بالحق انا كنا
میکردید این نامه ماست که اظهار حقیقت میکند بر شما براستی هر آینه ما

نستنسخ ما كنتم تعملون فاما الذين امنوا و
می نوشتیم آنچه شما عمل میکردید پس اما آنانکه ایمان آوردند

عملوا الصلحت فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك
کارهای شایسته کردند پس درآرد ایشانرا پروردگار ایشان در رحمت خود اینست

هو الفوز المبين واما الذين كفروا افلم تكن
فیروزی ظاهر و اما آنانکه کافر شدند ایشانرا گوییم

ايتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين
خوانده نمیشد برشما آیات من پس تکبر کردید و قوم گناهکار بودید

واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب
و چون گفته میشد که وعده خدا راستست و قیامت هیچ شبه نیست

فيها قلتم ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظنا
دران گفتند نمیدانیم چیست قیامت تصور نمیکنیم آنرا مگر باحتمال ضعیف

وما

وما نحن بمستيقنين ۝ وبدا لهم سيئات ما عملوا

و نیستیم ما یقین کنندگان و ظاهر شد ایشان را عقوبتها آنچه عمل کرده بودند

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ وقيل اليوم

و فرو گرفت ایشان را آنچه بودند بآن استهزا میکردند و گفته شود امروز

ننسىٰكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا ومأوىٰكم

فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را و جای شما

النار وما لكم من نٰصرين ۝ ذٰلكم بأنكم اتخذتم

دوزخ است و نیست شما را هیچ نصرت دهنده این عذاب بسبب آنست که شما گرفتید

ءايٰت الله هزوا وغرتكم الحيوٰة الدنيا فاليوم

آیات خدا را فسوس و فریفته کرد شما را زندگانی دنیا پس امروز

لا يخرجون منها ولا هم يستعتبون ۝ فلله الحمد

بیرون کرده نخواهند شد از آن و نه ایشان از ایشان خشنودی طلب کرده شود پس خدا راست ستایش

رب السمٰوٰت ورب الأرض رب العٰلمين ۝ و

پروردگار آسمانها و پروردگار زمین است پروردگار عالمها و

له الكبرياء في السمٰوٰت والأرض وهو العزيز

او راست بزرگی در آسمانها و زمین و او است غالب

سورة الأحقاف مكية — الحكيم ۝ — وهي خمس وثلثون آية

با حکمت

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حم ۝ تنزيل الكتٰب من الله العزيز الحكيم ۝ ما خلقنا

فرو فرستادن کتاب از خدای غالب و با حکمت نیافریدیم

السمٰوٰت والأرض وما بينهما إلا بالحق وأجل

آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو است مگر براستی و بر مدت

مسمى ۝ والذين كفروا عما أنذروا معرضون

معین و آنانکه کافر شدند از آنچه ترسانیده شدند ایشان روی گردانند

٢٦ الجزء السادس والعشرون ع

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَرُونِي مَاذَا
بگو آیا دیدید آنچه می پرستید بجز خدا بنمائید مرا چه چیز

خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ط
آفریده اند از زمین آیا ایشان را انبازی است در آسمانها

ائْتُونِي بِكِتٰبٍ مِنْ قَبْلِ هٰذَا أَوْ أَثٰرَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ
بیارید بمن کتابی که آمده باشد پیش ازین یا بقیه از علم اگر

كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۝ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ
هستید راستگوی و کیست گمراه تر از کسی که بخواند بجز

اللّٰهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ
خدا چیزی را که قبول نکند خواندنش تا روز قیامت و ایشان از

دُعَائِهِمْ غٰفِلُونَ ۝ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ
خواندن ایشان غافل اند و چون جمع کرده شوند مردمان باشند ایشان

أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كٰفِرِينَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ
ایشان را دشمن و باشند بعبادت ایشان انکار و چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
برایشان آیات ما واضح گفتند کافران سخن درست را چون

جَاءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰىهُ قُلْ
بیامد بدیشان این سحر ظاهر است بلکه میگویند بربسته است آنرا بگو

إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ
اگر بربسته ام آنرا پس مالک نیستید شما برای من از خدا چیزی خدا داناتر

بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ط كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ
بآنچه فرو می شوید در آن بس است خدا گواه در میان من و

بَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا
میان شما و اوست آمرزگار مهربان بگو نیستم من نو آمده

مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ط
از پیغامبران و نمیدانم چه کرده خواهد شد با من و با شما

336



إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (آشکارا)
پیروی نمیکنم الا بانچه وحی فرستاده میشود بسوی من و نیستم من مگر ترساننده
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَ
بگو آیا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و منکر شوید بآن و
شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ (آورد)
گواهی داده باشد گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس ذی ایمان
وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
و سرکشی کردید شما البته هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را



وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا
و گفتند کافران در حق مسلمانان اگر این دین بهتر بودی
مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ
سبقت نکردندی بر ما بسوی آن و چون راه نیافتند بآن خواهند گفت
هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا
این دروغی است قدیم و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوای
وَرَحْمَةً وَهَٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا
بخشایش و این کتابیست باور دارنده زبان عربی برای آنکه
لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ إِنَّ
بترساند ستمکاران را و برای مژده دادن نیکوکاران هر آینه
٨ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ
آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز قایم ماندند پس هیچ ترس نیست
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند این جماعه اهل بهشت اند
خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَوَصَّيْنَا
جاویدان آنجا پاداش داده میشوند بجهت آنچه میکردند و امر کردیم
الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ
آدمی را در حق پدر و مادر نیکوکاری در شکم برداشته است او را مادر و بدشواری

و رنهاده است او را بدشواری

كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصٰلُهُ ثَلٰثُونَ شَهْرًا حَتّٰىٓ اِذَا بَلَغَ
ولا اقل مدت بار گرفتن او واز شير بازكردن او سى ماه است و زنده ماند تا وقتى — كه رسيد
اَشُدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِىٓ
بكمال قوت خود ورسيد بچهل سال گفت اى پروردگار من الهام كن مرا
اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِىٓ اَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلٰى وٰلِدَىَّ
تا شكر گويم در نعمت تو كه انعام كرده بر من و بر پدر و مادر من
وَاَنْ اَعْمَلَ صٰلِحًا تَرْضٰهُ وَاَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِىٓ
و كار نيك كنم كه خوشنود شوى از آن و صلاح بگذارى براى من در — فرزندان من
اِنِّى تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّى مِنَ الْمُسْلِمِينَ اُولٰٓئِكَ
هر آينه رجوع كردم بسوى تو و هر آينه من از مسلمانانم اين جماعة
الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ
آنانند كه قبول ميكنيم از ايشان نيكوترين آنچه عمل كرده اند درگذاريم
عَنْ سَيِّاٰتِهِمْ فِىٓ اَصْحٰبِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ
از جرمهاى ايشان در اهل بهشت باشند بوعدهٔ راستى
الَّذِى كَانُوا يُوعَدُونَ وَالَّذِى قَالَ لِوٰلِدَيْهِ
كه وعده داده ميشدند و آن شخص كه گفت به پدر و مادر خود
اُفٍّ لَكُمَآ اَتَعِدٰنِنِىٓ اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ
دلتنگ شدم به نسبت شما آيا وعده ميدهيد مرا كه برآورده شوم و هر آينه — گذشته اند طبقهاى مردم
مِنْ قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ اِنَّ وَعْدَ
پيش از من و آن هردو فرياد ميكنند بجناب خدا ميگويند واى بر تو مسلمان شو — هرآينه وعده
اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسٰطِيرُ الْاَوَّلِينَ
خدا راست است پس گويد نيست اين وعده مگر افسانها پيشينيان
اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِىٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ
اين جماعة آنانند كه ثابت شد بر ايشان وعدهٔ عذاب از جملهٔ امتها كه گذشته اند
مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوا خٰسِرِينَ
پيش از ايشان از جن و آدمى هر آينه ايشان بودند زيانكاران

ولكل

الاحقاف

ولكل درجت مما عملوا وليوفيهم اعملهم وهم
و هر یکی را مرتبهاست بانچه عمل کردند و تا تمام دهد ایشان را جزای اعمال ایشان
لا يظلمون ۝ ويوم يعرض الذين كفروا على النار
ستم کرده نشوند و در روزی که پیش آورده شوند کافران بر آتش
اذهبتم طيبتكم في حياتكم الدنيا واستمتعتم
آیا ضایع کردید نعمتهای خود را در زندگانی دنیای خوبن و بهره مند شدید
بها فاليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم
بآن پس امروز جزا داده شود شما را عذاب خواری بسبب آنکه
تستكبرون في الارض بغير الحق وبما كنتم
تکبر میکردید در زمین ناحق و بسبب آنکه
تفسقون ۝ واذكر اخا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف
بدکاری میکردید و یاد کن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم را باحقاف
وقد خلت النذر من بين يديه ومن خلفه
و هر آینه گذشتند ترسانندگان از پیش وی و پس او
الا تعبدوا الا الله اني اخاف عليكم عذاب يوم
که عبادت مکنید مگر خدا را هر آینه من میترسم بر شما عذاب روز
عظيم ۝ قالوا اجئتنا لتافكنا عن الهتنا فاتنا بما
بزرگ گفتند آیا آمده پیش ما تا باز داری ما را از پرستش معبودان ما پس بیار
تعدنا ان كنت من الصدقين ۝ قال انما العلم
وعده میدهی ما را اگر هستی از راستگویان گفت جز این نیست علم
عند الله وابلغكم ما ارسلت به ولكني
نزدیک خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شدم همراه او و لیکن
اريكم قوما تجهلون ۝ فلما راوه عارضا مستقبل
می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید پس چون دیدند آن عقوبت را بصورت
اوديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما
بوادیهای ایشان گفتند این ابریست باراننده بر ما بلکه بحقیقت آن ابر



آنچه

ابری روی آورده

چیزی است



اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ
که شتاب طلب کردید آنرا بادی است که در وی عقوبت درد دهنده است. بر هم زند هر چیز را

بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ
بفرمان پروردگار خویش پس گشتند بابن که دیده نمی شد بجز خانهای ایشان همچنین

نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن
جزا میدهیم گروه گناهکاران را و هر آینه جا داده بودیم ایشان را در آنچه

مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَ
جا داده بودیم شما را در آن و ساخته بودیم برای قوم عاد گوش و چشمها و

أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَ
دلها پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشمهای ایشان و

لَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ
نه دلهای ایشان چیزی را از بسکه انکار میکردند به نشانهای

اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وَلَقَدْ
خدا و فرا گرفت بایشان آنچه بان استهزا میکردند و هر آینه



أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ
هلاک کردیم آنچه حوالی شماست از دیهها و گونا گون بیان آوردیم نشانها

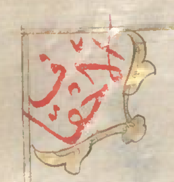
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا
بود که ایشان باز گردند پس چرا نصرت ندادند ایشان را آنانکه معبود میگرفتند

مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ
بجز خدا قرب خدا جویان بلکه گم شدند از ایشان و همین است

إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ
دروغ ایشان و آنچه بر می بافتند و یاد کن چون متوجه ساختیم بسوی تو

نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ
جماعتی را از جن می شنیدند قران پس چون حاضر شدند پیش پیغمبر

قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ
گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد باز گشتند بسوی قوم خود بیم کنان



قالوا يقومنا انا سمعنا كتبا انزل من بعد موسى
گفتند ای قوم ما شنیدیم کتابی فرود آورده شد بعد از موسی
مصدقا لما بين يديه يهدى الى الحق والى
باور دارنده آنچه پیش از وی بود راه مینماید بسوی دین راست و بسوی
طريق مستقيم ۝ يقومنا اجيبوا داعى الله و
راه درست ای قوم ما قبول کنید سخن دعوت کننده بسوی خدا
امنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب
و ایمان آرید بوی تا بیامرزد خدا برای شما گناهان شمارا و پناه دهد شمارا از عذاب
اليم ۝ ومن لا يجب داعى الله فليس بمعجز فى
دردناک دهنده و هر که قبول نکند گفته خواننده بخدای پس نیست عاجز کننده در
الارض وليس له من دونه اولياء اولئك
زمین و نیست او را بجز خدای دوستان آن جماعه
فى ضلل مبين ۝ اولم يروا ان الله الذى خلق
در گمراهی ظاهر آیا نمی بینند خدای که آفریده است
السموت والارض ولم يعى بخلقهن بقدر على
آسمانها و زمین و مانده نشد در آفریدن اینها تواناست بر
ان يحى الموتى بلى انه على كل شىء قدير ۝
آنکه زنده کند مردگان را آری چنین است بر آینه او بر هر چیز تواناست
ويوم يعرض الذين كفروا على النار اليس
و در روز که پیش آورده شوند کافران بر آتش گفته شود آیا نیست
هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب
این وعده درست گفتند آری قسم بپروردگار ما درست است گفت پس بچشید عقوبت
بما كنتم تكفرون ۝ فاصبر كما صبر اولوا العزم
بآنکه کافر بودند پس صبر کن چنانکه صبر کرده بودند خداوندان
من الرسل ولا تستعجل لهم كانهم يوم يرون
از پیغامبران و شتاب طلب مکن عقوبت را برای ایشان روزی که ببینند

حزب

ربع

ع

مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍۭ بَلَٰغٌ

آنچه وعده داده میشود ایشان را چنانستی که ایشان نمانده بودند مگر یک ساعت از روز

فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْفَٰسِقُونَ

پس هلاک کرده نخواهند شد مگر گروه فاسقان

سورة القتال مدنية وهي ثمان وثلاثون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ

آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا حبط کرد خدا

أَعْمَٰلَهُمْ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَ

اعمال ایشان و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته و

ءَامَنُوا۟ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ

معتقد شدند بانچه فرود آورده است بر محمد و آن راستست آمده از پروردگار ایشان

عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ

دور ساخت از ایشان جرمهای ایشان و بصلاح آورد حال ایشان را این بسبب آنست

كَفَرُوا۟ ٱتَّبَعُوا۟ ٱلْبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّبَعُوا۟

که کافران پیروی ناراست کردند و مومنان پیروی دین

ٱلْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ

درست کرد که از جانب پروردگار ایشانست همچنین بیان میکند خدا برای مردمان

أَمْثَٰلَهُمْ فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَضَرْبَ

داستانهای ایشان را پس چون انصاف کنند با کافران بزنند آنها را

ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا۟ ٱلْوَثَاقَ

تا وقتیکه خون ریزی بسیار گردید در ایشان پس محکم کنید قید را

فَإِمَّا مَنًّۢا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلْحَرْبُ

یا باحسان خلاص کردن بعد ازین یا مالی بعوض گرفتن تا آنکه بنهد جنگ

اوزارها

أوزارها ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم
سلاح خود را این است حکم و اگر خواستی خدا انتقام کشیدی از ایشان

ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا
ولیکن بخواهد که امتحان کند بعضی شما را با بعضی و آنانکه کشته شدند

في سبيل الله فلن يضل أعمالهم سيهديهم
در راه خدا پس حبط نخواهد کرد عمل ایشان را زود راه خواهد نمود

ويصلح بالهم ويدخلهم الجنة عرفها لهم
و نیک خواهد کرد حال ایشان را و خواهد در آورد ایشان را به بهشتی که شناسا کرده است

ایشان را

يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم
ای مسلمانان اگر نصرت دهید دین خدا را نصرت دهد خدا شما را

ويثبت أقدامكم والذين كفروا فتعسا
و ثابت کند قدمهای شما را و آنانکه کافر شدند هلاکی باد ایشان را

لهم وأضل أعمالهم ذلك بأنهم كرهوا ما أنزل
و حبط کرد خدا عمل ایشان را این بسبب آن است که ایشان ناپسند کردند هر چه را

که فرود آورده است

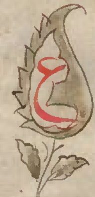
الله فأحبط أعمالهم أفلم يسيروا في الأرض
خدا پس حبط کرد عمل ایشان را آیا سیر نکرده اند در زمین

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم دمر
تا بنگرند چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند برهم

زد

الله عليهم وللكافرين أمثالها ذلك بأن الله
خدا بر ایشان و کافران را بود مانند این عقوبت این بسبب آن است که خدا

مولى الذين آمنوا وأن الكافرين لا مولى
کارساز مسلمانان است و بسبب آن است که کافران هیچ کارساز نیست



لهم إن الله يدخل الذين آمنوا وعملوا الصالحات
ایشان را هر آینه خدا در آرد آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته

جنات تجري من تحتها الأنهار والذين كفروا
بوستانها میرود زیر آن جویها و آنانکه کافر شدند

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ
بهره میگیرند و میخورند چنانکه میخورند چهارپایان و آتش

مَثْوًى لَّهُمْ ۝ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن
جای ایشان است بسیار دیه که قوی تر بود از

قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ
دیه که جلا وطن کرد ترا هلاک ساختیم ایشانرا پس نیست هیچ

لَهُمْ ۝ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ
ایشانرا آیا هر که باشد بر طریقه روشن از پروردگار خویش مانند آنکس است

سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم ۝ مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي
بد کارش و پیروی کردند خواهش خود را صفت بهشتی که

وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ
وعده کرده متقیانرا این است دران جویها از آب که بو برنگردیده متغیر شده

أَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ
و جویهاست از شیر که مزه او برنگشته و جویهاست از سمی لذت دهنده

لِّلشَّارِبِينَ ۝ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا
آشامندگانرا و جویهاست از شهد صاف کرده شده و ایشانراست

مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ
از هر میوه ها و آمرزش از پروردگار ایشان اینچنین مانند آنکس

خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ
که همیشه باشد در آتش و نوشانیده شوند آب گرم پس پاره ساخت

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ
و از مردمان کسی است که گوش می نهد بسوی تو تا وقتیکه بیرون روند از نزدیک تو

قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ
گویند با آنکه عطا کرده شد ایشانرا علم چه چیز گفت الحال این جماعه

الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ
آنانند که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند خواهش نفس

نفرستیم

که آراسته کرده شد اورا

است

رودهای ایشانرا

و



والذين اهتدوا زادهم هدى واتاهم تقوىهم
و آنانکه راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشان را بهدایت و عطا کرد بدیشان

تقوای ایشان را

فهل ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد
منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان پس هر آینه

جاء اشراطها فانى لهم اذا جاءتهم ذكرىهم
آمده است علامات قیامت پس از کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان

فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك و
پس بدانس کی که نیست هیچ معبود مگر او خدا و آمرزش طلب کن برای گناهان در

للمؤمنين والمؤمنت والله يعلم متقلبكم
حق مردان مسلمانان و زنان مسلمانان و خدا میداند جای آمد و رفت شما

ومثوىكم ويقول الذين امنوا لولا نزلت سورة
و جای آرامیدن شما و میگویند مسلمانان چرا فرو فرستاده نشد سورتی



فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال
پس چون فرستاده شود سورتی واضح و ذکر کرده شود دران قتال

رايت الذين فى قلوبهم مرض ينظرون اليك نظر
ببینی آنان را که در دل ایشان بیماری است بنگرند بسوی تو مانند نظر کردن

المغشى عليه من الموت فاولى لهم طاعة وقول
کسی که او را بیهوشی رسیده باشد بسبب حضور موت پس وای ایشان را حال ایشان

معروف فاذا عزم الامر فلو صدقوا الله لكان
بحسب ظاهر فرمان برداری است و سخن نیکو گفتن پس چون مصمم شود کار را اگر وعده خود

راست کردندی با خدای

خيرا لهم فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا
بهتر بودی ایشان را پس ای ضعیف ایمانان اگر متولی امور مردمان شوید البته بردیگید

فى الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين
در زمین و قطع قبیله داری نمائید اینجماعت آنانند که

لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم افلا يتدبرون
لعنت ایشان را خدا پس کر ساخت ایشان را و کور کرد چشم ایشان را آیا تامل نمیکنند

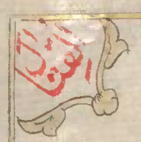
القرآن ام على قلوب اقفالها ان الذين ارتدوا
در قرآن یا بر دلها قفل آن دلهاست هر آینه آنانکه برگشتند
على ادبارهم من بعد ما تبين لهم الهدى الشيطن
بر جانب پشت خویش پس از آنکه ظاهر شد ایشانرا راه هدایت شیطان
سول لهم واملى لهم ذلك بانهم قالوا للذين
آراسته کرده است برای ایشان و مهلت داده است ایشانرا این همه بسبب آن است که
كرهوا ما نزل الله سنطيعكم في بعض الامر
ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است فرمانبرداری شما در بعض کارها
والله يعلم اسرارهم فكيف اذا توفتهم الملئكة
و خدا میداند سخن نهان ایشانرا پس چگونه باشند حال وقتیکه قبض روح ایشان کنند
يضربون وجوههم وادبارهم ذلك بانهم اتبعوا
میزنند رویهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا این بسبب آن است که ایشان
ما اسخط الله وكرهوا رضوانه فاحبط اعمالهم
که بخشم آورد خدا را و ناپسند کردند خشنودی او را پس خدا حبط ساخت اعمال ایشانرا
ام حسب الذين في قلوبهم مرض ان لن يخرج
آیا پنداشتند آنانکه در دل ایشان بیماری است که ظاهر نخواهد کرد
الله اضغانهم ولو نشاء لارينكهم فلعرفتهم
خدا کینهای ایشانرا و اگر بخواهیم مینمودیم ایشانرا پس بشناختی ایشانرا
بسيمهم ولتعرفنهم في لحن القول والله يعلم
بقیافه ایشان و البته شناسی ایشانرا در اسلوب سخن و خدا میداند
اعمالكم ولنبلونكم حتى نعلم المجهدين
عمل شمارا و البته امتحان کنیم شمارا تا بشناسیم مجاهدانرا
منكم والصبرين ونبلوا اخباركم ان الذين
از شما و صابرانرا و بیازماییم احوال شمارا هر آینه آنانکه
كفروا وصدوا عن سبيل الله وشاقوا الرسول
کافر شدند و باز داشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغامبر

این گفتند آنانکه

فرشتگان

برروی چیزی





مِن بَعدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الهُدى لَن يَضُرُّوا اللهَ
بعد از آنکه واضح شد ایشان را هدایت هیچ زیان نرسانند خدا را
شَيئاً وَسَيُحبِطُ أَعمالَهُم يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا أَطيعوا
چیزی و حبط خواهد کرد خدا عملهای ایشان را ای مسلمانان فرمان برید
اللهَ وَأَطيعُوا الرَّسولَ وَلا تُبطِلوا أَعمالَكُم
خدا را و فرمان برید پیغمبر را و باطل مکنید عملهای خود را
إِنَّ الَّذينَ كَفَروا وَصَدّوا عَن سَبيلِ اللهِ
بر آینه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا
ثُمَّ ماتوا وَهُم كُفّارٌ فَلَن يَغفِرَ اللهُ لَهُم فَلا تَهِنوا
باز مردند ایشان کافر بودند پس هرگز نخواهد آمرزید خدا ایشان را پس سستی مکنید
وَتَدعوا إِلَى السَّلمِ وَأَنتُمُ الأَعلَونَ وَاللهُ مَعَكُم
و بصلح نخوانید و شماید غالب و خدا با شماست
وَلَن يَتِرَكُم أَعمالَكُم إِنَّمَا الحَياةُ الدُّنيا لَعِبٌ
و ناقص نخواهد داد شما را جزای اعمال شما جز این نیست که زندگانی دنیا بازیست
وَلَهوٌ وَإِن تُؤمِنوا وَتَتَّقوا يُؤتِكُم أُجورَكُم وَ
بیهوده کیست و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید بدهد شما را مزد شما و
لا يَسأَلكُم أَموالَكُم إِن يَسأَلكُموها فَيُحفِكُم
نطلبد از شما مال شما را پس مبالغه کند در سوال آنگاه
تَبخَلوا وَيُخرِج أَضغانَكُم ها أَنتُم هؤُلاءِ تُدعَونَ
بخل کنید و بیرون آرد کینهای شما آگاه شوید شمای جماعه که خوانده میشوید شما
لِتُنفِقوا في سَبيلِ اللهِ فَمِنكُم مَن يَبخَلُ وَمَن يَبخَل
تا خرج کنید در راه خدا پس از شما کسی هست که بخل میکند و هر که بخل میکند
فَإِنَّما يَبخَلُ عَن نَفسِهِ وَاللهُ الغَنِيُّ وَأَنتُمُ الفُقَراءُ
جز این نیست که بخل میکند از خویشتن و خدا توانگر است و شما محتاجید
وَإِن تَتَوَلَّوا يَستَبدِل قَوماً غَيرَكُم ثُمَّ لا
و اگر روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر شما باز نباشند

يكونوا — سورة الفتح مدنية وهي تسع وعشرون — أمثالكم

نباشند — آنجماعه مانند شما

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إنا فتحنا لك فتحا مبينا ۝ ليغفر لك الله ما تقدم

برآینه ما حکم کردیم برای تو بفتح ظاهر که بیامرزد ترا خدا آنچه که سابق گذشت



من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك و

از گناه تو و آنچه پس ماند و تمام کند نعمت خود را بر تو و

يهديك صراطا مستقيما ۝ وينصرك الله نصرا

تا بنماید ترا راه راست و تا نصرت دهد ترا خدا بنصرت

عزيزا ۝ هو الذي أنزل السكينة في قلوب

قوی او است آنکه فرود آورد اطمینان را در دل

المؤمنين ليزدادوا إيمانا مع إيمانهم ولله جنود

مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان و خدا راست لشكر

السموت والأرض وكان الله عليما حكيما ۝

آسمانها و زمین و هست خدا دانا با حکمت

ليدخل المؤمنين والمؤمنت جنت تجري

که در آرد مردان مسلمان را و زنان مسلمان را ببوستانها میرود

من تحتها الأنهر خلدين فيها ويكفر عنهم

زیر آن جویها جاویدان آنجا و زایل کند از ایشان

سيئاتهم وكان ذلك عند الله فوزا عظيما ۝ و

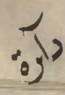
جرمهای ایشان و هست این نزدیک خدا فیروزی بزرگ و

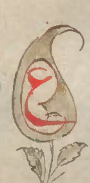
يعذب المنفقين والمنفقت والمشركين

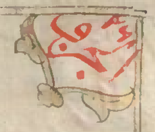
تا عذاب کند مردان منافق را و زنان منافق را و مردان مشرک آرنده را

والمشركت الظانين بالله ظن السوء عليهم

و زنان مشرک آرنده را که گمان کننده اند بر خدا گمان بد بر ایشان باد

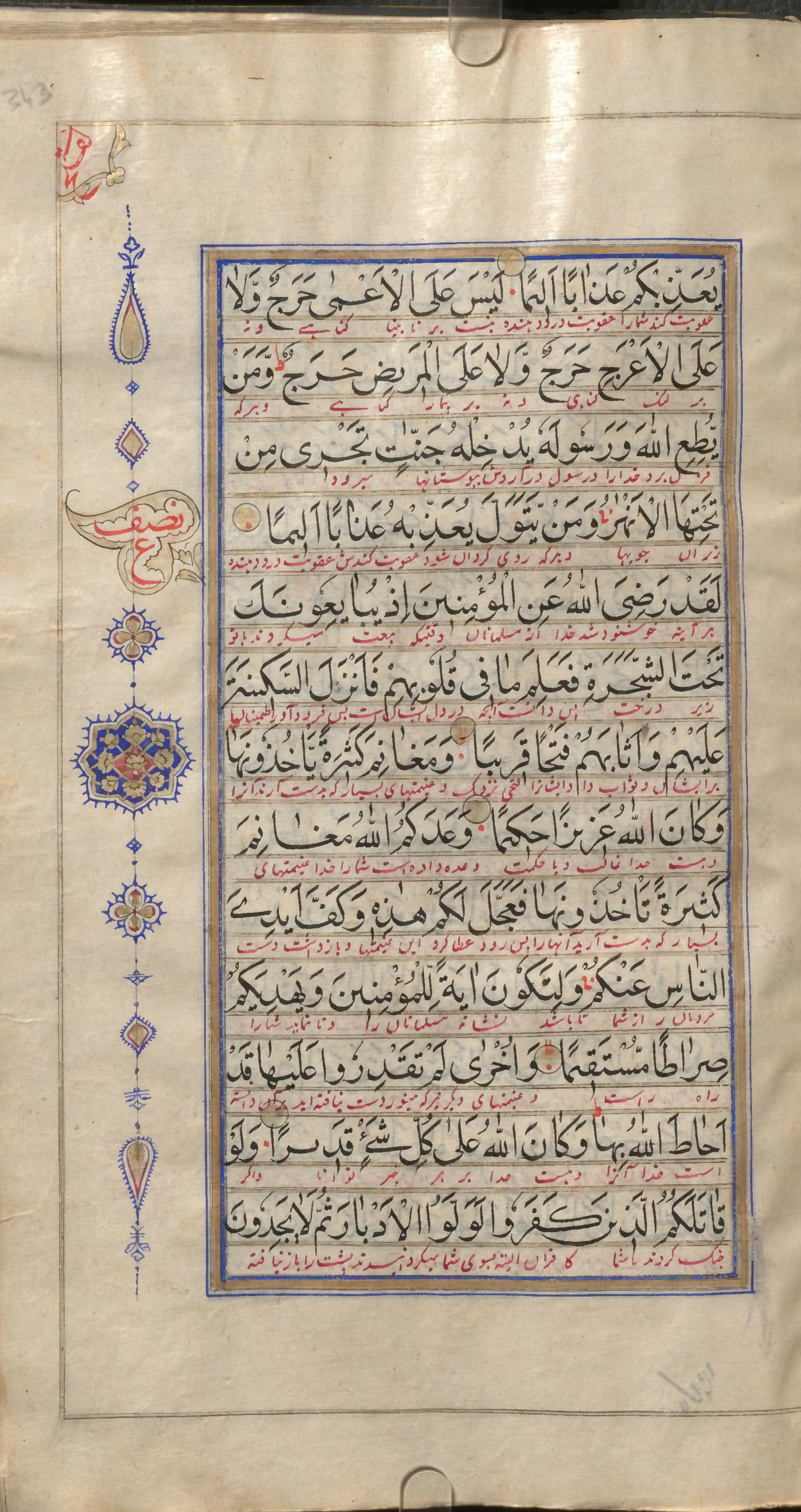

دائرة

دَآئِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَاَعَدَّ
بار مصیبت بد و خشم آمد خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده ساخت
لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ
برای ایشان دوزخ را و بد جای است دوزخ و خدا راست لشکر آسمانها
وَالْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ
و زمین و هست خدا غالب و با حکمت هر آینه ما فرستادیم ترا
شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ
اظهار حق کننده و بشارت دهنده و بیم کننده تا ایمان آرید بخدا و رسول او
وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَاَصِيلًا
و به بزرگی اختصاص کنید او را و بپاکی یاد کنید او را بامداد و بیگاه
اِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللّٰهَ يَدُ اللّٰهِ
هر آینه آنانکه بیعت میکنند با تو جز این نیست که بیعت میکنند با خدا دست خدا
فَوْقَ اَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ
بالای دست ایشان پس هر که عهد شکند پس جز این نیست که می شکند بضرر نفس خود
وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا عٰهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ اَجْرًا
و هر که تمام کند آنچه بر آن با خدا عهد کرده است پس خواهد داد او را مزد

عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْاَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ
بزرگ خواهند گفت با تو پس گذاشتگان از اعراب مشغول کرد ما را
اَمْوَالُنَا وَاَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِاَلْسِنَتِهِمْ
اموال ما و فرزندان ما پس طلب آمرزش کن برای ما میگویند بزبان خود
مَا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا
آنچه نیست در دل ایشان بگو که میتواند برای شما از خدا چیزی
اِنْ اَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ
اگر خواهد زیان رساندن بشما یا خواهد در حق شما سود دادن بلکه هست
اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ اَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ
خدا بآنچه میکنید خبردار نی بلکه ظن کردید که باز نخواهد گشت



الرسول والمؤمنون الى اهليهم ابدا وزين ذلك
پیغامبر و مسلمانان بسوی اهل خانه خود هرگز و آراسته شد آن
في قلوبكم وظننتم ظن السوء وكنتم قوما بورا
در دل شما و گمان کردید گمان بد و گشتید قومی هلاک شده
ومن لم يؤمن بالله ورسوله فانا اعتدنا
و هر که ایمان نیارد بخدا و رسول او پس هر آینه ما آماده کردیم
للكفرين سعيرا ولله ملك السموت والارض
برای کافران آتش را و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین
يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء وكان الله
می آمرزد هرکه را خواهد و عذاب کند هرکه را خواهد و هست خدا
غفورا رحيما سيقول المخلفون اذا انطلقتم
آمرزگار مهربان خواهند گفت باز پس کذاشتگان وقتیکه روانه شوید
الى مغانم لتاخذوها ذرونا نتبعكم يريدون
بسوی غنیمتها تا بدست آرید آنرا بگذارید ما را تا از پی شما رویم میخواهند
ان يبدلوا كلام الله قل لن تتبعونا كذلكم
که مخالفت کنند وعده خدا را بگو هرگز پیروی ما نخواهید کرد همچنین
قال الله من قبل فسيقولون بل تحسدوننا
فرموده است خدا پیش از این پس خواهند گفت بلکه حسد می کنید با ما
بل كانوا لا يفقهون الا قليلا قل للمخلفين
بلکه هستند فهم نمیکردند مگر اندکی بگو یا محمد باز پس کذاشتگان
من الاعراب ستدعون الى قوم اولي باس
از اعراب که شما خوانده خواهید شد بسوی کارزار
شديد تقاتلونهم او يسلمون فان تطيعوا يؤتكم
سخت که جنگ کنید با ایشان تا آنکه مسلمان شوند پس اگر فرمانبرداری کنید بدهد
الله اجرا حسنا وان تتولوا كما توليتم من قبل
خدا شما را مزد نیک و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده پیش از این

یعذبکم



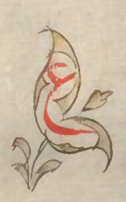
343

نصف

يعذبكم عذابا اليما ليس على الاعمى حرج ولا
عقوبت کند شما را عقوبت دردهنده نیست بر نابینا گناهی و نه
على الاعرج حرج ولا على المريض حرج ومن
بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی و هر که
يطع الله ورسوله يدخله جنت تجري من
فرمان برد خدا را و رسول را درآردش بوستانها میرود
تحتها الانهر ومن يتول يعذبه عذابا اليما
زیر آن جویها و هر که روی گردان شود عقوبت کندش عقوبت دردهنده
لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك
بر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتیکه بیعت میکردند با تو
تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل السكينة
زیر درخت پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان را
عليهم واثابهم فتحا قريبا ومغانم كثيرة ياخذونها
بر ایشان و ثواب داد ایشان را فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار که بدست آرند آنرا
وكان الله عزيزا حكيما وعدكم الله مغانم
و هست خدا غالب و با حکمت وعده داده است شما را خدا غنیمتهای
كثيرة تاخذونها فعجل لكم هذه وكف ايدي
بسیار که بدست آرید آنها را پس زود عطا کرد این غنیمتها و باز داشت دست
الناس عنكم ولتكون اية للمؤمنين ويهديكم
مردمان را از شما تا باشد نشانه مسلمانان را و تا نماید شما را
صراطا مستقيما واخرى لم تقدروا عليها قد
راه راست و غنیمتهای دیگر که نتوانستید یافتن آنرا بتحقیق دانسته
احاط الله بها وكان الله على كل شيء قديرا ولو
است خدا آنرا و هست خدا بر هر چیز توانا و اگر
قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار ثم لا يجدون
جنگ کردندی با شما کافران البته بسوی شما پشت کردندی پس نیابند

وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل
کارسازی و نه نصرت دهنده مانند آیین خدا آنکه گذاشته است پیش از این
ولن تجد لسنة الله تبديلا وهو الذي كف
و نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی و اوست آنکه بازداشت
ايديهم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة من
دست کافران را از شما و دست شما از کافران در میان مکه
بعد ان اظفركم عليهم وكان الله بما تعملون
بعد از آنکه پیروزمند ساخت بر ایشان و هست خدا آنچه میکردید
بصيرا هم الذين كفروا وصدوكم عن المسجد
بینا ایشان کفار قریش آنانند که کافر شدند و بازداشتند از مسجد
الحرام والهدي معكوفا ان يبلغ محله ولولا
حرام و بازداشتند از قربانی موقوف داشته از آنکه برسد بجای خود اگر
رجال مؤمنون ونساء مؤمنت لم تعلموهم
نبودندی مردان مسلمان و زنان مسلمان که نمیدانید ایشان را
ان تطؤهم فتصيبكم منهم معرة بغير علم ليدخل
اگر نبودی خوف آنکه پی سپر کنید ایشان را پس برسد بشما گناهی بغیر دانستن تا درآرد
الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا لعذبنا الذين
خدا برحمت خود هر کرا خواهد اگر از هم جدا بودندی ان دو فرق البته عقوبت میکردیم
كفروا منهم عذابا اليما اذ جعل الذين كفروا في
کافران از ایشان عذاب درددهنده آنگاه که مطلع کردند کافران در
قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فانزل الله سكينته
دل ایشان غیرت را از جنس غیرت جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان
على رسوله وعلى المؤمنين والزمهم كلمة
بر پیغامبر و بر مسلمانان و ثابت کرد بر ایشان سخن
التقوى وكانوا احق بها واهلها وكان الله بكل
پرهیزگاری و بودند سزاوار بآن و اهل آن و هست خدا بهر چیز





شيء عليما ۝ لقد صدق الله رسوله الرءيا بالحق
چیز دانا هر آینه راست نمود خدا پیغامبر خود را خواب مطابق واقع
لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين
که البته داخل خواهید در مسجد حرام اگر خدا خواسته است ایمن شده است
محلقين رءوسكم ومقصرين لا تخافون فعلم
تراشیده موی سر خود را و بعضی از کرفته ترسان نشده پس دانست
ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا ۝ هو
آنچه ندانستید شما پس مقرر کرد پیش از آن فتحی نزدیک اوست
الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق
آنکه فرستاد پیغامبر خود را بهدایت و دین راست
ليظهره على الدين كله وكفى بالله شهيدا ۝
تا غالب کندش بر ادیان همه دلیل است خدا اظهار حق کننده
محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار
محمد صلعم پیغامبر خداست و آنانکه همراه او یند سخت اند بر کافران
رحماء بينهم ترىهم ركعا سجدا يبتغون فضلا
مهربان اند در میان خود می بینی ایشان را رکوع کننده سجده نماینده می طلبند فضل را
من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم من
از خدا و خوشنودی را صلاح ایشان و روی ایشان است از
اثر السجود ذلك مثلهم في التورىة ومثلهم
اثر سجده آنچه مذکور شد داستان ایشان است در توریت و داستان ایشان
في الانجيل كزرع اخرج شطاه فازره فاستغلظ
در انجیل ایشان مانند زراعتی هستند که بر آورد گیاه سبز خود را پس قوی کرد
فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم
پس سطبر شد پس بایستاد بر ساقهای خود تعجب می کرد زراعت کنند کان تا که
الكفار وعد الله الذين امنوا وعملوا الصلحت
کافران را وعده داده است خدای آنانرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

آنرا

بخشم آرد خدا بسبب دیدن ایشان





منهم مغفرة **سورة الحجرات ثماني عشرة اية** واجرا عظيما

از ايشان آمرزش و مزد بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشايندهٔ مهربان

يا ايها الذين امنوا لا تقدموا بين يدى الله

اى مسلمانان پيش دستى مكنيد رو بروى خدا



ورسوله واتقوا الله ان الله سميع عليم يا ايها

و رسول او و بترسيد از خدا بدرستى كه خدا شنوا و داناست اى

الذين امنوا لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت

مسلمانان بلند مكنيد آوازهاى خود را بالاى آواز

النبى ولا تجهروا له بالقول كجهر بعضكم

پيغامبر و بلند مگوييد با او سخن را مانند بلند گفتن بعض شما

لبعض ان تحبط اعمالكم وانتم لا تشعرون

با بعضى براى احتراز از آنكه نابود شود عمل شما و شما خبردار نباشيد

ان الذين يغضون اصواتهم عند رسول

بدرستى آنانكه پست ميكنند آواز خود را نزديك پيغامبر

الله اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى

خدا آن جماعت آنانند كه آزموده است خدا دل ايشان را براى تقوى

لهم مغفرة واجر عظيم ان الذين ينادونك

ايشان راست آمرزش و مزد بزرگ بدرستى آنانكه آواز ميدهند ترا

من وراء الحجرات اكثرهم لا يعقلون ولو

از پس حجره ها اكثر ايشان فهم نميكنند و اگر

انهم صبروا حتى تخرج اليهم لكان خيرا لهم

ايشان صبر كنند تا وقتيكه بيرون آيى بسوى ايشان بهتر بودى براى ايشان

والله غفور رحيم يا ايها الذين امنوا ان

و خدا آمرزنده مهربان است اى مسلمانان اگر

جاءكم

345

حزب

جاءكم فاسق بنبا فتبينوا ان تصيبوا قوما

اگر بیارد پیش شما فاسق خبری را پس تحقیق کنید برای احتراز از انکه ضرر رسانید قومی را

بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم ندمين ○ واعلموا

بنادانی پس پشیمان شوید بر آنچه عمل کردید و بدانید

ان فيكم رسول الله لو يطيعكم في كثير من

که در میان شما رسول خداست اگر فرمان برد شمارا در بسیاری از

الامر لعنتم ولكن الله حبب اليكم الايمان وزينه

کارها برنج درافتید ولیکن خدا دوست گردانید نزدیک شما ایمان را و آراسته کرد آنرا

في قلوبكم وكره اليكم الكفر والفسوق و

در دلهای شما و ناخوش گردانید پیش شما کفر را و فسق را و

العصيان اولئك هم الرشدون ○ فضلا من

نافرمانی را این جماعت ایشانند راه یافتگان باحسان از نزدیک

الله ونعمة والله عليم حكيم ○ وان طائفتن من

خدا و نعمت و خدا دانا با حکمت است و اگر دو گروه از

المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت

مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میان ایشان پس اگر تعدی کرد

احدهما على الاخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء

یکی از دو بر دیگری پس جنگ کنید با آن گروه که تعدی میکند تا آنکه رجوع کند

الى امر الله فان فاءت فاصلحوا بينهما بالعدل

بسوی حکم خدا پس اگر رجوع کرد صلح کنید میان ایشان بانصاف

واقسطوا ان الله يحب المقسطين ○ انما المؤمنون

و داد دهید هر آینه خدا دوست میدارد داد دهندگان را جز این نیست که مسلمانان

اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم

برادر یکدیگرند پس صلح کنید میان دو برادر خویش و بترسید از خدا تا بود که شما



ترحمون ○ يايها الذين امنوا لا يسخر قوم من قوم

رحم کرده شوید ای مسلمانان تمسخر نکند گروهی با گروهی

ثلثه

عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء
احتمال است که آن گروه بهتر باشند از ایشان از نفس الامر و نه زنان مسخره کنند از زنان

عسى ان يكن خيرا منهن ولا تلمزوا انفسكم
که احتمال است که آن زنان بهتر باشند از ایشان و عیب مکنید در میان خویش

ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق
و یکدیگر را بلقبها بد مخوانید بد نامی است فاسقی

بعد الايمان ومن لم يتب فاولئك هم
بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد پس آن جماعه ایشانند

الظلمون ۝ يايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا
ستمکاران ای مسلمانان احتراز کنید از بسیاری

من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا
گمان بد هر آینه بعض بدگمانی گناهست و جاسوسی

ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم
و غیبت نکند بعض شما بعض را آیا دوست میدارد یکی از شما

ان ياكل لحم اخيه ميتا فكرهتموه واتقوا
که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد پس تنفر نمودید از وی و بترسید

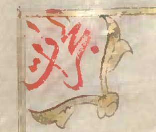
الله ان الله تواب رحيم ۝ يايها الناس انا
از خدا هر آینه خدا توبه پذیرنده مهربانست ای مردمان هر آینه

خلقنكم من ذكر وانثى وجعلنكم شعوبا
آفریدیم شما را از یک مرد و از یک زن و ساختیم شما را جماعتها

وقبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقىكم
و قبیله ها تا با یکدیگر شناسا شوید هر آینه گرامی ترین شما نزدیک خدا پرهیزگارترین شماست

ان الله عليم خبير ۝ قالت الاعراب امنا قل
هر آینه خدا دانا خبردارست گفتند اعراب ایمان آوردیم بگو

لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل
حقیقت ایمان نیاوردید ولیکن بگوئید منقاد شده ایم و هنوز در نیامده است



الايمان في قلوبكم وان تطيعوا الله ورسوله
ایمان در دلهای ایشان و اگر فرمانبرداری کنید خدا و پیغمبر او را
لا يلتكم من اعمالكم شيئا ان الله غفور رحيم
کم نکند شما را از جزای اعمال شما چیزی بدرستیکه خدا آمرزگار مهربان است
انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله ثم
بجز این نیست که مومنان آنانند که ایمان آوردند بخدا و رسول او باز
لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم في
شبهه نکردند و جهاد نمودند باموال خود و جان خود در
سبيل الله اولئك هم الصدقون قل اتعلمون
راه خدا آن جماعه ایشانند راستگویان بگو آیا خبردار کنید
الله بدينكم والله يعلم ما في السموت وما في
خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الارض والله بكل شيء عليم يمنون عليك
زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می نهند بر تو
ان اسلموا قل لا تمنوا علي اسلامكم بل الله
بانکه مسلمان شده اند بگو منت منهید بر من باسلام خود بلکه خدا
يمن عليكم ان هدكم للايمان ان كنتم
منت می نهد بر شما بانکه هدایت کرد شما را بایمان اگر راستگو
صدقين ان الله يعلم غيب السموت والارض
هستید بدرستیکه خدا میداند پنهان آسمانها و زمین
والله بصير بما تعملون
و خدا بیناست بآنچه میکنید

سورة ق مكية وهي خمس واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



ق والقرآن المجيد بل عجبوا ان جاءهم منذر
قسم بقرآن بزرگی که تو پیغمبر خدای بلکه تعجب کردند کافران از آنکه آمد بدیشان ترساننده

مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ءَإِذَا
از ایشان پس گفتند آن کافران این چیزی است عجیب آیا چون

مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيدٌ قَدْ عَلِمْنَا
بمیریم و خاک شویم حشر کرده شویم بازگردانیدن است دور هر آینه دانسته ایم

مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظٌ
آنچه کم بکند زمین از ایشان و نزدیک ما کتابی است نگاهدارنده

بَلْ كَذَّبُوا۟ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِىٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ
نی بلکه بدروغ نسبت کردند سخن راست را وقتیکه بیامد بدیشان پس ایشان در کاری

شوریده اند

أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا۟ إِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَ
آیا نظر نکرده اند بسوی آسمان بالای خود چگونه بنا کردیم آنرا و

زَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا
آراسته ایم آنرا و نیست در آن شگافی و زمین را گستردیم

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍۭ
و افکندیم در آن کوهها و رویانیدیم در آن از هر نوع

بَهِيجٍ تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ وَ
خوش آینده برای راه نمودن و پند دادن هر بنده رجوع کننده و

نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَ
فرود آوردیم از آسمان آب بابرکت پس رویانیدیم بآن بوستانها و

حَبَّ الْحَصِيدِ وَالنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ
دانه که درو میکنند آنرا و درختان خرما را بلند و بالا برآمده آنرا ابوه است

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ
برای روزی برای بندگان و زنده ساختیم بآن شهر مرده را همچنین باشد

الْخُرُوجُ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَٰبُ الرَّسِّ
برآمدن از گور بدروغ نسبت کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل رس

وَثَمُودُ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَٰنُ لُوطٍ وَأَصْحَٰبُ
و ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و اهل

الایکه

شده وعده عذاب

ع

الایکة وقوم تبع کل کذب الرسل فحق وعید

ایکه وقوم تبع هر یکی بدروغ نسبت کرد پیغامبران را پس ثابت

افعیینا بالخلق الاول بل هم فی لبس من

آیا عاجز شده بودیم در آفریدن نخستین بلکه ایشان در شبه اند از

خلق جدید ولقد خلقنا الانسان ونعلم

آفرینش نو و هرآینه آفریدیم آدمی را و میدانیم چیزی

ما توسوس به نفسه ونحن اقرب الیه من

که بخاطر میکند را نفس او و ما نزدیکتریم باو از

حبل الورید اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین و

رگ جان آنگاه که باز میگیرند دو بازگیرنده به پهلوی راست و

عن الشمال قعید ما یلفظ من قول الا لدیه

پهلوی چپ نشسته بزبان نمی آرد سخنی مگر نزدیک او

رقیب عتید وجاءت سکرة الموت بالحق

نگهبانی است مهیا و بیامد سختی موت براستی

ذلک ما کنت منه تحید ونفخ فی الصور ذلک

این است آنچه از آن کناره میگردی و دمیده شود در صور این است

یوم الوعید وجاءت کل نفس معها سائق

روز وعده عذاب و بیاید هر شخصی همراه او روان کننده هست

وشهید لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا

و گواهی دهنده است هرآینه بودی در بیخبری ازین مقدمه پس برداشتیم

عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید وقال

از تو پرده ترا پس چشم تو امروز تیز بین است و گفت

قرینه هذا ما لدی عتید القیا فی جهنم کل

همنشین او این است آنکه نزدیک او بود حاضر کرده شده است گویم بافکنید در دوزخ

کفار عنید مناع للخیر معتد مریب الذی

هر ناسپاس سرکش را هراسان کننده مال را درگذرنده از حد را بر شک آرنده



جعل مع الله الها اخر فالقیه فی العذاب الشدید
آنکه مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس بیفکنید این کس را در عذاب سخت
قال قرینه ربنا ما اطغیته ولکن کان فی
گفت همنشین او ای پروردگار ما من گمراه نکردم این شخص را ولیکن وی بود در
ضلل بعید ۝ قال لا تختصموا لدی وقد قدمت
گمراهی دور فرمود خصومت مکنید نزدیک من و بتحقیق فرستاده بودم
الیکم بالوعید ۝ ما یبدل القول لدی وما
بسوی شما وعده عذاب تغیر داده نمیشود وعده نزدیک من و نیستم من
انا بظلام للعبید ۝ یوم نقول لجهنم هل امتلئت
ستم کننده بر بندگان روزیکه بگوییم دوزخ را آیا پر شدی
وتقول هل من مزید ۝ وازلفت الجنة للمتقین
و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده از این هست و نزدیک گردانیده شود بهشت برای
غیر بعید ۝ هذا ما توعدون لکل اواب حفیظ
نه دور مانده این است آنچه وعده داده میشد شما را نزدیک گرده شده ادب
من خشی الرحمن بالغیب وجاء بقلب منیب
برای هرکسی که ترسید از خدا نادیده و پیش آمد بدل متوجه
ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود ۝ لهم ما یشاءون
گوییم داخل شوید در بهشت همراه سلامتی این است روز همیشه باشیدن ایشان راست آنچه
فیها ولدینا مزید ۝ وکم اهلکنا قبلهم من قرن
و نزدیک ما زیاده است و بسیار هلاک کردیم پیش از این امتها که
هم اشد منهم بطشا فنقبوا فی البلاد هل من
ایشان سخت تر بودند از ایشان در دست درازی پس تفحص کردند در شهرها که هیچ
محیص ۝ ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب
گریزگاهی هست هرآینه درین مقدمه پند است کسی را که دلی دارد
او القی السمع وهو شهید ۝ ولقد خلقنا السموت
یا گوش نهد متوجه شده و هرآینه آفریدیم آسمانها



متقان

نگاه دارنده

خواهند بود در بهشت

والارض

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ
و آنچه در میان هر دو است در شش روز و نرسید بما در بنهبا

لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
هیچ ماندگی پس صبر کن بر آنچه میگویند و پاکی یاد کن همراه ستایش

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ وَمِنَ اللَّيْلِ
پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن و در بعض شب

فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ
بپاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز و بشنو آن کلمه روزی که آواز دهد آواز دهنده

مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ
از جای نزدیک روز که بشنوند نعره تند را بعز و تردد

ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا
آن روز روز بر آمدن ایشانست بر آینه ما زنده میکنیم و می میرانیم و بسوی ماست

الْمَصِيرُ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ
بازگشت روزی که بشکافد زمین از ایشان بر اون آیند شتابان این

حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ
بر انگیختن است آسان بر ما ما بهتر دانیم آنچه میگویند و نیستی تو

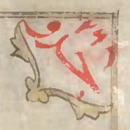
عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ
بر ایشان قهر کننده پس پند ده بقرآن هر کرا می ترسد از وعده عذاب من

سورة الذاريات مكية وهي ستون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا
قسم بباد های پراگنده پس قسم بابرهای بردارنده بار آب پس قسم بکشتیهای روان

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ وَإِنَّ الدِّينَ
پس قسم بفرشتگان تقسیم کننده کار هر آینه وعده کرده که میشود بشما راستست و هر آینه جزای



لواقع ۝ والسماء ذات الحبك ۝ انكم لفي قول مختلف

اعمال بودنیست قسم باسمان خداوند راهها برآینه شما درا سخنی مخالف

يؤفك عنه من افك ۝ قتل الخرصون ۝ الذين

بازگردانیده میشود از قران لعنت کرده شد دروغگویان آنانکه

هم في غمرة ساهون ۝ يسئلون ايان يوم الدين

ایشان در بیخبری اند فراموش کننده اند می پرسند کی خواهد بود روز جزا

يوم هم على النار يفتنون ۝ ذوقوا فتنتكم هذا

آن روز که ایشانرا در آتش عذاب کرده شود بچشید این عقوبت خودرا اینست

الذي كنتم به تستعجلون ۝ ان المتقين في جنت

آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید برآینه متقیان اند در بوستانها

وعيون ۝ اخذين ما اتيهم ربهم انهم كانوا قبل

و چشمها باشند بدست آرنده آنچه داد ایشانرا پروردگار ایشان برآینه ایشان بودند

ذلك محسنين ۝ كانوا قليلا من اليل ما يهجعون

پیش ازین نیکوکاران بودند باین صفت که اندکی از شب خواب کردندی

وبالاسحار هم يستغفرون ۝ وفي اموالهم حق

و بوقت سحرها ایشان طلب آمرزش مینمودندی و در اموال ایشان حصه مقرر بود

للسائل والمحروم ۝ وفي الارض ايت للموقنين

برای سوال کننده و برای تنگدست کم سوال و در زمین نشانهاست یقین کنندگانرا

وفي انفسكم افلا تبصرون ۝ وفي السماء

و در ذات شما آیا نمی نگرید و در آسمان

رزقكم وما توعدون ۝ فورب السماء والارض

رزق شما و آنچه وعده داده میشود شمارا پس قسم بپروردگار آسمانها و زمین

انه لحق مثل ما انكم تنطقون ۝ هل اتيك حديث

برآینه این خبر راست است مانند آنکه شما سخن میگوئید آیا آمده است پیش تو خبر

ضيف ابرهيم المكرمين ۝ اذ دخلوا عليه فقالوا

مهمانان ابراهیم گرامی چون درآمدند بر ابراهیم پس سلام گفتند

س

الذاريات

سلما قال سلم قوم منكرون فراغ الى اهله
سلام گفتند جواب سلام داد بدل گفت ایشان گروهی منکرند پس متوجه شد بسوی اهل خانه
فجاء بعجل سمين فقربه اليهم قال الا تاكلون
پس آورد کباب گوساله پس نزدیک ساخت آنرا با ایشان گفت آیا نمیخورید
فاوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه بغلم
پس چون بخوردند در خاطر خود یافت از ایشان ترسی گفتند مترس و بشارت دادندش بفرزند
عليم فاقبلت امراته في صرة فصكت وجهها
دانا پس پیش آمد زن ابراهیم باوازی و طپانچه زد روی خود را
وقالت عجوز عقيم قالوا كذلك قال ربك
و گفت آیا بزاید پیره زنی نازاینده فرمود همچنین فرمود پروردگار تو
انه هو الحكيم العليم قال فما خطبكم ايها المرسلون
هر آینه او با حکمت دانا ابراهیم گفت پس چیست مقصد شما ای فرستادگان
قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين لنرسل عليهم
گفت هر آینه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی گناهکار تا بفرستیم بر ایشان
حجارة من طين مسومة عند ربك للمسرفين
سنگها داری از گل نشانمند کرده شده است نزدیک پروردگار تو برای اسراف کنندگان
فاخرجنا من كان فيها من المؤمنين فما وجدنا
پس برآوردیم هر کرا بود دران دیه از مومنان پس نیافتیم آنجا
فيها غير بيت من المسلمين وتركنا فيها اية
غیر یک خانه از مسلمانان و گذاشتیم دران دیه نشانه
للذين يخافون العذاب الاليم وفي موسى
برای آنانکه میترسند از عذاب درد دهنده و در قصه موسی
اذ ارسلنه الى فرعون بسلطن مبين فتولى
چون فرستادیمش بسوی فرعون و بدلیل واضح پس روی گردان
بركنه وقال سحر او مجنون فاخذنه وجنوده
همراه قوت خود و گفت جادوگری بود یا دیوانه پس گرفتیم او را و لشکر او

الجزو السابع والعشرين

فنبذنهم في اليم وهو مليم ۝ وفي عاد اذ ارسلنا
پس افکندیم ایشانرا در دریا و او کننده بود کار بدرا و در قصه عاد نشانه است چون فرستادیم

عليهم الريح العقيم ۝ ما تذر من شيء اتت عليه
بر ایشان بادی بی منفعت نگذارد هیچ چیزیرا که برسد بوی

الا جعلته كالرميم ۝ وفي ثمود اذ قيل لهم تمتعوا
مگر سازد آنرا مانند استخوانی پوسیده و در قصه ثمود نشانه است چون گفته شد ایشانرا بهره مند باشید

حتى حين ۝ فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم
تا مدتی پس سرکشی کردند از فرمان پروردگار خود پس درگرفت ایشانرا

الصعقة وهم ينظرون ۝ فما استطاعوا من
نعره تند و ایشان میدیدند پس نتوانستند

قيام وما كانوا منتصرين ۝ وقوم نوح من قبل
بر خاستن و نبودند انتقام کشنده و هلاک ساختیم قوم نوح را پیش از این

انهم كانوا قوما فسقين ۝ والسماء بنينها بايد
هر آینه بودند گروهی بدکار و آسمانرا بنا کردیم بقوت



وانا لموسعون ۝ والارض فرشنها فنعم الماهدون
و هر آینه ما توانائیم و زمین را گسترانیدیم پس نیکو گسترانندهایم

ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون
و از هر چیزی آفریدیم دو قسم تا شما پند پذیر شوید

ففروا الى الله اني لكم منه نذير مبين ۝ ولا
پس بگریزید بسوی خدا هر آینه برای شما از جانب او ترساننده آشکارم

تجعلوا مع الله الها اخر اني لكم منه نذير مبين
مقرر مکنید با خدا معبودی دیگررا هر آینه من برای شما ترساننده آشکارم

كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا
همچنین نیامده است نزدیک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پیغامبر مگر

قالوا ساحر او مجنون ۝ اتواصوا به بل هم قوم
گفتند جادوگری یا دیوانه است آیا با یکدیگر وصیت کرده اند بآن بلکه ایشان گروهی

طاغون



طاغون ۝ فتول عنهم فما انت بملوم ۝ وذكر
سرکش اند پس روی بازکن از ایشان پس نیستی تو ملامت کرده شده و پند ده

فان الذكرى تنفع المؤمنين ۝ وما خلقت الجن
هرآینه پند دادن سود دهد مومنان را و نیافریدیم جن و انس

والانس الا ليعبدون ۝ ما اريد منهم من
و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا نمیخواهم از ایشان ر

رزق وما اريد ان يطعمون ۝ ان الله هو
رزق را و نمیخواهم که مرا طعام دهند هرآینه خدا همون است

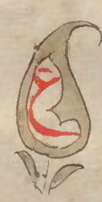
الرزاق ذو القوة المتين ۝ فان للذين ظلموا
رزق دهنده خداوند توانائی زورآور پس هرآینه آنان را که ستم کردند

ذنوبا مثل ذنوب اصحبهم فلا يستعجلون ۝
نصیبه است مانند نصیبه یاران گذشته ایشان است پس باید که شتاب طلب نکنند

فويل للذين كفروا من يومهم الذى يوعدون ۝
پس وای کافران را از آن روز ایشان که وعده داده میشوند

سورة الطور مكية وهي تسع واربعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان



والطور ۝ وكتب مسطور ۝ فى رق منشور ۝ و
قسم بکوه طور و قسم بکتاب نوشته شده در کاغذ گشاده توریت یا قرآن و

البيت المعمور ۝ والسقف المرفوع ۝ والبحر المسجور ۝
قسم بخانه معمور و قسم بسقف برافراشته شده و قسم بدریا بر کرده شده

ان عذاب ربك لواقع ۝ ما له من دافع ۝ يوم
هرآینه عذاب پروردگار تو بودنی است نیست او را هیچ دفع کننده روزیکه

تمور السماء مورا ۝ وتسير الجبال سيرا ۝ فويل
جنبش کند آسمان جنبش کردنی و روان شود کوهها روان شدنی پس وای

يومئذ للمكذبين ۝ الذين هم في خوض

پس وای در آن روز دروغ شمارندگان را آنانکه ایشان در بیهوده سخن

يلعبون ۝ يوم يدعون الى نار جهنم دعا

بازی میکنند روزی که بسختی روان کرده شوند بسوی آتش دوزخ روان کردنی

هذه النار التي كنتم بها تكذبون ۝ افسحر هذا

این است آتش که شما آنرا دروغ می شمردید آیا سحر است این

ام انتم لا تبصرون ۝ اصلوها فاصبروا او لا

یا شما نمی نگرید درآیید بدان آتش پس صبر کنید یا مکنید

تصبروا سواء عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون

برابر است بر شما جزا این نیست که جزا داده خواهید شد بسبب آنچه میکردید

ان المتقين في جنت ونعيم ۝ فكهين بما

هر آینه متقیان در بوستانها و نعمتها باشند خوشحال بسبب آنکه

اتهم ربهم ووقهم ربهم عذاب الجحيم ۝ كلوا

نعمت داد ایشان را پروردگار ایشان و نگاه داشت ایشان را از عذاب دوزخ بخورید

واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ۝ متكين على

بنوشید گوارا بسبب آنچه میکردید تکیه زده بر

سرر مصفوفة وزوجنهم بحور عين ۝ والذين

تختها برابر یکدیگر نهاده و کدخدا کنیم ایشانرا بحوران فراخ چشم و آنانکه

امنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم

ایمان آوردند و در پی ایشان رفت اولاد ایشان در ایمان برسانیم بایشان

ذريتهم وما التنهم من عملهم من شيء كل

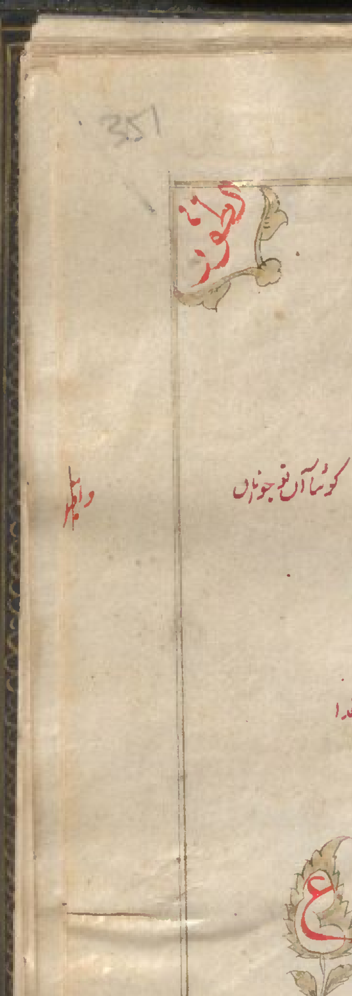
اولاد ایشان و نقصان نکنیم ایشانرا از عمل ایشان چیزی هر

امرئ بما كسب رهين ۝ وامددنهم بفاكهة

مردی بآنچه کرد در گرو باشد و پی در پی عطا کنیم ایشانرا میوه

ولحم مما يشتهون ۝ يتنازعون فيها كاسا

و گوشت از جنسی که طلب کنند از دست یکدیگر میگیرند آنجا پیاله شراب



لا لغو فيها ولا تأثيم ويطوف عليهم غلمان لهم كأنهم

هیچ بیهوده نباشد در آن و نه بزه کاری و آیند و شوند گرد ایشان جوانان ایشان چندان که ایشان

لؤلؤ مكنون وأقبل بعضهم على بعض يتساءلون

مروارید در پرده پنهان اند و روی آورد بعضی ایشان بر بعضی پرسند از یکدیگر سوال کنان

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين فمن الله

گفتند بر آینه ما بودیم پیش ازین در میان اهل خانه خود ترسان بودیم پس منت نهاد خدا

علينا ووقىنا عذاب السموم إنا كنا من قبل

بر ما و نگاه داشت ما را از عذاب باد گرم بر آینه ما بودیم پیش ازین عبادت

ندعوه إنه هو البر الرحيم فذكر فما أنت بنعمت

میکردیم او را بر آینه اوست احسان کننده مهربان پس پند ده پس نیستی تو بفضل

ربك بكاهن ولا مجنون أم يقولون شاعر

پروردگار خود کاهن و نه دیوانه بلکه آیا میگویند شاعر است

نتربص به ريب المنون قل تربصوا فإني

انتظار میبریم در حق او حوادث زمانه را بگو انتظار کشید بر آینه

معكم من المتربصين أم تأمرهم أحلامهم بهذا

من با شما از انتظار کنندگانم آیا میفرماید ایشان را عقلهای ایشان باین

أم هم قوم طاغون أم يقولون تقوله بل لا يؤمنون

گروه سرکش اند آیا میگویند بربسته است نی بلکه ایمان نمی آرند

فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين

پس باید که بیارند سخنی مانند این اگر راستگو هستند

أم خلقوا من غير شيء أم هم الخالقون أم خلقوا

آیا ایشان آفریده شدند بغیر آفریننده آیا آفریده اند

السموت والأرض بل لا يوقنون أم عندهم

آسمانها و زمین را بلکه ایشان باور نمیکنند آیا نزدیک ایشان

خزائن ربك أم هم المصيطرون أم لهم سلم

خزانهای پروردگار تست یا ایشان اند جبر دست آیا ایشان را نردبانی هست

يستمعون فيه فليأت مستمعهم بسلطن مبين
که بران صعود کرده بشنوند پس باید که بیارند شنونده ایشان دلیل ظاهر را
ام له البنت ولكم البنون ام تسئلهم اجرا فهم
آیا خدا را دختران هست و شما را پسران آیا سوال میکنی از ایشان مزدی
من مغرم مثقلون ام عندهم الغيب فهم
از غرامت گران بار شده اند آیا نزدیک ایشان علم غیب است پس ایشان
يكتبون ام يريدون كيدا فالذين كفروا
مینویسند آیا میخواهند بد اندیشی پس کافران ایشانند
هم المكيدون ام لهم اله غير الله سبحن الله
در بد اندیشی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی هست بجز خدا پاکی خدا راست
عما يشركون وان يروا كسفا من السماء ساقطا
از آنکه شریک مقرر میکنند و اگر ببینند پاره را از آسمان افتاده
يقولوا سحاب مركوم فذرهم حتى يلقوا يومهم
گویند ابری است برهم نشسته پس بگذار ایشان را تا آنکه ملاقات کنند با روز
الذي فيه يصعقون يوم لا يغني عنهم كيدهم
خود که در آن بیهوش کرده شوند روزی که دفع نکند از ایشان مکر ایشان
شيئا ولا هم ينصرون وان للذين ظلموا عذابا
چیزی را و نه ایشان یاری داده شوند و هر آینه ستمکاران عذابی هست
دون ذلك ولكن اكثرهم لا يعلمون و
غیر این و لیکن اکثر ایشان نمیدانند و
اصبر لحكم ربك فانك باعيننا وسبح بحمد
صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هر آینه تو بحضور چشم های ما و پاکی یاد کن
ربك حين تقوم ومن اليل فسبحه وادبار النجوم
پروردگار خود وقتیکه بصبح برخیزی و بعض اوقات شب پاکی یاد کن خدا را و عقب ستارها

بس ایشان

ستایش

ستارها نیز

سورة النجم مكية وهي اثنان وستون اية

بسم الله



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوٰى ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوٰى ۝

قسم ستاره چون فرو افتد گمراه نشد این یار شما و غلط نکرد راه را

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحٰى ۝

و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست قران مگر وحی که بسوی او فرستاده شود

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوٰى ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوٰى ۝

آموخته است او را فرشته بسیار با قوت صاحب حسن پس راست استاد آن فرشته

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلٰى ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰى ۝ فَكَانَ

و او بکناره بلند آسمان بود باز نزدیک شد و فرود آمد پس رسید

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنٰى ۝ فَأَوْحٰى إِلٰى عَبْدِهِ مَا

بمسافت دو کمان یا نزدیکتر از آن پس پیغام رسانید بسوی بنده خدا آنچه

أَوْحٰى ۝ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأٰى ۝ أَفَتُمَارُونَهُ عَلٰى مَا

رسانید دروغ داخل نکرد دل پیغامبر در آنچه معاینه کرد آیا شما گفتگو میکنید در آنچه

يَرٰى ۝ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرٰى ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ

می بینید و هر آینه دیده بود این فرشته یکبار دیگر نزدیک آن سدره

الْمُنْتَهٰى ۝ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوٰى ۝ إِذْ يَغْشَى

المنتهی و نزدیک آن سدره است بهشت آرامگاه فرشته را دید فیانه

السِّدْرَةَ مَا يَغْشٰى ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغٰى ۝

سدره را آنچه می پوشید بگردی نکرد چشم پیغامبر از مقصد تجاوز ننمود

لَقَدْ رَأٰى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى ۝ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ

هر آینه معاینه کرد بعض نشانها بزرگ پروردگار خود آیا دیدید لات

وَالْعُزّٰى ۝ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرٰى ۝ أَلَكُمُ الذَّكَرُ

و عزی را و مناة را سیوم پس بی قدر آیا شما را فرزند باشد

وَلَهُ الْأُنْثٰى ۝ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزٰى ۝ إِنْ هِيَ

و خدا را دختر این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف شد نیست این

میپوشید

إِلَّآ أَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
مگر نامهای چند که مقرر کرده اید آنرا شما و پدران شما و فرو نفرستاده است خدا

بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى
بر آن هیچ دلیلی پیروی نمیکنند مگر وهم فاسد را و چیزی که خواهش میکند

ٱلْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلْهُدَىٰٓ
نفس و هر آینه آمده است ایشان را از پروردگار ایشان هدایت

أَمْ لِلْإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ فَلِلَّهِ ٱلْءَاخِرَةُ وَٱلْأُولَىٰ
آیا میسر است آدمی را آنچه آرزو میکند پس خدای راست آن جهان و این جهان



وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغْنِى شَفَٰعَتُهُمْ
و بسیار فرشته در آسمانها که نفع نمیکند شفاعت ایشان

شَيْـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعْدِ أَن يَأْذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَ
چیزی را مگر بعد از آنکه دستوری دهد خدا برای هر که خواهد و

يَرْضَىٰٓ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ لَيُسَمُّونَ
رضا مند شود هر آینه آنانکه ایمان نیارند آخرت را نام مینهند

ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ ٱلْأُنثَىٰ وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ
فرشتگان را بنام دختران و نیست ایشان را بنیاد این سخن هیچ دانش

إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغْنِى
پیروی نمیکنند مگر وهم را و هر آینه وهم نفع نمیدهد

مِنَ ٱلْحَقِّ شَيْـًٔا فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن
از شناخت حقیقت چیزی را پس اعراض کن از کسیکه روی گردان شد از

ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم
یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی دنیا این است نهایت ایشان

مِّنَ ٱلْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ
از روی دانش هر آینه پروردگار تو داناست بهر که غلط کرد راه خدا را

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ ٱهْتَدَىٰ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
و او داناست بهر که راه یافت و خدا راست آنچه در آسمانها

وما



وَمَا فِي الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسَآءُوا بِمَا عَمِلُوا

وانچه در زمین است جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بسبب انچه عمل نمودند

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ۝ اَلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ

و جزا دهد آنانرا که نیکوکاری کردند بخصلت نیک هر آینه آنانکه پرهیزکاری میکنند

كَبَٰٓئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ

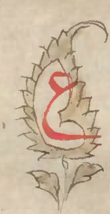
از کبائر گناهان و بحیاییها سوای گناهان صغیره و هر آینه پروردگار تو بسیار

الْمَغْفِرَةِ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ

آمرزش است او دانا است باحوال شما وقتیکه پیدا کرد شمارا از زمین

وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ اُمَّهَٰتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا

و وقتیکه شما بچه بودید در شکم مادران خود پس ستایش مکنید



اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ۝ اَفَرَاَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى

خویشتن را خدا داناتر است بکسیکه پرهیزکاری کرد آیا کسی او دیدی که روی گردان شد

وَاَعْطَى قَلِيلًا وَاَكْدَى ۝ اَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ

و داد اندکی از مال و سخت دل شد آیا نزدیک اوست علم غیب

فَهُوَ يَرَى ۝ اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ۝ وَ

پس گویا بچشم می بیند آیا خبر داده نشد بآنچه در صحیفهای موسی و

اِبْرَٰهِيمَ الَّذِي وَفَّى ۝ اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ

ابراهیم و فادار بود بر نخواهد داشت هیچ بردارنده بار گناه

اُخْرَى ۝ وَاَنْ لَيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعَى ۝ وَاَنَّ

دیگری را و آنکه نرسد آدمی را مگر آنچه عمل کرد و آنکه

سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ۝ ثُمَّ يُجْزَٰىهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفَى ۝

سعی آدمی دیده خواهد شد باز داده خواهد شد بحق آن سعی جزای تمام

وَاَنَّ اِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكَى ۝

و آنکه بسوی پروردگار تست بازگشت و آنکه او خنداند و گریاند

وَاَنَّهُ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيَا ۝ وَاَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثَى

و آنکه او بمیراند و او زنده گرداند و آنکه آفرید دو قسم نر و ماده را



مِن نُطفَةٍ إذا تُمنىٰ ۝ وَأنَّ عَلَيهِ النَّشأةَ الأُخرىٰ

از نطفه چون ریخته شود در رحم — وآنکه بر خدا لازم است پیدا کردن

وَأنَّهُ هُوَ أغنىٰ وَأقنىٰ ۝ وَأنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعرىٰ ۝

وآنکه او توانگر ساخت — و سرمایه داد — وآنکه همون است آفریننده کار ستاره شعری

وَأنَّهُ أهلَكَ عاداً الأُولىٰ ۝ وَثَمودا فَما أبقىٰ ۝

وآنکه او هلاک ساخت عاد نخستین — و ثمود را پس هیچکس را باقی نگذاشت

وَقَومَ نوحٍ مِن قَبلُ إنَّهُم كانوا هُم أظلَمَ وَأطغىٰ ۝

و هلاک کرد قوم نوح را پیش از این — هر آینه ایشان بودند ستمکارتر و از حد گذشته

وَالمُؤتَفِكَةَ أهوىٰ ۝ فَغَشّاها ما غَشّىٰ ۝ فَبِأيِّ

و شهر موتفکه را بر زمین افکند — پس پوشانید آنچه بر وی پوشانید — پس در کدام یک

آلاءِ رَبِّكَ تَتَمارىٰ ۝ هٰذا نَذيرٌ مِنَ النُّذُرِ الأُولىٰ ۝

در نعمتهای پروردگار خود شبهه میکنی — این پیغامبر ترساننده است از ترسانندگان پیشین

أزِفَتِ الآزِفَةُ ۝ لَيسَ لَها مِن دونِ اللهِ كاشِفَةٌ ۝

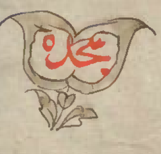
نزدیک آمد قیامت — نیست او را سوای خدا هیچ ظاهر کننده

أفَمِن هٰذا الحَديثِ تَعجَبونَ ۝ وَتَضحَكونَ وَلا

آیا از این سخن تعجب کنید — و خنده می نمائید و نه

تَبكونَ ۝ وَأنتُم سامِدونَ ۝ فَاسجُدوا لِلّٰهِ وَاعبُدوا ۝

میگریید — و شما بازی می کنید — پس سجده کنید خدا را و پرستش نمائید



سورة القمر مكية وهي خمس وخمسون آية

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقتَرَبَتِ السّاعَةُ وَانشَقَّ القَمَرُ ۝ وَإن يَرَوا آيَةً

نزدیک آمد قیامت — و شکافت ماه اشارت — و اگر کافران ببینند نشانه

يُعرِضوا وَيَقولوا سِحرٌ مُستَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبوا وَاتَّبَعوا

اعراض کنند و گویند سحری است قوی — و دروغ شمردند پیروی

أَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ۝ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ
خواهش خود کردند و هر چیز در وقت خود قرار گرفته است و هر آینه آمده است بدیشان
مِّنَ الْأَنْبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا
از خبرها آنچه دران پنداست دانایی است دانش تمام پس فایده نمیدهد
تُغْنِ النُّذُرُ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ
ترسانندها پس اعراض کن از ایشان آن روز که بخواند خواننده
إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكُرٍ ۝ خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ
بسوی چیزی ناخوش نیاز ظاهر شده بر چشم ایشان برآیند آن روز از قبور
كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنْتَشِرٌ ۝ مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ
گوییا ایشان ملخ پراکنده اند شتاب کنان بسوی آن خواننده گویند
الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
کافران این روزی است دشوار دروغ شمردند پیش از ایشان قوم
نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ
نوح پس دروغی داشتند بنده ما را و گفتند دیوانه است و باوی سخن درشت
فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ
پس دعا کرد بجناب پروردگار خود که من مغلوب شده ام پس انتقام بکش پس گشادیم درهای
السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ ۝ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا
آسمان با آب بسیار بارنده و روان کردیم از زمین چشمها
فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝ وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ
پس جمع شد آب از هر جانب بر کاری که مقدر شده بود و سوار کردیم نوح را بر کشتی
أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ۝ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَآءً لِّمَنْ كَانَ
خداوند تختها و میخها میرفت بحضور چشم ما بجهه انتقام برای کسیکه بود
كُفِرَ ۝ وَلَقَدْ تَّرَكْنَٰهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ۝ فَكَيْفَ
ناگرویده بودند و هر آینه گذاشتیم این عقوبت را نشانه پس آیا هیچ پندگیرنده هست پس چگونه بود
كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ
بود عقوبتهای من و ترسانیدن من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پند گیرند

فهل من مدكر ۝ كذبت ثمود بالنذر ۝ فقالوا أبشرا
پس آیا هیچ پند پذیرنده هست دروغ شمردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک
آدمی را

منا واحدا نتبعه إنا إذا لفي ضلل وسعر ۝
از قوم خویش پیروی کنیم هرآینه ما آنگاه در گمراهی و دیوانگی شد

أءلقي الذكر عليه من بيننا بل هو كذاب
آیا نازل کرده شد بر وی از میان ما نی بلکه او دروغگوی

أشر ۝ سيعلمون غدا من الكذاب الأشر ۝ إنا
خودپسند است خواهند دانست فردا که کیست دروغگوی خودپسند هرآینه ما

مرسلوا الناقة فتنة لهم فارتقبهم واصطبر ۝
خواهیم فرستاد ماده شتر را بجهة آزمایش ایشان را پس ای صالح منتظر باش و صبر کن

ونبئهم أن الماء قسمة بينهم كل شرب محتضر ۝
و خبر دار کن ایشان را از آب مقسوم است در میان ایشان بهر یک حصه از آن حاضر

فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ۝ فكيف كان
پس آواز دادند یار خود را پس دست درازی کرد و مجروح ساخت پس چگونه بود

عذابي ونذر ۝ إنا أرسلنا عليهم صيحة واحدة
عقوبت من و ترسانیدنهای من هرآینه ما فرستادیم بر ایشان یک نعره پس

فكانوا كهشيم المحتظر ۝ ولقد يسرنا القرءان للذكر
پس شدند مانند خطیره گیاه شکسته و هرآینه آسان ساختیم قرآن را برای پند گرفتن

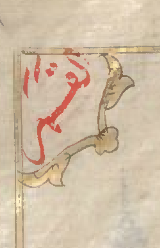
فهل من مدكر ۝ كذبت قوم لوط بالنذر ۝ إنا أرسلنا
پس آیا هیچ پند گیرنده هست دروغ شمردند قوم لوط ترسانندگان را هرآینه ما فرستادیم

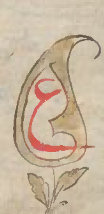
عليهم حاصبا إلا ءال لوط نجينهم بسحر ۝ نعمة من
بر ایشان باد سنگبار مگر اهل خانه لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر بمهربانی از

عندنا كذلك نجزي من شكر ۝ ولقد أنذرهم
نزدیک خویش همچنین جزا میدهیم هر که شکرگزاری کرد و هرآینه لوط ترسانیده بود
اینها را

بطشتنا فتماروا بالنذر ۝ ولقد راودوه عن
از عقوبت ما پس مکابره کردند در ترسانیدنها و هرآینه سخن گفتند از

ضیفه





ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابي ونذر
مهمانان او پس محو کردیم چشم ایشانرا گفتیم بچشید عذاب مرا و ترسانیدنهای من
ولقد صبحهم بكرة عذاب مستقر فذوقوا
و هر آینه غارت کرد ایشانرا بگاه عقوبتی جای گیرنده پس گفتیم بچشید
عذابي ونذر ولقد يسرنا القرآن للذكر
عذاب مرا و ترسانیدن من و هر آینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پند گیرند
فهل من مدكر ولقد جاء آل فرعون النذر
پس آیا هیچ پند گیرنده هست و هر آینه آمدند بگروه فرعون ترسانندگان
كذبوا باياتنا كلها فاخذنهم اخذ عزيز مقتدر
دروغ پنداشتند نشانهای ما را همه آنرا پس در گرفتیم ایشانرا مانند در گرفتن غالب توانا
اكفاركم خير من اولئكم ام لكم براءة في
آیا کافران شما بهتر اند ازین جماعتها آیا شما را حکم خلاصی است در کتابهای
الزبر ام يقولون نحن جميع منتصر سيهزم الجمع
پیش آیا میگویند ما جماعتی انتقام کشنده ایم شکست داده خواهد شد
ويولون الدبر بل الساعة موعدهم و
و بگردانند ایشان پشت را بلکه قیامت وعده گاه ایشان است و
الساعة ادهى وامر ان المجرمين في ضلال
قیامت سخت تر و تلخ تر است هر آینه گناهکاران در گمراهی
وسعر يوم يسحبون في النار على وجوههم
و جای التهاب یاد کن روزی که کشیده شوند در دوزخ بر رویهای ایشان
ذوقوا مس سقر انا كل شيء خلقنه بقدر
گوئیم بچشید دست رسانیدن دوزخ هر آینه ما هر چیزرا پیدا کردیم باندازه مقدر
وما امرنا الا واحدة كلمح بالبصر ولقد اهلكنا
و نیست حکم ما مگر یک کلمه مانند گردیدن چشم و هر آینه هلاک ساختیم
اشياعكم فهل من مدكر وكل شيء فعلوه في
امثال شمارا پس آیا هیچ پند گیرنده هست و هر چیزیکه کرده اند در

اس جماعه را

الزُّبُرِ ۝ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي

در نوبت و هر خورد و بزرگ نوشته شده است هر آینه پرهیزگاران در

جَنَّٰتٍ وَنَهَرٍ ۝ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ

بوستانها و جویها هر آینه متقیان در مجلس راستی باشند نزدیک پادشاه

مُّقْتَدِرٍ ۝

توانا

سورة الرحمن مكية وهي ثمان وسبعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الرَّحْمَٰنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ ۝ عَلَّمَهُ

خدای آموخت قرآن را آفرید آدمی را آموختش

الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝ وَالنَّجْمُ وَ

سخن گفتن آفتاب و ماه بحساب مقرر و گیاه و

الشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

درخت سجده میکنند و آسمان را برافراشت و فرو داد ترازو

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ

مقصد آنکه بجا در نکنند در ترازو و درست سنجید بانصاف

وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۝ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

و نقصان مکنید در ترازو و زمین را گسترانید برای آدمیان

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۝ وَالْحَبُّ

دران زمین میوه‌هاست و درختان خرماست خداوند غلافها و دران زمین دانه

ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

خداوند برگ است و گل خوشبوی است پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش

تُكَذِّبَانِ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝

دروغ میشمرید آفرید آدمی را از گل خشک مانند سفال شده

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

و آفرید جن را از شعله آتش پس کدام یک را از نعمتهای

نصف

ع

بكما



رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۝
پروردگار خویش دروغ میشمرید پروردگار دو مشرق است و پروردگار دو مغرب است

فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰنِ ۝
پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید گذاشت دو دریا با هم جمع شوند

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيٰنِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا
میان این هر دو حجابیست که بر دیگری تعدی نمیکنند پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار

تُكَذِّبٰنِ ۝ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۝ فَبِاَیِّ
دروغ میشمرید برمی آید ازین دو دریا مروارید مرجان پس کدام یک را

اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَئٰتُ
از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید و خدای راست کشتیها روان شونده

فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝
در دریا مانند کوهها پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَيَبْقٰى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو
هر که هست بر زمین فانی شود باقی ماند روی پروردگار تو خداوند

الْجَلٰلِ وَالْاِكْرَامِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝
بزرگی انعام پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید

يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ط كُلَّ يَوْمٍ
سوال میکند از خدا هر که در آسمانها و زمین هر روزی

هُوَ فِي شَاْنٍ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ سَنَفْرُغُ
خدا در حالتی است پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید

لَكُمْ اَيُّهَ الثَّقَلٰنِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ يٰمَعْشَرَ
بشما متوجه شویم ای جن انس پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید

الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ
جن انس اگر میتوانید که بیرون بروید از

اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوْا ط لَا تَنْفُذُوْنَ
کنارهای آسمان زمین پس بیرون روید نخواهید رفت



از همه فارغ شده



إلا بسلطن فبأي ءالاء ربكما تكذبن يرسل
گر بقوتی پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید فرستاده
عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصرن
بر شما شعله از آتش و دود دیر پس مقابله نتوانید کردن
فبأي ءالاء ربكما تكذبن فإذا انشقت السماء
پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید پس چون شکافته آسمان
فكانت وردة كالدهان فبأي ءالاء ربكما
پس شود مثل گل سرخ مانند ادیم سرخ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار
تكذبن فيومئذ لا يسئل عن ذنبه إنس ولا
دروغ میشمرید پس آن روز سوال کرده نشود از گناه خود هیچ آدمی و نه هیچ
جان فبأي ءالاء ربكما تكذبن يعرف
جنی را پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید شناخته شوند
المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصي والأقدام
گناهکاران بنشانه خود پس گرفته شود سوی پیشانی و پایها نیز
فبأي ءالاء ربكما تكذبن هذه جهنم التي
پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید این است آن دوزخ
يكذب بها المجرمون يطوفون بينها وبين
که دروغ میشمرده بودند از آن گناهکاران آمد شد کنند میان آن آتش و میان
حميم ءان فبأي ءالاء ربكما تكذبن ولمن
آب گرم جوشنده پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید و کسی را



خاف مقام ربه جنتان فبأي ءالاء ربكما
که ترسیده است از استادن بحضور پروردگار خویش دو بوستان پس کدام یک را از پروردگار
تكذبن ذواتا أفنان فبأي ءالاء ربكما
دروغ میشمرید دو بوستان خداوند شاخهای بسیار پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار
تكذبن فيهما عينان تجريان فبأي ءالاء ربكما
دروغ میشمرید در آن دو بوستان دو چشمه میروند پس کدام یک از نعمتهای پروردگار

تكذبان ۝ فيهما من كل فاكهة زوجان ۝ فباى الاء
دروغ می‌شمرید دران دو بوستان از هر میوه دو قسم باشد پس کدام یکرا از نعمتهای
ربكما تكذبان ۝ متكئين على فرش بطائنها
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید تکیه زده بر فرشها که استران از حریر
من استبرق ط وجنا الجنتين دان ۝ فباى الاء
لک باشد و میوه آن دو بوستان نزدیک بود پس کدام یک را
ربكما تكذبان ۝ فيهن قصرت الطرف لا لم يطمثهن
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید دران کوشکها حوران باشند فرو اندازنده چشم جماع نکرد
انس قبلهم ولا جان ۝ فباى الاء ربكما
هیچ آدمی پیش ازیشان و هیچ جنی پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش
تكذبان ۝ كانهن الياقوت والمرجان ۝ فباى
دروغ می‌شمرید گویا آن حوران یاقوت و مرجان اند پس کدام یکرا
الاء ربكما تكذبان ۝ هل جزاء الاحسان
از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می‌شمرید نیست جزای نیکوکاری
الا الاحسان ۝ فباى الاء ربكما تكذبان ۝
مگر انعام بسیار پس کدام را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می‌شمرید
ومن دونهما جنتان ۝ فباى الاء ربكما
و بجز دو بوستان دیگر باشد پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش
تكذبان ۝ مدهامتان ۝ فباى الاء ربكما
دروغ می‌شمرید دو بوستان که از غایت سبزی سیاه پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار
تكذبان ۝ فيهما عينان نضاختان ۝ فباى الاء
دروغ می‌شمرید دران دو بوستان دو چشمه جوشنده باشند پس کدام یک را از نعمتهای
ربكما تكذبان ۝ فيهما فاكهة ونخل ورمان ۝
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید دران دو بوستان میوه و درختان خرما و انار باشند
فباى الاء ربكما تكذبان ۝ فيهن خيرت
پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می‌شمرید دران کوشکها زنان برگزیده

از نعمتهای

است با بها

باشند

حسان فبأي آلاء ربكما تكذبان حور مقصورات

پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید حوران نگاه داشته شده

في الخيام فبأي آلاء ربكما تكذبان لم يطمثهن

در خیمه ها پس کدام یک را از نعمتها پروردگار خویش دروغ میشمرید جماع نکرده آنها را

إنس قبلهم ولا جان فبأي آلاء ربكما

هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنی پس کدام یک را از پروردگار خویش

تكذبان متكئين على رفرف خضر وعبقري

دروغ میشمرید تکیه زده باشند بر بالشهای سبز و دیباهای

حسان فبأي آلاء ربكما تكذبان تبارك

نیک پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید با برکت است

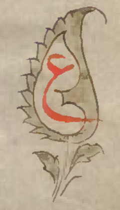
اسم ربك ذي الجلال والإكرام

نام پروردگار تو خداوند بزرگی انعام

سورة الواقعة مكية وهي ست وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان



إذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبة

یاد کن انگاه که محقق شود قیامت نیست وقت بودن آن هیچ نفس دروغگوینده

خافضة رافعة إذا رجت الأرض رجا و

پست کننده بلند کننده است جماعتی انگاه که جنبانیده شود زمین جنبانیدنی سخت

بست الجبال بسا فكانت هباء منبثا و

ریزه ریزه کرده شود کوهها ریزه ریزه کردن بسیار پس شود مانند غبار پراکنده و

كنتم أزواجا ثلاثة فأصحاب الميمنة ما أصحاب

شوید شما سه قسم پس اهل سعادت چه حال دارند اهل

الميمنة وأصحاب المشأمة ما أصحاب المشأمة

سعادت و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت

والسبقون السبقون اولئك المقربون في
پیش روندگان خود ایشانند پیش روندگان آن پیش روندگان ایشانند نزدیکان در

جنت النعيم ثلة من الاولين وقليل من
بوستانهای نعمت باشند سابقان بسیارند از پیشینیان واندکی اند از

الاخرين على سرر موضونة متكئين
پسینیان بر تختهای زر بافته نشسته باشند تکیه زده

عليها متقبلين يطوف عليهم ولدان مخلدون
بران روبروی یکدگر شده آید و شد میکنند بر ایشان نوجوانان جاوید

باكواب واباريق وكاس من معين لا يصدعون
با کوزه‌ها و ابریقها و پیاله‌ها از شراب جاری نه درد سر داده شود

عنها ولا ينزفون وفاكهة مما يتخيرون
ایشان را ازان شراب و نه بیهوش شوند و با میوه از هر جنس که اختیار کنند

ولحم طير مما يشتهون وحور عين كامثال
و با گوشت مرغان از هر جنس که پسند کنند و ایشان راست حوران گشاده چشم مانند

اللؤلؤ المكنون جزاء بما كانوا يعملون
مروارید پوشیده کرده شده پاداش دهیم بجست آنچه میکردند

لا يسمعون فيها لغوا ولا تاثيما الا قيلا سلما
نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه حرفی که گناه باشد لیکن که بشنوند ان سخن

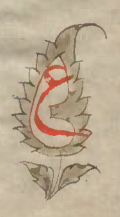
سلما واصحب اليمين ما اصحب اليمين
که بر کسی که سلام میگوید و اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت

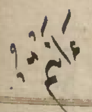
في سدر مخضود وطلح منضود وظل ممدود
و در درختان کنار بی خار و در درختان موز بر تو بر تو نهاده‌ها و در سایه دراز

وماء مسكوب وفاكهة كثيرة لا مقطوعة
و در آب ریخته شده و در میوه بسیار نه پایان رسد

ولا ممنوعة وفرش مرفوعة انا انشانهن
و نه ازان منع کرده شود و فرشهای برافراشته شده بر آینه آفریدیم حوران

إِنشَاءً فَجَعَلْنَٰهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَٰبِ
بگونۀ آفریدن پس ساختیم ایشان را دوشیزه محبوب بغنج و دلال برای اهل سعادت
الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ
سعادت اصحاب جماعتی اند از پیشینیان و جماعتی بسیارند از پسینیان
وَأَصْحَٰبُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَٰبُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ
و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت در باد گرم
وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ
آب گرم در سایه دود سیاه که نه خنک باشد و نه با عزت بود
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ
هر آینه ایشان بودند پیش از این بناز پرورده و مداومت میکردند
عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا
بر گناه بزرگ و میگفتند آیا چون بمیریم
وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ أَوَآبَاؤُنَا
و خاک شویم و استخوانی چند باشیم آیا برانگیخته شویم یا پدران پیشین ما
الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ
برانگیخته شوند بگو هر آینه پیشینیان و پسینیان جمع کرده شوند
إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا
در میعاد روز معین باز هر آینه شما ای
الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ
گمراهان دروغ شمارندگان خواهید خورد از درختان زقوم
فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ
پس پر خواهید کرد از آن زقوم شکمها را پس خواهید آشامید بر آن طعام از آب گرم
فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ
پس خواهید آشامید مانند شتران تشنه اینست مهمانی ایشان روز جزا
نَحْنُ خَلَقْنَٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ
ما آفریدیم شما را پس چرا باور نمیکنید آیا می بینید آنچه میریزید در رحم زنان





359

واقعة

أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا
آیا شما ای آفرینید آنرا یا ما آفریننده ایم ما معین کرده ایم
بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ
در میان شما مرگ را و نیستیم ما عاجز شده از آنکه عوض شما آریم
أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ
قومی مانند شما و پیدا کنیم شما را در عالمی که نمیدانید و هر آینه دانسته اید
النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُم مَّا
آفرینش نخستین را پس چرا پند نمیگیرید آیا دیدید آنچه
تَحْرُثُونَ ۝ أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝
میکارید آیا شما میرویانید آنرا یا ما رویاننده ایم
لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝
اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت گیاهی درهم شکسته
إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ
که بدرستیکه غرامت کرده شدیم بلکه ما محروم ماندگانیم آیا دیدید آن آب را
الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ
که می آشامید آیا شما فرود آورده اید از ابر
أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا
یا ما فرود آرندگانیم اگر خواهیم شور گردانیم آن را
فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ
پس چرا شکر نکنید آیا دیدید آن آتش را که از میان شاخ درخت
أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ۝ نَحْنُ
آیا شما آفریده اید درخت آنرا یا ما آفریننده ایم ما ساختیم
جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ
آن درخت را برای پند و منفعت برای مسافران پس بپاکی یاد کن
رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ
پروردگار بزرگ خود را پس سوگند میخوریم بافتادن ستارها و این قسمی است

ع

ثلثه ع

لو تعلمون عظيم ۝ انه لقران كريم ۝ في كتب
بزرگ اگر دانید این کتابی است گرامی قدر نوشته شده است در کتاب
مكنون ۝ لا يمسه الا المطهرون ۝ تنزيل من
پوشیده که دست نبرسانند بآن مگر پاک کردگان فرستاده شده است از
رب العلمين ۝ افبهذا الحديث انتم مدهنون
پروردگار عالمها آیا بآن سخن شما انکار کننده اید
وتجعلون رزقكم انكم تكذبون ۝ فلولا
و میسازید نصیبه آنکه شما را نسبت بدروغ میکنید پس انگاه رسد
اذا بلغت الحلقوم ۝ وانتم حينئذ تنظرون ۝
رسد روح شخصی بنای گلو وشما انگاه می بینید
ونحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون ۝ فلولا
و ما نزدیک تریم باو بنست شما ولیکن نی نگرید پس اگر
ان كنتم غير مدينين ۝ ترجعونها ان كنتم
اگر هستید غیر مقهور الهی پس چرا نه باز گردانید روح را اگر
صدقين ۝ فاما ان كان من المقربين ۝ فروح
راستگو هستید پس اگر باشد اما اگر باشد مرد از نزدیک پس او راست راحت
وريحان وجنت نعيم ۝ واما ان كان
گل خوشبوی و بوستان نعمت و اما اگر باشد
من اصحب اليمين ۝ فسلم لك من اصحب اليمين ۝
از اهل سعادت پس سلام است از اهل سعادت
واما ان كان من المكذبين الضالين ۝ فنزل
و اما باشد از دروغ شمارندگان را گمراهان پس او راست مهمانی
من حميم ۝ وتصلية جحيم ۝ ان هذا لهو حق
از آب گرم و آوردست درآوردن بدوزخ هر آینه این خبر درست
اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝
شبهه است پس بپاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را

بسم الله

360

الحدید

ع

سورة الحديد مكية وهي تسع عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز

بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب

الحكيم ۝ له ملك السموات والارض يحيي ويميت

دانا اوراست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و می میراند

وهو على كل شيء قدير ۝ هو الاول والاخر

و اوست بر هر چیز توانا اوست نخستین همه و اوست آخرین همه

والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۝ هو

و اوست آشکارا و اوست پنهان و اوست بهر چیز دانا اوست

الذي خلق السموات والارض في ستة ايام

آنکه آفرید آسمانها و زمین در شش روز

ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض

باز مستقر بر عرش میداند آنچه در می آید بزمین

وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج

و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود

فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما تعملون

اندران و او با شماست هر جا که باشید و خدا آنچه میکنید

بصير ۝ له ملك السموات والارض والى الله

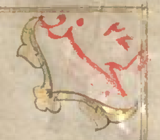
بیناست اوراست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا

ترجع الامور ۝ يولج الليل في النهار ويولج

باز گردانیده میشود کارها در می آرد شب را در روز و در می آرد

النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور ۝

روز را در شب و او داناست بانچه در سینها



آمنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلكم

ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید از جمله آن مال که ساخته است شمارا

مستخلفين فيه فالذين آمنوا منكم وانفقوا

جانشین دیگران در وے پس آنانکه ایمان آوردند و خرج کردند

لهم اجر كبير وما لكم لا تؤمنون بالله و

ایشانراست مزد بزرگ و چیست شمارا که ایمان نیارید بخدا و

الرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد اخذ

رسول او دعوت میکند شمارا که ایمان آرید بپروردگار خویش و هر آینه

ميثاقكم ان كنتم مؤمنين هو الذي ينزل

عهد گرفته است از شما اگر هستید باور دارنده او است آنکه فرود میفرستد

على عبده آيات بينات ليخرجكم من الظلمات

بر بنده خود آیتهای واضح تا بیرون آرد شمارا از تاریکیها

الى النور وان الله بكم لرءوف رحيم وما لكم

بسوی روشنی و خدا بر شما بخشاینده مهربانست و چیست شمارا

الا تنفقوا في سبيل الله ولله ميراث السموات

که خرج نکنید در راه خدا و خدایراست وا پس گذاشت در آسمانها

والارض لا يستوي منكم من انفق من قبل

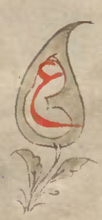
و زمین برابر نیست از شما آنکه خرج کرد از پیش

الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين

فتح مکه و قتال کرد آن گروه بزرگترند در مرتبه از آنانکه

انفقوا من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى

خرج کردند بعد از فتح مکه و قتال کردند و هر یک را وعده داده است خدا جای نیک



والله بما تعملون خبير من ذا الذي يقرض الله

و خدا بانچه میکنید خبردارست و کیست آنکه قرض دهد خدارا

قرضا حسنا فيضعفه له وله اجر كريم

قرض نیک پس دو چندان کند آن قرض را و او راست مزد بزرگ

یوم

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَٰتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم
روزی که به‌بینی مردان مسلمان و زنان مسلمان که می شتابد نور ایشان

بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَٰنِهِم بُشْرَىٰكُمُ الْيَوْمَ جَنَّٰتٌ
پیش دست ایشان | و بجانب راست ایشان مژده باد شما را امروز بهشتهاست

بوستانها

تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ
می‌رود زیر آن جویها جاودان اینجا آن است

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَٰفِقُونَ وَالْمُنَٰفِقَٰتُ
مطلب یابی بزرگ | روزی که گویند مردان و زنان منافق

لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ ط
مسلمانان را بنظر شفقت نگر بسوی ما تا روشنی گیریم از نور شما

قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا ط فَضُرِبَ
گفته شود بازگردید پس پشت خویش پس بجوئید روشنی را پس بنا کرده شود

بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ ط بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ
در میان ایشان دیواری که آنرا دروازه باشد اندرون آن دیوار در اینجا رحمت است

ظَٰهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۝ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن
و بیرون آن دیوار بجانب او عذاب است آواز دهند ایشان را آیا نبودیم

مَّعَكُمْ ط قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَ
همراه شما گفتند آری ولیکن شما در بلا افکندید | خویشتن را و

تَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ
انتظار کردید و شک آوردید و فریفته کرد شما را آرزوها تا آنکه برسید

أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ۝ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ
فرمان خدا و فریب داد شما را خدا شیطان فریبنده پس امروز گرفته نشود

مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ط مَأْوَىٰكُمُ
از شما فدا است و نه از کافران گرفته شود جای شما

النَّارُ هِيَ مَوْلَىٰكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ يَأْنِ
آتش است همان آتش لایق شماست و بد بازگشت است وی آیا وقت نرسید

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا
مسلمانان را که باید نرم گردد دل ایشان وقت یاد کردن خدا و آنچه
نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
آمده است از وحی و نباشند مانند آنانکه داده شده است کتاب
مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ
پیش از این پس دراز گشت برایشان مدت پس سخت شد دل ایشان
وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ
و بسیاری از ایشان بدکارانند بدانید که خدا زنده میکند زمین را
بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
بعد مردن هرآینه بیان کردیم برای شما نشانها تا بود که شما دریابید
إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ
هرآینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنانکه قرض داده اند خدا را
قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ وَ
قرض نیک دو چند داده شود ایشان را و ایشان راست مزد بزرگ و
الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ
آنانکه ایمان آوردند بخدا و رسول او آن جماعه ایشانند صدیقان
وَالشُّهَدَاءُ عِندَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ
و شهیدان نزدیک پروردگار ایشان ایشان راست مزد ایشان و نور ایشان
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
و آنانکه کافر شدند و دروغ پیمردند آیات ما را آن جماعه اهل
الْجَحِيمِ اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَ
دوزخ اند بدانید که زندگانی دنیا بازی است و بیهوده گیست
زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ
و آرایش است و خود ستایی است در میان شما و زیادت طلبی است در مال
وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ
و فرزندان مانند باران که بشگفت آرد زراعت کنندگان را رستنی

ثم

ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۖ وَ
باز خشک شود پس زرد بینی آن را باز درهم شکسته گردد و
فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ
در آخرت عذاب سخت است و نیز آمرزش است از جانب خدا و
رِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ
خوشنودی و نیست زندگانی دنیا مگر بهره که باعث فریب باشد
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
سبقت کنید بسوی آمرزش از جانب خدا و بسوی بهشتی که پهنای او
كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا
پهنای آسمان و زمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان آوردند
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن
بخدا و رسول او اینست فضل خدای میدهد بهرکه
يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَا أَصَابَ
خواهد و خدا صاحب فضل بزرگست نرسید
مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ
هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان شما
إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ
مگر نوشته شده است در کتاب پیش از آنکه بیافرینیم آن مصیبت را هر آینه این کار
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ
بر خدا آسان است خبر دادیم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما
لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ
نا شادمان نشوید بآنچه عطا کرد شما را و خدا دوست نمیدارد هر متکبر کننده
فَخُورٍ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ
خودستاینده را آنانکه بخل میکنند و مردمان را میفرمایند
بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ
به بخل و هرکه روی گردان شود هر آینه خدا همونست بی نیاز و ستوده کار



لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلْنَا

هر آینه فرستادیم همبران خود را با نشانهای واضح و فرود آوردیم

مَعَهُمُ الْكِتَٰبَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

همراه ایشان کتاب و ترازو تا عمل کنند مردمان را بانصاف

وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَٰفِعُ

و فرود آوردیم آهن را سبب آن جنگ سخت و منفعتهای دیگر

لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ

برای مردمان و تا بداند خدا که نصرت دهد خدا را و همبران او را

بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

غایبانه هر آینه خدای توانا غالب است و هر آینه فرستادیم



نُوحًا وَإِبْرَٰهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ

نوح را و ابراهیم را و نهادیم در اولاد ایشان پیغامبری

الْكِتَٰبَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ ثُمَّ

و کتاب پس بعض ایشان راه یابند و بسیاری از ایشان بدکارانند باز

قَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ

فرستادیم بر پی ایشان پیغامبران خود را و از پی آوردیم عیسی پسر

مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَٰهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ

مریم را و دادیم انجیل و نهادیم در دل ایشان

الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

تابعان او مهربانی و بخشایش و گوشه نشینی که خود پیدا کردند

مَا كَتَبْنَٰهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَآءَ رِضْوَٰنِ اللَّهِ فَمَا

ما فرض نساخته بودیم بر ایشان لیکن اختراع کردند بطلب خوشنودی هر آینه خدا پس

رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَـَٔاتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ

نگاه نداشتند آن را چنانکه حق نگاه داشتن است پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند از ایشان

أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ

مزد ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند ای آنانکه



امنوا اتقوا الله وامنوا برسوله يؤتكم كفلين
ایمان آوردید و بترسید از خدا و ایمان آرید به بغامبر او تا بدهد شمارا دو حصه

من رحمته ويجعل لكم نورا تمشون به و
از رحمت خود و بدهد شمارا که نوری که راه روید بآن و

يغفر لكم والله غفور رحيم ۝ لئلا يعلم اهل
بیامرزد شمارا و خدا آمرزنده مهربان است خدا باینقدر خبر داد تا بدانند اهل

الكتب الا يقدرون على شيء من فضل الله
کتاب که ایشان قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا

وان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله
که فضل بدست خدا است میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا

ذو الفضل العظيم ۝
صاحب فضل بزرگ است

سورة المجادلة مدنية وهي احدى عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها و
هرآینه شنید خدای تعالی سخن آن زن که گفتگو میکرد با تو در باب شوهر خود

تشتكي الى الله والله يسمع تحاوركما ان
و شکایت میکرد پیش خدا و خدا می شنید گفتگوی کردن شما هرآینه

الله سميع بصير ۝ الذين يظهرون منكم من
خدا شنوا و بیناست آنانکه از شما اظهار میکنند با

نسائهم ما هن امهتهم ان امهتهم الا الئي
با زنان خود نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان الا آنکه

ولدنهم وانهم ليقولون منكرا من القول
زاده اند ایشان را و هرآینه ایشان میگویند سخن دروغ و میگویند سخن

وزورا وان الله لعفو غفور ۝ والذين يظهرون
نامعقول و هرآینه خدا عفوکننده آمرزنده است و آنانکه اظهار میکنند

الجزء الثامن والعشرون

٢٨

من نسائهم ثم يعودون لما قالوا فتحرير رقبة
از زنان ایشان باز رجوع می کنند در سخن گفت آنچه گفتند پس واجبست آزاد کردن

من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به والله
پس از آنکه زن و مرد با یکدیگر دست رسانند این حکم پند داده میشود شما را بآن و خدا

بما تعملون خبير فمن لم يجد فصيام شهرين
بانچه میکنند خبردارست پس هر که نیابد بنده را پس بر وی واجبست روزه داشتن

متتابعين من قبل ان يتماسا فمن لم يستطع
پی در پی پیش از آنکه هر دو بایکدیگر دست رسانند پس هر که نتواند

فاطعام ستين مسكينا ذلك لتؤمنوا بالله
پس طعام دادن شصت فقیر این حکم برای آنست که تصدیق کنید بخدا

ورسوله وتلك حدود الله وللكفرين عذاب
و بپیغمبر او و این احکام حدهای مقرر کرده خداست و کافران راست عذاب

اليم ان الذين يحادون الله ورسوله كبتوا
دردناک بدرستیکه آنانکه مخالفت میکنند با خدا و رسول او خوار کرده شدند

كما كبت الذين من قبلهم وقد انزلنا ايت بينت
چنانکه خوار کرده شدند آنانکه پیش از ایشان بودند و بدرستیکه فرود آوردیم آیات واضح

وللكفرين عذاب مهين يوم يبعثهم الله جميعا
و کافران راست عذاب خوار کننده روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا

فينبئهم بما عملوا احصه الله ونسوه والله
پس خبر دهد ایشان را بانچه کرده بودند یاد داشت آنرا خدا و ایشان آنرا فراموش کردند و خدا

على كل شيء شهيد الم تر ان الله يعلم ما في
بر هر چیز مطلع است آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در



السموت وما في الارض ما يكون من نجوى
آسمانهاست و آنچه در زمین است نمی باشد یا یکدیگر راز گفتن

ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم
سه شخص مگر خدا چهارم ایشان است و نمی باشد راز گفتن پنج شخص الا خدا ششم ایشان است

ولا

وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ
و نه کمتر ازین مگر خدا با ایشان است و نه زیاده ازین مگر خدا با ایشان است

أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ
هر کجا باشند باز خبر دهد ایشان را آنچه کرده اند روز قیامت

إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُوا۟
هر آینه خدا بهر چیز داناست آیا ندیدی بسوی آنانکه منع کرده شدند از

عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ وَ
از راز گفتن باز عود می کنند در آنچه ازان منع کرده شد و

يَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ
راز میگویند با یکدیگر در گناه تعدی و نافرمانی

ٱلرَّسُولِ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ
رسول او و چون بیایند بتو دعا کنند ترا بآن کلمه که دعا نکرده است ترا

ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِىٓ أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا
خدا بآن و میگویند در دل خویش چرا عذاب نمیکند ما را خدا بآنچه

نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ۝
میگوییم بس است ایشان را دوزخ درآیند آنجا پس بد جای است دوزخ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ
ای مسلمانان چون با یکدیگر راز گویید پس باید که راز نگویند در باب گناه

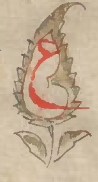
وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ
تعدی و نافرمانبرداری پیغامبر و راز گویید در نیکوکاری

وَٱلتَّقْوَىٰ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝
و پرهیزکاری و بترسید از خدا که بسوی او حشر کرده خواهید شد

إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
جز این نیست که راز گفتن بد از کار شیطان است تا اندوهگین کند مسلمانان را

وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ
و نیست هیچ زیان رساننده بایشان چیزی مگر باراده خدا و برخدا

فليتوكل المؤمنون ۝ يايها الذين امنوا اذا
که توکل کنند مسلمانان ای مسلمانان چون
قيل لكم تفسحوا في المجلس فافسحوا يفسح الله لكم ط
گفته شود شما را که گشاده بنشینید در مجلسها پس گشاده کنید جای را تا گشاده کند خدا
واذا قيل انشزوا فانشزوا يرفع الله الذين
و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا بلند کند خدای مرتبها آنانکه
امنوا منكم والذين اوتوا العلم درجت ط والله
ایمان آورده اند از شما و آنانکه عطا کرده شده است ایشان را علم درجها و خدا
بما تعملون خبير ۝ يايها الذين امنوا اذا ناجيتم
بانچه میکنید خبردار است ای مسلمانان چون خواهید راز گویید
الرسول فقدموا بين يدى نجوىكم صدقة ط
با پیغامبر پس پیش بنهید پیش از راز گفتن خود خیرات را
ذلك خير لكم واطهر ط فان لم تجدوا فان الله
این بهتر است شما را و پاکیزه تر پس اگر نیابید پس هر آینه خدا آمرزگار
غفور رحيم ۝ ءاشفقتم ان تقدموا بين يدى
آمرزگار مهربان است آیا ترسیدید از آنکه پیش بنهید پیش از
نجوىكم صدقت ط فاذ لم تفعلوا وتاب الله عليكم
راز گفتن خود خیرات را پس چون نکردید و درگذرانید خدا بر شما
فاقيموا الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا الله و
پس برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و فرمان برداری کنید خدا را و
رسوله ط والله خبير بما تعملون ۝ الم تر الى الذين
رسول او را و خدا خبردار است بانچه میکنید آیا ننگریدی بسوی آنانکه
تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم ولا
دوستی کردند با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه از ایشان
منهم ويحلفون على الكذب وهم يعلمون ۝ اعد
از ایشان و سوگند میخورند بر دروغ و ایشان میدانند آماده ساخت



الله و

اعد

الله لهم عذابا شديدا انهم ساء ما كانوا يعملون
خدا برای ایشان عذاب سخت براینه بد است آنچه میکردند
اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله
بگرفتند سوگندان خود را سپر پس بازداشتند مردمان را از راه خدا
فلهم عذاب مهين لن تغني عنهم اموالهم
پس ایشان راست عذاب خوار کننده دفع نخواهد کرد از ایشان اموال ایشان
ولا اولادهم من الله شيئا اولئك اصحاب النار
ونه اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را این جماعه اهل دوزخ اند
هم فيها خالدون يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون
ایشان در آنجا جاویدند روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه پس سوگند خورند
له كما يحلفون لكم ويحسبون انهم على شيء الا
بحضور او چنانکه سوگند میخورند بحضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه
انهم هم الكذبون استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم
براینه ایشانند دروغگوی غالب آمده است بر ایشان شیطان پس فراموش ساخت
ذكر الله اولئك حزب الشيطان الا ان حزب
از خاطر ایشان یاد کردن خدا را این جماعه لشکر شیطان است آگاه شو براینه لشکر
الشيطان هم الخسرون ان الذين يحادون
شیطان ایشانند زیانکاران براینه آنانکه خلاف میکنند
الله ورسوله اولئك في الاذلين كتب الله
با خدا و رسول او این جماعه در جمله خوارترین مردم اند حکم کرد خدا
لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز
که البته غالب شوم من و غالب شوند پیغمبران من براینه خدا توانا و غالب است
لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الاخر
نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا و در روز آخر
يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا
که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او اگرچه ایشان باشند

آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم
پدران ایشان یا پسران ایشان را یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان
أولئك كتب في قلوبهم الإيمان وأيدهم
آنجماعه نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را
بروح منه ويدخلهم جنات تجري من تحتها
بقصص غیبی از جانب خود و درآرد ایشان را بوستانها میرود زیر آن
ازخدا الأنهار خالدين فيها رضي الله عنهم ورضوا عنه
جویها جاویدان آنجا خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان
أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون
ایشانند لشکر خدا بدرستیکه لشکر خدا ایشانند رستگاران

سورة الحشر مدنية وهي أربع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
سبح لله ما في السموات وما في الأرض وهو
پاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست



العزيز الحكيم هو الذي أخرج الذين كفروا من
غالب و با حکمت اوست آنکه برآورد آنان را که کافر شدند از
أهل الكتاب من ديارهم لأول الحشر ما ظننتم
اهل کتاب از خانهای ایشان در اول جمع کردن لشکر گمان نبردند
ایشان أن يخرجوا وظنوا أنهم مانعتهم حصونهم
که برایند و گمان میبردند آن کافران که نگاه دارنده ایشان باشند قلعها
من الله فأتاهم الله من حيث لم يحتسبوا وقذف
از عقوبت خدا پس بیامد بایشان عقوبت خدا از آنجا که نپنداشتند و افکند
في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بأيديهم
در دل ایشان رعب را خراب میکردند خانهای خود را بدست خویش

و

وايدي المؤمنين فاعتبروا يا اولي الابصار

و دستهای مسلمانان خراب میکنند پس عبرت گیرید ای خداوندان دیدها

ولولا ان كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في

و اگر نه آن بود که نوشت خدا بر ایشان جلا وطنی هر آینه عقوبت کردی ایشان را

الدنيا ولهم في الاخرة عذاب النار ذلك

در دنیا و ایشان راست در آخرت عذاب دوزخ این عذاب

بانهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاق الله

بانست که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا

فان الله شديد العقاب ما قطعتم من

پس هر آینه خدا سخت کننده عقوبتست آنچه بریدید از

لينة او تركتموها قائمة على اصولها فباذن

درخت خرما یا گذاشتید آنرا ایستاده بر بیخ خود پس بفرمان

الله وليخزي الفسقين وما افاء الله على

خدا بود تا خوار کند بدکاران را و آنچه عاید گردانید خدا بر

رسوله منهم فما اوجفتم عليه من خيل و

پیغامبر خود از ایشان پس نتاختید بر آن اسپان را و

لا ركاب ولكن الله يسلط رسله على من يشاء

نه شتران را و لیکن خدا غالب گرداند پیغامبران خود بر هر که خواهد

والله على كل شيء قدير ما افاء الله على

و خدا بر هر چیز تواناست آنچه عاید گرداند خدا بر

رسوله من اهل القرى فلله وللرسول و

پیغامبر خود از اموال ساکنان دیهها پس خدا راست و پیغامبر را و

لذي القربى واليتمى والمسكين وابن السبيل

خویشان را و یتیمان و فقیران را و درماندگان را

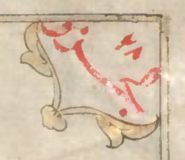
كي لا يكون دولة بين الاغنياء منكم وما اتكم

تا نباشد آن دست گردان میان توانگران از ایشان و هرچه بدهد شما را

الرسول فخذوه وما نهىكم عنه فانتهوا و
بغامبر بر آرید هر چه منع کند شما را ازان باز ایستید
اتقوا الله ان الله شديد العقاب للفقراء
بترسید از خدا هر آینه خدا سخت عقوبت است این فقیران
المهجرين الذين اخرجوا من ديارهم واموالهم
هجرت کننده راست آنانکه بیرون کرده شدند ایشان را از خانهای ایشان واموال ایشان
يبتغون فضلا من الله ورضوانا وينصرون
می طلبند نعمت را از خدا وخوشنودی را ونصرت میدهند
الله ورسوله اولئك هم الصدقون والذين
خدا را ورسول او را ایجماعه ایشانند راست وعده وآنانکه
تبوؤ الدار والايمان من قبلهم يحبون من
جای گرفتند بدار الاسلام پیش از ایمان دوست میدارند هرکرا
هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة
هجرت کند بسوی ایشان ونمی یابند در خاطر خود دغدغه
مما اوتوا ويؤثرون على انفسهم ولو كان
از انچه داده شد مهاجران را وبرگزیده اختیار میکنند بر خویشتن واگرچه باشد
بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئك
ایشان را احتیاج وهرکه را نگاهداشته شد از حرص نفس خودش پس آنجماعه
هم المفلحون والذين جاءو من بعدهم يقولون
ایشانند رستگاران وآنانکه آمدند بعد از مهاجران وانصار میگویند
ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان
ای پروردگار ما بیامرز مارا وبرادران مارا که سبقت کردند بر ما بایمان آوردن
ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا
ومنه در دلها هیچ کینه نسبت آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار
انك رءوف رحيم الم تر الى الذين نافقوا
هرآینه تو ی بخشنده مهربان آیا ندیدی بسوی آنانکه منافق شدند

يقولون

يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
می گویند آن برادران خود که کافرانند از اهل
الْكِتَٰبِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ
کتاب بخدا اگر جلا وطن کرده شود شمارا البته بیرون شویم ما همراه شما و فرمان
قبول نکنیم
فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ
در حق شما هیچ کس را هرگز و اگر قتال کرده شود با شما البته نصرت دهیم شمارا و خدا
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ
گواهی میدهد که ایشان اند دروغگوی بخدا اگر جلا وطن کرده شود اهلکتاب را جلا وطن
کرده نشود
مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ
همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب نصرت ندهند ایشان را و اگر نصرت دهند
اهلکتاب را
لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ
البته باز گردانند پشت خود را بعد ازان مدد کرده نشود ایشان را برآینه شمای مسلمانان باز
رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
رعب زیاده در خاطر ایشان از خدا این بسبب آنست که ایشان قومی هستند
لَا يَفْقَهُونَ لَا يُقَٰتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى
که نمی فهمند جنگ با شما یکجا شده مگر در دهها
مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ
بران حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها جنگ ایشان در میان ایشان
شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ
سخت می پنداری ایشان را یکجا مجتمع شده و دلهای ایشان پراکنده این
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
بسبب آنست که ایشان قومی هستند در نمی یابند داستان ایشان مانند داستان آنان که پیش از ایشان
بودند
قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
در نزدیکی چشیدند وبال گناه خود ایشان راست عذاب دردناک
كَمَثَلِ الشَّيْطَٰنِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَٰنِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ
مانند داستان شیطان است چون گفت آدمی را کافر شو پس چون کافر شد



قال اني بريء منك اني اخاف الله رب العلمين
گفت براینه من بی تعلقم از تو براینه من میترسم از خدای پروردگار عالمها
فكان عاقبتهما انهما في النار خالدين فيها و
پس شد عاقبت کار این شیطان و این آدمی آنکه این هردو در آتش باشند جاویدان اندر و
ذلك جزؤا الظلمين يايها الذين امنوا اتقوا
اینست جزای ستمکاران ای مسلمانان بترسید
الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا
از خدا و باید که تامل کند هر شخصی که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید
الله ان الله خبير بما تعملون ولا تكونوا
از خدا براینه خدا خبردار است بانچه میکنید و مباشید
كالذين نسوا الله فانسهم انفسهم اولئك
مانند آنانکه فراموش کردند خدا را پس خدا فراموش گردانید از خاطر ایشان ایشانرا
هم الفسقون لا يستوي اصحب النار واصحب
ایشانند بدکاران برابر نیستند اهل دوزخ و اهل
الجنة اصحب الجنة هم الفائزون لو انزلنا
بهشت اهل بهشت ایشانند بمطلب رسندگان اگر فرود می آوردیم
هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا
این قرآن بر کوهی برآینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس
از خوف خدا و این داستانها بیان میکنیم برای مردمان
لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
تا ایشان تامل کنند اوست آن خدای که نیست هیچ معبود مگر او
علم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو
داننده پنهان و آشکارا اوست بخشاینده مهربان اوست
الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلم
آن خدائی که نیست هیچ معبود مگر او پادشاه نهایت پاک سلامت



المؤمن

الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ط سُبْحٰنَ

امن دهنده نگاهبان غالب و خود اختیار بزرگواری پاکی

اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ

خداست از شریک مقرر کردن اوست خدای آفریدگار نو پدید آرنده نگاهدارنده

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى ط يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ

او راست نامهای نیک پاکی یاد میکند او را آنچه در آسمانها و

الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

زمین است و اوست غالب با حکمت

سورة الممتحنة مدنية وهي ثلاث عشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ

ای مسلمانان دوست مگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را

أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا

می افکنید بسوی ایشان پیغام بسبب دوستی و هر آینه ایشان کافر شدند بآنچه

جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ

آمده است بشما از دین راست جلا وطن میکنند پیغامبر را و شما را نیز برای آنکه

أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ ط إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا

ایمان آوردند بخدای پروردگار خویش اگر برآمده اید از وطن خود برای جها

فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي لا تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ

در راه من و طلب رضامندی من پنهان میفرستید بسوی ایشان

بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ ط وَ

به دوستی من و من میدانم آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا نمودید و

مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ إِنْ

هر که از شما بکند این کار پس هر آینه غلط کرد راه هموار را اگر

يثقفوكم يكونوا لكم أعداء ويبسطوا إليكم
کہ دریابند شمارا دشمن باشند درحق شما و بگشایند بسوی شما
أيديهم وألسنتهم بالسوء وودوا لو تكفرون
دستهای خودرا و زبانهای خودرا بایذا و دوست دارند که کافر شوید
لن تنفعكم أرحامكم ولا أولادكم يوم القيمة
سود نخواهد داد شمارا خویشان شما و نه فرزندان شما روز قیامت
يفصل بينكم والله بما تعملون بصير
فیصل خواهد کرد خدا درمیان شما و خدا بانچه میکنید بیناست
قد كانت لكم أسوة حسنة في إبرهيم والذين
هرآینه هست شمارا پیروی نیک با ابراهیم و آنانکه
معه إذ قالوا لقومهم إنا برءؤا منكم ومما
همراه او بودند چون گفتند قوم خودرا هرآینه ما بی تعلقیم از شما و از آنچه
تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا
می پرستید بجز خدا نامعتقد شدیم بشما و ظاهر آمد میان ما
وبينكم العداوة والبغضاء أبدا حتى تؤمنوا
و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه تا وقتیکه ایمان آرید
بالله وحده إلا قول إبرهيم لأبيه لأستغفرن
بخدای تنها شمارا پیروی نیک است با ابراهیم مگر در قول ابراهیم پدر خودرا که البته آمرزش
طلب خواهم کرد
لك وما أملك لك من الله من شيء ربنا عليك
برای تو و نمیتوانم برای تو از خدا چیزی ای پروردگار ما بر تو
توكلنا وإليك أنبنا وإليك المصير ربنا لا تجعلنا
توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم و بسوی تست بازگشت ای پروردگار ما مارا
فتنة للذين كفروا واغفر لنا ربنا إنك أنت
زیر دست کافران و بیامرز برای ما ای پروردگار ما هرآینه تویی
العزيز الحكيم لقد كان لكم فيهم أسوة
غالب باحکمت هرآینه هست شمارا بجماعه مذکوره اقتدا

حسنة

ع

حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر ومن
ونیک کسی را از شما که امید دارد ملاقات خدا را روز آخرت و هر که

يتول فان الله هو الغني الحميد ۝ عسى الله ان
روی گردان شود پس بر آینه خدا بی نیاز و ستوده کار است نزدیک است خدا

يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم
از آنکه پیدا کند درمیان شما و درمیان آنانکه دشمنی داشته اید با ایشان

مودة والله قدير والله غفور رحيم ۝ لا ينهكم
دوستی را و خدا توانا است و خدا آمرزگار و مهربان است منع میکند شما را

الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم
خدا را از مواصلت آنانکه جنگ نکرده اند با شما در مقدمهٔ دین و بیرون نکرده اند شما را

من دياركم ان تبروهم وتقسطوا اليهم ان
از خانهای شما منع نمیکند از آنکه احسان کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان

الله يحب المقسطين ۝ انما ينهكم الله عن الذين
و خدا دوست میدارد انصاف کنندگان را جز این نیست که منع میکند شما را خدا از آنکه

قاتلوكم في الدين واخرجوكم من دياركم و
جنگ کرده اند با شما در مقدمهٔ دین و بیرون کرده اند شما را از خانهای شما و

ظاهروا على اخراجكم ان تولوهم ومن يتولهم
معونت دیگران در بر آوردن شما منع میکند از آنکه دوستی دارید با ایشان و هر که دوستی دارد با ایشان

فاولئك هم الظلمون ۝ يايها الذين امنوا اذا
پس اینجماعت ایشانند ستمکاران ای مسلمانان چون

جاءكم المؤمنت مهجرت فامتحنوهن الله اعلم
بیایند پیش شما زنان مسلمان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشان را خدا داناتر است

بايمانهن فان علمتموهن مؤمنت فلا ترجعوهن
با ایمان ایشان پس اگر مسلمان دانستید ایشان را باز مفرستید ایشان را

الى الكفار لا هن حل لهم ولا هم يحلون لهن
بسوی کافران نه این زنان حلال اند کافران را و نه آن کافران حلال اند این زنان را

وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ

و بدهید شوهران آنچه خرج کردند و نیست گناه بر شما که نکاح کنید با ایشان

إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

چون بدهید ایشان را مهر ایشان و نگاه مدارید دست در زنان مسلمان را

الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا

بر نکاح کافرات نیامده و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و کافران طلب کنند آنچه خرج کرده اند

ذَٰلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

اینست حکم خدا فیصل کند میان شما و خدا دانا با حکمت است

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ

و اگر از دست برود کسی از زنان شما بطرف کافران پس عقوبت رسانید

فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا

پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کردند

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهَا

و بترسید از خدای که شما او را باور دارنده اید ای

النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن

پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمان که بیعت کنند با تو باین شرط

لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ

که شریک مقرر نکنند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و زنا نکنند

وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و نه بیارند سخن دروغ

يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ

که بر بسته باشند آنرا در میان دستهای خویش و در میان پایهای خویش [illegible] نکنند ترا

فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ

در کار نیک پس بیعت قبول کن و طلب آمرزش کن برای ایشان هر آینه

اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا

خدا آمرزگار مهربان است ای مسلمانان دوستی مدارید

قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْاٰخِرَةِ
با گروهی که خشم گرفته است خدا بر ایشان آنجماعه ناامید شده اند از آخرت

كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ
چنانکه ناامید شده اند کافران از اهل گوراند

سُوْرَةُ الصَّفِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ اَرْبَعَ عَشَرَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَهُوَ
بپاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمانها و زمین است و او دست

الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ
غالب با حکمت ای مسلمانان چرا میگوئید

مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۝ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا
آنچه نمیکنید بسیار ناپسندیده شد نزدیک خدا آنکه بگوئید

مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ
که چیزی نمیکنید هرآینه خدا دوست میدارد آنانرا که جنگ میکنند

فِىْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ۝ وَ
در راه خدا صف زده گویا ایشان عمارتی هستند محکم بالگد برچسپیده و

اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِىْ وَقَدْ
یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من چرا میرنجانید مرا و هرآینه

تَعْلَمُوْنَ اَنِّىْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوْا
میدانید که من فرستاده خدایم بسوی شما پس وقتیکه کجروی کردند

اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ
کج ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی نماید گروه بدکاران را

وَاِذْ قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِنِّىْ
و یاد کن چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل هرآینه من

ع

رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ
پیغمبر خدایم بسوی شما باور دارنده آنچه پیش دست من است از

التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنۢ بَعْدِي اسْمُهُ
توریت و بشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد از من نام او

أَحْمَدُ فَلَمَّا جَآءَهُم بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ
احمد باشد پس چون آمد احمد با معجزه ها گفتند این سحری است

مُّبِينٌ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ
ظاهر و کیست ستمکارتر از کسیکه بر بست بر خدا دروغ

وَهُوَ يُدْعٰىٓ إِلَى الْإِسْلٰمِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا راه ننماید گروه

الظّٰلِمِينَ يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوٰهِهِمْ
ستمکاران را میخواهند این کافران که فرو نشانند نور خدا را بدهن خویش

وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ هُوَ
و خدا تمام کننده نور خود است اگرچه ناخوش دارند کافران او است

الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ
آنکه فرستاد پیغامبر خود را بهدایت و دین راست

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
تا غالب کندش بر ادیان همه آن اگرچه ناخوش دارند مشرکان



يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلٰى تِجٰرَةٍ تُنجِيكُم
ای مسلمانان آیا دلالت کنم شما را بر سوداگری که برهاند شما را

مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَ
از عذاب دردناک ایمان آرید بخدا و رسول او و

تُجٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ
جهاد کنید در راه خدا باموال خود و بجان خود

ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ
این بهتر است برای شما اگر بدانید بیامرزد برای شما



صفٍ

ذنوبكم ويدخلكم جنت تجري من تحتها
الأنهر ومسكن طيبة في جنت عدن ذلك
الفوز العظيم ۝ وأخرى تحبونها نصر من الله
وفتح قريب وبشر المؤمنين ۝ يا أيها الذين
امنوا كونوا انصار الله كما قال عيسى ابن
مريم للحواريين من انصاري الى الله قال
الحواريون نحن انصار الله فامنت طائفة
من بني اسراءيل وكفرت طائفة فايدنا
الذين امنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين ۝

نصف

سورة الجمعة مدنية وهي احدى عشر اية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
يسبح لله ما في السموت وما في الارض الملك
القدوس العزيز الحكيم ۝ هو الذي بعث في

ع

الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم ايته ويزكيهم

ناخوانندگان پیغامبری از قوم ایشان بخواند بر ایشان آیات او را و پاک کند ایشان را

ويعلمهم الكتب والحكمة وان كانوا من

و می آموزد ایشان را کتاب و دانش و هر آینه بودند پیش از

قبل لفي ضلل مبين ۝ واخرين منهم لما يلحقوا

این در گمراهی ظاهر و دیگران از ایشان که نپیوسته اند

بهم وهو العزيز الحكيم ۝ ذلك فضل الله يؤتيه

با ایشان و او است غالب و با حکمت این فضل خدا است بدهد

من يشاء والله ذو الفضل العظيم ۝ مثل الذين

هر کرا خواهد و خدا صاحب فضل و بزرگ است داستان آنانکه

حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل

که نهاده شد بر ایشان توریت بار نه بردارند انرا مانند داستان خر است که بردارد

اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بايت

کتابها را بدست داستان قومی که دروغ پنداشتند آیات

الله والله لا يهدي القوم الظلمين ۝ قل يايها

خدا را و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را بگو ای

الذين هادوا ان زعمتم انكم اولياء لله من

جهودان اگر گمان دارید که شما دوستان خدائید از

دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صدقين

بجز سایر مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان

ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم

و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان و خدا دانا

بالظلمين ۝ قل ان الموت الذي تفرون منه

به ستمکاران بگو هر آینه مرگی که میگریزید از آن

فانه ملقيكم ثم تردون الى علم الغيب والشهادة

البته وی رسنده است بشما باز رجوع خواهید بوی نهان و آشکارا

دانات

بسم

فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ يا ايها الذين امنوا
پس خبر دهد شما را بآنچه میکردید ای مسلمانان
اذا نودى للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا
چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید
الى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم
بسوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت این بهتر است شما را
ان كنتم تعلمون ۝ فاذا قضيت الصلوة فانتشروا
اگر شما میدانید پس چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید
فى الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا
در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید
الله كثيرا لعلكم تفلحون ۝ واذا راوا تجارة
خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و چون ببینند کاروانی
او لهوا انفضوا اليها وتركوك قائما قل ما عند
یا بازی را متفرق شده متوجه شوند بسوی آن و بگذارند ترا ایستاده بگو آنچه نزدیک
الله خير من اللهو ومن التجارة والله خير
خداست بهتر است از بازی و از سوداگری و خدا بهترین
الرازقين ۝
روزی دهندگان است

سورة المنافقون مكية وهى احدى عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
اذا جاءك المنفقون قالوا نشهد انك لرسول
چون بیایند پیش تو منافقان گویند گواهی میدهیم که تو پیغامبر
الله والله يعلم انك لرسوله والله يشهد
خدایی و خدا میداند که تو پیغامبر اویی و خدا گواهی میدهد
ان المنفقين لكذبون ۝ اتخذوا ايمانهم جنة
که منافقان دروغ گویند سپر گرفته اند قسمهای خود را پس بازماندند

فصدوا عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا
پس باز داشتند از راه خدا هر آینه ایشان بد است آنچه میکردند

يعملون ذلك بانهم امنوا ثم كفروا فطبع على
میکردند این بسبب آن است که ایشان ایمان آوردند باز کافر شدند پس مهر کرده شد بر

قلوبهم فهم لا يفقهون واذا رايتهم تعجبك
بر دلهای ایشان پس ایشان نمی فهمند و چون ببینی ایشان را خوش آید ترا

اجسامهم وان يقولوا تسمع لقولهم كانهم
ابدان ایشان و اگر بگویند گوش نهی بسخن ایشان گویا ایشان

خشب مسندة يحسبون كل صيحة عليهم هم
چوبها اند بدیوار باز نهاده می پندارند هر آواز بلند را بلا بر خود ایشانند

العدو فاحذرهم قاتلهم الله انى يؤفكون
دشمنان پس بترس از ایشان لعنت کرد ایشان را خدا از کجا گردانیده میشوند

واذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله
و چون گفته شود منافقان را بیائید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا

لووا رءوسهم ورايتهم يصدون وهم مستكبرون
به بپیچانند سر خود را و ببینی ایشان را که روی میگردانند و ایشان تکبر کنان

سواء عليهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم
یکسانست در حق ایشان که آمرزش طلب کنی برای یا آمرزش نطلبی برای ایشان

لن يغفر الله لهم ان الله لا يهدي القوم الفسقين
نخواهد آمرزید خدا ایشان را هر آینه خدا راه نمی نماید گروه بدکاران

هم الذين يقولون لا تنفقوا على من عند رسول
ایشانند آنانکه میگویند یاران خود را خرج مکنید بر آنان که نزدیک رسول

الله حتى ينفضوا ولله خزائن السموت والارض
خدااند تا پراگنده شوند و خدا راست خزانهای آسمان و زمین

ولكن المنفقين لا يفقهون يقولون لئن رجعنا
و لیکن منافقان نمی فهمند میگویند اگر باز رسیم

شد بر



إلى المدينة ليخرجن الأعز منها الأذل ولله
العزة ولرسوله وللمؤمنين ولكن المنفقين
لا يعلمون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تلهكم أموالكم
ولا أولادكم عن ذكر الله ومن يفعل ذلك
فأولئك هم الخسرون ۝ وأنفقوا من ما رزقنكم
من قبل أن يأتي أحدكم الموت فيقول رب
لولا أخرتني إلى أجل قريب فأصدق وأكن
من الصلحين ۝ ولن يؤخر الله نفسا إذا جاء
أجلها والله خبير بما تعملون ۝

سورة التغابن ثمان عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
يسبح لله ما في السموت وما في الأرض له الملك
وله الحمد وهو على كل شيء قدير ۝ هو الذي
خلقكم فمنكم كافر ومنكم مؤمن والله بما تعملون

بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ
بیناست آفرید آسمانها و زمین بحد بر درستی و صورت بست شمارا
فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا فِي
پس نیک ساخت صورتهای شمارا و بسوی اوست بازگشت میداند آنچه در
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا
آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان میدارید و آنچه
تُعْلِنُوْنَ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝ اَلَمْ يَاْتِكُمْ
آشکارا میکنید و خدا داناست بمضمون سینهها آیا نیامده است بشما
نَبَؤُا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ
خبر آنانکه کافر بودند پیش ازین پس چشیدند وبال کار خود را
وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ
و ایشانراست عذاب دردهنده این بسبب آن است که می آمدند بایشان پیغمبران
بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْٓا اَبَشَرٌ يَّهْدُوْنَنَا فَكَفَرُوْا وَتَوَلَّوْا
با معجزها پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند مارا پس کافر شدند و روی گردانیدند
وَّاسْتَغْنَى اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِيْنَ
و بی نیاز است خدا و خدا توانگر ستوده است پنداشتند آنانکه
كَفَرُوْٓا اَنْ لَّنْ يُّبْعَثُوْا قُلْ بَلٰى وَرَبِّيْ لَتُبْعَثُنَّ
کافران که برانگیخته نخواهند شد بگو آری قسم بپروردگار من البته برانگیخته شوید
ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ۝ فَاٰمِنُوْا
باز خبر داده شود شمارا بآنچه میکردید این بر خدا آسان است پس ایمان آرید
بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالنُّوْرِ الَّذِيْٓ اَنْزَلْنَا وَاللّٰهُ بِمَا
بخدا و رسول او و بنوری که فرود فرستاده و خدا بآنچه
تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ
میکنید خبردار است و هنگامی که جمع آرد شمارا در روز قیامت آن روز
يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا
روز ظهور غبن است و هر که ایمان آرد بخدا و کند کار شایسته

ويكفر



يكفر عنه سيئاته ويدخله جنت تجري من تحتها

دور کند ازو جرمهای او را و درآرد ش بوستانها میرود زیر آن

الانهر خلدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم

جوها جاویدان آنجا همیشه اینست فیروزی بزرگ

والذين كفروا وكذبوا بايتنا اولئك اصحب

و آنانکه کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات ما را آنجماعه اهل

النار خلدين فيها وبئس المصير ما اصاب

دوزخ اند جاویدان آنجا و بدجای است دوزخ نرسد

من مصيبة الا باذن الله ومن يؤمن بالله

هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هرکه رجوع کند بخدا

يهد قلبه والله بكل شيء عليم واطيعوا

راه نماید دل او را و خدا بهمه چیز داناست و فرمانبرداری کنید

الله واطيعوا الرسول فان توليتم فانما على رسولنا

خدا را و فرمانبرداری کنید رسول را پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست بر

البلغ المبين الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل

پیغام رسانیدن آشکارا خدای هیچ معبود نیست مگر او و بر خدا باید که توکل کنند

المؤمنون يايها الذين امنوا ان من ازواجكم

مومنان ای مسلمانان بعض ازواج شما

واولادكم عدوا لكم فاحذروهم وان

و اولاد شما دشمنان اند در حق شما پس بپرهیزید از ایشان و اگر

تعفوا وتصفحوا وتغفروا فان الله غفور

درگذرانید و روی بگردانید و بیامرزید پس بدرستیکه خدا آمرزگار

رحيم انما اموالكم واولادكم فتنة والله

مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما امتحان است و خدا

عنده اجر عظيم فاتقوا الله ما استطعتم

نزد اوست مزد بزرگ پس بترسید از خدا آنقدر که توانید

ثلثة

وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَ

و سخن شنوید و فرمانبرداری کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و

مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنْ

هرکه نگاه داشته شد از بخل نفس خود پس آنجماعه ایشانند رستگاران اگر

تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

قرض دهید خدا را قرض نیک دو چندان دهدش شما را و بیامرزد شما را

وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ

و خدا قدرشناس بردبار است داننده پنهان و آشکارا غالب

سُورَةُ الطَّلَاقِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ آيَةً

الْحَكِيمُ ۝

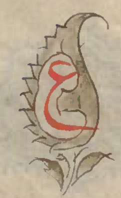
استوار کار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ

ای پیغامبر بگو امت خود را چون اراده کنید طلاق دادن زنان پس طلاق دهید ایشانرا



لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

در اول عدة ایشان و شمار کنید عدة را و بترسید از خدا پروردگار خویش

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ

بیرون مکنید ایشان را از خانهای و باید که ایشان بیرون روند مگر آنکه

يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ

بعمل آرند کار زشت آشکارا و این حدهای مقرر کرده خداست

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

و هرکه تجاوز کند از حدهای خدا پس هرآینه ستم کرد بر جان خویش

لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا

هیچکس نمیداند شاید که خدا پیدا کند بعد از طلاق کاری را

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس چون نزدیک رسند مطلقات بمیعاد خود پس نگاه دارید ایشانرا بوجه پسندیده

او فارقوهن



أو فارقوهن بمعروف وأشهدوا ذوي عدل

یا جدا شوید از ایشان بوجه پسندیده و گواه گیرید دو کس صاحب عدالت

منكم وأقيموا الشهادة لله ذلكم يوعظ به من

از قوم خود و راست کنید شهادت را برای خدا این حکم پند داده میشود آن را

كان يؤمن بالله واليوم الآخر ومن يتق الله

مومن باشد بخدا و بروز آخر و هرکه بترسد از خدا

يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب

پدید آرد برای او مخلصی و روزی دهدش از آنجا که گمان ندارد

ومن يتوكل على الله فهو حسبه إن الله

و هرکه توکل کند بر خدا پس خدا بس است هر آینه خدا

بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا واللائي

رسنده است بمراد خود هر آینه ساخته است خدا هر چیز را اندازه و آنانکه

يئسن من المحيض من نسائكم إن ارتبتم

نومید شدند از حیض از جمله زنان اگر شبهه افتاده است

فعدتهن ثلاثة أشهر واللائي لم يحضن وأولات

پس عدة ایشان سه ماه است و از زنانیکه حایض نشدند از صغر سن و خداوندان

الأحمال أجلهن أن يضعن حملهن ومن يتق

حمل عدة ایشان آن است که بنهند حمل خود و هرکه بترسد

الله يجعل له من أمره يسرا ذلك أمر الله أنزله

از خدا پدید آرد برای او در کار او آسانی این حکم خداست که فرود آورد آنرا

إليكم ومن يتق الله يكفر عنه سيئاته و

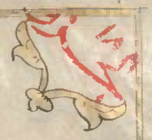
بسوی شما و هرکه بترسد از خدا دور کند از وی جرمهای او را و

يعظم له أجرا أسكنوهن من حيث سكنتم

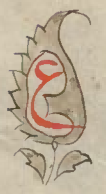
زیاده دهد او را مزد ساکن کنید زنان مطلقه را جاییکه شما باشید

من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن

قدر طاقت خود و ایذا مرسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان



وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ
و اگر باشند خداوندان حمل پس خرج کنید بر ایشان تا آنکه بنهند
حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
حمل خود را پس اگر شیر دهند بفرمان شما پس بدهید ایشان را مزد ایشان
وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ
و با یکدیگر کار فرمای کنید در میان خویش بوجه پسندیده پس اگر مضایقه کنید
فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ
شیر خواهد داد او را زنی دیگر بفرمان او باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعت خود
وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ
و آنکه تنگ کرده شد بروی رزق او پس باید که خرج کند از آنچه عطا کرده است
لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ
تکلیف نمیکند خدا هیچ کس را مگر بحسب آنچه داده است او را پدید خواهد آورد خدا بعد
عُسْرٍ يُسْرًا وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ
از تنگدستی آسانی را و بسیار دیه که تجاوز کرد از فرمان



رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ
پروردگار خویش و از پیغامبران او پس حساب کردیم با او حسابی سخت و
عَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا
عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار پس چشید سزای عمل خود
وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا
و شد سرانجام کار او زیانکاری مهیا کرده است خدا برای ایشان عذاب
شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ
سخت پس بترسید از خدا ای خداوندان خرد ای آنانکه
آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَّسُولًا يَتْلُو
مسلمانان هرآینه فرود آورده است خدا بسوی شما کتابی فرستاده است پیغامبری
عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
میخواند بر شما آیات خدا واضح آمده تا بر آرد آنان را که ایمان آوردند

عملوا

عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّورِ ؕ وَمَنْ يُّؤْمِنْ
کارهای شایسته گردند از تاریکیها بسوی روشنی و هر که ایمان آرد

بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا
بخدا و کند کار شایسته درآردش ببوستانها میرود زیر آن

الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ قَدْ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهٗ رِزْقًا ۝
جویها جاویدان آنجا همیشه هر آینه بوجه نیک ساخته است برای او رزق را

اَللّٰهُ الَّذِىْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ وَّمِنَ الْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ
خدای آن است که آفریده هفت آسمان و آفرید زمین مانند آن

يَتَنَزَّلُ الْاَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ
فرود می آید حکم در میان تا دانید که خدا بر هر

شَىْءٍ قَدِيْرٌ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًا ۝
چیز تواناست و تا بدانید که خدا فرا گرفته است هر چیز را باعتبار علم

سُورَةُ التَّحْرِيمِ مَدَنِيَّةٌ وَهِىَ ثَلٰثَ عَشْرَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

يٰٓاَيُّهَا النَّبِىُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ ۚ تَبْتَغِىْ
ای پیغامبر چرا حرام میکنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو میطلبی



مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ قَدْ
خشنودی زنان خود و خدا آمرزگار مهربان است هر آینه

فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ وَ
مشروع ساخته است خدا برای کشادن سوگندهای شما را و خدا کارساز شماست و

هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِىُّ اِلٰى بَعْضِ
اوست دانا با حکمت و یاد کن چون پنهان گفت پیغامبر با بعض

اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ
زنان خود سخن را پس چون افشا کرد آن سخن را و مطلع ساخت خدا

عرف بعضه واعرض عن بعض فلما نبأها

پیغامبر را برافشای آن سخن شناسا کرد و اعراض کرد از بعض پس وقتیکه خبردار کرد آن

به قالت من انبأك هذا قال نبأني العليم الخبير

بافشای راز آن زن گفت که خبر داد ترا باین راز پیغامبر فرمود خبر داد مرا خدای دانا خبردار

ان تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما وان تظهرا

اگر رجوع کنید بسوی خدا خوش باشد هر آینه کج شده است دل شما را و اگر باهم متفق شوید

عليه فان الله هو مولىه وجبريل وصالح

بر رنجانیدن پیغمبر پس هر آینه خدا کارساز اوست و جبرئیل و مردمان شایسته

المؤمنين والملئكة بعد ذلك ظهير

از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد از این مددکاران

عسى ربه ان طلقكن ان يبدله ازواجا خيرا

نزدیکست که پروردگار او اگر طلاق دهد پیغامبر شما را عوض دهد برای او زنان دیگر بهتر

منكن مسلمت مؤمنت قنتت تئبت عبدت آرندگان

از شما گردن نهادگان باور دارندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت کنندگان

سئحت ثيبت وابكارا يايها الذين امنوا قوا

روزه داران شوهر دیدگان نادیدگان ای مسلمانان نگاه دارید

انفسكم واهليكم نارا وقودها الناس و

بر خویشتن را و اهل خانه خود را از آتشی که آتش انگیزان مردمان و

الحجارة عليها ملئكة غلاظ شداد لا يعصون

سنگها نیز بران آتش موکل اند فرشتگان درشت خو سخت رو نافرمانی نمیکنند

الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون يايها

خدا فرموده است ایشان را و میکنند هرچه حکم میشود ایشان را ای

الذين كفروا لا تعتذروا اليوم انما تجزون

کافران عذر پیش میارید امروز جز این نیست که جزا داده میشود شما را

ما كنتم تعملون يايها الذين امنوا توبوا الى الله

بآنچه که میکردید ای مسلمانان رجوع کنید بسوی خدا

توبة

توبة نصوحا عسى ربكم ان يكفر عنكم سيئاتكم
رجوع خالص امیدوارست از پروردگار شما که زایل کند از شما جرمهای شما را

ويدخلكم جنت تجري من تحتها الانهر يوم
و درآرد شما را بوستانها میرود زیران جویها روز

لا يخزي الله النبي والذين امنوا معه نورهم
رسوا نکند خدا پیغامبر را و نه آنانرا که ایمان آورده اند همراه او نور ایشان

يسعى بين ايديهم وبايمانهم يقولون ربنا
میرود میان دو دست ایشان و بجانب راست ایشان میگویند ای پروردگار ما

اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على كل شيء
تمام ده برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستیکه تو بر هر چیز

قدير يايها النبي جاهد الكفار والمنفقين
توانای ای پیغامبر جهاد کن با کافران و با منافقان

واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس المصير
و درشتی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و بد جایست دوزخ

ضرب الله مثلا للذين كفروا امرات نوح و
پدید آورد خدا داستانی برای آنانکه کافر شدند زن نوح را و

امرات لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا
زن لوط را بودند زیر نکاح دو بنده شایسته از بندگان ما

صالحين فخانتاهما فلم يغنيا عنهما من الله شيئا
پس خیانت کردند بایشان پس دفع نکردند ایشان ازان دو زن از خدا چیزی را

وقيل ادخلا النار مع الدخلين وضرب الله
و گفته شد درآیید به دوزخ با درایندگان و پدید آورد خدا

مثلا للذين امنوا امرات فرعون اذ قالت
داستانی برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را چون گفت

رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من
ای پروردگار من بنا کن برای من نزدیک خود خانه در بهشت و خلاص کن مرا از

فرعون وعمله ونجني من القوم الظلمين ومريم ابنت

فرعون و كار او و خلاصی ده مارا از قوم ستمكاران و مريم دختر

عمرن التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا

عمران را كه نگاه داشت فرج خود را پس دمیدیم دران روح خود

وصدقت بكلمت ربها وكتبه وكانت من

و باور داشت سخنان پروردگار خود را و كتابهای او و بود از

القنتين

فرمانبردارندگان

سورة الملك مكية وهي ثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

تبرك الذي بيده الملك وهو على كل شيء

با بركت است آن خدای كه بدست اوست پادشاهی و او بر همه چیز توانا است

قدير الذي خلق الموت والحيوة

توانا است آن خدای كه آفرید موت و حیات

ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور

تا بیازماید شمارا كه كدام یك از شما نیكوترست در عمل و اوست غالب آمرزگار

الذي خلق سبع سموت طباقا ما ترى في خلق

آن خدای كه آفرید هفت آسمان را تو بر تو نبینی ای بنده در آفرینش

الرحمن من تفوت فارجع البصر هل ترى

خدا هیچ بی ضابطگی پس بازگردان چشم را آیا بینی

من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب

هیچ شكستگی پس بازگردان چشم را دو باره تا باز آید

اليك البصر خاسئا وهو حسير ولقد زينا

بجانب تو چشم خوار شده و مانده گشته و هر آینه زینت دادیم

السماء الدنيا بمصابيح وجعلنها رجوما للشيطين

آسمان نزدیك را بچراغها و ساختیم آن چراغها را رجم شیاطین

الملك

واعتدنا لهم عذاب السعير ۝ وللذين كفروا
و آماده کردیم برای ایشان عذاب دوزخ و آنانکه کافر شدند
بربهم عذاب جهنم وبئس المصير ۝ اذا القوا
به پروردگار خود عذاب دوزخ و آن بد جای است و چون انگنده شود
فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفور ۝ تكاد تميز
اندر او بشنوند از او آوازی مانند ... از خروش ... نزدیک است
من الغيظ كلما القي فيها فوج سالهم خزنتها
از خشم هرگاه انگنده شود در دوزخ گروهی پرسد ایشان را نگاهبانان
الم ياتكم نذير ۝ قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا
آیا نیامد بشما ترساننده گفتند آری آمده بود بما ترساننده پس دروغ داشتیم
وقلنا ما نزل الله من شيء ان انتم الا في ضلل
و گفتیم نه فرو فرستاده است خدا هیچ چیزی نیستید شما مگر در گمراهی
كبير ۝ وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحب
بزرگ و گویند اگر ما می‌شنیدیم یا فهم می‌کردیم نه بودیم در اهل
السعير ۝ فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحب السعير
دوزخ پس اقرار کردند بگناه خویش پس لعنت باد اهل دوزخ را
ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة
هر آینه آنانکه می‌ترسند از پروردگار خود غایبانه ایشان راست آمرزش
واجر كبير ۝ واسروا قولكم او اجهروا به انه
و مزد بزرگ و نهان کنید سخن خود را یا آشکارا کنید آن را هر آینه او
عليم بذات الصدور ۝ الا يعلم من خلق وهو
داناست بآنچه در سینه‌هاست آیا نداند کسی که آفریده است و او
اللطيف الخبير ۝ هو الذي جعل لكم الارض
باریک بین و خبردار او است آنکه رام ساخت برای شما زمین را
ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه و
تا راه روید در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و

ع

إليه النشور ءأمنتم من في السماء أن يخسف
وبسوی اوست برانگیختن آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرو برد
بكم الأرض فإذا هي تمور أم أمنتم من في
شمارا بزمین پس ناگهان زمین جنبش کند آیا ایمن شده اید از کسی که
السماء أن يرسل عليكم حاصبا فستعلمون
در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار پس خواهید دانست
كيف نذير ولقد كذب الذين من قبلهم
چگونه است ترسانیدن من و هرآینه دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان بودند
فكيف كان نكير أولم يروا إلى الطير فوقهم
پس چگونه شد عقوبت من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالای خود
صافات ويقبضن ما يمسكهن إلا الرحمن إنه
کشاده باز و گاه گاه فراهم می آرند نگاه نمیدارد ایشانرا مگر خدا هرآینه او
بكل شيء بصير أمن هذا الذي هو جند
بهر چیز بیناست آیا کیست آنکه وی لشکر است
لكم ينصركم من دون الرحمن إن الكافرون
برای شما نصرت میدهد شمارا بجز خدا نیستند کافران
إلا في غرور أمن هذا الذي يرزقكم
مگر در فریب آیا کیست آنکه روزی دهد شمارا
إن أمسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور
اگر باز گیرد خدا روزی خودرا بلکه محکم پیوسته اند در سرکشی
أفمن يمشي مكبا على وجهه أهدى أمن يمشي
آیا کسی که بر رو نگونسار افتاده بر رو سوی خود راه یافته تر است یا کسی که میرود
سويا على صراط مستقيم قل هو الذي أنشأكم
راست ایستاده بر راه راست بگو اوست آنکه بیافرید شمارا
وجعل لكم السمع والأبصار والأفئدة قليلا
و بداد و در برای شما شنوائی و چشمها و دلها اندکی

ملک

ما تشکرون ۝ قل هو الذی ذرأکم فی الارض
شکر میکنید بگو اوست آنکه پراکنده ساخت در زمین
والیه تحشرون ۝ ویقولون متی هذا الوعد
و بسوی او برانگیخته خواهید شد و میگویند کافران کی باشد وعده
ان کنتم صدقین ۝ قل انما العلم عند الله ع
اگر هست گویند بگو جز این نیست که علم نزدیک خداست
وانما انا نذیر مبین ۝ فلما رأوه زلفة سیئت
و جز این نیست که من بیم کننده آشکارم و آنگاه که ببینند آن وعده را نزدیک شده
وجوه الذین کفروا وقیل هذا الذی کنتم
سیاه کرده شود روی آنانکه کافر شدند و گفته شود اینست آنچه اورا
به تدعون ۝ قل ارأیتم ان اهلکنی الله
میطلبید بگو آیا دیدید اگر هلاک کند مرا خدا
ومن معی او رحمنا فمن یجیر الکفرین من عذاب
و آنانرا که همراه من اند یا رحمت کند بر ما بهر حال که خلاصی دهد کافران را از عذاب
الیم ۝ قل هو الرحمن امنا به وعلیه توکلنا
دردناک بگو اوست بخشاینده بوی ایمان آوردیم و بروی توکل کردیم
فستعلمون من هو فی ضلل مبین ۝ قل ارأیتم
پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر بگو آیا دیدید
ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین
اگر شود آب شما فرو رفته پس که بیارد بشما آب روان

سورة القلم مكية وهي اثنان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشاینده مهربان
ن ۝ والقلم وما یسطرون ۝ ما انت بنعمة
قسم بقلم اعلی و بآنچه بنویسند فرشتگان نیستی تو بفضل

ع

ربك بمجنون وان لك لاجرا غير ممنون و
به پروردگار تو دیوانه و به راستی مر ترا مزد بی نهایت
انك لعلى خلق عظيم فستبصر ويبصرون
به راستی تو بر خوی نهایت بزرگی پس خواهی دید وایشان نیز خواهند دید
بايكم المفتون ان ربك هو اعلم بمن ضل
که بکدام یک از شما دیوانگیست به راستی پروردگار تو داناترست بکسی که غلط کرد
عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين فلا تطع
راه او و او داناترست به راه یافتگان پس فرمان مبر
المكذبين ودوا لو تدهن فيدهنون ولا
دروغ دارندگان را آرزو کردند که ملایمت کنی تا ایشان نیز ملایمت کنند و فرمان
تطع كل حلاف مهين هماز مشاء بنميم
مبر هر بسیار سوگند خورنده محقر را هر عیب کننده را هر رونده را به سخن چینی
مناع للخير معتد اثيم عتل بعد ذلك زنيم
هر بازدارنده از خیر از حد گذشته گناهکار را هر سخت روی را بعد از این همه هر حرامزاده
ان كان ذا مال وبنين اذا تتلى عليه اياتنا
بانکه هست صاحب مال و فرزندان چون خوانده شود بر وی آیات ما
قال اساطير الاولين سنسمه على الخرطوم
گوید افسانه پیشینیان است داغ خواهیم کرد او را بر بینی
انا بلوناهم كما بلونا اصحب الجنة اذ اقسموا
به راستی ما آزموده ایم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان بوستان را چون قسم خوردند
ليصرمنها مصبحين ولا يستثنون فطاف
که البته درو کنند بوستان را صباح کنان و ان شاء الله نمی گفتند پس برگرد آمد
عليها طائف من ربك وهم نائمون فاصبحت
بر آن بوستان بلای از جانب پروردگار تو و ایشان خفته بودند پس شد
كالصريم فتنادوا مصبحين ان اغدوا على
مانند زراعت بریده شده پس بانگ کردند یکدیگر را صباح کنان که بگاه روید بکشت خود

حرثكم ان كنتم صارمين فانطلقوا وهم يتخافتون
اگر درو کننده اید پس برفتند با یکدیگر سخن پنهان گویان

ان لا يدخلنها اليوم عليكم مسكين وغدوا
باید که داخل نشود در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری و بگاه رسیدند

على حرد قادرين فلما راوها قالوا انا
بر نیت بخل خود توانا بر آن خود پس آنگاه که دیدند آن بوستان گفتند ما

لضالون بل نحن محرومون قال اوسطهم
غلط کرده راهیم نه بلکه ما محروم کرده شده ایم گفت بهترین ایشان

الم اقل لكم لولا تسبحون قالوا سبحن ربنا
آیا نگفته بودم شما را که چرا تسبیح نمیگوید گفتند پاکیست پروردگار ما

خودرا

انا كنا ظلمين فاقبل بعضهم على بعض
هر آینه ما ستمکار بودیم از حد گذشته پس روی آوردند بعضی ایشان بر بعضی

يتلاومون قالوا يويلنا انا كنا طغين عسى
با یکدیگر ملامت کنان گفتند ای وای ما را هر آینه ما بودیم از حد گذشته امید است

ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا رغبون
از پروردگار ما که عوض دهد ما را بهتر از این هر آینه ما بسوی پروردگار خود توقع داریم

كذلك العذاب ولعذاب الاخرة اكبر
همچنین است عذاب و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است

ع

لو كانوا يعلمون ان للمتقين عند ربهم
کاش میدانستند هر آینه متقیان را نزدیک پروردگار ایشان

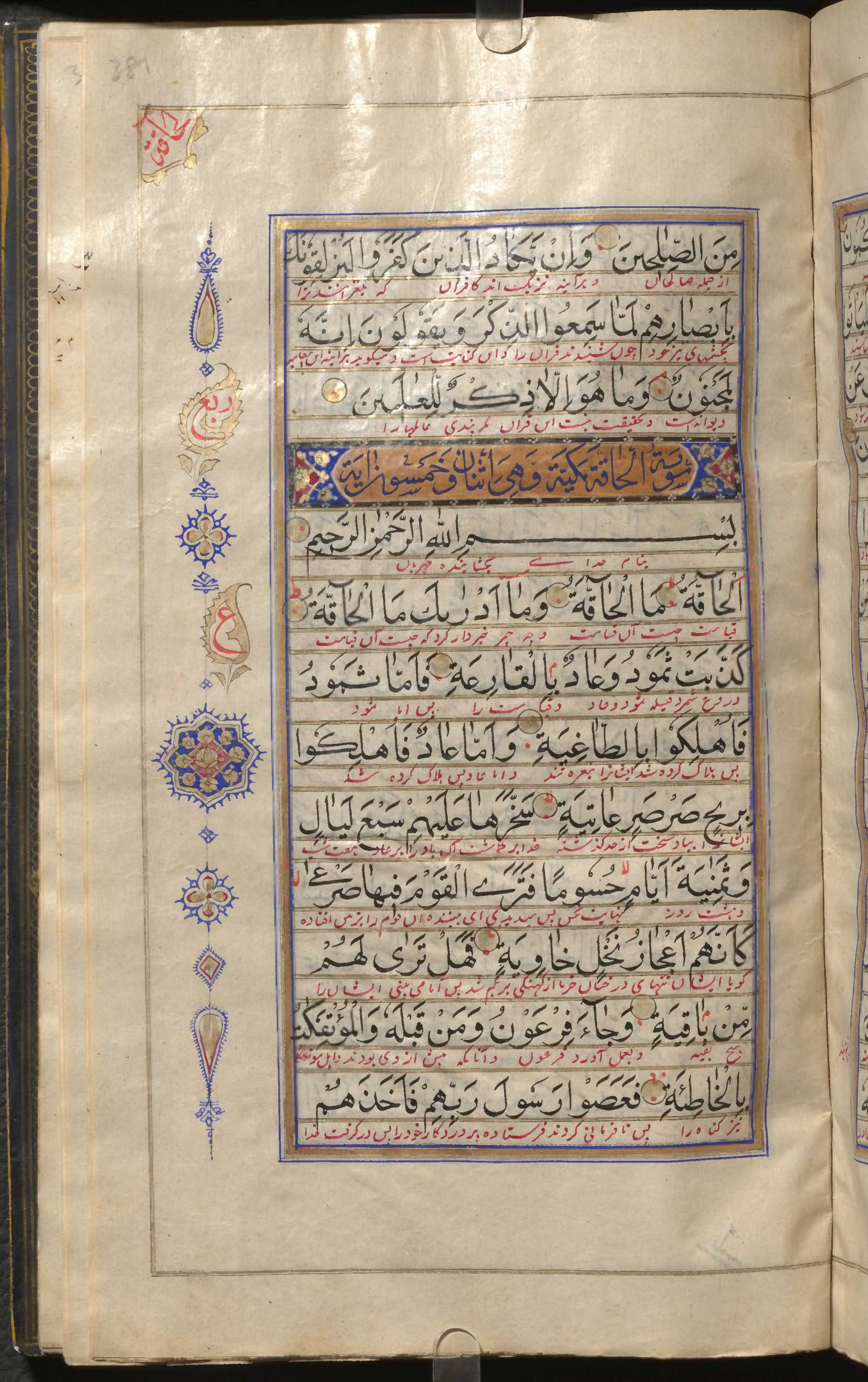
جنت النعيم افنجعل المسلمين كالمجرمين ما
بوستانهای همیشه ناز است آیا گردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران چیست

لكم كيف تحكمون ام لكم كتب فيه تدرسون
شما را چگونه حکم میکنید آیا نزدیک شما کتابی است که در وی تلاوت

سیکنید

ان لكم فيه لما تخيرون ام لكم ايمان علينا
هر آینه باشد شما را در معاد آنچه اختیار کنید آیا شما را عهدهای محکم است بر ذمه ما

بالغة الى يوم القيمة ان لكم لما تحكمون
که حکم آن تا قیامت باقی باشد هر آینه شما راست آنچه مقرر کنید
سلهم ایهم بذلک زعیم ۝ ام لهم شرکاء فلیاتوا
بپرس از ایشان کدام یک از ایشان باینقدر که متعهد است آیا ایشان را شریکان هستند
بشرکائهم ان کانوا صدقین ۝ یوم یکشف عن
پس باید که بیارند شریکان خود را اگر راستگو شدند روز نیکو که جامه برداشته شود
ساق ویدعون الى السجود فلا یستطیعون
از ساق و خوانده شود ایشان را بسوی سجده پس نتوانند
خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا
نیازبین ظاهر باشد بر چشمهای ایشان فرو گیرد ایشان را خواری و هر آینه خوانده بود
يدعون الى السجود وهم سلمون ۝ فذرني ومن
ایشان را بسوی سجده حالانکه ایشان تندرست بودند پس بگذار مرا با کسی
يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم من
که دروغ میشمرد این سخن را با به باید خواهیم کشید ایشان جامه را از آن
حيث لا يعلمون ۝ واملي لهم ان كيدي متين
راه که نمیدانند و مهلت خواهیم داد ایشان را هر آینه حیله من محکم است
ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ۝ ام
آیا میطلبی از ایشان جامه مزدی پس ایشان از تاوان گران بارانند آیا
عندهم الغيب فهم يكتبون ۝ فاصبر لحكم
نزدیک ایشان علم غیب است پس ایشان مینویسند پس صبر کن انتظار حکم
ربك ولا تكن كصاحب الحوت اذ نادى و
پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی چون دعا کرد و
هو مكظوم ۝ لولا ان تداركه نعمة من ربه لنبذ
بود از غم پر شده بود اگر نه آنست که دریافت او را رحمتی از جانب پروردگار او هر آینه
بالعراء وهو مذموم ۝ فاجتبه ربه فجعله
بر زمین بیگیاه و او بد حال بودی پس برگزید او را پروردگار او پس ساخت او را



381

من الصلحين ۝ وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك

از جمله صالحان و بدرستی نزدیک اند کافران که بلغزانند ترا

بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه

بچشمهای خود چون شنیدند قرآن را و آن کس است و میگویند بدرستی که او

لمجنون ۝ وما هو الا ذكر للعلمين ۝

دیوانه است و حقیقت نیست آن قرآن مگر پندی عالمیان را

سورة الحاقة مكية وهي اثنان وخمسون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحاقة ۝ ما الحاقة ۝ وما ادريك ما الحاقة ۝

قیامت چیست آن قیامت و چه چیز خبردار کرد که چیست آن قیامت

كذبت ثمود وعاد بالقارعة ۝ فاما ثمود

دروغ شمرد قبیله ثمود و عاد قیامت را پس اما ثمود

فاهلكوا بالطاغية ۝ واما عاد فاهلكوا

پس هلاک کرده شد ایشان را بصیحه شدید و اما عاد پس هلاک کرده شد

بريح صرصر عاتية ۝ سخرها عليهم سبع ليال

بباد سخت از حد گذرنده خدا برگماشت آن باد را بر عاد هفت شب

وثمنية ايام حسوما فترى القوم فيها صرعى

و هشت روز پیاپی پس می‌بینی ای بیننده آن قوم را در آن افتاده

كانهم اعجاز نخل خاوية ۝ فهل ترى لهم

گویا ایشان تنهای درختان خرما از جای کنده پس آیا می‌بینی ایشان را

من باقية ۝ وجاء فرعون ومن قبله والمؤتفكت

هیچ بقیه و بعمل آورد فرعون و آنانکه پیش از وی بودند و اهل مؤتفکات

بالخاطئة ۝ فعصوا رسول ربهم فاخذهم

بگناه را پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود را پس درگرفت خدا

ربع

ع

أَخْذَةً رَّابِيَةً ۝ إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِي الْجَارِيَةِ
گرفتنی درر گرفتنی عظیم بدرستی ما چونکه از حد گذشت آب سواری کردیم شما را در کشتی روان
لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَّتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ
تا بگردانیم این قصه را برای شما پندی و یاد دارد آنرا گوش یاد دارنده
فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَّاحِدَةٌ ۝ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ
پس چون دمیده شود در صور یکبار دمیدن و برداشته شود زمین
وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ۝ فَيَوْمَئِذٍ
و کوهها پس کوفته شود ایشان را یکبار کوفتن پس آن روز
وَّقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ وَانْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِيَ
محقق شود قیامت و بشکافد آسمان پس آسمان
يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ۝ وَّالْمَلَكُ عَلٰٓى أَرْجَآئِهَا وَ
آن روز سست شده باشد و فرشتگان بر کناره های آسمان باشند و
يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمٰنِيَةٌ
برگیرند تخت پروردگار تو بر بالای خویش آن روز هشت کس
يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفٰى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ فَأَمَّا
آن روز پیش آورده شود شما نماند از شما هیچ سری پنهان اما آنکه
مَنْ أُوتِيَ كِتٰبَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا
داده شد نامه اعمال او بدست راست او گوید بگیرید بخوانید
كِتٰبِيَهْ ۝ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلٰقٍ حِسَابِيَهْ ۝ فَهُوَ فِي
نامه اعمال مرا بر آینه من معتقد بودم که من هم خواهم رسید بحساب پس آن شخص
عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ
در زندگانی پسندیده باشد در بهشتی بلند که میوه آن قریب الحصول
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيٓـًٔا بِمَآ أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ
بخورید و بیاشامید خوردن آشامیدن گوارا بآنچه پیش فرستاده بودید در روزهای
الْخَالِيَةِ ۝ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتٰبَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ
گذشته و آنکه داده شدش نامه اعمال او بدست چپ او گوید

يليتني

يليتني لم أوت كتبيه ولم أدر ما حسابيه
ای کاش داده نشدی مرا نامهٔ اعمال من ای کاش نبندانستم چیست حساب

يليتها كانت القاضية ما أغنى عني ماليه
ای کاش مرگ آخر کننده کار بودی هیچ نفع نکردی از من مال من

هلك عني سلطنيه خذوه فغلوه ثم الجحيم
زایل شد از من پادشاهی من گفته شود بگیرید وی را پس طوق بکردن نهیدش باز در دوزخ

صلوه ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا
کنیدش باز در زنجیری که ساحت آن هفتاد گز باشد

فاسلكوه إنه كان لا يؤمن بالله العظيم
در آرید وی بر آینه این شخص ایمان نمی داشت بخدای بزرگ

ولا يحض على طعام المسكين فليس له اليوم
و رغبت نمی داد مردمان بر طعام دادن فقرا پس نیست این شخص را امروز

ههنا حميم ولا طعام إلا من غسلين لا
اینجا خویشاوندی و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر زرداب

يأكله إلا الخطؤن فلا أقسم بما تبصرون
که نخورند آنرا مگر گناهکاران پس قسم میخورم بآنچه می بینید

وما لا تبصرون إنه لقول رسول كريم
و بآنچه نمی بینید بر آینه قرآن گفتار فرشته بزرگوار است

وما هو بقول شاعر قليلا ما تؤمنون و
و نیست گفتار شاعر اندکی ایمان می آرید و

لا بقول كاهن قليلا ما تذكرون تنزيل
نیست گفتار کاهن اندکی پند می پذیرید فرود آورده شده است

من رب العلمين ولو تقول علينا بعض
از پروردگار عالمیان و اگر می بست بر ما بعض سخنها

الأقاويل لأخذنا منه باليمين ثم لقطعنا
سخنها بر آینه بگرفتیم از وی دست راست را باز می بریدیم

ع

منه الوتين فما منكم من أحد عنه حاجزين
رگ دل او را پس نیست از شما هیچکس از و بازدارنده

وإنه لتذكرة للمتقين وإنا لنعلم أن منكم
و بدرستیکه قرآن پند است پرهیزکاران را و هر آینه ما میدانیم که بعض شما

مكذبين وإنه لحسرة على الكافرين و
دروغ دارنده اند و هر آینه قرآن حسرت است بر کافران و

إنه لحق اليقين فسبح باسم ربك العظيم
هر آینه راست و درست است پس پاکی یاد کن نام پروردگار بزرگوار خود را

سورة المعارج مكية وهي أربع وأربعون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



سأل سائل بعذاب واقع للكافرين
طلب کرد عقوبت فرود آینده بر کافران

ليس له دافع من الله ذي المعارج تعرج
نیست او را هیچ بازدارنده از جانب خدای خداوند مرتبها بالا میروند

الملائكة والروح إليه في يوم كان مقداره
فرشتگان و روح نیز بسوی عرش در روزی که هست مقدار آن

خمسين ألف سنة فاصبر صبرا جميلا
پنجاه هزار سال پس صبر کن صبر نیکو

إنهم يرونه بعيدا ونراه قريبا يوم تكون
هر آینه کافران دور می بینند آنرا و ما نزدیک می بینیم روزی که شود

السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا
آسمان مانند مس گداخته و شود کوهها مانند پشم رنگین و نه

يسأل حميم حميما يبصرونهم يود المجرم لو يفتدي
پرسد هیچ خویشاوند خویش را نموده شود ایشان را ایشان آرزو کند

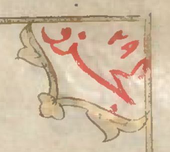
گناهکار که عوض دهد

من

مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ
از عذاب آن روز فرزندان خود را و بزن خود را و برادر خود را
وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ۝ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
و بر قبیله که جای میدهد او را و بر هر که در زمین است همه یکجا
ثُمَّ يُنْجِيهِ ۝ كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ۝ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ۝ تَدْعُوا
پس برهاند این عوض دادن نی هر آینه دوزخ آتشی است شعله زننده پوست سر از کننده
من ادبر وتولى ۝ وجمع فاوعى ۝ ان الانسان
هر کرا اعراض کرد و روی گردان شد و جمع مال نمود پس در او نه نگاه داشت هر آینه آدمی
خلق هلوعا ۝ اذا مسه الشر جزوعا ۝ واذا
آفریده شده است ناشکیبنده چون برسد بدو مصیبت اضطراب کننده و چون
مسه الخير منوعا ۝ الا المصلين ۝ الذين هم على
برسد بدو رفاهیت بخل نماینده مگر نماز گذاران آنانکه ایشان بر
صلاتهم دائمون ۝ والذين في اموالهم حق
نماز خویش پایستندگان همیشه و آنانکه در اموال ایشان حصه بهتر
معلوم ۝ للسائل والمحروم ۝ والذين يصدقون
مقرر برای سائل و لم سوال بی نوا و آنانکه باور میدارند
بيوم الدين ۝ والذين هم من عذاب ربهم
روز جزا را و آنانکه ایشان از عذاب پروردگار خود
مشفقون ۝ ان عذاب ربهم غير مامون ۝ و
ترسندگانند هر آینه عذاب پروردگار ایشان چنان است که از آن امن نتوان
الذين هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم
و آنانکه اندام نهانی ایشان خود را نگاه دارنده گانند مگر بر زنان خود
او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين ۝
یا کنیزکانی که مالک آنها شده است دست ایشان پس هر آینه این فراق ملامت کرده
فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون ۝ والذين
پس هر که طلب کند این پس این جماعت ایشانند از حد گذرندگان و آنانکه

شد

نیستند



هم لامنتهم وعهدهم راعون والذين هم
ایشان امانتهای خود را وعهد را رعایت کنند کاشند وآنانکه ایشان بگواهیها

بشهادتهم قائمون والذين هم على صلوتهم يحافظون اولئك

في جنت مكرمون فمال الذين كفروا قبلك مهطعين عن اليمين
از جانب راست



وعن الشمال عزين ايطمع كل امرئ منهم
واز جانب چپ گردگرده شده آیا طمع میکند هر شخصی را از ایشان

ان يدخل جنة نعيم كلا انا خلقنهم مما
که درآورده شود بوستان نعمت نی نی هرآینه ما آفریده ایم ایشان را از آنچه

يعلمون فلا اقسم برب المشرق والمغرب
میدانند پس قسم میخورم به پروردگار مشرقها و مغربها

انا لقدرون على ان نبدل خيرا منهم وما
که هرآینه ما توانائیم بر آنکه بهتر آریم عوض از ایشان ونیستیم

نحن بمسبوقين فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى
ما عاجز پس بگذار ایشان را که به بیهوده درآیند وبازی کنند

يلقوا يومهم الذي يوعدون يوم يخرجون
تا آنکه برخورند بان روز خود که وعده داده شود روزیکه برآیند

من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون
از قبور شتابان گویا ایشان بسوی نشانی میدوند

خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلك اليوم
نابینا ظاهر شده باشد بر دیدهای ایشان در گیرد ایشان را خواری اینست آن روز

الذي كانوا يوعدون
که وعده داده میشوند ایشان را

سورة النوح ثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

انا

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن
برآینه ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او که بترسان قوم خود را
قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ
پیش از آنکه بیاید بدیشان عقوبتی درد دهنده گفت ای قوم من برآینه من
نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ
ترساننده ظاهر که عبادت کنند خدا را و بترسید از فرمان او
يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
تا بیامرزد برای شما گناهان شما را و موقوف داره شما را تا وقتی مقرر
إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ ۘ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ
برآینه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز موقوف داشته نشود اگر دانسته اید
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۝ فَلَمْ
گفت ای پروردگار من برآینه من خواندم قوم خود را شب و روز را پس
يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ۝ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ
زیاده نکرداد در حق ایشان خواندن من مگر گریختن را و برآینه من هرگاه دعوت کردم
لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا
تا بیامرزی برای ایشان در آوردند انگشتان خود را در گوش خویش و بخود در پیچیدند
ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ۝ ثُمَّ
جامهای خویش را و مداومت کردند بر کفر و سرکشی نمودند باز
إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ۝ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ
برآینه من دعوت کردم ایشان را با آواز بلند باز برآینه من آشکار گفتم با ایشان و پنهان گفتم
لَهُمْ إِسْرَارًا ۝ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ
ایشان را پنهان گفتنی پس گفتم طلب آمرزش کنید از پروردگار خود برآینه او هست
غَفَّارًا ۝ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا
آمرزنده تا بفرستد از آسمان بر شما باران را ریزنده
وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَ
و پی در پی دهد شما را اموال و فرزندان و بدهد شما را بوستان و

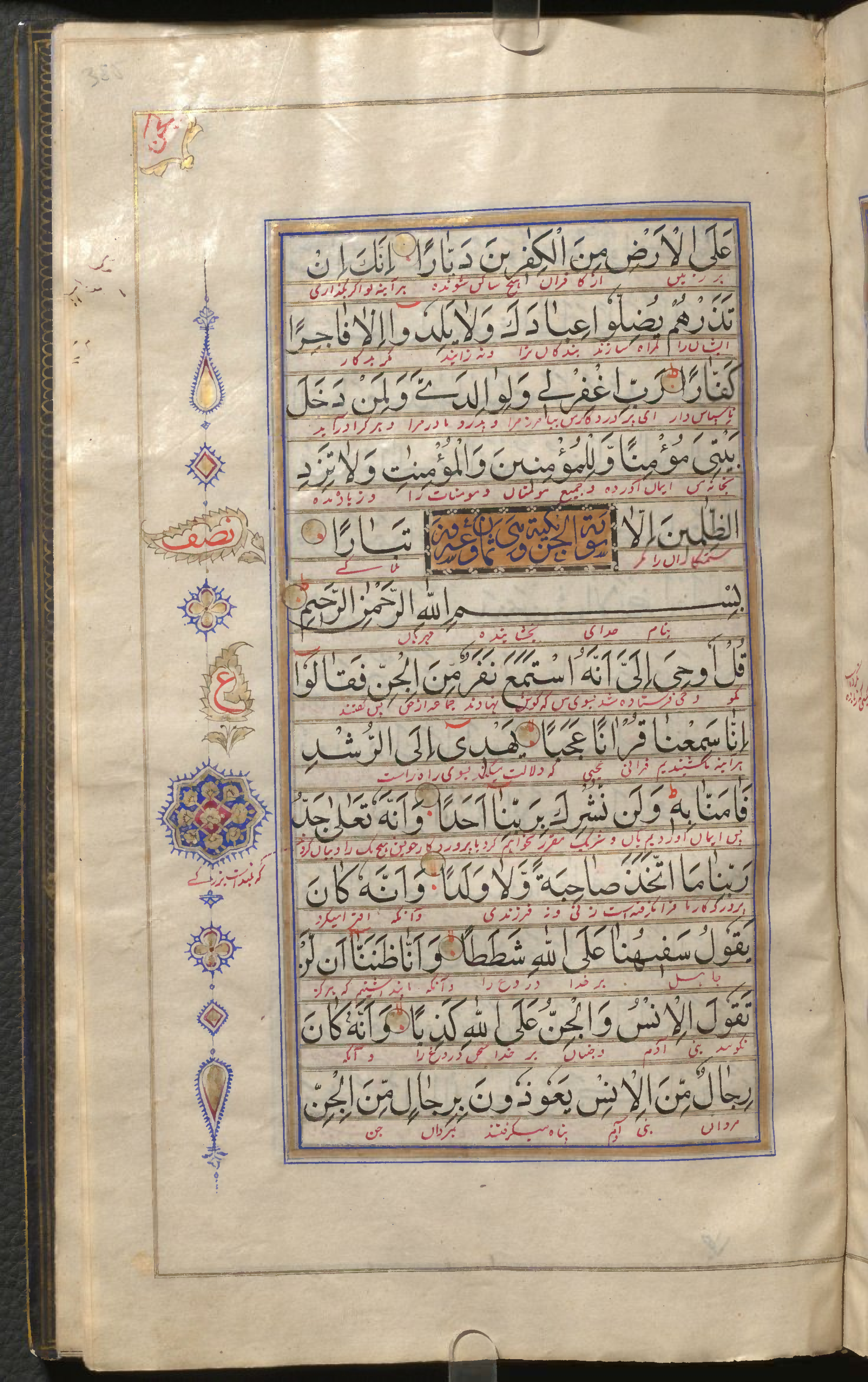


ويجعل لكم انهرا ما لكم لا ترجون لله وقارا و
و بر پا دارد برای شما جویها چیست شما را که اعتقاد نمیکنید برای خدا بزرگی را و
قد خلقكم اطوارا الم تروا كيف خلق الله سبع
حال آنکه آفریدست شما را اطوار های مختلف آیا نمی بینید چگونه آفرید خدا هفت
سموت طباقا وجعل القمر فيهن نورا وجعل
آسمان را تو بر تو و ساخت ماه را در میان اینها افروزنده و ساخت
الشمس سراجا والله انبتكم من الارض نباتا
آفتاب را روشن و خدا رویانید شما را از زمین همی ازرو یانیدن
ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا والله جعل
پس در آرد شما را در زمین و بیرون آرد طوری از بیرون آوردن و خدا ساخت
لكم الارض بساطا لتسلكوا منها سبلا فجاجا
برای شما زمین را فراخ تا بروید از آن زمین براههای گشاده
قال نوح رب انهم عصوني واتبعوا من لم يزده
گفت نوح ای پروردگار من هر آینه این جماعه نافرمانی من کردند و پیروی نمودند

بکسی که زیاده نکرده



ماله وولده الا خسارا ومكروا مكرا
در حق وی مال وی و فرزند وی مگر زیان را و بد سگالی کردند رشتان
كبارا وقالوا لا تذرن الهتكم ولا تذرن ودا
بد سگالی عظیم و گفتند هرگز ترک مکنید معبودان خود را و هرگز ترک مکنید ود
ولا سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا وقد
و نه سواع و نه یغوث و یعوق و نسرا و هر آینه
اضلوا كثيرا ولا تزد الظلمين الا ضللا مما
گمراه کردند بسیاری را و زیاده مده خدایا ستمکاران را مگر گمراهی بسبب
خطيئتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم يجدوا لهم
گناهان خود غرق کرده شدند پس درآورده شدند آتش را پس نیافتند برای خود
من دون الله انصارا وقال نوح رب لا تذر
بجز خدا ... هیچ نصرت دهنده و گفت نوح ای پروردگار من مگذار



علی الارض من الکفرین دیارا ۝ انک ان
تذرهم یضلوا عبادک ولا یلدوا الا فاجرا
کفارا ۝ رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل
بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنت ولا تزد
الظلمین الا تبارا ۝

سورة الجن مکیة وهی ثمان وعشرون

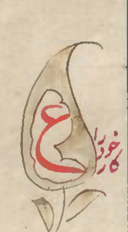
بسم الله الرحمن الرحیم

قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرانا عجبا ۝ یهدی الی الرشد
فامنا به ولن نشرک بربنا احدا ۝ وانه تعلی جد
ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانه کان
یقول سفیهنا علی الله شططا ۝ وانا ظننا ان لن
تقول الانس والجن علی الله کذبا ۝ وانه کان
رجال من الانس یعوذون برجال من الجن

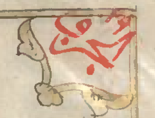
نصف

فزادوهم رهقا ۝ وانهم ظنوا كما
بس زیاده کردند در حق ایشان سرکشی ۝ وآنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما
ظننتم ان لن يبعث الله احدا ۝ وانا لمسنا
گمان کرده بودید که هرگز نفرستد خدا هیچکس را ۝ وآنکه ما دست رسانیدیم
السماء فوجدنها ملئت حرسا شديدا و
بر آسمان پس یافتیم که آسمان پر کرده شده است پاسبانان محکم و
شهبا ۝ وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع
ستارهای فرود آینده ۝ وآنکه ما می‌نشستیم پیش از این ازو بجاها برای شنیدن
فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا ۝ وانا
پس هرکه گوش نهد الحال بیابد برای خود ستاره نگهبان ساخته ۝ وآنکه
لا ندري اشر اريد بمن في الارض ام اراد
ما نمیدانیم آیا بلای اراده کرده شد در حق آنانکه در زمین اند یا اراده کرده است
بهم ربهم رشدا ۝ وانا منا الصلحون ومنا
بایشان پروردگار ایشان خبر دار ۝ وآنکه از ما جمعی شایسته کارانند و جمعی از ما
دون ذلك كنا طرائق قددا ۝ وانا ظننا
سوای این اند هستیم فرقهای مختلف ۝ وآنکه ما دانستیم
ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه هربا
که هرگز عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و هرگز عاجز نتوانیم کرد او را از
وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن بربه
وآنکه ما چون شنیدیم هدایت را ایمان آوردیم بآن پس هرکه ایمان آورد بخدا
فلا يخاف بخسا ولا رهقا ۝ وانا منا المسلمون
او نترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ ستمی ۝ وآنکه جمعی از ما مسلمانند
ومنا القسطون فمن اسلم فاولئك تحروا
و جمعی از ما گناهکارانند پس هرکه مسلمان شد پس آنجماعه قصد کردند
رشدا ۝ واما القسطون فكانوا لجهنم
راه راست را ۝ واما گناهکاران پس باشند هیزم برای دوزخ

حَطَبًا ۝ وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم
هیزم و اگر راست می ایستادند بر راه راست البته می نوشانیدیم ایشان را
مَّاءً غَدَقًا ۝ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ
آب بسیار تا امتحان بکنیم ایشان را در آن و هرکه اعراض کند از یاد کرد
رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا
پروردگار خود درآرد وی را بعذابی سخت و آنکه مسجدها مخصوص برای خدمت
تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ
پس عبادت کنید با خدا هیچ یک را و آنکه چون استاد بنده خدا که عبادت کند خدا را



كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي
نزدیک بود که شوند بر آن بنده یکی بر دیگری چسپیده بگو جز این نیست که عبادت میکنم پروردگار
وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ
و شریک مقرر نمیکنم با او هیچ یک را بگو بدرستیکه من نمیتوانم در حق شما
ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ
ضرر رسانیدن و نه لازم گردانیدن راه راستی بگو بدرستیکه پناه نمیدهد مرا از عقوبت خدا
أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ
هیچ یک و هرگز نیابم بجز وی پناه لیکن بجا می آرم خبر رسانیدن
اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ
از خدا و جمیع پیغامهای او و هرکه نافرمانی کند خدا را و رسول او پس هر آینه
لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا
او راست آتش دوزخ جاویدان در آنجا همیشه تا وقتیکه ببینند
مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا
آنچه وعده داده میشود ایشان را پس خواهند دانست کیست ناتوان تر باعتبار نصرت
وَأَقَلُّ عَدَدًا ۝ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ
و کمتر از روی شمار اعوان بگو نمیدانم که آیا نزدیک است آنچه وعده داده میشود شما را
أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ
یا مقرر کند برای او پروردگار من میعادی داننده پنهان است پس مطلع نمیسازد



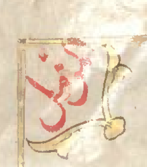
عَلَىٰ غَيْبِهِۦٓ أَحَدًا ۝ إِلَّا مَنِ ٱرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ
بر علم غیب خود هیچ یک را مگر کسی که پسندکرد اورا مراد پیغامبر است
فَإِنَّهُۥ يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا
پس هر آینه خدا روان کند پیش دست وی و از پشت وی نگاهبانان را
لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا۟ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ
تا بداند خدا که تحقیق رسانیده است پیغامهای پروردگار خود را و خدا احاطه
بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَىْءٍ عَدَدًۢا ۝
بر آنچه نزدیک ایشان است و فرا گرفته است هر چیز را از روی شمار

سُورَةُ ٱلْمُزَّمِّلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ عِشْرُ آيَةً

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ نِّصْفَهُۥٓ



ای مرد جامه بر خود پیچیده قیام همه شب کن با اندکی از نیم شب کم تا
أَوِ ٱنقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ
یا اندکی بر نیم شب بیفزا و ترتیل کن
ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا ۝ إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۝
قرآن را بواضح خواندن هر آینه ما خواهیم نازل کرد بر تو قرآنی دشوار
إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْـًٔا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝
هر آینه قیام شب زیاده تر است در پامال کردن نفس بهیمی و درست تر
إِنَّ لَكَ فِى ٱلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝ وَٱذْكُرِ ٱسْمَ
هر آینه ترا در روز شغلی است بسیار و یاد کن نام پروردگار خود را
رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝ رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَ
پروردگار خود را و از همه گسسته شو گسسته شدنی بسوی او پروردگار مشرق و
ٱلْمَغْرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَٱصْبِرْ
مغرب است نیست هیچ معبود مگر او پس کارساز گیر او را و صبر کن



عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي

بر آنچه میگویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو و بگذار مرا

وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ

با دروغ شمارندگان خداوندان نعمت و مهلت ده ایشان را اندکی بر آینه

لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا

هست نزدیک ما بندهای گران و آتش افروخته و طعام گلوگیر و عذاب

أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ

دردهنده روزی که بجنبد زمین و کوهها و شود

الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ

کوهها مانند انبار ریگ از هم پاشیده شده بر آینه ما فرستادیم بسوی شما

رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

پیغامبری گواهی دهنده بر شما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون

رَسُولًا ۝ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ

پیغامبری پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغامبر را پس در گرفتیم او را

أَخْذًا وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا

در گرفتن سخت پس چگونه در پناه شوید از روزی که

يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ

اطفال را پیر گرداند آسمان شکافته باشد در آن روز

كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ

هست وعده خدا البته کردنی بر آینه این پند است پس هر که

شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ

خواهد راه بگیرد بسوی پروردگار خویش بر آینه پروردگار تو میداند



أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ

که تو بر میخیزی نزدیک بدو ثلث شب و نیم شب

وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ

و ثلث شب و نیز بر میخیزند جماعه از آنانکه همراه تو اند و خدا



پس برحمت بازگشت

يقدر الليل والنهار علم ان لن تحصوه فتاب
اندازه میکند شب و روز را دانست خدا که شما احاطه نمیتوانید کرد قیام لیل را

عليكم فاقرؤا ما تيسر من القران علم ان
بر شما پس بخوانید آنچه باشد آسان از قران دانست خدا که

سيكون منكم مرضى واخرون يضربون
خواهند بود بعض از شما بیماران و دیگر که سفر میکنند

في الارض يبتغون من فضل الله واخرون
در زمین طلب روزی مینمایند از فضل خدا و دیگران

قرآن

يقاتلون في سبيل الله فاقرؤا ما تيسر منه
که کارزار میکنند در راه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد از

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واقرضوا الله
و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و وام دهید خدا را

قرضا حسنا وما تقدموا لانفسكم من
وام دادن نیک و آنچه پیش میفرستید برای خویش از عمل

خير تجدوه عند الله هو خيرا واعظم اجرا
نیک از او بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر باعتبار مزد

واستغفروا الله ان الله غفور رحيم
و طلب آمرزش کنید از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است

سورة المدثر مكية وهي ست وخمسون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



يا ايها المدثر قم فانذر وربك فكبر
ای مرد جامه بر خود پیچیده برخیز پس بترسان و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن

وثيابك فطهر والرجز فاهجر ولا تمنن
و جامهای خود را پاک ساز پلیدی را دور کن و منت منه که چیزی بدهی

تستكثر

352

دشوار شود دل

تستكثر ۝ ولربك فاصبر ۝ فاذا نقر في الناقور ۝
زیاده طلب کنان و برای حکم پروردگار خویش شکیب کن پس وقتیکه دمیده شود
فذلك يومئذ يوم عسير ۝ على الكفرين غير
آن وقت در آن روز وقت دشوار باشد بر کافران نه وقت
يسير ۝ ذرني ومن خلقت وحيدا ۝ وجعلت
آسانی بگذار مرا با کسی که آفریدمش تنها دادم
له مالا ممدودا ۝ وبنين شهودا ۝ ومهدت
او را مال فراوان و فرزندان حاضر شونده بمجالس و وسعت دادم
له تمهيدا ۝ ثم يطمع ان ازيد ۝ كلا انه كان
او را وسعت دادنی باز طمع میکند که زیاده دهم نه چنین است هر آینه او هست
لايتنا عنيدا ۝ سارهقه صعودا ۝ انه فكر
آیات ما را ستیزنده تکلیف خواهم داد او را بمشقتی و هر آینه تامل کرد
وقدر ۝ فقتل كيف قدر ۝ ثم قتل كيف قدر ۝
و اندازه مقرر نمود پس لعنت باد او را چگونه اندازه کرد بار دیگر لعنت باد چگونه اندازه کرد
ثم نظر ۝ ثم عبس وبسر ۝ ثم ادبر واستكبر ۝
باز در نگریست باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید باز پشت برگردانید تکبر کرد
فقال ان هذا الا سحر يؤثر ۝ ان هذا الا
پس گفت نیست این قرآن مگر جادوئی که نقل کرده میشود نیست این قرآن مگر
قول البشر ۝ ساصليه سقر ۝ وما ادرىك
قول آدمی خواهم درآورد او را بدوزخ و چه چیز مطلع ساخت ترا
ما سقر ۝ لا تبقي ولا تذر ۝ لواحة للبشر ۝
که چیست دوزخ و باقی نمیگذارد و ترک نمیکند سوزنده است آدمیان را
عليها تسعة عشر ۝ وما جعلنا اصحب النار
بر دوزخ موکل اند نوزده و نساختیم موکلان دوزخ
الا ملئكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين
مگر فرشتگان را و نساختیم شمار ایشان را مگر بلا در حق کافران



كفروا ليستيقن الذين اوتوا الكتب ويزداد
کافران تا یقین کنند اهل کتاب و تا زیاده شود

الذين امنوا ايمانا ولا يرتاب الذين اوتوا
مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل

الكتب والمؤمنون وليقول الذين في قلوبهم
کتاب و مسلمانان و تا بگویند آنانکه در دل ایشان

مرض والكفرون ماذا اراد الله بهذا
بیماری است و کافران چه چیز اراده کرده است خدا باین

مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي
داستان همچنین گمراه میکند خدا هر کرا خواهد و راه بنماید

من يشاء وما يعلم جنود ربك الا هو وما
هر کرا خواهد و نمیداند لشکر پروردگار ترا مگر او و نیست

هي الا ذكرى للبشر كلا والقمر والليل اذ
این مگر پندی برای بنی آدم نی قسم بماه و قسم شب چون



ادبر والصبح اذا اسفر انها لاحدى الكبر
پشت بر گرداند و قسم بصبح چون روشن شود هر آینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگست

نذيرا للبشر لمن شاء منكم ان يتقدم او
ترساننده بنی آدم را برای هر که خواهد از شما پیشتر آید یا

يتاخر كل نفس بما كسبت رهينة الا اصحب
باز پس ماند هر شخصی بر آنچه کرد در گروست مگر اهل

اليمين في جنت يتساءلون عن المجرمين ما
سعادت در بوستانها باشند سوال کنان از گنهکاران چه چیز

سلككم في سقر قالوا لم نك من المصلين
در آورد شما را در دوزخ گویند نبودیم از نمازگذارندگان

ولم نك نطعم المسكين وكنا نخوض مع
و طعام نمیدادیم فقیر را و با منکاران در می آمدیم با

الخاصی

الخائضين ۝ وكنا نكذب بيوم الدين ۝ حتى أتىنا

با درآیندگان و دروغ میشمردیم روز جزا را تا وقتیکه آمد

اليقين ۝ فما تنفعهم شفاعة الشفعين ۝

با موت پس سود ندهد ایشانرا شفاعت شفاعت کنندگان

فما لهم عن التذكرة معرضين ۝ كأنهم حمر

پس چیست ایشانرا از پند روی گردان شده گویا ایشان خران

مستنفرة ۝ فرت من قسورة ۝ بل يريد كل

رم کرده اند که گریخته باشند از شیر بلکه میخواهد هر

امرئ منهم أن يؤتى صحفا منشرة ۝ كلا

شخصی از ایشان که داده شود نامهای گشاده نی

بل لا يخافون الآخرة ۝ كلا إنه تذكرة ۝

بلکه نمیترسند از آخرت نی نی هر آینه قرآن پندیست

فمن شاء ذكره ۝ وما يذكرون إلا أن يشاء

پس هر که خواهد بخواند آنرا و یاد نمیکنند پندگان مگر وقتیکه خواسته باشد

الله هو أهل التقوى وأهل المغفرة ۝

خدای اوست سزاوار آنکه از و بترسند و اوست سزاوار آنکه بیامرزد

سورة القيمة مكية وهي أربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

لا أقسم بيوم القيمة ۝ ولا أقسم بالنفس اللوامة

قسم میخورم بروز قیامت و قسم میخورم بنفس ملامت کننده

أيحسب الإنسان ألن نجمع عظامه ۝ بلى

آیا پندارد آدمی که جمع نکنیم استخوانها آری بکنیم

قدرين على أن نسوي بنانه ۝ بل يريد الإنسان

توانا شد بر آنکه هموار کنیم سر انگشتهای او را بلکه می خواهد آدمی

ثلثه

ع



ليفجر امامه ۝ يسئل ايان يوم القيمة ۝ فاذا برق
كه معصيت كند در زماني مي پرسد كي خواهد بود روز قيامت پس چون خيره گردد

البصر ۝ وخسف القمر ۝ وجمع الشمس والقمر ۝
چشم و تيره گردد ماه و جمع كرده شود آفتاب و ماه

يقول الانسان يومئذ اين المفر ۝ كلا
گويد آدمي آن روز كه كجاست گريزگاه ني ني

لا وزر ۝ الى ربك يومئذ المستقر ۝ ينبؤا
نيست هيچ پناه بسوي پروردگار تست آن روز قرارگاه خبر داده شود

الانسان يومئذ بما قدم واخر ۝ بل الانسان
آدمي آن روز بآنچه پيش فرستاده بود و پس گذاشته است بلكه آدمي

على نفسه بصيرة ۝ ولو القى معاذيره ۝ لا تحرك
براي الزام خود حجت و اگرچه درميان آرد عذرهاي خود را مجنبان

به لسانك لتعجل به ۝ ان علينا جمعه وقرانه ۝
بتكرار قرآن زبان خود را تا زود درگيري آنرا [illegible] بر ما جمع كردن قرآن

فاذا قراناه فاتبع قرانه ۝ ثم ان علينا بيانه ۝
پس چون بخوانيم آنرا دل خود در پي آن دل باز هرآينه وعده است بر ما واضح كردن

كلا بل تحبون العاجلة ۝ وتذرون الاخرة ۝
ني ني بلكه دوست ميداريد دنيا را و ترك كنيد آخرت

وجوه يومئذ ناضرة ۝ الى ربها ناظرة ۝ ووجوه
بسياره روها آن روز تازه باشند بسوي پروردگار خود نظر كننده باشند و بسياره

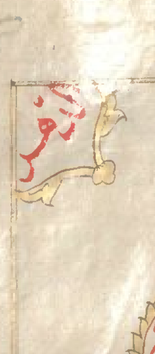
رو بهي

يومئذ باسرة ۝ تظن ان يفعل بها فاقرة ۝
آن روز درهم كشيده باشند توقع كنند كه درميان آورده باشد بايشان مصيبتي

كلا اذا بلغت التراقي ۝ وقيل من راق ۝ و
ني ني وقتيكه برسد روح بچنبر گردن و گفته شود كيست افسون كننده و

ظن انه الفراق ۝ والتفت الساق بالساق ۝
يقين دانست كه اين وقت جدا شدن روح است و به پيچد يك ساق بساق ديگر

الى





الى ربك يومئذ المساق فلا صدق ولا
بسوی پروردگار تست آنروز روان کردن پس نه باور داشت آدمی دین

صلى ولكن كذب وتولى ثم ذهب الى
نماز گزارد ولیکن دروغ شمرد و روی گردان گشت باز برفت بسوی

اهله يتمطى اولى لك فاولى ثم اولى لك
اهل خانه خود خرامان شده وای بر تو پس وای باز دیگر وای بر تو

فاولى ايحسب الانسان ان يترك سدى
پس وای ای پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود

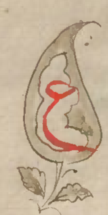
الم يك نطفة من منى يمنى ثم كان علقة
آیا نبود نطفه از منی که ریخته شده در رحم باز بود خون بسته

فخلق فسوى فجعل منه الزوجين الذكر و
پس بیافرید خدا پس درست اندام کرد پس ساخت از آن منی دو قسم مرد را و

الانثى اليس ذلك بقادر على ان يحيى الموتى
زن را آیا نیست این خدای توانا بر آنکه زنده کند مردگان را

سورة الدهر مكية وهي احدى وثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان



هل اتى على الانسان حين من الدهر
بر آینه آمد است بر آدمی مدتی از زمان

لم يكن شيئا مذكورا انا خلقنا الانسان
که نبود چیزی ذکر کرده شده بر آینه ما آفریدیم آدمی را

من نطفة امشاج نبتليه فجعلنه سميعا
از قطره منی درهم آمیخته از چند چیز بس سازیم پس ساختیم شنوا

بصيرا انا هدينه السبيل اما شاكرا واما
بینا بر آینه ما دلالت کردیم آدمی را خواه شکر کننده یا

كَفُورًا ۝ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَا وَأَغْلَالًا

ناسپاس دارنده برآینه ما آماده ساخته ایم برای کافران زنجیرها و طوقها

وَسَعِيرًا ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ

و آتش افروخته برآینه نیکوکاران بنوشند از پیاله شراب که آمیزش وی

مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ

آب چشمه کافور باشد چشمه که می آشامند ازان بندگان خدا

يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ

روان کنند انرا روان کردنی وفا میکنند بنذر و میترسند

يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ

از روزی که مشقت آن فاش باشد و میدهند طعام با وجود احتیاج

عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ

بآن درویش را و یتیم را و زندانی را جز این نیست که طعام

لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝

برای ذات خدا نمیطلبیم از شما مزدی و نه شکری

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝

برآینه ما میترسیم از پروردگار خود روزی ترش نهایت سخت

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ

پس نگاهداشت ایشان را خدا از سختی آن روز و رسانید ایشان را بتازگی

سُرُورًا ۝ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۝

و خوشحالی و جزا داد ایشان را بمقابله صبر ایشان بوستان و جامه ابریشمی

مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا

تکیه زده باشند آنجا بر تختها نه بینند آنجا

شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا

گرمی آفتاب و نه سردی تند را و نزدیک شده باشد بر ایشان سایها

وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۝ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ

و سهل کرده شود میوه های سهل کردنی و آورده شود بر ایشان

سیدهم شمار

بآنیة

بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا قَوَارِيرَا
باونها از نقره و جامها که باشند مانند آبگینها آبگینه

مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا
از نقره اندازه کرده باشند اندازه کردنی و نوشانیده شوند ایشان را آنجا

جام خسروانی

كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا
شرابی که هست امیزش آن از چشمه زنجبیل چشمه است در بهشت که نام آن نهاده بشود سلسبیل

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ
و آمد و شد کنند بر ایشان کودکان جاوید چون بینی ایشان را

حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ
پنداری که ایشان مروارید ناسفته افشانده شده و چون بینی آنجا به بینی

نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ
نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ بالای ایشان باشند جامهای سبز از دیبای نازک

وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ
و دیبای ستبر بالای ایشان باشند و زیور پوشانیده شوند ایشان را دستوانها از نقره و بنوشانید

ایشان را



رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
پروردگار ایشان شراب نهایت پاک هرآینه این نعمت هست شما را جزای اعمال

وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ
و هست سعی شما قبول کرده شده هرآینه ما فرود آوردیم بر تو

الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا
قرآن را فرود آوردنی پس شکیبائی کن بر حکم پروردگار خود و

تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ
فرمان مبر از ایشان آدم گناهکاری را یا ناسپاسداری را و یاد کن نام پروردگار خود را

بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ
صبح و شام و بعض ساعات شب نماز گذار برای او و پاکی یاد کن او را

لَيْلًا طَوِيلًا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ
وقت دراز از شب هرآینه این کافران رغبت می کنند به دنیا و ترک



يذرون وراءهم يوما ثقيلا ۝ نحن خلقنهم
ترک کنند پس پشت خود را روز گران را ما آفریدیم ایشان را
وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم
و محکم کردیم رگ ایشان و چون خواهیم عوض آریم قومی مانند ایشان
تبديلا ۝ ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ
بطریق بدل کردن بر آینه این پند است پس هرکه خواهد بگیرد
الى ربه سبيلا ۝ وما تشاءون الا ان يشاء
بسوی پروردگار خود راه را و نمی خواهید مگر آنکه خواهد
الله ان الله كان عليما حكيما ۝ يدخل من يشاء
خدا بر آینه خدا است دانای با حکمت داخل میکند هر که را خواهد
في رحمته والظلمين اعد لهم عذابا اليما ۝
در رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده

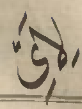
سورة المرسلت مكية وهي خمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

والمرسلت عرفا ۝ فالعصفت عصفا ۝ و
قسم به بادهای فرستاده شده بوجه نیک قسم بادهای تند و تیز بطریق شدت و
النشرت نشرا ۝ فالفرقت فرقا ۝ فالملقيت
قسم به بادهای منتشر کننده ابر پراگنده کردن پس قسم بیادهای از هم جدا کننده ابر پاره پاره کردن پس قسم
ذكرا ۝ عذرا او نذرا ۝ انما توعدون لوقع ۝
فرود آرنده وحی برای دفع عذر یا برای ترسانیدن بر آینه آنچه وعده داده میشود شما البته بودنی
فاذا النجوم طمست ۝ واذا السماء فرجت
پس وقتیکه ستارها بی نور گردانیده شود و وقتی که آسمان شکافته گردد
واذا الجبال نسفت ۝ واذا الرسل اقتت
و وقتیکه کوهها را پاره پاره شده آید و وقتیکه پیغامبران بمیعادی معین جمع کرده شود



بجماعات فرشتگان



لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۝ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
برای کدام روز مهلت پیغمبران را موقوف داشته شد روز فیصل کردن و چه چیز خبر داد ترا
مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝
که چیست روز فیصل کردن وای آن روز دروغ شمارندگان را
أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ۝ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۝
آیا هلاک نکردیم پیشینیان را بعد از آن در پی ایشان آریم پسینان
كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝
همچنین میکنیم گنهکاران را وای آن روز دروغ شمارندگان را
أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ۝ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ
آیا نیافریده ایم شما را از آب حقیر پس نهادیم آن آب را در جای
مَّكِينٍ ۝ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۝ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ
مضبوط تا اندازه معین پس اندازه کردیم پس نیکو
الْقَادِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝
کنندگانیم ما وای آن روز دروغ شمارندگان
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ۝ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ۝
آیا نساخته ایم زمین را جمع کننده آدمیان زندگان را و مردگان را
وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم
و آفریدیم در زمین کوههای بلند و نوشانیدیم شما را
مَّاءً فُرَاتًا ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ انطَلِقُوا
آب شیرین وای آن روز دروغ شمارندگان را گفته شود بروید
إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ انطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ
بسوی چیزی که آنرا دروغ میشمردید بروید بسوی سایه
ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۝ لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ
صاحب سه شعبه نه سایه سرد باشد و نه کفایت کند از
اللَّهَبِ ۝ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ۝ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ
گرمی آتش برآینه آن آتش می افگند شررها مانند کوشکها گو یا آن شررها اشتران

صفر ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم لا
زرد است واى آن روز دروغ شمارندگان را اين روز روزيست

ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون ويل
كه سخن نگويند ونه دستورى داده شود ايشان را تا عذر تقرير نمايند واى

يومئذ للمكذبين هذا يوم الفصل
آن روز دروغ شمارندگان را اين روز روز فيصل كردن است

جمعنكم والاولين فان كان لكم كيد
جمع كرديم شما را با پيشينيان پس اگر شما را حيله هست

فكيدون ويل يومئذ للمكذبين ان
بر سگالى در حق من واى آن روز دروغ شمارندگان را هر آينه



المتقين فى ظلل وعيون وفواكه مما يشتهون
متقيان در سايهها باشند ودر چشمها ودر ميوهها كه از جنسى كه رغبت كنند

كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون انا كذلك
بخوريد و بنوشيد خوردنى نوشيدنى گوارا بانچه ميكرديد ما هر آينه همچنين

نجزى المحسنين ويل يومئذ للمكذبين
جزا ميدهيم نيكوكاران واى از روز دروغ شمارندگان را

كلوا وتمتعوا قليلا انكم مجرمون ويل
بخوريد وبهره مند باشيد اندكى هر آينه شما اى گناهكاريد واى

يومئذ للمكذبين واذا قيل لهم اركعوا
از روز دروغ شمارندگان را وچون گفته شود ايشان را نماز گذاريد

لا يركعون ويل يومئذ للمكذبين
نماز نمى گذارند واى آن روز دروغ شمارندگان را

فباى حديث بعده يؤمنون
پس بكدام سخن بعد از قرآن ايمان آرند

سورة النبا مكية وهى اربعون اية

عم

الجزو الثلاثون

بسم الله الرحمن الرحيم

عم يتساءلون ۝ عن النبإ العظيم ۝ الذي هم
از چه چیز کافران با یکدیگر سوال میکنند از چیزی بزرگ که ایشان
فيه مختلفون ۝ كلا سيعلمون ۝ ثم كلا
دران اختلاف دارند نی نی خواهند دانست بار دیگر نی نی
سيعلمون ۝ ألم نجعل الأرض مهادا ۝ والجبال
خواهند آیا نساخته ایم زمین را فرشی و نساخته ایم کوهها را
أوتادا ۝ وخلقناكم أزواجا ۝ وجعلنا نومكم
میخها و آفریدیم شما را نر و ماده و ساختیم خواب شما را
سباتا ۝ وجعلنا الليل لباسا ۝ وجعلنا النهار
راحتی و ساختیم شب را پرده و ساختیم روز را
معاشا ۝ وبنينا فوقكم سبعا شدادا ۝ و
وقت طلب معیشت و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان محکم و
جعلنا سراجا وهاجا ۝ وأنزلنا من المعصرات
آفریدیم چراغ درخشنده و فرود آوردیم از ابرها
ماء ثجاجا ۝ لنخرج به حبا ونباتا ۝ وجنات
آب ریزان تا برآریم بآن آب دانه و گیاه را و بوستانهای
ألفافا ۝ إن يوم الفصل كان ميقاتا ۝ يوم ينفخ
درهم پیچیده هرآینه روز فیصل کردن هست وقت معین روزی که دمیده شود
في الصور فتأتون أفواجا ۝ وفتحت السماء
در صور پس بیایند گروه گروه و شکافته شود آسمان
فكانت أبوابا ۝ وسيرت الجبال فكانت
پس باشد دروازه دروازه و روان کرده آید کوهها پس باشند مانند
سرابا ۝ إن جهنم كانت مرصادا ۝ للطاغين
سراب هرآینه دوزخ هست انتظار کننده سرکشان را



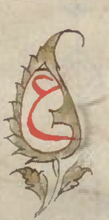
مَآبًا ۝ لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا ۝ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا
بت مرجع ایشانرا درانند بروی ازمنها درنگ کنندگان نچشند آنجا

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۝ جَزَآءً
خنکی را ونه هیچ آشامیدنی را مگر آب گرم و زرد آب را جزا داده شد

وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۝ وَكَذَّبُوا
موافق را هر آینه ایشان توقع نمیداشتند حساب را و تکذیب کردند

بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَٰهُ كِتَٰبًا ۝ فَذُوقُوا
آیات ما را بدروغ داشتن و هر چیزی را ضبط کردیم بطریق نوشتن پس بچشید

فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ۝ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝
پس زیاده نخواهیم داد شما را مگر عقوبت هر آینه متقیان را مطلب یابی باشد



حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا ۝ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ۝ وَكَأْسًا
و درختان انگور باشد و زنان دوشیزه هم عمر یکدیگر باشند و پیاله شراب

دِهَاقًا ۝ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا ۝
پر کرده باشند نشنوند آنجا سخن بیهوده ونه دروغ شمردن را

جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ۝ رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
جزا داده شد عطا نموده شد حساب کرده شد از پروردگار تو پروردگار آسمانها

وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ
و زمین و آنچه مابین ایشانهاست خدای بخشاینده نتوانند از هیبت وی

خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا
سخن گفتن روز که بایستند فرشته روح و سایر فرشتگان برصف زده

لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ
سخن نگویند حاضران محشر مگر کسیکه دستوری داده باشد او را خدا و گفته باشد

صَوَابًا ۝ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلْحَقُّ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ
سخن درست آن روز محقق است پس هرکرا خواهد بگیرد بسوی

رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ۝ إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ۝ يَوْمَ يَنظُرُ
پروردگار خود مرجع هر آینه ترسانیدیم از عقوبت نزدیک بنده روز که ببینند



المرءُ ما قدمت يداه ويقول الكافر يا ليتني كنت

آدمی آنچه پیش فرستاده دو دست وی و بگوید کافر ای کاش من

سورة النزعت مكية — ترابا — فيه ست واربعون

خاک بودمی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان



والنزعت غرقا والنشطت نشطا والسبحت

قسم بجانها فرشتگان که نزع میکنند و قسم بجانهای فرشتگان که بیرون می آرند و قسم بفرشتگان

سبحا فالسبقت سبقا فالمدبرت امرا يوم

که شنا میکنند و قسم بفرشتگان که سبقت میکنند پس قسم بجانهای فرشتگان که تدبیر میکنند روزی که

ترجف الراجفة تتبعها الرادفة قلوب

بجنبد جنبیده از پس وی درآید درآینده دلها

يومئذ واجفة ابصارها خاشعة يقولون

آن روز ترسان باشند بر دیدهای آنجا عه خواری هویدا شده باشند میگویند کافران

ءانا لمردودون في الحافرة ءاذا كنا عظاما

آیا باز گردانیده شویم بحالت نخستین آیا چون شویم استخوانهای پوسیده

نخرة قالوا تلك اذا كرة خاسرة فانما هي

باز زنده شویم گفتند آن رجوع آنگاه رجوع زیان دهنده باشد پس جز این نیست

زجرة واحدة فاذا هم بالساهرة هل اتك

که آن واقعه یک آواز تند است پس ناگهان ایشان بر روی زمین آمده باشند آیا آمده است پیش تو

حديث موسى اذ نادىه ربه بالواد المقدس

خبر موسی چون آواز داد وی را پروردگار او بوادی پاک

طوى اذهب الى فرعون انه طغى فقل

طوی نام که برو بسوی فرعون هرآینه او از حد گذشته است پس بگو

هل لك الى ان تزكى واهديك الى ربك

هیچ هست ترا آنکه پاکیزه شوی و راه نمایم ترا بسوی پروردگار تو

فتخشى ۝ فأريه الآية الكبرى ۝ فكذب وعصى ۝
پس بترسی — پس نمود او را معجزه بزرگ — پس دروغ داشت و نافرمانی کرد
ثم أدبر يسعى ۝ فحشر فنادى ۝ فقال أنا ربكم
پس از مجلس بازگشت تدبیر کنان — پس جمع کرد قوم خود را پس آواز داد پس گفت پروردگار
الأعلى ۝ فأخذه الله نكال الآخرة والأولى ۝
بزرگوار ترشمایم — پس گرفتار کرد او را خدا بعذاب آخرت — و دنیا
إن في ذلك لعبرة لمن يخشى ۝ ءأنتم أشد
هر آینه درین چیز پندیست برای هرکه — بترسد — آیا شما محکم ترید
خلقا أم السماء بناها ۝ رفع سمكها فسويها ۝
در آفرینش یا آسمان خدا بنا کند — بلند ساخت ارتفاع او را پس درست ساخت



وأغطش ليلها وأخرج ضحيها ۝ والأرض بعد
و تاریک کرد شب او را و بظهور آورد روشنی روز او را — و زمین را بعد
ذلك دحيها ۝ أخرج منها ماءها ومرعيها ۝
آفرینش آسمان هموار کرد — بیرون آورد ازین آب را و چراگاه او را
والجبال أرسيها ۝ متاعا لكم ولأنعامكم ۝
و کوهها را استوار کرد — از برای منفعت شما — و چهارپایان شما
فإذا جاءت الطامة الكبرى ۝ يوم يتذكر
و قتیکه آمد بلا بزرگ — روزی که یاد کند
الإنسان ما سعى ۝ وبرزت الجحيم لمن يرى ۝
آدمی آنچه عمل کرده بود — و ظاهر شود دوزخ برای هر که ببیند
فأما من طغى ۝ وآثر الحيوة الدنيا ۝ فإن الجحيم
پس کسیکه از حد درگذشته باشد و برگزیده باشد زندگانی دنیا — پس دوزخ همان است
هي المأوى ۝ وأما من خاف مقام ربه و
جای او — و اما کسیکه ترسیده باشد از ایستادن بحضور پروردگار خویش
نهى النفس عن الهوى ۝ فإن الجنة هي المأوى ۝
و بازداشته باشد نفس را از شهوات — پس هر آینه بهشت همان است جای او



يسئلونك عن الساعة ايان مرسها فيم انت

می پرسند ترا از قیامت کی باشد تحقیق آن در چه چیزی تو

من ذكرها الى ربك منتهها انما انت منذر

از علم آن بسوی پروردگار تست منتهای آن جز این نیست که تو ترساننده‌ای

من يخشها كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا

کسی را که بترسد از وی روزی که ببینند آن جا گوئی که ایشان درنگ نکرده بودند مگر

عشية او ضحها

وقت شام یا وقت ضحی که بعد آن

سورة العبس مكية اثنان واربعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

عبس وتولى ان جاءه الاعمى وما يدريك

روی ترش کرد و اعراض نمود سبب آنکه بیامد پیش او نابینا و چه چیز خبر کرد ترا

لعله يزكى او يذكر فتنفعه الذكرى

شاید وی پاک شود یا پندی شنود پس نفع دهد او را آن پند شنیدن

اما من استغنى فانت له تصدى وما

اما کسی که توانگر است پس تو بسوی او اقبال میکنی و نیست

عليك الا يزكى واما من جاءك يسعى و

بر تو در آن که پاک نشود و اما کسی که بیامد پیش تو شتابان و او

هو يخشى فانت عنه تلهى كلا انها تذكرة

از خدای خود ترسان باشد پس تو از وی غفلت میکنی نی هر آینه این آیات قرآن پند است

فمن شاء ذكره في صحف مكرمة مرفوعة

پس هر که خواهد یاد کند قرآن را هر آینه آیات قرآن ثبت است در نامه‌های گرامی بلند قدر

مطهرة بايدي سفرة كرام بررة قتل

پاک کرده شده بدستهای نویسندگان بزرگان نیکوکردار لعنت کرده شد

الانسان ما اكفره من اي شيء خلقه

باد آدمی چه بلا ناسپاس است خدا از چه چیز آفرید

ع

سبب نزول آنکه [illegible] نابینای از قرابت صحابه
نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
آمد [illegible]
و [illegible] صلی الله علیه وسلم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم
در آنحالت به دعوت [illegible]
از اشراف عرب مشغول بودند
[illegible]
و اعراض نمودند حق تعالی
بر خلق عظیم دلالت



مِن نُّطفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

از نطفه منی آفریدش پس اندازه معین کردش باز راه برا انداس نمودش

ثُمَّ اَمَاتَهُ فَاَقبَرَهُ ثُمَّ اِذَا شَآءَ اَنشَرَهُ كَلَّا

باز بمیرانیدش پس در گور کردش باز وقتی که خواست زنده ساختش نی نی

لَمَّا يَقضِ مَآ اَمَرَهُ فَليَنظُرِ الاِنسَانُ اِلٰى طَعَامِهِ

عمل نیاورد آنچه فرمودش پس باید که درنگرد آدمی بسوی طعام خود

اَنَّا صَبَبنَا المَآءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقنَا الاَرضَ شَقًّا

که ما ریختیم آب ریختنی باز شگافتیم زمین را شگافتنی

فَاَنبَتنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضبًا وَزَيتُونًا وَ

پس رویانیدیم دران زمین دانه را و انگور و سبزی و زیتون را و

نَخلًا وَحَدَآئِقَ غُلبًا وَفَاكِهَةً وَاَبًّا مَتَاعًا

درختان خرما و باغها که درختان بسیار دارد و میوه را و علف دواب را برای منفعت

لَّكُم وَلِاَنعَامِكُم فَاِذَا جَآءَتِ الصَّآخَّةُ يَومَ

شما و چهار پایان شما پس وقتیکه بیاید آواز سخت روزیکه

يَفِرُّ المَرءُ مِن اَخِيهِ وَاُمِّهِ وَاَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ

بگریزد برادر از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود و از زن خود

وَبَنِيهِ لِكُلِّ امرِئٍ مِّنهُم يَومَئِذٍ شَاْنٌ يُّغنِيهِ

و از فرزندان خود هر مردی را از ایشان آنروز شغلی است که کفایت میکندش

وُجُوهٌ يَّومَئِذٍ مُّسفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّستَبشِرَةٌ

یکپاره روبهای روز روشن باشند خندان و شادان

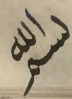
وَوُجُوهٌ يَّومَئِذٍ عَلَيهَا غَبَرَةٌ تَرهَقُهَا قَتَرَةٌ

و یکپاره روبهای آنروز بران غبار باشد غالب آید بروی تاریکی

اُولٰٓئِكَ هُمُ الكَفَرَةُ الفَجَرَةُ

اینجماعه ایشانند کافران و بدکاران

سورة التكوير مكية وهي تسع وعشرون



التكوير



بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

اذا الشمس كوّرت وإذا النجوم انكدرت
و وقتیکه آفتاب پیچیده شود و وقتی که ستارها تیره شوند

وإذا الجبال سيّرت وإذا العشار عطّلت
و وقتیکه کوهها روان کرده شوند و وقتیکه ماده شتران باردار را معطل گذاشته شود

وإذا الوحوش حشرت وإذا البحار سجّرت
و وقتیکه جانوران وحشی را جمع کرده شود و وقتیکه دریاها را مثال آتش افروخته شود

وإذا النفوس زوّجت وإذا الموءودة سئلت
و وقتیکه ارواح را با اجساد جمع کرده شود و وقتیکه دختری را که زنده در گور کرده بودند پرسیده شود

بأيّ ذنب قتلت وإذا الصحف نشرت
بکدام گناه کشته شد و وقتیکه نامهای اعمال را گشاده کرده شود

وإذا السماء كشطت وإذا الجحيم سعّرت
و وقتیکه آسمان پوست برکنده شود و وقتیکه دوزخ افروخته شود

وإذا الجنّة أزلفت علمت نفس ما أحضرت
و وقتیکه بهشت را نزدیک کرده شود بداند هر شخصی آنچه حاضر ساخته است

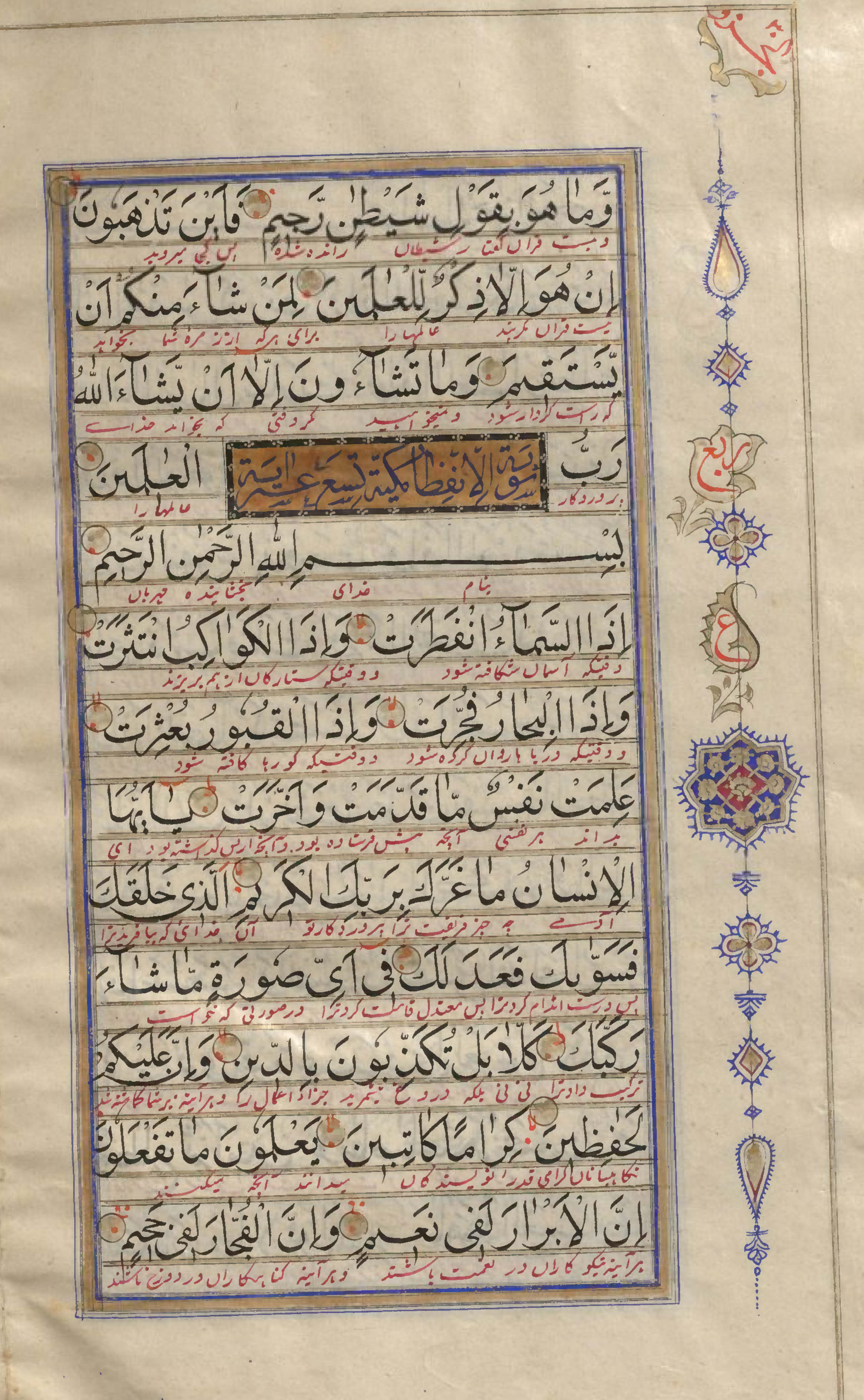
فلا أقسم بالخنّس الجوار الكنّس والليل
پس قسم بخورم بستارها باز گردنده و سیر ناینده غایب شوند و قسم بشب

إذا عسعس والصبح إذا تنفّس إنّه لقول رسول
چون باز گردد و قسم بصبح چون بدر آید هر آینه قران گفتار فرستاده است

كريم ذي قوّة عند ذي العرش مكين
گرامی قدر صاحب توانائی با وقار نزدیک خداوند عرش و فرمانبردارگی

مطاع ثمّ أمين وما صاحبكم بمجنون و
با جاه منصف با امانت و نیست این یار شما دیوانه و

لقد رآه بالأفق المبين وما هو على الغيب بضنين
هر آینه یار شما دیده بود آن فرشته را بکرانه ظاهر و نیست یار شما بر علم نهان بخل کننده



وما هو بقول شيطن رجيم فاين تذهبون
و نيست قرآن گفت شيطان رانده شده پس کجا ميرويد
ان هو الا ذكر للعلمين لمن شاء منكم ان
نيست قرآن مگر پند عالمها را برای هر که از شما بخواهد
يستقيم وما تشاءون الا ان يشاء الله
که راست گردد و نخواهيد کرد چيزی مگر که بخواهد خدای
رب العلمين
پروردگار عالمها را

سورة الانفطار مكية تسع عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاينده مهربان
اذا السماء انفطرت واذا الكواكب انتثرت
وقتيکه آسمان شکافته شود و وقتيکه ستارگان از هم بريزند
واذا البحار فجرت واذا القبور بعثرت
و وقتيکه درياها روان کرده شود و وقتيکه گورها کافته شود
علمت نفس ما قدمت واخرت يايها
بداند هر نفسی آنچه پيش فرستاده بود و آنچه پس گذاشته بود ای
الانسان ما غرك بربك الكريم الذي خلقك
آدمی چه چيز فريفت ترا بپروردگار تو آن خدای کريم که بيافريد ترا
فسويك فعدلك في اي صورة ما شاء
پس درست اندام کرد ترا پس معتدل قامت کرد ترا در صورتی که خواست
ركبك كلا بل تكذبون بالدين وان عليكم
ترکيب داد ترا نی بلکه دروغ ميشمريد جزای اعمال را و هر آينه بر شما نگاهبانند
لحفظين كراما كاتبين يعلمون ما تفعلون
نگاهبانان گرامی قدر نويسندگان ميدانند آنچه ميکنيد
ان الابرار لفي نعيم وان الفجار لفي جحيم
هر آينه نيکوکاران در نعمت باشند و هر آينه گناهکاران در دوزخ باشند

ربع

ع

يصلونها

يصلونها يوم الدين ۝ وما هم عنها بغائبين ۝

در آيند بدوزخ روز جزا را ... و نباشند از آنجا غايب شده

وما ادريك ما يوم الدين ۝ ثم ما ادريك ما

و چه چيز مطلع ساخت ترا كه چيست روز جزا باز ... چه چيز مطلع ساخت ترا

يوم الدين ۝ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا ۝

كه چيست روز جزا روزيست كه نتواند هيچ كس هيچ فايده رسانيدن

والامر يومئذ لله ۝

و فرمان آن روز خدا را باشد

سورة التطفيف مكية و آيها ستة و ثلثون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداي بخشاينده مهربان

ويل للمطففين ۝ الذين اذا اكتالوا على الناس

واي حقوق مردم كاهنده كان را آنانكه چون بپيمايند بر مردمان



يستوفون ۝ واذا كالوهم او وزنوهم يخسرون ۝

سخت گرفته تمام بگيرند و چون خواهند كه بپيمايند يا بسنجند كم كنند

الا يظن اولئك انهم مبعوثون ليوم عظيم ۝

آيا نميدانند اين جماعه كه ايشان برانگيخته خواهند شد در روزي بزرگ

يوم يقوم الناس لرب العلمين ۝ كلا ان كتب

روزيكه ايستاده شوند مردمان پيش پروردگار عالمها حقا هر آينه نامه اعمال

الفجار لفي سجين ۝ وما ادريك ما سجين ۝

گناهكاران داخل شوند در سجين و چه چيز مطلع ساخت ترا كه چيست سجين

كتب مرقوم ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝

كتابيست نوشته شده واي آن روز دروغ شمارندگان را

الذين يكذبون بيوم الدين ۝ وما يكذب به

آنانكه بدروغ نسبت ميكنند روز جزا را و دروغ نمي شمرد آن را

الا كل معتد اثيم ۝ اذا تتلى عليه ايتنا قال

مگر هر ستمكار گناهگار چون خوانده شود بر وي آيات ما گويد

ربع

أساطير الأولين ۝ كلا بل ران على قلوبهم
افسانهای پیشینیان است . نی نی زنگ بسته است بر دلهای ایشان

ما كانوا يكسبون ۝ كلا إنهم عن ربهم يومئذ
آنچه میکردند . نی نی هر آینه ایشان از پروردگار خویش آن روز

لمحجوبون ۝ ثم إنهم لصالوا الجحيم ۝ ثم يقال هذا
محجوب باشند . باز هر آینه ایشان درآیندگان در دوزخ باشند . باز گفته شود ایشان را

الذي كنتم به تكذبون ۝ كلا إن كتب
اینست آنچه شما او را دروغ شمردید . نی نی ظاهر آینه نامه اعمال

الأبرار لفي عليين ۝ وما أدرىك ما عليون ۝
نیکوکاران داخل شود در علیین . و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون

كتب مرقوم ۝ يشهده المقربون ۝ إن الأبرار
کتابیست نوشته شده . که حاضر شوند نزدیک آن نزدیک کردگان خدا . هر آینه نیکوکاران

لفي نعيم ۝ على الأرائك ينظرون ۝ تعرف
در نعمت باشند . بر تختها نشسته نظر می کنند هر جانب . بشناسی

في وجوههم نضرة النعيم ۝ يسقون من رحيق
در روی ایشان تازگی نعمت . نوشانیده شود ایشان را از شراب خالص

مختوم ۝ ختمه مسك ۝ وفي ذلك فليتنافس
سر بمهر . مهر او از مشک باشد . و در همین شراب باید که رغبت کنند

المتنافسون ۝ ومزاجه من تسنيم ۝ عينا يشرب
رغبت کنندگان . و آمیزش آن از شراب تسنیم باشد . چشمه که می نوشند

بها المقربون ۝ إن الذين أجرموا كانوا من الذين
بآن نزدیک کردگان خدا . هر آینه گناهکاران با

امنوا يضحكون ۝ وإذا مروا بهم يتغامزون ۝
مسلمانان میخندیدند . و چون میگذشتند با مسلمانان با یکدیگر چشم میزدند حقارت

وإذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين ۝
و چون باز میگشتند با اهل خانه خود باز میگشتند شادمان شده

الانشقاق

وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوْا اِنَّ هٰؤُلَآءِ لَضَآلُّوْنَ ۝ وَمَا
و چون ببینند مسلمانان را بگفتند بر آینه ایشان گمراهان اند و نه

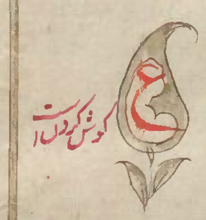
اُرْسِلُوْا عَلَيْهِمْ حٰفِظِيْنَ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
فرستاده شده بود بر ایشان نگهبانان پس امروز مسلمانان

مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُوْنَ ۝ عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ۝
با کافران بخندند بر تختها نشسته نظر میکنند هر جانب

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ۝
آیا جزا داده شد کافران را بجهت آنچه میکردند

سُوْرَةُ الْاِنْشِقَاقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسٌ وَعِشْرُوْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان



کوش کرد آسمان

اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ۝ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝
و چنانکه آسمان بشکافد و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار

وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ۝ وَاَلْقَتْ مَا فِيْهَا وَتَخَلَّتْ ۝
و چنانکه زمین را کشیده شود و بر آید آنچه در آن باشد و خالی شود

وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ يٰاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ
و گوش کند فرمان پروردگار خود را ای مردمان بر آینه تو کار کننده

كَادِحٌ اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيْهِ ۝ فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ
با ملاقات پروردگار خود بکوشش تمام پس ملاقات خواهی کرد پس اما هر که داده شد

كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَّسِيْرًا ۝
او را نامه او بدست راستش پس باو حساب کرده شود حساب آسان

وَّيَنْقَلِبُ اِلٰى اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ۝ وَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ
و باز گردد بسوی اهل خانه خوشنودان شده و اما هر که داده شد او را

كِتٰبَهٗ وَرَآءَ ظَهْرِهٖ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُوْا ثُبُوْرًا ۝ وَ
نامه اعمال او از پس پشتش پس خواهد یاد کرد هلاک را و



يَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝

خواهد در آمد بر آتش سوزان براینه او بود اندر اهل خانه خود شادمان

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ۝ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝

براینه وی گمان کرده بود که رجوع نکند سوی خدا آری رجوع کردنی است براینه پروردگار

او بود باحوال او بینا

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۝ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝ وَالْقَمَرِ

پس سوگند میخورم بسرخی کناره آسمان و قسم میخورم بشب و آنچه او را جمع کرده است و قسم میخورم بماه

إِذَا اتَّسَقَ ۝ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ۝ فَمَا لَهُمْ

چون تمام شود خواهید رسید بحالی بعد حالی پس چیست مرایشان را



لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

که ایمان نمی آرند و چون خوانده شود برایشان قرآن سجده نمیکنند

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

بلکه آن کافران دروغ میشمارند و خدا داناتر است بآنچه

يُوعُونَ ۝ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

در دل خود نگاه میدارند پس خبر کن ایشان را بعذاب دردمند لیکن آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝

و کارهای شایسته کردند ایشان راست مزد بی نهایت

سورة البروج مكية وهي اثنان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان



وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝ وَ

قسم بآسمان خداوند برجها و قسم بروزی که وعده کرده است و

شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۝ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۝ النَّارِ

قسم بروزی که در هر هفته حاضر میشود هلاک کرده شدند اهل خندقها از قسم آتش

ذَاتِ الْوَقُودِ ۝ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝ وَهُمْ عَلَىٰ مَا

خداوند هیزم بسیار وقتی که ایشان برکناره خندقها نشسته بودند و ایشان آنچه

يفعلون

يفعلون بالمؤمنين شهود ۝ وما نقموا منهم
میکردند با مسلمانان حاضر بودند و عیب نکردند از ایشان

الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد ۝ الذي له
مگر این خصلت را که ایمان آرند بخدای غالب و ستوده کار آنکه او راست

ملك السموت والارض والله على كل شىء
پادشاهی آسمان و زمین و خدا بر هر چیز

شهيد ۝ ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنت
مطلع است هر آینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را

ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب
باز توبه نمودند پس ایشان راست عذاب دوزخ و ایشان راست عذاب

الحريق ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصلحت
سوختن هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

لهم جنت تجرى من تحتها الانهر ذلك الفوز
ایشان راست بوستانها میرود در زیر آن جویها این است فیروزی

الكبير ۝ ان بطش ربك لشديد ۝ انه هو
بزرگ هر آینه دست درازی پروردگار تو سخت است هر آینه او

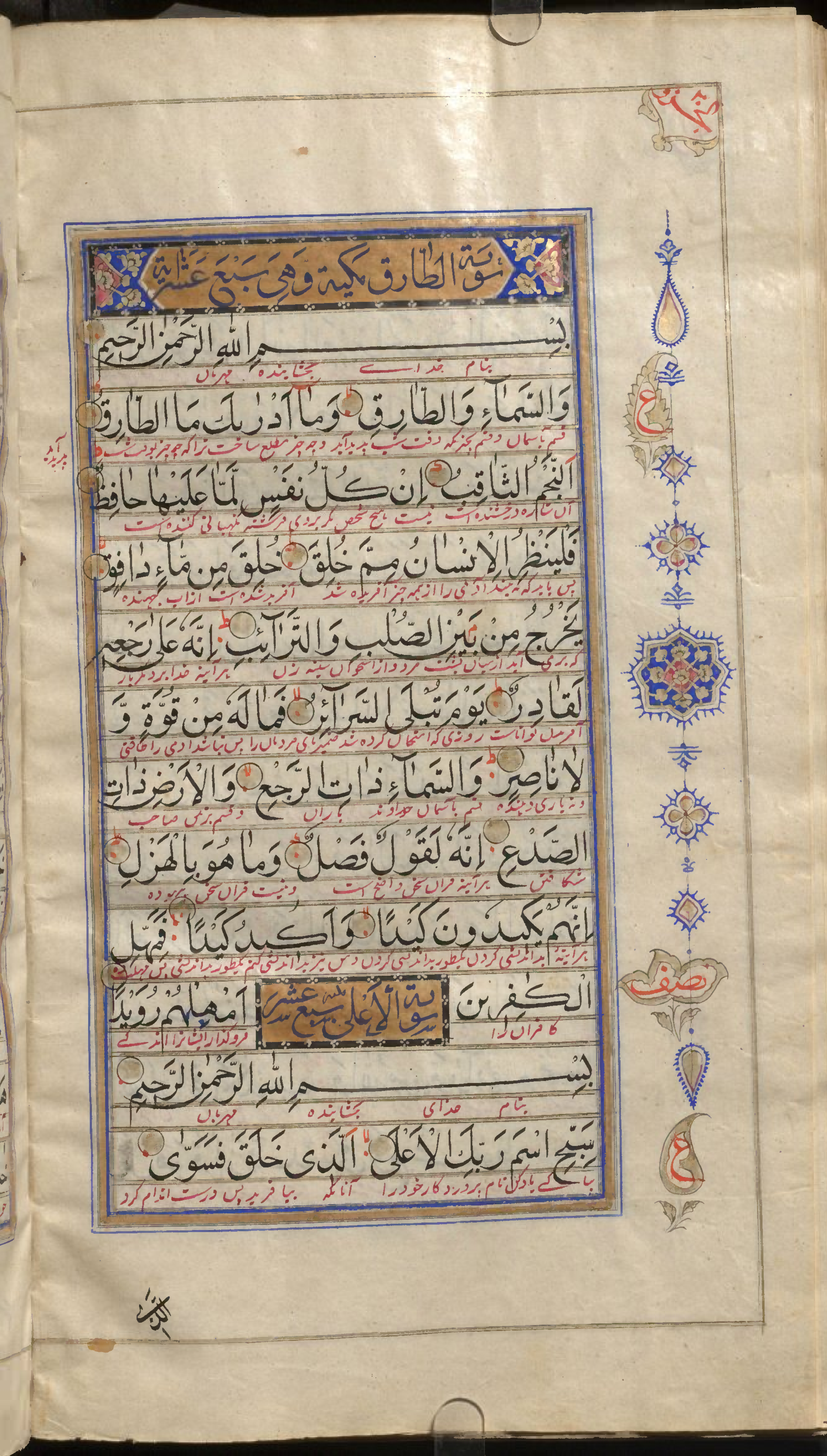
يبدئ ويعيد ۝ وهو الغفور الودود ۝ ذو
آفرینش نو میکند و آفرینش دوباره میکند و او است آمرزگار دوست دار خداوند

العرش المجيد ۝ فعال لما يريد ۝ هل اتىك
عرش است گرامی قدرت کننده است هر چیزی را آیا آمده است بتو

حديث الجنود ۝ فرعون وثمود ۝ بل الذين
خبر لشکرهای فرعون فرعون و ثمود بلکه

كفروا في تكذيب ۝ والله من وراىهم محيط ۝
کافران در دروغ انگاشتند و خدا از گرداگرد ایشان گیرنده است

بل هو قرءان مجيد ۝ في لوح محفوظ ۝
بلکه این قرآن گرامی قدر است نوشته شده در لوح محفوظ است



سورة الطارق مكية وهي سبع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

والسماء والطارق ۝ وما ادرىك ما الطارق ۝
قسم باسمان و قسم بچیزیکه در وقت شب پدید آید و چه چیز مطلع ساخت ترا که چه چیز بود شب

النجم الثاقب ۝ ان كل نفس لما عليها حافظ ۝
آن ستاره درخشنده است نیست هیچ شخص مگر بروی فرشته نگهبانی کننده است

فلينظر الانسان مم خلق ۝ خلق من ماء دافق ۝
پس باید که بنگرد آدمی را از چه چیز آفریده شد آفریده شده است از آب جهنده

يخرج من بين الصلب والترائب ۝ انه على رجعه
که بیرون می آید از میان پشت مرد و از استخوان سینه زن هر آینه خدا بر دو باره

لقادر ۝ يوم تبلى السرائر ۝ فما له من قوة و
آفریدن تواناست روزی که امتحان کرده شد ضمیرهای مردمان را پس نباشد آدمی را هیچ قوتی

لا ناصر ۝ والسماء ذات الرجع ۝ والارض ذات
و نه یاری دهنده قسم باسمان خداوند باران و قسم بزمین صاحب

الصدع ۝ انه لقول فصل ۝ وما هو بالهزل ۝
شکافتن هر آینه قران سخن واضح است و نیست قران سخن بیهوده

انهم يكيدون كيدا ۝ واكيد كيدا ۝ فمهل
هر آینه ایشان بد اندیشی کردن بطور بد اندیشی کردن و من نیز بد اندیشی کنم بطور بد اندیشی پس مهلت

الكافرين

سورة الاعلى سبع عشرة

امهلهم رويدا ۝
کافران را فروگذار ایشان را اندکی

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

سبح اسم ربك الاعلى ۝ الذى خلق فسوى ۝
بپاکی یاد کن نام پروردگار خود را آنکه بیافرید پس درست اندام کرد

حزب

ع

نصف

ع

الذی

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝ وَالَّذِي أَخْرَجَ
و آنکه اندازه کرد پس راه نمود و آنکه بر آورد

الْمَرْعَى ۝ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۝ سَنُقْرِئُكَ
گیاه تازه باز ساخت آنرا خشک شده سیاه گشته قرآن تعلیم خواهیم کرد ترا

فَلَا تَنْسَى ۝ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ
پس فراموش نخواهی کردن مگر آنچه خدا خواسته است هر آینه خدا میداند آشکارا را

وَمَا يَخْفَى ۝ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ۝ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ
و پنهان و توفیق خواهیم داد بمعرفت شریعت آسان پس پند ده اگر سود کند

الذِّكْرَى ۝ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى
پند دادن پند خواهد گرفت هر که میترسد و یکسو خواهد شد از آن پند بدبخت ترین مردم

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا
آنکه خواهد در آید باتش بزرگ باز نمیرد انجا

وَلَا يَحْيَى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
و نه زنده باشد هر آینه رستگار گشت هر که پاک باشد و یاد کرد نام پروردگار خود را

فَصَلَّى ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ
پس نماز گذارد بلکه اختیار میکنید زندگانی این جهانی را و آخرت

خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ إِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝
بهتر است پاینده هر آینه این مقدمه مذکور بود در صحیفهای نخستین

صُحُفِ إِبْرٰهِيمَ وَمُوسَى ۝
صحیفهای ابراهیم و موسی

سورة الغاشية ست وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
آیا آمده است بتو خبر قیامت بسیار رویها آن روز

خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۝ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً ۝
خوار باشند کار کنند محنت کشنده باشند در آیند باتش افروخته شده



تسقى من عين آنية ۝ ليس لهم طعام الا من
آب نوشانیده شوند از چشمه بغایت گرم نباشد ایشان را هیچ طعامی مگر از
ضريع ۝ لا يسمن ولا يغني من جوع ۝ وجوه
ضریع که فربه نکند و دفع گرسنگی نشاید بسیار رویها
يومئذ ناعمة ۝ لسعيها راضية ۝ في جنة
آن روز تازه تازه باشند بسعی خود رضامند شده در بهشت
عالية ۝ لا تسمع فيها لاغية ۝ فيها عين جارية ۝
عالی نشنوی ای هیچ سخن بیهوده درانجا چشمه روان باشد
فيها سرر مرفوعة ۝ واكواب موضوعة ۝ و
درانجا تختهای بلند باشد و کوزها نهاده شده و
نمارق مصفوفة ۝ وزرابي مبثوثة ۝ افلا
وسادها برابر یکدیگر نشسته شده و بساطهای نفیس پراکنده کرده آیا
ينظرون الى الابل كيف خلقت ۝ والى السماء
نمی نگرند بسوی شتران چگونه آفریده شد و بسوی آسمان
كيف رفعت ۝ والى الجبال كيف نصبت ۝
چگونه برداشته شد و بسوی کوهها چگونه برافراشته شد
والى الارض كيف سطحت ۝ فذكر انما انت
و بسوی زمین چگونه پهن گرده شد پس پند ده جز این نیست که تو
مذكر ۝ لست عليهم بمصيطر ۝ الا من تولى و
پند دهنده نیستی تو بر ایشان گماشته شد لیکن هر که روی بگردانید و
كفر ۝ فيعذبه الله العذاب الاكبر ۝ ان الينا
کافر شود پس عذاب کندش خدا بعقوبت بزرگ هر آینه بسوی ماست
ايابهم ۝ ثم ان علينا حسابهم ۝
رجوع ایشان باز هر آینه بسوی ماست حساب ایشان

سورة الفجر مكية وهي ثلاثون آية

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
والفجر وليال عشر والشفع والوتر واليل
قسم صبحهای و شبهای ده گانه و قسم جفت و طاق و قسم شب
اذا يسر هل في ذلك قسم لذي حجر الم تر كيف
چون روان شود آیا در این مقدمه سوگند معتبر است که خداجزا دهنده بندگان است
فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التي لم يخلق
معامله پروردگار تو با قوم عاد که عادارم باشند خداوند خدهای بلند که آفریده نشد
مثلها في البلاد وثمود الذين جابوا الصخر
مانند آن در شهرها و چگونه معامله کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگهای بزرگ
بالواد وفرعون ذي الاوتاد الذين طغوا
در وادی قری و فرعون صاحب میخها آنانکه سرکشی کردند
في البلاد فاكثروا فيها الفساد فصب
در شهرها پس بسیار فعل آوردند در آنجا فساد را پس برریخت
عليهم ربك سوط عذاب ان ربك لبالمرصاد
بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب هرآینه پروردگار تو بکمین گاه است
فاما الانسان اذا ما ابتله ربه فاكرمه
اما آدمی پس چون امتحان کندش پروردگار او پس گرامی کندش
ونعمه فيقول ربي اكرمن واما اذا ما ابتله
و نعمت دهدش گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا و اما چون امتحان کندش
فقدر عليه رزقه فيقول ربي اهانن كلا
پس تنگ سازد بروی رزق وی را گوید پروردگار من حقارت رسانید نی
بل لا تكرمون اليتيم ولا تحاضون على طعام
بلکه گرامی دارید یتیم را و یکدیگر را رغبت نمیدهید بر طعام دادن
المسكين وتاكلون التراث اكلا لما وتحبون
فقیر و میخورید مال میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید



آیا ندیدی که چگونه

الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا
مال را دوست داشتن بسیار نه‌چنین چون پست کرده شود به‌بندی زمین پست کردن

دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ
به‌دست کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده و در آورده شود

يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ
آن روز دوزخ را آن روز یاد کند آدمی

أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي
کی باشد او را نفع آن یاد کردنی گوید ای کاش من پیش فرستادمی عمل نیک را برای این زندگانی

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ
پس آن روز در عذاب نکند مانند عذاب خدا هیچکس و بزنجیر نه بندد

وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝ ارْجِعِي
مانند بستن او هیچ کس ای نفس آرام گیرنده بازگرد

إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي
بسوی پروردگار تو خوشنود شده و از تو خوشنود گشته پس درآ بر زمره بندگان من

وَادْخُلِي جَنَّتِي

و در آی به بهشت من

سورة البلد مكية وهي عشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان



لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ
قسم بخورم بابن شهر و تو حلال خواهی شد بابن شهر

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي
و قسم بخورم بزاینده هرچه زاینده است هر آینه آفریدیم آدمی را در

كَبَدٍ ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝ يَقُولُ
مشقت آیا گمان میکند آدمی که قادر نشود بر وی هیچکس میگوید

أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ
ضایع کردم مال تو بر تو آیا می پندارد که ندیده است او را هیچکس

الم نجعل له عينين ۝ ولسانا وشفتين ۝ و

آیا بنا فریدیم برای او دو چشم را و زبان را و دو لب را و

هدينه النجدين ۝ فلا اقتحم العقبة ۝ وما

دلالت کردیم او را بر دو راه پس در نیاید بگذرگاه سخت و چه چیز

ادريك ما العقبة ۝ فك رقبة ۝ او اطعام

مطلع ساخت ترا که چیست گذرگاه سخت خلاص کردن برده یا طعام دادن

في يوم ذي مسغبة ۝ يتيما ذا مقربة ۝ او

در روز گرسنگی یتیم صاحب قرابت را یا

مسكينا ذا متربة ۝ ثم كان من الذين امنوا

فقیر صاحب خاکساری را بعد ازان باشد از آنانکه ایمان آوردند

وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة ۝

و با یکدیگر وصیت کردند بشکیبائی و با یکدیگر وصیت کردند بشفقت بر خلق الله

اولئك اصحب الميمنة ۝ والذين كفروا باياتنا

آن جماعه ایشانند اهل نیکبختی و آنانکه کافر شدند بآیاتهای ما

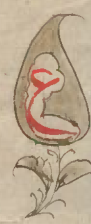
هم اصحب المشئمة ۝ عليهم نار مؤصدة ۝

ایشان اند اهل بدبختی بر ایشان آتشی بسته شود

سورة الشمس مكية وهي خمس عشر اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان



والشمس وضحها ۝ والقمر اذا تلها ۝ والنهار

قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از پی آفتاب در آید و قسم بروز

اذا جلها ۝ واليل اذا يغشها ۝ والسماء وما

چون نمایان کند آفتاب را و قسم بشب چون بپوشاند آفتاب را و قسم بآسمان و

بنها ۝ والارض وما طحها ۝ ونفس وما سوها

بنا کردن خدا و قسم بزمین و هموار ساختن خدا و قسم بنفس آدمی و درست اندام کردن



فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوٰيهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّٰيهَا ۝ پاک ساخت نفس را

پس قسم بالهام خنی خدا انداخت ساخت معصیت ادرا و تقوی ادرا هرآینه رستگار رسید هرکه

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسّٰيهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوٰيهَا

و هرآینه زیانکار رشد هرکه باسفل السافلین بردگرزا   دروغ شمردند قوم ثمود بسرکشی خود

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقٰيهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللّٰهِ نَاقَةَ

و چنگه برخواست بدبخت ترین آن قوم پس گفت ایشان را پیغامبر خدا بگذارید ماده شتری را

اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ

که خدا آفریده است آبخورد اورا پس دروغ شمردند پیغمبر خود را   پس بکشتند ناقه را پس

عقوبت عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّٰيهَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبٰيهَا ۝

بر ایشان پروردگار ایشان بسبب معصیت   و خدای نرسد از پاداش آن عقوبت

سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ إِحْدٰى وَعِشْرُونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام   خدای   بخشاینده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشٰى ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلّٰى ۝ وَمَا

قسم بشب چون بپوشاند   و قسم بروز چون ظاهر شود   و قسم



خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثٰى ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ۝

بآفریدن خدا   مرد و   زن را   هرآینه سعی شما مختلف است

فَأَمَّا مَنْ أَعْطٰى وَاتَّقٰى ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ۝

و اما هرکه   عطا کرد   و پرهیزگاری نمود   و باور داشت ملت نیک را

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ۝

پس توفیق دهیم اورا برای رسیدن بسرای آسایش   و اما هرکه بخل کرد و خود را بی نیاز شمرد

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى ۝ وَمَا

و بدروغ نسبت کرد ملت نیک را پس توفیق دهیم اورا برای رسیدن بسرای دشواری

يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدّٰى ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ۝

و هیچ دفع نکند ازوی مال او وقتی که نگونسار افتد   هرآینه بر ما لازم است راه نمودن

وان

وَاِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى ۝ فَاَنْذَرْتُكُمْ

و بر آینه از آن ماست این جهان و آن جهان پس ترسانیدم شما را

نَارًا تَلَظّٰى ۝ لَا يَصْلٰىهَآ اِلَّا الْاَشْقَى ۝ الَّذِىْ كَذَّبَ

از آتشی که شعله میزند در نیاید بآن آتش مگر بدبخت ترین مردم آنکه سید بدروغ شمرد

وَتَوَلّٰى ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى ۝ الَّذِىْ يُؤْتِىْ مَالَهٗ

و روگردان شود و دور خواهد شد از آن آتش پرهیزکارترین مردم آنکه میدهد مال خود را

يَتَزَكّٰى ۝ وَمَا لِاَحَدٍ عِنْدَهٗ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزٰىٓ ۝

تا پاک نفس گردد و نیست هیچکس نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود

اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلٰى ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضٰى ۝

لیکن میدهد بطلب رضای پروردگار بزرگوار خود را و بر آینه خوشنود خواهد شد خدا

سُوْرَةُ الضُّحٰى مَكِّيَّةٌ وَهِىَ اِحْدٰى عَشَرَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان



وَالضُّحٰى ۝ وَالَّيْلِ اِذَا سَجٰى ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ

قسم بوقت چاشت و قسم بشب چون خوش شد فرو نگذاشت ترا پروردگار تو

وَمَا قَلٰى ۝ وَلَلْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُوْلٰى ۝

و دشمن نگرفت و بر آینه بهتر خواهد بود ترا از دنیا

وَلَسَوْفَ يُعْطِيْكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰٓى ۝ اَلَمْ يَجِدْكَ

و البته نعمت خواهد داد ترا پروردگار تو پس خوشنود خواهی شد آیا نیافت ترا

يَتِيْمًا فَاٰوٰى ۝ وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدٰى ۝ وَ

یتیم پس جا داد و یافت ترا راه گم کرده پس راه نمود

وَجَدَكَ عَآئِلًا فَاَغْنٰى ۝ فَاَمَّا الْيَتِيْمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝

و یافت ترا تنگدست پس توانگر ساخت پس اما یتیم را پس ستم مکن

وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ

و اما سائل را پس بانگ مزن و اما بنعمت پروردگار خود



سورة الانشراح | فحدث | مكية وهي ثمان آية

پس خبر ده

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

الم نشرح لك صدرك ۝ ووضعنا عنك

آيا نكشاده ايم براى تو سينه ترا و دور كرديم از تو

وزرك ۝ الذى انقض ظهرك ۝ ورفعنا لك

بار ترا آن بار كه گران كرده بود پشت ترا و بلند ساختيم براى تو

ذكرك ۝ فان مع العسر يسرا ۝ ان مع العسر

ثناى تو پس هر آينه متصل دشوارى آسانى است البته متصل دشوارى

يسرا ۝ فاذا فرغت فانصب ۝ والى ربك فارغب

آسانى است و چنانكه از كار دو بار فارغ شوى و بسوى پروردگار خود تضرع نما

سورة التين مكية وهى ثمان آية



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

والتين والزيتون ۝ وطور سينين ۝ وهذا

قسم بانجير و زيتون و قسم بطور سينا و قسم باين

البلد الامين ۝ لقد خلقنا الانسان فى

شهر با امن هر آينه آفريديم آدمى در

احسن تقويم ۝ ثم رددنه اسفل سفلين ۝

نيكوترين صورت پس گردانيديم آن را فروتر از همه فرو ماندگان

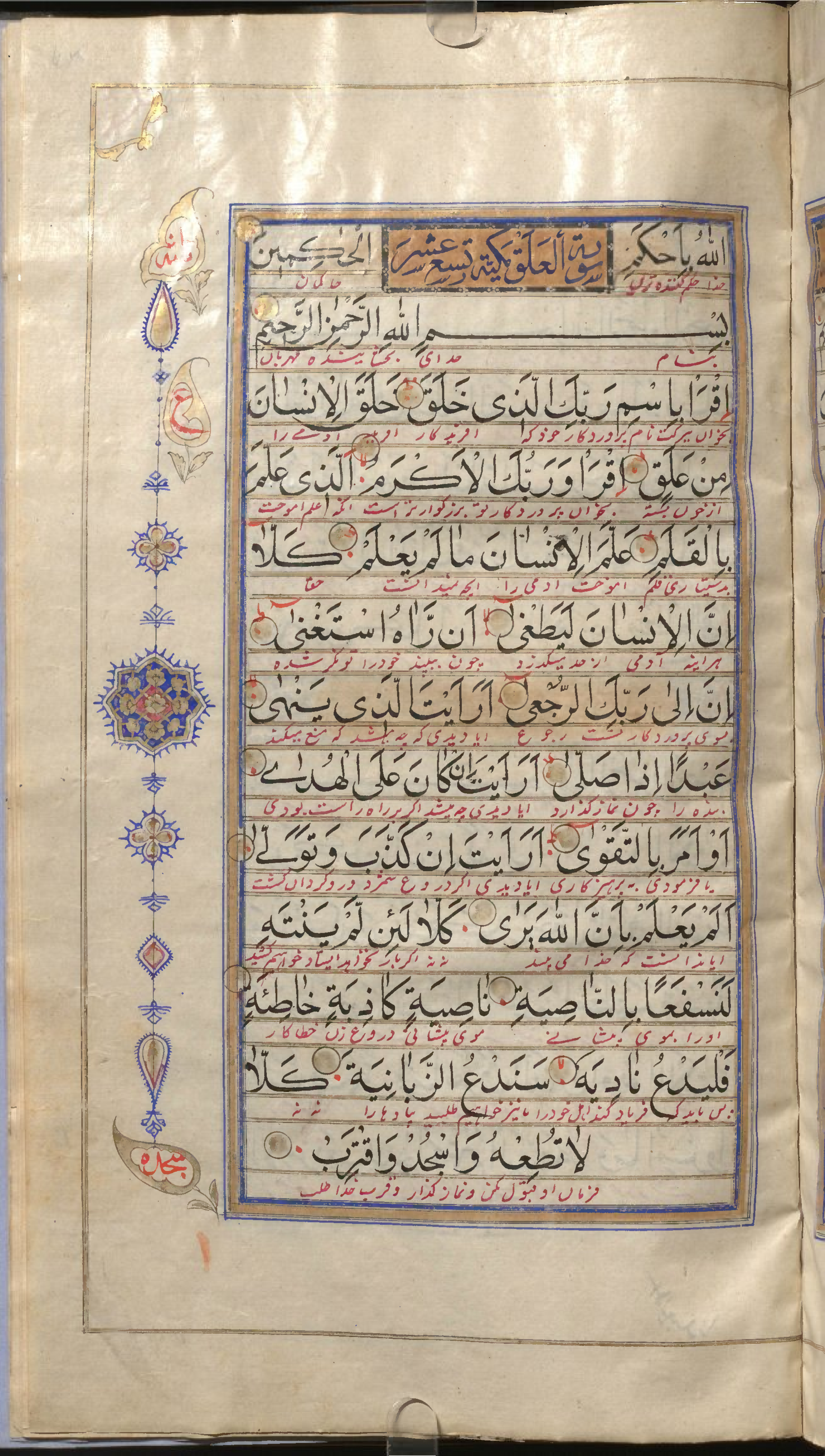
الا الذين امنوا وعملوا الصلحت فلهم اجر

مگر آنانكه ايمان آوردند و كارهاى شايسته كردند پس ايشان راست مزد

غير ممنون ۝ فما يكذبك بعد بالدين ۝ اليس

بى نهايت پس اى آدمى بعد از همه بند بر دروغ شمردن جزاى اعمال آيا نيست

الله



الله باحکم الحاکمین | سورة العلق مکیة تسع عشر

خدا حکم کننده ترین ... حاکمان

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقرأ باسم ربك الذی خلق ۝ خلق الانسان

بخوان بنام پروردگار خود که آفرید کار او آدمی را

من علق ۝ اقرأ وربك الاکرم ۝ الذی علم

از خون بسته. بخوان پروردگار تو بزرگوارتر است آنکه علم آموخت

بالقلم ۝ علم الانسان ما لم یعلم ۝ کلا

بدستیاری قلم آموخت آدمی را آنچه نمیدانست حقا

ان الانسان لیطغی ۝ ان رآه استغنی ۝

هرآینه آدمی از حد بیگذرد چون ببیند خود را توانگر شده

ان الی ربك الرجعی ۝ أرأیت الذی ینهی

سوی پروردگار تست رجوع آیا دیدی که به باشد که منع میکند

عبدا اذا صلی ۝ أرأیت ان کان علی الهدی ۝

بنده را چون نماز گذارد آیا دیدی چه باشد اگر بر راه راست بودی

او امر بالتقوی ۝ أرأیت ان کذب وتولی ۝

یا فرمودی به پرهیزکاری آیا دیدی اگر دروغ شمرد و روگردان گشت

الم یعلم بان الله یری ۝ کلا لئن لم ینته

آیا ندانست که خدا می بیند نه نه اگر باز نخواهد ایستاد خواهیم کشید

لنسفعا بالناصیة ۝ ناصیة کاذبة خاطئة ۝

او را بموی پیشانی موی پیشانی دروغ زن خطاکار

فلیدع نادیه ۝ سندع الزبانیة ۝ کلا

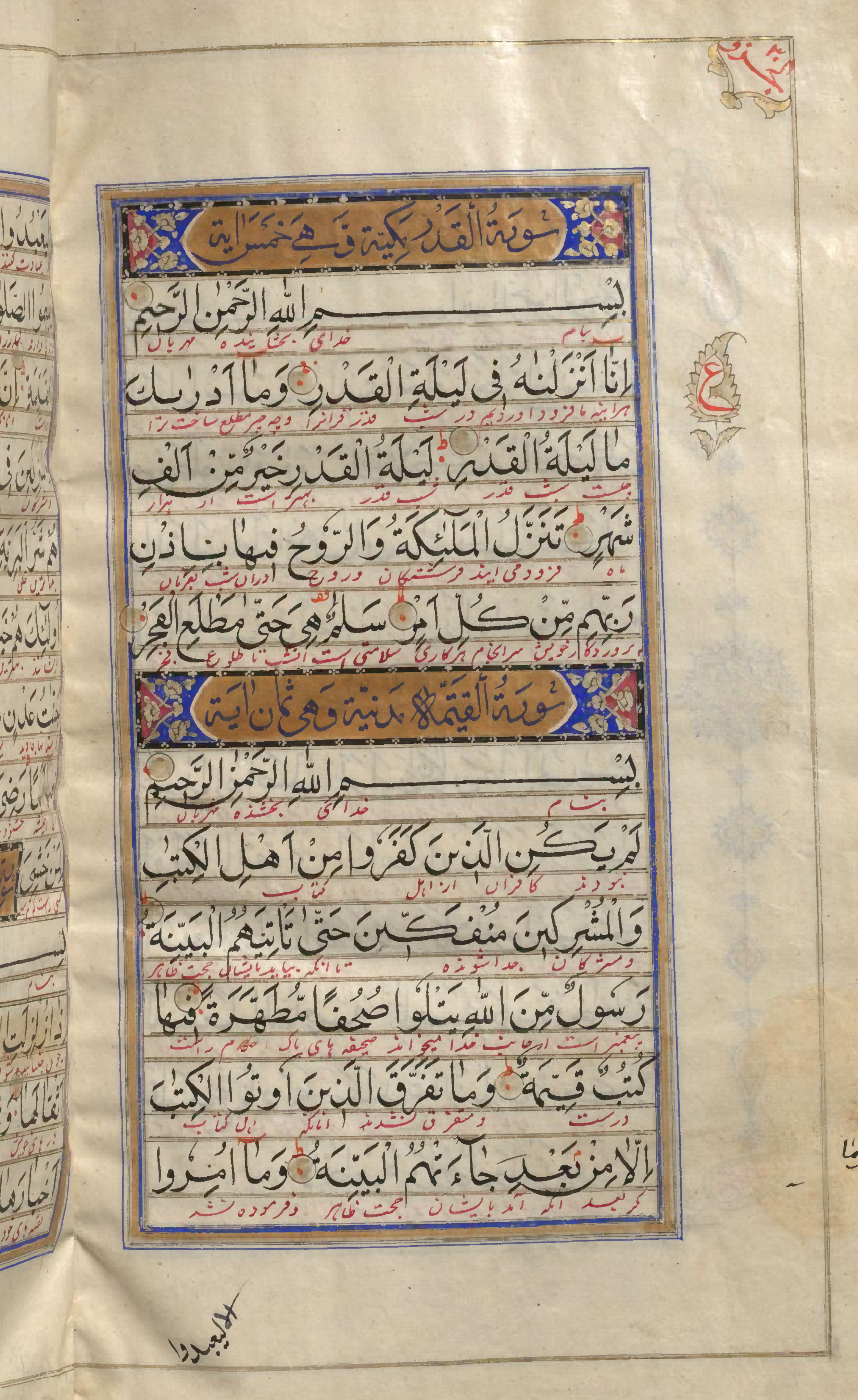
پس باید که فریاد کند اهل خود را ما نیز خواهیم طلبید پادهارا نه نه

لا تطعه واسجد واقترب ۝

فرمان او قبول مکن و نماز گذار و قرب خدا طلب

ع

سجده



سورة القدر مكية وهي خمس آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
إنا أنزلناه في ليلة القدر وما أدراك
هر آینه ما فرود آوردیم در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا
ما ليلة القدر ليلة القدر خير من ألف
چیست شب قدر شب قدر بهتر است از هزار
شهر تنزل الملائكة والروح فيها بإذن
ماه فرود می آیند فرشتگان و روح اندران شب بفرمان
ربهم من كل أمر سلام هي حتى مطلع الفجر
پروردگار خویش سرانجام هر کاری سلامتی است آن شب تا طلوع فجر

سورة القيمة مدنية وهي ثمان آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب
نبودند کافران از اهل کتاب
والمشركين منفكين حتى تأتيهم البينة
و مشرکان جدا شونده تا آنکه بیاید بایشان حجت ظاهر
رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة فيها
پیغمبر است از جانب خدا میخواند صحیفه های پاک احکام راست
كتب قيمة وما تفرق الذين أوتوا الكتاب
درست و متفرق نشدند آنانکه اهل کتاب
إلا من بعد ما جاءتهم البينة وما أمروا
مگر بعد آنکه آمد بایشان حجت ظاهر و فرموده نشد

إلا ليعبدوا

القيمة

الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء

مگر آنکه عبادت کنند خدا را خالص کننده برای پرستش او بدین ابراهیم

ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين

و برپا دارند نماز را و بدهند زکوة را و اینست ملت

القيمة ۝ ان الذين كفروا من اهل الكتب

درست آنانکه کافر شدند از اهل کتاب

والمشركين في نار جهنم خلدين فيها اولئك

و مشرکان در آتش دوزخ جاوید ان آنجا ایشانند

هم شر البرية ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصلحت

بدترین خلق هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

اولئك هم خير البرية ۝ جزاؤهم عند ربهم

ایشانند بهترین خلق جزای ایشان نزد پروردگار ایشان

جنت عدن تجري من تحتها الانهر خلدين

بوستانها جاوید میرود زیر آن جویها همیشه

فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك

آنجا همیشه خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند ایشان از خدا این

لمن خشي ربه

کسی راست که بترسید از پروردگار خود

سورة الزلزال مدنية وهي تسع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

اذا زلزلت الارض زلزالها ۝ واخرجت الارض

چون جنبانیده شود زمین را بجنبش و بیرون آرد زمین

اثقالها ۝ وقال الانسان ما لها ۝ يومئذ تحدث

بارهای خویش و گوید انسان چه حالست آنروز که تقریر کند زمین

اخبارها ۝ بان ربك اوحى لها ۝ يومئذ

قصه های خود بانکه حکم فرستاده است پروردگار تو آن آنروز

ع

يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم فمن يعمل
بار گردند مردمان مختلف احوال تا نموده شود بایشان اعمال ایشان پس هرکه کند
مثقال ذرة خيرا يره ومن يعمل مثقال
همسنگ ذره نیکی ببیند ازرا و هرکه کرده باشد همسنگ
ذرة شرا يره
ذره بدی ببیند ازرا

سورة العديات مكية وهي احدى عشرة

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
والعديت ضبحا فالموريت قدحا فالمغيرت
قسم باسپان تیز دونده قسم باسپان آتش برارنده قسم باسپان
صبحا فاثرن به نقعا فوسطن به جمعا
غارت کننده پس برانگیزند بان وقت غبار را پس درایند بان وقت جماعتی
ان الانسان لربه لكنود وانه على
هر اینه ادمی پروردگار خود ناسپاس هست و هر اینه ادمی بر
ذلك لشهيد وانه لحب الخير لشديد
این مطلع است و ادمی در دوستی داشتن مال مبالغه کننده است
افلا يعلم اذا بعثر ما في القبور وحصل
ایا نمیداند چون برانگیخته شود انچه در گورها باشد و ظاهر ساخته
ما في الصدور ان ربهم بهم يومئذ
انچه در سینه ها باشد هر اینه پروردگار ایشان باحوال ایشان انروز
لخبير
خبردار است

سورة القارعة مكية وهي احدى عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
القارعة ما القارعة وما ادرىك ما
قیامت چیست آن قیامت و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست



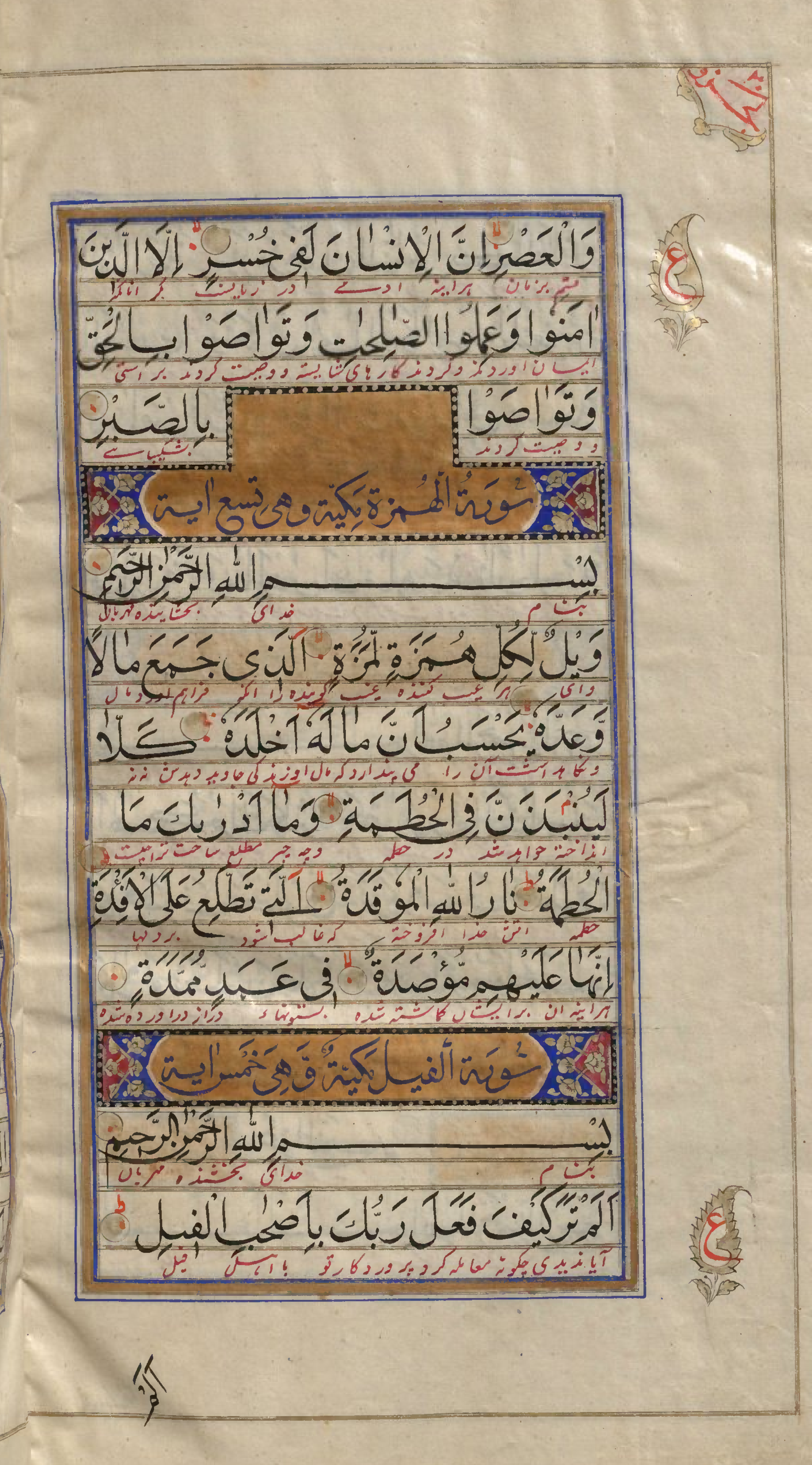
القارعة ۞ يوم يكون الناس كالفراش
قیامت روزیکه باشند مردمان مانند پروانه های
المبثوث ۞ وتكون الجبال كالعهن المنفوش ۞
پراگنده ساخته و باشند کوهها مانند پشم رنگین
فاما من ثقلت موازينه ۞ فهو في عيشة
پس اما هرکه گران باشد به حسنات او پس او در گذران
راضية ۞ واما من خفت موازينه ۞ فامه
نیک باشد و اما هرکه سبک باشد به حسنات او پس جای ماندن او
هاوية ۞ وما ادريك ماهيه ۞ نار حامية ۞
هاویه باشد و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست هاویه آتش است جوشنده

سورة التكاثر مكية وهي ثمان آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۞
بنام خدای بخشنده مهربان
الهكم التكاثر ۞ حتى زرتم المقابر ۞
غافل کرد شمارا بسیار طلبی مال تا اگر رسیدید بگورستان
كلا سوف تعلمون ۞ ثم كلا سوف تعلمون ۞
نه نه خواهید دانست باز نیکو نه خواهید دانست
كلا لو تعلمون علم اليقين ۞ لترون الجحيم
نه نه اگر بدانید حقیقت بعلم یقین البته خواهید دید دوزخ
ثم لترونها عين اليقين ۞ ثم لتسئلن يومئذ
باز البته خواهید دید بچشم یقین باز سوال کرده خواهید شد از روز
عن النعيم ۞
از نعمت

سورة العصر مكية وهي ثلاث آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۞
بنام خدای بخشنده مهربان



والعصر ○ ان الانسان لفى خسر ○ الا الذين

قسم بزمان هر اینه ادمی در زیانست مگر انانکه

امنوا وعملوا الصلحت وتواصوا بالحق

ایمان اوردند و کردند کارهای شایسته و وصیت کردند براستی

وتواصوا بالصبر ○

و وصیت کردند بشکیبایی

سورة الهمزة مكية وهى تسع اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

ويل لكل همزة لمزة ○ الذى جمع مالا

وای هر عیب کننده عیب گوینده را انکه فراهم اورد مال

وعدده ○ يحسب ان ماله اخلده ○ كلا

و نگاه داشت آن را می پندارد که مال او زندگی جاوید دهد حق نه

لينبذن فى الحطمة ○ وما ادريك ما

انداخته خواهد شد در حطمه و چه چیز مطلع ساخت ترا چیست

الحطمة ○ نار الله الموقدة ○ التى تطلع على الافئدة ○

حطمه اتش خدا افروخته که غالب شود بر دلها

انها عليهم مؤصدة ○ فى عمد ممددة ○

هر اینه ان بر ایشان گماشته شده بستونهای دراز دراورده شده

سورة الفيل مكية وهى خمس اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

الم تر كيف فعل ربك باصحب الفيل ○

آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو با اهل فیل

الم

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ
ایا نساخت بد اندیشی ایشانرا در تباهی و فرستاد برایشان

طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۝
جانوران فوج فوج می انداختند بسوی ایشان سنگریزه ها از سنگ گل

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۝
بس ساخت ایشانرا مانند الخر باسے ماند

سورة القريش مكية وهي اربع اية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَ
برای شگر الفت دادن قریش الفت دادن ایشانرا در سفر زمستان و

الصَّيْفِ ۝ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ ۝
تابستان بس عبادت کنید پروردگار این خانه را

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝
انکه طعام داد ایشانرا از گرسنه بودن و امن داد ایشانرا از خوف

سورة الماعون مكية وهي سبع اية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

ع أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۝ فَذَٰلِكَ
آیا دیدی الشخص را که دروغ میشمرد جزای اعمال بس الشخص بر دیست

الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ
باهانت میراند یتیم را و رغبت نمیدهد بر

طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝
طعام مسکین بس وای ان نماز گذارانرا

الذين هم عن صلاتهم ساهون الذين هم
آنانکه از نماز خود غفلت ورزند آنانکه ایشان
يراءون ويمنعون الماعون
ریا میکنند و عاریت نمیدهند ماعون را

سورة الكوثر مكية وهي ثلاث آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
إنا أعطيناك الكوثر فصل لربك و
یا محمد هر آینه ما عطا کردیم ترا کوثر پس نماز گذار برای پروردگار تو
انحر إن شانئك هو الأبتر
و شتر را نحر کن هر آینه دشمن تو همانست دم بریده

سورة الكافرون مكية وقيل مدنية وهي ست آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
قل يا أيها الكافرون لا أعبد ما تعبدون
بگو ای کافران پرستش نمیکنم آنچه شما پرستید
ولا أنتم عابدون ما أعبد ولا أنا عابد
و نه شما پرستش کنید آنچه من می پرستیم و نه من پرستش خواهم کرد
ما عبدتم ولا أنتم عابدون ما أعبد
آنچه پرستیدید و نه شما پرستش خواهید کرد آنچه من می پرستم
لكم دينكم ولي دين
شمارا دین شماست و مرا دین من

سورة النصر مكية وهي ثلاث آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

ع

نصر الله

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
وقتیکه بیاید نصرت خدا بظهور اید فتح و به بینی مردمانرا

يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ
داخل میشوند در دین خدا فوج فوج پس بپاکی یاد کن

بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝
همراه ستایش پروردگار و امرزش طلب از وی هراینه خداهست برحمت رجوع کننده

سُورَةُ اللَّهَبِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسُ آيَةٍ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَى
هلاک باد دو دست ابی لهب و هلاک باد ابولهب هیچ دفع نکرد

عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۝ سَيَصْلَى نَارًا
از سر او مال او و آنچه پیدا کرده بود خواهد درآمد باتش

ذَاتَ لَهَبٍ ۝ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝
صاحب شعله و زن او نیز درآید بردارنده هیزم

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ۝
در گردن او رسنی است از لیف خرما

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ أَرْبَعٌ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝ اللهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَ
بگو خدا یگانه است خدای بی نیاز نه زاد و

لَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝
نه زاده شد و هیچکس نیست اورا همسر

ع



سورة الفلق مكية وهي خمس آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الفلق

بگو پناه میگیرم به پروردگار صبح

من شر ما خلق ومن شر

از شر هرچه آفریده است و از شر

غاسق اذا وقب ومن شر

شب تاریک چون تاریکی منتشر شود و از شر

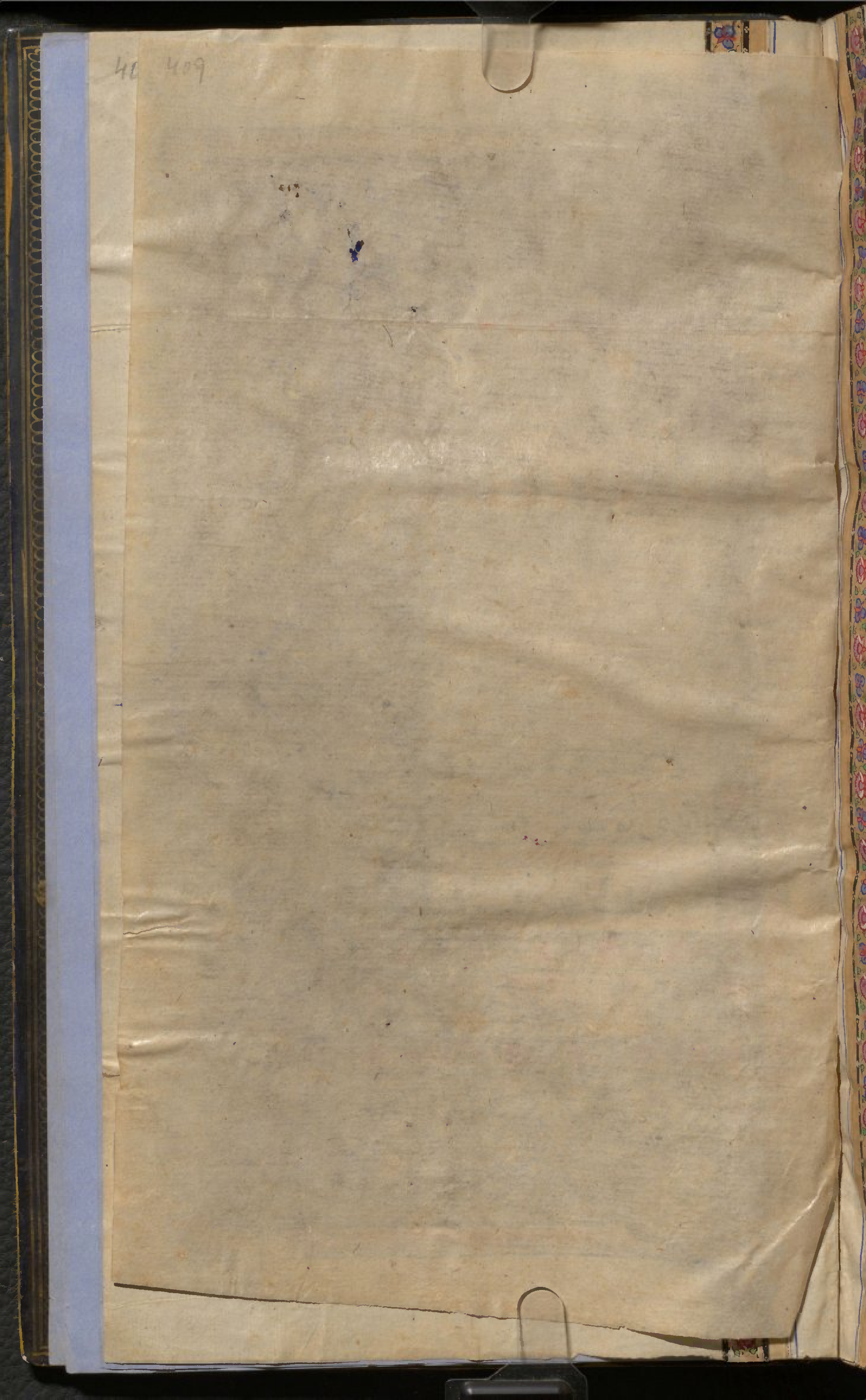
النفثت في العقد ومن

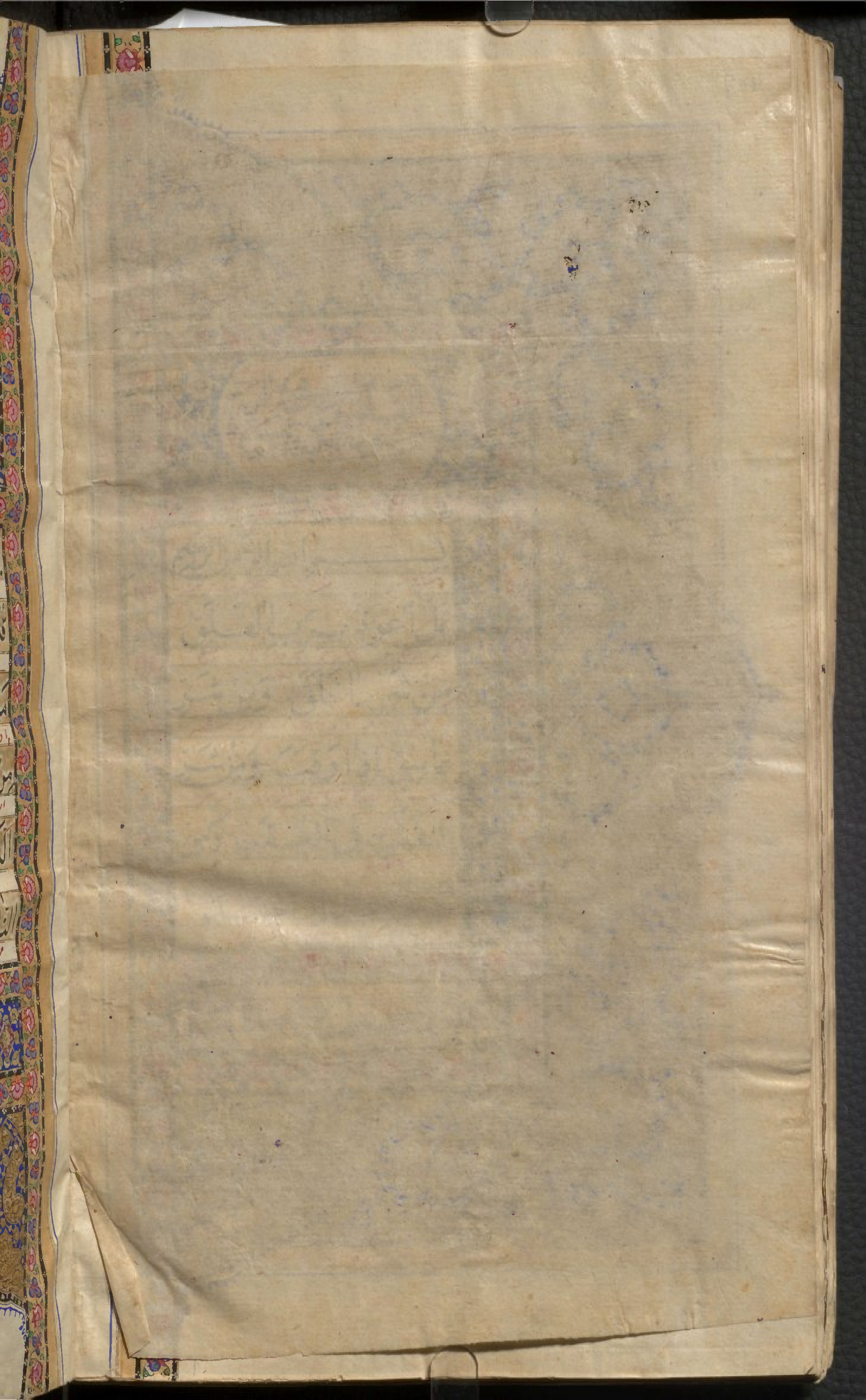
زنان سحر کننده در گره ها و از

شر حاسد اذا حسد

شر حاسد چون حسد کند

وتمت كلمت ربك صدقا


409





سورة الناس ست آيات
مكية وهي

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس
بگو پناه میگیرم بپروردگار مردمان

ملك الناس اله الناس
پادشاه مردمان معبود مردمان

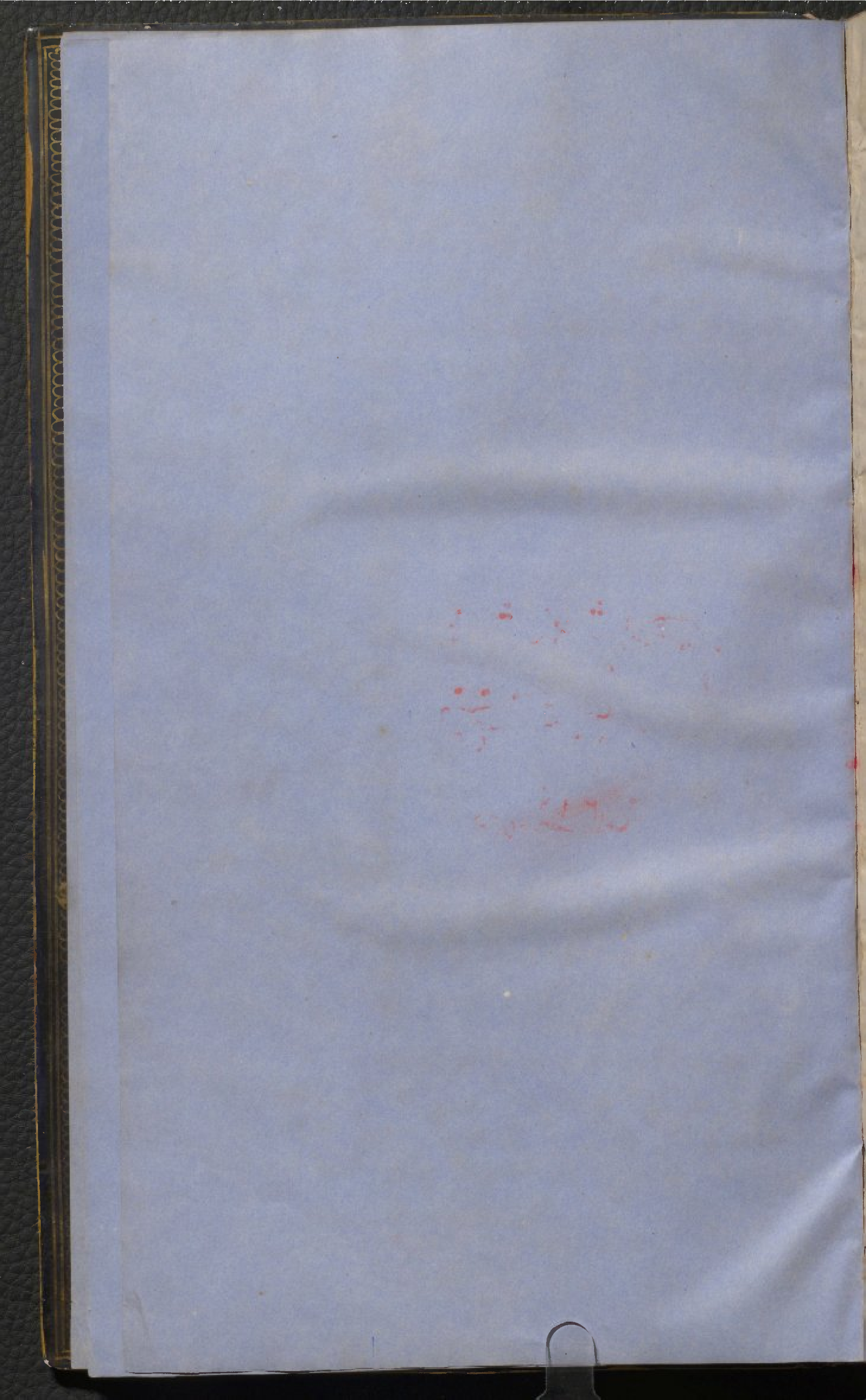
من شر الوسواس الخناس
از شر وسوسه اندازنده خناس

الذی یوسوس فی صدور
انکه وسوسه می افکند در سینه های

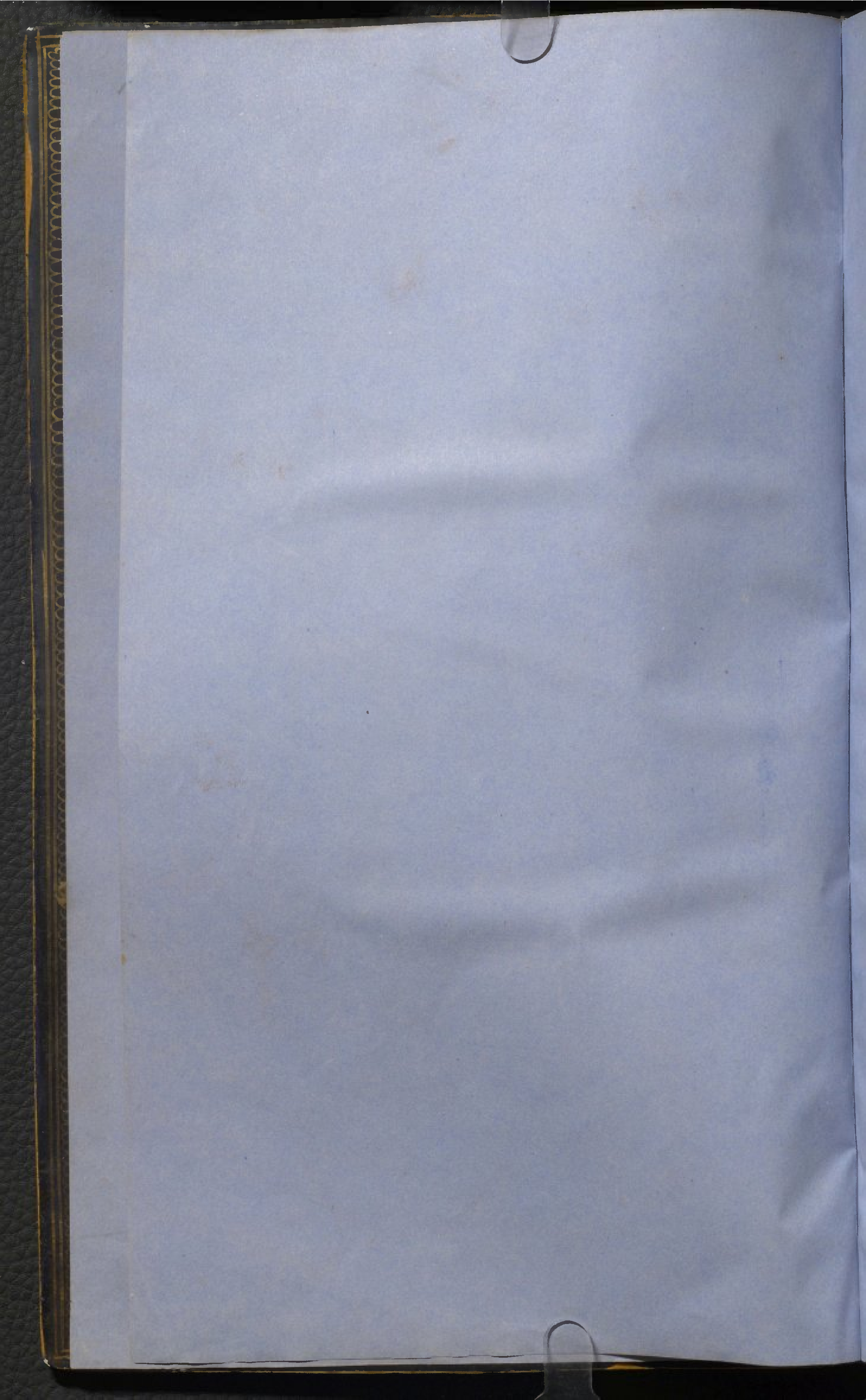
الناس من الجنة والناس
مردمان از دیو واز مردمان ١٢٨٤

وعدلاً لا مبدل لكلماته وهو السميع العليم

نوشته شد در
فرخنده بنیاد حیدرآباد
در سنه ۱۲۸۹







2469

110

The Koran

Persian MS
25/-/-

389

